

جامع المنقول فى سنن الرسول

(جلد دوّم)

Ketabton.com

تأليف :
ابو الفضل ابن الرضا
(علامة برقعى)

|

اقامه می‌گفت، سپس آنحضرت نماز عشاء آخر را می‌خواند و مردم منصرف می‌شدند.

۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ حِينَ يَغِيبُ الْأَفُقُ وَإِنَّ آخِرَ وَقْتِهَا حِينَ يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ (۱)

یعنی: از ابی هریره روایت است که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: اول وقت نماز عشاء هنگامی است که افق ناپدید می‌شود، و آخر وقت آن نیمه شب می‌باشد.

۹- عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ ضَمْرَةَ عَنْ رَجُلٍ مِّنْ جَهَنَّمَ، قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَتَى أُصَلِّي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ؟ قَالَ: إِذَا مَلَأَ اللَّيْلُ بَطْنَ كُلِّ وَادٍ (۲)

یعنی: از عبدالعزیز بن عمرو بن ضمیره از مردی از جهنم روایت است که گفت: از رسول خدا (ص) سؤال کردم که نماز عشاء را چه وقت بخوانم؟ فرمود: وقتی که تاریکی شب فضای هر وادی را پر کند.

۱۰- عَنِ النَّعْمَانَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: أَنَا أَعْلَمُ النَّاسِ أَوْ كَأَعْلَمِ النَّاسِ بِوَقْتِ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِلْعِشَاءِ كَمَا كَانَ يَصَلِّيهَا بَعْدَ سُقُوطِ الْقَمَرِ فِي اللَّيْلَةِ الثَّلَاثَةِ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ (۳)

یعنی: از نعمان بن بشیر روایت است که گفت: من داناترین مردم و یا مانند داناترین مردم به وقت نماز عشاء رسول خدا (ص) می‌باشم، آنجناب آن نماز را بجا می‌آورد، پس از سقوط ماه در شب سوم از اول ماه.

۱۱- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: أَخَّرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَيْلَةَ مِنَ اللَّيَالِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَجَاءَ عُمَرُ فَدَقَّ الْبَابَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَامَ النِّسَاءُ نَامَ الصِّبْيَانِ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: لَيْسَ لَكُمْ أَنْ تُؤَدُّوَنِي وَلَا تَأْتُوا مَرْوَةَ، وَإِنَّمَا عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْمَعُوا وَتُطِيعُوا (۴)

(۱) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۲ / ص ۲۳۲

(۲) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۵ / ص ۳۶۵

(۳) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۴ / ص ۲۷۰

(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۴۶

یعنی: حضرت صادق (ع) میفرمود: رسول خدا (ص) شبی از شبها نماز عشاء را تأخیر انداخت آن مقداریکه خدا خواسته بود، پس عمر آمد و در را کوبید و گفت: يَا رَسُولَ اللَّهِ زَنَا نَاحِيَةً وَبِجَاهِهَا خَوَابِيْدُنَا، پس رسول خدا (ص) بیرون آمد و فرمود: شما حق ندارید مرا اذیت کنید و نه امر کنید، همانا بر شماست که بشنوید و اطاعت کنید.

۱۲- اَعْتَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَيْلَةَ بِالْعَتَمَةِ، فَنَادَاهُ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَالصَّبِيَانُ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَقَالَ: مَا يَنْتَظِرُهَا غَيْرُكُمْ وَكَمْ يَكُنْ يُصَلِّي يَوْمَئِذٍ إِلَّا بِالْمَدِيْنَةِ ثُمَّ قَالَ: صَلُّوْهَا فِيمَا بَيْنَ أَنْ يَغِيْبَ الشَّفَقُ إِلَى ثُلُثِ اللَّيْلِ (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) شبی نماز عشاء را تأخیر انداخت، پس عمر او را ندا کرد که زنان و بچه‌گان خوابیدند، پس رسول خدا (ص) بیرون آمد و فرمود: غیر شما منتظر نماز نیست، و در آنروز نماز خوانده نمی‌شد مگر در مدینه، فرمود: نماز عشاء را بجا آرید در مابین آنوقت که شفق غایب می‌شود تا نیمه شب.

توضیح: چنانکه از اخبار استفاده می‌شود اول وقت نماز عشاء هنگام غایب شدن شفق می‌باشد (مقصود از شفق سرخی آفتاب پس از غروب آفتاب است) که با ناپدید شدن شفق احمر وقت نماز عشاء شروع شده و تا نصف شب وقت آن ادامه دارد. و بعضی از فقهاء آخر وقت نماز عشاء را فقط تا ثلث شب دانسته‌اند. ضمناً هنگام اضطراب هرگاه شخص نتوانست نماز عشاء را تا نصف شب بخواند پس تا طلوع فجر صادق بایستد آن را بجا آورد. مطلب دیگر آنکه چنانکه گذشت وقت فضیلت نمازهای صبح و ظهر و عصر و مغرب در اول وقت آنها می‌باشد. ولی وقت فضیلت نماز عشاء مورد اختلاف است که بعضی گفته‌اند نماز عشاء هر چه بیه آخر وقت آن نزدیکتر شود خواندن آن دارای فضیلت بیشتری است که اخباری در این خصوص وارد شده که ما آن را ذکر کردیم. ولی بعضی خواندن نماز عشاء را در اول وقت دارای فضیلت بیشتری دانسته‌اند و به عمل پیامبر (ص) استدلال کرده‌اند که آنحضرت جز در موارد معدود همواره نماز عشاء را در اول وقت آن بجا آورده است.

۱۸- باب کراهة النوم قبل صلاة العشاء والحديث بعدها

۱- ش فی وصیة النبی (ص) لعلی (ع) قال: وَكَرِهَ النَّوْمَ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ لِأَنَّهُ يَحْرُمُ الرِّزْقَ (۱)

یعنی: در وصیت رسول خدا (ص) به علی (ع)، فرمود: خواب بین نماز مغرب و عشاء کراهت دارد زیرا موجب حرمان رزق می شود.

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ فِيهَا قَصْرًا مِنْ يَاقُوتِ أَحْمَرَ، فَقُلْتُ: يَا جَبْرِيْلَ لِمَنْ هَذَا؟ قَالَ: لِمَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ، وَأَدَامَ الصِّيَامَ، وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ، وَتَهَجَّدَ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ، ثُمَّ قَالَ: وَتَدْرِي مَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ؟ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، قَالَ: لَأَيُّنَا حَتَّى يَمْلِيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ، وَبُرَيْدٌ بِالنَّاسِ هُنَا الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى، لِأَنَّهُمْ يَنَامُونَ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ (۲)

یعنی: حضرت صادق (ع) گفت: رسول خدا (ص) فرموده: وارد بهشت گردیدم، در آن قصری دیدم از یاقوت سرخ، به جبرئیل گفتم این از کیست؟ گفت: برای آنکه سخن او خوب باشد و دائماً روزه گیرد و اطعام طعام کند و به شب که مردم خوابند نماز شب بخواند، سپس فرمود می دانید تهجد به شب و نماز خواندن در حال خواب بودن مردم کدام است؟ عرض کردم خدا و رسول او اعلم است، فرمود: معنی آن این است که خوابد تا نماز عشاء را بخواند، و مقصود از مردم یهود و نصاری است که بین دو نماز می خوابیده اند.

۳- مَوْجِعٌ عَنْ أَبِي بَرزَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ كَرِهَ أَوْ نَهَى النَّوْمَ قَبْلَهَا وَالْحَدِيثَ بَعْدَهَا (۳)

یعنی: ابوبرزه روایت کرده که رسول خدا (ص) مکروه می دانست و یا نهی فرمود از خواب قبل از عشاء و حدیث پس از نماز عشاء را.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۵۶

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۵۷

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۵۶۱

۴- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: جَدَّبَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ
(ص) السَّمْرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ (۱)

یعنی: عبدالله بن مسعود روایت کرده که رسول خدا (ص) ما را مذمت و منع نمود از سخن گفتن پس از نماز عشاء .

۵- م عَنْ النَّبِيِّ (ص): لَأَسْمُرَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَّا لِمَصَلٍّ
أَوْ مُسَافِرٍ (۲)

یعنی: از پیغمبر (ص) روایت است که فرمود: گفتگویی پس از نماز عشاء نیست مگر برای نمازگزار و یا مسافر .

۶- م قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِيَّاكُمْ وَالسَّمْرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ
الْآخِرَةِ وَإِذَا تَنَاهَقَتِ الْجُمُورُ مِنَ اللَّيْلِ فَاسْتَعِيدُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ (۳)
یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: بهره‌زید از گفتگو پس از نماز عشاء
وهرگاه الاغها بعضی از شب صدا کردند پس، از شیطان به
خدا پناه برید .

۷- م عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ لَا يَنَامُ قَبْلَهَا
وَلَا يَتَحَدَّثُ بَعْدَهَا (۴)

یعنی: از عایشه روایت است که رسول خدا (ص) قبل از نماز عشاء
نمی‌خوابید و پس از آن حدیث نمی‌گفت .

۱۹- باب اسم صلاة العشاء

۱- م عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: يَا
عَبْدَ الرَّحْمَنِ لَا تَغْلِبَنَّ عَلَيَّ اسْمَ صَلَاتِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَمَّاها الْعِشَاءَ
وَإِنَّمَا سَمَّاها الْأَعْرَابُ الْعَتَمَةَ مِنْ أَجْلِ إِعْتَامِ حَلَبِ إِبِلِهِمْ (۵)

- (۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۳۰ .
(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۵۶۱ . موسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۶۹ .
(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۵۶۳ .
(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۵۶۵ .
(۵) المصنف / ج ۱ / ص ۵۶۶ .

یعنی: «از عبدالرحمن بن عوف روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: ای فلانی برنام نمازتان مغلوب نشوید زیرا خدا آنرا عشاء نامید و همانا اعراب آنرا عَتَمَه نامیدند برای خاطر عقب انداختن شیر شترانشان». این روایت با کمی اختلاف در کتاب مستدرک نیز ذکر شده (۱)

مؤلف گوید: چنانکه رسول خدا (ص) فرموده چون حق تعالی در کتاب خود، نماز عشاء را بهمین نام ذکر فرموده، نباید نام دیگری بر آن گذارد، ولی حرام نیست چنانکه در بعضی روایات بجای عشاء، نام عَتَمَه ذکر شده، از جمله روایت زیر:

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التَّيِّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ لَأَسْتَهَمُوا عَلَيْهِمَا وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي التَّهْجِيرِ لَأَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ لَأَتَوْهُمَا وَ لَوْ حَبَبُوا، فَقُلْتُ لِمَالِكٍ أَمَا يَكْرَهُ أَنْ يَقُولَ الْعَتَمَةَ؟ قَالَ: هَكَذَا قَالَ النَّبِيُّ حَدَّثَنِي (۲)

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: اگر مردم بدانند چه چیز و چه برکتی در اذان گفتن و صفا اول است هرآینه قرعه می انداختند برای وصول به آن دو، و اگر می دانستند چه برکتی در پیش شدن برای نماز اول وقت است، هرآینه به سوی آن سبقت می گرفتند و اگر می دانستند چه فائده و بهره ای است در نماز عشاء و صبح هرآینه به آن حاضر می شدند و اگر چه به راه رفتن به راه باشد، پس به مالک گفتم: آیا به گفتن عَتَمَه کراهت نداشت؟ گفت: آنکه مرا حدیث گفت چنین گفت.

۲۰- باب وقت الصلاة في العذر و الضرورة

۱- ش و ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَدْرَكَ رُكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ

(۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۸۴ و ۱۹۶

(۲) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۲ / ص ۲۷۸

فَقَدْ أُدْرِكَ الصَّلَاةَ (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس رکعتی از نماز را درک کند، بتحقیق نماز را درک کرده است.

۲- م ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أُدْرِكَ مِنَ الْعَصْرِ رُكْعَةً قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ فَقَدْ أُدْرِكَهَا، وَمَنْ أُدْرِكَ مِنَ الصُّبْحِ رُكْعَةً قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَقَدْ أُدْرِكَهَا (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که از نماز عصر قبل از غروب خورشید یک رکعت، درک کند، گویا آن نماز را درک کرده، و کسی که از نماز صبح پیش از طلوع خورشید، رکعتی درک کند، آنرا درک کرده است.

۳- قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا أُدْرِكَ أَحَدُكُمْ أَوَّلَ سَجْدَةٍ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ فَلْيَتِمَّ صَلَاتَهُ وَإِذَا أُدْرِكَ أَوَّلَ سَجْدَةٍ مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَلْيَتِمَّ صَلَاتَهُ (۳)

یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما اولین سجده از نماز عصر را پیش از غروب خورشید درک کند، باید نماز خود را تمام بخواند، و همچنین اگر اولین سجده از نماز صبح را پیش از طلوع خورشید درک کند باید نماز خود را تمام کند.

بنا بر احادیث فوق هرگاه کسی کمتر از یک رکعت نماز را درک وقت کند نمازش قضا می باشد. و منظور از سجده در احادیث فوق، یک رکعت کامل است که به سجده تمام می شود.

۲۱- باب الجمع بین الصَّلَاتین فی الحضر

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الْمَطِيرَةِ يُؤَخِّرُ مِنَ الْمَغْرِبِ وَيُعَجِّلُ مِنَ الْعِشَاءِ فَيَمْلِكُهُمَا جَمِيعًا، وَيَقُولُ: مَنْ لَيْرَحَمَ لَيْرَحَمَ (۴)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۵۸. والتاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۶.
 (۲) المصنف / ج ۱ / ص ۵۸۴. والتاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۶.
 (۳) سنن النسائی / ج ۱ / ص ۲۵۷.
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۴۴.

یعنی: ابی جعفر (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) در شب بارانی، نماز مغرب را تأخیر می‌نماید (و در آخر وقت آن می‌خواند) و نماز عشاء را به عجله (در اول وقت آن) می‌آورد، پس هر دو را با هم می‌خواند، و می‌فرمود: کسی که رحم نکند، رحم نشود.

۲- ش عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: شَهِدْتُ صَلَاةَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ مَطِيرَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَحِينَ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الشَّفَقِ نَادَوْا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ فَصَلَّوْا الْمَغْرِبَ، ثُمَّ أَمْهَلُوا النَّاسَ حَتَّى صَلَّوْا رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ الْمُنَادِي فِي مَكَانِهِ فِي الْمَسْجِدِ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ فَصَلَّوْا الْعِشَاءَ ثُمَّ انْصَرَفَ النَّاسُ إِلَيَّ مِنْ زَلَمَتِهِمْ، فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: نَعَمْ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَمِلَ بِهَذَا^(۱)

یعنی: از عبد الله بن سنان روایت شده که گفت: شب بارانی در مسجد رسول خدا (ص) حاضر شدم، پس هنگام نزدیک از غروب شفق ندا کردند و نماز را برپا کردند، پس نماز مغرب را خواندند، سپس مردم را مهلت دادند تا دو رکعت خوانده، و منادی در مکانش در مسجد ندا کرد، و اقامه گفت و نماز عشاء را خواندند، سپس مردم به سوی منازلمان منصرف شدند، از حضرت صادق (ع) پرسیدم از این حدیث؟ فرمود: بلی رسول خدا (ص) به این نحو عمل کرده است.

۳- ش عَنْ عَلِيِّ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي اللَّيْلِ الْمَطِيرَةِ، فَعَلَ ذَلِكَ مَرَارًا^(۲)

یعنی: از حضرت علی (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در شب بارانی بین نماز مغرب و عشاء جمع می‌کرد، و این کار را مکرر بجا آورد.

۴- ش عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، عَنْ غَيْرِ مَطِيرٍ وَلَا سَفَرٍ، فَقِيلَ لِابْنِ عَبَّاسٍ: مَا أَرَادَ بِهِ؟ قَالَ: أَرَادَ التَّوَسُّعَ لِأُمَّتِهِ^(۳)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۵۹

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۰

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۱

یعنی: ابن عباس گوید که رسول خدا (ص) بین نماز ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء جمع نمود بدون اینکه بارانی باشد و نه سفری، بها و گفته شد مقصود رسول خدا (ص) چه بود؟ فرمود: مراد او وسعت دادن به امتش بود. و بهمین مضمون در کتاب مصنف نیز ذکر شده (۱)

۵- م عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ سَفَرٍ وَلَا خَوْفٍ، قَالَ قَلْتُ لَابْنِ عَبَّاسٍ وَ لِمَ تَرَاهُ فَعَلَ ذَلِكَ؟ قَالَ: أَرَادَ أَنْ لَا يُخْرِجَ أَحَدًا مِنْ أُمَّتِهِ (۲)

یعنی: «از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در مدینه در غیر سفر و غیر خوف، جمع کرد بین ظهر و عصر، سعید بن جبیر را وی این روایت گفت از ابن عباس سؤال کردم چرا ابن کار کرد؟ گفت: خواست که احدی از امتش بزحمت نیفتد... و بمضمون دو حدیث فوق در کتاب تاج نیز ذکر شده (۳)

۶- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) بِالْمَدِينَةِ ثَمَانِيًا جَمِيعًا، وَ سَبْعًا جَمِيعًا، أَخَّرَ الظُّهْرَ وَ عَجَّلَ الْعَصْرَ، وَ أَخَّرَ الْمَغْرِبَ وَ عَجَّلَ الْعِشَاءَ» (۴)

یعنی: از ابن عباس روایت شده که گفت: در مدینه با پیغمبر (ص)، هشت رکعت با هم و هفت رکعت با هم خواندم، ظهر را مؤخر انداخت (در آخر وقت آن) و عصر را بعجله خواند (در اول وقت آن) و مغرب را عقب انداخت و عشاء را عجله کرد.

۷- ش عَنِ أَحَدِهِمَا، قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى صَلَاةَ الْهَاجِرَةِ وَالْعَصْرِ جَمِيعًا، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ جَمِيعًا، وَ كَانَ يُؤَخِّرُ وَ يُقَدِّمُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: إِنَّ الصَّلَاةَ كَأَنْتَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (۵)

- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۵۵۵
 (۲) المصنف / ج ۲ / ص ۵۵۵
 (۳) التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۱۴۸
 (۴) سنن النسائي / ج ۱ / ص ۲۸۶
 (۵) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۲، ووسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۸۸

یعنی: روایت شده از یکی از این دو (حضرت باقر یا صادق ع) که فرمود: رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را با هم خواند و نماز مغرب و عشاء را با هم خواند (به این نحو) که عقب می‌انداخت و جلو می‌انداخت، زیرا خدایتعالی (در سوره نساء آیه ۱۰۳) فرموده: **إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا**، یعنی: نماز بر مؤمنین در وقت معین، واجب شده است.

توضیح: بدانکه بعقیده اکثر فقهای اسلام، جمع کردن بین دو نماز «ظهر و عصر» و یا «مغرب و عشاء»، در حال اختیار و بدون عذر، جایز نیست، و بسیاری از این فقهاء، بر این عقیده‌اند که جمع کردن رسول خدا (ص) بین دو نماز، صورتاً جمع بوده که مثلاً آنحضرت، نماز ظهر را در آخر وقت ظهر و نماز عصر را در اول وقت عصر، یعنی هر کدام را در وقت خود بجا آورده، نه خارج از وقت (و این مطلب با روایاتی که در آن، نماز عصر به نماز وسطی تعبیر شده و بر محافظت آن سفارش نموده، مطابق بوقت بیشتری دارد، و بعلاوه در احادیث جمع، دقیقاً، وقت، مشخص نشده، پس چه مانعی دارد که آنها بر جمع صوری حمل شود)، و آنحضرت این عمل را انجام داده تا به اصحاب خود که اوقات نماز را می‌شناختند ولی سعی داشتند که ملتر و دقیقتر بر طبق سنت و عمل کنند، این اوقات را بهتر بشناسانند تا ایشان بدون هیچ تردیدی، گاهگاهی در گرفتاریهای خود بتوانند از این تخفیف استفاده و بین دو نماز را این چنین جمع کنند. و تعدادی از فقهاء گفته‌اند جمع کردن آنحضرت بین دو نماز، بعلت بیماری بوده است.

۸- م **عَنْ أَبِي الشَّعْثَاءِ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) ثَمَانِيًا جَمِيعًا، وَسَبْعًا جَمِيعًا... قَالَ أَبُو الشَّعْثَاءِ: وَأَنَا أَظُنُّهُ أَخَّرَ الظُّهْرَ وَعَجَّلَ العَصْرَ، وَأَخَّرَ المَغْرِبَ وَعَجَّلَ العِشَاءَ»***
یعنی: از ابی‌الشعثاء، از ابن عباس روایت شده که گفت: «با رسول خدا (ص) نماز خواندم، هشت رکعت با هم، و هفت رکعت با هم»،

* صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۹۱ و: المصنف / ج ۲ / ص ۵۵۵.

أَبُو الشَّعْثَاءِ كَفَتْ : مَنْ غَمَانَ دَارِمَ، أَنْحَضَتْ نَمَازَ ظَهْرًا عَقِيبَ
انداخته (در آخر وقت) و عصر را عجله کرده (در اول وقت آن) و
مغرب را عقب انداخته (در آخر وقت آن) و عشاء را عجله کرده
است (در اول وقت آن بجا آورده).

۹- م عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: «مَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى صَلَاةً
قَطُّ إِلَّا لَوَقَّتِهَا، إِلَّا أَنَّهُ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِعَرَفَةَ، وَالْمَغْرِبِ
وَالْعِشَاءِ يَجْمَعُ!»^(۱)

یعنی: «از عبداللہ بن مسعود روایت است که گفت: هرگز ندیدم پیغمبر
(ص) نمازی را بجا آورد مگر در وقت آن، الا اینکه آنحضرت،
در عرفه بین ظهر و عصر جمع کرد و در مزدلفه بین مغرب و عشاء...»
چنانکه ملاحظه میشود در این حدیث از اینکه پیغمبر در غیر مزدلفه و
عرفه، بین دو نماز جمع نموده باشد، نفی شده است، و این خود مؤید
آنستکه آنحضرت در مدینه اگر جمع بین دو نماز نموده، جمع صوری
بوده است نه حقیقی. چنانکه شرح آن گذشت.

۱۰- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ (ص): قَالَ: مَنْ جَمَعَ
بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ مِنْ غَيْرِ عَذْرٍ فَقَدْ أَتَى بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْكِبَايِرِ!^(۲)
یعنی: ابن عباس روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: آنکه بدون
عذری، بین دو نماز را جمع کند، پس محققاً به دری از درهای گناهان
کبیره رسیده است.

۲۲- باب الجمع بين الصلاتين في السفر والغزوات

۱- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي
السَّفَرِ يَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، إِنَّمَا يَفْعَلُ
ذَلِكَ إِذَا كَانَ مُسْتَعْجِلًا!^(۳)

- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۵۵۱.
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۸.
(۳) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۱۶۰.

یعنی: از ابی عبداللہ (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) در سفر بین نماز مغرب، عشاء، و ظهر، عصر، جمع میکرد. و همانا این کار را وقتی که عجله داشت مینمود.

۲- م عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أُعْجِلَ فِي السَّيْرِ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ (۱)

یعنی: از عبداللہ بن عمر روایت است که گفت: رسول خدا (ص) هرگاه در سیر عجله داشت (وقبل از غروب حرکت می نمود) بین نماز مغرب و عشاء جمع می کرد.

۳- م عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي السَّفَرِ (۲)

یعنی: از انس بن مالک روایت شده که رسول خدا (ص) بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء در سفر جمع میکرد. و همچنین از عکرمه روایت شده (۳)

۴- م عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ، فِي السَّفَرِ (۴)

یعنی: از معاذ بن جبل روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در سفر غزوه تبوک، بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء جمع کرد.

۵- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ أَخْرَجَ الْمَغْرِبَ وَجَمَعَ بَيْنَهَا وَالْعِشَاءِ (۵)

یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) چون سیر جدی و باکوشش داشت، نماز مغرب را تأخیر می انداخت و بین نماز مغرب و عشاء جمع می کرد. و بهمین مضمون در صحیح مسلم نیز ذکر شده (۶).

۶- م عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي السَّفَرِ، الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ، وَالْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ، وَ لَيْسَ

(۱) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۴

(۲) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۵

(۳) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۵

(۴) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۵ و سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۴۰

(۵) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۱۱۴

(۶) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۸۸

يَطْلُبُ عَدُوًّا، وَ لَا يَطْلُبُهُ عَدُوًّا (۱)

یعنی: از ابن عباس روایت است که رسول خدا (ص) جمع میکرد در سفر بین دو نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء و حال آنکه نه در طلب دشمن بود و نه دشمن در طلب او بود، و بهمین مضمون در کتاب سنن ابن ماجه و وسائل الشیعه نیز ذکر شده (۲)

۷- ش عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ عَامَ تَبُوكَ (۳)
یعنی: از معاذ بن جبل روایت شده که رسول خدا (ص) در سال تبوک، بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء جمع نمود.

۸- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ أَوْ عَجَلَتْ بِهِ حَاجَةٌ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةَ (۴)
یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) وقتی که در سفری بود و یا حاجتی او را به عجله می انداخت، بین نماز ظهر و عصر و بین مغرب و عشاء، جمع مینمود.

۹- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْمَعُ بَيْنَ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ إِذَا كَانَ عَلَى ظَهْرِ سَيْرٍ وَيَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ. وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا عَجَلَ بِهِ السَّفَرُ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ، فَيَجْمَعُ بَيْنَهُمَا وَ يُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا وَ بَيْنَ الْعِشَاءِ (۵)

یعنی: ابن عباس نقل کرده که رسول خدا (ص) بین نماز ظهر و عصر جمع میکرد چون در پشت سفر بود و همچنین بین مغرب و عشاء جمع میکرد. و در روایت دیگر: پیغمبر (ص) چون سفر بعجله داشت، نماز ظهر را تأخیر می انداخت تا هنگام وقت عصر، پس بین این دو جمع مینمود، و مغرب را

- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۸
(۲) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۳۴۰ و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۲
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۰
(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۵۹
(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۷

بتأخیر می انداخت برای آنکه بین آن وعشاء جمع نماید .

۱۰- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) إِذَا أَعَجَلَهُ السَّيْرُ يُوَخِّرُ الْمَغْرِبَ فَيُصَلِّيُهَا ثَلَاثًا، ثُمَّ يَسْلِمُ، ثُمَّ قَلَّمَا، يَلْبَثُ حَتَّى يُقِيمَ الْعِشَاءَ فَيُصَلِّيُهَا رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْلِمُ وَ لَا يُسَبِّحُ بَعْدَ الْعِشَاءِ حَتَّى يَقُومَ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ (۱)!

یعنی: عبدالله بن عمر گوید: رسول خدا (ص) را دیدم که چون عجله به سیر داشت، نماز مغرب را تأخیر می انداخت، پس سه رکعت می خواند و سلام می داد، و کمی درنگ میکرد تا نماز عشاء را به دو رکعت بجا می آورد، سپس سلام می داد و پس از نماز عشاء نافله نمی خواند تا اینکه جوف شب برخیزد.

۱۱- م كَانَ ابْنُ عَمْرٍو يَصَلِّي فِي السَّفَرِ كُلَّ صَلَاةٍ لِقَوْتِهَا، إِلَّا صَلَاةَ أُخْبِرَ يَوْجِعُ امْرَأَتَهُ، فَإِنَّهُ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، فَقِيلَ لَهُ: فَقَالَ: هَكَذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَفْعَلُ إِذَا جَدَّ بِهِ الْمَسِيرُ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ (۲)!

یعنی: ابن عمر در سفر هر نمازی را در وقتش می خواند، مگر نمازی را که بهنگام درد عیالش خبر شد، که در این هنگام او بین مغرب و عشاء جمع نمود، به او گفتند چرا؟ گفت: رسول خدا (ص) هرگاه راه او را خسته می کرد، بین نماز مغرب و عشاء جمع مینمود.

۱۲- م عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا زَاعَتْ لَهُ الشَّمْسُ فِي مَنْزِلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ يَرْكَبَ، وَإِذَا لَمْ تَزَعْ لَهُ فِي مَنْزِلِهِ سَارَ حَتَّى إِذَا حَانَتِ الْعَصْرُ نَزَلَ، فَجَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَإِذَا حَانَتْ لَهُ الْمَغْرِبُ وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ جَمَعَ بَيْنَهُمَا وَبَيْنَ الْعِشَاءِ، وَإِذَا لَمْ تَحِنْ لَهُ فِي مَنْزِلِهِ رَكِبَ حَتَّى إِذَا حَانَتْ الْعِشَاءُ نَزَلَ، فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا. قَالَ عَبْدُ الرَّزَّاقِ وَقَالَ لِي الْمُقَدَّمُ:

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۸.

(۲) المصنف / ج ۲ / ص ۵۴۸.

مَا سَمِعْنَا هَذَا مِنْ ابْنِ جُرَيْجٍ وَلَا جَاءَ بِهِ غَيْرُكَ (۱) .

یعنی: از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون خورشید میل می‌کرد به طرف مغرب در منزل خود پیش از آنکه سوار شود، بین دو نماز ظهر و عصر جمع می‌کرد، و اگر خورشید مایل نشده بود سیر می‌کرد تا وقت عصر پیاده می‌شد و بین ظهر و عصر جمع می‌کرد، و چون مغرب نزدیک می‌شد و در منزلش بود بین مغرب و عشاء جمع می‌کرد، و هرگاه مغرب نزدیک نبود سوار می‌شد تا وقت عشاء پیاده می‌شد و بین آنها جمع مینمود. «عبدالرزاق صاحب المصنّف گوید: و مقدمام به من گفت: چنین مطلبی من نه از ابن جریج (راوی حدیث) شنیدم و نه غیر تو آنرا آورده است.»

۱۳- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ ، قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الصَّلَاةِ فِي سَفَرَةٍ سَافَرَهَا ، فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ ، فَجَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ (۲)

یعنی: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) در سفر جنگ تبوک بین نماز جمع کرد، پس بین نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء جمع نمود.

۱۴- ج عَنِ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ أَنْ يَرْتَحِلَ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ ، وَإِنْ يَرْتَحِلَ قَبْلَ أَنْ تَزِيغَ الشَّمْسُ أَخَّرَ الظُّهْرَ حَتَّى يَنْزِلَ لِلْعَصْرِ ، وَفِي الْمَغْرِبِ مِثْلَ ذَلِكَ (۳)

یعنی: معاذ بن جبل گوید: رسول خدا (ص) در جنگ تبوک چنین بود که هرگاه خورشید میل کرده بود پیش از حرکت، جمع بین ظهر و عصر مینمود، و اگر پیش از میل خورشید حرکت کرده بود ظهر را تأخیر می‌افکند تا برای عصر منزل کند، و در مغرب مثل همین.

۱۵- م عَنِ جَابِرٍ ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) غَرَبَتْ لَهُ الشَّمْسُ وَهُوَ بِسَرَفٍ ، فَلَمْ يُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى دَخَلَ مَكَّةَ (۴)

(۱) المصنّف / ج ۲ / ص ۵۴۸ و ۵۴۹ .

(۲) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۹۰ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۷ و ۲۹۸ .

(۴) المصنّف / ج ۲ / ص ۵۵۴ .

یعنی: از جا بر روایت است که پیغمبر (ص) در حالیکه به سرف بود، خورشید غروب کرد و آنحضرت نماز مغرب را بجای آورد تا وارد مکه شد.

۱۶- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا ارْتَحَلَ قَبْلَ أَنْ تَزِيغَ الشَّمْسُ، أَخَّرَ الظُّهْرَ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ، ثُمَّ نَزَلَ فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا، فَإِنْ زَاغَتِ الشَّمْسُ قَبْلَ أَنْ يَرْتَحِلَ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ رَكِبَ (۱)

یعنی: از انس بن مالک روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) هر وقت قبل از زوال خورشید کوچ میکرد، نماز ظهر را عقب می انداخت تا وقت عصر، سپس پائین می آمد و بین آنها جمع میکرد. و اگر قبل از آنکه کوچ کند زوال خورشید می شد، نماز ظهر را می خواند سپس سوار می شد.

۱۷- عن ابن عمر، قال: ما جمع رسول الله (ص) بين المغرب والعشاء قط في السفر إلا مرة (۲)

یعنی: از ابن عمر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) جمع بین نماز مغرب و عشاء هرگز در سفر نکرد مگر یکمرتبه.

۱۸- عَنْ نَافِعٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَاقِدٍ، أَنَّ مُؤَدِّنَ ابْنِ عَمْرٍ قَالَ: الصَّلَاةُ، قَالَ: سُرٌّ، سُرٌّ، حَتَّى إِذَا كَانَ قَبْلَ غُيُوبِ الشَّفَقِ نَزَلَ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ، ثُمَّ انْتَظَرَ حَتَّى غَابَ الشَّفَقُ وَ صَلَّى الْعِشَاءَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا عَجَلَ بِهِ أَمْرٌ مِثْلَ الَّذِي صَنَعْتُ (۳)

یعنی: از نافع و عبداللہ بن واقد روایت شده که مؤذن ابن عمر گفت: الصلوة، ابن عمر گفت سیرکن، سیرکن، تا اینکه قبل از غروب شفق پیاده شد و نماز مغرب را خواند، سپس منتظر شد تا شفق غایب شد و نماز عشاء را کرد، سپس گفت: رسول خدا (ص) هرگاه به امری عجله داشت، مانند آنچه من کردم، عمل میکرد.

۱۹- م قَالَ النَّبِيُّ (ص): رَحِمَ اللَّهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ

(۱) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۸۹. سنن ابی داود / ج ۲ / ص ۷

(۲) سنن ابی داود / ج ۲ / ص ۵

(۳) سنن ابی داود / ج ۲ / ص ۶

كَانَ يَنْزِلُ فِي السَّفَرِ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَاةٍ (۱).

یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: خدا عبدالله بن رواحه را رحمت کند که در سفر هنگام وقت هر نمازی پیاده می‌شد.

توضیح: احادیث مربوط به جمع نماز در سفر مانند قصر نماز در سفر، برای رعایت حال مسافریین و تخفیف و تسهیل در امرایشان است. و انواع سفری که می‌توان در آن نماز را جمع و قصر نمود، در ابواب صلاة المسافر بیان خواهد شد. ان شاء الله. و بدانکه در مورد احادیث این باب بین فقهاء اسلام، نظرهائی وجود دارد از آنجمله عده‌ای از فقهاء گفته‌اند جمع نماز در سفر مخصوص کسی است که دارای بیماری و یا عذری باشد. بعضی دیگر از ایشان گفته‌اند: آنچه در بعضی از روایات این باب آمده که رسول خدا (ص) در سفر بین نمازها، جمع تقدیم نموده، یعنی دو نماز ظهر و عصر را در اول وقت ظهر و مغرب و عشاء را در اول وقت مغرب بجا آورده، معتبر نیست، و حدیث قابل اعتمادی نسبت به این کار وجود ندارد، بلکه روایاتی معتبر است که در آن جمع تأخیر ذکر شده و گفته‌اند عادت رسول خدا (ص) در سفر هرگاه بین دو نماز جمع مینمود، جمع تأخیر بوده است. و پاره‌ای از فقهاء جمع نماز در سفر را مخصوص مسافری می‌دانند که در بین راه در حال حرکت بوده، و حرکت او نیز با عجله انجام شده است. و بعضی گفته‌اند: جمع نماز جز در عرفه و مزدلفه جایز نیست.

۴۳- باب الجمع بأذان وإقامتين

۱- ش عَنْ مَنْصُورٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِجَمْعٍ؟ فَقَالَ: بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ، لِاتِّصَالِ بَيْنَهُمَا شَيْئًا هَكَذَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) (۲) وَفِي رِوَايَةٍ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص)

(۱) المصنف / ج ۲ / ص ۵۵۴ .
(۲) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۱۶۴ .

الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِجَمْعِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَاقَامَتَيْنِ (۱)

یعنی: از منصور از ابی عبدالله (ع) روایت شده که گفت از او سؤال کردم از نماز مغرب و عشاء در مُزْدَلِفَه؟ فرمود: به یک اذان و دو اقامه، و نمازی بین آنها بخوان، چنین نماز کرد رسول خدا (ص). و در روایت دیگر آمده که رسول خدا (ص) در مُزْدَلِفَه بین نماز مغرب و عشاء به یک اذان و دو اقامه جمع نمود.

۲- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَاقَامَتَيْنِ وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَاقَامَتَيْنِ (۲)

یعنی: از ابی جعفر (ع) روایت است که رسول خدا (ص) بین ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه جمع کرد و همچنین جمع کرد بین مغرب و عشاء به یک اذان و دو اقامه.

۳- ش عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع)، قَالَ: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِعَرَفَةَ بِأَذَانٍ وَاقَامَتَيْنِ، وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِجَمْعِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَاقَامَتَيْنِ (۳)

یعنی: از محمد بن علی بن الحسین (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در عَرَفَةَ بین نماز ظهر و عصر جمع کرد با یک اذان و دو اقامه، و در مُزْدَلِفَه جمع کرد بین نماز مغرب و عشاء، به یک اذان و دو اقامه.

۴- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: السُّنَّةُ فِي الْأَذَانِ يَوْمَ عَرَفَةَ أَنْ يُؤَذَّنَ وَيُقِيمَ لِلظُّهْرِ، ثُمَّ يَمْلَأُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُقِيمُ لِلْعَصْرِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَكَذَلِكَ فِي الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِمُزْدَلِفَةَ (۴)

یعنی: از ابی عبدالله (ع) روایت شده که گفت: سنت در اذان، روز عرفه این است که برای نماز ظهر اذان و اقامه گوید پس نماز کند،

- (۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۲
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۲ و ج ۴ / ص ۶۶۵
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۶۵
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۶۵

سپس برخیزد و برای نماز عصر اقامه گوید بدون اذان، و همچنین است در مورد نماز مغرب و عشاء در مزدلفه.

۵- ش **عَنِ الصَّادِقِ (ع):** أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ، وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضْرِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ (۱)

یعنی: «از حضرت صادق (ع) روایت است که: رسول خدا (ص) جمع کرد بین نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه، و جمع کرد بین نماز مغرب و عشاء را در حضر، بدون علت، با یک اذان و اقامه.» مؤلف گوید، این حدیث در وسائل آمده و آنچه در سایر کتب حدیث آمده آنستکه رسول خدا (ص) فقط در عرفه و مزدلفه با یک اذان و دو اقامه بین دو نماز جمع نموده است.

۶- **جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَزْدَلِفَةَ فَتَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ ثُمَّ أَقِيَمَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثُمَّ أَنَاخَ كُلَّ إِنْسَانٍ بَعِيرَهُ فِي مَنْزِلِهِ ثُمَّ أَقِيَمَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّى وَ لَمْ يَصِلْ بَيْنَهُمَا (۲)**

یعنی: رسول خدا (ص) به مزدلفه آمد و وضو گرفت و شاداب کرد، سپس نماز برپا شد و نماز مغرب را خواند، سپس هر کس شترش را خوابانید در منزل خود، سپس نماز برپا شد و نماز کرد و بین این دو، نماز نخواند.

۷- **لَمَّا انْتَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى جَمْعِ أَذْنٍ وَأَقَامَ ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ، ثُمَّ لَمْ يَحِلِّ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، حَتَّى قَامَ فَصَلَّى الْعِشَاءَ (۳)**

یعنی: زمانی که رسول خدا (ص) به مزدلفه رسید اذان گفت و اقامه، سپس نماز مغرب را بجا آورد، سپس احدی از مردم منزل نکرد تا اینکه برخاست و نماز عشاء را بجا آورد.

۸- **عَنْ عَلِيِّ (ع)، قَالَ: لَمَّا دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عَرَافَاتٍ مَرَّ حَتَّى أَتَى الْمَزْدَلِفَةَ فَجَمَعَ بِهَا تَيْنِ الصَّلَاتَيْنِ الْمَغْرِبِ وَ**

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۰

(۲) صحیح البخاری / ج ۲ / ص ۱۷۷

(۳) سنن ابن ماجه / ج ۲ / ص ۱۰۰۵

و الْعِشَاءِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ (۱) .

یعنی: از علی (ع) روایت شده که گفت: چون رسول خدا (ص) از عرفات گذشت، مرور کرد تا به مزدلفه آمد، پس بین نماز مغرب و عشاء، جمع کرد بایک اذان و دو اقامه.

مؤلف گوید، آنچه از احادیث فوق استفاده شده، آنستکه: هرگاه بواسطه عذری، بین دو نماز جمع، و نافله بین آن دو ترک شود، لازم نیست برای هر نماز اذانی گفته شود، بلکه یک اذان برای هر دو کافی است. و در حدیث ده باب قبل نیز برای رعایت حال مسافر به ترک نافله در سفر اشاره شده است.

۲۴- باب إذا أحرأ الامام الصلاة عن وقتها المختار

أَوْ صَلَّى لغير وقتها

۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: «سَيَلَى أُمَّرُكُمْ بَعْدِي رَجَالٌ يُطْفِئُونَ السُّنَّةَ وَيَعْمَلُونَ بِالْبِدْعَةِ، وَيُؤَخِّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ مَوَاقِئِهَا». فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنْ أَدْرَكْتَهُمْ، كَيْفَ أَفْعَلُ؟ قَالَ: «تَسْأَلُنِي يَا بَنَ أُمَّ عَبْدِ كَيْفَ تَفْعَلُ؟ لِأَطَاعَةِ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ» (۲) وَفِي رِوَايَةٍ: «لِأَطَاعَةِ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ» (۳).

یعنی: عبدالله بن مسعود، روایت کرده که پیغمبر (ص) فرمود: بهمین زودی پس از من مردانی امور شمارا بدست میگیرند که سنت را خاموش، و به بدعت عمل میکنند، و نماز را از اوقات آن عقب می اندازند، (ابن مسعود گوید) گفتم: ای رسول خدا اگر ایشان را بیابم چگونه عمل کنم؟ فرمود: «ای ابن ام عبد سؤال میکنی که چکنی، کسیکه معصیت خدا کند اطاعتی ندارد». و در روایت دیگر فرمود: «طاعتی برای مخلوق در مورد عصیان خدایتعالی نیست».

۲- عَنْ عَلِيٍّ (ع)، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ أُمَّةٌ بَعْدِي يُمِيتُونَ الصَّلَاةَ كَمِيتَةِ الْأَبْدَانِ، فَإِذَا

(۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۲ و ۲۵۴.

(۲) سنن ابن ماجه / ج ۲ / ص ۹۵۶.

(۳) المصنف / ج ۲ / ص ۲۸۳.

أَدْرَكْتُمْ ذَلِكَ فَصَلُّوا الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا وَلَتَكُنْ مَلَائِكُمْ مَعَ الْقَوْمِ نَافِلَةً فَإِنَّ تَرَكَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا كُفْرًا (۱)

یعنی: «از علی (ع) روایت شده که گفت، رسول خدا (ص) فرمود: بزودی بر مردم امامانی بیایند که نماز را می میرانند مانند میرانند بدنها، پس چون آنرا درک نمودید، نماز را بوقت آن اداء کنید و نماز شما با آن قوم باید نافله باشد که ترک و تأخیر نماز از وقتش کفر است... (یعنی نمازها را خود، در اوقاف فضیلت و اول وقت بخوانید و اگر با ایشان نماز خواندید، قصد نافله کنید).

۳- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّهُ سَتَكُونُ أُمَرَاءُ بَعْدِي، يَمْلُونَ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا، وَيُؤَخِّرُونَ عَنْ وَقْتِهَا، فَصَلُّوا مَعَهُمْ، فَإِنْ صَلُّوا لَوَقْتِهَا وَصَلَّيْتُمُوهَا مَعَهُمْ فَلَكُمْ وَلَهُمْ، وَإِنْ أَخْرَوْهَا عَنْ وَقْتِهَا فَصَلَّيْتُمُوهَا مَعَهُمْ فَلَكُمْ وَعَلَيْهِمْ، مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ تَكَثَّرَ الْعَهْدَ فَمَاتَ نَاكِثًا لِعَهْدِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأُحْجَةٍ لَهُ (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: بزودی پس از من امیرانی بوجود آیند که نماز را در وقت بخوانند، و از وقت آن عقب بیندازند، پس با ایشان نماز بخوانید، پس اگر بوقت خوانند و شما با ایشان خواندید، برای شما اجر و برای ایشان اجراست، و اگر از وقت آن عقب انداختند و با ایشان خواندید برای شما اجر و برای ایشان وزراست، کسی که از جماعت مفارقت کند بمردن جاهلیت بمیرد و آنکه پیمان شکنند و در آن حال بمیرد، روز قیامت بدون حجت بیاید.

۴- قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِأَبِي ذَرٍّ: مَا لِي أَرَاكَ لِقَابِقْسًا؟ كَيْفَ يَكُ إِذَا أُخْرِجُوكَ مِنَ الْمَدِينَةِ؟ قَالَ: آتَى الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ، قَالَ: فَكَيْفَ يَكُ إِذَا أُخْرِجُوكَ مِنْهَا؟ قَالَ: آتَى الْمَدِينَةَ، قَالَ: فَكَيْفَ يَكُ إِذَا أُخْرِجُوكَ مِنْهَا؟ قَالَ: أَخَذْتُ سَيْفِي فَأَضْرِبُ بِهِ، قَالَ: فَلَا، وَلَكِنْ أَسْمَعُ وَأَطِيعُ، وَإِنْ كَانَ عَبْدًا أَسُودَ، قَالَ: فَلَمَّا خَرَجَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى

(۱) مسند الامام زید / ص ۹۹.

(۲) المصنف / ج ۲ / ص ۳۷۹.

الرَّبِذَةَ وَجَدِيهَا غُلَامٌ لِعُثْمَانَ أَسُودَ فَأَذَّنَ وَأَقَامَ ثُمَّ قَالَ: تَقَدَّمَ يَا أَبَا ذَرٍّ! قَالَ: لَا، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَمَرَنِي أَنْ أَسْمَعَ وَأَطِيعَ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا أَسُودَ، قَالَ: فَتَقَدَّمَ فَصَلَّى خَلْفَهُ (۱)!

یعنی: پیغمبر (ص) به ابی ذر فرمود: چگونه ای هنگامیکه تو را از مدینه خارج سازند، گفت می‌روم به زمین شام، فرمود: چگونه ای هنگامیکه تو را از شام بیرون کنند، گفت می‌آیم مدینه، فرمود: چگونه ای وقتیکه تو را از مدینه بیرون کنند، گفت شمشیرم را می‌گیرم و می‌زنم، فرمود: نه ولیکن بشنو و اطاعت کن و اگرچه از غلام سیاهی باشد، پس چون اباذر از مدینه به ربه رفت، غلام سیاه عثمان را دید، آن غلام اذان و اقامه گفت و به ابی ذر گفت جلو بایست، اباذر گفت: نه، رسول خدا (ص) امر کرد که بشونم و اطاعت کنم و اگرچه بنده سیاهی باشد، پس او جلو ایستاد و ابوذر عقب‌با و نماز خواند.

۵- عَنْ عَبْدِ بَنِ الصَّامِتِ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّهَا سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي أُمَّرَاءٌ تَشْغَلُهُمْ أَشْيَاءٌ عَنِ الصَّلَاةِ لَوْ قَتَبْتَهَا حَتَّى يَذْهَبَ وَقْتُهَا، فَصَلُّوا الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبْتَهَا»، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصَلِّي مَعَهُمْ؟ قَالَ: «نَعَمْ إِنْ شِئْتَ» (۲).

یعنی: از عباده بن صامت روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: بزودی پس از من امیرانی بر شما حکومت می‌کنند که چیزهایی ایشانرا از نماز خواندن در وقت مشغول می‌کند تا وقت آن برود، پس شما نماز را در وقت بخوانید، مردی گفت: ای رسول خدا با ایشان نماز کنم؟ فرمود: بلی اگرخواستی.

۶- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّهَا سَتَجِيءُ أُمَّرَاءٌ يَشْغَلُهُمْ أَشْيَاءٌ حَتَّى لَا يَصَلُّوا الصَّلَاةَ لِمِيقَاتِهَا، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنْ أَسَلْتُ مَعَهُمْ؟ قَالَ نَعَمْ (۳). وَفِي رِوَايَةٍ: صَلُّوا الصَّلَاةَ لَوْ قَتَبْتَهَا وَأَجَعَلُوا صَلَاتَكُمْ مَعَهُمْ نَافِلَةً (۴)»

- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۳۸۱ و ۳۸۲.
 (۲) سنن ابی داود / ج ۱ / ص ۱۱۸. و مسند احمد بن حنبل / ج ۵ / ص ۳۱۵.
 (۳) المصنف / ج ۲ / ص ۳۸۱.
 (۴) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۴۹.

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: محققاً بزودی امرائی خواهند آمد که چیزهایی ایشان را مشغول کند تا اینکه نماز را در وقت آن نخوانند. مردی گفت ای رسول خدا! سپس با ایشان نماز بخوانیم، فرمود: آری. و در روایت دیگر فرمود: نماز را در وقت آن بجا آرید و نماز خود را با ایشان نافله قرار دهید.

۷- عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)، وَضَرَبَ فِخْذِي «كَيْفَ أَنْتَ إِذَا بَقِيتَ فِي قَوْمٍ يَبُوءُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا؟» قَالَ: مَا تَأْمُرُ؟ قَالَ: «صَلِّ الصَّلَاةَ لِقَوْتِهَا، ثُمَّ اذْهَبْ لِحَاجَتِكَ، فَإِنْ أَقْبِمْتَ الصَّلَاةَ وَأَنْتَ فِي الْمَسْجِدِ، فَصَلِّ» (۱). وَفِي رِوَايَةٍ: فَصَلُّوا الصَّلَاةَ لِقَوْتِهَا، فَإِنْ أَخْرَوْهَا فَقَدْ أَحْرَزْتُمْ صَلَاتِكُمْ (۲)!

یعنی: از ابوذر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در حالیکه بهران من زد، فرمود: چگونه ای توهرگاه در قومی باقی بمانی که نماز را از وقت آن بتاخیر اندازند؟ ابوذر گفت: چه امر میکنی؟ فرمود: نماز را در وقت آن بجا آور، سپس بدنبال کار خود برو، پس اگر نماز در مسجد اقامه شد و تو در مسجد بودی، پس نماز بخوان. و در روایت دیگر فرمود: پس شما نمازتان را در وقت بخوانید که اگر آنان مؤخر داشتند شما نمازتان را درک کرده باشید (و نمازی که با آنان می خوانید مستحبی باشد).

توضیح: بدانکه چنانچه فقهاء گفته اند منظور از تأخیر نماز در روایات فوق، تأخیر از اول وقت آنست نه از تمام وقت، پس امام باید نماز را در اول وقت بجا آورد، و نباید آنرا به تأخیر و یا خارج از وقت بخواند.

۸- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) «لَعَلَّكُمْ سَتَدْرِكُونَ أَقْوَامًا يَمْلِكُونَ الصَّلَاةَ لِغَيْرِ وَقْتِهَا. فَإِنْ أَدْرَكْتُمُوهُمْ فَصَلُّوا فِي بَيْوتِكُمْ لِلْوَقْتِ الَّذِي تَعْرِفُونَ. ثُمَّ صَلُّوا مَعَهُمْ فَاجْعَلُوهَا سَبِيحَةً» (۳)

(۱) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۴۸ و ۴۴۹.

(۲) المصنف / ج ۲ / ص ۳۸۱.

(۳) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۳۹۸.

یعنی: از ابن مسعود روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: شاید شما بزودی اقوامی را درک کنید که نماز را در غیر وقت آن می خوانند، پس اگر ایشان را درک کردید نماز را در خانه های خود در وقتی که می شناسید بجا آورید، سپس با ایشان نماز کنید و آنرا نافله قرار دهید.

۲۵- باب قضاء الفوائت من الصلاة

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَرَسَ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ وَقَالَ: مَنْ يَكْلُونَا؟ فَقَالَ بِلَالٌ: أَنَا، فَنَامَ بِلَالٌ وَنَامُوا حَتَّى طَلَعَتِ الشَّمْسُ، فَقَالَ: يَا بِلَالُ مَا أَرَقَدَكَ؟ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَ بِنَفْسِي الَّذِي أَخَذَ بِأَنْفَائِكُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَوْمُوا فَتَحَوَّلُوا عَنْ مَكَانِكُمْ الَّذِي أَصَابَكُمْ فِيهِ النِّغْلَةُ، وَقَالَ: يَا بِلَالُ أَذِنٌ، فَأَذِنَ، فَصَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَكْعَتِي الْفَجْرِ، وَأَمَرَ أَصْحَابَهُ فَصَلُّوا رَكْعَتِي الْفَجْرِ، ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى بِهِمُ الصُّبْحَ، وَقَالَ: مَنْ نَسِيَ شَيْئًا مِنَ الصَّلَاةِ فَلْيَصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: وَاقِمِ الصَّلَاةَ لِيذَكِّرِي (۱)

یعنی: از ابی جعفر (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) در بعضی از سفرها پیش برای استراحت فرود آمد، و فرمود: کیست که ما را مواظبت کند؟ بلال گفت من، پس بلال را خواب ربود و همه خوابیدند تا خورشید طلوع کرد، پس فرمود: ای بلال چه تورا خواب برد؟ عرض کرد ای رسول خدا جان مرا گرفت آنکه جان شما را گرفت، پس رسول خدا (ص) فرمود: برخیزید و از این مکانیکه شما را غفلت گرفت رد شوید، و فرمود: ای بلال اذان بگو، پس بلال اذان گفت و رسول خدا (ص) دو رکعت نماز فجر را خواند، و اصحاب خود را امر فرمود که دو رکعت نماز فجر را خوانند، سپس ایستاد و با مردم نماز صبح را خواند و فرمود: هرکس چیزی از نماز را فراموش کرد، پس باید چون متذکر شد آنرا بجا آورد زیرا خدای عزوجل می فرماید: اقِمِ الصَّلَاةَ لِيذَكِّرِي (۲)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۰۷

(۲) قرآن / سوره طه / آیه: ۱۴

٢- ز عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي سَفَرٍ فَلَمَّا نَزَلْنَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ يَكْلُونَا اللَّيْلَةَ؟ فَسَأَلَ بِلَالَ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ قَبَاتٌ بِلَالٌ مَرَّةً قَائِمًا وَ مَرَّةً جَالِسًا، حَتَّى إِذَا كَانَ قَبْلَ الْفَجْرِ غَلَبَتْهُ عَيْنَاهُ فَنَامَ فَلَمْ يَسْتَيْقِظْ رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا يَحَرَّ الشَّمْسُ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَتَوَضَّؤُوا وَ أَمَرَ بِلَالَ فَأَذَّنَ لِي صَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَمَرَ بِلَالَ ثُمَّ صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ (١)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که فرمود: ما با رسول خدا (ص) در سفری بودیم چون پیاده شدید فرمود: که امشب ما را پاسبانی می‌کند؟ بلال گفت: من ای رسول خدا، علی (ع) گوید، پس بلال شب را گاهی ایستاده و گاهی نشسته گذرانید تا قبل از فجر رسید، خواب بر چشمان او غالب شد و خوابش بود، و رسول خدا (ص) بیدار نشد مگر در حرارت خورشید پس رسول خدا (ص) امر کرد وضو گرفتند و امر نمود بلال اذان گفت، سپس دو رکعت بجا آورد، سپس نماز صبح را با ایشان بجا آورد.

٣- م عَنْ ابْنِ الْمُسَيْبِ قَالَ: لَمَّا قَفَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ خَيْبَرَ أُسْرِيَ لَيْلَةً حَتَّى إِذَا كَانَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ عَدَلَ عَنِ الطَّرِيقِ ثُمَّ عَرَّسَ وَ قَالَ مَنْ يَحْفَظُ عَلَيْنَا الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ بِلَالٌ أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَجَلَسَ فَحَفِظَ عَلَيْهِمْ فَنَامَ النَّبِيُّ (ص) وَأَصْحَابُهُ، فَبَيْنَا بِلَالَ جَالِسٌ غَلَبَتْهُ عَيْنُهُ فَمَا أُيقِظُهُمْ إِلَّا حَرَّ الشَّمْسِ، فَفَزِعُوا، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَنْمَتَ يَا بِلَالَ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخَذَ نَفْسِي الَّذِي أَخَذَ بِأَنْفُسِكُمْ، قَالَ: فَبَادِرُوا بِرَوَاجِلِهِمْ وَ تَنَحَّوْا عَنِ الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَتْهُمْ فِيهِ الْعَفْلَةَ، ثُمَّ صَلَّى بِهِمُ الصُّبْحَ فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيَصِلْهَا إِذَا ذَكَرَهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيذْكَرِي. وَ فِي رِوَايَةٍ: فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْنَا، فَقَالَ (ص): إِنَّ الصَّلَاةَ لَأَنْفَوْتُ التَّائِبِينَ، إِنَّمَا تَفَوْتُ الْيَقِظَانَ، قَالَ: فَتَوَضَّؤُوا وَ أَمَرَ بِلَالَ فَأَذَّنَ وَ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ تَحَوَّلَ عَنْ مَكَانِهِ ذَلِكَ ثُمَّ أَمَرَهُ فَأَقَامَ فَصَلَّى بَيْنَا الصُّبْحَ (٢)

(١) مسند الامام زيد / ص ١٣٧.

(٢) المصنف / ج ١ / ص ٥٨٧.

یعنی: از ابْنِ مُسَیَّب روایت شده که گفت: چون رسول خدا (ص) از خیبر برگشت، شب را سیر کرد تا آخر شب رسید و از راه عدول کرد، سپس برای استراحت فرود آمد، و فرمود: چه کس برای نماز ما را بیدار می‌کند؟ بلال گفت من ای رسول خدا، پس پیغمبر (ص) و اصحاب او خوابیدند، در حالیکه بلال برای حفاظت ایشان نشست، پس هنگامیکه بلال نشسته بود، خواب بر او غلبه کرد. و ایشان را بیدار نکرد مگر حرارت خورشید، پس مضطرب شدند، رسول خدا فرمود: ای بلال آیا خوابیدی؟ او گفت: ای رسول خدا آنکه جان شما را گرفت، جان مرا نیز گرفت. رسول خدا (ص) فرمود: سرعت کنید به طرف مرکب‌های خود و از این مکانیکه شما را غفلت گرفته دور شوید، سپس آنحضرت نماز صبح را با ایشان بجا آورد، و فرمود: هر کس نمازی را نسیان کرد زمانیکه متذکر شد، آنرا بجا آورد، زیرا خدا فرموده: **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**. و در روایتی است که ما (اصحاب پیغمبر) گفتیم ای رسول خدا هلاک شدیم، فرمود: شخص خواب نماز را فوت نمی‌کند، همانا شخص بیدار نماز را فوت می‌کند، و فرمود: وضو بگیر، و بلال را امر کرد که اذان گفت، و آنحضرت دو رکعت نماز (یا فله) بجا آورد، سپس از آن مکان حرکت کرد، و بلال را امر کرد اقامه گفت و نماز صبح را با ما خواند.

توضیح: احادیث فوق باعبار ارات گوناگون در کتب حدیث و از جمله کتاب تاج و مستدرک و وسائل مکرر شده^(۱)، و همه دلالت دارند بر اینکه هرگاه کسی از روی فراموشی یا خواب نمازش ترک شود، واجب است که قضاء آنرا بجا آورد. و در چنین نمازی گفتن اذان و اقامه و اینکه آنرا با جماعت بخواند مستحب است. و اما ترک کردن نماز از روی عمد، اگرچه حدیث بخصوصی در این مورد از رسول خدا (ص) ذکر نشده، ولی بعضی از فقهاء با استدلال به بعضی از عموماً احادیث دیگر، قضاء آنرا واجب دانسته و گفته‌اند ترک نماز غیر عمد، قضاء دارد، در این صورت

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۷ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۵ و ۴۸۵ و ۴۸۶. و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۰۶ و ج ۵ / ص ۳۴۸ و ۳۵۰ و ۳۵۸.

بطریق اولی واجب است کسی که عمداً نمازش را ترک نموده، قضاء آنرا بجا آورده و چیزی که برعهده اش بوده رفع نماید. ولی باید دانست آنکسی که نمازش را از روی عمد ترک نموده گناه کبیره ای انجام داده که به مجرد خواندن قضاء آن، گناهش رفع نمی شود، بلکه توبه و استغفار لازم است و از همین جهت است که بعضی از فقهاء نماز قضاء را برای کسی که عمداً ترک نماز کند بی نتیجه دانسته و قضائی برای او ذکر نکرده اند.

۴- ج
عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، قَالَ: ذَكَرُوا لِلنَّبِيِّ (ص) نَوْمَهُمْ
عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ فِي النَّوْمِ تَفْرِيطٌ، إِلَّا تَمَّ التَّفْرِيطُ فِي
الْيَقِظَةِ (۱)

یعنی: ابی قتاده گفت برای رسول خدا (ص) ذکر کردند خواب خود را که از خواندن نماز بازماندند. فرمود: در خواب تفریط نیست همانا تفریط در بیداری است.

۵-
عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيَصِلْ
إِذَا ذَكَرَهَا، لِأَكْفَارَةِ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ (۲). وَفِي رِوَايَةٍ: إِذَا رَقَدَ أَحَدُكُمْ
عَنِ الصَّلَاةِ أَوْ غَفَلَ عَنْهَا فَلْيَمِلْهَا إِذَا ذَكَرَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:
أَقِمِ الصَّلَاةَ لِيذَكِّرِي (۳)

یعنی: انس روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: هرکس نمازی را فراموش کرد چون متذکر گردید آنرا بجا آورد که جزاین کفارهای ندارد. و در روایت دیگر فرمود: هرگاه یکی از شما از نماز خواب رود، و یا غفلت کند، پس باید هرگاه متذکر گردید آنرا بجا آورد چنانچه خدایتعالی فرموده: نماز را برای یاد من بپادار.

۶- م
عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع)، قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
عَلِيَّ (ع) وَفَاطِمَةَ (ع)، وَهُمَا نَائِمَانِ، فَقَالَ: أَلَا تَتَمَلَّوْا؟ فَقَالَ
عَلِيٌّ (ع): يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّمَا أَنْفُسُنَا بِيَدِ اللَّهِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَبْعَثَهَا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۷

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۷

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۷

بِعَثِّهَا ، فَانصَرَفَ عَنْهُمَا وَ هُوَ يَقُولُ : وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَشِيِّ جَدَلًا (۱) !
 یعنی: از علی بن الحسین (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) وارد شد بر علی و فاطمه (ع) در حالیکه خواب بودند، فرمود: آیا نماز نمی‌خوانید؟ علی (ع) گفت: ای رسول خدا همانا جان ما به دست خدا ی‌تعالی است، هرگاه بخواهد آنرا بیدار می‌کند، پس رسول خدا (ص) برگشت و می‌فرمود: «وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَشِيِّ جَدَلًا، جدل و خصومت انسان از هر چیزی بیشتر است» .
 مؤلف گوید: از کتاب تاج (ج ۱/ص ۳۲۵) میتوان استفاده کرد که این مطلب مربوط به نافله و نماز شب بوده است .

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ، فَنَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: أَنَا أَنْيَمُكَ وَأَنَا أَوْظُكَ قَدْ أَقُمْتَ فَصَلِّ لِيَعْلَمُوا إِذَا أَصَابَهُمْ ذَلِكَ كَيْفَ يَصْنَعُونَ ، لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ : إِذَا نَامَ عَنْهَا هَلَكَ وَكَذَلِكَ الصِّيَامُ أَنَا أَمْرُكَ وَأَنَا أَصِحُّكَ ، فَإِذَا شَفَيْتَكَ قَاقُضِهِ (۲) !

یعنی: آنحضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: خدا ی‌تعالی امر به نماز و روزه کرد، پس رسول خدا (ص) از نماز خوابش برد، خدا ی‌تعالی فرمود من تورا خواب می‌کنم و من بیدارت می‌نمایم، پس چون برخاستی نماز بخوان تا بدانند که اگر چنانچه به ایشان این خواب رسید چه بکنند، اینکه می‌گویند هرگاه از نماز خوابش برد هلاک شده، چنین نیست، و همچنین روزه که خدا فرموده من تورا بیمار می‌کنم و من تورا صحت می‌دهم، پس چون تورا شفا دادم آنرا قضا کن.

۸- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: حَبَسْنَا يَوْمَ الْخَنْدَقِ عَنِ الصَّلَاةِ حَتَّى كَانَ بَعْدَ الْمَغْرَبِ بِهَوَيٍّ مِنَ اللَّيْلِ حَتَّى كَفِينَا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا»، قَالَ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِلَالًا فَأَقَامَ صَلَاةَ الظُّهْرِ فَصَلَّاهَا وَ أَحْسَنَ صَلَاتِهَا كَمَا كَانَ يَصَلِّي فِي وَقْتِهَا، ثُمَّ أَمَرَهُ فَأَقَامَ الْعَصْرَ فَصَلَّاهَا وَ أَحْسَنَ صَلَاتِهَا كَمَا كَانَ يَصَلِّي فِي وَقْتِهَا، ثُمَّ أَمَرَهُ فَأَقَامَ الْمَغْرِبَ فَصَلَّاهَا كَذَلِكَ، قَالَ وَ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ فِي

(۱) المصنف / ج ۱/ص ۵۹۰

(۲) وسائل الشيعة / ج ۵/ص ۳۴۹

صَلَاةُ الْخَوْفِ فَرَجًا لَا أَوْ رُكْبَانًا^(۱)!

یعنی: از ابی سعید خدری روایت شده که گفت: روز خندی از نماز بازماندیم تا پس از مغرب، که شب فرود آمد و کفایت شدیم و این است قول خدا تعالی که فرموده: «وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا» (احزاب/۲۵)، پس رسول خدا (ص) بلال را خواست و نماز ظهر را برپا کرد و آنرا بجا آورد و نیکو بجا آورد همچنانکه در وقت بجا می‌آورد، سپس او را امر کرد و نماز عصر را برپا کرد و آنرا خوب بجا آورد همانطوریکه در وقت بجا می‌آورد، سپس او را امر کرد و نماز مغرب را برپا کرد، و آنرا همچنان نیکو انجام داد، گوید، و اینها قبل از نزول آیه نماز خوف بود.

توضیح: حدیث فوق با کمی اختلاف در کتاب مصنف و سنن نسائی^(۲) و غیره نیز ذکر شده، و چنانکه ملاحظه می‌شود اینک رسول خدا (ص) و اصحاب او در جنگ خندق بعثت گرفتاری و غیره در چند وقت نمازشان فوت شده، قبل از نزول آیات راجع به نماز خوف بوده و پس از آن نسخ شده است. بهر حال عده‌ای از فقها به احادیث فوق استدلال کرده اند که اگر کسی بعثت فراموشی یا خواب نمازش ترک شد، هنگام رسیدن وقت نماز بعدی واجب است ابتداء قضاء نماز فوت شده قبلی و سپس نمازی را که وقت آن رسیده بجا آورد. و بعضی فقهاء، به عمل رسول خدا (ص) استدلال کرده اند بروجوب ترتیب در نماز قضاء، یعنی کسی که چند نماز را فوت شده، ابتداء باید اولین نماز فوت شده را بخواند و سپس دومین نماز و پس از آن سومین آنها و همینطور، که گفته اند باید ترتیب را مراعات کند، ولی اکثر فقهای اسلام مجرد حدیث فوق را دلیل بروجوب ترتیب ندانسته، و ترتیب را در نماز قضاء واجب نمی‌دانند.

۹- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ أَقْضَى؟ قَالَ: صَلَّى مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ مِثْلَهَا، قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَبْلَ أَمْ بَعْدَ؟ قَالَ (ص): قَبْلُ^(۳)

- (۱) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۳ / ص ۴۹.
 (۲) المصنف / ج ۲ / ص ۵۰۲، و سنن النسائی / ج ۲ / ص ۱۷.
 (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۴۸۵.

یعنی: از جابر بن عبدالله روایت شده که گفت: مردی گفت ای رسول خدا چگونه نماز قضا را بجا آورم؟ فرمود: با هر نمازی مانند آن نمازی بخوان، گفته شد قبلاً یا بعداً؟ فرمود: قبلاً.

۲۶- باب الاوقات المنهیه عن النافلة فيها

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصُّبْحِ حَتَّى تَشْرِقَ الشَّمْسُ وَبَعْدَ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ (۱)
یعنی: ابن عباس نقل کرده که: رسول خدا (ص) نهی کرد از نماز بعد از صبح تا وقتی که خورشید بتابد و بعد از عصر تا غروب کند.

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِاتَّحَرُّوا بِصَلَاتِكُمْ طُلُوعَ الشَّمْسِ وَلا غُرُوبَهَا، فَإِنَّهَا تَطْلُعُ بِقَرْنِي الشَّيْطَانِ (۲)
یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: نماز خود را وقت طلوع خورشید و وقت غروب خورشید بجانیا ورید زیرا که خورشید به دو شاخ شیطان طلوع می‌کند. وبه همین مضمون در کتاب مصنف و وسائل و مستدرک نیز ذکر شده.

۳- م إِنَّ أَبَا مَاهَةَ سَأَلَ النَّبِيَّ (ص)، فَقَالَ: مَا أَنْتَ؟ قَالَ: نَبِيٌّ، قَالَ: إِلَى مَنْ أُرْسِلْتَ؟ قَالَ: إِلَى الْأَحْمَرِ وَالْأَسْوَدِ، قَالَ: أَيْ حِينَ تَكْرَهُ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: مِنْ حِينَ تَمَلَّى الصُّبْحَ حَتَّى تَرْتَفِعَ الشَّمْسُ قَيْدَرْمَحَ، وَمِنْ حِينَ تَصْفَرُّ الشَّمْسُ إِلَى غُرُوبِهَا، قَالَ: فَأَيُّ الدُّعَاءِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: شَطْرَ اللَّيْلِ الْآخِرِ وَآدْيَارِ الْمَكْتُوبَاتِ، قَالَ: فَمَتَى غُرُوبُ الشَّمْسِ؟ قَالَ: مِنْ أَوَّلِ مَا تَصْفَرُّ الشَّمْسُ حِينَ تَدْخُلُهَا صَفْرَةٌ إِلَى حِينَ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ (۴)

یعنی: روایت شده که اباماهه از پیغمبر (ص) سؤال کرد و گفت: تو چه هستی؟ فرمود: من پیغمبرم، پرسید به که مبعوث شدی؟ فرمود: به سرخ و سیاه، گفت چه وقت نماز مکروه است؟ فرمود: هنگامیکه نماز

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۴۹

(۳) المصنف / ج ۲ / ص ۴۲۵ و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۷۱ و ۱۷۲ .

مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۳

(۴) المصنف / ج ۲ / ص ۴۲۴ و ۴۲۵

صبح کردی تا اینکه خورشید یک نيزه بلند گردد و از هنگامیکه خورشید زرد شود تا غروب آن، گفت چه دعایی زودتر اجاب شود؟ فرمود: قسمت آخرب و عقب نمازهای واجبی، گفت: غروب خورشید چه زمان است؟ فرمود: از ابتدایی که زردی وارد آن شود تا هنگام غروب.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا طَلَعَ حَاجِبُ الشَّمْسِ فَأَخِرُوا الصَّلَاةَ حَتَّى تَرْتَفِعَ وَإِذَا غَابَ حَاجِبُ الشَّمْسِ فَأَخِرُوا الصَّلَاةَ حَتَّى تَغِيْبَ (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: چون ابروی خورشید طلوع کرد نماز را تأخیر بیندازید تا بلند شود و چون ابروی خورشید غایب شد نماز را عقب بیندازید تا غایب گردد. و بهمین مضمون در کتاب مستدرک نیز ذکر شده (۲).

۵- ج عَنْ عَمْرٍو بْنِ عَبَسَةَ، قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ اللَّيْلِ أَسْمَعُ؟ قَالَ: جَوْفَ اللَّيْلِ الْآخِرِ فَصَلِّ مَا شِئْتَ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ مَشْهُودَةٌ مَكْتُوبَةٌ حَتَّى تَمْلِيَ الصُّبْحَ ثُمَّ أَقْصِرْ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَتَرْتَفِعَ قَيْسُ رُمَحٍ أَوْ رُمَحَيْنِ فَإِنَّهَا تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ وَيَمْلِي لَهَا الْكُفَّارُ ثُمَّ مَلَّ مَا شِئْتَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ مَشْهُودَةٌ مَكْتُوبَةٌ حَتَّى يَعْدِلَ الرُّمَحُ ظِلَّهُ ثُمَّ أَقْصِرْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ تُسَجَّرُ وَتُفْتَحُ أَبْوَابُهَا فَإِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ فَصَلِّ مَا شِئْتَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ مَشْهُودَةٌ حَتَّى تَمْلِيَ الْعَمْرَ، ثُمَّ أَقْصِرْ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ فَإِنَّهَا تَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ وَيَمْلِي لَهَا الْكُفَّارَ (۳)

یعنی: عَمْرٍو بْنِ عَبَسَةَ گوید گفتم یا رسول الله کدام ساعت شب شنوا تراست؟ فرمود: جوف شب ساعت آخر آن پس هر چه خواهی نماز بخوان زیرا نماز مورد توجه و واجب شده است تا بجا آوری نماز صبح را، سپس اکتفا کن تا طلوع خورشید که به قدر یک نيزه بلند شود و یا به قدر دو نيزه، زیرا خورشید بین دو شاخ شیطان طلوع می کند و برای

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۴۹.

(۲) مستدرک الوسائل/ ج ۱/ ص ۱۹۳.

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

آن کفار نماز می‌خوانند (مقصود خورشیدپرستان است)، سپس هرچه خواهی نماز کن زیرا نماز مورد توجه و واجب است تا آنکه سایه نیزه معتدل گردد، سپس اکتفا کن زیرا دوزخ برافروخته شود و درهای آن باز گردد، پس چون خورشید میل کرد، پس هرچه خواهی نماز کن، زیرا نماز مورد توجه است تا آنکه نماز عصر را بجا آوری، سپس اکتفاء کن تا غروب خورشید زیرا غروب می‌کند بین دوشاخ شیطان.

۶- ج **كَرِهَ النَّبِيُّ (ص) الصَّلَاةَ نِصْفَ النَّهَارِ إِلَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ جَهَنَّمَ تُسَجَّرُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ (۱).** وَفِي رِوَايَةٍ: يَا بَنِي عَبْدِ مَنَافٍ لَا تَمْنَعُوا أَحَدًا طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَ صَلَّى آيَةً سَاعَةً شَاءَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) مکروه داشت نماز خواندن بهنگام نیم‌روز و ظهر را مگر در روز جمعه، زیرا دوزخ برافروخته می‌شود جز روز جمعه. (یعنی بهنگام مزوال تا وقتی زوال صورت نگرفته و خورشید مايل نشده است نماز مکروه است). و در روایت دیگر فرمود: ای فرزندان عبدمناف کسی را که به خانه کعبه طواف کند و نماز بخواند مانع نشوید در هر ساعت که بخواهد از شب و یاروز.

۲۷- باب النهی عن التطوع اذا أقيمت الصلاة

۱- ج وم **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَا صَلَاةَ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ (۳)**

یعنی: «ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: چون نماز بپاشد (یعنی جماعت) پس نمازی نباید جز نمازی که واجب شده است، و به مضمون حدیث فوق در کتاب وسائل نیز وارد شده (۴) که دلالت دارد بر اینکه هرگاه نماز جماعت بپاشد، کسی نباید شروع به خواندن نافله کند.

۲- م **عَنْ أَبِي مَلِيكَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) رَأَى رَجُلًا يُصَلِّي وَ**

(۱) و (۲) التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۱۵۰.

(۳) التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۱۵۰. والمصنف / ج ۲ / ص ۴۳۶.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۰۷.

الْمُؤَذِّنِ يُقِيمُ لِلصُّبْحِ، فَقَالَ: أَتَمَلَّى الصُّبْحَ أَرْبَعًا^(۱)!

یعنی: «از ابی ملیکه روایت شده که پیغمبر (ص) دید مردی نماز می‌کند در حالیکه مؤذن برای نماز صبح، اقامه می‌گوید، فرمود: آیا نماز صبح را چهار رکعت می‌کنی... این حدیث با کمی اختلاف در کتاب وسائل نیز ذکر شده^(۲). و نیز در وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۶۰ از حضرت علی (ع) روایت کرده که: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَبَلَالَ يُقِيمُ الصَّلَاةَ جَلْسًا.

۳- م عَنْ أَبِي عُمَانَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) رَأَى رَجُلًا يَمَلِّي رُكْعَتَيْنِ، وَقَدْ أُقِيمَتُ صَلَاةُ الْفَجْرِ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَيَّتَهُمَا صَلَاتُكَ؟ الَّتِي صَلَّيْتَ وَحَدَّكَ، أَمْ الَّتِي صَلَّيْتَ مَعَنَا؟^(۳)

یعنی: از ابی عثمان روایت شده که پیغمبر (ص) دید مردی نماز می‌کند در حالیکه نماز فجر پیاپی شده است، فرمود: کدام این دو، نماز توست؟ آنکه تنها خواندی و یا آنکه بی‌ما خواندی؟

۲۸- باب کراهة الصلاة للحاقن

۱- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاتَّمَلَّ وَ أَنْتَ تَجِدُ شَيْئًا مِنَ الْأَخْبَثِينَ^(۴)!

یعنی: از ابی عبدالله (ع) روایت شده که گفت، رسول خدا (ص) فرمود: نماز مخوان در حالیکه چیزی از بول و غایط را در خود می‌یابی

۲- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ وَ أَرَادَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيَبْدَأْ بِالْغَائِطِ^(۵)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه نماز پیاپی شود، و یکی از شما اراده حاجت دارد، پس باید ابتدا کندی به غایط (یعنی احتیاج به تخلیه دارد اول مستراح رود).

۳- ش عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ:

-
- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۴۴۰
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۷۰
 (۳) المصنف / ج ۲ / ص ۴۴۰
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۲۵۴
 (۵) المصنف / ج ۱ / ص ۴۵۰ و سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۰۲

لَا يُصَلِّي أَحَدُكُمْ وَبِهِ أَحَدُ الْعَصْرَيْنِ (۱)

یعنی: علی بن ابی طالب (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: یکی از شما نماز نخواند در حالیکه یکی از دو فشار ربا اوست یعنی فشار بول و غایط.

۴- م قال رسول الله (ص): لا تزاحموا الأخبثين في الصلاة البول والغائط (۲) وفي رواية: نهى رسول الله (ص) أن يصلي الرجل وهو خاقن (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: در نماز با اخبثین (یعنی بول و غایط) مبارزه نکنید. و در روایتی: رسول خدا (ص) نهی نمود که مرد نماز بخواند در حالیکه بول و غایط خود را حبس کرده است.

۵- ش عن أبي عبد الله (ع)، قال: قال رسول الله (ص): ثمانية لا يقبل الله لهم صلاة: العبد الأبق حتى يرجع إلى سيده والتاسر عن زوجها وهو عليها ساخط، وما نبع الزكاة، وتارك الوضوء، والجارية المذركة تصلى بغير خمار، وإمام قوم يصلون بهم وهم له كارهون، والزبيبي وهو الذي يدافع البول والغائط (۴)

یعنی: از ابی عبد الله (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هشت طائفه نماز شان را خدا نمی پذیرد: بنده گریخته تا برگردد به سوی آقایش، وزنی که سر برتافته از همسرش وشوی او و برا و غضبناک باشد و مانع زکات، و تارک وضوء، و دختر مکلّفی که بدون روسری نماز بخواند و پیشنماز قومی در حالیکه ایشان به امامت او کراهت دارند، و آن کسیکه بول و غایط برا و فشار می دهد. (مؤلف گوید صحت این حدیث مورد تأمل است بخصوص که تارک وضوء را با کسی که با بول و غایط نماز می خواند یکی کرده، و هر دو را محکوم به قبول نشدن نماز شان نموده و البته از این قبیل احادیث ضعیف در کتب حدیث زیاد است).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۲۵۵

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۵۰

(۳) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۰۲

(۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۲۵۴ و ۱۲۵۵ و ج ۵ / ص ۴۱۷

ابواب القبلة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلَتِهِمْ
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا... (۱)

وَقَالَ: ... وَ مَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ
الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ وَ إِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَيَّ
الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ. قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ
فَلَنُوَلِّينَاكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ
حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ... (۲)

وَقَالَ: وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ... (۳)

وهمچنین آیات دیگری که در مورد قبله در قرآن آمده است .

° °

۲۹- باب وجوب استقبال القبلة في الصلاة

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَلَّى صَلَاتَنَا وَ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتَنَا
وَ أَكَلَ ذَبِيحَتَنَا فَذَلِكَ الْمُسْلِمُ الَّذِي لَهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَ ذِمَّةُ رَسُولِهِ،
فَلَا تُخْفِرُوا اللَّهَ فِي ذِمَّتِهِ! (۴)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: «هرکس نماز ما را خواند و به قبله ما رو
کرد و از حیوان ذبح شده ما خورد، پس آن مسلمان است که برای اوست
ذمه خدا و رسول او، پس خدا را درباره ذمه اش نقض نکنید... (معنی
ذمه، پیمان حفظ است، یعنی چون مسلمان شد در حفظ خدا و رسول
است و جان و مال و عرض او مصون است)»

- (۱) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۴۲ .
(۲) قرآن / سوره بقره / آیات: ۱۴۳ و ۱۴۴ .
(۳) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۱۵ .
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۳ .

۲- ج عَنِ الْبِرَاءِ، يَقُولُ: صَلَّيْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) نَحْوَ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ سِتَّةَ عَشَرَ شَهْرًا أَوْ سَبْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا ثُمَّ صُرِفْنَا نَحْوَ الْكَعْبَةِ.^(۱)
یعنی: براء گوید: ما با رسول خدا (ص) شانزده و یا هفده ماه به طرف بیت المقدس نماز خواندیم، سپس به طرف کعبه برگشتیم.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي فِي الْمَدِينَةِ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ سَبْعَةَ عَشَرَ شَهْرًا ثُمَّ أُعِيدَ إِلَى الْكَعْبَةِ بَعْدَ رُجُوعِهِ مِنْ بَدْرٍ وَهُوَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ!^(۲)
یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت است که فرمود: رسول خدا (ص) در مدینه ۱۷ ماه به طرف بیت المقدس نماز می کرد، سپس، بعد از بازگشت از جنگ بدر در حالیکه در نماز عصر بود، به سوی کعبه برگردانیده شد.

۴- ش عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ أَحَدِهِمَا (ع)، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ النَّبِيَّ (ص) أَنْ يُصَلِّيَ إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؟ قَالَ: نَعَمْ، أَلَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَقْبَيْهِ»^(۳).

یعنی: ابوبصیر از یکی از دو امام روایت کرده که ابوبصیر گوید: به او گفتم آیا خدا پیغمبر را امر کرد که به سوی بیت المقدس نماز کند؟ فرمود: بلی، آیا نمی بینی که خدا می فرماید: و قبله ای را که تو بر آن بودی (یعنی بیت المقدس) قرار ندادیم مگر برای امتحان که پیروان رسول از بازگشت کنندگان به جا هلیت مشخص شوند (بقره / ۱۴۳). یعنی تابع رسول را از تابع هوی که عقبگرد می کند معلوم داریم.

۵- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: بَيْنَمَا النَّاسُ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ يُقْبِئُونَ إِذْ جَاءَهُمْ آتٍ فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدْ أَنْزَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلَةَ وَقَدْ أَمَرَ أَنْ يَسْتَقْبِلَ الْكَعْبَةَ فَاسْتَقْبِلُوهَا وَكَأَنْتُمْ وَجُوهُهُمْ إِلَى الشَّامِ فَاسْتَدَارُوا إِلَى الْكَعْبَةِ!^(۴)

-
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۳. ومستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۷.
(۲) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۲۱۶ و ۲۲۰.
(۳) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۲۱۶.
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۳.

یعنی: عبداللہ بن عمر گوید: در بین آنکه مردم در قبا در نماز صبح بودند، ناگاہ کسی آمد و گفت رسول خدا (ص) دیشب برا و چیزی نازل شده و مأمور شده به کعبه رو کند، پس آن را قبله قرار دهید و ایشان به طرف شام بودند پس به طرف کعبه برگشتند.

۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: لَمَّا صَرَفَ اللَّهُ نَبِيَّهٗ إِلَى الْكَعْبَةِ عَنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ قَالَ الْمُسْلِمُونَ لِلنَّبِيِّ (ص): أَرَأَيْتَ مَلَأْتَنَا الَّتِي كُنَّا نَمَلِّي إِلَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؟ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ» (۱).

یعنی: از ابی عبداللہ (ع) روایت شده که گفت: چون خدا پیا می برش را از توجہ بیت المقدس به سوی کعبه برگردانید، مسلمین به رسول خدا (ص) گفتند: نمازها تیکه به سوی بیت المقدس خوانده ایم، چه خواهد شد؟ پس خدا آیة ۱۴۳ سوره بقره را نازل کرد که می فرماید: ... خدا چنین نبوده که اعمال ایمانی شما را ضایع کند زیرا خدا به مردم مهربان و رحیم است. این مطلب با کمی اختلاف در سنن ابن ماجه نیز ذکر شده (۲).

۷- ش عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَنْ يَعْمَلَ ابْنُ آدَمَ عَمَلًا أَكْبَرَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ رَجُلٍ قَتَلَ نَبِيًّا، أَوْ هَدَمَ الْكَعْبَةَ الَّتِي جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قِبْلَةً لِعِبَادِهِ، أَوْ أَفْرَغَ مَاءَهُ فِي امْرَأَةٍ حَرَامًا (۳).

یعنی: از محمد بن علی (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: فرزند آدم گناهی بزرگتر نزد خدا نخواهد کرد از مردی که پیغمبری را بکشد، و یا کعبه ای که خدا برای مردم قبله عبادت قرار داده خراب کند، و یا آبی را در فرج زنی حرام بریزد.

۳- باب القبلة هي الكعبة مع القرب و جهةها مع البعد

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ

(۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۷ و ۲۰۱.

(۲) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۳۲۳.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۱۷.

وَالْمَغْرِبِ قِبْلَةً (۱)

یعنی: «ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: ما بین مشرق و مغرب قبله است»، (البته این نسبت به مردم شمال کعبه ما نند مدینه و یا مردم جنوب کعبه می باشد. و اما مردمی که در شرق و غرب کعبه قرار دارند باید هنگام نماز جهت کعبه را مراعات کنند. و اما نماز مقابل خود کعبه مخصوص مردم مکه می باشد.)

۲- ش عَنِ الْعَسْكَرِيِّ فِي احْتِجَاجِ النَّبِيِّ (ص) عَلَى الْمُشْرِكِينَ قَالَ: إِنَّا عِبَادُ اللَّهِ مَخْلُوقُونَ مَرْبُوبُونَ تَأْتِمُرُ لَهُ فِيمَا أَمَرْنَا وَ نَنْزَجُهُ عَمَّا زَجَرْنَا، إِلَى أَنْ قَالَ: فَلَمَّا أَمَرْنَا أَنْ نَعْبُدَهُ بِالتَّوَجُّهِ إِلَى الْكَعْبَةِ أَطَعْنَا، ثُمَّ أَمَرْنَا بِعِبَادَتِهِ بِالتَّوَجُّهِ نَحْوَهَا فِي سَائِرِ الْبُلْدَانِ الَّتِي نَكُونُ بِهَا فَأَطَعْنَا، فَلَمْ نَخْرُجْ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مِنْ اتِّبَاعِ أَمْرِهِ (۲)

یعنی: از امام عسکری (ع) روایت شده در احتجاج پیغمبر (ص) بر مشرکین، رسول خدا (ص) فرمود: ما بندگان خدا، خلق شده و تربیت شده‌ا و در آنچه ما را امر کرده مطیع و از آنچه ما را منع کرده منجزیم تا آنکه فرمود پس چون خدا ما را امر کرد که او را با توجه به کعبه عبادت کنیم، اطاعت کردیم، سپس ما را امر کرد به عبادت خودش با توجه به طرف کعبه در سایر شهرهایی که ما در آن هستیم، پس ما اطاعت کردیم، پس ما از چیزی از او امر و پیروی از آنها خارج نشدیم.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ» قَالَ: الْجُدَى لِأَنَّهُ نَجْمٌ لَا يَزُولُ وَعَلَيْهِ بِنَاءُ الْقِبْلَةِ وَ يَهْتَدِي أَهْلُ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: مصداق آیه ۱۶ سوره نحل که فرموده: «وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»، ستاره جدی می باشد زیرا آن ستاره ایست که زائل نمی شود و بنام قبله بر آنست و به اهل صحرا و دریا هدایت می یابند.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۴

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۱۹

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۲۳

۳۱- باب تصلى النافلة فى السفر الى جهته

۱- ج و م عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّي عَلَى رَأْسِ رَاغِيَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ فَإِذَا أَرَادَ الْفَرِيضَةَ نَزَلَ فَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ (۱)
 يعنى: جابر گوید: رسول خدا (ص) بر مرکب خود نماز می خواند هر طرفی که او را توجه می داد، پس چون می خواست نماز واجب را بجا آورد پیاده می شد و روبه قبله می کرد.

۲- ج كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَسِيحُ عَلَى الرَّاحِلَةِ قَبْلَ أَيِّ وَجْهِ تَوَجَّهَ وَ يُوتِرُ عَلَيْهَا غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَصِلِي عَلَيْهَا الْمَكْتُوبَةَ، وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ (ص) إِذَا سَافَرَ فَأَرَادَ أَنْ يَنْطَوِّعَ اسْتَقْبَلَ بِنَاقَتِهِ الْقِبْلَةَ فَكَبَّرَ ثُمَّ صَلَّى حَيْثُ تَوَجَّهَ رِكَابُهُ (۲)

يعنى: پیغمبر (ص) بر مرکب نافرله می خواند به هر طرفی که متوجه می شد و همچنین و تورا بر مرکب می خواند جز اینکه نماز واجب را بر بالای آن انجام نمی داد. و در روایتی: رسول خدا (ص) هر وقت مسافرت می کرد و می خواست نماز مستحبی بخواند شتر خود را روبه قبله می کرد، پس تکبیر می گفت، سپس نماز را به هر طرفی که مرکب توجه داشت بجا می آورد.

۳- ج و م عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي حَاجَةٍ فَجِئْتُ وَ هُوَ يُصَلِّي عَلَى رَأْسِ رَاغِيَتِهِ نَحْوَ الْمَشْرِقِ وَ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنْ الرُّكُوعِ (۳) وَ فِي رِوَايَةٍ: أَوْتَرَ النَّبِيُّ (ص) عَلَى رَأْسِ رَاغِيَتِهِ فِي غَزَا بُنْدُوكَ (۴)
 يعنى: جابر گوید، رسول خدا (ص) مرا به دنبال حاجتی فرستاد، من برگشتم در حالی که آنحضرت بالای مرکب خود نماز می خواند به طرف مشرق و سجود او پائین تر از رکوع بود.

۴- ش و م كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّي عَلَى رَأْسِ رَاغِيَتِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ (۴)

- (۱) التاج الجامع للاصول/ج ۱/ص ۱۵۵ والمصنف / ج ۲/ص ۵۷۵
 (۲) التاج الجامع للاصول/ج ۱/ص ۱۵۵
 (۳) التاج الجامع للاصول/ج ۱/ص ۱۵۵ والمصنف / ج ۲/ص ۵۷۶
 (۴) وسائل الشيعة / ج ۳/ص ۲۴۳ والمصنف / ج ۲/ص ۵۷۵
 * وسائل الشيعة / ج ۳/ص ۲۴۳

یعنی: رسول خدا (ص) بالای مرکوب خود به هر طرفی که مرکب او توجه داشت، نماز می خواند.

۵-عَنْ عَلِيٍّ (ع): أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَتَطَوَّعُ عَلَيَّ بِعَيْرِهِ فِي سَفَرِهِ حَيْثُ تَوَجَّهَ بِهِ بِعَيْرِهِ يَوْمَئِذٍ إِيمَاءً وَ يَجْعَلُ سُجُودَهُ أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِهِ^(۱)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که: پیغمبر (ص) نماز مستحبی را در سفر خود روی شتر می خواند، به هر طرف که شتر آنحضرت را توجه می داد. و آنحضرت اشاره می کرد اشاره کاملی وسجود خود را پایین تر از رکوع قرار می داد.

۶-عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُمَلِّي عَلِيَّ حِمَارَهُ تَطَوُّعًا وَ هُوَ مُتَوَجَّهٌ إِلَى خَيْبَرَ^(۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: مَلَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِيمَاءً عَلَيَّ رَأَيْتُهُ أَيْنَمَا تَوَجَّهَتْ بِهِ حَيْثُ خَرَجَ إِلَى خَيْبَرٍ وَ حِينَ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ، وَ جَعَلَ الْكُعْبَةَ خَلْفَ ظَهْرِهِ^(۳)

یعنی: ابن عمر، روایت کرده که دیدم رسول خدا (ص) بر پشت الاغ نماز می خواند در حالیکه متوجه به طرف خیبر بود. و در روایت دیگر وارد شده که: رسول خدا (ص) بطور اشاره بالای مرکب خود نماز کرد هر طرفی که حضرت را توجه می داد هنگامیکه آنحضرت به سوی خیبر بیرون رفت و هنگامیکه از مکه برگشت و کعبه را پشت سر قرار داد.

۷-عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُمَلِّي، وَ هُوَ مُقْبِلٌ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ، عَلَيَّ رَأَيْتُهُ حَيْثُ كَانَ وَجْهَهُ. قَالَ: وَ فِيهِ نَزَلَتْ: «فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»^(۴). وَ فِي رِوَايَةٍ: ثُمَّ تَلَا ابْنُ عُمَرَ: «فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»^(۵)

یعنی: از ابن عمر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در حالیکه از مکه به سوی مدینه می آمد روی مرکب نماز می خواند هر طرف که توجه می کرد، و گفت در این باره نازل شده آیه: «فَأَيْنَمَا تُولُّوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ»

(۱) مسند الامام زید / ص ۱۴۹ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۷۶.

(۲) المصنف / ج ۲ / ص ۵۷۵.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۴۳.

(۴) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۸۶.

(۵) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۸۷.

و در روایت دیگر: ابن عمر (نگفت این آیه در این بنا ره نازل شده بلکه او این آیه را تلاوت کرد که فرموده: فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ .

۳۲- باب الحال التي يجوز عليها استقبال غير القبلة

في الصلاة المكتوبة

۱- ج عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ، قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي سَفَرٍ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ فَلَمْ نَدْرِ أَيْنَ الْقِبْلَةَ فَصَلَّى كُلُّ رَجُلٍ مِمَّا عَلَيَّ حَيْثُ لَهُ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا ذَكَرْنَا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ (ص) فَنَزَلَ - فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ - (۱)

یعنی: عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ نقل کرده که ما در شب تاریکی با رسول خدا (ص) در سفری بودیم، و ندانستیم قبله کجاست، پس هر مردی از ما به طرف مقابل خود نماز کرد، پس چون صبح شد برای رسول خدا (ص) ذکر کردیم، پس آیه: فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ، به هر جا رو کنید، خدا آنجاست، نازل شد.

توضیح: از آیه و حدیث فوق استفاده می‌شود که هرگاه شخصی قادر به تشخیص قبله نباشد و قبله را گم کند، به هر طرفی که بخواهد می‌تواند نماز خود را بجا آورد. و البته عقیده اکثر فقهاء اسلامی نیز چنین است. و از ائمه امامیه (ع) نیز در تأیید این مطلب روایاتی وارد شده (۲) بنا بر این لازم نیست به چند طرف نماز بخواند.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۴ و ۱۵۵ .
(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۶ و ۲۲۹ و ۲۳۰ .

ابواب ستر العورة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (۱)
وَقَالَ: وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ (۲)

وهمچنین آیه ۲۶ سوره اعراف و ۳۱ سوره نور و آیات دیگر.

۳۳- باب ما يكفي الرجل من الثياب في الصلاة والنهي عن تجريد المنكبين فيها إلا إذا وجد ما يستر العورة وحدها

۱- جوم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَامَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص)
فَسَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ؟ فَقَالَ: أَوْكَلِكُمْ يَجِدُ ثَوْبَيْنِ (۳)
یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت: مردی برخاست به سوی رسول
خدا (ص) و او را از نماز خواندن در جامه واحد سؤال کرد؟ حضرت
فرمود: آیا هریک از شما دو جامه دارد (یعنی چون همه دو جامه
ندارند خدا بیش از یک جامه واجب نکرده است).

۲- م عَنْ عُمَرِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ أَنَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ
يُصَلِّي فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ مُتَوَشِّحًا بِهِ قَدْ خَالَفَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ (۴)
یعنی: از عمر بن ابی سلمه روایت شده که گفت: دیدم رسول خدا (ص) را
که نماز می خواند در یک جامه ای که به خود پیچیده و هر طرف آن را روی
دیگری انداخته بود. وبهین مضمون در کتاب تاج و وسائل نیز وارد شده (۵)

۳- م عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: آخِرُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ

- (۱) قرآن / سوره اعراف / آیه: ۳۱.
(۲) قرآن / سوره مدثر / آیه: ۴.
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۶ / والمصنف / ج ۱ / ص ۳۴۹.
(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۰.
(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۶ / ووسائل الشيعه / ج ۳ / ص ۲۳۰.

فِي مِلْحَقَةٍ مُورَسَةٍ مُتَوَشِّحًا بِهَا (۱)

یعنی: «از حضرت باقر (ع) روایت شده که فرمود: آخرین نمازی را که رسول خدا (ص) بجا آورد در حوله رنگینی بود که به خود پیچیده بود.» و بهمین مضمون در کتاب وسائل نیز وارد شده (۲)

۴- م عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى فِي كِسَاءٍ مُخَالِفٍ بَيْنَ طَرَفَيْهِ فِي يَوْمٍ بَارِدٍ يَتَّقِي بِالْكِسَاءِ خَصَرَ الْأَرْضِ كَهَيْئَةِ الْحَافِرِ (۳)

یعنی: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) در عبای نماز کرد که هر طرف را روی طرف دیگر انداخته بود در روز سرد که از سردی زمین خود را به عبا حفظ می کرد مانند کسی که خود را جمع کند.

۵- م عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: إِذَا كَانَ الثَّوْبُ وَاسِعًا فَصَلِّ فِيهِ مُتَوَشِّحًا وَإِذَا كَانَ صَغِيرًا فَصَلِّ فِيهِ مُتَزَّرًا (۴)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه جامه گشاد است در آن نماز بخوان در حالی که به خود پیچیده باشی، و اگر جامه کوچک است در آن نماز بخوان در حالی که مانند لنگ بسته باشی.

۶- م عَنْ عَبْدِ بَنِ الصَّامِتِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى فِي شِمْلَةٍ أَوْ بُرْدَةٍ عَقَدَهَا عَلَيْهِ (۵)

یعنی: از عباده بن صامت روایت شده که: پیغمبر (ص) درجه یا حوله ای که به خود بسته بود نماز خواند.

۷- م قَالَ جَابِرٌ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي فِي قَمِيصٍ (۶)

یعنی: جابر گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که در پیرهنی نماز می خواند.

۸- م عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) نَهَى أَنْ يُصَلِّيَ فِي شِعَارِ الْمَرْأَةِ (۷)

- (۱) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۰
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۲۸۴
 (۳) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۱
 (۴) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۲
 (۵) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۹
 (۶) المصنف / ج ۱ / ص ۳۶۰
 (۷) المصنف / ج ۱ / ص ۳۶۷

یعنی: از عایشه روایت شده که پیغمبر (ص) نهی کرد از اینکه مردی در زیر لباسی زن نماز بخواند.

۹- كَانِ النَّبِيُّ (ص) يُمَلِّي فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ الْوَاسِعِ (۱)

یعنی: پیغمبر (ص) در یک جامه که گشاده بود، نماز می خواند.

۱۰- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ : الْفَخِذُ عَوْرَةٌ . وَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ : لَا تَكْشِفْ فَخِذَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى فَخِذِ حَيٍّ وَلَا مَيِّتٍ (۲)

یعنی: ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: ران عورت است. و از علی (ع) روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: ران خود را مکشوف مکن و به ران زنده و مرده نظر مکن.

۱۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : كَشَفَ السُّرَّةِ وَالْفَخِذِ وَالرُّكْبَةِ فِي الْمَسْجِدِ مِنَ الْعَوْرَةِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: مکشوف نمودن ناف و ران و زانو در مسجد از عورت است (یعنی باید پوشیده باشد).

۱۲- م عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ فَلْيُخَالِفْ بَيْنَ طَرَفَيْهِ عَلَيَّ عَاتِقِهِ (۴)

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما در یک جامه نماز کرد باید گوشه طرف راست را بر شانه چپ و گوشه طرف چپ را بر شانه راست بیندازد.

۱۳- ج وَعَنْهُ ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ : لَا يُصَلِّ أَحَدُكُمْ فِي الثَّوْبِ الْوَاحِدِ لَيْسَ عَلَيَّ عَاتِقِهِ مِنْهُ شَيْءٌ (۵)

یعنی: ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: احدی از شما نماز نخواند در جامه ای که شانه های او را نمی پوشاند.

- (۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۰۳
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۷
 (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۵ و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۵
 (۴) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۳
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۶ و المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۳

٣٤- باب حدّ عورة المرأة ولباسها في الصلاة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ... (١)
و قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
يُذْنِبْنَ عَلَىٰ هُنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ... (٢)

ج - ١
عَنْ عَائِشَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ
حَائِضٍ إِلَّا بِخِمَارٍ (٣)

يعنى: پیغمبر (ص) فرمود: خدا نماز دختر مکلف را نمی پذیرد مگر با
روسری.

م - ٢
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيُّمَا جَارِيَةٍ حَاضَتْ فَلَمْ تَخْتَمِرْ
لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهَا صَلَاةً (٤)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هر دختری که حیض شود و سر خود را
نپوشاند، خدا نماز او را نپذیرد.

ش - ٣
قَالَ النَّبِيُّ (ص): شَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ
مِنْهُمْ الْمَرْأَةُ الْمُدْرِكَةُ تَصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ (٥)

یعنی: رسول خدا (ص) فرموده هشت طائفه نماز شان پذیرفته نشود
از جمله ایشان زن بالغی که بدون سرپوش نماز بخواند.

ع - ٤
عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَقْبَلُ اللَّهُ
صَلَاةَ جَارِيَةٍ قَدْ حَاضَتْ حَتَّى تَخْتَمِرَ وَلَا تُقْبَلُ صَلَاةٌ مِنْ امْرَأَةٍ حَتَّى تُوَارِيَ
أُذُنَيْهَا وَنَحْرَهَا فِي الصَّلَاةِ (٦)

- (١) قرآن/ سورة نور/ آیه ٣١.
(٢) قرآن/ سورة احزاب/ آیه: ٥٩.
(٣) التاج الجا مع للاصول/ ج ١/ ص ١٥٨.
(٤) المصنف / ج ٣/ ص ١٣٥.
(٥) وسائل الشيعة / ج ٣/ ص ٢٩٤.
(٦) مستدرک الوسائل/ ج ١/ ص ٢٥٤.

از علی (ع) روایت شده که گفت رسول خدا (ص) فرمود: خدا نماز دختر مکلّف را قبول نمی‌کند تا آنکه مقنعه بر سرافکند و نماز را از زنی قبول نمی‌کند تا آنکه دو گوش و گلویش را در نماز بپوشاند.

۵- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ (ص) أَ تَصَلِّي الْمَرْأَةُ فِي دِرْعٍ وَخِمَارٍ لَيْسَ عَلَيْهَا إِزَارٌ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ الدِّرْعُ سَابِغًا يُغَطِّي ظَهْرَ قَدَمَيْهَا^(۱)

یعنی: روایت شده از امّ سلمه که گفت از رسول خدا (ص) سؤال کردم که آیا زن در پیراهن و روسری که بر روی آن جامه‌ای نباشد نماز بخواند؟ فرمود: اگر پیراهن فرو گیرد و بپوشاند پشت قدمهای او را.

۶- ج عَنْ عَمْرٍو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا زَوَّجَ أَحَدَكُمْ خَادِمَهُ عَبْدَهُ أَوْ أُجِيرَهُ فَلَا يَنْظُرْ إِلَى مَا دُونَ السُّرَّةِ وَفَوْقَ الرُّكْبَةِ^(۲)

یعنی: عمرو بن شعیب از پدرش از جدش از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: چون یکی از شما خادم خود را به بنده‌اش و یا اجیرش تزویج کرد پس به پائین از ناف و بالاتر از زانوی آنان نظر نکند.

۷- ج عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ أَبِي بَكْرٍ دَخَلَتْ عَلَيَّ النَّبِيِّ (ص) وَعَلَيْهَا شِيَابٌ رِفَاقٌ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَقَالَ: يَا أَسْمَاءُ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا بَلَغَتِ الْمَحِيضَ لَمْ يَصْلَحْ لَهَا أَنْ يَرَى مِنْهَا إِلَّا هَذَا وَ هَذَا وَ أَشَارَ إِلَى وَجْهِهِ وَ كَفَّيْهِ^(۳)

یعنی: از عایشه روایت شده که اسماء بنت ابوبکر بر پیغمبر (ص) وارد شد و بر بدن او جامه‌های نازک بود، پس پیغمبر (ص) از او اعراض کرد و فرمود: ای اسماء زن چون به سنّ حیض رسید شایسته نیست که از او چیزی دیده شود جز صورت و دو کف او.

۸- م عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ: بَلَغَنِي أَنَّ امْرَأَةً سَقَطَتْ عَنْ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۸
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۷
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۳ / ص ۱۶۸

دَابَّتْهَا فَكَشَفَتْ عَنْهَا شَيْئًا بِهَا وَالنَّبِيُّ (ص) قَرِيبًا مِنْهَا ، فَأَعْرَضَ عَنْهَا ، فَقِيلَ : إِنَّ عَلِيَّهَا سَرَاوِيلَ فَقَالَ : يَرْحَمُ اللَّهُ الْمَسْرُولَاتَ (۱) !
یعنی: روایت شده از مجاهد که گفت: به من خبر رسید که زنی از مرکب خود افتاد و جامه های او مکشوف شد و پیغمبر (ص) نزدیک او بود پس از او روگردانید، به او گفتند زیر جامه او برآوست، فرمود: خدا رحمت کند زانی که زیر جامه دارند.

۹- عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كُنَّا قَاعِدًا فِي الْبَقِيعِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي يَوْمٍ دَجَنَ وَمَطَرَ إِذْ مَرَّتْ امْرَأَةٌ عَلَى جِمَا رَفُوعٍ يَسُدُّ الْحِمَارَ فِي هَدَّةٍ فَسَقَطَتِ الْمَرْأَةُ فَأَعْرَضَ النَّبِيُّ (ص) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا مُتَسَرِّوَةٌ، قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَتَسَرُّوَاتِ ثَلَاثًا ، أَيُّهَا النَّاسُ اتَّخَذُوا السَّرَاوِيلَ فَاتَّهَمُوا مِنْهَا مِنْ أَسْتَرِثِيَا بِكُمْ وَحَصَّنُوا بِهَا نِسَاءَكُمْ إِذَا خَرَجَ (۲)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که گفت: ما با رسول خدا (ص) در بقیع نشسته بودیم در روز گل و باران که ناگهان زنی بر روی الاغ می گذشت، پس دست الاغ به گل فرورفت وزن افتاد، پس پیغمبر (ص) روگردانید، پس گفتند: یا رسول الله او شلوار دارد، آنحضرت سه مرتبه گفت: خدا یا بیامرز زانی را که شلوار می پوشند. و فرمود: ای مردم شلوار تهیه کنید که شلوار پنهان کننده ترین جامه های شماست و زنان خود را هنگام خروج با آن حفظ کنید.

۱۰- كَرِهَ النَّبِيُّ (ص) لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِالْحُلِيِّ (۳)

یعنی: پیغمبر (ص) مکروه داشت که زن بدون زینت نماز بخواند.
بدانکه دربارۀ عورت زن که تا چه حد است اختلاف شده، بعضی فقهاء تمام بدن او را عورت دانسته اند، و برخی گفته اند تمام بدن با استثناء صورت او، و پاره ای گفته اند تمام بدن با استثناء صورت و کفها و قدمها تا موضع خلخال، ولی اکثریت فقهاء قائلند که تمام بدن زن با استثناء صورت و کفهای او عورت است و باید از نامحرم بپوشاند. ضمناً در مورد لباس زن احادیث دیگری نیز وارد شده که در کتاب لباس خواهد آمد.

- (۱) المصنف / ج ۳ / ص ۱۳۱ .
(۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۰۸ .
(۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۰۶ .

۳۵- باب صلاة الرجل في ثوب بعضه على امرأته

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصَلِّي بِالنَّيْلِ وَأَنَا إِلَى جَنْبِهِ وَأَنَا حَائِضٌ وَعَلَيَّ مِرْطٌ بَعْضُهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) (۱) وَفِي رِوَايَةٍ، قَالَتْ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ بَعْضُهُ عَلَيَّ (۲)

یعنی: از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در شب نماز می خواند در حالی که من در پهلویش بودم و حائض بودم، و بر روی من چادری بود که بعضی از آن روی رسول خدا (ص) بود، و در روایتی، عایشه گفت: رسول خدا (ص) در یک جامه نماز خواند که قسمتی از آن روی من بود.

۳۶- باب الصلاة في ثوب الحرير والغصب

و ثوب له أعلام

عَنْ عُقَيْبِ بْنِ عَامِرٍ، قَالَ: أُهْدِيَ لِلنَّبِيِّ (ص) فَرَجٌ حَرِيرٌ فَلَبَسَهُ فَصَلَّى فِيهِ ثُمَّ اتَّصَرَ فَتَزَعَهُ تَزَعًا شَدِيدًا كَالْكَارِهِ لَهُ، وَقَالَ: لَا يَنْبَغِي هَذَا لِلْمُتَّقِينَ (۳)

یعنی: عقبه بن عامر روایت کرده که قبایلی از حریر برای رسول خدا (ص) هدیده شد، پس در آن نماز خواند، سپس منصرف شد و آنرا بسختی کند مانند کسی که از آن کراهت دارد، و فرمود: این برای اهل تقوی سزاوار نیست.

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي خَمِيصَةٍ ذَاتِ أَعْلَامٍ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ قَالَ: اذْهَبُوا بِهَذِهِ الْخَمِيصَةِ إِلَى أَبِي جَهْمِ بْنِ حَدِيفَةَ وَأَتُونِي بِأَنْبِجَانِيَّةٍ فَإِنَّهَا الْهَثْنِي عَنْ صَلَاتِي (۴)

یعنی: از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در یک عبای که دارای نشانه ها و رنگهایی بود نماز خواند، پس چون نماز را

(۱) سنن النسائی / ج ۲ / ص ۷۱

(۲) سنن ابی داود / ج ۱ / ص ۱۷۵

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۶ و ۱۵۷ و ج ۳ / ص ۱۴۸

(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۳۵۷

انجام داد، فرمود: این را ببرید نزد ابی جهم بن حذیفه، و یک عبای ساده بیاورید زیرا این مرا از نماز گذشته مشغول گردانید.

۳- عَنْ هَاشِمٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: مَنْ اشْتَرَى ثَوْبًا بِعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ وَفِيهِ دِرْهَمٌ حَرَامٌ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً مَا دَامَ عَلَيْهِ، قَالَ ثُمَّ أُدْخِلَ إِصْبَعِي فِي أُذُنِي ثُمَّ قَالَ صَمًّا إِنَّ لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ (ص) سَمِعْتَهُ يَقُولُهُ (۱)

یعنی: از هاشم از ابن عمر روایت شده که گفت: آنکه جامه‌ای را با ده درهم بخرد در حالیکه در آن یک درهم حرام باشد، خدا نماز او را مادامیکه در آن نماز می‌خواند قبول نکند، سپس عبداللّه بن عمر دوانگشت خود را در دو گوش خود داخل نمود و گفت: کرباشند اگر از قول پیغمبر (ص) با این دو گوش آنرا نشنیده باشم.

۳۷- باب السّدل فی الصّلاة

۱- م عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْأَقْمَرِ، قَالَ: مَرَّ النَّبِيُّ (ص) بِرَجُلٍ قَدْ سَدَلَ ثَوْبَهُ وَهُوَ يَصَلِّي فَعَطَفَ ثَوْبَهُ عَلَيْهِ. وَفِي رِوَايَةٍ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) يَنْهَى عَنْهُ (۲). وَفِي رِوَايَةٍ: نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ السّدْلِ فِي الصّلاةِ، وَأَنْ يَغَطِيَ الرَّجُلُ فَاهُ (۳).

یعنی: از علی بن اقمرو روایت شده که پیغمبر (ص) به مردی گذشت که او در حال نماز جامه خود را کرده بود، پیغمبر (ص) جامه او را بر او و برگردانید. و در روایتی آمده که پیغمبر از رها کردن جامه در نماز نهی می‌کرد. و در روایت دیگر: پیغمبر (ص) از رها کردن جامه در نماز (که به زمین رسد) و از اینکه مرد دهان خود را بیوشاند، نهی فرمود. مؤلف گوید برای سدل معنای دیگری ذکر کرده اند و آن اینست که جامه را مانند لحاف بر خود بپیچد که در حال رکوع و سجود نتواند کف دست را برزاند و یا بر زمین بگذارد مگر از توی جامه.

(۱) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۲ / ص ۹۸.

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۳۶۳ و ۳۶۴.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۶.

۲- ج عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرَهُ لَيَقْبَلُ صَلَاةَ رَجُلٍ مُسْبِلٍ إِزَارَهُ^(۱)

یعنی: ابوهریره از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: خدای جلیل نماز مردی را که جامه خود را رها کند (که به زمین رسد) قبول نکند.

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَسْبَلَ إِزَارَهُ فِي صَلَاتِهِ خِيَلًا فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي حِلِّهِ وَلَا حَرَامٍ^(۲)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در نماز خود جامه را متکبرانانه رها کند در حلال و حرام خدای جلیل نیست.

۳۸- باب الصلاة في النعل الطاهر

۱- م عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: وَرَبِّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ لَقَدْ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَنَعْلَاهُ فِي رِجْلَيْهِ وَهُوَ يُصَلِّي كَذَلِكَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَهُوَ كَذَلِكَ مَا خَلَعَهُمَا^(۳)

یعنی: از ابی هریره روایت است که گفت: قسم به پروردگارا این بنا که دیدم رسول خدا (ص) وارد مسجد می شد در حالیکه نعلین او در پاهایش بود و او بدینگونه بود، سپس از مسجد بیرون می رفت و او چنین بود که نعلین خود را نکند.

۲- م عَنِ عَمْرَوِ بْنِ حَرْبٍ يَقُولُ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي فِي نَعْلَيْنِ مَخْضُوقَتَيْنِ^(۴)

یعنی: «از عمرو بن حرب روایت شده که می گفت: رسول خدا (ص) را دیدم که در دو نعلین سیاه و سفید نماز می کرد». و همچنین عُبْدُ اللَّهِ بْنُ شَخِيرٍ روایت کرده که دیدم رسول خدا (ص) در نعلین نماز می خواند^(۵)

۳- م عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۷

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۴

(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۶

(۵) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۴

يُصَلِّي حَافِيًا وَ مُتَنَعِلًا . وَعَنِ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى
بِالنَّاسِ فَخَلَعَ نَعْلَيْهِ فَخَلَعَ النَّاسُ نِعَالَهُمْ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ مَا
شَأْنُكُمْ فَقَالُوا : لَقَدْ رَأَيْنَاكَ خَلَعْتَ فَخَلَعْنَا فَقَالَ : مَنْ شَاءَ فَلْيُصَلِّ
فِي نَعْلَيْهِ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُخَلَعْهُمَا^(۱)!

یعنی: از عبداللہ بن عمرو روایت شده کہ گفت: رسول خدا (ص) را دیدم
کہ پای برهنه و با نعلین نماز می خواند. و از حکم بن عتیبه روایت
شده کہ پیغمبر (ص) با مردم نماز خواند، پس نعلین خود را کنسید،
مردم نیز کنسیدند، پس چون از نماز فارغ شد فرمود: چه شده شمارا؟
گفتند: ما دیدیم شما نعلین را بیرون آوردید ما نیز بیرون
آوردیم، فرمود: هرکس بخواد در نعلین نماز بخواند و هرکس
خواست آنها را بکند.

۴- ج سئل أنس، أكان النبي (ص) يصلي في نعليه؟ قال:
نعم^(۲)!

یعنی: از انس سؤال شد آیا پیغمبر (ص) در نعلین خود نماز می خواند؟
جواب داد: آری.

۵- ش عن جعفر بن محمد عن أبيه (ع)، قال: كان رسول
الله (ص) إذا أقيمت الصلاة ليس نعليه و صلى فيهما^(۳)!
یعنی: جعفر بن محمد (ع) از پدرش روایت کرده کہ فرمود: چون نماز
بپا می شد، رسول خدا (ص) نعلین خود را می پوشید و در آنها نماز
می خواند.

۶- ش عن أبي عبد الله (ع) قال: إذا صليت فصل في
نعليك إذا كانت طاهرة فإن ذلك من السنة^(۴)!

یعنی: از ابی عبد اللہ (ع) روایت شده کہ فرمود: چون نماز خواستی نماز
بخوانی پس در نعلین خود هرگاه پاک باشد نماز بخوان که این کار
از سنت است.

-
- (۱) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۷ .
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۸ .
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۳۹ .
(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۰۸ .

۳۹- باب تعاهد التعلین عند باب المسجد

۱- م عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَيْنَنَا يُصَلِّي يَوْمًا خَلَعَ نَعْلَيْهِ فَخَلَعَ النَّاسُ نِعَالَهُمْ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ مَا شَأْنُكُمْ خَلَعْتُمْ نِعَالَكُمْ؟ قَالُوا: رَأَيْنَاكَ خَلَعْتَ فَخَلَعْنَا، فَقَالَ إِنَّ جِبْرَائِيلَ أَتَانِي فَأَخْبَرَنِي أَنَّ بَيْهَمَا قَدْرًا قَذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَنْظُرْ نَعْلَيْهِ فَإِنْ كَانَ بَيْهَمَا قَدْرٌ فَلْيَدْلُكُمَا بِالْأَرْضِ^(۱)

یعنی: «روایت از ابی سعید خدری است که: پیغمبر (ص) در بین اینک روزی نماز می خواند، نعلین خود را کند، پس مردم نیز کردند، پس چون از نماز فارغ شد، فرمود: شما را چه شد که نعلین خود را کنید؟ گفتند، دیدیم تو کنده ما نیز کردیم، فرمود: جبرئیل آمد و مرا خبر داد که به آنها کثافت است، پس چون یکی از شما در مسجد آمد باید نظر کند به نعلین خود، اگر به آنها کثافتی باشد آنرا به زمین بمالد... این روایت با کمی اختلاف لفظی در کتاب تاج نیز ذکر شده^(۲)»

۴۰- باب این یضع المصلی نعلیه اذا خلعهما

۱- م عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَائِبٍ: صَلَّى النَّبِيُّ يَوْمَ الْفَتْحِ فَخَلَعَ نَعْلَيْهِ فَخَلَعَهُمَا عَنْ يَسَارِهِ^(۳). وَفِي رِوَايَةٍ: فَوَضَعَ نَعْلَيْهِ عَنْ يَسَارِهِ^(۴)

یعنی: از عبد الله بن سائب روایت شده که پیغمبر (ص) روز فتح مکه نماز خواند، پس نعلین خود را کند و از طرف چپ خود خلع کند. و در روایتی نعلین خود را در طرف چپ خود نهاد.

۲- م عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، يَقُولُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا

(۱) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۸

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۲

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۹

(۴) سنن النسائی / ج ۲ / ص ۷۴ و سنن بی‌داود / ج ۱ / ص ۱۷۵

صَلَّى أَحَدُكُمْ فِي نَعْلَيْهِ فَأَرَادَ أَنْ يَخْلَعَهُمَا فَلْيَخْلَعْهُمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ
وَ لَا يَضَعْهُمَا إِلَى جَنْبِهِ يُؤْذِي بِهِمَا أَحَدًا^(۱)

یعنی: از ابی هریره روایت شده که می‌گفت، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما در نعلین خود نماز کرد و خواست بکند، پس بکند جلو پاهای خود، و نگذارد در پهلوی خود که با آنها کسی را اذیت کند، (یعنی طوری نباشد که بواسطه نعلین خود کسی را بیازارد).

۳- م
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص): قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَخَلَعَ نَعْلَيْهِ فَلْيُؤْذِبْهُمَا أَحَدًا، لِيَجْعَلَهُمَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ أَوْ لِيُصَلَّ فِيهِمَا^(۲)

یعنی: از ابی هریره روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما نماز خواند و نعلین خود را کند بواسطه آنها کسی را اذیت نکند، و باید جلو خود بگذارد و یا در آنها نماز گذارد.

(۱) المصنف / ج ۱ / ص ۳۸۹
(۲) سنن ابی داود / ج ۱ / ص ۱۷۶

ابواب الأذان والإقامة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱).
وَقَالَ: وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَلَعِبًا... (۲).

°°

ع-باب فضل الأذان وثواب المؤذنين

۱- ش وجوم قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْمُوذِّنُونَ أَطْوَلُ النَّاسِ أَعْنَاقًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۳).

یعنی: «رسول خدا (ص) فرمود: اذان گویان، در روز قیامت از همه مردم گردن فرازترند (زیرا جارجی توحید باید سرافرازتر از همه کس باشد)». وبهین مضمون در کتاب مستدزید نیز وارد شده است (۴).

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَدَّنَ احْتِسَابًا سَبْعَ سِنِينَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَأَذْنَبَ لَهُ (۵).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که هفت سال بحساب خدا اذان گوید روز قیامت در حالیکه گناهی برای او نمانده، بیاید. مؤلف گوید اگر این حدیث را رسول خدا (ص) فرموده باشد منظور از گناه، گناهان صغیره می باشد.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْمُوذِّنُ الْمُحْتَسِبُ كَالشَّاهِرِ سَيْفُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْقَاتِلِ بَيْنَ الصَّقَيْنِ (۶).

- (۱) قرآن/سوره جمعه / آیه: ۹.
(۲) قرآن/سوره مائده / آیه: ۵۸.
(۳) وسائل الشیعه / ج ۴/ص ۶۱۶ و التاج الجامع للاصول / ج ۱/ص: ۱۶۱ و المصنف / ج ۱/ص ۴۸۳.
(۴) مستدرا لآما مزید / ص ۹۷.
(۵) وسائل الشیعه / ج ۴/ص ۶۱۵.
(۶) وسائل الشیعه / ج ۴/ص ۶۱۴.

یعنی: «رسول خدا (ص) فرمود: مؤذنی که بحساب خدا اذان بگوید مانند کسی است که شمشیر کشیده در راه خدا و بین دو صف موحد و مشرک قتال کرده است.» و بهمین مضمون در کتاب مسند زید نیز وارد شده^(۱)!

مؤلف گوید: چنین ثوابی برای آنستکه در زمان رسول خدا (ص) کسی جرئت نداشت اذان بگوید خصوصاً در مکه، و این سخن حضرت راجع به همان زمان است که اذان گو جرئت بسیار لازم داشت و مانند میدان جهاد بود.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَدَّنَ أَرْبَعِينَ عَامًا مُحْتَسِبًا بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ عَمَلٌ أَرْبَعِينَ صَدِيقًا عَمَلًا مَبْرُورًا مُتَقَبَّلًا. وَ مَنْ أَدَّنَ عَشْرِينَ عَامًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ مِنَ التَّوَرِّ مِثْلُ زِينَةِ السَّمَاءِ. وَ مَنْ أَدَّنَ عَشْرَ سِنِينَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ فِي دَرَجَتِهِ. وَ مَنْ أَدَّنَ سَنَةً وَاحِدَةً بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ غَفَرَتْ ذُنُوبَهُ كُلُّهَا^(۲) وَ فِي رِوَايَةٍ: مَنْ أَدَّنَ فِي مِصْرٍ مِنْ أَمْطَارِ الْمُسْلِمِينَ سَنَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ^(۳)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه چهل سال اذان بگوید روز قیامت خدا او را مبعوث کند و برای او باشد عمل چهل راستگو که عمل خوب قبول شده باشد. و کسیکه بیست سال اذان بگوید خدا او را مبعوث کند در حالیکه برای او چنان نوری باشد به وزن آسمان. و کسیکه ده سال اذان بگوید خدای عزوجل او را درجه ابراهیم خلیل (ع) سکنی دهد (زیرا طبق قرآن حضرت ابراهیم ۳ مؤذن به حج بوده)، و کسیکه یکسال اذان گوید خدا او را روز قیامت مبعوث کند در حالیکه گنا هانش آمرزیده باشد. و در روایت دیگر فرمود: هر کس در شهری از بلاد مسلمین یکسال اذان بگوید بهشت بر او واجب گردد.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِلْمُؤَذِّنِ أَجْرٌ كَثِيرٌ فِي

- (۱) مسند الامام زید / ص ۹۷.
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۵.
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۳.

سَبِيلِ اللَّهِ، قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُمْ يَجْتَلِدُونَ عَلَيَّ الْأَذَانَ؟
قَالَ: كَلَّا إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَيَّ النَّاسَ زَمَانٌ يَطْرَحُونَ الْأَذَانَ عَلَيَّ ضَعْفًا فِيهِمْ
وَ تِلْكَ لُحُومٌ حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَيَّ النَّارِ! (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: برای مؤذن اگر زیادى است در راه خدا،
راوى گفت عرض کردم يَا رَسُولَ اللَّهِ مردم برای اذان گفتن زدو
خورد می‌کنند و هرکس می‌خواهد خود اذان بگوید با این همه
ثواب؟ فرمود: نه چنین است زمانى بر مردم بیاید که اذان را بر
گردن وعده ضعفاء بیندازند و آن ضعفاء گوشت‌هایی هستند که خدا
بر آتش حرام کرده است.

ع- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يُحَشَّرُ بِلَالٌ عَلَيَّ نَاقَةً مِنْ
نُوقِ الْجَنَّةِ يُؤَذِّنُ بِالشَّهَادَتَيْنِ فَإِذَا نَادَى كَسَى حَلَّةً مِنْ حُلِيِّ الْجَنَّةِ (۲)
یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: بلال بر مرکبى از مرکبهای بهشتی، سواره
محشور گردد در حالیکه اعلان می‌کند به شهادتین، پس چون ندا کند
خلعتی از حله‌های بهشتی بها و پوشانیده شود.

۷- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ثَلَاثَةٌ عَلَيَّ كُثْبَانِ الْمَسْكِ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَغْنِطُهُمُ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ: رَجُلٌ يَنَادِي بِالصَّلَاةِ
الْخَمْسِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ، وَ رَجُلٌ يَوْمَ قَوْمًا وَ هُمْ بِرِأْضُونَ، وَ
عَبْدٌ آتَى حَقَّ اللَّهِ وَ حَقَّ مَوَالِيهِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: سه طایفه در روز قیامت بالای تل مشک
باشند که تمام اولین و آخرین به ایشان غبطه می‌خورند: مردی که
در هر روز و شب برای نمازهای پنجگانه ندا کند، و مردی که امامت
کند برای قومی در حالیکه بها و خشنود باشند، و بنده‌ای که حق
خدا و حق موالی خود را ادا کند. این حدیث با کمی اختلاف
در کتاب مصنف نیز وارد شده (۴)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۳ و ۶۱۴.
(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۷.
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۴.
(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۴۸۸.

۸- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): بَادِرُوا الْأَذَانَ وَلا تَبَادِرُوا
الْإِمَامَةَ (۱)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: در اذان گفتن بریکدیگر پیشدستی
کنید ولی در امامت و پیشنمازی پیشی نگیرید و شتاب نکنید.

۴۲- باب رفع الصوت بالأذان

۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَغْفِرُ لِلْمُؤَدِّنِ مَدَّ صَوْتِهِ وَ
بَصَرَهُ، وَ يَمْدِقُهُ كُلَّ رَطْبٍ وَ يَأْسِسِ، وَ لَهُ مِنْ كُلِّ مَنْ يُطِئُ بِأَذَانِهِ
حَسَنَةٌ (۲)

یعنی: «رسول خدا (ص) فرمود: برای مؤذن به قدر رسیدن صوتش و
دیدنش آمرزیده گردد و هر ترو خشکی او را تصدیق می کند و برای
اوست به شماره هر کسی که با اذان او نماز بخواند حسنهای... و
بهمین مضمون احادیثی نیز در کتاب تاج و مصنف و مسند زید
وارد شده (۳)

۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا
كُنْتَ فِي غَنَمِكَ أَوْ بَادِيَتِكَ فَأَذَّنْتَ بِالصَّلَاةِ فَأَرْفَعُ صَوْتَكَ بِالنِّدَاءِ
فِيَّاهُ لَا يَسْمَعُ مَدَى صَوْتِ الْمُؤَدِّنِ جِنَّ وَلَا إِنْسَ وَلَا شَيْءَ إِلَّا شَهِدَ لَهُ يَوْمَ
الْقِيَامَةِ (۴)

یعنی، ابی سعید خدری از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: هرگاه
در میان گوسفندان یا در بیابان بودی و برای نماز اذان گفتی،
پس صوت خود را به اذان بلندگردان زیرا صوت مؤذن را جن و انس و
چیزی نمی شنود مگر آنکه روز قیامت برای او شهادت می دهد.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: كَانَ طُولُ حَائِطِ

- (۱) المصنف / ج ۱ / ص ۴۸۸
(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۹
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۲ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۸۴ و
مسند الامام زید / ص ۹۷
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۱

مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَاَمَّةً، فَكَانَ (ص) يَقُولُ لِبَلَالٍ إِذَا أَدَّنَ : يَا بِلَالُ اَعْلُ فَوْقَ الْجِدَارِ وَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالْأَذَانِ (۱)!

یعنی: «حضرت صادق (ع) فرمود: دیوار مسجد رسول خدا (ص) بقدریکقامت بود، و چون بلال میخواست اذان گوید، رسول خدا (ص) بها و میفرمود: ای بلال بالای دیوار برو و صدایت را به اذان بلندگردان. «سیره ابن هشام» و «تاج» نقل شده از زنی از طایفه بنی النجار که گوید: «كَانَ بَيْتِي مِنْ أَطْوَلِ بَيْتِ حَوْلِ الْمَسْجِدِ، وَكَانَ بِلَالٌ يُؤَدِّنُ عَلَيْهِ الْفَجْرَ» (۲). یعنی: خانه من از بلندترین خانه های اطراف مسجد بود، پس بلال هنگام طلوع فجر بالای آن اذان می گفت.

۴- ش عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع)، قَالَ: إِنَّمَا كَانَ يُؤَدِّنُ لِلنَّبِيِّ (ص) فِي الْأَرْضِ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمئِذٍ مَنَارَةً (۳)

یعنی: از حضرت ابوالحسن (ع) روایت شده که: برای رسول خدا (ص) در روی زمین اذان می گفتند و در آن روز مناره نبود. ((یعنی، مناره و گلدسته بنا به دستور رسول خدا (ص) و در سنت او نبوده بلکه اهل بدعت چنین چیزها را بدعت گذاشتند. چنانکه علمای شیعه از حضرت عسکری (ع) روایت می کنند که فرمود: «حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور مناره ها را خراب می کند، و مناره بدعت است و هیچ پیا مبری چنین بنائی ننوده است (۴). و نیز روایت کرده اند که: «إِنَّ عَلِيًّا مَرَّ عَلَى مَنَارَةٍ طَوِيلَةٍ فَأَمْرَبَهَا، ثُمَّ قَالَ: لَا تَرْفَعُ الْمَنَارَةَ إِلَّا مَعَ سَطْحِ الْمَسْجِدِ» (۵). یعنی: حضرت علی (ع) بر مناره بلند مسجدی گذشت، پس امر کرد که آنرا خراب کردند و فرمود: مناره مسجدنبا ید بلند گردد مگر با سطح مسجد و بقدر دیوار آن. و نیز در روایت دیگر وارد شده که: «إِنَّ عَلِيًّا رَأَى مَا دَنَتْ فَأَمْرَبَهَا وَ قَالَ: لَا يُؤَدِّنُ عَلَى أَكْبَرَ مِنْ سَطْحِ الْمَسْجِدِ» (۶). ((

۴۳- باب هرب الشيطان عند سماع الأذان

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا نُوْدِيَ لِلصَّلَاةِ أَذْبَرَ الشَّيْطَانُ

- | | |
|---|-----|
| وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۲۶ و ۶۴۰ | (۱) |
| السيرة النبوية / ج ۲ / ص ۱۵۶ والتاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۴ | (۲) |
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۰۵ و ج ۴ / ص ۶۴۰ | (۳) |
| مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۳۰ و ۴۹۶ | (۴) |
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۰۵ (۶) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۵۲ | (۵) |

لَهُ صُرَاطٌ حَتَّى لَا يَسْمَعَ التَّأْدِينَ فَإِذَا قُضِيَ التَّأْدِينَ أَقْبَلَ حَتَّى إِذَا
ثَوَّبَ الصَّلَاةَ أَدْبَرَ حَتَّى إِذَا قُضِيَ التَّشْوِيبُ أَقْبَلَ حَتَّى يَخْطُرَ بَيْنَ
الْمَرْءِ وَنَفْسِهِ يَقُولُ لَهُ اذْكُرْ كَذَا وَ اذْكُرْ كَذَا مِمَّا لَمْ يَكُنْ يُذَكِّرُ مِنْ
قَبْلُ، حَتَّى يَظَلَّ الرَّجُلُ مَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى (۱).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: چون برای نماز ندا شود، شیطان پشت کند (وبگریزد) تا صدای اذان را نشنود، پس چون اذان گفتن انجام شد برگردد تا وقتی که به اقامه رجوع شود و «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفته شود، پس پشت کند، تا چون تمام شود رو کند تا اینکه شخص و جانش را وسوسه کند و به ذهن او بیندازد که بگوید چنان را یادآور و چنان را یادآور از چیزهایی که قبلاً یاد نکرده تا کار مرد بجائی رسد که نداند چند رکعت خوانده. قسمتی از این حدیث در کتاب مستدرک نیز ذکر شده (۲).

۴۴- باب بدء الاذان

۱- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَدَّهُمْ بِالْبُوقِ، وَ أَمْرًا بِالنَّاقُوسِ فَنُجِحَتْ. فَأَرَى عَبْدًا لِلَّهِ بْنِ زَيْدٍ فِي الْمَنَامِ. قَالَ رَأَيْتُ رَجُلًا عَلَيْهِ ثَوْبَانِ أَحْضَرَانِ. يَحْمِلُ نَاقُوسًا. فَقُلْتُ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! تَتَّبِعُ النَّاقُوسَ؟ قَالَ: وَ مَا تَصْنَعُ بِهِ؟ قُلْتُ: أُنَادِي بِهِ إِلَى الصَّلَاةِ. قَالَ: أَفَلَا أَدُلُّكَ عَلَى خَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: وَ مَا هُوَ؟ قَالَ تَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ. اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ. قَالَ فَخَرَجَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدٍ، حَتَّى أَتَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَأَخْبَرَهُ بِمَا رَأَى. قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! رَأَيْتُ رَجُلًا عَلَيْهِ ثَوْبَانِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

(۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۵۹.

أَخْضَرَانِ يَحْمِلُ نَاقُوسًا . فَقَصَّ عَلَيْهِ الْخَبَرَ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنَّ ضَاجِبَكُمْ قَدْ رَأَى رُؤْيَا ، فَأَخْرَجَ مَعَ بِلَالٍ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَلْقَاهَا عَلَيْهِ ، وَلِيُنَادِيَ بِلَالٌ ، فَإِنَّهُ أُنْدَى صَوْتًا مِنْكَ . قَالَ فَخَرَجْتُ مَعَ بِلَالٍ إِلَى الْمَسْجِدِ فَجَعَلْتُ أَلْقِيهَا عَلَيْهِ وَهُوَ يُنَادِي بِهَا . قَالَ فَسَمِعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ بِالصَّوْتِ . فَخَرَجَ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ! وَاللَّهِ ، لَقَدْ رَأَيْتُ مِثْلَ الَّذِي رَأَى (۱)!

یعنی: «از محمد بن عبدالله بن زید از پدرش روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) قصد کرد بوقی تهیه کند، و امر نمود ناقوسی (زنگی بزرگ شبیه زنگ کلیسا) تراشیده شود. پس بر عبدالله بن زید در خواب نمایان شد و گفت: مردی را دیدم که بر او دوجا مه سبز بود و ناقوسی را حمل میکرد، بها و گفتم ای بنده خدا آیا این ناقوس را می فروشی؟ گفت: با آن چه می خواهی بکنی؟ گفتم: با آن به نماز نداء کنم، گفت: آیا تورا دلالت نکنم به چیز بهتر از این؟ گفتم آن چیست؟ گفت: می گوئی: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ. اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. پس عبدالله بن زید بیرون رفت تا آنکه نزد رسول خدا (ص) رسید، و او را به خوابی که دیده بود، خبر داد. رسول خدا (ص) فرمود: رفیق شما خوابی دیده با بلال به مسجد برو، و آن کلمات را بر بلال بگو و او ندا کند زیرا صوت او وسیع تر از توست، گوید: با بلال به مسجد رفتم و بها و القاء کردم و او به آن کلمات ندا کرد، گوید پس عمر بن خطاب آن صوت را شنید و بیرون آمد و گفت: ای رسول خدا به خدا سوگند من نیز در خواب دیدم بمانند آنچه او در خواب دیده است.» - بهمین مضمون در بعضی از کتب معتبر دیگر و از جمله در کتاب مصنف نیز وارد شده (۲).

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۵۵.

۲- ش عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَا:
يُنزَلُ الْوَحْيُ عَلَى نَبِيِّكُمْ فَتَزْعَمُونَ أَنَّهُ أَخَذَ الْأَذَانَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ
بْنِ زَيْدٍ (۱)

یعنی: از حضرت حسین بن علی (ع) و حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمودند: وحی بر پیغمبر (ص) نازل می‌شود، ولی شما خیال می‌کنید که آنحضرت اذان را از عبد الله بن زید أخذ نموده است. (منظور آنستکه کیفیت و فصول اذان را رسول خدا ص از وحی أخذ نموده نه از عبد الله بن زید و خواب او).

۳- عَنِ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرٍ اللَّيْثِيِّ يَقُولُ: ائْتَمَرَ النَّبِيُّ (ص) بِالنَّاقُوسِ لِلْاجْتِمَاعِ لِلصَّلَاةِ، فَبَيْنَمَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يُرِيدُ أَنْ يَشْتَرِيَ خَشَبَتَيْنِ لِلنَّاقُوسِ، إِذْ رَأَى عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ فِي الْمَنَامِ: لَاتَجْعَلُوا النَّاقُوسَ، بَلْ اذْتُوا لِلصَّلَاةِ، فَذَهَبَ عُمَرُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) لِيُخْبِرَهُ بِالَّذِي رَأَى، وَقَدْ جَاءَ النَّبِيُّ (ص) الْوَحْيَ بِذَلِكَ، فَمَا رَأَى عُمَرُ إِلَّا بِلَالَ يُؤَذِّنُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حِينَ أَخْبَرَهُ بِذَلِكَ: قَدْ سَبَقَكَ بِذَلِكَ الْوَحْيُ (۲)

یعنی: از عبید بن عمیر اللیثی روایت شده که می‌گفت: پیغمبر برای اجتماع نماز با اصحاب خود را جمعیه (تهیه) ناقوس تبادل فکرنمود، پس در بین آنکه عمر می‌خواست دو چوب برای ناقوس بخرد، ناگاه در خواب دید که: ناقوس قرار ندهید، بلکه برای نماز اذان گوید، پس عمر به نزد پیغمبر (ص) رفت تا آنکه او را از خواب خود با خبر کند، در حالیکه (قبل از رسیدن عمر)، کیفیت اذان وسیله وحی به پیغمبر (ص) رسیده بود، پس عمر برنگشت مگر آنکه بلال اذان میگفت، پس هنگامیکه عمر آنحضرت را خبر داد، رسول خدا (ص) فرمود: کیفیت اذان بوسیله وحی بر تو سبقت و پیشی گرفته و قبل از تو آمده است.

مؤلف گوید: از این حدیث و حدیث قبل استفاده می‌شود که اذان و کیفیت آن وسیله وحی تعیین شده، و این قول به نظر صحیح تر و منطقی تر است.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۲ و ۶۱۳ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۴۸
(۲) السیره النبویه لابن هشام / ج ۲ / ص ۱۵۵ و ۱۵۶ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۵۶

۴۵- باب بیان الأذان والإقامة

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فَبَلَغَ النَّبِيَّتِ الْمَعْمُورَ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذَّنَ جَبْرَائِيلُ وَاقَامَ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَصَفَّ الْمَلَائِكَةَ وَالتَّبَيُّونَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، قَالَ زُرَّارَةٌ وَالْفُضَيْلُ قُلْنَا لَهُ: كَيْفَ أَذَّنَ؟ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَأِلهَ إِلَّا اللَّهُ، لَأِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَالْإِقَامَةُ مِثْلُهَا إِلَّا أَنَّ فِيهَا: قَدَّ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدَّ قَامَتِ الصَّلَاةُ، بَيْنَ حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، وَبَيْنَ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَأَمَرَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَلالًا فَلَمْ يَزَلْ يُؤَدِّنُ بِهَا حَتَّى قَبِضَ اللَّهُ رَسُولَهُ (ص).^(۱)

یعنی: حضرت باقر (ع) فرمود: چون رسول خدا (ص) سیرداده شد (در لیلۃ الإسراء)، به بیت المعمور رسید و وقت نماز شد، پس جبرائیل اذان و اقامه گفت، پس رسول خدا (ص) جلو ایستاد و ملائکه و انبیاء در عقب او صف کشیدند، زرارہ و فضیل بن یسار گفتند: ما به امام گفتیم چگونه جبرائیل اذان گفت؟ فرمود: دو مرتبه الله أكبر، و دو مرتبه اشهد ان لا اله الا الله، و دو مرتبه اشهد ان محمدا رسول الله، و دو مرتبه حسی علی الصلاة، و دو مرتبه حسی علی الفلاح، و دو مرتبه حسی علی خیر العمل، و دو مرتبه الله أكبر، و دو مرتبه لا اله الا الله. و اقامه مانند همین است جز اینکه دو مرتبه «قد قامت الصلاة» بعد از «حسی علی خیر العمل» باید گفت پس رسول خدا (ص) به همین کیفیت، امر نمود تا بلال اذان گوید، و او به همین کیفیت اذان گفت تا اینکه خدا رسول خود را از دنیا

برد.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۴۴.

صَوْتِكَ ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ. زَادَ فِي
 رِوَايَةٍ: تَخْفِضُ بِهَا صَوْتَكَ ثُمَّ تَرْفَعُ صَوْتَكَ بِالشَّهَادَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، أَشْهَدُ
 أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ
 حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، فَإِنْ كَانَ صَلَاةُ الصُّبْحِ قُلْتَ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ
 الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ. وَ
 الْأَقَامَةُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ
 اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ
 حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ،
 اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ. وَ فِي رِوَايَةٍ فِي الْأَقَامَةِ:
 اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
 رَسُولُ اللَّهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ،
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ^(۱).

یعنی: از آبی محذوره روایت شده که رسول خدا (ص) اذان را به او
 یاد داد نوزده کلمه و اقامه را به او یاد داد هفده کلمه ،
 و اما کیفیت اذان: چهار مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ (در روایتی زیاد شده
 که) صدایت را به این تکبیرات بلند می‌کنی. سپس دو مرتبه می‌گویی،
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و دو مرتبه، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،
 (و در روایتی زیاد کرده که) صدایت را در این کلمات پائین می‌آوری،
 سپس صدایت را برای این شهادت‌ها بلند می‌کنی، و مکرراً، دو مرتبه می‌گویی
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و دو مرتبه أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ،
 و (سپس می‌گویی) دو مرتبه حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ، و دو مرتبه حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ، پس اگر
 نماز صبح باشد می‌گویی الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ دو مرتبه، (سپس) اللَّهُ
 أَكْبَرُ دو مرتبه، لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ یک مرتبه. و اما اقامه، (پس کیفیت
 آن چنین است:) اللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

دومرتبه، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ دومرتبه، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ دو مرتبه، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ دومرتبه، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ دومرتبه، اللَّهُ أَكْبَرُ دومرتبه، لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ بِكَمْرْتَبِهِ. و در روایت دیگر، کفیتت اقامه چنین آمده: اللَّهُ أَكْبَرُ دومرتبه، أَشْهَدُ أَنَّ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ بِكَمْرْتَبِهِ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بِكَمْرْتَبِهِ، حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ بِكَمْرْتَبِهِ، حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ بِكَمْرْتَبِهِ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ دومرتبه، اللَّهُ أَكْبَرُ دومرتبه، لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ بِكَمْرْتَبِهِ.

توضیح: بدانکه در بعضی از روایات اهل سنت ترجیح وارده شده و لذا ایشان آنرا مستحب می‌دانند، و منظور از ترجیح چنانکه در روایت بالا ذکر شده اینستکه ابتداء چهار جمله شهادت را آهسته بگویند و سپس رجوع کند و آنها را با صدای بلند بگویند.

۳- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: مِنَ السَّنَةِ التَّرْجِيحُ فِي أَذَانِ الْفَجْرِ وَ أَذَانِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِلَالٍ أَنْ يَرْجِعَ فِي أَذَانِ الْعَدَاةِ وَ أَذَانِ الْعِشَاءِ إِذَا فَرَغَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ عَادَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنَّ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ حَتَّى يُعْبِدَ الشَّاهِدَاتَيْنِ ثُمَّ يَمُضِي فِي آذَانِهِ الْخَبْرَ (۱)

یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت شده که میفرمود: یکی از سنتهای اذان، ترجیح در اذان فجر و اذان عشاء می‌باشد که رسول خدا (ص) بلال را امر کرد که در اذان صبح و اذان عشاء ترجیح کند یعنی چون از گفتن أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فارغ شد، دوباره برگردد و بگوید: أَشْهَدُ أَنَّ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ تا اینکه هر دو شهادت را اعاده کند و سپس اذان را به پایان برساند.

۴- ج عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: أُمِرَ بِلَالٌ أَنْ يَشْفَعَ الْأَذَانَ وَيُوتِرَ الْإِقَامَةَ إِلَّا الْإِقَامَةَ (۲)

یعنی: انس روایت کرده که بلال مأمور شد که اذان را جفت بگوید و اقامه را طاق مگر (جمله): «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» را که آنرا جفت بگوید.

(۱) مستدرک الوسائل/ ج ۱/ ص ۲۵۳.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۶۳.

نویسنده گوید: از این روایت استفاده می‌شود که فصول اذان و جملات آن بطور زوج وجفت، و فصول اقامه باستثنای جمله: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» بطور طاق یعنی یک یک گفته می‌شود. و اکثر فقهای اسلام برای این عقیده‌اند که جملات و الفاظ اقامه یا زده فصل می‌باشد، یعنی باستثنای تکبیرهای اول و آخر آن و باستثنای جمله: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» بقیه جملات آن یک یک و بطور فرد اداء می‌شود.

۵- عَنْ أَبِي رَافِعٍ، قَالَ: رَأَيْتُ بِلَالًا يُؤَدِّنُ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَثْنِي مَثْنِي، وَيُقِيمُ وَاحِدَةً (۱)
یعنی: از ابی‌رافع روایت شده که گفت: دیدم بلال را که در حضور رسول خدا (ص) اذان را بطور جفت و دوتا دوتا، و اقامه را بطور طاق یعنی تک تک می‌گفت.

۶- م عَنْ أَبِي مَخْدُورَةَ قَالَ: خَرَجْتُ فِي عَشْرَةِ فُتَيَانَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) إِلَى حَنِينٍ، وَهُوَ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَيْنَا، فَأَذَنُوا وَقَمْنَا يُؤَدِّنُ تَسْتَهْزِئُ بِهِمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) اتَّوَنِي بِهِؤُلَاءِ الْفُتَيَانَ فَقَالَ: أَذِنُوا، فَأَذَنُوا وَكُنْتُ آخِرَهُمْ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): نَعَمْ هَذَا الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ، اذْهَبْ فَأَذِّنْ لِأَهْلِ مَكَّةَ وَ قُلْ لِعَتَابِ بْنِ أَسِيدٍ أَمْرِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْ أُوذِّنَ لِأَهْلِ مَكَّةَ وَمَسَحَ عَلَيَّ نَاصِيَتِهِ، وَقَالَ قُلْ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ مَرَّتَيْنِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ مَرَّتَيْنِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِذَا أَدْنَتَ بِالْأُولَى مِنَ الصُّبْحِ فَقُلْ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ. وَإِذَا أَقَمْتَ فَقُلْهَا مَرَّتَيْنِ: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ. أَسَمِعْتَ؟ قَالَ: فَكَانَ أَبُو مَخْدُورَةَ لَأَيُّجُزُ نَاصِيَتَهُ وَ لَأَيُّفَرَّقُهَا لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَسَحَ عَلَيْهَا (۲).

یعنی: «از ابی‌مخدوره روایت شده که گفت: در میان ده جوان با پیغمبر (ص) به سوی حنین بیرون رفتم، درحالیکه پیغمبر (ص) نزدما

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۲۴۲

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۵۷

میغوض ترین مردم بود، پس اذان گفتند، و برای استهزاء به ایشان ما نیز اذان گفتیم، پیغمبر (ص) فرمود: این جوانان را نزد من بیاورید، پس فرمود: اذان بگوئید و اذان گفتند و من آخرین نفر ایشان بودم که اذان گفتم، پیغمبر (ص) فرمود: چه خوب صدائی از این مرد که شنیدم، برو و برای اهل مکه اذان بگو، و به عتّاب بن اسید بگو: رسول خدا (ص) مرا امر کرده که برای اهل مکه اذان بگویم، و آنحضرت موی پیشانی مرا مسح نمود و فرمود: بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ دو مرتبه. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دو مرتبه. أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ دو مرتبه. حَتَّىٰ عَلَى الصَّلَاةِ دو مرتبه. حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ دو مرتبه. اللَّهُ أَكْبَرُ دو مرتبه. لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ، و چون اذان اول صبح را گفتم بگو الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ، و چون اقامه گفتم دو مرتبه بگو قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ. آیا شنیدی. را وی گوید، پس ابو مخدوره موی پیشانی خود را قطع نمی کرد و جدا نمی نمود زیرا رسول خدا (ص) بر آن مسح کرده بود. این روایت با کمی اختلاف در مسند حنبل نیز ذکر شده، از آن جمله در کتاب مسند، تکبیر اول آن چهار بار ذکر شده است (۱).

۷- م عَنْ أَبِي مَخْدُورَةَ، قَالَ: كُنْتُ أُؤَذِّنُ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ فَأَقُولُ إِذَا قُلْتُ فِي الْأَذَانِ الْأَوَّلِ حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ (۲)

یعنی: از ابی مخدوره روایت شده که من برای رسول خدا (ص) اذان می گفتم در نماز فجر، پس در اذان اول، چون می گفتم «حَتَّىٰ عَلَى الْفَلَاحِ»، می گفتم: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ.

۸- م عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ابْنِ أَبِي لَيْلَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَمَرَ بِلَالًا أَنْ يَتَوَبَّ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَلَا يَتَوَبَّ فِي غَيْرِهَا. وَعَنْ بِلَالٍ، قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ أَتَوَّبَ فِي الْفَجْرِ وَنَهَانِي أَنْ أَتَوَّبَ فِي الْعِشَاءِ (۳)

یعنی: عبد الرحمن ابن ابی لیلی روایت کرده که رسول خدا (ص) امر نمود بلال را که برای نماز صبح تשוב آورد (یعنی بگوید: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ) ولی در غیر نماز صبح تשוב نیاورد. و نیز بلال روایت

(۱) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۳ / ص ۴۰۸

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۲

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۳

کرده که پیغمبر (ص) مرا امر نمود که در اذان صبح تشویب گویم، ولی مرا از تشویب در اذان عشاء نهی نمود.

توضیح: منظور از تشویب در اینجا چنانکه از اخبار را ستفاده می‌شود آن است که در اولین اذان صبح پس از گفتن *حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ*، دو بار *مُؤَذِّنٌ* بگویند: *الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ*، و البته گفتن این جمله در اذان های دیگر جایز نیست.

۹- ش قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ، وَقَدْ أَذَّنَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَانَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْبِيَّ رَسُولُ اللَّهِ، وَقَدْ كَانَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (۱).

یعنی، حضرت ابو جعفر (ع) گویند: بتحقیق رسول خدا (ص) اذان گفت و میگفت *أَشْهَدُ أَنْبِيَّ رَسُولُ اللَّهِ* و گاهی می‌گفت: *أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ*.

۴۶- باب ما يجب على المؤذن من تعاهد الوقت

۱- ش عَنْ بِلَالٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: *الْمُؤَذِّنُونَ أُمَّنَاءُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَلِحُومِهِمْ وَدِمَائِهِمْ. لَا يَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ وَ لَا يَشْفَعُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا لَشَفَعُوا (۲)*

یعنی: بلال گویند: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: اذان‌گویان امین مؤمنانند بر نمازشان و روزه‌شان و گوشتشان و خون‌هایشان، از خدای عزوجل چیزی نمی‌خواهند مگر آنکه به ایشان عطا کند، و در چیزی شفاعت نکنند جز اینکه پذیرفته‌گردد (زیرا چون مردم با ایمان، صدای اذان را بشنوند نماز بخوانند و روزه را افطار نکنند، معلوم می‌شود ایشان بر اذان گوا اعتماد دارند و او را امین خود می‌دانند، و هم‌چنین از هر شهری که صدای اذان به گوش برسد، معلوم شود که اهالی آن مسلمانند و خون و گوشتشان محترم و محفوظ است).

۲- جوم عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: *الْإِمَامُ ضَامِنٌ وَالْمُؤَذِّنُ مَوْثَمٌ، اللَّهُمَّ ارْشِدِ الْأَيُّمَةَ وَاعْفِرْ لِلْمُؤَذِّنِينَ (۳)*

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: امام ضامن است و مؤذن مورد امانت است، خدایا امامان را ارشاد کن و مؤذنان را بیامرز. (این حدیث

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۴۵، (۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۱۹، (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۱ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۷.

با کمی اختلاف در کتاب مستدرک نیز ذکر شده (۱).

۴۷- باب ینبغی مؤذنان للمسجد

۱- ج عن ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) مُؤَذِّنَانِ بِلَالٌ وَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ الْأَعْمَى (۲).
یعنی: از ابن عمر روایت شده که گفت: برای رسول خدا (ص) دو مؤذن بود، بلال و ابن ام مکتوم که کور بود.

۲- ش عن أبي عبد الله، قال: كان للنبي (ص) مؤذنان أحدهما بلالٌ والآخر ابنُ أمِّ مَكْتُومٍ وَ كَانَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ أَعْمَى، وَ كَانَ يُؤَذِّنُ قَبْلَ الصُّبْحِ، وَ كَانَ بِلَالٌ يُؤَذِّنُ بَعْدَ الصُّبْحِ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ يُؤَذِّنُ بِلَيْلٍ فَإِذَا سَمِعْتُمْ أَذَانَهُ فَكَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى تَسْمَعُوا أَذَانَ بِلَالٍ فَإِذَا أَذَّنَ بِلَالٌ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَأَمْسِكُوا (۳).
یعنی: «حضرت صادق (ع) فرمود که برای رسول خدا (ص) دو مؤذن بود: یکی بلال و دیگری ابن ام مکتوم، و ابن ام مکتوم کور بود، و قبل از صبح اذان می گفت، ولی بلال بعد از صبح اذان میگفت، رسول خدا (ص) فرمود که ابن ام مکتوم در شب اذان می گوید، پس چون اذانش را شنیدید بخورید و بیاشامید تا آنکه اذان بلال را بشنوید. چون اذان بلال گفت آنوقت امساک کن.» و بهمین مضمون در کتاب مصنف نیز ذکر شده (۳).

۳- م عن ابن المسيب أن النبي (ص) قال: إن بلالاً يُؤذِّنُ بَلِيلٍ فَمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ فَلَا يَمْنَعُهُ أَذَانُ بِلَالٍ حَتَّى يَسْمَعَ أَذَانَ ابْنِ أُمِّ مَكْتُومٍ. وَ عَنْهُ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: إِنْ بِلَالاً يُؤذِّنُ بَلِيلٍ فَمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ فَلَا يَمْنَعُهُ أَذَانُ بِلَالٍ حَتَّى يُؤذِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ، قَالَ وَ كَانَ أَعْمَى فَكَانَ لَا يُؤذِّنُ حَتَّى يُقَالَ لَهُ أَصْبَحْتَ أَصْبَحْتَ، فَلَمَّا كَانَ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَذَّنَ بِلَالٌ ثُمَّ جَاءَ يُؤذِّنُ النَّبِيُّ (ص)

- (۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۵۰
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۵
(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۲۵ و ۶۲۶
(۴) المصنف / ج ۱ / ص ۴۹۲

فَقِيلَ لَهُ إِنَّهُ نَائِمٌ، فَنَادَى بِلَالٍ: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ (۱).
یعنی: «از ابن‌المسیب روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: بدرستی که بلال در شب اذان می‌گوید، پس کسیکه می‌خواهد روزه بگیرد اذان بلال مانع او نباشد تا آنکه ابن‌ام‌مکتوم اذان گوید. و نیز از ابن‌مسیب روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود: بلال در شب اذان می‌گوید، کسی که خواست روزه بگیرد اذان بلال مانع او نشود تا ابن‌ام‌مکتوم اذان گوید، راوی گوید: ابن‌ام‌مکتوم کور بود و اذان نمی‌گفت تا به او گفته شود داخل صبح‌شدی، داخل صبح‌گردیدی، پس شی بلال اذان گفت، سپس آمد تا پیغمبر (ص) را اعلام کند، به او گفته شد که پیغمبر (ص) خوابست پس بلال ندا کرد: الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ... و بهمین مضمون در کتاب تاج نیز آمده (۲).

۴- م عَنْ عُمَرَ بْنِ حَفْصٍ أَنَّ سَعْدًا أَذَّنَ لِلنَّبِيِّ بِقُبَاءٍ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص): أَحْسَنْتَ يَا بَنِي إِذَا جِئْتَ فَأَذَّنَ، فَكَانَ سَعْدٌ يُؤَدِّنُ بِقُبَاءٍ وَ لَا يُؤَدِّنُ بِلَالٍ (۳).

یعنی: از عمر بن حفص روایت شده که سعد برای پیغمبر (ص) در قباء اذان گفت، پس پیغمبر (ص) به او فرمود: نیکوگفتی ای پسر، هرگاه آمدی اذان بگو، پس سعد در قباء اذان میگفت و بلال نمی‌گفت.

۴۸- باب ادخال الاصبع الاذن عند الأذان

۱- ج عَنْ أَبِي جَحِيْفَةَ، قَالَ: رَأَيْتُ بِلَالَ يُؤَدِّنُ وَيَدُورُ وَيَتَّبِعُ فَاهُ هَهُنَا وَ هَهُنَا وَ أَصْبَعَاهُ فِي أُذُنَيْهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي قُبَّةٍ لَهُ حَمْرَاءٌ مِنْ أَدَمٍ، فَخَرَجَ بِلَالٌ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالْعَنْزَةِ فَرَكَزَهَا فِي الْبَطْحَاءِ فَصَلَّى إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَمْرُ بَيْنَ يَدَيْهِ الْكَلْبُ وَ الْحِمَارُ وَ عَلَيْهِ حُلَّةٌ حَمْرَاءٌ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى بَرِيْقِ سَاقِيهِ (۴). وَ فِي رَوَايَةٍ: فَلَمَّا بَلَغَ حَى عَلَى الصَّلَاةِ حَى عَلَى الْفَلَاحِ لَوْى عَنْقَهُ يَمِينًا

(۱) المصنف / ج ۱ / ص ۴۹۰ و ۴۷۲.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۵.

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۴۶۴.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۴ و ۱۶۵ و المصنف / ج ۱ / ص

و شَمَالًا وَ لَمْ يَسْتَدِرْ (۱)

یعنی: از آَبُو جُحَيْفَه روایت شده که گفت: دیدم بلال را که اذان می‌گوید و دور میزند و دهان خود را اینطرف و آنطرف می‌کند و دو انگشت خود را در دو گوش نهاده در حالیکه رسول خدا (ص) در پوشش سرخی از پوست بود، پس بلال با نیزه‌ای در صحراء بیرون شد که آنرا در زمین فروبرد، پس رسول خدا (ص) به طرف آن نماز خواند و از جلو آن حضرت سگ و خر عبور میکرد، در حالیکه لباس سرخی به تن داشت گویا من به روشنی دوساق او نگاه می‌کردم. و در روایتی: بلال چون در اذان به جملات «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»، «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ» رسید گردن خود را (در جمله اول) به طرف راست، و (در جمله دوم) به طرف چپ کج نمود، ولی دور نکرد (و سروسپه را با هم برنگردانید).

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: مِنَ السُّنَنِ إِذَا أَدَّنَ الرَّجُلُ أَنْ يَمَعَ إِصْبَعِيهِ فِي أُذُنَيْهِ (۲)

یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت: از سنت است که هرگاه مرد اذان گوید، دو انگشت خود را در دو گوش خود بگذارد.

۴۹- باب التَّرْسُلِ فِي الْأَذَانِ

۱- ج عَنْ جَابِرٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لِبِلَالٍ: يَا بِلَالُ إِذَا أَدَّنْتَ فَتَرْسَلْ فِي أَذَانِكَ وَإِذَا أَقَمْتَ فَأَحْدِرْ وَاجْعَلْ بَيْنَ أَذَانِكَ وَإِقَامَتِكَ قَدْرًا يَفْرَعُ الْأَكْلُ مِنْ أَكْلِهِ وَ الشَّارِبُ مِنْ شُرْبِهِ وَ الْمُعْتَصِرُ إِذَا دَخَلَ لِقَضَاءِ حَاجَتِهِ (۳)

یعنی: از جابر روایت شده که رسول خدا (ص) به بلال فرمود: ای بلال، چون اذان گوئی پس با تانی بگو، و چون اقامه گوئی بسرعت بگو، و میان اذان و اقامه فاصله بینداز به مقداریکه خورنده از خورنده از خوردنش و نوشنده از آشامیدنش فارغ گردد و نیز

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۴۱.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۵.

آنکه در فشار بول یا غائط است چون برای قضاء حاجت رفته، فارغ گردد.

۵۰- باب اتخاذ المؤذن الذي لا يأخذ على أذانه أجراً

۱- ج عَنْ عُمَانَ بْنِ أَبِي الْعَاصِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اجْعَلْنِي إِذَا قَوْمِي، قَالَ: أَنْتَ إِذَا مَا مَهُمْ وَاقْتَدِ بِأَضْعَفِهِمْ وَاتَّخِذْ مُؤَذِّنًا لِيَأْخُذَ عَلَيَّ أَذَانَهُ أَجْرًا^(۱)!

یعنی: از عثمان بن ابی‌العاص روایت شده که به رسول خدا (ص) عرض کرد مرا امام قوم خودم قرار ده، فرمود: تو امام ایشان و (در نمازت حال) ضعیف‌ترین ایشان را مراعات کن، و مؤذنی بگیر که در مقابل اذان خود اجری نگیرد.

۲- ش عَنْ عَلِيٍّ، عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً أَوْضَعُ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا تَتَّخِذَنَّ مُؤَذِّنًا يَأْخُذُ عَلَيَّ أَذَانَهُ أَجْرًا^(۲)!

یعنی: ای علی! از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: ای علی هرگاه نماز خواندی پس بمانند ضعیف‌ترین ما مومین خود نماز بخوان، و البته مؤذنی بگیر که برای اذان گفتن خود پاداش گیرد.

۵۱- باب من أذن فهو يقيم

۱- ج عَنْ زِيَادِ بْنِ الْحَارِثِ الصَّدَائِيِّ، قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ أُؤَذِّنَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ فَأَذَّنْتُ فَأَرَادَ بِلَالٌ أَنْ يُقِيمَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ أَخَا صَدَائٍ قَدْ أَدَّنَ فَمَنْ أَدَّنَ فَهُوَ يُقِيمُ^(۳)!

یعنی: «از زیاد بن حارث صدائی روایت شده که رسول خدا (ص) مرا امر کرد اذان بگویم، چون اذان گفتم، بلال خواست اقامه بگوید، رسول خدا (ص) فرمود: زیاد بن حارث اذان گفته، پس آنکه اذان گفته، اقامه گوید.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۴

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۶۶

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۴ والمصنف / ج ۱ / ص ۴۷۶

وبهمین مضمون در کتاب مصنف نیز وارد شده (۱)

۵۲- باب ما یستحب لسامع الأذان

والدعاء بین الأذانین

۱- ج عَنِ أَبِي سَعِيدٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: إِذَا سَمِعْتُمُ النَّدَاءَ، فَقُولُوا مِثْلَ مَا يَقُولُ الْمُؤَدِّنُ. وَ فِي رِوَايَةٍ: ثُمَّ صَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَيَّ صَلَاةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا عَشْرًا ثُمَّ سَلُوا اللَّهَ لِي الْوَسِيلَةَ فَإِنَّهَا مَنْزِلَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَا تَنْبَغِي إِلَّا لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ وَ أَرْجُوا أَنْ أَكُونَ أَنَا هُوَ (۲)

یعنی: از ابوسعید روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: چون اذان را شنیدید بگوئید بمانند آنچه مؤذن می‌گوید. و در روایتی، فرمود: سپس بر من صلوات بفرستید زیرا که هر کس بر من یک مرتبه صلوات فرستد خدا ده مرتبه برا وصلوات فرستد، سپس از خدا بخواهید مقام وسیله را به من عطا کند، زیرا وسیله درجه‌ای در بهشت است که سزاوار نیست مگر برای بنده‌ای از بندگان خدا و امیدوارم که من باشم.

۲- ش عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا سَمِعَ الْمُؤَدِّنَ يُؤَدِّنُ قَالَ مِثْلَ مَا يَقُولُ فِي كُلِّ شَيْءٍ (۳)

یعنی: از حضرت باقر (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) چون صوت مؤذن را می‌شنید مانند مؤذن می‌گفت در هر چیزی.

۳- م عَنِ أُمِّ حَبِيبَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي بَيْتِهَا فَسَمِعَ الْمُؤَدِّنَ فَقَالَ كَمَا يَقُولُ فَلَمَّا قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ نَهَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الصَّلَاةِ (۴)

یعنی: از ام حبیبه روایت شده که رسول خدا (ص) در خانه او بود که شنید مؤذن اذان می‌گوید، پس آنحضرت می‌گفت چنانکه مؤذن می‌گفت، پس

- (۱) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۵
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۶
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۷۱
 (۴) المصنف / ج ۱ / ص ۴۸۱

چون مؤذن «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ» گفت، رسول خدا (ص) برخاست به سوی نماز.

۴- ش فی وصیة النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ، أَنَّهُ قَالَ: وَكَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ (۱).

یعنی: در وصیت رسول خدا (ص) به علی است که فرمود: سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز صبح کراهت دارد.

۵- م و ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَرُدُّ الدُّعَاءُ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ (۲). وَ قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤَذِّنِينَ يَفْضُلُونَنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قُلْ كَمَا يَقُولُونَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ فَاسَلْ تَعَطُّهُ (۳).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: دعاء بین اذان و اقامه رد نمی‌شود. و مردی عرض کرد یا رسول الله مؤذنین دارای فضل و فضیلتند، رسول خدا (ص) فرمود: تو بگو چنانچه آنان می‌گویند و چون به نهایت اذان رسیدی از خدا بخواه تا به توهم آن فضل را عطاء کنند (یعنی توحکایت اذان بکن).

۶- م عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ قَالَ كَمَا يَقُولُ وَإِذَا قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ قَالَ وَأَنَا، وَفِي رِوَايَةٍ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا سَمِعْتُمُ النَّيْدَاءَ فَقُولُوا كَمَا يَقُولُ الْمُؤَذِّنُ. وَفِي رِوَايَةٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ إِذَا سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يُؤَدِّنُ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَإِذَا قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ إِذَا قَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ إِذَا قَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، قَالَ: لِأَحْوَالٍ وَ لِقُوَّةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۴).

یعنی: از محمد بن علی (ع) روایت شده که پیغمبر (ص) هرگاه صدای مؤذن را می‌شنید می‌گفت چنانکه مؤذن می‌گفت، و چون مؤذن گفت أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، آنحضرت گفت ومن، و در روایتی، رسول خدا (ص) فرمود:

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۲۸
 (۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۹۵ و التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۷
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۷
 (۴) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۸

هرگاه شنیدید مؤذّن اذان میگوید شما نیز بگوئید آنچه او میگوید و در روایتی آمده که: رسول خدا (ص) چنین بود که چون مؤذّن میگفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، او میگفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، و چون میگفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، آنحضرت میگفت: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و چون میگفت: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، آنحضرت مانند او میگفت. و چون مؤذّن میگفت: «حَسْبِيَ عَلَى الصَّلَاةِ»، آنحضرت می گفت: لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَةِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

۷- ج شَرَعَ بِلَالٌ فِي الْإِقَامَةِ فَلَمَّا أَنْ قَالَ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَقَامَهَا اللَّهُ وَ أَدَامَهَا وَ قَالَ فِي سَائِرِ الْإِقَامَةِ كَالْأَذَانِ (۱)
یعنی: بلال شروع به اقامه کرد، پس چون گفت: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» پیغمبر خدا (ص) گفت: خدا آنرا برپا کند و ادا مدهد، و در سایر کلمات اقامه مانند اذان میگفت.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا تَغَوَّلَتْ بِكُمْ الْغِيلَانُ فَأَذِّنُوا يَا أَذَانَ الصَّلَاةِ (۲)
یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: چون شمارا ترسی از هلاکت گرفت اذان بگوئید مانند اذان نماز.

۵۳- باب من سمع النداء

۱- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا بَالُ رَجُلٍ يَسْمَعُونَ النِّدَاءَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ يَتَخَلَّفُونَ؟ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَقِيمَ الصَّلَاةَ ثُمَّ لَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا أَحَدًا إِلَّا حَرَقْتُ بَيْتَهُ أَوْ حَرَقْتُ عَلَيْهِ وَ جَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنِّي ضَرِيرٌ وَ إِنِّي عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ لَا أَشْهَدَ الصَّلَاةَ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَشْهَدُهَا قَالَ إِنِّي ضَرِيرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَتَسْمَعُ النِّدَاءَ، قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَاشْهَدْهَا (۳)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۷

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۶۷۲

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۴۹۶

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: چه شده مردمی را که ندای نماز را میشنوند سپس تخلف می‌کنند، بتحقیق برآن گشتیم که اقامه نماز کنیم، سپس احدی از آن تخلف نکند مگر آنکه خانه‌اش را بسوزانم و یا او را به آتش افکنم، و مردمی آمد و گفت ای رسول خدا من نابینا می‌برمن دشوار است که به نماز حاضر نشوم، پیغمبر (ص) فرمود: حاضر شو، گفت چشم خراب است ای رسول خدا، فرمود: آیا ندا را می‌شنوی؟ گفت: بلی، فرمود: پس حاضر شو. (وبهین مضمون در کتاب وسائل الشیعه نیز حدیثی وارد شده^(۱)). مؤلف گوید، در توضیح این حدیث، احادیثی در ابواب صلاة الجماعة ذکر خواهد شد.

۵۴- باب الرجل یصلی باقامة وحدة

۱- م عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِذَا كَانَ الرَّجُلُ بِأَرْضِي فَأَنْتِ الصَّلَاةُ فَلْيَتَوَضَّأْ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ مَاءً فَلْيَتَيْمَّمْ فَإِنْ أَقَامَ صَلَّيَّ مَعَهُ مَلَكًا وَإِنْ أَدَنَّ وَأَقَامَ صَلَّيَّ خَلْفَهُ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ مَا لَا يَرَى طَرَفًا^(۲)!

یعنی: از سلمان فارسی روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه مرد در زمین بی‌آب و علف باشد و وقت نماز گردد پس باید وضوء بگیرد و اگر آب نیافت تیمم کند، پس اگر (برای نماز خود) اقامه گوید با او دو ملک او نماز خوانند، و اگر اذان و اقامه گوید، پشت سر او از لشکر خدا آن مقدار نماز خوانند که دو طرف آن دیده نشود.

۲- ش عَنْ أَبِي دَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: مَنْ أَقَامَ وَلَمْ يُؤَدِّنْ لَمْ يَصِلْ مَعَهُ إِلَّا مَلَكًا هَذَا لَنَا مَعَهُ^(۳)

یعنی: از ابوذر روایت شده در وصیته که رسول خدا (ص) به او کرده فرموده: ای ابذر هرکس اقامه بگوید و اذان نگوید با او نماز نخواند مگر دو ملکی که با او آیند. (صدر این حدیث در ابواب بعد

ذکر خواهد شد).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۷.
 (۲) المصنف / ج ۱ / ص ۵۱۰.
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۲۱.

٥٥- باب الاذان في التّخلف عن شهود الجماعة

في الليلة المطيرة الباردة

١- م عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ أَخَذَهُ مَطَرٌ وَهُمْ فِي سَفَرٍ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: صَلُّوا فِي رِحَالِكُمْ (١)

یعنی: از پیغمبر (ص) رسیده که او را در سفری بارانی گرفت، پس به اصحاب خود فرمود در میان بارهای خود نماز بخوانید.

٢- ج وم عَنْ نَافِعٍ أَنَّ ابْنَ عُمَرَ أَذَّنَ بِالصَّلَاةِ فِي لَيْلَةٍ ذَاتِ بَرْدٍ وَرِيحٍ، ثُمَّ قَالَ: أَلَا صَلُّوا فِي الرِّحَالِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَأْمُرُ الْمُؤَذِّنَ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةٌ ذَاتَ بَرْدٍ وَمَطَرٍ يَقُولُ: أَلَا صَلُّوا فِي الرِّحَالِ (٢)

یعنی: از نافع روایت شده که: ابن عمر در شب سرد و سرما برای نماز اذان گفت، سپس گفت: آگاه باشید در خانه‌ها نماز بخوانید، سپس گفت: همانا رسول خدا در شب بارانی و سرد مؤذن را امر میکرد که بگوید: آگاه باشید در خانه‌های خود نماز بخوانید.

٣- ش عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ، قَالَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا ابْتَلَّتِ السَّمَاءُ فَالصَّلَاةُ فِي الرِّحَالِ (٣)

یعنی: از حضرت باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: چون کفشها ترشود، پس نماز در خانه‌هاست. و در روایتی آمده: صَلَّى النَّبِيُّ الْفَرِيضَةَ فِي الْمَحْمِلِ فِي يَوْمٍ وَحَلٍ وَمَطَرٍ (٤).

٥٦- باب اذان الراعي

١- م عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي مَسِيرٍ لَهُ سَمِعَ رَجُلًا يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) عَلَيَّ الْفِطْرَةَ عَلَيَّ

- (١) المصنف / ج ١ / ص ٤٩٤
 (٢) التناجج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٥١ والمصنف / ج ١ / ص ٤٩٤
 (٣) وسائل الشيعة / ج ٥ / ص ٣٧٦ و ج ٣ / ص ٤٧٨
 (٤) وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٢٣٨

الْفِطْرَةَ هَذَا فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) بَرِيءٌ مِنَ الشِّرْكِ هَذَا فَقَالَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) دَخَلَ الْجَنَّةَ هَذَا فَقَالَ حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): طَهَرَ الْإِسْلَامَ أَوْ قَالَ الْإِيمَانَ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ تَجِدُونَ هَذَا رَاعِيًا أَوْ صَاحِبَ صَيْدٍ أَوْ رَجُلًا خَرَجَ مُتَبَدِّئًا مِنْ أَهْلِيهِ قَالَ: فَابْتَدَرَ الْقَوْمُ لِيُخْبِرُوهُ بِأَلَدِي سَمِعُوا فَوَجَدُوهُ رَجُلًا مِنْ أَسْلَمٍ خَرَجَ مُتَبَدِّئًا مِنْ أَهْلِيهِ^(۱)

یعنی: از حسن روایت شده که در راهی رسول خدا (ص) در حرکت بود ناگاه شنید مردی الله اکبر می گوید، فرمود این طبق فطرت است، پس گفت أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فرمود بیزاری از شرک است، پس گفت أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، فرمود این داخل بهشت شود، پس گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، بیغمیر (ص) فرمود: اسلام و پاک شد، و یا فرمود: ایمان و قسم بیروردگار کعبه. او را می باید چوپان و یا شکارچی و یا مردی که از خانه اش برآمده و بیابانی شده است. پس اصحاب سرعت کردند که به او آنچه را شنیدند خبر دهند، دیدند او مردی از اسلم است و بیابانی شده.

۵۷- باب الاذان راکباً والموذن أعمى

۱- م عَنْ زِيَادِ بْنِ خَارِثِ الصَّدَائِي قَالَ كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي سَفَرٍ فَحَضَرْتُ صَلَاةَ الصُّبْحِ فَقَالَ أَذِّنْ يَا أَخَا صَدَاءَ فَأَذَنْتُ وَأَنَا عَلَى رَأْسِ جِلَّتِي^(۲)

یعنی: از زیاد بن خاریث صدائی روایت شده که گفت: من در سفری با پیغمبر (ص) بودم، پس وقت نماز صبح شد، فرمود: ای برادر صدائی اذان بگو، پس اذان گفتم در حالیکه در میان بارم بودم.

۲- م عَنِ ابْنِ الْمَسْبُوحِ أَنَّ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ كَانَ يُؤَذِّنُ

(۱) المصنف / ج ۱ / ص ۴۸۵

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۱

لِلنَّبِيِّ (ص) وَهُوَ أَعْمَى فَكَانَ لَا يُؤَذِّنُ حَتَّى يُقَالَ لَهُ أَصَحَّتْ (۱)
 یعنی: از ابن مسیب روایت شده که ابن ام مکتوم برای پیغمبر
 (ص) اذان میگفت و او کور بود، پس اذان نمیگفت تا به او گفته شود که
 صبح کرده‌ای.

۵۸- باب الصلاة تقام ولم يأت الامام ينتظرونه قعوداً

۱- جوم
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَلَاتَقُومُوا
 حَتَّى تَرَوْنِي (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: چون نماز برپا شد برنخیزید تا مرا
 ببینید.

توضیح: منظور از این حدیث آنستکه چون گاهی برای امام جماعت
 گرفتاری و حادثه‌ای پیش می‌آید که نمیتواند اول وقت برای نماز
 حاضر شود و اگر مردم هنگام شنیدن الفاظ اقامه بایستند تا امام حاضر
 شود برایشان مشکل است لذا فرموده هرگاه قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ را
 شنیدند و امام نیز برای جماعت حاضر بود، آنگاه قیام نکنند.

۵۹- باب اقامة المؤذن عند خروج الامام

۱-
 عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمْرَةَ، قَالَ: كَانَ بِلَالٌ يُؤَذِّنُ إِذَا زَالَتْ
 الشَّمْسُ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَخْرُجَ النَّبِيُّ (ص) (۳) وَفِي رِوَايَةٍ:
 كَانَ بِلَالٌ يُؤَذِّنُ إِذَا دَحَضَتْ شَمَّ لَا يَقِيمُ حَتَّى يَرَى النَّبِيَّ (ص) فَإِذَا رَأَاهُ أَقَامَ
 حِينَ يَرَاهُ (۴)

یعنی: از جابر بن سمره روایت شده که گفت: بلال بطور کامل اذان
 میگفت هرگاه خورشید زائل می‌شد، سپس اقامه نمیگفت تا پیغمبر (ص)
 خارج شود. و در روایتی: بلال اذان میگفت هرگاه خورشید زائل میشد
 سپس اقامه نمیگفت تا پیغمبر (ص) را ببیند، پس چون آنحضرت را می‌دید

- (۱) المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۱.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۲ و المصنف / ج ۱ / ص ۵۰۴.
 (۳) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۵ / ص ۹۱.
 (۴) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۵ / ص ۹۱ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۷۵.

اقامه میگفت .

۶-باب اذان الفجر قبل دخول الوقت

۱- عَنْ بِلَالٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لَهُ : «لَا تُؤَدِّنْ حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكَ الْفَجْرُ هَكَذَا» وَ مَدَّ يَدَيْهِ عَرَضًا (۱)

یعنی: از بلال روایت شده که رسول خدا (ص) بها وفرمود: اذان مگو تا برای تو، این چنین روشن گردد، و دو دست خود به کشید یعنی سفیدی بعرض افق.

۲- عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ بِلَالَ يُؤَدِّنُ بِلَيْلٍ لِيُوقِظَ نَائِمَكُمْ وَيُرْجِعَ قَائِمَكُمْ وَلَيْسَ أَنْ يَقُولَ هَكَذَا يَعْنِي الصُّبْحَ (۲)

یعنی: از ابن مسعود روایت شده از پیغمبر (ص) که فرمود: بلال در شب اذان میگوید تا خوابیده های شما را بیدار کند و تا قائم شما (از قیام و تهجد) برگردد و این چنین نیست که می گوید. یعنی صبح نیست .

مؤلف گوید: با توجه به حدیث فوق و احادیث مذکور در باب چهل و هفت بسیاری از فقهاء قائلند به استحباب گماردن دو مؤذن برای اذان صبح، که یک مؤذن قبل از فجر اذان گوید تا به وسیله اذان او افراد از خواب بیدار شده جهت شرکت در نماز جماعت خود را مهیا کنند و روزه گیران نیز برای خوردن سحری در خواب نمانند و مؤذن دیگر به هنگام طلوع فجر برای اعلام وقت نماز صبح اذان گوید، البته بعضی این حکم را مخصوص ماه رمضان دانسته اند .

۶-باب لا یترک المسجد بعد الاذان

۱- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : لَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ بَعْدَ النِّدَاءِ إِلَّا مُنَافِقٌ إِلَّا رَجُلٌ يَخْرُجُ لِحَاجَةٍ وَهُوَ يَرْجِعُ إِلَى الصَّلَاةِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: پس از صدای اذان کسی از مسجد خارج نمی شود جز منافق، مگر شخصی که بعلت گرفتاری خارج شود و اراده

(۱) سنن ابی داود / ج ۱ / ص ۱۴۷ .

(۲) سنن نسائی / ج ۲ / ص ۱۱ .

(۳) المصنف / ج ۱ / ص ۵۰۸ .

برگشتن برای نماز داشته باشد. این حدیث با کمی اختلاف لفظی در کتاب وسائل نیز ذکر شده (۱).

۲- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كُنْتُمْ فِي الْمَسْجِدِ فَنُودِي بِالصَّلَاةِ فَلَا يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَصَلِّيَ (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) به ما امر کرد که اگر در مسجد بودید و به نماز نداشت احدی از شما (از مسجد) خارج نشود تا نماز را بجا آورد.

۳- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ يَقُولُ: أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَقُمْنَا فَعَدَلْنَا الصُّفُوفَ، قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَأَتَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى إِذَا قَامَ فِي مِصْلَاهُ قَبْلَ أَنْ يَكْبِرَ، ذَكَرَ فَأَنْصَرَفَ، وَقَالَ لَنَا: «مَكَاتُكُمْ» فَلَمْ نَزَلْ قِيَامًا نَنْتَظِرُهُ حَتَّى خَرَجَ إِلَيْنَا، وَقَدْ اغْتَسَلَ يَنْطِفُ رَأْسَهُ مَاءً، فَكَبَّرَ فَصَلَّى بِنَا (۳)

یعنی: از ابی هریره روایت شده که میگفت: نماز پیا می شد و ما پیش از آنکه رسول خدا (ص) به سوی ما بیرون آید، برخاسته و صفها را معتدل میکردیم، پس رسول خدا (ص) آمد و در جای نماز خود ایستاد و قبل از آنکه تکبیرة الاحرام گوید متذکر شد (که مثلاً غسل و یا وضو ندارد) پس برگشت و به ما فرمود همینطور باشید، و ما همواره در انتظار او در قیام بودیم، تا آنکه بیرون آمد در حالی که غسل نموده بود و سر او رطوبت آب بود، پس تکبیر گفت و با ما نماز خواند.

۶۲- باب کفر من لا یجیب الأذان

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْجَفَاءُ كُلُّ الْجَفَاءِ وَالْكَفْرُ وَالنِّفَاقُ مَنْ سَمِعَ مُنَادِيَ اللَّهِ يُنَادِي بِالصَّلَاةِ يَدْعُو إِلَى الْفَلَاحِ وَلَا يُجِيبُهُ (۴)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: جفاء تمام جفاء و کفر و نفاق در کسی است که بشنود صدای منادی خدا را که به نماز ندا می کند و به رستگاری می خواند

و اواجابت نکند.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۳
 (۲) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۲ / ص ۵۳۷
 (۳) صحیح مسلم / ج ۱ / ص ۴۲۲ و ۴۲۳
 (۴) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۳ / ص ۴۳۹

۲- عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ لَا يُؤَدُّنُ وَلَا تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلَاةُ إِلَّا اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ (۱)

یعنی: از ابی درداء روایت شده که گفت شنیدم که رسول خدا (ص) میفرمود: هیچ سه نفری نیستند که در قریه ای باشند که در آن اذان گفته نشده و بینشان نماز اقامه نشود مگر آنکه شیطان بر آنان مسلط می شود.

۶۳- باب مکث الامام بعد الإقامة

۱- م كَانَ النَّبِيُّ (ص) بَعْدَ مَا يُقِيمُ الْمُؤَدِّينَ وَ يَسْكُتُونَ يَتَكَلَّمُ بِالْحَاجَاتِ وَ يَقْضِيهَا فَجُعِلَ لَهُ عُدَّةٌ فِي الْقِبْلَةِ كَأَلْوَتَةٍ يَسْتَمْسِكُ عَلَيْهَا لِذَلِكَ . وَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كَانَتِ الصَّلَاةُ تُقَامُ فَيُكَلِّمُ الرَّجُلُ النَّبِيَّ (ص) فِي الْحَاجَةِ تَكُونُ لَهُ فَيَقُومُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْقِبْلَةِ فَمَا يَزَالُ قَائِمًا يُكَلِّمُهُ قَرِيبًا رَأَيْتُ بَعْضَ الْقَوْمِ يَنْعَسُ مِنْ طَوْلِ قِيَامِ النَّبِيِّ (ص) (۲)

یعنی: پیغمبر (ص) پس از آنکه مؤذن اقامه میگفت و مردم ساکت میشدند، به حاجات و قضاء آنها سخن میگفت، پس برای آنحضرت چوبی مانند میخ در طرف قبله قرار داده می شد که بآن دست گیرد برای این. و از انس روایت شده که نماز برپا می شد پس از آن مرد بارسول خدا (ص) در حاجت خود تکلم میکرد پس پیغمبر بین او و بین قبله می ایستاد و همواره با او تکلم میکرد، پس بسا بود که بعضی از آن مردم بعلت طول قیام پیغمبر (ص) چرت میزد.

(۱) مسند الامام احمد بن حنبل / ج ۵ / ص ۱۹۶

(۲) المصنف / ج ۱ / ص ۵۰۳

ابواب السترة أمام المصلي

۶۴- باب استحباب الصلاة الى السترة

۱- ج عَنْ سَهْلٍ، قَالَ: كَانَ بَيْنَ مُصَلِّي النَّبِيِّ (ص) وَبَيْنَ الْجِدَارِ مَمْرٌ الشَّاقَّةُ (۱)
 یعنی: از سهل روایت شده که گفت: بین محل نماز پیغمبر (ص) و بین دیوار بقدر مرور گوسفندی فاصله بود.

۲- ج عَنْ يَزِيدٍ، قَالَ: كَانَ سَلَمَةُ يُتَحَرَّى الصَّلَاةَ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الَّتِي عِنْدَ الْمُصْحَفِ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُسْلِمٍ أَرَأَيْكَ تَتَحَرَّى الصَّلَاةَ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَتَحَرَّى الصَّلَاةَ عِنْدَهَا (۲)
 یعنی: از یزید روایت شده که سلمه نماز را نزد ستونیکه نزد مصحف است، انتخاب میکرد، پس به او گفتم ای ابامسلم می بینم ترا که نزد این ستون نماز میخوانی؟ گفت: پیغمبر (ص) را دیدم که نزد آن نماز میخواند.

۳- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُرْكَزُ لَهُ الْحَرْبَةُ فَيَصِلُ إِلَيْهَا (۳)
 یعنی: از ابن عمر روایت شده که پیغمبر (ص) همواره حربه ای برای او نصب میشد که به طرف آن نماز میخواند (حربه الت جنگی است که طول آن از نیزه کمتر است).

۴- م عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَتْ تُحْمَلُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) عِنْدَهُ يَوْمَ الْعِيدِ فَيَصِلُ إِلَيْهَا، وَإِذَا سَاقَرَحُمِلَتْ مَعَهُ، فَيَصِلُ إِلَيْهَا (۴)
 یعنی: از ابن عمر روایت شده که با پیغمبر (ص) روز عید نیزه ای

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰ . و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۲۳ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰ .
 (۴) المصنف / ج ۲ / ص ۱۱ .

حمل می‌شد که به سوی آن نماز می‌خواند و چون مسافرت می‌کرد با او حمل می‌شد که به سوی آن نماز می‌خواند. (وبهمین مضمون در کتاب وسائل نیز ذکر شده^(۱)).

۵- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُعْرِضُ رَاحِلَتَهُ فَيَمْلِي إِلَيْهَا^(۲)

یعنی: از ابن عمر روایت شده که پیغمبر (ص) را حله خود یعنی بار شتر خود را بعرض می‌گذاشت و بطرف آن نماز می‌خواند.

۶- ج قَالَتْ عَائِشَةُ، سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ سُتْرَةِ الْمُصَلِّي؟ فَقَالَ: مِثْلُ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ^(۳)

یعنی: عایشه گفت، از رسول خدا (ص) از (ارتفاع) پوشش جلوی نمازگزار سؤال شد؟ فرمود: مانند چوبی که شتر سوار به آن تکیه می‌کند.

۷- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَجْعَلُ الْعَنْزَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذَا صَلَّى^(۴)

یعنی: رسول خدا (ص) چنین بود که هرگاه نماز می‌خواند نیزه‌ای را در جلو خود قرار می‌داد. (وبهمین مضمون در کتاب مسند زید نیز ذکر شده^(۵)).

۸- ج عَنْ طَلْحَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ مُؤَخَّرَةِ الرَّحْلِ فَلْيَصِلْ وَلَا يُبَالِ مِنْ مَرَّ وَرَاءَ ذَلِكَ^(۶)

یعنی: «از طلحه از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: هرگاه یکی از شما در جلوی خود چیزی بمثل عقب‌زین شتر قرار داد پس نماز بخواند و باکی نیست که کسی پشت آن چیز مرور کند». (وبهمین مضمون در کتاب مصنف نیز وارد شده^(۷)).

۹- ش كَانَ طُولُ رَحْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ذِرَاعًا فَإِذَا كَانَ

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۳۸
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۳۷
 (۵) مسند الامام زید / ص ۱۳۸
 (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۰ و ۱۷۱
 (۷) المصنف / ج ۲ / ص ۱۰

صَلَّى وَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ يَسْتَتِرُ بِهِ مِمَّنْ يَمُرُّ بَيْنَ يَدَيْهِ (۱)

یعنی: طول با رشتربپیغمبر (ص) یکذراع بود، پس چون نماز میخواند آنرا جلو خود میگذاشت و آنرا ستر قرار میداد از آنکه از جلو او میگذشت.

۱۰- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) وَضَعَ قَلْبَهُ وَصَلَّى إِلَيْهَا (۲)

یعنی: از ابی عبدالله (ع) روایت شده که پیغمبر (ص) کلاه خود را گذاشت و به طرف آن نماز خواند.

۱۱- م عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَصِلْ إِلَى شَيْءٍ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ شَيْئًا فَلْيَنْصِبْ عَصًا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ عَصًا فَلْيَخْطُطْ بَيْنَ يَدَيْهِ خَطًّا، وَلَا يَضُرَّهُ مَا مَرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ (۳)

یعنی: «از ابی هریره روایت است از پیغمبر (ص) که فرمود: هرگاه یکی از شما خواست نماز بخواند باید به سوی چیزی نماز بخواند، پس اگر چیزی نیافت عصا و چوبی نصب کند و اگر چوبی نیافت جلو خود خطی بکشد و در این صورت به او ضرر ندارد که کسی از جلو او مرور کند» و بهمین مضمون در کتاب تاج و وسائل نیز ذکر شده (۴)

۱۲- ج عَنْ الْمُقَدَّادِ بْنِ الْأَسْوَدِ، قَالَ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُمَلِّي إِلَى عُوْدٍ وَلَا عَمُودٍ وَلَا شَجَرَةٍ إِلَّا جَعَلَهُ عَلَى حَاجِبِهِ الْأَيْمَنِ أَوْ الْأَيْسَرِ وَ لَا يَضُمُّ لَهُ صَمَدًا (۵)

یعنی: از مقداد بن أسود روایت شده که گفت ندیدم رسول خدا به طرف چوب و نه عمود و نه درختی نماز بخواند مگر آنکه آنرا طرف راست ابروی خود و یا چپ آن قرار میداد. و آنرا مقابل روی خود قرار نمی داد.

۶۵- باب الدّفون من السّرة

۱- ج كَانَ ابْنُ عُمَرَ إِذَا دَخَلَ الْكُعْبَةَ مَشَى قِبَلَ وَجْهِهِ

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۲۷ و ۴۳۷
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۳۷
 (۳) المصنف / ج ۲ / ص ۱۲
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۱ و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۳۷
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۱

وَ جَعَلَ الْبَابَ قِبَلَ ظَهْرِهِ فَمَشَى حَتَّى يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجِدَارِ الَّذِي قِبَلَ وَجْهِهِ قَرِيبًا مِنْ ثَلَاثَةِ أَذْرُعٍ صَلَّى يَتَوَخَّى الْمَكَانَ الَّذِي أَخْبَرَهُ بِهِ بِلَالٌ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى فِيهِ، قَالَ: وَلَيْسَ عَلَيَّ أَحَدٌ بَأْسٌ أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَيِّ نَوَاحِي الْبَيْتِ شَاءَ! (۱)

یعنی: عبداللہ بن عمر چنین بود کہ ہرگاہ داخل کعبہ می شد بمقابل صورت خود میرفت و در را در مقابل پشت خود قرار میداد و میرفت تا اینکه چون بین او و بین دیواریکہ مقابل صورت او بود نزدیک بہ سہ ذراع باشد نماز میخواند کہ مکانی را (برای نماز) قصد میکرد کہ بسلامت بہ او خبر دادہ بود کہ رسول خدا (ص) در آن مکان نماز خواندہ است. و برای احدی باک نیست کہ در ہر جای از بیت کہ میخواهد نماز بخواند

۲- م قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيَصِلْ إِلَى سُتْرَةٍ وَلْيَدْنُ مِنْهَا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَمُرُّ بَيْنَهُمَا (۲)

یعنی: «رسول خدا (ص) فرمود: ہرگاہ یکی از شما نماز بخواند باید بہ سوی ستروای نماز بخواند و آنرا نزدیک خود گذارد زیرا شیطان بین آنها مرور می کند». و بہمین مضمون در کتاب تاج نیز وارد شدہ (۳)

۶۶- باب يَأْتِرُ الْبَارِءُ أَمَامَ الْمُصَلِّيِّ وَلَهُ دَفْعُهُ

۱- ج عَنْ أَبِي جُهَيْمٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ الْمَارُّ بَيْنَ يَدَيْ الْمُصَلِّيِّ مَاذَا عَلَيْهِ لَكَانَ أَنْ يَفْأَرْبَعِينَ خَيْرًا لَهُ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ. قَالَ أَبُو النَّضْرِ: لِأَدْرِي قَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ شَهْرًا أَوْ سَنَةً! (۴)

یعنی: «از ابی جہیم از پیغمبر (ص) روایت شدہ کہ فرمود: اگر مرورکنندہ

- | | |
|-----|--|
| (۱) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۱ و ۱۷۲ |
| (۲) | المصنف / ج ۲ / ص ۱۵ |
| (۳) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۲ |
| (۴) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۲ |

از جلوی نمازگذار میدانست که چه بر اوست (از گناه) هر آینه چهل ساعت میایستاد برای او بهتر بود از اینکه از جلوی او مرور کند، ابوالنضر گوید: نمی‌دانم آیا چهل روز یا چهل ماه یا چهل سال کدام را فرمود؟، وبهین مضمون در کتاب مصنف نیز وارد شده (۱)

۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى شَيْءٍ يَشْتَرُهُ مِنَ النَّاسِ فَأَرَادَ أَحَدٌ أَنْ يَجْتَازَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلْيُدْفَعْهُ فَإِنَّ أَبِي فَلْيُفَاتِلْهُ فَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ (۲)

یعنی: از ابی‌سعید از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: هرگاه یکی از شما به سوی چیزی که از مردم او را سترو می‌کند نماز خواند، پس کسی خواست از جلو او مرور کند او را باید دفع کند، اگر نپذیرفت با او قتال کند زیرا او شیطانی است.

وبهین مضمون در کتاب مصنف نیز وارد شده (۳). و در روایت دیگر ابی‌سعید گوید: پیغمبر (ص) ما را امر کرد که در حال نماز نگذاریم احدی از جلو ما عبور کند (۴).

۶۷- باب ستره الامام له ولین خلفه

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْعِيدِ أَمَرَ بِالْحَرْبِيِّ فَتَوَضَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَطَّلِي إِلَيْهَا وَالنَّاسُ وَرَاءَهُ وَكَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي السَّفَرِ فَمِنْ ثَمَّ اتَّخَذَهَا الْأُمَرَاءُ (۵)

یعنی: از ابن عمر روایت شده که رسول خدا (ص) چون روز عید بیرون میرفت امر میکرد حربه‌ای جلوی او می‌گذاشتند که به طرف آن نماز میخواند و مردم پشت سر او بودند و این کار را در سفر انجام میداد و از این جهت، امراء این کار را از او گرفته و انجام می‌دهند.

۲- ج عَنْ أَبِي جَحِيْفَةَ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ (ص) بِأَلْهَاجِرَةِ فَأَتَيْتِ بَوْضُوءَ فَتَوَضَّأَ وَصَلَّى بَيْنَا الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ وَبَيْنَ

- (۱) المصنف / ج ۲ / ص ۱۹.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۲.
 (۳) و (۴) المصنف / ج ۲ / ص ۲۱.
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۳.

يَدَيْهِ عَنَزَةً، وَالْمَرْأَةَ وَالْحِمَارَ يَمْرُونَ مِنْ وَرَائِهَا^(۱)
 یعنی: از اَبی جَحِيفَه روایت شده که گفت پیغمبر (ص) با ما در هوای
 گرم بیرون آمد، پس اَبی آوردند و وضو گرفت، و نماز ظهر و عصر را
 با ما خواند در حالیکه در جلوی او نیزه‌ای بود، و از پشت آن زن و
 الاغ عبور میکردند

۶۸- باب ما قيل انه يقطع الصلاة

۱- ج عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ
 يُصَلِّي فَإِنَّهُ يَسْتُرُهُ إِذَا كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلُ آخِرَةِ الرَّحْلِ، فَإِذَا لَمْ يَكُنْ
 بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلُ آخِرَةِ الرَّحْلِ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ صَلَاتَهُ الْحِمَارُ وَالْمَرْأَةُ
 وَالْكَلْبُ الْأَسْوَدُ. وَفِي رِوَايَةٍ، قَالَ: إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى غَيْرِ سِتْرَةٍ
 فَإِنَّهُ يَقْطَعُ صَلَاتَهُ الْكَلْبُ وَالْحِمَارُ وَالْخَنْزِيرُ وَاللَّيْهُودِيُّ وَالْمَجُوسِيُّ
 وَالْمَرْأَةُ، وَيَجْزِي عَنْهُ إِذَا مَرُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ عَلَى قَدْفَةٍ
 بِحَجَرٍ^(۲)

یعنی: از ابوذر روایت شده از پیغمبر (ص) که فرمود: هرگاه یکی از
 شما به نماز قیام کرد و بماند پشتی یا لان شتر در جلوی او بود، او را
 ستر می‌کند، و اگر نباشد نماز او را الاغ و زن و سگ سیاه قطع
 می‌کند. و در روایتی فرمود: اگر یکی از شما بدون آنکه چیزی از
 ستر جلوی او باشد نماز بخواند، نماز او را سگ و الاغ و خوک و
 یهودی و مجوسی وزن قطع می‌کند. و کافی است که اگر جلوی او عبور
 کنند، سنگی بیندازد

توضیح: منظور از قطع نماز، چنانکه اکثر فقهاء فرموده‌اند نقصان صلاة
 است، زیرا عبور چنین چیزها موجب کم شدن توجه انسان از خدا میگردد.

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: أَقْبَلْتُ رَاكِبًا عَلَى حِمَارٍ وَ
 أَنَا يَوْمَئِذٍ قَدْ نَأْتِي الْإِحْتِلَامَ، وَرَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي بِلِنَتَيْ بِيَمِينِي

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۷۳.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

إِلَى غَيْرِ جِدَارٍ فَمَرَرْتُ بَيْنَ يَدَيَّ بَعْضِ الصَّفِّ فَنَزَلْتُ فَأَرْسَلْتُ الْأَثَانَ تَرْتَعٌ وَدَخَلْتُ فِي الصَّفِّ فَلَمْ يُنْكِرْ ذَلِكَ عَلَيَّ أَحَدٌ^(۱) وَفِي رِوَايَةٍ: فَمَرَرْتُ الْأَثَانَ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ فَلَمْ تَقْطَعْ صَلَاتَهُمْ^(۲)

یعنی: از ابن عباس روایت شده که گفت: من در زمانیکه نزدیک احتلام و تکلیف بودم، سواره برالاف آمدم، در حالیکه رسول خدا (ص) در منی با مردم به طرفیکه دیواری نبود نماز میخواند، پس من از جلو بعضی از صفوف گذشتم، پس از آن پیاده شدم و الاغ را فرستادم که بچرد و در صف نماز داخل شدم، پس احدی بر من انکار نکرد و ایراد نگرفت. و در روایت دیگر آمده که: و الاغ از جلوی آنان گذشت و نمازشان را قطع نکرد.

۳- م عَنْ كَثِيرِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ، قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يُصَلِّي فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالنَّاسُ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ، بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ، بَيْنَ يَدَيْهِ، لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُمْ سِتْرَةٌ^(۳)

یعنی: از کثیر بن کثیر از پدرش و او از جدش روایت کرده که پیغمبر (ص) را دیدم در مسجد الحرام نماز میکند و مردم بین او و بین قبله طواف می کنند و بین او و بین مردم ساتری نبود.

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّهَا ذَكَرَتْ عِنْدَهَا مَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ وَقَالُوا: يَقْطَعُهَا الْكَلْبُ وَالْحِمَارُ وَالْمَرْأَةُ فَقَالَتْ: لَقَدْ جَعَلْتُمُونَا كِلَابًا. وَفِي رِوَايَةٍ: قَدْ شَبَّهْتُمُونَا بِالْحَمْرِ وَالْكَلابِ، لَقَدْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يُصَلِّي وَ إِنِّي لَبَيْنَهُ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ وَ أَنَا مُطْجَعَةٌ عَلَى السَّرِيرِ فَتَكُونُ لِيَ الْحَاجَةَ فَأَكْرَهُ أَنْ أَسْتَقْبِلَهُ فَأَنْسَلُ^(۴)

یعنی: روایت شده از عایشه که نزد او ذکر شد از چیزهایی که قاطع نماز است (یعنی توجه انسان را قطع میکند و حواس انسان را متوجه به غیر خدا میکند) و گفتند نماز را قطع می کند سگ و خروزن، عایشه گفت: شما ما را ردیف سگ آوردید، و در روایت دیگر: ما را شبیه به

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۴.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۴. والمصنف / ج ۲ / ص ۲۹.

(۳) المصنف / ج ۲ / ص ۳۵.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۴.

خران و سگان نمودید بتحقیق دیدم رسول خدا (ص) نماز میخواند و من بین او و قبله بودم در حالیکه من خوابیده بودم روی تخت و برایم حاجت بود و کراهت داشتم که مقابل او باشم، پس با هستگی کنا ر میرفتم .

۵- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كُنْتُ أَنَا مِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَرَجُلًا فِي قِبْلَتِهِ فَإِذَا سَجَدَ عَمَزَنِي فَقَبِضْتُ رِجْلِي فَإِذَا قَامَ بَسَطْتُهُمَا وَ الْبُيُوتُ يَوْمَئِذٍ خَالِيَةٌ الْمَضَابِيحُ (۱)

یعنی: «از عایشه روایت شده که گفت: من در جلو رسول خدا (ص) خواب میکردم و دوپای من در قبله‌ا و در حال نماز واقع میشد، پس چون به سجده میرفتم مرفشار میداد که پایم را جمع میکردم و چون می ایستادم آنرا دراز میکردم و خانه‌های آنروز بی چراغ بود». و بهمین مضمون در کتاب مصنف و وسائل نیز ذکر شده (۲)

۶- ج وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ شَيْءٌ وَادْرَأُوا مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّهَا هُوَ شَيْطَانٌ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: نماز را چیزی قطع نمی‌کند ولی شما تا آنجا که میتوانید بر طرف کنید (یعنی از جلو خودتان) که همان سانس شیطان است . (و بهمین مضمون در مستدرک نیز وارد شده (۴))

۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْهِرَّةُ لَا تَقْطَعُ الصَّلَاةَ لِأَنَّهَا مِنْ مَتَاعِ الْبَيْتِ (۵)

یعنی: از ابی‌هریره روایت شده که گفت، رسول خدا (ص) فرمود: گربه نماز را قطع نمی‌کند زیرا که او از متاع خانه می‌باشد .

°°° ————— °°°

تذکر: مخفی نما ندکه تا اینجا ما برای ارائه طریق به کتب بیشتری مانند کتاب المصنف مراجعه کرده و از آن نقل کردیم، ولی چون کتاب طولانی میشد، از این باب به بعد فقط به دو مجموعه یعنی به

- | | |
|-----|--|
| (۱) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۴ . و المصنف / ج ۲ / ص ۳۲ . |
| (۲) | المصنف / ج ۲ / ص ۳۲ . و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۲۶ . |
| (۳) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۴ . و مسند الاما مزید / ص ۱۳۸ . |
| (۴) | مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۲۲ . |
| (۵) | سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۱۳۱ . |

دو کتاب آعنی: کتاب التَّاج که مجموعه‌ای از کتب اهل سنت با حذف مکررات و کتاب وسائل که مجموعه‌ای از کتب شیعه است مراجعه کرده و از این دو نقل می‌کنیم، و همچنین بعضی از احادیث ضعیف‌تر که بیشتر در کتاب وسائل شیعه آمده، نیز می‌آوریم، ولی برای آنکه کتاب طولانی نگردد، سعی می‌کنیم از ذکر توضیحات خودداری نمائیم.

ابواب كيفية الصلاة

۶۹- باب ارکان الصلاة

ج - عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَرَدَّ النَّبِيُّ (ص) عَلَيْهِ السَّلَامَ فَقَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ فَصَلِّ، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ ثَلَاثًا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ مَا أَحْسَنَ عَيْرَهُ فَعَلَّمَنِي، فَقَالَ: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ ثُمَّ اقْرَأْ مَا تَيْسَّرَ مَعَكَ مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ رَأْسًا ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَتَعَدَلَ فَإِذَا سَجَدَ حَتَّى تَطْمِئِنَّ سَاجِدًا ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ جَالِسًا ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ فِي صَلَاتِكَ كُلِّهَا، وَفِي رِوَايَةٍ فَإِذَا فَعَلْتَ هَذَا فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُكَ وَ مَا انْتَقَصَتْ مِنْ هَذَا شَيْئًا فَإِنَّمَا انْتَقَصَتْهُ مِنْ صَلَاتِكَ (۱)!

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت رسول خدا (ص) وارد مسجد شد، پس مردی آمد و نماز خواند و سپس آمد بر رسول خدا (ص) سلام کرد، رسول خدا (ص) سلام او را جواب داد و فرمود: برگرد و نماز بخوان زیرا تو نماز نخواندی، آن مرد تا سه مرتبه نماز خواند سپس آمد به رسول خدا (ص) سلام کرد تا سه مرتبه، و حضرت فرمود برگرد و نماز بخوان تو نماز نخواندی، آن مرد عرض کرد: قسم به آن خدا شکیه

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

تورا بحق برانگیخته که من جزاین نیکنمیدانم، پس به من یسار
 بده. حضرت فرمود: چون قیام به نماز کردی، تکبیر بگو، سپس آنچه
 برای تو میسر است قرائت کن، سپس رکوع کن بطوریکه در حال رکوع
 آرام باشی، سپس سر بلند کن تا در حال قیام معتدل باشی، سپس سجده
 کن تا که در حال سجده آرام باشی، سپس بلند شو که در حال نشسته آرام
 گیری، سپس سجده کن در حالیکه آرام گیری، پس اینها را در تمام رکعات
 نماز بجا آر. و در روایت دیگر فرمود: چون اینها را کردی محققاً
 نمازت کامل است و چیزی که کم نکرده ای.

۷۰- باب وجوب التیام

۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْمَرِيضُ يُصَلِّي قَائِمًا، فَإِنْ
 لَمْ يَسْتَطِعْ صَلَّى جَالِسًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ صَلَّى عَلَى جَنْبِهِ الْأَيْمَنِ، فَإِنْ
 لَمْ يَسْتَطِعْ صَلَّى عَلَى جَنْبِهِ الْأَيْسَرِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ اسْتَلْقَى وَأَوْمَأَ إِيمَاءً
 وَجَعَلَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ، وَجَعَلَ سُجُودَهُ أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِهِ^(۱).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: بیمار ایستاده نماز بخواند، و اگر
 نتوانست نشسته بخواند و اگر نتوانست برپهلوی راست، و اگر
 نتوانست برپهلوی چپ بخواند، و اگر نتوانست بقفا بخوابد و
 اشاره کامل کند و روی خود را بطرف قبله کند و سجودش را پائین تر
 از رکوع قرار دهد.

۲- ش وَ قَالَ عَلِيٌّ (ع): دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى رَجُلٍ مِنَ
 الْأَنْصَارِ وَقَدْ شَبَّكَتُهُ الرِّيحُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ أُصَلِّي؟ فَقَالَ:
 إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَجْلِسُوهُ فَأَجْلِسُوهُ، وَإِلَّا فَوَجِّهُوهُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَمَرُّهُ
 فَلْيُؤَمِّ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً، وَيَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ، وَإِنْ كَانَ
 لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقْرَأَ فَاقْرَأُوا عَنْدَهُ وَاسْمِعُوهُ^(۲).

یعنی: علی گفت: رسول خدا (ص) وارد شد بر مردی از انصار که بدنش را

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۹۲.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۹۲ و مسند امام زید / ص ۱۴۲.

باد گرفته و باد کرده بود، و عرض کرد یا رسول الله چگونه نماز کنیم؟ فرمود: اگر میتوانید او را بنشانید و گرنه او را روبه قبله کنید و امر کنید که با اشاره سر نماز بخواند و سجودش را پائین تر از رکوع قرار دهد و اگر نمیتواند قرائت کند شما نزد او قرائت کنید و به او بشنوانید.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الرَّجُلُ أَنْ يَمْلِيَ قَائِمًا فَلْيُصَلِّ جَالِسًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ جَالِسًا فَلْيُصَلِّ مُسْتَلْقِيًا، نَاصِبًا رَجُلِيهِ بِحِيَالِ الْقِبْلَةِ يَوْمِي إِيمَاءً^(۱)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه مردی نمیتواند ایستاده نماز بخواند باید نشسته بخواند، و اگر نتواند نشسته بخواند باید بدقتا بخوابد و نماز بخواند و دوپای خود را روبه قبله کند و با اشاره نماز کند.

۴- ج عَنْ عُمَرَ بْنِ حُصَيْنٍ قَالَ: كَأَنْتَ بِي بَوَّاسٍ— فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ (ص) عَنِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: صَلِّ قَائِمًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ^(۲)!

یعنی: عمران بن حصین گفت: من بواسیر داشتم از رسول خدا (ص) از نماز سؤال کردم؟ فرمود: ایستاده بخوان و اگر نتوانی نشسته پس اگر نتوانستی بر پهلو.

۷۱- باب وجوب الانتصاب في القيام وحكم القيام على الاصاب ووجوب التيمم والتكبير

۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ لَمْ يَقُمْ مُلَبَّهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ^(۳)! یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هرکس کمرش را راست نکند نمازی برای او نیست.

۲- ش قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۹۳.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۱.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۹۴.

أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: طُهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى^(۱)

یعنی: حضرت باقر فرمود: رسول خدا (ص) بر روی انگشتان دو پا قیام میکرد (برای نماز)، پس خدای سبحانه نازل نمود: طُهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى، یعنی، ما بر تو قرآن نازل نکردیم برای آنکه بسختی بیفتی.

۳- ج عن جابر، قَالَ: سِئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: طُولُ الْقِيَامِ^(۲)

یعنی: جابر گوید از رسول خدا (ص) سؤال شد کدام نماز بهتر است؟ فرمود: طول دادن قیام.

۴- ج وش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. وَقَالَ: إِنَّمَا لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى^(۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: همانا عملها بنیات است. و فرمود: برای هر مردی آن چیزی است که نیت نموده است.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفٌ وَأَنْفُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرُ^(۴). وَ قَالَ: لِاتْفَتْحُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا^(۵)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: برای هر چیزی دماغی است و دماغ نماز تکبیر است. و فرمود: نماز افتتاح نمیشود مگر بتکبیر.

۶- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنْ رَسُوْلَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي الصَّلَاةِ وَ إِلَى جَانِبِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَلَمْ يُجِرِ الْحُسَيْنُ بِالتَّكْبِيرِ، ثُمَّ كَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ فَلَمْ يُجِرِ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ فَلَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ يُكَبِّرُ وَيُعَالِجُ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ فَلَمْ يُجِرْ حَتَّى

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۶۹۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۸

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۱۱ و التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۵

(۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۱۴

(۵) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۱۵

أَكْمَلَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ فَأَحَارَ الْحُسَيْنُ التَّكْبِيرَ فِي السَّابِعَةِ، فَصَارَتْ سُنَّةً (۱).
یعنی: از حضرت صادق روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) در نماز بود و در کنار او حسین بن علی بود، پس رسول خدا (ص) تکبیر گفت و حسین نتوانست تکبیر بگوید، پس همواره تکبیر گفت و به یهودی زبان حسین کمک کرد تا هفت تکبیر کامل شد، پس حسین توانست در مرتبه هفتم تکبیر بگوید و این سنت شد.

۷- ش عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ ابْنَ رَاشِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَنْ تَكْبِيرَةِ الْإِفْتِيحِ، فَقَالَ: سَبْعٌ، قُلْتُ: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ كَانَ يُكَبِّرُ وَاجِدَةً، فَقَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُكَبِّرُ وَاجِدَةً يَجْهَرُ بِهَا وَيسِرُّ سِتًّا (۲).

یعنی: از ابن راشد روایت شده که گفت از حضرت رضا از تکبیر افتتاح سؤال کردم؟ گفت: هفت تکبیر، گوید، گفتم: از پیغمبر (ص) روایت شده که او یک تکبیر میگفت، پس آنحضرت گفت: پیغمبر (ص) یک تکبیر در نماز را آشکار میگفت و شش عدد دیگر را پنهانی.

۸- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ، قَالَ: وَ عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ فِي صَلَاتِكَ وَ تَقْلِيْبِهِمَا (۳).

یعنی: حضرت صادق فرمود که در سفارش پیغمبر به علی فرمود: و بر تو باد به دودست بلند کردن در نماز و برگرداندن آنها.

۹- ش عَنْ عَلِيٍّ أَنَّ النَّبِيَّ (ص): مَرَّ بِرَجُلٍ يَمْطِي وَ قَدْ رَفَعَ يَدَيْهِ فَوْقَ رَأْسِهِ، فَقَالَ: مَا لِي أَرَى قَوْمًا يَرْفَعُونَ أَيْدِيَهُمْ فَوْقَ رُءُوسِهِمْ كَأَنَّهَا آذَانُ خَيْلٍ شَمْسِي (۴).

یعنی: علی روایت کرده که رسول خدا (ص) مرور کرد به مردی که نماز میخواند و دودست را بلند کرده بود بالای سرش، پس فرمود: چه شده مرا که قوم را می بینم که دستهای خود را بالای سرشان بلند میکنند گویا گوشهای اسبان سرکشند.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۲۱.
(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۳۰.
(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۲۶.
(۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۲۹.

۷۲- باب رفع اليدين وتكبيرات الانتقال

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) افْتَتَحَ التَّكْبِيرَ لِلصَّلَاةِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ حِينَ يُكَبِّرُ حَتَّى يَجْعَلَهُمَا حَدَّ وَنُكْبَيْهِ وَإِذَا كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ فَعَلَّ مِثْلَهُ وَإِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَعَلَّ مِثْلَهُ وَ قَالَ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ. وَفِي رِوَايَةٍ: وَإِذَا قَامَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ رَفَعَ يَدَيْهِ وَ لَأَيْفَعَلَ ذَلِكَ حِينَ يَسْجُدُ وَ لِأَحْيَنَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ (۱) .
یعنی: ابن عمر گفت، رسول خدا (ص) را چنین دیدم که برای نماز، افتتاح به تکبیر نمود و دو دست خود را حين گفتن تکبیر بلند کرد تا مقابل شانه های خود و چون برای رکوع تکبیر گفت همین کار را کرد و چون گفت «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» همین کار را کرد و گفت رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ. و در روایت دیگر: و چون بعد از تشهد اول بلند میشد دو دست خود را بلند میکرد. و هنگام سجده و هنگام میکه سرش را بلند میکرد این کار را نمیکرد (یعنی دو دست را تا مقابل شانه بلند نمیکرد).

۲- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا كَبَّرَ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ التَّحَفَّ بِثَوْبِهِ ثُمَّ أَخَذَ شِمَالَهُ بِيَمِينِهِ (۲) .
یعنی: رسول خدا (ص) چون تکبیر میگفت دو دست خود را بلند میکرد، سپس به جامه خود می چسباند، سپس دست چپ خود را بدست راست خود میگرفت.

۳- ج قَالَ عَلِيُّ (ع): السُّنَّةُ وَضَعُ الْكَفِّ عَلَى الْكَفِّ فِي الصَّلَاةِ تَحْتَ السُّرَّةِ (۳) .
یعنی: علی گوید: سنت در نماز، گذاشتن کف یک دست بر دست دیگر در زیر ناف است.

۴- ج عَنْ قَبِيصَةَ بِنِ هَلِيبٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۱ و المصنف / ج ۲ / ص ۶۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۱.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۱.

(ص) يَوْمُنَا فَيَأْخُذُ شِمَالَهُ بِيَمِينِهِ (۱)

یعنی: از قبیصه بن هلب از پدرش روایت کرده اند که گفت: رسول خدا (ص) برای ما امامت میکرد و دست چپ خود را بدست راست خود میگرفت.

۵-ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُكَبِّرُ فِي كُلِّ خَفِضٍ وَرَفِعٍ وَوَقِيَامٍ وَفُعُودٍ، وَابْوَبُكْرٍ وَعُمَرَ (۲)
یعنی: از عبدالله روایت شده که گفت رسول خدا (ص) تکبیر میگفت در هر پائین آمدن و بلند شدن و ایستادن و نشستن و همچنین بوبکر و عمر.

۷۳- باب دعاء الافتتاح

۱-ج كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَسْكُتُ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَبَيْنَ الْقِرَاءَةِ إِسْكَاتَهُ هُنَيْةً فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِسْكَاتُكَ بَيْنَ التَّكْبِيرِ وَالْقِرَاءَةِ مَا تَقُولُ؟ قَالَ: أَقُولُ اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبَ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالتَّلْجِ وَالتَّبَرَدِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) بین تکبیر الاحرام و قرائت سکوت مختصری میکرد، عرض شد پدر ما درم فدایت یا رسول الله در سکوت خودت میان بین تکبیر و قرائت چه میگوئید؟ فرمود: میگویم خدا یا بین من و خطاهای من دوری بیفکن چنانکه دوری افکنده ای میان مشرق و مغرب، خدایا مرا از خطاها پاک کن چنانکه جامه سفید را از چرک پاک میکنی، خدایا خطاهای مرا بشوی تا آخر.

۲-ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ نُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ (ص) إِذْ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ

(۱) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۱

(۲) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۲

(۳) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۲

سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنِ الْقَائِلُ
كَلِمَةً كَذَا وَكَذَا؟ قَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ:
عَجِبْتُ لَهَا فُتِحَتْ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ (۱)

یعنی: ابن عمر گفت هنگامیکه ما بارسول خدا (ص) نماز میکرديم
مردی گفت اللَّهُ أَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ
أَصِيلًا، پس رسول خدا (ص) فرمود: گوینده این چنین کلمات که بود؟
مردی از آن قوم گفت من یا رسول الله، فرمود: برای این کلمات
در عجم درهای آسمان برای آن باز شده است.

۳- ج عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا قَامَ إِلَى
الصَّلَاةِ كَبَّرَ ثُمَّ قَالَ: وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِشَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ
اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ
نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا لِأَيُّغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا
أَنْتَ وَاهْدِنِي لِأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ، لِأَيُّهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَأَصْرَفْ عَنِّي
سَيِّئَهَا لِأَيُّصْرَفْ سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ فِي
يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَأَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ
أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ. (۲)

یعنی: از علی (ع) روایت است که رسول خدا (ص) چون به نماز می ایستاد
تکبیر میگفت سپس آیات و دعاها را میخواند.

۷۴- باب بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْقِرَاءَةُ

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَفْتَتِحُ صَلَاتَهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳)

یعنی: از ابن عباس روایت شده که گفت رسول خدا (ص) نمازش را افتتاح

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۲ .
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۲ و ۱۸۳ . والمصنف / ج ۲ / ص ۸۰ .
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۸ .

میکرد به گفتن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

۲- ج عَن أَنَسٍ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ (ص) وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ فَلَمَّ أَسْمَعُ أَحَدًا مِنْهُمْ يَقْرَأُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱) وَفِي رِوَايَةٍ: صَلَّيْتُ بِنَا رَسُولِ اللّٰهِ (ص) فَلَمَّ يَسْمَعُنَا قِرَاءَةَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۲)

یعنی: از انس روایت شده که گفت: با رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچکدام نشنیدم که بِسْمِ اللّٰهِ... را قرائت کند. و در روایتی رسول خدا (ص) با ما نماز خواند و نشنیدیم قرائت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را.

۳- ش عَن عَلِيٍّ (ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللّٰهِ (ص) كَانَ يَقْرَأُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ يَعُدُّهَا آيَةً مِنَ الْفَاتِحَةِ، وَيَقُولُ: فَاتِحَةُ الْكِتَابِ هِيَ سَبْعُ الْمَثَانِي (۳)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را قرائت میکرد و آن را آیه‌ای از فاتحه‌الکتاب بشمار می‌آورد و می‌فرمود: فاتحه‌الکتاب همان سَبْعُ الْمَثَانِي است.

۴- ش عَن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص) أَتَمَّ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوْجَزَهُمْ، كَانَ إِذَا دَخَلَ فِي صَلَاتِهِ قَالَ: اللّٰهُ أَكْبَرُ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۴)

یعنی: از محمد بن علی بن الحسین روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) از همه مردم نمازش تمامتر و مختصرتر بود و چون داخل در نماز میشد میگفت: اللّٰهُ أَكْبَرُ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .

۷۵- باب التَّوَدُّ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى: فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۸ . و المصنف / ج ۲ / ص ۸۸ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۸ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۴۷ .

(۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۸۰۱ .

الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۱)

۰۰۰

۱- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَالَ لِلَّيْلِ كَبْرًا ثُمَّ يَقُولُ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ثُمَّ يَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ مِنْ هَمْزِهِ وَنَفْسِهِ وَنَفْخِهِ (۲)

یعنی: از ابی سعید روایت شده گفت رسول خدا (ص) چون در شب به نماز میا یستاد تکبیر می گفت سپس می گفت خدایا تو منزهی و بحمد تو و با برکت است نام و برتر است مقام تو و نیست خدائی جز تو، سپس می گفت اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا پناه می برم به خدای شنوای دانا از شیطان رانده شده از انواع و سوسه های او

۲- ش عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ قَبْلَ الْقِرَاءَةِ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳)

یعنی: از رسول خدا (ص) روایت است که قبل از قرائت می فرمود: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ .

۶۶- باب وجوب قراءة الفاتحة في الصلاة

۱- ج عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لِالصَّلَاةِ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ (۴)

یعنی: از عبادة بن الصامت روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: برای کسی که سوره فاتحة الكتاب را قرائت نکند نماز نیست .

۲- ج وَش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُقْرَأُ فِيهَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَهِيَ خِدَا ج (۵)

(۱) قرآن / سوره نحل / آیه: ۹۸ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۳ و ۱۸۴ .
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۸۰۱ . والمصنف / ج ۲ / ص ۸۶ و ۱۰۲ .
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۶ . والمصنف / ج ۲ / ص ۹۳ .
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۳۳ . والتاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۲۱ و ۱۲۸ .

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: هر نمازی که در آن فاتحه کتاب قرائت نشود پس آن ناقص است.

۴- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نِصْفَيْنِ وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى حَمْدِي عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَشْنَى عَلَيَّ عَبْدِي، وَإِذَا قَالَ: مَا لِيكَ يَوْمَ الدِّينِ قَالَ: مَجِدْنِي عَبْدِي، وَقَالَ مَرَّةً فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي، فَإِذَا قَالَ: إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قَالَ: هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ، فَإِذَا قَالَ: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ قَالَ: هَذَا لِعَبْدِي وَ لِعَبْدِي مَا سَأَلَ (۱)

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: خدایتعالی فرموده من نمازرا (یعنی قرائت نمازرا) بین خود و بنده ام به دو نصف تقسیم کردم و برای بنده ام رواست آنچه سؤال کند، پس چون بنده بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، خدایتعالی فرماید بنده ام راستايش کرد و چون بگوید الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ خدایتعالی فرماید بنده ام برما ثنا کرد، و چون بگوید مَا لِيكَ يَوْمَ الدِّينِ خدایتعالی فرماید بنده ام مرا تمجید کرد، پس چون بگوید إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ خدا فرماید این بین من و بین بنده من است و برای بنده من است آنچه بخواهد، پس چون بگوید اهْدِنَا صِرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ خدایتعالی فرماید این خواسته برای بنده من میباشد و برای بنده است آنچه سؤال کند.

۵- ج عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ: كُنَّا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ فَقَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَثَقُلْتُ عَلَيْهِ الْقِرَاءَةَ فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ: لَعَلَّكُمْ تَقْرَءُونَ خَلْفَ مَا مَعَكُمْ. قُلْنَا: نَعَمْ نَفَعَلْ هَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: لَا تَفْعَلُوا إِلَّا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ فَإِنَّهُ لِأَصْلَةٍ لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ بِهَا (۲).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۶ و ۱۷۷ والمصنف / ج ۲ / ص ۱۱۸ و ۱۱۹

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۷

یعنی: از عباده بن الصّامیت روایت شده که ما پشت رسول خدا (ص) در نماز فجر بودیم که رسول خدا (ص) قرائت کرد ولی قرائت برا و سنگین بود، پس چون فارغ از نماز شد فرمود: شاید شما پشت امامتان قرائت میکنید. گفتیم: بلی یا رُسُولَ اللَّهِ این کار را میکنیم، فرمود این کار نکنید مگر فاتحة الكتاب را که نمازی نیست برای آنکه در نماز آنرا قرائت نکند.

۶- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) انْصَرَفَ مِنْ صَلَاةٍ جَهْرَ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَقَالَ: هَلْ قَرَأَ مَعِيَ أَحَدٌ مِنْكُمْ آتِنَا؟ فَقَالَ رَجُلٌ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِنِّي أَقُولُ مَا لِي أَنْزَعُ الْقُرْآنَ قَالَ فَأَنْتَهَى النَّاسُ عَنِ الْقِرَاءَةِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِيمَا جَهْرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ (۱)!

یعنی: روایت شده از ابی هریره که رسول خدا (ص) از نمازی که در آن جهر میخواند منصرف شد، پس فرمود: آیا از شما با من درهمین نماز قرائت کرد؟ مردی عرض کرد بلی یا رُسُولَ اللَّهِ، حضرت فرمود من میگفتم چه شده که مرا در خواندن قرآن نزاع میشود راوی گفت پس مردم در نمازهای جهریه از قرائت خودداری کردند.

۷۷- باب التّأمين عقب الفاتحة

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا تَلَا غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ قَالَ آمِينَ حَتَّى يَسْمَعَ مَنْ يَلِيهِ مِنَ الصَّغِيرِ الْأَوَّلِ (۲)!

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) هرگاه غیر المغضوب عليهم و الضالین را تلاوت میکرد میگفت آمین تا اینکه هر کس عقب او در صفا اول بود میشنید.

۲- ج عَنْ النَّبِيِّ (ص)، قَالَ: إِذَا قَالَ أَحَدُكُمْ آمِينَ وَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ فِي السَّمَاءِ آمِينَ قَوَّافَتًا إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (۳)!

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۷
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۹۵
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۵

یعنی: از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هرگاه یکی از شما آمین گوید و ملائکه در آسمان آمین گویند که موافقت کند یکی از این دو آمین با دیگری گناها ن گذشتها و آمرزیده شود.

۳- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَالَ الْإِمَامُ غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ فَقُولُوا آمِينَ فَإِنَّهُ مَنْ وَاْفَقَ قَوْلَهُ قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ عُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (۱)

یعنی: از ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هرگاه امام بگوید غَيْرَ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ، پس شما آمین بگوئید زیرا آنکه قول او با قول فرشتگان موافق آید گناه گذشتها و آمرزیده شود.

۷۸- باب السكتان

۱- ج عَنْ سَمُرَةَ، قَالَ: سَكَّتَانِ حَفِظْتُهُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأُنْكَرَ ذَلِكَ عِمْرَانُ ابْنُ حُصَيْنٍ وَقَالَ: حَفِظْنَا سَكَّتَهُ فَكَتَبْنَا إِلَى أَبِي بِنِ كَعْبٍ بِالْمَدِينَةِ فَكَتَبَ أَبِي أَنَّ حَفِظَ سَمُرَةَ، قَالَ سَعْدٌ: فَقُلْنَا لِقِتَادَةَ مَا هَاتَانِ السَّكَّتَانِ؟ قَالَ: إِذَا دَخَلَ فِي صَلَاتِهِ وَإِذَا فَرَعَ مِنْ الْقِرَاءَةِ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ ذَلِكَ وَإِذَا قَرَأَ وَلَا الضَّالِّينَ (۲)

یعنی: «از سمره روایت شده که گفت: دو سکت را من از رسول خدا (ص) حفظ کردم، عمران بن حصین منکر گفتا را و شد و گفت ما یک سکت را حفظ کردیم پس نوشتیم به ابی بن کعب به مدینه، او در جواب نوشت که حفظ سمره صحیح است. پس به قناده گفتیم آن دو سکت چیست؟ گفت: هرگاه داخل در نماز خود میشد و هرگاه از قرائت فارغ میشد. سپس گفت و هرگاه وَلَا الضَّالِّينَ را قرائت میکرد... این حدیث با مقصداری اختلاف در کتاب و سائل نیز ذکر شده (۳)»

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۴ و ۱۸۵. والمصنف / ج ۲ / ص ۹۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۵.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۸۵.

۷۹- باب قراءة السورة بعد الفاتحة

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ أَنْ يَجِدَ فِيهِ ثَلَاثَ خَلْفَاتٍ عِظَامِ سَمَانٍ؟ قُلْنَا: نَعَمْ قَالَ: فَثَلَاثُ آيَاتٍ يَقْرَأُ بِهِنَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ حَيْرَلَهُ مِنْ ثَلَاثِ خَلْفَاتٍ عِظَامِ سَمَانٍ (۱).

یعنی: ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: آیا یکی از شما دوست دارد که چون به خانواده برگشت سه عدد شتر بزرگ چاق داشته باشد؟ عرض کردیم بلی، فرمود: پس سه آیه که آنها را در نماز قرائت کند برای او بهتر است از سه حیوان بزرگ چاق.

۲- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ سُورَتَيْنِ يُطَوِّلُ فِي الْأُولَى وَ يُقْصِرُ فِي الثَّانِيَةِ وَيُسْمِعُ الْآيَةَ أحيانًا وَ فِي الْعَصْرِ مِثْلَ ذَلِكَ وَ كَانَ يُطَوِّلُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ يُقْصِرُ فِي الثَّانِيَةِ (۲).
یعنی: از ابی قناده روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در دو رکعت اول از نماز ظهر فاتحه کتاب و دو سوره را قرائت میکرد، در رکعت اول سوره طولانی و در رکعت دوم سوره کوتاه قرائت میکرد، و گاهی آیه را میشنوانید. و در عصر نیز مانند آن. و در رکعت اول نماز صبح طول میداد و در رکعت دوم کوتاه میکرد.

۳- ج قِيلَ لِحَبَابٍ: بِأَيِّ شَيْءٍ تَعْرِفُونَ قِرَاءَةَ النَّبِيِّ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ؟ قَالَ: بِأَضْرَابِ لِحَيْتِهِ (۳).

یعنی: به حبیب گفته شد به چه چیز قرائت رسول خدا را در نماز ظهر و عصر می شناختید؟ گفت: بحرکت ریش او.

- (۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۶
(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۶
(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۶

۸۰- باب ما قرء النبی (ص) فی الظهر والعصر

۱- ج عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَنَحْوَهُمَا مِنَ السُّورِ (۱) یعنی: از جابر بن سمرة روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز ظهر و عصر سوره وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ و سوره وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ و مانند اینها را قرائت میکرد.

۲- ج وَعَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ بِاللَّيْلِ إِذَا بَغِثَ وَفِي الْعَصْرِ نَحْوَ ذَلِكَ وَفِي الصُّبْحِ أَطْوَلَ مِنْ ذَلِكَ (۲) یعنی: از جابر بن سمرة روایت شده که رسول خدا (ص) در ظهر شب و اللیل و در عصر مانند آن و در صبح طولانی تر از این را میخواند.

۳- ج وَعَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَقْرَأُ فِي الظُّهْرِ بِسَبِّحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الصُّبْحِ بِأَطْوَلَ مِنْ ذَلِكَ (۳) و نیز از جابر بن سمرة روایت شده که رسول خدا (ص) در ظهر سوره اَعْلَى را میخواند و در صبح طولانی تر از این، و بهمین مضمون در وسائل، در ضمن حدیثی ذکر شده (۳).

۸۱- باب ما قرءه (ص) فی المغرب والعشاء

۱- ج عَنْ أُمِّ الْفَضْلِ قَالَتْ: رَأَيْتُ وَالْمُرْسَلَاتِ لِآخِرِ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَقْرَأُ بِهَا فِي الْمَغْرِبِ (۴) وَ عَنْ جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقْرَأُ بِالطُّورِ فِي الْمَغْرِبِ (۵) یعنی: از ام الفضل روایت شده که گفت سوره مرسلات آخرین سوره ای بود که شنیدم رسول خدا (ص) در مغرب قرائت میکرد. و از جبیر بن مطعم روایت شده که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) در نماز مغرب سوره طور را قرائت مینمود.

(۱) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۱۸۶

(۲) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۱۸۷

(۳) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۱۸۷ و وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۸۷

(۴) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۱۸۷ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۰۸

(۵) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۱۸۷ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۰۸

۲- ج عَنِ الْبَرَاءِ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) قَرَأَ فِي الْعِشَاءِ بِالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ فَمَا سَمِعْتُ أَحَدًا أَحْسَنَ صَوْتًا مِنْهُ (۱)!

یعنی: از براء روایت شده که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) در نماز عشاء سوره تین را قرائت کرد پس از احدی خوش صوت تر از آنحضرت نشنیدم.

۸۲- باب القراءة في الصبح

۱- ج عَنِ أَبِي بَرزَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقْرَأُ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنَ السِّتِّينَ إِلَى الْمِائَةِ (۲)

یعنی: از ابی بزره روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز صبح از سوره هائیکه دارای شصت آیه تا صد آیه بود قرائت میکرد (و یا ۶۰ تا ۱۰۰ آیه قرائت میکرد).

۲- ج عَنِ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَقْرَأُ فِي الْفَجْرِ يَقًا وَالْقُرْآنَ الْمَجِيدَ، وَكَانَتْ صَلَاتُهُ بَعْدَ تَخْفِيفٍ (۳)

یعنی: از جابر بن سمره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در نماز فجر سوره ق را قرائت مینمود و نماز بعدش سبک بود

۳- ج عَنِ عَمْرُو بْنِ حَرْبٍ قَالَ: كَأَنِّي أَسْمَعُ صَوْتَ النَّبِيِّ (ص) يَقْرَأُ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنْسِ الْجَوَارِ الْكُنْسِ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ (۴). وَفِي رِوَايَةٍ: قَرَأَ النَّبِيُّ (ص) فِي الصُّبْحِ بِالْوَاقِعَةِ (۵)

یعنی: از عمرو بن حرب روایت شده که گفت: گویا صورت پیغمبر (ص) را می شنوم که در نماز صبح فلأقسم بالخنس الجوار الكنس را قرائت میکرد. و در روایتی در صبح سوره واقعه را قرائت کرد.

۴- ج عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الشَّائِبِ قَالَ: صَلَّيْنَا لَنَا النَّبِيَّ (ص) الصُّبْحَ

- | | |
|-----|---|
| (۱) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۷ . والمصنف / ج ۲ / ص ۱۱۲ |
| (۲) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۸ . |
| (۳) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۸ . |
| (۴) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۸ . والمصنف / ج ۲ / ص ۱۱۶ . |
| (۵) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۸ . والمصنف / ج ۲ / ص ۱۱۵ . |

بِمَكَّةَ فَاسْتَفْتَحَ سُورَةَ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى جَاءَ ذِكْرُ مُوسَى وَ هَارُونَ أَوْ
أَوْ ذِكْرُ عِيسَى أَخَذَتْهُ سَعْلَةً فَرَكَعَ (۱)

یعنی: از عبداللہ بن السائب روایت شده کہ گفت رسول خدا (ص) برای
مانما ز صبح را در مکہ بجا آورد، پس آغاز کرد به سورہ مؤمنین تا به
ذکر موسی و هارون و یا ذکر عیسی رسید او را سرفہ سینہ گرفت، پس به
رکوع رفت .

۸۳- باب جواز تکریر السورۃ فی الرکعتین

۱- ج عَنْ رَجُلٍ مِنْ جُهَيْنَةَ أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ (ص) يَقْرَأُ فِي الصُّبْحِ
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ كِلْتَابَهُمَا فَلَا أُدْرِي أُنْسِيَ رَسُولُ اللَّهِ
(ص) أَمْ قَرَأَ ذَلِكَ عَمْدًا (۲)

یعنی: از مردی از قبیلہ جہینہ روایت شده کہ شنید رسول خدا (ص)
در نماز صبح سورہ إذا زلزلت الأرض را در هر دو رکعت میخواند،
(راوی گوید:) پس نمیدانم آیا رسول خدا (ص) فراموش کرد یا آنکہ
عمداً قرائت نمود .

۸۴- باب الرکوع والتسبیح فیہ

۱- ج عَنْ أَبِي حُمَيْدٍ السَّاعِدِيِّ أَنَّهُ قَالَ لِيَنْفَرِ مِنْ أَصْحَابِ
النَّبِيِّ (ص) أَنَا أَحْفَظُكُمْ لِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) رَأَيْتُهُ إِذَا كَبَّرَ جَعَلَ
يَدَيْهِ جِذَاءً مَنْكَبَيْهِ وَ إِذَا رَكَعَ أَمَكَّنَ يَدَيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ ثُمَّ هَضَرَ
ظَهْرَهُ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ اسْتَوَى حَتَّى يَعُودَ كُلُّ فَقَّارٍ مَكَانَهُ فَإِذَا سَجَدَ
وَضَعَ يَدَيْهِ غَيْرَ مُفْتَرِشٍ وَ لَأَقْبَابِضِهِمَا وَ اسْتَقْبَلَ بِأَطْرَافِ أَطْبَاحِ رِجْلَيْهِ
فَإِذَا جَلَسَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ جَلَسَ عَلَى رِجْلِهِ الْيُسْرَى وَ نَصَبَ الْيَمْنَى
وَ إِذَا جَلَسَ فِي الرُّكْعَةِ الْآخِرَةِ قَدَّمَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَ نَصَبَ الْآخْرَى وَ

(۱) التاج جامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۸ والمصنف/ ج ۲/ ص ۱۰۲

(۲) التاج جامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۸۸ و ۱۸۹

فَعَدَّ عَلَيَّ مَقْعَدَتِي^(۱)!

یعنی: از ابی حمید ساعدی نقل شده که او به عده‌ای از اصحاب رسول خدا (ص) گفت من نماز رسول خدا (ص) را بهتر حفظ کرده‌ام، دیدم آن جناب چون تکبیر میگفت دودست خود را مقابل شانه‌های خود قرار داد و چون رکوع کرد دودست خود را به دوزانوی خود جای میداد و پشت و کمر خود را بطوریکه با گردن محاذی باشد خم مینمود، و چون سر خود را بلند کرد صاف ایستاد که فقرات بدن به مکان خود برگشت، پس چون سجده کرد دودست بر زمین نهاد نه فرش کرد و نه به بدن چسبید و با طرف انگشتان پای خود روبه قبله کرد، پس چون در دو رکعت اول نشست روی پای چپ نشست و پای راست را روی آن قرار داد، و چون در رکعت آخر نشست اول پای چپ را مقدم داشت و پای دیگر را بر آن قرار داد و بر نشیمن گاه خود نشست.

۲- ش عَنْ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُدْبِحَ الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ كَمَا يُدْبِحُ الْجَمَارُ^(۲)

یعنی: رسول خدا (ص) نهی نمود از اینکه مردی در رکوع سرخود را پائین اندازد که پائین تر از کمر و پشتش باشد چنانکه حمار پائین می‌اندازد.

۳- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا رَكَعَ لَوَسَبَ عَلَيْهِ ظَهْرُهُ مَاءً لَأَسْتَقْرَأَ^(۳)

یعنی: رسول خدا (ص) چون رکوع میکرد اگر آبی بر پشت او ریخته میشد برقرار میماند.

۴- ج رَأَى حَذِيفَةَ رَجُلًا لَا يَتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ فَقَالَ: مَا صَلَّيْتَ وَ لَوُمْتَ مُتَّ عَلَيَّ غَيْرَ الْفِطْرَةِ الَّتِي فَطَرَ اللَّهُ مُحَمَّدًا عَلَيْهَا^(۴)

یعنی: حذیفه دید مردی را که رکوع و سجود را بطور تمام نمیاورد، پس گفت: نماز نخواندی و اگر بمیری مرده‌ای بر غیر فطرتی که خدا، محمد را بر آن فطرت قرار داده است.

- (۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۹
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۹۴۱
 (۳) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۹۴۲
 (۴) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۹

۵- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا رَكَعَ أَحَدُكُمْ فَقَالَ فِي رُكُوعِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَدْ تَمَّ رُكُوعُهُ وَ ذَلِكَ أَدْنَاهُ وَإِذَا سَجَدَ فَقَالَ فِي سُجُودِهِ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَدْ تَمَّ سُجُودُهُ وَ ذَلِكَ أَدْنَاهُ (۱)

یعنی: از عبدالله روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: چون یکی از شما رکوع کرد و سه مرتبه گوید سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ پس بتحقیق رکوع او تمام است و این کمترین رکوع است (که کمتر از این تعداد تسبیح نگوید) و چون سجده کرد و سه مرتبه گوید: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى پس بتحقیق سجود خود را تمام کرده و این کمترین کمال سجود است.

۶- ش وَج عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص): اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ، فَلَمَّا نَزَلَتْ سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص): اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ (۲).

یعنی: روایت شده از عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ الْجُهَنِيِّ که گفت چون آیه فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ نازل شد رسول خدا (ص) فرمود: آنرا در رکوع خود قرار دهید، پس چون آیه سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى نازل شد رسول خدا (ص) فرمود آنرا در سجود خود قرار دهید.

۷- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذِي نُهَيْتُ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ، فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظِّمُوا اللَّهَ فِيهِ، وَ أَمَّا السُّجُودُ فَأَكْثِرُوا فِيهِ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ قَمَنَ أَنْ يُسْتَجَابَ لَكُمْ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: من از قرائت در رکوع و سجود نهی شده‌ام و اما رکوع در آن خدا را به عظمت یاد کنید و اما سجود پس در آن زیاد دعا کنید زیرا سزاوار است که برای شما اجابت شود.

۸- ج عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا رَكَعَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ خَشَعْتُ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخْيَ وَ عَظْمِي وَ عَصِيي (۴)

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۰
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۹۴۴ و التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۳
 (۳) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۹۳۰ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۴۶
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۰ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۶۳

یعنی: از علی (ع) روایت که گفت: رسول خدا (ص) چون رکوع می‌کرد میگفت: خدایا برای تو رکوع کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو تسلیم هستم برای تو گوشم و چشمم و مغزم و استخوانم و پیم برای تو خاشع است.

۹- ج عن عائشة قالت: كان النبي (ص) يقول في ركوعه وسجوده: سبحانك اللهم ربنا وبحمدك اللهم اغفر لي (۱). وعنهما: ان رسول الله (ص) كان يقول في ركوعه وسجوده: سبح قدوس رب الملائكة والروح (۲).

یعنی: از عایشه روایت شده که رسول خدا (ص) در رکوع و سجود خود میگفت: خدایا تو منزهی خدایا پروردگارا بحمد تو مشغولم خدایا مرا بیامرز. و از آن مخدّره روایت شده که رسول خدا (ص) در رکوع و سجود خود میگفت: سبح قدوس رب الملائكة والروح. و ۱۰- ش عن أبي عبد الله قال: كان رسول الله (ص) يقرأ في كل ركعة خمس عشرة آية و يكون ركوعه مثل قیامه، وسجوده مثل ركوعه (۳). یعنی: از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در هر رکعتی پانزده آیه قرائت میکرد و رکوع او مانند قیامش بود و سجود او مانند رکوعش بود (یعنی طولانی مینمود).

۸۵- باب الرفع من الركوع والحمد فيه والانتصاب بعده

۱- ج عن رفاعه بن رافع قال: كنا يوماً نصلّي وراء النبي (ص) فلما رفع رأسه من الركعة قال: سمع الله لمن حمده فقال رجل وراءه: ربنا ولك الحمد حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، فلما انصرف قال: من المتكلم؟ قال: أنا. قال: رأيت بضعة وتلاشيت

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۰. والمصنف / ج ۲ / ص ۱۵۵ و ۱۵۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۰. والمصنف / ج ۲ / ص ۱۵۷

(۳) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۹۴۷.

مَلَكًا يَبْتَدِرُونَهَا أَيُّهُمْ يَكْتَبُهَا أَوْلًا (۱)

یعنی: رفاعه روایت کرده که ما روزی پشت سر رسول خدا (ص) نماز میگزیدیم پس چون سر خود را از رکوع بلند کرد گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، مردی پشت سر حضرت گفت: رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبَارَكًا فِيهِ، پس چون نماز تمام شد و از نماز فارغ شد، فرمود: گوینده چه کس بود؟ آن مرد گفت من، حضرت فرمود: سی و چند فرشته را دیدم که مسابقه میکردند که کدام از ایشان اول این کلمات را بنویسد.

۲- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، قَالَ: اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ (۲). وَفِي رِوَايَةٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَالَ الْإِمَامُ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ فَإِنَّهُ مِنْ وَاقِعِ قَوْلِهِ قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ عِزْرَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) چون میگفت سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ میگفت اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ. و در روایتی فرمود: چون امام سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گفت بگوئید اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ، پس آنکه قول او با قول فرشتگان موافق آید گناه گذشته او آمرزیده شود.

۳- ج عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكُوعِ قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ مِلءَ السَّمَوَاتِ وَمِلءَ الْأَرْضِ وَمِثْلَهُمَا وَمِثْلَهُمَا مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ. وَ زَادَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى: أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ أَحَقُّ مَا قَالَ الْعَبْدُ وَ كُنَّا لَكَ عَبْدٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَتْ وَلَا مُعْطَى لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجِدْمِ نِكَاحُ الْجَدِّ (۴)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) چون سر از رکوع بر میداشت اذکار فوق را میگفت.

۴- ج عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَا تُجْزِي صَلَاةَ الرَّجُلِ حَتَّى يُقِيمَ ظَهْرَهُ فِي الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ (۵)

- | | |
|-----|---|
| (۱) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۰ و ۱۹۱ . |
| (۲) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۱ والمصنف / ج ۲ / ص ۱۶۶ و ۱۶۵ و ۱۷۶ . |
| (۳) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۱ . |
| (۴) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۱ . |
| (۵) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۷ . |

یعنی: آیی مسعود از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: نماز مرد کافی نیست تا آنکه در رکوع و سجود کمر خود را راست نماید.

۸۶- باب السجود و التسبیح فیہ

۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): السُّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: الْجَبْهَةَ وَالْيَدَيْنِ، وَ الرُّكْبَتَيْنِ، وَ الْأَيْهَامَيْنِ مِنَ الرَّجْلَيْنِ، وَ تُرْغِمُ بِأَنْفِكَ إِرْغَامًا، أَمَا الْفَرْصُ فَهَذِهِ السَّبْعَةُ وَ أَمَا الْإِرْغَامُ مِمَّا لَأَنْفٍ فَسِنَّهُ مِنَ السَّبْحِ^(۱) یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: سجده بر هفت استخوان است: پیشانی و دو دست و دوزانو و دوانگشت ابهام از پا و دماغ خود را خوب به خاک بمالی. اما واجب همین هفت موضع است اما مالیدن دماغ به خاک پس سنتی از پیغمبر (ص) است.

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أُمِرْتُ أَنْ أَسْجُدَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظُمٍ: عَلَى الْجَبْهَةِ وَ أَشَارَ بِيَدَيْهِ عَلَى أَنْفِهِ وَ الْيَدَيْنِ وَ الرُّكْبَتَيْنِ وَ أَطْرَافِ الْقَدَمَيْنِ، وَ لَأَنْكَفَتِ الشَّيْبَابُ وَ الشَّعْرُ^(۲) یعنی: ابن عباس از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: ما مورم که بر هفت استخوان سجده کنم: بر پیشانی و اشاره نمود به دماغ خود و برد دست و دوزانو و اطراف دو قدم، و ازرها بودن جامه و موها جلوگیری نکنیم. (یعنی در حال سجده آنها را بحال خود بگذاریم).

۳- ج عَنْ وَايِلِ بْنِ حُجْرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا سَجَدَ يَضَعُ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ وَ إِذَا نَهَضَ رَفَعَ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ^(۳) یعنی: از وایل بن حجر روایت شده که گفت رسول خدا (ص) چون سجده میکرد دوزانوی خود را قبل از دودست بر زمین مینهاد و چون برمیخاست دستهای خود را قبل از دوزانوی خود بلند میکرد.

۴- ج عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: اُعْتَدِلُوا فِي السُّجُودِ وَ لَا يَبْسُطُ أَحَدُكُمْ ذِرَاعَيْهِ أَسْبَاطَ الْكَلْبِ^(۴)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۵۴
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۸ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۸۵
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۷۱
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۶

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: در سجده معتدل باشید و یکی دو ذراعش را پهن نکنند مانند پهن نمودن سگ.

۵- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحِينَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ إِذَا صَلَّى فَرَجَّ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى يَبْدُوَ بَيَاضَ إِبْطَيْهِ^(۱). وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ إِذَا سَجَدَ جَافِي بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ أَنَّ بَهْمَةَ أَرَادَتْ أَنْ تَمُرَّ تَحْتَ يَدَيْهِ مَرَّتَ^(۲)!

یعنی: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بَحِينَةَ روایت کرده که رسول خدا (ص) چون نماز میکرد بین دودست خود را فاصله میانداخت باندازه‌ای که سفیدی زیر بغل او نمایان میشد. و در روایتی چون سجده میکرد بین دودست خود را خالی میگذاشت باندازه‌ای که اگر حیوانی میخواست از زیر دو دستش بگذرد میگذاشت.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ضَعُوا الْيَدَيْنِ حَيْثُ تَضَعُونَ الْوَجْهَ فَإِنَّهُمَا يَسْجُدَانِ كَمَا يَسْجُدُ الْوَجْهَ^(۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: دستها را جایی بگذارید که صورت را میگذارید زیرا آنها سجده میکنند چنانکه صورت سجده میکند.

۷- ش نَهَى النَّبِيُّ (ص) أَنْ يُنْفَخَ فِي طَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ وَأَنْ يُنْفَخَ فِي مَوْضِعِ السُّجُودِ^(۴)

یعنی: رسول خدا (ص) نهی نمود از دمیدن در طعام و آب واز دمیدن در محل سجود.

۸- ش قَالَ الصَّادِقُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمًا قَاعِدًا فِي أَصْحَابِهِ إِذْ مَرَّ بِهِ بَعِيرٌ فَجَاءَ حَتَّى ضَرَبَ بِجِرَانِهِ الْأَرْضَ وَرَغَا، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسَجَدَ لَكَ هَذَا الْبَعِيرُ فَتَحَنُّ أَحَقُّ أَنْ نَفْعَلَ؟ فَقَالَ: لَا، بَلِ اسْجُدُوا لِلَّهِ، ثُمَّ قَالَ: لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا^(۵)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۶۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲ و المصنف / ج ۲ / ص ۱۷۰.

(۳) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۹۶۴.

(۴) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۹۵۹.

(۵) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۹۸۴.

یعنی: حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) روزی در میان اصحاب خود نشسته بود که شتری آمد و گردن به زمین زد و صدا کرد، مردی از اصحاب عرض کرد یا رسول الله آیا این شتر برای تو سجده کرد فرمود: نه، بلکه برای خدا سجده کنید. سپس فرمود: اگر امر میکردم احدی برای دیگری سجده کند هر آینه امر میکردم که زن برای شوهرش سجده کند.

۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً حَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ وَرُفِعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ^(۱)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه سجده ای کند خطائی از او ریخته و درجه ای برای او بالا رفته. وبه همین مضمون در کتاب تاج نیز ذکر شده^(۲).

۱۰- ج عَنْ حُدَيْفَةَ أَنَّهُ مَلَئَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَكَانَ يَقُولُ فِي سُبْحَانِ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَفِي سُجُودِهِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى^(۳)

یعنی: حدیقه روایت کرده که ما با رسول خدا (ص) نماز کردیم در رکوع خود میگفت سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ و در سجده میگفت: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى.

۱۱- ج عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: نَهَانِي حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ أَقْرَأَ الْقُرْآنَ رَاكِعًا أَوْ سَاجِدًا^(۴)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که حبیب من رسول خدا (ص) مرا نهی کرد که در رکوع و یا سجود قرآن بخوانم.

۸۷- باب طول السجود والدعاء فيه

۱- ش مَرَّ بِالنَّبِيِّ (ص) رَجُلٌ وَهُوَ يُعَالِجُ بَعْضَ حُجْرَاتِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا أَكْفِيكَ فَقَالَ شَأْنُكَ، فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ خَاطَبُكَ، قَالَ: الْجَنَّةُ، فَأَطْرَقَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ، فَلَمَّا وَلَّى قَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ أَعِنَّا بِطَوْلِ السُّجُودِ^(۵)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۸۰
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۳۶
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۳
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۳ و مسند الامام زید / ص ۱۰۵
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۷۸

یعنی: مردی به رسول خدا (ص) گذشت در حالیکه حضرت بعضی از حُجرات خود را اصلاح میکرد، عرض کرد یا رَسُولَ اللَّهِ آیا من کفایت شما کنم (یعنی این کار را من انجام دهم)؟ حضرت فرمود: مشغول شو، پس چون فارغ شد، رسول خدا (ص) به او فرمود: حاجتی داری، عرض کرد بهشت میخواهم، حضرت سربزیرا فکند سپس فرمود: باشد، پس چون آنمرد برگردید حضرت به او فرمود: ای بنده خدا ما را به طول دادن سجود یاری کن. و بهمین مضمون در کتاب تاج نیز ذکر شده^(۱)!

۲- ش عَنِ الصَّادِقِ قَالَ: أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ، فَقَالَ لَهُ: أَعِنِّي بِكَثْرَةِ السُّجُودِ^(۲)!

یعنی: حضرت صادق (ع) نقل کرده که مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت خدا را بخوان که مرا داخل بهشت کند، به او فرمود: مرا یاری کن بسجده بسیار.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَطِيلُوا السُّجُودَ فَمَا مِنْ عَمَلٍ أَشَدَّ عَلَيَّ إِبْلِيسَ مِنْ أَنْ يَرَى ابْنَ آدَمَ سَاجِدًا لِأَنَّهُ أُمِرَ بِالسُّجُودِ فَعَصَى، وَهَذَا أُمِرَ بِالسُّجُودِ فَأَطَاعَ فِيمَا أُمِرَ^(۳)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: سجود را طولانی کنید که عملی بر شیطان سخت تر از این نیست که فرزند آدم را در حال سجده ببیند زیرا او مأمور به سجده شد و عصیان کرد و این فرزند آدم مأمور به سجده شد و اطاعت کرد.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ جِئْنَا أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ أُمْرَةً أَنْ يَحْرَتَ بِيَدِهِ فَيَأْكُلُ مِنْ كَدِّهَا بَعْدَ نَعِيمِ الْجَنَّةِ، فَجَعَلَ يَبْكِي عَلَى الْجَنَّةِ سَنَةً ثُمَّ نَهَّ سَجْدًا لِلَّهِ سَجْدَةً فَلَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ^(۴)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود که: خدای عزوجل هنگامی که آدم را از بهشت نازل کرد او را امر کرد که بدست خود زراعت کند که از زحمت دست

(۱) التاج مع لاصول / ج ۱ / ص ۱۳۶.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۰ و ۷۵.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۸۱.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۸۱ و ۹۸۲.

خود بخورد پس از نعمتهای بهشت ، پس آدم شروع کرد یکسال بر بهشت گریه کرد سپس برای خدا سجده کرد و سر خود را تا سه روز بلند نکرد .

۵- ش عَنِ الصَّادِقِ يَقُولُ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَثُرَتْ ذُنُوبِي وَضَعَفَ عَمَلِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَكْثِرِ السُّجُودَ فَإِنَّهُ يَحِطُّ الذُّنُوبَ كَمَا تَحِطُّ الرِّيحُ وَرَقَّ الشَّجَرُ! (۱)

یعنی: حضرت صادق (ع) میفرمود: مردی آمد خدمت رسول خدا (ص) و عرض کرد یا رسول الله گناهانم زیاد و عملم ضعیف است ، رسول خدا (ص) فرمود: سجده زیاد کن که گناهانرا میریزد چنانکه باد برگ درخت را میریزد .

۶- ج عَنْ عَلِيِّ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا سَجَدَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ لَكَ أَسَلْتُ ، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (۲)

یعنی: از علی روایت شده که گفت : رسول خدا (ص) چون سجده میکرد میگفت خدایا برای تو سجده کردم و به تو ایمان آوردم و برای تو تسلیمم ، سجده کرد صورتم برای آنکه آنرا خلق کرده و صورت کشی نموده و گوش و چشم آنرا شکافته ، با برکت است خدا ثیکه نیکوترین آفرینندگان است .

۷- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ (۳) . وَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّهُ وَ جِلَّهُ وَ أَوَّلَهُ وَ آخِرَهُ وَ عَلَانِيَتَهُ وَ سِرَّهُ (۴)

یعنی: از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: نزدیک ترین حال بنده به خدا و پروردگارش حال سجده است ، پس در آنحال زیاد دعا بخوانید . و رسول خدا (ص) در سجده خود میگفت : خدایا گناهان مرا بیامرزش تمام آنرا کوچک آن و بزرگ آن و اول آن و آخر آن و آشکار

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۷۶ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲ و ۱۹۳ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۴ .

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۴ .

آن و پنهان آن.

۸- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: فَقَدْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَيْلَةً مِنَ الْفَرَاشِ فَالْتَمَسْتُهُ فَوَقَعَتْ يَدِي عَلَى بَطْنِ قَدَمَيْهِ وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ وَ هُمَا مَنصُوبَتَانِ وَ هُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ بِمُعَا فَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لِأَحْمِي شَاءَ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَتْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ (۱)

یعنی: از عایشه روایت شده که گفت: شبی در رختخواب رسول خدا را گم کردم جستجو کردم که دست من خورد بر کف پای او در حالیکه او در مسجد و قدم او برپا بود و میگفت خدایا به خشنودی تو از غضب تو پناه میبرم و به عفو تو از عقوبت پناه میبرم و پناه میبرم به تو از تو، ثناء تو را شماره نتوانم توجنانی که خود بر خود ثناء کرده ای.

۸۸- باب مَا يُسْجَدُ عَلَيْهِ

۱- ش عَنْ الصَّادِقِ قَالَ: السُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ فَرِيضَةٌ وَ عَلَى غَيْرِ الْأَرْضِ سُنَّةٌ (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: السُّجُودُ عَلَى الْأَرْضِ فَرِيضَةٌ، وَ عَلَى الْخُمْرَةِ سُنَّةٌ (۳)

یعنی: حضرت صادق (ع) فرمود: سجده کردن بر زمین فریضه و بر غیر زمین سنت است. و در روایت دیگر فرمود: سجده بر زمین فریضه و بر سجاده ای که (از شاخه درخت خرما بافته شده) سنت است.

۲- ج عَنْ مَيْمُونَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَمْطِي عَلَى الْخُمْرَةِ (۴).
یعنی: میمونه روایت کرده که رسول خدا (ص) بالای سجاده ای که از شاخه درخت خرما بافته شده بود نماز میخواند.

۳- ج وَ ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ طَهُورًا وَ مَسْجِدًا (۵) وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ تَرَابُهَا طَهُورًا وَ أَيْنَمَا أَدْرَكْتَنِي الصَّلَاةُ صَلَّيْتُ (۶)

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۴.
(۲) وسائل الشيعه / ج ۳ / ص ۶۰۹.
(۳) وسائل الشيعه / ج ۳ / ص ۵۹۳.
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۷ و المصنف / ج ۱ / ص ۲۹۴.
(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۰ و وسائل الشيعه / ج ۳ / ص ۵۹۳.
(۶) وسائل الشيعه / ج ۳ / ص ۴۲۳.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: زمین برای من پاک‌کننده و محل سجده قرار داده شد (والبته همچنانکه پاک‌کننده بودن اختصاص به زمین ندارد و آب نیز پاک‌کننده است همچنین است در مورد سجده چنانکه بر روی پارچه نیز می‌توان سجده کرد اگرچه پارچه نیز از زمین است)، و در روایتی فرمود: برای من زمین محل سجده و خاکش پاک‌کننده قرار داده شد، و هر جا وقت نماز رسید نماز می‌خوانم.

۴- ش عَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) عَادَ مَرِيضًا فَرَأَهُ يُصَلِّيَ عَلَيَّ وَسَادَةً فَأَخَذَهَا فَرَمَى بِهَا وَ أَخَذَ عَوْدًا لِيُصَلِّيَ عَلَيَّ فَأَخَذَهُ فَرَمَى بِهِ، وَقَالَ عَلَيَّ الْأَرْضُ إِنِ اسْتَطَعْتُ، وَإِلَّا فَأَوْمِ إِيمَاءً وَاجْعَلْ سُجُودَكَ أَحْفَضَ عَن رُكُوعِكَ! (۱)

یعنی: از جابر روایت شده که رسول خدا (ص) به عیادت بیماری رفت و دید برمتکا نماز می‌خواند حضرت آنرا گرفت و کنار انداخت و آن بیمار چوبی را گرفت که بر آن نماز بخواند، حضرت آنرا گرفت و کنار انداخت و فرمود اگر میتوانی بر زمین واگر نمیتوانی اشاره کن اشاره کردنی و سجودت را پائین تر از رکوعت قرار ده.

۵- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كُنَّا نُصَلِّيَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَيَضَعُ أَحَدُنَا طَرَفَ الثَّوْبِ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ فِي مَكَانِ السُّجُودِ (۲)

یعنی: از انس روایت شده که ما با رسول خدا (ص) نماز می‌خواندیم پس یکی از ما از شدت گرما کنار جامه خود را در محل سجود قرار میداد.

۶- ج عَنْ أَنَسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَزُورُ أُمَّ سَلِيمٍ فَتُدْرِكُهُ الصَّلَاةُ أَحْيَانًا فَيُصَلِّيَ عَلَيَّ بِسَاطِ لَنَا وَهُوَ حَصِيرٌ نَنْضَحُهُ بِالْمَاءِ (۳)

یعنی: از انس روایت شده که رسول خدا (ص) زیارت می‌کرد ام‌سَلیم را پس گاهی میشد وقت نماز میشد، پس رسول خدا (ص) بالای بساط ما که حصیری بود آب به آن پاشیده بودیم نماز می‌کرد.

۷- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّيَ عَلَيَّ الْحَصِيرِ وَالْقَرَوَةَ الْمَدْبُوعَةَ (۴)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۶۰۷ و مسندا لاما مزید / ص ۱۴۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۲

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۷ والمصنف / ج ۱ / ص ۳۹۴

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۷

یعنی: رسول خدا (ص) نماز میخواند بالای حصیر و پوست دباغی شده .

۸۹- باب الجلوسین السجّتين والدعاء فيه

۱- ج عَنِ الْبَرَاءِ قَالَ: كَانَ رُكُوعُ النَّبِيِّ (ص) وَ سُجُودُهُ إِذَا رَفَعَ مِنَ الرُّكُوعِ وَ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ قَرِيبًا مِنَ السَّوَاءِ (۱) .
یعنی: از براء روایت شده که گفت: رکوع و سجود پیغمبر (ص) و بلندشدنش از رکوع و بین سجدتین نزدیک بهم بود .

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: الْأَقْعَاءُ عَلَى الْقَدَمَيْنِ سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَ عَنْهُ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقُولُ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ عَافِنِي وَ اهْدِنِي وَ ارْزُقْنِي (۲) .
یعنی: از ابن عباس روایت شده که نشستن بر دو قدم سنت و روش پیغمبر شماست . و از ابن عباس است که گفت: پیغمبر (ص) بین دو سجده میگفت: خدایا مرا بیا مرز و مرا رحم کن و مرا عفو نما و مرا هدایت نما و مرا روزی نما .

۹۰- باب جلسة الاستراحة

۱- ج عَنْ أَبِي قَلَابَةَ قَالَ: مَلَى لَنَا مَا لِكَ بِنِ الْحَوْبِرِثِ مَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْآخِرَةِ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى قَعَدَ ثُمَّ قَامَ . وَ فِي رِوَايَةٍ: وَ كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ عَنِ السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ جَلَسَ وَ اعْتَمَدَ عَلَى الْأَرْضِ ثُمَّ قَامَ (۳) .
یعنی: از ابی قلابه روایت شده که گفت ما لیک بن الحویرث برای ما نماز رسول خدا (ص) را خواند یعنی مانند نماز او . و چون در سجده دوم از رکعت اول سرازجده برداشت نشست سپس ایستاد . و در روایتی چون سرازجده دوم بر میداشت می نشست و تکیه بر زمین میکرد

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۴ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۵ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۵ .

سپس می ایستاد .

۹۱- باب الشَّهَدِ وَالسَّلَامِ

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ بِالتَّكْبِيرِ وَ الْقِرَاءَةِ بِالْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ كَانَ إِذَا رَكَعَ لَمْ يَشْخِصْ رَأْسَهُ وَ لَمْ يَصُوبْهُ وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ وَ كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنْ الرُّكُوعِ لَمْ يَسْجُدْ حَتَّى يَسْتَوِيَ فَائِمًا وَ كَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ لَمْ يَسْجُدْ حَتَّى يَسْتَوِيَ قَاعِدًا، وَ كَانَ يَقُولُ فِي كُلِّ رُكْعَتَيْنِ: التَّحِيَّاتُ، وَ كَانَ إِذَا جَلَسَ يَفْرُشُ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَ يَنْصِبُ رِجْلَهُ الْيُمْنَى وَ كَانَ يَنْهَى عَنِ عَقَبِ الشَّيْطَانِ وَ عَنِ فِرْشَةِ السَّبْعِ وَ كَانَ يَخْتِمُ الصَّلَاةَ بِالتَّسْلِيمِ (۱) .

یعنی: از عایشه روایت است که رسول خدا (ص) ابتداء میکرد نماز خود را به گفتن الله اکبر و قرائت خود را به جمله الحمد لله رب العالمین و چون رکوع میکرد سر خود را بلند نمیداشت و به زیر نمی انداخت ولیکن بین بین، و چون سر از رکوع بر میداشت به سجده نمیرفت تا معتدل بایستد و چون سر از سجود بر میداشت به سجده نمیرفت تا آرام بنشیند و در هر دو رکعتی تحیات میگفت (یعنی تشهد میکرد) و چون می نشست پای چپ را فرش میکرد و پای راست را روی آن می گذاشت و نهی می فرمود از روی پاشنه نشستن و از شکل سبوع بودن (یعنی در سجده دو ذراع خود را بر زمین نگذارند) و نماز خود را به سلام ختم مینمود .

۲- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا جَلَسَ فِي الصَّلَاةِ وَضَعَ كَفَّهُ الْيُمْنَى عَلَى فِخْذِهِ الْيُمْنَى وَ قَبِضَ أَصَابِعَهُ كُلَّهَا وَ أَشَارَ بِأَصْبَعِهِ الَّتِي تَلِي الْأَيْهَامَ وَ وَضَعَ كَفَّهُ الْيُسْرَى عَلَى فِخْذِهِ الْيُسْرَى . وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا جَلَسَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ كَانَهُ عَلَى الرَّصْفِ حَتَّى يَقُومَ (۲) .

یعنی: ابن عمر روایت کرده که رسول خدا (ص) چون در نماز می نشست

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۶ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۶ .

کف دست راست را بر ران راست خود می‌گذاشت و تمام انگشتان خود را می‌گرفت و به انگشتی که پهلوی ابهام بود (یعنی سبابه) اشاره میکرد، و کف دست چپ خود را بر ران چپ می‌گذاشت. و در روایتی رسول خدا (ص) چون در دو رکعت اول می‌نشست گویا روی سنگ گرم نشسته تا بر خیزد.

۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُعَلِّمُنَا التَّشَهُدَ كَمَا يُعَلِّمُنَا الْقُرْآنَ فَكَانَ يَقُولُ: التَّحِيَّاتُ الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ لِلَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. زَادَ فِي رِوَايَةٍ: وَوَعْدَهُ لِالشَّرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (۱) یعنی: از ابن عباس روایت شده که گفت رسول خدا (ص) به ما تشهد یاد میداد چنانکه قرآن به ما یاد میداد پس مکرر میگفت: التَّحِيَّاتُ... تا آخر.

۴- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُنَّا نَقُولُ فِي الصَّلَاةِ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (ص): السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى فُلَانٍ فَقَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) ذَاتَ يَوْمٍ: إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ فَإِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَقُلْ: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، فَإِذَا قَالَهَا أَصَابَتْ كُلَّ عَبْدٍ لِلَّهِ صَالِحٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ثُمَّ يَتَخَيَّرُ مِنَ الْمَسْأَلَةِ مَا شَاءَ (۲)

یعنی: عبدالله گفت ما در نماز پشت سر رسول خدا (ص) میگفتیم السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى فُلَانٍ، پس رسول خدا (ص) روزی به ما فرمود که: خدا خودش سلام است (ویکی از اسماء او سلام است چنانکه در سوره حشر آیه ۲۳ موجود است) پس چون یکی از شما در نماز نشست باید بگوید: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۷۹ والمصنف/ ج ۲/ ص ۱۹۹.

و رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
 پس چون این کلمه (یعنی وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ) را بگوید این
 سلام برسد و شامل گردد هر بنده صالحی که در آسمان و یا در زمین
 باشد (و سپس بگوید) أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
 عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، پس مختبر است هر سؤالی که بخواهد درخواست کند.

۵- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقُولُ فِي الصَّلَاةِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ
 إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) در نماز می‌گفت: اللَّهُمَّ صَلِّ... تَا حَمِيدٌ وَ مَجِيدٌ.

۶- ج قَالَ سَعْدٌ: كُنْتُ أَرَىٰ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ وَ
 عَنْ شِمَالِهِ حَتَّىٰ أَرَىٰ بَيَاضَ خَدِّهِ (۲)

یعنی: سعد گفت: می‌دیدم رسول خدا (ص) را از راست و چپ سلام
 میداد بطوریکه سفیدی عارض او را می‌دیدم.

۷- ج عَنْ عِثْبَانَ قَالَ: صَلَّيْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَسَلَّمَ تَحْتَنَا سَلَامًا (۳)
 یعنی: عِثْبَان گفت: با رسول خدا (ص) نماز خواندیم پس هنگامیکه
 سلام داد ما سلام دادیم.

۸- ش عَنْ أَنَسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يُسَلِّمُ تَسْلِيمَةً وَاحِدَةً (۴).

یعنی: انس روایت کرده که: رسول خدا (ص) یک سلام میداد.

۹- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُسَلِّمُ عَنْ يَمِينِهِ وَ
 عَنْ شِمَالِهِ حَتَّىٰ يُرَىٰ بَيَاضَ خَدِّهِ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ (۵)

یعنی: عبد الله روایت کرده که: رسول خدا (ص) از راست و چپ سلام میداد
 تا سفیدی عارض دیده میشد (و میفرمود): السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ،
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۰.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۰.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۰۹.

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۸۰ والمصنف / ج ۲ / ص ۲۱۹.

- ١٠- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: حَذَفُ السَّلَامِ سُنَّةٌ (١)!
- يعنى: ابی هریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: حذف (و نکشیدن) سلام سُنَّت است .
- ١١- ج و ش عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطُّهُورُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ (٢)!
- يعنى: از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: گشایش نماز طهارتست و تحریم آن تکبیر و تحلیل آن تسلیم است

٩٢- باب القنوت في الصلاة

- ١- ج عَنْ الْبَرَاءِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقْنُتُ فِي الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ (٣) . وَ سُئِلَ عَنِ الْأَنْسِ : هَلْ قَنَتَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ؟ قَالَ: نَعَمْ بَعْدَ الرُّكُوعِ بَيَسِيرًا (٤) . وَ فِي رِوَايَةٍ: قَنَتَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَعْدَ الرُّكُوعِ شَهْرًا يَدْعُو عَلَى قَاتِلِي الْقُرَاءِ (٥)
- يعنى: از براء روایت شده که رسول خدا (ص) در صبح و مغرب قنوت میخواند. و از انس سؤال شد که آیا رسول خدا (ص) در نماز صبح قنوت میخواند؟ گفت: آری کمی بعد از رکوع، و در روایتی رسول خدا (ص) یکماه پس از رکوع قنوت کرد که برکشندگان قاریان قرآن نفرین مینمود.
- ٢- ش عَنْ الصَّادِقِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدَّ قَنَتَ وَ دَعَا عَلَى قَوْمٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ (٦)
- يعنى: حضرت صادق (ع) فرمود که: پیغمبر (ص) قنوت بجا آورد و نفرین کرد بر قومی و ایشان و پدرانشان و عشیرهشان را نام برد.
- ٤- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: مَا زَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقْنُتُ فِي صَلَاةِ

(١) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ١٨٥ .
 (٢) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ١٥٢ و وسائل الشيعة / ج ٤ / ص ١٥٥٣ و مسند الإمام زيد / ص ١٥٢ .
 (٣) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ١٩٨ والمصنف / ج ٣ / ص ١١٣ .
 (٤) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ١٩٩ والمصنف / ج ٣ / ص ١١٥ .
 (٥) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ١٩٩ .
 (٦) وسائل الشيعة / ج ٤ / ص ٩١٣ .

الصُّبْحِ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا^(۱)!

یعنی: انس روایت کرده که رسول خدا (ص) همواره در نماز صبح قنوت میخواند تا از دنیا مفارقت کرد.

۵- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: وَاللَّهِ لَأَقْرَبَنَّ بِكُمْ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص): أَنْ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَقُولُ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ بَعْدَ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الرُّكْعَةِ الْآخِرَةِ: اللَّهُمَّ أَنْجِ الْوَلِيدَ ابْنَ الْوَلِيدِ وَسَلِّمْ بَنَ هِشَامٍ وَعِيَّاشَ بْنَ أَبِي رَبِيعَةَ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ أَشَدُّ وَطْأَتَكَ عَلَى مُضَرَ وَاجْعَلْهَا عَلَيْهِمْ كَسَنِي يُوسُفَ، اللَّهُمَّ ائْتِنِ لَحْيَانَ وَرِعْلًا وَذَكْوَانَ وَعُصَيْبَةَ عَصَتِ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ تَرَكَ ذَلِكَ حِينَ نَزَلَ: لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ^(۲)!

یعنی: از ابوهریره روایت شده که گفت نماز رسول خدا (ص) را برای شما نزدیک میگردانم، بدرستی که رسول خدا (ص) در نماز فجر پس از جمله رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ در رکعت آخر میگفت: خدایا ولید بن ولید و سلمه بن هشام و عیاش بن ابی ربیعہ و سایر مستضعفین از مؤمنین را نجات ده، خدایا سخت گیری کن بر قریش و سالهای ایشان را مانند سالهای یوسف قحطی قرار ده خدایا طوائف لحيان و رعل و ذکوان و عصبه را لعن نما که خدا و رسول او را عصیان کردند. سپس پس از آنکه آیه لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ نازل شد این نفرین را ترک نمود.

۶- ش عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَطَوْلُكُمْ قُنُوتًا فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطَوْلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ^(۳)!

یعنی: از ابوذر روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرکس از شما که قنوتش در دنیا طولانی تر باشد، در روز قیامت را حتی او طولانی تر است.

۷- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوُتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَيَقُولُ: هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ سَبْعَ مَرَّاتٍ^(۴)

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۹
- (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۹۹
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۱۹
- (۴) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۱۰

یعنی: رسول خدا (ص) چنین بود که در نماز وتر هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش میکرد، و هفت بار میفرمود: این جای کسی است که پناه به تو آورده از آتش.

۷- ج عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَلِمَاتٍ أَقُولُهُنَّ فِي قُنُوتِ الْوُتْرِ: اَللّٰهُمَّ اِهْدِنِيْ فَيَمِيْنٍ هَدَيْتَ وَ عَافِيْنِيْ فَيَمِيْنٍ عَافَيْتَ وَ تَوَلَّيْنِيْ فَيَمِيْنٍ تَوَلَّيْتَ وَ بَارِكْ لِيْ فَيَمِيْنٍ اَعْطَيْتَ وَ قِنِيْ شَرَّ مَا قَضَيْتَ اِنَّكَ تَقْضِيْ وَ لَا يَقْضِيْ عَلَيْكَ وَ اِنَّهُ لَا يَدُلُّ مَسْنً وَاَلَيْتَ وَ لَا يَبْعِزُّ مَنْ عَادَيْتَ تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَ تَعَالَيْتَ . وَ فِي رِوَايَةٍ زَادَ: وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ (۱)

یعنی: روایت شده از حسن بن علی (ع) که فرمود: رسول خدا (ص) مرا کلماتی یاد داد که در قنوت وتر بگویم: اَللّٰهُمَّ خدایا مراد زمره کسانی که هدایت کرده‌ای هدایت کن و در جمله کسانی که عافیت داده‌ای عافیت ده و مرا دوست بدار در زمره کسانی که دوست داری و برای من مبارک گردان در آنچه عطا کرده‌ای و مرا از شرّ قضا و قَدَرَت حفظ نما زیرا تو حکم میکنی و بر تو حکم نمیشود و بدرستی که دلیل نشود آنکه تو دوست داری و عزیز نگردد آن کس که تو دشمن داری پروردگارا تو با برکت و برتری و در روایتی زیاد بر این آمده (جمله:) وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ .

۹۳- باب الدعاء قبل السلام

۱- ج كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَدْعُو اللَّهَ إِتِيَّ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَ الْمَغْرَمِ، فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ: مَا أَكْثَرَ مَا تَسْتَعِيذُ مِنَ الْمَغْرَمِ فَقَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا غَرِمَ حَدَّثَ فَكَذَّبَ وَ وَعَدَ فَأَخْلَفَ (۲)

یعنی: رسول خدا (ص) مکرر این دعا را (و در روایتی در نماز) میخواند: خدایا به تو پناه میبرم از جای گناه و غرامت، کسی عرض کرد:

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۱۹۹ و ۲۰۰ والمصنف/ ج ۳/ ص ۱۰۸
(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۰

چه بسیار است که پناه میجوئی از محلّ غرامت، فرمود: محققاً مرد چون به غرامت افتاد حدیث گوید و مورد دروغ واقع شود و وعده دهد پس خلاف کند.

۲- ج عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) عَلَّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي صَلَاتِي قَالَ: قُل: اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فََاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَ ارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱)

یعنی: از ابی بکر الصّدیق روایت شده که او به رسول خدا (ص) گفت: دعائی به من تعلیم کن که آنرا در نماز بخوانم، فرمود: بگو خدایا من به خود ستم کردم ستم بسیاری و گناهان را نمی‌آمرزد جز تو، پس مرا بیا مرز آمرزشی از نزد خودت و مرا رحم کن که تو خود آمرزنده رحیمی.

۳- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُولُ بَيْنَ التَّشَهُّدِ وَ التَّسْلِيمِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَفْتُ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي أَنْتَ الْمَقْدِمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخَّرُ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ (۲)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) در میان تشهد و سلام میگفت: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي... خدایا مرا بیا مرز آنچه جلوتر بجا آوردم و آنچه پس از آن بجا آورم و آنچه پنهانی انجام دادم و آنچه آشکارا عمل کردم و آنچه اسراف کردم و آنچه را که تو بهتر از من میدانی توفی مقدم دارنده و توفی تأخیر کننده الهی جز تو نیست.

۴- ج عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَدْرَعِ قَالَ: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَسْجِدَ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَدْ قَضَى صَلَاتَهُ وَ هُوَ يَتَشَهَّدُ وَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا إِلَهَ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، قَالَ فَقَالَ:

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۰.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۰ و ۲۰۱.

قَدْ غُفِرَ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَهُ ثَلَاثًا^(۱)

یعنی: از مَحَجَنِ بْنِ أَدْرَعِ روایت شده که رسول خدا (ص) داخل مسجد شد ناگهان مردی را دید که نماز را انجام داده تشهد میخواند و میگوید خدایا از تو میخواهم ای خدای آخدا صَمَدَ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ که برای او آخدی همتان نیست که مرا بیامرزی گناهانم را زیرا که تو آمرزنده و رحیمی، راوی گوید پس پیغمبر (ص) سه مرتبه فرمود: برای او آمرزش آمد.

۹۴- باب من لم يستطع القراءة

۱- ج عَنِ ابْنِ أَبِي أَوْفَى قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَخُذَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا فَعَلِمَنِي مَا يَجُزِّيهِ مِنْهُ، فَقَالَ: قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا لِلَّهِ فَمَا لِي؟ قَالَ: قُلِ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي وَ ارْزُقْنِي وَ عَافِنِي وَ اهْدِنِي فَلَمَّا قَامَ قَالَ هَكَذَا بِيَدَيْهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَمَّا هَذَا فَقَدْ مَلَأَ يَدَيْهِ مِنَ الْخَيْرِ^(۲)

یعنی: از ابْنِ أَبِي أَوْفَى روایت شده که گفت مردی حضور رسول خدا (ص) آمد و گفت من نمیتوانم و استطاعت ندارم چیزی از قرآن را فراگیرم، پس به من یادده چیزی را که مرا کفایت کند، رسول خدا (ص) فرمود: بگو سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَةٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، عرض کرد یا رسول الله این کلمات مخصوص خدا است برای من چی؟ فرمود: بگو خدایا مرا رحم کن و روزیمده و مرا عافیت و هدایت عطا کن، پس آن مرد چون برخاست با دودست گفت چنین است، رسول خدا (ص) فرمود: اَمَّا این مرد دو دست خود را پرکرد از خیر. (منظور آنکه اگر کسی میتواند سوره فاتحه را برای نماز حفظ کند واجب است یادگیرد).

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۱
(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۲ و المصنف/ ج ۲/ ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۹۵- باب أنه يكمل نقص الفرض من التطوع

۱- ج عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسِبُ النَّاسُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ الصَّلَاةَ يَقُولُ رَبُّنَا عَزَّوَجَلَّ لِمَلَأْتِكْتِهِ: - وَهُوَ أَعْلَمُ- أَنْظَرُوا فِي صَلَاةِ عَبْدِي أَتَمَّهَا أَمْ نَقَصَهَا، فَإِنْ كَانَتْ تَامَةً كُتِبَتْ لَهُ تَامَةً وَإِنْ كَانَ انْتَقَصَ مِنْهَا شَيْئًا قَالَ أَنْظَرُوا هَلْ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ؟ فَإِنْ كَانَ لَهُ تَطَوُّعٌ قَالَ أَتَمَّوْا لِعَبْدِي فَرِيضَتَهُ مِنْ تَطَوُّعِهِ، ثُمَّ الزَّكَاةَ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تَوَخَّذُ الْأَعْمَالَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ. وَفِي رِوَايَةٍ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صَلَاتُهُ، فَإِنْ صَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَانجَحَ وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ، فَإِنْ انْتَقَصَ مِنْ فَرِيضَتِهِ شَيْئًا قَالَ الرَّبُّ عَزَّوَجَلَّ أَتَمَّوْا فَرِيضَتَهُ مِنْ تَطَوُّعِهِ (۱) یعنی: روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: اول چیزی که قیامت به حساب مردم رسیدگی شود از اعمال ایشان نماز است، پروردگارا عزوجل به ملائکه میفرماید درحالیکه خدا داناستر است که نظر کنید در نماز بنده من آیا تمام نموده و یا ناقص؟ پس اگر نماز تمام بود برای او نوشته شود تمام و اگر ناقص بود خدا فرماید ببینید آیا برای بنده من نماز مستحبی میباشد پس اگر او را نماز مستحبی باشد بفرماید نماز بنده مرا از مستحبی تمام نمائید. سپس زکات مانند آن (یعنی از زکات مستحبی یعنی صدقه، زکات واجبی او را تتمیم نمایند)، سپس کار دیگر نیز بهمین منوال. و در روایتی آمده که اول چیزی که از بنده از عمل او روز قیامت حساب شود نماز است، پس اگر نمازش شایسته بود بتحقیق رستگار و فائز شده و اگر فاسد بود ناامید و زیانکار شده. پس اگر از نماز واجب چیزی کم بود خدای عزوجل فرماید واجبش را از مستحبی او تکمیل نمائید.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۹۶- باب ترك الكلام والفعل الكثيرين

۱- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: كُنَّا نَتَكَلَّمُ فِي الصَّلَاةِ يَكَلِّمُ الرَّجُلُ مَا حَبَهُ وَهُوَ إِلَى جَنْبِهِ فِي الصَّلَاةِ حَتَّى نَزَلَتْ وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَاتِلِينَ، فَأَمَرْنَا بِالسُّكُوتِ وَ نَهَيْنَا عَنِ الْكَلَامِ (۱)

یعنی: روایت شده از زید بن ارقم که گفت: ما در نماز سخن می‌گفتیم مردی با رفیق خود که در پهلویش بود سخن می‌گفت، پس آیه ۲۳۸ سوره بقره نازل شد که در نماز ساکت باشید، پس ما مور

به سکوت شدیم و از سخن نهی شدیم.

۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُنَّا نُسَلِّمُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيُرَدُّ عَلَيْنَا فَلَمَّا رَجَعْنَا مِنْ عِنْدِ النَّجَاشِيِّ سَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيْنَا، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كُنَّا نُسَلِّمُ عَلَيْكَ فَتُرَدُّ عَلَيْنَا فَقَالَ: إِنَّ فِي الصَّلَاةِ شُغْلًا (۲)

یعنی: روایت شده از عبدالله بن مسعود که گفت ما بر رسول خدا (ص) در حالیکه او در نماز بود سلام می‌کردیم و بر ما جواب میداد، پس زمانی که از نزد نجاشی برگشتیم بر او سلام کردیم جواب سلام نداد، عرض کردیم یا رسول الله ما سلام می‌کردیم جواب میداد؟ فرمود: در نماز شغلی است.

۳- ش قَالَ الصَّادِقُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ قَائِمًا يُصَلِّي فَمَرَّ بِهِ عُمَارُ بْنُ يَاسِرٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ عُمَارٌ فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ (ص) هَكَذَا (۳)

یعنی: حضرت صادق روایت کرده که رسول خدا (ص) به نماز ایستاده بود که عمار بن یاسر عبور کرد و بر او سلام نمود، رسول خدا (ص) همان‌طور جواب داد.

۴- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِبَلَالٍ: كَيْفَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَرُدُّ عَلَيْهِمْ حِينَ مَا كَانُوا يُسَلِّمُونَ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، قَالَ: كَانَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۹

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۹ والمصنف / ج ۲ / ص ۳۳۵

(۳) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۲۶۵

بُشِيرُ بِيَدِهِ، وَ فِي رِوَايَةٍ زَادَ: وَ بَسَطَ كَفَّهُ جَاعِلًا ظَهْرَهُ إِلَى أَعْلَى (۱)؛
یعنی: روایت شده از ابْنِ عُمَرَ که گفت به بلال گفتم چگونه رسول
خدا جواب میداد زمانیکه براو سلام میکردند در حالیکه او در نماز
بود؟ گفت: بدست اشاره میکرد. و در روایت دیگر زیادتر ذکر شده
که کف دست خود را باز مینمود و پشت آنرا به طرف بالا قرار میداد.

۵- ج عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَبِعَثْنِي فِي حَاجَةٍ
فَرَجَعْتُ وَ هُوَ يُصَلِّي فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَرُدَّ عَلَيَّ. وَ زَادَ فِي رِوَايَةٍ:
وَقَالَ بِيَدِهِ هَكَذَا أَيْ أَشَارَ بِهَا، فَلَمَّا انصَرَفَ قَالَ: إِنَّهُ لَمْ يَمْنَعْنِي
أَنْ أُرَدَّ عَلَيْكَ إِلَّا أَنِّي كُنْتُ أَصَلِّي (۲)!

یعنی: از جابر روایت شده که گفت ما با رسول خدا بودیم مـرا
به دنبال حاجتی فرستاد، چون برگشتم حضرت در حال نماز بود براو
سلام کردم جواب مرا نداد. و در روایت دیگر بدست اشاره کرد.
پس چون از نماز فارغ شد فرمود: مانع نشد مرا از جواب سلام بر
تو جز اینکه نماز میخواندم.

۶- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ لَأَيُّضَحُ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ
كَلَامِ النَّاسِ إِنَّمَا هُوَ التَّسْبِيحُ وَ التَّكْبِيرُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ (۳)!

یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: در این نماز چیزی از کلام مردم شایسته
نیست همانا نماز تسبیح و تکبیر و قرائت قرآن است.

۷- ج عَنْ مُعْتَقِبٍ قَالَ: ذَكَرَ النَّبِيُّ (ص) الْمَسْحَ فِي الْمَسْجِدِ
بِعَنِي الْحَصَى قَالَ: إِنْ كُنْتَ لَأَبْكُ فَأَعْلًا فَوَاحِدَةً. وَ فِي رِوَايَةٍ: إِذَا
قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَوَاجَهَهُ فَلَا يَمْسَحُ الْحَصَى (۴)!

یعنی: از مُعْتَقِبٍ روایت شده که: پیغمبر (ص) دست مالیدن بر
سنگریزه‌ها را (هنگام نماز) یاد کرد و فرمود: اگر میخواهی چنین
کاری بکنی (محل سجود خود را صاف کنی) پس یکبار باشد. و در روایتی
فرمود: هرگاه یکی از شما به نماز ایستاد پس رحمت مقابل اوست

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۷ و ۲۲۸. والمصنف / ج ۲ / ص ۲۳۶.
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۸.
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۹.
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

از اینرو دست به سنگریزه ها نکشد و آنها را مسح نکند .

۹۷- باب جواز العمل الخفيف للحاجة

۱- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَوْمَ النَّاسِ
وَأَمَامَهُ بِنْتُ أَبِي الْعَاصِ وَهِيَ ابْنَةُ زَيْنَبِ بِنْتِ النَّبِيِّ (ص) عَلَى
عَاتِقِهِ فَإِذَا رَكَعَ وَضَعَهَا وَإِذَا رَفَعَ مِنَ السُّجُودِ أَعَادَهَا . وَفِي
رِوَايَةٍ: فَإِذَا سَجَدَ وَضَعَهَا وَإِذَا قَامَ حَمَلَهَا!^(۱)

یعنی: روایت شده از ابی قتاده که گفت دیدم رسول خدا (ص) برای
مردم امامت میکند در حالیکه امامه نوه او برگردنش میباشد، پس
چون رکوع کرد او را بر زمین نهاد و چون سرازسجود برداشت او را
برگردن نهاد . و در روایتی: چون سجده کرد او را بر زمین نهاد و
چون ایستاد او را برداشت .

۲- ش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) أَمَرَ بِقَتْلِ الْأَسْوَدِيِّ
فِي الْمَلَاةِ: الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ!^(۲)

یعنی: «روایت از ابی هریره آمده که رسول خدا (ص) امر کرد به کشتن
مار و عقرب در نماز» . و بهمین مضمون در کتاب تاج نیز ذکر شده!^(۳)

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: جِئْتُ وَرَسُولُ اللَّهِ (ص) يُطَلِّي فِي
الْبَيْتِ وَالْبَابُ عَلَيْهِ مُغْلَقٌ فَمَشَى حَتَّى فَتَحَ لِي ثُمَّ رَجَعَ إِلَى مَكَانِهِ
وَوَصَفَتِ الْبَابَ فِي الْقِبْلَةِ!^(۴)

یعنی: از عایشه روایت شده که گفت: آمدم در حالیکه رسول خدا (ص)
در خانه نماز میکرد و دربسته بود، پس رسول خدا (ص) حرکت آمد تا در را
باز کرد سپس به جای خود برگشت . و عایشه گفت در، در طرف قبله
بود .

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كُنْتُ أُمِدُّ رَجُلِي فِي قِبْلَةِ النَّبِيِّ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۶ .

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۲۷۰ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۶ و ۲۲۷ .

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۷ .

(ص) وَ هُوَ يَمْشِي فَإِذَا سَجَدَ غَمَزَنِي فَرَفَعْتُهَا فَإِذَا قَامَ مَدَدْتُهَا^(۱)
 یعنی: عایشه گوید: من پای خود را در طرف قبله رسول خدا (ص) دراز
 میکردم در حالیکه او در نماز بود، پس چون سجده میکرد فشار میداد
 من قدم را بر میداشتم و چون قیام میکرد دراز میکردم.
 ۵-ش رَأَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَخَامَةً فِي الْمَسْجِدِ فَمَشَى إِلَيْهَا
 يَعْزُجُونَ مِنْ عَرَاجِينِ أَرْطَابٍ فَحَكَّهَا، ثُمَّ رَجَعَ الْقَهْقَرَى فَبَسَنَى عَلَيَّ
 صَلَاتِهِ^(۲)

یعنی: رسول خدا (ص) در مسجد آب سینه‌ای را دید با شاخه‌ای از چوب
 اربطاب رفت و آنرا پاک کرد سپس بقهقری برگشت و باقی نماز
 خود را آورد.

۶-ج عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي
 صَلَاتِهِ فَلْيَسْبِحْ فَإِنَّهُ إِذَا سَبَّحَ التَّتَفَّتْ إِلَيْهِ، وَإِنَّمَا التَّمْفِيقُ لِلنِّسَاءِ^(۳)
 یعنی، سهل بن سعد از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: هر کس
 در نماز حادثه‌ای برایش رخ داد تسبیح بگوید، پس چون تسبیح
 گفت به او توجه شود. و همانا دست بدست زدن برای زنان است.
 ۷-ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) سَاعَةٌ
 أَتَيْهِ فِيهَا فَإِذَا أَتَيْتُهُ اسْتَأْذَنْتُ إِنْ وَجَدْتَهُ يَمْشِي تَنْحَنِحُ دَخَلْتُ وَ
 إِنْ وَجَدْتُهُ فَارِعًا أَذِنَ لِي^(۴)

یعنی: از علی (ع) روایت شده که گفت: مرا با رسول خدا (ص) ساعتی
 بود که خدمتش میرسیدم پس چون می‌آمدم اذن میگرفتم، اگر می‌یافتم
 در حال نماز است تنحنح میکرد من وارد میشدم و اگر می‌یافتم
 بی‌کار است برایم اذن میداد.

۸-ج عَنْ عَقْبَةَ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) الْعَصْرَ فَلَمَّا سَلَّمَ
 قَامَ سَرِيعًا فَدَخَلَ عَلَيَّ بَعْضُ نِسَائِهِ ثُمَّ خَرَجَ فَرَأَى مَا فِي وُجُوهِ الْقَوْمِ
 مِنْ تَعَجُّبِهِمْ لِسُرْعَتِهِ فَقَالَ: ذَكَرْتُ وَأَنَا فِي الصَّلَاةِ تَبْرًا عِنْدَنَا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۷

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۲۸۳ و ۱۲۸۴

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۷ و المصنف / ج ۲ / ص ۴۵۷

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۸

فَكَرِهْتُ أَنْ يُمَسِّيَ أَوْ يَبِيَّتَ عِنْدَنَا فَأَمَرْتُ بِقِسْمَتِهِ (۱)

یعنی: عقبه گفت: با رسول خدا (ص) نماز عصر خواندم، چون سلام داد ایستاد و سرعت وارد بر بعضی از زنان خود گردید، سپس بیرون آمد و دید آثار تعجب را در صورت قوم برای سرعت او، پس فرمود: در حالیکه در نماز بودم متذکر شدم که مقداری طلا نزد ما است و خوش نداشتم که شب شود و یا تا صبح نزد ما بماند پس امر کردم آنرا قسمت کنند.

۹- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: قَدْ أَوْمَأَ النَّبِيُّ (ص) فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْأَنْصَارِ بِمِحْجِنٍ كَانَ مَعَهُ (۲)

یعنی: از حضرت صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) در مسجدی از مساجد انصار (در حال نماز) با عصای سرکج خود اشاره کرد.

۹۸- باب الصَّلَاةِ مَعَ الْعِمَامَةِ

۱- ش عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: رَكَعَتَانِ مَعَ الْعِمَامَةِ خَيْرٌ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ بِغَيْرِ عِمَامَةٍ (۳). وَفِي رِوَايَةٍ: خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِإِعْمَامَةٍ (۴).
یعنی: از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: دو رکعت نماز با عمامه بهتر است از چهار رکعت بدون عمامه. و در روایتی فرمود: بهتر است از هفتاد رکعت بدون عمامه.

۲- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا اعْتَمَّ سَدَلَ عِمَامَتِهِ بَيْنَ كَتِفَيْهِ. وَفِي رِوَايَةٍ عَنْ عَمْرٍو بْنِ حُرَيْثٍ، قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) عَلَى الْمُنْبَرِ وَعَلَيْهِ عِمَامَةٌ سَوْدَاءٌ قَدْ رَخِيَ طَرَفُهَا بَيْنَ كَتِفَيْهِ (۵).
یعنی: از ابن عمر روایت شده که پیغمبر (ص) هرگاه عمامه میکرد پس آنرا بین دو کتف خود رها میکرد. و از عمرو بن حرث روایت شده که گفت: دیدم پیغمبر (ص) را بر روی منبر و بر او عمامه ای بود سیاه که طرف آنرا میان دو کتف خود انداخته بود.

- (۱) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۸
(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۲۵۶
(۳) وسائل الشيعة / ج ۲ / ص ۳۳۹
(۴) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۹
(۵) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶۹

۹۹- باب کراهة النظر الى السماء والالتفات

وتغميض العين

۱- ج عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا بَالُ أَقْوَامٍ يَرْفَعُونَ أَبْصَارَهُمْ إِلَى السَّمَاءِ فِي صَلَاتِهِمْ! فَاشْتَدَّ قَوْلُهُ فِي ذَلِكَ حَتَّى قَالَ: لَيَنْتَهَنَّ عَنْ ذَلِكَ أَوْ لَتُخَطَفَنَّ أَبْصَارُهُمْ! (۱)

یعنی: از انس روایت شده از پیغمبر (ص) که فرمود: برای چه اقوامی در حال نماز چشمهای خود را به آسمان بالا میبرند. پس قول حضرت بطوری شدید شد در این باره که فرمود: البته خودداری کنند از این عمل وگرنه چشمهایشان از بین برود.

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنِ الْإِلْتِفَاتِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ: هُوَ اخْتِلَاسٌ يَخْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ صَلَاةِ الْعَبْدِ، وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: لِأَيِّزَالِ اللَّهِ مُقْبِلًا عَلَى الْعَبْدِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ، فَإِذَا التَفَتَ انْصَرَفَ عَنْهُ! (۲)

یعنی: روایت شده از عایشه که گفت: از رسول خدا (ص) سؤال کردم از توجه در نماز؟ فرمود: این عمل اختلاسی است که شیطان از نماز بنده می رباید. و در روایتی رسول خدا (ص) فرمود: همواره خدا بر بنده خود که در نماز است توجه دارد مادامیکه به این طرف و آن طرف توجه نکند، و هرگاه توجه کرد خدا توجه خود را از او سلب نماید.

۳- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَالْإِلْتِفَاتِ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ هَلَكَةٌ، فَإِنْ كَانَ لِأَبَدٍ فَفِي التَّطَوُّعِ لِأَفِي الْفَرِيضَةِ (۳)

یعنی: روایت شده از انس که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: ای پسران بنی اسرائیل! در نماز توجه به این طرف و آن طرف کنی زیرا این کار هلاکت است، پس اگر ناچار شدی در نماز مستحبی نه در نماز واجب.

(۱) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۰۳ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۵۳.

(۲) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

(۳) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۰۴.

۴- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَلْحَظُ فِي الصَّلَاةِ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ لَا يَلْوِي عُنُقَهُ خَلْفَ ظَهْرِهِ (۱).

یعنی: از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز چشم خود را به راست و چپ توجه میداد و گردن خود را به پشت سر نمی‌گردانید.

۵- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) نَهَى أَنْ يَغْمِضَ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ فِي الصَّلَاةِ (۲).

یعنی: از علی (ع) روایت شده که پیغمبر (ص) نهی فرمود از اینکه مرد در حال نماز چشمان خود را ببندد.

۶- ج عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى فِي خَمِيصَةٍ لَهَا أَعْلَامٌ فَقَالَ: شَغَلْتَنِي أَعْلَامُ هَذِهِ أَذْهَبُوا بِهَا إِلَى أَبِي جَهْمٍ (۳).

یعنی: «روایت شده از عایشه که رسول خدا (ص) در جامه‌ای که دارای نشانه‌هایی بود نماز کرد پس از آن فرمود: نشانه‌های این مرا مشغول ساخت ببرید این را به سوی ابی‌جهم...» این حدیث با کمی اختلاف لفظی قبلاً در ابواب ستر العورة باب ۳۶ ذکر گردید.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ اتَّقَى عَلَيَّ ثَوْبَهُ فِي صَلَاتِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ أَكْتَسَى (۴).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که در نمازش متوجه جامه‌اش باشد و بر جامه خود بپرهیزد (که مبادا کسی به آن دست زند و یا به لباس کسی بخورد) او برای خدا نپوشیده است.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَمْلِكُ الرَّجُلُ وَ فِي يَدَيْهِ خَاتَمُ حَدِيدٍ (۵).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: مرد نماز نخواند در حالیکه در دست او انگشتر آهنی است.

۹- ج عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَ هُوَ نَاعِسٌ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۵۷.

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۲۵۲.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۴.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۳۳۱.

(۵) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۳۰۳ و ۳۰۵.

لَعَلَّه يَذْهَبُ يَسْتَغْفِرُ وَيَسْبُغُ نَفْسَهُ (۱)

یعنی: روایت کرده عایشه از رسول خدا (ص) که فرمود: گاهی که یکی از شما در نماز چرت بزند باید بخوابد تا خواب او برطرف شود و بحال چرت نماز نخواند زیرا که یکی از شما اگر در حال چرت نماز بخواند شاید برود که طلب آمرزش کند به خود لعن کند.

۱۰۰- باب البصاق والاختصار ومسح الحصى والإشارة باليد

۱- ج عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ يُنَاجِي رَبَّهُ فَلَا يَبْزُقَنَّ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَأَعْنَ يَمِينِهِ وَلَكِنَّ عَنْ شِمَالِهِ تَحْتَ قَدَمَيْهِ (۲)

یعنی: انس روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما در نماز است او با پروردگارش را زمیگوید پس آب دهان نیندازد در جلو خود و نه از طرف راست خود، ولیکن از طرف چپ زیر قدمش.

۲- ج نَهَى النَّبِيُّ (ص) أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ مُخْتَصِرًا (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) نهی نموده از اینکه مرد به حالت اختصار نماز بخواند.
۳- ج عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلَا يَمْسَحُ الْحَصَى فَإِنَّ الرَّحْمَةَ تَوَاجِهَهُ (۴) وَ عَنْهُ (ص) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ (۵)

یعنی: از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: چون یکی از شما برای نماز قیام کند سنگریزه‌ها را مسح نکند (و با آنها بازی نکند) زیرا با رحمت روبرو شود. و در روایت دیگر فرمود: خدا بازی در نماز را دوست ندارد.

و عن علي (ع) قال: أَبْصَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَجُلًا يَعْثَبُ بِلِحْيَتِهِ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: أَمَا هَذَا فَلَوْ كَانَ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَسَعَتْ جَوَارِحُهُ (۶)

۴- ج عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَكُنَّا إِذَا سَلَّمْنَا قُلْنَا يَا يُدِينَا السَّلَامَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَنَنْظُرُ إِلَيْنَا

- (۱) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۴
(۲) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۴ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۳۳
(۳) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۵
(۴) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۱۰۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۳۸
(۵) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۱۲۶۰
(۶) مسندا لامام زيد / ص ۱۹۹ و ۱۲۰

رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: مَا شَأْنُكُمْ تُشِيرُونَ بِأَيْدِيكُمْ كَأَنَّهَا أَذْنَابُ خَيْلٍ شُمْسٍ؟ إِذَا سَلَّمَ أَحَدُكُمْ فَلْيَلْتَفِتْ إِلَى مَا جِئَهُ وَلَا يُؤْمِئْ بِيَدِهِ! (۱)

یعنی: روایت شده از جا پربین سمره که گفت با رسول خدا (ص) نماز کردم و چون سلام میدادیم با دست اشاره میکرد و میگفتیم السَّلَامُ عَلَيْكُمْ گویا گوشه‌های اسبان سرکش است، چون یکی از شما سلام داد توجّه کند به رفیق خود و با دست اشاره نکند.

۱۰- باب الثَّوْمِ وَكَفِّ الشَّعْرِ

۱- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَكَلَ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ فَلَا يَقْرَبَنَا وَلَا يَطْلِي مَعَنَا! (۲)

یعنی: رسول خدا (ص): فرمود: هرکس از این درخت (یعنی سیر) خورده است پس به ما نزدیک نشود و با ما نماز نخواند.

۲- ج مَرَّ أَبُو رَافِعٍ مَوْلَى النَّبِيِّ (ص) عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهُوَ يَطْلِي قَائِمًا وَقَدْ غَرَزَ صُفْرَهُ فِي قَفَاهُ فَحَلَّهَا أَبُو رَافِعٍ فَالْتَفَتَ حَسَنٌ إِلَيْهِ مُغْضِبًا فَقَالَ: أَقْبِلْ عَلَيَّ مَلَأْتُكَ وَالْتَعْضِبْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: ذَلِكَ كِفْلُ الشَّيْطَانِ (۳)

یعنی: ابورافع مولای رسول خدا (ص) به حضرت حسن بن علی (ع) گذشت در حالیکه او نماز میخواند و بتحقیق موهای سر خود تابیده بود در عقب سر خود، ابورافع آنرا باز کرد، جناب امام حسن (ع) توجّهی غضبناک بها و کرد، او گفت مشغول نمازت باش زیرا من از رسول خدا (ص) شنیدم که میفرمود: این ضمیمه شیطان است.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۵۲.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۶ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۴۵.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۷.

۲-۱- باب التثاؤب والتشبيك وفرقة الاصابع والنفخ

۱- ج قال النبی (ص): التثاؤب فی الصلاة من الشیطان فإذا تَثَاءَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيُكْظِمْ مَا اسْتَطَاعَ (۱)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: خمیازه کشیدن در نماز از شیطان است، پس چون یکی از شما خمیازه کشید هر قدر میتواند دهانرا ببندد.
 ۲- ج عن کعب بن عجره، عن النبی (ص) قال: إذا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَأَحْسَنَ وَضُوءَهُ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَلْيَشِئْ بِبَيْنِ أَصَابِعِهِ فَإِنَّهُ فِي صَلَاتِهِ (۲)
 یعنی: کعب بن عجره روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: چون یکی از شما وضو گیرد که خوب وضو گیرد سپس بیرون رود برای مسجد، پس البته انگشتان را داخل هم نکنند زیرا او در نماز است.

۳- ش قال الصادق إنَّ النَّبِيَّ (ص) سَمِعَ خَلْفَهُ فَرَقَعَهُ فَرَقَعَ رَجُلٌ أَصَابِعَهُ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَمَا إِنَّهُ حَظَّهُ مِنْ صَلَاتِهِ (۳)
 یعنی: حضرت صادق (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) شنید از پشت سرش که مردی انگشتان خود را می شکند پس چون از نماز فارغ شد فرمود: آگاه باشید حظ او و بهره اش از نماز همین است.

۴- ج عن أم سلمة قالت: رأيت النبي (ص) غلاماً لنا يقال له أفلح إذا سجد تفح فقال: يا أفلح تترب وجهك (۴)
 یعنی: ام سلمه روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) به غلام ما که نامش افلح بود نظر کرد و دید هنگام سجده دمید به زمیمن فرمود: ای افلح روی خود را خاک آلوده کن (بنا بر اینکه تترب فعل امر باشد، اما اگر ماضی باشد معنی چنین است: ای افلح رویت خاکی شد). و حدیثی به این مضمون در باب ۸۶ از ابواب کیفیت الصلاة نیز ذکر گردید.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۷ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۷۰.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۷ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۷۲ و ۲۷۳.
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۲۶۳.
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۰۷.

ابواب الرواتب

١٠٣- باب فضل رواتب الفرائض

١- ج وش عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ قَالَتْ : سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ :
 مَا مِنْ عَبْدٍ مُسْلِمٍ يُصَلِّيَ لِلَّهِ كُلَّ يَوْمٍ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رُكْعَةً تَطَوُّعًا غَيْرَ
 فَرِيضَةٍ إِلَّا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (١). وَفِي رِوَايَةٍ زَادَ :
 أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَرُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ
 رُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَرُكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ (٢)

یعنی، ام حبیبہ گفت، از رسول خدا (ص) شنیدم کہ میفرمود: هیچ
 بندۀ مسلمانی نیست کہ برای خدا ہر روزی دوازده رکعت نماز
 بخواند بعنوان نافلہ نہ بعنوان واجبی مگر آنکہ خدا برای او
 خانہای در بہشت بنا کند. و در روایتی فرمود: چہا رکعت قبل از
 ظہر و دورکعت بعد از آن و دورکعت بعد از مغرب و دورکعت بعد از
 عشاء و دورکعت قبل از نماز فجر.

١٠٤- باب راتبة الفجر

١- ج عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: رُكْعَتَا الْفَجْرِ خَيْرٌ مِنَ
 الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا (٣). وَ زَادَ فِي رِوَايَةٍ: لِأَنَّ عَمَلَهُمَا وَإِنْ طَرَدَتْكُمْ
 الْخَيْلُ (٤)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: دورکعت فجر بہتر است از دنیا و آنچه در
 آنست. و در روایتی فرمود: آن دو رکعت را ترک مکنید و اگر چہ
 اسب شمارا طرد کردہ باشد

٢- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ (ص) عَلَيَّ شَيْءٌ مِنَ النَّوَافِلِ
 أَشَدَّ تَعَاهُدًا مِنْهُ عَلَى رُكْعَتِي الْفَجْرِ. وَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص)

- (١) التاج الجامع للاصول/ج ١/ص ٢٥٨ و وسائل الشيعة/ج ٥/ص ٢٨٧
 (٢) التاج الجامع للاصول/ج ١/ص ٢٥٨
 (٣) التاج الجامع للاصول/ج ١/ص ٢٥٨ و المصنف/ج ٣/ص ٥٧ و ٥٨
 (٤) التاج الجامع للاصول/ج ١/ص ٢٥٨

يُخَفِّفُ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ حَتَّىٰ إِنِّي لَأَقُولُ هَلْ قَرَأَ
يَوْمَ الْكِتَابِ (!) وَفِي رِوَايَةٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَرَأَ فِي رَكْعَتَيِ
الْفَجْرِ: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ. وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۲)

یعنی: عایشه نقل کرده که رسول خدا (ص) به چیزی از نوافل بیشتر
از دو رکعت فجر علاقه و توجه نداشت و آن دو رکعت را قبل از نماز
صبح چنان مختصر میخواند که من میگفتم آیا سوره حمد را خوانده
و در روایت دیگر: رسول خدا (ص) در دو رکعت فجر سوره کافرون و
سوره اخلاص را میخواند.

۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقْرَأُ فِي
رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ: قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَى
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
عِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لِانْفِرَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ
مُسْلِمُونَ . وَ التِّي فِي آلِ عِمْرَانَ: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ
سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَنُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَنَتَّخِذَ
بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا
بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۳)

یعنی: ابن عباس گفته که عادت رسول خدا (ص) این بود که در دو رکعت
فجر آیه ۱۳۶ بقره و آیه ۶۴ سوره آل عمران را قرائت میکرد.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ
فَلْيَضْطَجِعْ عَلَى يَمِينِهِ (۴)

یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما دو رکعت نماز فجر
را خواند پس برطرف راست خود استراحت نماید.

۱۰۵- باب الرواتب المؤكدة

۱- ج عَنِ ابْنِ عَمْرٍو قَالَ: حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) عَشْرَ رَكْعَاتٍ:

- | | |
|-----|---|
| (۱) | التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۸ و ۲۰۹. |
| (۲) | التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۹ و المصنف/ ج ۳/ ص ۵۹. |
| (۳) | التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۹. |
| (۴) | التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۰۹. |

رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ الظُّهْرِ وَ رُكْعَتَيْنِ بَعْدَهَا وَ رُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فِي بَيْتِهِ وَ رُكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْعِشَاءِ فِي بَيْتِهِ وَ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ كَانَتْ سَاعَةً لَا يَدْخُلُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فِيهَا^(١)

یعنی: ابن عمر گوید، از رسول خدا (ص) حفظ کردم ده رکعت: دو رکعت پیش از ظهر و دو رکعت بعد از ظهر و دو رکعت بعد از مغرب در خانه اش و دو رکعت بعد از عشاء در خانه اش و دو رکعت پیش از نماز صبح آن ساعت کسی وارد بر رسول خدا (ص) نمیشد.

٢- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) قَبْلَ الظُّهْرِ سَجْدَتَيْنِ وَ بَعْدَهَا سَجْدَتَيْنِ وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ سَجْدَتَيْنِ وَ بَعْدَ الْعِشَاءِ سَجْدَتَيْنِ وَ بَعْدَ الْجُمُعَةِ سَجْدَتَيْنِ فَأَمَّا الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ وَ الْجُمُعَةُ فَصَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي بَيْتِهِ^(٢)

یعنی: ابن عمر روایت شده که گفت: با پیغمبر (ص) نماز خواندم قبل از ظهر دو رکعت و بعد از ظهر نیز دو رکعت، و بعد از مغرب دو رکعت و بعد از عشاء دو رکعت و بعد از جمعه دو رکعت. پس امّا نوافل مغرب و عشاء و جمعه را پس با پیغمبر (ص) در خانه اش خواندم.

٣- ج عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ لَا يَدْعُ أَرْبَعًا قَبْلَ الظُّهْرِ وَ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ الْغَدَاةِ^(٣)

یعنی: روایت شده از عایشه که رسول خدا (ص) عادت داشت که چهار رکعت قبل از ظهر را ترک نمیکرد و همچنین دو رکعت قبل از نماز صبح را.

١٠٦- باب الرواتب غير الموكدة

١- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلَاةٌ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ لِمَنْ شَاءَ^(٤)

یعنی، عبد الله بن معقل روایت کرده از پیغمبر (ص) که فرمود: بین

(١) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٠٩ و ٢١٠ والمصنف / ج ٣ / ص ٦٥

(٢) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢١٠ و المصنف / ج ٣ / ص ٦٤

(٣) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢١٠

(٤) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢١٠

هراذان و اقامه نمازی است، حضرت دو مرتبه تکرار کرد، سپس در مرتبه سوم فرمود هر کس بخواد انجام دهد.

۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَلُّوا قَبْلَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ قَالَ فِي الثَّلَاثَةِ لِمَنْ شَاءَ كَرَاهِيَةً أَنْ يَتَّخِذَهَا النَّاسُ سُنَّةً (۱)

یعنی: عبدالله الْمُزَنِيُّ از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: قبل از نماز مغرب نماز بخوانید و در مرتبه سوم که مکرر کرد فرمود: هر کس بخواد، و این جمله را برای این فرمود که مبادا مردم آنرا سنت قرار دهند.

۳- ج عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ حَافِظَ عَلَيَّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَ أَرْبَعَ بَعْدَهَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيَّ النَّارَ. وَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً صَلَّى قَبْلَ الْعَصْرِ أَرْبَعًا (۲)

یعنی: ام حبیبه از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: هر کس بر چهار رکعت قبل از ظهر و چهار رکعت بعد از آن محافظت کند خدا او را بر آتش حرام کند. و (در روایت دیگر) فرمود: خدا رحمت کند مردی را که قبل از عصر چهار رکعت بگذارد.

۴- ش عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: صَلَاتَانِ لَمْ يَتْرُكْهُمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) سِرًّا وَ عَلَانِيَةً: رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الْفَجْرِ (۳)

یعنی: عایشه گفته که: دو نماز است که رسول خدا (ص) آنها را در سری و در آشکارا ترک نکرد: دو رکعت پس از عصر و دو رکعت قبل از فجر.

۵- ج وَش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ لَمْ يَتَكَلَّمْ فِيمَا بَيْنَهُنَّ بِسَوْءٍ عَدَلَنَ لَهُ بِعِبَادَةِ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً (۴). وَ فِي رَوَايَةٍ قَالَ (ص): تَنَفَّلُوا فِي سَاعَةِ الْغَفْلَةِ وَ لَسَوْ بِرَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، فَإِنَّهُمَا تُورِثَانِ دَارَ الْكِرَامَةِ (۵) (وَسَاعَةُ الْغَفْلَةِ مَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۰ و ۲۱۱.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۱.
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۷۳.
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۱.
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۴۹.

یعنی: از ابی هریره از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: هرکس پس از نماز مغرب شش رکعت نماز بخواند که بین آنها تکلم به سخن ناپسند نکند آن رکعات برای او مساوی با عبادت دوازده سال می‌باشد. و در روایت دیگر فرمود: در ساعت غفلت (ساعتی که مردم غافل و بفکر غذای شبند) نماز نافله بخوانید و اگر چه دو رکعت مختصر باشد، زیرا آن دو رکعت موجب رفتن به خانه کرامت و بزرگواری است.

۶- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَمَلِّي شَمَانِ رَكَعَاتِ الزَّوَالِ وَ أَرْبَعًا الْأُولَى، وَ ثَمَانِي بَعْدَهَا، وَ أَرْبَعًا الْعَصْرَ وَ ثَلَاثًا الْمَغْرِبَ، وَ أَرْبَعًا بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَرْبَعًا، وَ ثَمَانِي صَلَاةَ اللَّيْلِ، وَ ثَلَاثًا الْوُتْرَ، وَ رَكَعَتِي الْفَجْرِ، وَ صَلَاةَ الْغَدَاةِ رَكَعَتَيْنِ (۱)

یعنی: از جعفر بن محمد (ع) روایت شده که فرمود: پیغمبر (ص) هشت رکعت زوال و چهار رکعت نماز اول را خواند (یعنی هشت رکعت نافله ظهر و چهار رکعت نماز ظهر) و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت نماز عصر و سه رکعت نماز مغرب و چهار رکعت پس از مغرب (بعنوان نافله) و چهار رکعت نماز عشاء و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و دو رکعت صبح.

۷- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ مَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ عَشْرِينَ رَكَعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (۲)

یعنی: پیغمبر (ص) فرمود: هرکس پس از نماز مغرب بیست رکعت نماز بخواند، خدا برای او خانه‌ای در بهشت بناء کند.

۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنْ لَلِقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلْتَ فَتَنَفَّلُوا، وَإِذَا أَدْبَرْتَ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ (۳)

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: برای دلها اقبال و ادباری است (یعنی حال توجّهی و نشاطی دارد و یا ندارد) پس چون اقبال کرد

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۳.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۱.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰.

نافله بخوانید و چون ادبار کرد برشما باد بهمان نماز واجب .
 ۹- ش كَانَ فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع) : يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي
 نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَأَحْفَظْهَا عَنِّي، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنِّهِ إِلَى أَنْ قَال: :
 وَالسَّادِسَةَ الْأَخْذُ بِسُنَّتِي فِي صَلَاتِي وَصَوْمِي وَصَدَقَتِي، أَمَّا الصَّلَاةُ
 فَأَلْخَمْسُونَ رَكْعَةً (۱)

یعنی: در وصیّت پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی! تو را درباره
 خودت وصیّت میکنم به خصالت هائی پس آنها را حفظ کن، سپس فرمود:
 خدایا او را یاری کن تا آنجا که فرمود: و ششم اخذ به سنت من در
 نماز و روزه ام و صدقه ام، اما نماز پس پنجاه رکعت .

۱۰- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُطَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ
 مِثْلِي الْفَرِيضَةَ وَيَصُومُ مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةَ (۲)
 یعنی: از حضرت صادق (ع) نقل شده که: رسول خدا (ص) نماز تطوُّع
 (نماز نوافل) را دو مانند واجب بجامیآورد و روزه تطوُّع را
 دو مانند واجب میگرفت .

۱۱- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) : إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ الَّذِي هُوَ إِمْلَاءُ
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِبُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَلَكِنْ
 يَزِيدُهُ خَيْرًا (۳)

یعنی: حضرت صادق (ع) فرمود که: در کتاب علی (ع) همان کتابی که
 باملاء و امر رسول خدا (ص) نوشت این است که خدا بر زیادی نماز و
 روزه عذاب نمیکند و لکن خیر آنرا زیاد میکند .

۱۰۷- باب فضل صلاة الوتر و وقتها

۱- ج عَنْ عَلِيٍّ (رِه) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ أَوتِرُوا

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۱
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۲
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۷۶

فَإِنَّ اللَّهَ وَتَرَ حِبَّ الْوَتْرِ! (۱)

یعنی، علی (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: ای اهل قرآن، نماز وتر بخوانید زیرا خدا وتر است و دوست میدارد و ترا .

۲- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَمَدَّكُمْ بِصَلَاةٍ هِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ وَ هِيَ الْوَتْرُ فَجَعَلَهَا لَكُمْ فِيمَا بَيْنَ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ! (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: که خدایتعالی شمارا مدد کرد بنمازی که برای شما از شتران سرخ بهتر است و آن نماز وتر است که برای شما قرارداد بین عشاء تا طلوع فجر .

۳- ج عَنْ مَسْرُوقٍ قُلْتُ لِعَائِشَةَ: مَتَى كَانَ يُوتِرُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)؟ قَالَتْ: كُلُّ ذَلِكَ قَدْ فَعَلَ أَوْ تَرَ أَوَّلَ اللَّيْلِ وَ وَسَطَهُ وَ آخِرَهُ وَلَكِنْ انْتَهَى وَتَرَهُ حِينَ مَاتَ إِلَى السَّحْرِ! (۳)

یعنی: روایت شده از مسروق که به عایشه گفتم چه وقت رسول خدا (ص) نماز وتر میخواند؟ در جواب گفت همه اینها را بجا آورده: اول شب و وسط آن و آخر آن، ولی وقت وفاتش منتهی به وقت سحر شده بود .

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ بِاللَّيْلِ وَتَرًا! (۴)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: آخرین نماز خود را در شب وتر قرار دهید .

۵- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا يُصَلِّي مِنَ النَّهَارِ شَيْئًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَإِذَا زَالَتْ قَدَّرَ نِصْفَ إِصْبَعٍ صَلَّيْتُ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، فَإِذَا فَاءَ الْفَيْءِ ذِرَاعًا صَلَّيْتُ الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّيْتُ بَعْدَ الظُّهْرِ رَكَعَتَيْنِ، وَيُصَلِّي قَبْلَ وَقْتِ الْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا فَاءَ الْفَيْءِ ذِرَاعَيْنِ صَلَّيْتُ الْعَصْرَ وَ صَلَّيْتُ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ، فَإِذَا غَابَ الشَّفَقُ دَخَلَ وَقْتُ الْعِشَاءِ، وَ آخِرُ وَقْتِ الْمَغْرِبِ إِيَابُ الشَّفَقِ، فَإِذَا آبَ الشَّفَقُ دَخَلَ وَقْتُ الْعِشَاءِ، وَ آخِرُ وَقْتِ الْعِشَاءِ ثُلُثُ اللَّيْلِ، وَ كَانَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْعِشَاءِ حَتَّى يَنْتَصِفَ اللَّيْلُ، ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكَعَةً

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۴

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۶ و ۰۱۲

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۱۷ و

مسند الامام زید / ص ۰۱۳۵

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۱۳ و ۰۲۸

مِنْهَا الْوُتْرُ وَ مِنْهَا رُكْعَتَا الْفَجْرِ قَبْلَ الْغَدَاةِ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَ أَضَاءَ صَلَّى الْغَدَاةَ^(۱)

یعنی، حضرت باقر (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) از روز نمازی نمیخواند تا خورشید زائل شود و چون بقدر نصف انگشت زایل میشد هشت رکعت نماز میخواند و چون سایه بقدر ذراعی بر میگشت نماز ظهر را میخواند و پس از آن دو رکعت، و قبل از وقت عصر نیز دو رکعت، پس چون سایه بقدر دو ذراع بر میگشت نماز عصر را میخواند و نماز مغرب را هنگامیکه خورشید غایب میگشت بجا میآورد، پس چون شفق غایب شود وقت عشاء داخل شده، و آخر وقت مغرب رفتن شفق است، پس چون شفق رفت وقت عشاء داخل شده و آخر وقت عشاء ثلث شب است، و رسول خدا (ص) پس از نماز عشاء نماز نمیخواند تا نصف شب، سپس سیزده رکعت بجا میآورد که از جمله آنها وتر بود،

پس چون فجر طالع میشد و روشن میگردید نماز صبح میخواند.
 ۶- ش إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يُصَلِّي بَعْدَ مَا يَنْتَصِفُ اللَّيْلُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً^(۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ آوَى إِلَى فِرَاشِهِ لِأَيُّصَلِّيَ شَيْئًا إِلَّا بَعْدَ انْتِصَافِ اللَّيْلِ لِأَنَّهُ فِي رَمَضَانَ وَ لَأَيُّصَلِّيَ غَيْرَهُ^(۳). وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً، مِنْهَا الْوُتْرُ وَ رُكْعَتَا الصُّبْحِ بَعْدَ الْفَجْرِ^(۴).

یعنی، رسول خدا (ص) بعد از نصف شب سیزده رکعت نماز میخواند. و در روایت دیگر: رسول خدا (ص) چون نماز عشاء میکرد بفراش خود جای میگرفت نمازی نمیکرد جز بعد از نصف شب نه در ماه رمضان و نه در غیر آن. و در روایت دیگر: رسول خدا (ص) در ماه رمضان سیزده رکعت نماز بجا میآورد که از جمله آن و ترو دو رکعت پس از فجر بود.

۷- ج عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ خَافَ أَلَّا يَقُومَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ فَلْيُوتِرْ أَوَّلَهُ وَ مَنْ طَمِعَ أَنْ يَقُومَ آخِرَهُ فَلْيُوتِرْ آخِرَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۸۰.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۸۰ و ج ۵ / ص ۱۹۰.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹۰.

اللَّيْلِ فَإِنَّ صَلَاةَ آخِرِ اللَّيْلِ مَشْهُودَةٌ وَ ذَلِكَ أَفْضَلُ (۱)!

یعنی، جابر از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: هرکس بترسد که آخر شب برنخیزد اول شب نماز وتر بخواند، و هرکس طمع و امید دارد که آخر شب برمیخیزد نماز وتر را باید آخر شب بخواند زیرا نماز آخر شب مورد مشاهده و افضل است.

۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتَنَّ إِلَّا بِوَتْرٍ (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ (ص): لِأَبِيَّتِنِ الرَّجُلُ وَ عَلَيْهِ وَتْرٌ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس ایمان به خدا و روز قیامت دارد، پس شب را بپایان نرساند مگر با وتر. و در روایت دیگر فرمود: شب را بپایان نبرد مرد در حالیکه بر او نماز وتر باشد.

۹- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ لِأَبِي بَكْرٍ: مَتَى تَوْتِرُ؟ قَالَ: أَوْتِرُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، وَقَالَ لِعُمَرَ: مَتَى تَوْتِرُ؟ قَالَ: أَوْتِرُ آخِرَ اللَّيْلِ. فَقَالَ لِأَبِي بَكْرٍ: أَخَذَ هَذَا بِالْحَزْمِ، وَقَالَ لِعُمَرَ: أَخَذَ هَذَا بِالْقُوَّةِ (۴)

یعنی، «ابی قتاده روایت کرده که رسول خدا (ص) به ابوبکر فرمود: چه وقت نماز وتر میخوانی؟ گفت، اوائل شب، و به عمر فرمود: چه وقت وتر میخوانی؟ گفت، آخر شب، پس رسول خدا (ص) فرمود: ابابکر جانب احتیاط را گرفته، و به عمر فرمود: این توانائی را گرفته، چنانکه از احادیث استفاده می شود نماز وتر دارای فضیلت بسیار می باشد و وقت آن پس از نماز عشاء است و تا طلوع فجر بید خوانده شود و خواندن آن هر چه به طلوع فجر نزدیکتر باشد دارای ثواب بیشتری خواهد بود. کمترین حد نماز وتر یک رکعت است و جایز است سه رکعت و یا هفت و یا پنج و یا نه رکعت آن را بجا آورد و شرح بیشتر نماز وتر در ابواب صلوات مسنونہ بعداً ذکر خواهد شد.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۶.
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۷۰.
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۷۰.
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۲ و ۲۱۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۴.

۱۰۸- باب بیان الوتر

۱- ج وش عن ابن عمر عن النبي (ص) قال: صلاة الليل مثنى مثنى فإذا أردت أن تنصرف فأرکع رکعةً توتر لك ما صليت^(۱)، وفي رواية قال: صلاة الليل مثنى مثنى، وإذا خفت الصبح فأوتر بواحدة^(۲)!

یعنی، ابن عمر روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: نماز شب دو رکعت دو رکعت است، پس چون خواستی که تمام کنی پس یکرکعت بخوان که نمازت را طاق کند. و در روایتی فرمود: نماز شب دو رکعت دو رکعت است و چون ترسیدی که صبح داخل شود پس یک رکعت نماز وتر بخوان.

۲- ج عن ابن عمر عن النبي (ص) قال: الوتر رکعة من آخر الليل^(۳)!

یعنی: از ابن عمر از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: وتر یکرکعت از آخر شب است.

۳- ج عن أبي أيوب الأنصاري عن النبي (ص) قال: الوتر حق على كل مسلم فمن أحب أن يوتر بخمس فليقل ومن أحب أن يوتر بثلاث فليقل^(۴)!

یعنی: از ابی ایوب انصاری از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: وتر بر هر مسلمانی ثابت است پس هرکس دوست دارد و ترا پنج رکعت قرار دهد این کار را بکند و هرکس دوست دارد سه رکعت بخواند بکند و هرکس دوست داشته بیکجا آرد انجام دهد.

۴- ج قال النبي (ص): الوتر حق فمن شاء أوتر بسبع ومن شاء أوتر بخمس ومن شاء أوتر بثلاث ومن شاء أوتر بواحدة^(۵)!

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: وتر حق است، پس هرکس بخواهد وتر را بهفت رکعت انجام دهد، و هرکس خواست آنرا با پنج رکعت انجام دهد، و هرکس خواست با سه رکعت و هرکس خواست بیک رکعت میتواند

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۳
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۱۸۸ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۹
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۸
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۳
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۳

بجا آورد

۵- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ : كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُوتِرُ بِثَلَاثِ عَشْرَةَ رُكْعَةً فَلَمَّا كَبِرَ وَضَعَفَ أُوتِرَ بِسَبْعٍ (۱)

یعنی، از ام سلمه روایت شده که رسول خدا (ص) وتر را با سیزده رکعت بجای آورد، پس چون بزرگ و ضعیف شد وتر را با هفت رکعت بجای آورد.

۶- ج عَنْ طَلْحِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: لِأَوْتِرَانِ فِي لَيْلَةٍ (۲)

یعنی، از طلح بن علی روایت شده که گفت از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: دو وتر در یک شب نیست.

۱۰۹- باب القراءة في الوتر

۱- ج عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ جُرَيْجٍ قَالَ: سَأَلْنَا عَائِشَةَ بِأَيِّ شَيْءٍ كَانَ يُوتِرُ رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟ قَالَتْ: كَانَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسَبْحِ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَفِي الثَّانِيَةِ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّالِثَةِ يَقُولُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَالْمَعُودَتَيْنِ (۳) . وَكَانَ يَقُولُ إِذَا سَلَّمَ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ ثَلَاثًا وَبَرَفَعُ صَوْتَهُ بِالثَّالِثَةِ (۴)

یعنی: از عبدالعزیز بن جرّج روایت شده که گفت از عایشه سؤال کردیم به چه چیز رسول خدا (ص) وتر را انجام میداد؟ گفت: در رکعت اول سوره اعلی را میخواند و در رکعت دوم سوره کافرون و در رکعت سوم سوره توحید و معوذتین را میخواند. و چون سلام میداد سه مرتبه میگفت سبحان الملک القدوس، و در مرتبه سوم صدای خود را بلند مینمود.

۲- ج سَأَلْتُ عَائِشَةَ: أَكَانَ النَّبِيُّ (ص) يُسُوُّ بِالْقِرَاءَةِ فِي الْوَتْرِ أَمْ يَجْهَرُ؟ قَالَتْ: كُلُّ ذَلِكَ كَانَ يَفْعَلُ، رَبِّمَا أَسْرًا وَرَبِّمَا جَهْرًا (۵)

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۳ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۴ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۴ . ومسندا لاما م زید / ص ۱۳۵ .
 (۴) و (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۴ .

یعنی، از عایشه سؤال شد آیا رسول خدا (ص) در نماز وتر قرائت را با خفاء میخواند و یا بجهر؟ گفت: همه اینها بود چه بسا سرّی و بسا بجهر.

۳- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتْرِهِ بَعْدَ السَّلَامِ مِنْهُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لِأَحْصِي شَاءَ عَلَيْنِكَ أَنْتَ كَمَا أَشْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ (۱)!

یعنی، از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) در آخر وتر خود پس از سلام میگفت: خدایا پناه میبرم به رضای تو از غضبت و به عفو تو از عقابت و به تو پناه میبرم از تو، من شتاء تو را شماره نکنم تو چنانی که برخودت ثنا گفته‌ای.

۱۱۰- باب الدعاء والذكر عقب الصلاة

۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا بَنَ آدَمَ اذْكُرْنِي بَعْدَ الْفَجْرِ سَاعَةً، وَ اذْكُرْنِي بَعْدَ الْعَصْرِ سَاعَةً أَكْفِكَ مَا أَهَمُّكَ (۲)!

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: که خدای عزوجل فرموده ای پسر آدم مرا ساعتی پس از فجر یاد کن و مرا ساعتی پس از عصر یاد کن من آنچه را برای تو مهم است کفایت میکنم.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَدَّى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً فَلَهُ فِي أَثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ (۳). وَفِي رِوَايَةٍ: مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه برای خدا نماز واجبی را اداء کند در عتق او دعای مستجابی دارد.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيُّمَا امْرِءٍ مُسْلِمٍ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ الَّتِي صَلَّى فِيهَا الْفَجْرُ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ مَنْ حَجَّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَغُفِرَ لَهُ (۵)!

(۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۴.

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۱۴.

(۳) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۱۵.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۱۶.

(۵) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۱۰۲۵ و مسندا لاما مزيد / ص ۱۶۰.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر مرد مسلمانی که در جای نماز خود که نماز فجر را در آنجا خوانده بنشیند و خدا را ذکر کند تا طلوع شمس مزد او مانند مزد کسی است که بار رسول خدا (ص) به حج رفته و برای او موجب آمرزش است.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ جَلَسَ فِي مَجْلِسِهِ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ سَتَرَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ (۱).

یعنی: رسول خدا (ص) فرمود: کسی که نماز فجر را بخواند سپس بنشیند در جای خود که خدا را ذکر کند تا طلوع خورشید خدا او را از آتش دوزخ مستور دارد.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعُثْمَانَ بْنِ مِظْعُونٍ: مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ فِي الْفَرْدِ سَبْعُونَ دَرَجَةً، بَعْدَمَا بَيَّنَّ كُلَّ دَرَجَتَيْنِ كَحُضْرِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضْمَرِ سَبْعِينَ سَنَةً (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) به عثمان بن مظعون فرمود: کسی که نماز فجر را در جماعت بخواند سپس بنشیند و ذکر خدا گوید تا طلوع خورشید برای او در بهشت فردوس هفتاد درجه است که فاصله بین هر دو درجه مانند آن است که اسب تندرو مسابقه هفتاد سال بتازد.

ع ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ يَقْبِضَ رُكْبَتَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» وَ فِي الْمَغْرِبِ مِثْلَهَا لَمْ يَلِقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا يَعْمَلُ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِهِ إِلَّا مَنْ جَاءَ بِمِثْلِ عَمَلِهِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که نماز صبح را بخواند و پیش از آنکه دوزانوی خود بهمزند ده مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَاعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و در مغرب نیز مانند آنرا بگوید خدای عزوجل را ملاقات نکرده بنده ای بعملی که بهتر از عمل او باشد مگر

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۳۵ و ۱۰۳۷.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۳۶.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۴۹.

بندهای که عملی بمانند او بیاورد.

مؤلف گوید: این حدیث و سه حدیث قبل آن واحادیثی از این قبیل که دارای غلو است، مورد تأمل است و نمیتوان گفت که با قرآن موافق است. و چنانکه ذکر شد ما احادیث را بدون توضیح میآوریم.

۷- ج کَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) چون از نماز فارغ میشد سه مرتبه استغفار میکرد و میگفت اللَّهُمَّ تَا آخِر.

۸- ج کَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا سَلَّمَ لَمْ يَقْعُدْ إِلَّا مَقْدَارَ مَا يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲)

یعنی، پیغمبر (ص) چون سلام میداد نمی نشست مگر بمقداری که میگفت اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ تَا آخِر.

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبَ إِلَيْهِ غُفِرَ لَهُ (۳).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه آمرزش خواهد از خدای بزرگی که خدای جزا و نیست که زنده و برپا دارنده است و برگشت میکنم به او: آمرزیده شود.

۱۰- ج كَتَبَ الْمُغِيرَةَ إِلَى مُعَاوِيَةَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أُعْطِيَْتَ وَ لَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ (۴)

یعنی، مغیره به معاویه نوشت که رسول خدا (ص) چون از نماز فارغ میشد و سلام میداد میگفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَا جَمَلَهُ مِنْكَ الْجَدُّ.

۱۱- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَعْقِبَاتٌ لَا يَخِيبُ قَائِلُهُنَّ : ثَلَاثٌ

- | | |
|-----|--|
| (۱) | التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۵ |
| (۲) | التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۳۷ |
| (۳) | التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۵ |
| (۴) | التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۵ |

وَ ثَلَاثُونَ تَسْبِيحَةً وَ ثَلَاثَ وَ ثَلَاثُونَ تَحْمِيدَةً وَ أَرْبَعَ وَ ثَلَاثِينَ
تَكْبِيرَةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای نماز تعقیباتی است که گوینده آن ناامید نمیشود و آن سی و سه مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ و سی و سه مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ و سی و چهار آله اکبر در عقب هر نمازی است.
۱۲- ج عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ فُقَرَاءَ الْمَهَاجِرِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالُوا: ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالدرجاتِ وَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ فَقَالَ: وَ مَا ذَاكَ؟ قَالُوا: يَصَلُّونَ كَمَا نُصَلِّي وَ يَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ وَ يَتَصَدَّقُونَ وَ لَانْتَمَدُّقُ وَ يَعْتَقُونَ وَ لَانَعَتِقُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَلَا فَلَأَعْلَمِكُمْ شَيْئًا تُدْرِكُونَ بِهِ مَنْ سَبَقَكُمْ وَ تَسْبِقُونَ بِهِ مَنْ بَعْدَكُمْ وَ لَا يَكُونُ أَحَدٌ أَفْضَلَ مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعْتُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: تَسْبِحُونَ وَ تُكْمِرُونَ وَ تَحْمَدُونَ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: وَ تَخْتَمُهَا بِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳).

یعنی، از ابوهریره روایت است که فقراى مهاجرین خدمت رسول خدا (ص) آمدند و گفتند صاحبان اموال درجات و نعمت دائمی را بردند، رسول خدا (ص) فرمود مقصود چیست؟ عرض کردند صاحبان اموال کثیره مانند نماز میخوانند و روزه میگیرند ولی آنان صدقه میدهند و مانمیدهم و بنده آزاد میکنند و ما نمیکنیم، پس رسول خدا (ص) فرمود آیا شمارا یاد ندهم چیزی را که بوسیله آن برسید بهرکس که از شما جلو رفته، و از بعد خود سبقت گرفته باشید و احدی بهتر از شما نباشد جز آنکه کاری مثل کار شما کرده باشد؟ عرض کردند، بلی یا رسول الله، فرمود: در عقب هر نمازی سی و سه مرتبه تسبیح و تحمید و تکبیر بگوئید. و در روایتی زیاد کرده که این ذکرها را ختم کن به گفتن: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

- (۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۵ و ۲۱۶ و المصنف/ ج ۲/ ص ۲۳۶.
(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۶ و المصنف/ ج ۲/ ص ۲۳۲ و ۲۳۳.
(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۶.

۱۳- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لَهُ وَ لِفَاطِمَةَ: أَلَا أَعْلَمُكُمْ مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مِّنَ الْخَادِمِ؟ إِذَا أَخَذْتُمَا مِنَّا مَكْمُلًا فَكَبِّرَا أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، وَ سَبِّحَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحًا، وَ أَحْمَدَا ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ! (۱)
یعنی، از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) به او و فاطمه فرمود: آیا به شما چیزی یاد دهم که برای شما بهتر از خادم باشد، چون خواستید بخوابید سی و چهار مرتبه تکبیر بگوئید و سی و سه مرتبه تسبیح بگوئید و سی و سه مرتبه الحمد لله بگوئید. فاطمه گفت از خدا و از رسول او راضی شدم.

۱۴- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ، وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يَحْيَى وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.» ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: لَاتَدْعُوا هَذِهِ التَّكْبِيرَ وَ هَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ جُنْدِهِ (۲)!

یعنی، حضرت صادق گفت که رسول خدا (ص) چون مکه را فتح کرد نماز ظهر را با اصحاب خود نزد حجر الاسود ادا کرد و چون سلام داد دستها را بلند کرد و تکبیر گفت سه مرتبه و گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، سپس رو به اصحاب نمود و فرمود این تکبیر را ترک نکنید و این گفتار را در عقب هر نماز ترک نکنید زیرا هر کس بعد از سلام این کار را کند و اینها را بگوید بتحقیق ادا کرده آن شکر را که برای خدایتعالی بر او واجب بوده بر تقویت اسلام و لشکرش.

۱۵- ج عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَخَذَ بِيَدِهِ وَقَالَ:

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۲۶ و المصنف / ج ۱۱ / ص ۰۳۳.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۳۰ و ۱۰۳۱.

يَا مُعَاذُ إِنِّي وَاللَّهِ لَأُحِبُّكَ، أَوْصِيكَ يَا مُعَاذُ لَاتَدْعَنَّ فِي دُبُرِكِ صَلَاةٍ تَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحَسَنِ عِبَادَتِكَ (۱)

یعنی، از مُعَاذِ بْنِ جَبَل روایت است که رسول خدا (ص) دست او را گرفت و فرمود: ای معاذ بخدا قسم که من تو را دوست میدارم تو را سفارش میکنم ای معاذ که ترک مکن در عقب هر نمازی که بگوئی:

خدا یا مرا یاری کن بر ذکرت و شکر و عبادت نیکت.
۱۶- ج عَنْ عُقَيْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ أَقْرَأَ بِالْمُعَوَّذَاتِ دُبُرَ كُلِّ صَلَاةٍ (۲)

یعنی، روایت شده از عُقَيْبَةُ بْنُ عَامِرٍ که رسول خدا (ص) مرا امر کرد که سوره های مُعَوَّذَاتِ که اول آنها قُلْ أَعُوذُ است در عقب هر نماز قرائت کنم.

۱۷- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عِنْدِ جُوَيْرِيَةَ وَهِيَ فِي مَصَلَاةٍ وَدَخَلَ وَهِيَ فِي مَصَلَاةٍ فَقَالَ: لِمَ تَرَالِي فِي مَصَلَاكِ هَذَا؟ قَالَتْ: نَعَمْ، قَالَ: قَدْ قُلْتَ بَعْدَكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَوْ وُزِنَتْ بِمَا قُلْتَ لَوَزِنَتْهُنَّ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِينَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ (۳)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت رسول خدا (ص) از نزد جُوَيْرِيَةَ همسرش بیرون آمد در حالیکه او در جای نمازش بود و داخل شد در حالیکه او در جای نمازش بود، پس فرمود تو همواره در جای نمازت هستی؟ عرض کرد بلی، فرمود: من پس از تو چهار کلمه را سه مرتبه گفتم که اگر بمیزان بسنجی با آنچه گفتم ای همسوزن خواهد بود و آن کلمات این است: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِينَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ.

۱۸- ش أَتَى رَجُلًا إِلَى النَّبِيِّ (ص) يُقَالُ لَهُ شَيْبَةُ الْهُذَيْلِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي كَلِمًا يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ وَخَفِيَ عَلَيَّ إِلَيَّ أَنْ قَالَ فَقَالَ (ص) تَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَافِضْ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۷.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۷.

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۱۷.

عَلَىٰ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ (۱)
 یعنی، مردی بنام شَيْبَةَ الْهُذَيْل خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت یا
 رَسُولَ اللَّهِ کلامی به من بیا موز که خدا مرا بآن بهره دهد و سبک
 باشد بر من تا آنکه گفت رسول خدا (ص) فرمود: در عقب هر نمازی
 میگوئی اَللّٰهُمَّ اهْدِنِيْ مِنْ عِنْدِكَ وَ اَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ تَا
 آخِر، یعنی خدا یا مرا از نزد خود هدایت کن و از فضل خود بر من
 بریز و از رحمتت بر من منتشر ساز و از برکاتت بر من نازل نما .
 ۱۹- ج عَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ لِرَجُلٍ: كَيْفَ تَقُولُ فِي
 الصَّلَاةِ؟ قَالَ: أَتَشْهَدُ وَ أَقُولُ: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ وَ اَعُوْذُ
 بِكَ مِنَ النَّارِ، اَمَّا اِنِّيْ لِاَحْسِنُ دَنْدَنَتَكَ وَ لَادَنْدَنَهُ مُعَاذِ فَقَالَ
 النَّبِيُّ (ص) حَوْلَهَا نُدُنْدِنٌ (۲)

یعنی، از جابر روایت شده که رسول خدا (ص) به مردی گفت چه میگوئی
 در نماز گفت تشهد را میخوانم و میگویم خدا از تو بهشت
 میخواهم و پناه میبرم به تو از آتش، آگاه باش من نغمه تو و
 نغمه معاذ را نیکو نمیگویم، رسول خدا (ص) فرمود اطراف همین
 کلمات که میگوئی ما نغمه سرائیم .

ابواب سجود السهو و التلاوة

۱۱۱- باب الخلل الواقعة في الصلاة وسجود السهو

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ
 الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۳)

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ بِمِلِّي جَاءَهُ الشَّيْطَانُ

(۱) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۱۰۴۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۸

(۳) قرآن / سورة اسراء / آیه ۳۶

فَلَبَسَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى فَإِذَا وَجَدَ ذَلِكَ أَحَدَكُمْ فَلْيَسْجُدْ
سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما برای نماز بایستد شیطان آید و براو اشتباه بیندازد تا آنکه نداند چه قدر خوانده (چند رکعت) ، پس چون این را یافت باید در حالیکه نشسته دو سجده نماید .

۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى ثَلَاثًا أَمْ أَرْبَعًا فَلْيَطْرَحِ الشَّكَّ وَلْيَبْنِ عَلَى مَا اسْتَيْقَنَ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ، فَإِنْ كَانَ صَلَّى خَمْسًا شَفَعَنَ لَهُ صَلَاتَهُ وَإِنْ كَانَ صَلَّى إِثْمًا مَّا لِأَرْبَعٍ كَانَتْهَا تَرْغِيمًا لِلشَّيْطَانِ (۲)

یعنی، روایت از ابی سعید خدری است از رسول خدا (ص) که فرمود: هرگاه یکی از شما در نمازش شک نمود که ندانست چند رکعت خوانده سه و یا چهار باید شک را رها کند و بناگذارد بر آنچه یقین دارد سپس قبل از سلام دو سجده نماید. پس اگر نمازش پنج رکعت بوده این سجده برای او نمازش را جفت میگرداند و اگر نمازش چهار رکعت بوده این دو سجده برای مالیدن دماغ شیطان به زمین باشد .

۳- ج عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا سَهَا أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ وَاحِدَةً صَلَّى أَوْ اثْنَتَيْنِ فَلْيَبْنِ عَلَى وَاحِدَةٍ فَإِنْ لَمْ يَدْرِ ثِنْتَيْنِ صَلَّى أَوْ ثَلَاثًا فَلْيَبْنِ عَلَى ثِنْتَيْنِ وَإِنْ لَمْ يَدْرِ ثَلَاثًا صَلَّى أَوْ أَرْبَعًا فَلْيَبْنِ عَلَى ثَلَاثٍ وَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُسَلِّمَ (۳)

یعنی، عبدالرحمن بن عوف از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: چون یکی از شما در نمازش سهونماید که نداند یک رکعت خوانده و یا دو رکعت ، باید بریک بناگذارد (که یقینی است) ، پس اگر نداند دو

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۸ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۸ و ۲۱۹ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۹ .

رکعت خوانده و یا سه باید بناگذارد بردو، و اگر نداند سه رکعت خوانده و یا چهار باید بناگذارد برسه (که یقینی است)، و باید قبل از آنکه سلام گوید دو سجده بجا آورد.

۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا شَكَّ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلَمْ يَدْرِ زَادَ أَمْ نَقَصَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ سَمَاهُمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمُرْغَمَتَيْنِ (۱)

یعنی، حضرت باقر (ع) میفرمود، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما در نمازش شک کرد و ندانست زیاد کرده و یا کم، باید دو سجده کند در حالیکه نشسته باشد. و این دو سجده را رسول خدا (ص) مُرْغِم نامید یعنی به خاک میمالد دماغ شیطان را.

۵- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَحِيْنَةَ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَامَ مِنَ اثْنَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ لَمْ يَجْلِسْ بَيْنَهُمَا فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ ثُمَّ سَلَّمَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ سَجَدَهُمَا النَّاسُ مَعَهُ مَكَانَ مَا نَسِيَ مِنَ الْجُلُوسِ (۲)

یعنی، از عبدالله بن بحینه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) از دو رکعت از ظهر برخاست و بین آنها ننشست، پس چون نمازش را تمام کرد دو سجده کرد، سپس سلام داد و مردم با او سجده کردند بجای آن جلوسی که نسیان کرده بود.

۶- ج عَنْ الْمُغْبِرَةِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَامَ الْإِمَامُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ فَإِنْ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ قَائِمًا فَلْيَجْلِسْ فَإِنْ اسْتَوِيَ قَائِمًا فَلْيَجْلِسْ وَ يَسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ (۳)

یعنی، از مغیره روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: اگر امام جماعت در جائیکه دو رکعت خوانده ایستاد (تشهد را فراموش کرد) پس اگر پیش از آنکه بقیام استقرار یابد متذکر شد باید بنشیند و اگر بقیام استقرار یافت بنشیند و دو سجده سهو انجام دهد.

۷- ش عَنْ الْمَادِقِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى بِالنَّاسِ الظُّهْرَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۲۶
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۹
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۱۹ و المصنف / ج ۲ / ص ۳۱۰

رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَهَا فَقَالَ لَهُ ذُو الشَّمَالَيْنِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أُنزِلَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّمَا صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَتَقُولُونَ مِثْلَ قَوْلِهِ؟ فَقَالُوا: نَعَمْ، فَقَامَ فَأَتَمَّ بِهِمُ الصَّلَاةَ، وَسَجَدَ سَجْدَتِي السَّهْوِ! (۱)

یعنی، «از حضرت صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) با مردم نماز ظهر را دو رکعت خواند، سپس سهو کرد و سلام داد، پس ذوالشمالین گفت: یا رسول الله آیا در نماز چیزی نازل گشته؟ فرمود: چه باشد؟ گفت، دو رکعت خواندید. رسول خدا (ص) به دیگران فرمود: شما مانند گفتار او قائلید؟ گفتند: آری. پس رسول خدا (ص) ایستاد و نماز را با ایشان تمام کرد و دو سجده سهو انجام داد. «وبهمین مضمون در کتاب تاج نیز ذکر شده (۲)

۸- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: صَلَّى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) الظُّهْرَ خَمْسَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ انْفَتَلَ، فَقَالَ لَهُ الْقَوْمُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) هَلْ زِيدَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: صَلَّيْتُ بِنَا خَمْسَ رَكَعَاتٍ، قَالَ: فَأَسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ وَكَبَّرَ وَهُوَ جَالِسٌ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لَيْسَ فِيهِمَا قِرَاءَةٌ وَلَا رُكُوعٌ، ثُمَّ سَلَّمَ، وَكَانَ يَقُولُ: هُمَا الْمُرْغِمَانِ (۳)

یعنی، از علی (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) با ما نماز کرد نماز ظهر را پنج رکعت، سپس به مستحباً بپرداخت، اصحاب عرض کردند: یا رسول الله آیا در نماز چیزی زیاد شده؟ فرمود: چه شده؟ گفتند: پنج رکعت خواندی، پس آنجناب رو به قبله کرد و تکبیر گفت در حال نشسته، سپس دو سجده بجا آورد که در آنها نه قرائت بود و نه رکوع، سپس سلام داد و میفرمود: این دو سجده دماغ شیطان را به خاک مالید.

۹- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى الظُّهْرَ خَمْسًا، فَقِيلَ لَهُ: أَزِيدَ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: صَلَّيْتُ خَمْسًا، فَسَجَدَ سَجْدَتَيْنِ بَعْدَ مَا سَلَّمَ. وَقَالَ: إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلَكُمْ أَذْكُرْكُمْ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۰۹ و المصنف / ج ۲ / ص ۲۹۷

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۰

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۳۳ و المصنف / ج ۲ / ص ۳۰۲ و

مسند الامام زید / ص ۱۲۳ و ۱۲۴

تَذَكَّرُونَ وَ أَنْسَى كَمَا تَنْسَوْنَ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) نماز ظهر را پنج رکعت خواند، بها و گفته شد آیا در نماز زیاد شده؟ فرمود: چه شده؟ عرض شد شما پنج رکعت نماز خواندی، پس حضرت پس از آنکه سلام داد دو سجده کرد و فرمود: همانا من بشری مانند شمایم، متذکرم چنانکه شما متذکرید و فراموش کارم چنانکه شما فراموش میکنید.

۱۰- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع)، قَالَ: أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشَكُّو إِلَيْكَ مَا أَلْقَى مِنَ الْوَسْوَسَةِ فِي صَلَاتِي حَتَّى لَا أَدْرِي مَا صَلَّيْتُ مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ تَقْصَانٍ؟ فَقَالَ: إِذَا دَخَلْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاطْعَنْ فَخَذَكَ الْأَيْسَرَ بِأَصْبِعِكَ الْيُمْنَى الْمَسِيحَةَ ثُمَّ قُلْ: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّكَ تَنْحَرُهُ وَ تَطْرُدُهُ (۲)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت یا رسول الله به سوی تو شکایت میکنم از آنچه به من میرسد از وسوسه در نماز تا اندازه ای که نمیدانم چه قدر نماز خوانده ام از زیاد و کم؟ فرمود: چون خواستی داخل نماز شوی به ران چپت بزنی با انگشتیکه تسبیح میکنی، سپس بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ که او را از بین بردی و طردش کرده ای.

۱۱- ج عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى بِهِمْ فَسَهَا فَسَجَدَ سَجْدَتِي السَّهْوِ ثُمَّ تَشَهَّدَ ثُمَّ سَلَّمَ (۳)

یعنی، از عمران بن حصین روایت شده که رسول خدا (ص) بر مردم امامت کرد و نماز خواند سپس سهو کرد و دو سجده سهو نمود، سپس تشهد گفت و سلام داد.

۱۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَضَعَ عَنَ أُمَّتِي تِسْعَةَ أَشْيَاءَ: السَّهْوُ، وَ الْخَطَا، وَ النَّسْيَانُ، وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ مَا

(۱) - التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۱
(۲) - وسأقل الشيعة / ج ۵ / ص ۲۴۵
(۳) - التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۱

لَا يَطِيقُونَ، وَالطَّيْرَةَ، وَالْحَسَدَ، وَالتَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسَةِ فِي الْخَلْقِ
مَا لَمْ يَنْطِقِ الْإِنْسَانُ بِشَفَةِ (١)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: از امت من نه چیز برداشته شده (یعنی
مؤاخذه آن): سهو کردن و خطا نمودن و فراموش کردن، و آنچه بر آن
باکراه و آداب ارشوند و آنچه ندانند و آنچه طاقت ندارند و فال بدو
حسد و فکر کردن در خیال در خلقت مادامیکه بزبان چیزی نگوید.

۱۱۲- باب سجدة التلاوة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا
خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٢)

ج ۱- قَالَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السَّجْدَةَ فَسَجَدَ اعْتَرَلَ
الشَّيْطَانُ يَبْكِي يَقُولُ يَا وَيْلَهُ. وَفِي رِوَايَةٍ: يَا وَيْلِي! أُمِرَ ابْنُ آدَمَ
بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَأُمِرَتْ بِالسُّجُودِ فَأَبَيْتَ فَلِيَ النَّارُ (٣)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون فرزند آدم آیه سجده را قرائت
کند و سجده نماید شیطان برکناری رود و گریه کند و گوید ای وای
بر من، فرزند آدم ما موربه سجده شد و سجده کرد و بهشت از او شد و
من ما مور به سجده شدم و خودداری کردم و آتش از من شد.

ج ۲- عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ السُّورَةَ الَّتِي
فِيهَا السَّجْدَةُ فَيَسْجُدُ وَنَسْجُدُ مَعَهُ حَتَّىٰ مَا يَجِدُ أَحَدًا مَكَانَ الْمَوْضِعِ
جَبَّهَتْهُ (٤)

یعنی، عبداللہ بن عمر گفته رسول خدا (ص) سوره ای که در آن امر به
سجده بود میخواند و سجده میکرد و ما با او سجده میکردیم تا آنکه
یکی از ما برای گذاشتن پیشانی جایی نمی یافت (از کثرت جمعیت).

- (١) وسائل الشیعه / ج ٥ / ص ٣٤٥
(٢) قرآن / سوره سجده / آیه ١٥
(٣) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٢٢
(٤) التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٢٢

۳- ج عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص): يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي سُورَةِ الْحَجِّ سَجْدَتَانِ، قَالَ: نَعَمْ، وَمَنْ لَمْ يَسْجُدْهُمَا فَلَا يَقْرَأْهُمَا (۱).

یعنی، از عقبه روایت شده که گفت به رسول خدا عرض کردم ای رسول خدا، در سوره حج دو سجده میباشد (در آیه ۱۸ و ۷۷)؟ فرمود: بلی، هر کس آن دو سجده را نکند، پس قرائت نکند.

۴- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ عَلَيْنَا الْقُرْآنَ فَإِذَا مَرَّ بِالسَّجْدَةِ كَبَّرَ وَ سَجَدَ وَ سَجَدْنَا مَعَهُ (۲).

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: پیغمبر (ص) بر ما قرآن میخواند پس چون به آیه سجده میگذشت تکبیر میگفت و سجده میکرد و ما نیز با او سجده میکردیم.

۵- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ فِي الْجُمُعَةِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ الْمَ تَنْزِيلَ السَّجْدَةِ وَ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ (۳).

یعنی، از ابوهریره روایت است که رسول خدا (ص) در روز جمعه در نماز فجر سوره الم تنزیل سجده، و سوره هل اتی را که سوره دهر باشد قرائت کرد.

۶- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: مَنْ لَيْسَ مِنْ عَزَائِمِ السُّجُودِ وَ قَدْ رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَسْجُدُ فِيهَا . وَ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ مَنْ فَلَمَّا بَلَغَ السَّجْدَةَ نَزَلَ فَسَجَدَ وَ سَجَدَ النَّاسُ مَعَهُ ، فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ آخِرِ قَرَأَهَا فَلَمَّا بَلَغَ السَّجْدَةَ تَشَرَّنَ النَّاسُ لِلْسُّجُودِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّمَا هِيَ تَوْبَةٌ نَبِيِّ وَلِكُنِّي رَأَيْتُكُمْ تَشَرَّنْتُمْ لِلْسُّجُودِ، فَنَزَلَ فَسَجَدَ وَ سَجَدُوا (۴).

یعنی، ابن عباس گوید: سوره ص از سوره هاشمی که سجده واجب داشته باشد نیست، ولی من دیدم رسول خدا (ص) در این سوره سجده میکرد. و رسول خدا (ص) در حالیکه در منبر بود آنرا قرائت کرد، پس چون به آیه سجده رسید پائین آمد و سجده کرد و مردم نیز با او سجده کردند،

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۲ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۳۴۵ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۳ .
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۳۲۷ و ۳۳۸ .

پس چون روز دیگر رسید آنحضرت آنسوره را قرائت کرد و همینکه به آیه سجده رسید مردم آماده برای سجده شدند، پس رسول خدا (ص) فرمود: همانا این سجده مربوط به توبه پیامبری (حضرت داود) میباشد ولی من شما را دیدم آماده برای سجده شدید، پس آنحضرت سجده کرد و مردم نیز سجده نمودند.

۷- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) سَجَدَ بِالنَّجْمِ وَ سَجَدَ مَعَهُ الْمُسْلِمُونَ وَ الْمُشْرِكُونَ وَ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ (۱)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که پیغمبر (ص) در سوره نجم سجده کرد، پس مسلمین و مشرکین و جن و انس با او سجده کردند.

۸- ج عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ أَبِي هُرَيْرَةَ الْعَتَمَةَ فَقَرَأَ إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ فَسَجَدَ فَقُلْتُ: مَا هَذِهِ؟ قَالَ: سَجَدْتُ بِهَا خَلْفَ أَبِي الْقَاسِمِ (ص) فَلَا أَزَالُ أُسْجِدُ فِيهَا حَتَّى أَلْقَاهُ (۲).

یعنی، از ابی رافع روایت شده که گفت: نماز عشاء را با ابی هریره خواندم، پس سوره انشقاق را قرائت کرد و سجده نمود، پس گفتم: چه باشد این سجده؟ گفت: چنین سجده ای پشت رسول خدا (ص) کردم، پس همیشه این سجده را خواهم کرد تا او را ملاقات کنم.

۹- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: سَجَدْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ وَ أَقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ (۳)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که گفت: با رسول خدا سجده کردیم در سوره انشقاق و سوره علق.

۱۰- ج عَنْ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) أَقْرَأَهُ خَمْسَ عَشْرَةَ سَجْدَةً فِي الْقُرْآنِ مِنْهَا ثَلَاثٌ فِي الْمُفْصَلِ وَ فِي سُورَةِ الْحَجِّ سَجْدَتَانِ (۴)

یعنی، از عمرو بن عاص روایت است که پیغمبر (ص) پانزده سجده در قرآن را برای او قرائت کرد از جمله سه سجده در سوره های مُفْصَل (سوره های نجم، انشقاق و علق)، و در سوره حج دو سجده.

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۲۳ و المصنف/ ج ۳/ ص ۳۳۹

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۲۴

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۲۴ و المصنف/ ج ۳/ ص ۳۴۰

(۴) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۲۴

۱۱- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَرَأَ النَّبِيُّ (ص) النَّجْمَ بِمَكَّةَ فَسَجَدَ فِيهَا وَ سَجَدَ مَنْ مَعَهُ غَيْرَ شَيْخٍ أَخَذَ كَفًّا مِنْ حَصَى أَوْ تَرَابٍ فَرَفَعَهُ إِلَى جَبْهَتِهِ وَ قَالَ: يَكْفِينِي هَذَا، فَرَأَيْتَهُ بَعْدَ ذَلِكَ قَتَلَ كَافِرًا! (۱)

یعنی، عبد الله بن مسعود گوید: رسول خدا (ص) در مکه سوره نجم را قرائت کرد و در آن سجده نمود و کسانی که با او بودند سجده نمودند جز پیره مردی که مشتت از ریگ و یا خاک برداشت و بالا برد و به پیشانی گذاشت و گفت همین مرا کفایت میکند، پس او را دیدم بعد از آن در حال کفر کشته شد.

۱۲- ج عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ: سَجَدْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِحْدَى عَشْرَةَ سَجْدَةً مِنْهَا الَّتِي فِي النَّجْمِ (۲)

یعنی، ابوالدرداء گوید: با رسول خدا (ص) یازده سجده کردم از آن جمله آن سجده ای که در سوره نجم است.

۱۳- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَالنَّجْمَ فَلَمْ يَسْجُدْ فِيهَا! (۳)

یعنی، از زید بن ثابت روایت شده که گفت: سوره نجم را بر پیامبر (ص) قرائت کردم، پس آنحضرت در آن سجده نکرد.

۱۴- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقُولُ فِي سُجُودِ الْقُرْآنِ بِاللَّيْلِ يَقُولُ فِي السَّجْدَةِ مَرَارًا: سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ (۴)

یعنی، عایشه گوید: رسول خدا (ص) مکرر در شب، در سجده های قرآنی می گفت: سجده کرد صورتم برای آنکه آنرا خلق کرده و گوش و چشم آنرا شکافته بیاری و توانائی خود.

۱۱۳- باب سجدة الشکر

۱- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۳
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۴
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۴
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۵

عَلِي نَاقَةَ لَهُ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ، فَلَمَّا رَكِبَ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جِبْرَائِيلُ فَبَشَّرَنِي بِبِشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ لِكُلِّ بَشْرٍ سَجَدَهُ (۱)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود که: رسول خدا (ص) در سفر آسانی بود بر شتر خود که فرود آمد و سجد کرد پنج سجده. پس چون سوار شد، عرض کردند: ای رسول خدا ما تو را دیدیم کاری کردی که نکرده بودی؟ فرمود: بلی، جبرئیل آمد و مرا به خبرهای خوشی از طرف خدای عزوجل بشارت داد، پس من برای هر بشارتی سجده ای کردم.

۲- ج عَنْ أَبِي بَكْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ كَانَ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ سُرُورٍ أَوْ بَشْرٍ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ (۲)

یعنی، ابوبکره گوید که: رسول خدا (ص) را چون امری که موجب خوشی و یا بشارت بود میرسید می افتاد و سجد می کرد برای شکر خدا.

ابواب المساجد

۱۱۴- باب فضل المساجد والسعي إليها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ
أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۳)

۱- ج عَنْ عُمَانَ قَالَ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ بَنَى
مَسْجِدًا يَبْتَغِي بِهِ وَجْهَ اللَّهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ مِثْلَهُ فِي الْجَنَّةِ (۴)

یعنی، عثمان گفت که از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: کسیکه برای رضای خدا مسجدی بنا کند خدا مانند آنرا برای او در بهشت بنا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۰۸۰ و ۱۰۸۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۵.

(۳) قرآن / سوره توبه / آیه ۱۸.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۹ و مسندا لاما زید / ص ۱۵۴.

کند

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ عَامٍ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ وَ دَرٍّ وَ يَاقُوتٍ وَ زُمُرَدٍ وَ زَبْرَجَدٍ وَ لَوْلُو^(۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس مسجدی بنا کند خدای عزوجل به هر وجبی از آن مسجد و در مقابل آن عطا کند بقدر سیر چهل هزار سال شهری از طلا و نقره و در و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ.

۳- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ، وَالْمَسْجِدُ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه قرآن سخن او و مسجد خانه او باشد خدا برای او خانه‌ای در بهشت بنا کند.

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِنِيبَاءِ الْمَسَاجِدِ فِي الدُّوْرِ وَ أَنْ تُنْظَفَ وَ تُطَيَّبَ^(۳)

یعنی، عایشه گوید، رسول خدا (ص) ما را امر کرد به اینکه در خانه‌ها مسجد بنا شود و با نظافت و پاکیزه نگاهداری گردد.

۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): اجْعَلُوا فِي بَيْوتِكُمْ مِنْ صَلَاتِكُمْ فَلَاتَتَّخِذُوها قُبُورًا^(۴)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: بعضی از نمازها را در خانه‌ها تان قرار دهید و آنها را مانند قبرها نگیرید (یعنی خانه‌ها تان از ذکر خدا خالی نباشد. و بهتر است قسمتی از نوافل در منزل بجا آورده شود).

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: إِنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ الْأَطْوَبِي لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْوتَهُ، إِلَّا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي، إِلَّا إِنَّ عَلَيَّ الْمَزُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ إِلَّا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۸۶ / ۴

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۴۸۱

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۹

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۹ و المصنف / ج ۱ / ص ۳۹۳

بَشِّرِ الْمَشَاقِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که خدا فرموده: حَقًّا خانه‌های مسن در زمین مساجد است که برای اهل آسمان میدرخشد چنانکه ستارگان برای اهل زمین میدرخشند، آگاہ باشید خوشابه حال آنکه مساجد خانه‌ها و باشد، آگاہ باشید خوشابه حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو گیرد پس مرا در خانه‌ام زیارت کند، آگاہ باشید برعهده میزبان احترام زافراست، آگاہ باشید روندگان به سوی مساجد در تاریکیها بشارت بده به نور درخشان روز قیامت (متأسفانه زمان ما ائمه مساجد آنرا دکان نموده و وجوهاتی بنام دین میگیرند و در دعاها غیر خدا را میخوانند).

۷- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَحَبُّ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ مَسَاجِدُهَا وَ أَبْغَضُ الْبِلَادِ إِلَى اللَّهِ أَسْوَاقُهَا (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین و محبوبترین شهرها نزد خدا مساجد آنها و مبغوضترین آنها به سوی خدا بازارهای آنها است.

۸- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَ خَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا (۳)

یعنی، حضرت علی (ع) گفت، مرد اعرابی خدمت رسول خدا (ص) آمد و سؤال کرد از بدترین بقاع زمین و بهترین بقعه‌های آن؟ فرمود: بدترین بقاع زمین بازار و بهترین بقعه‌ها مساجد است، و نزد خدا محبوبترین مردم کسی است که قبل از همه داخل مسجد گردد و آخر ایشان از آن خارج شود.

۹- ش وَجَّعَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: إِمَامٌ عَادِلٌ، وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۱ / ص ۲۶۸

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۰

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۵۴ و ۵۵۳

عَزَّوَجَلَّ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ
وَرَجُلَانِ كَانَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَاجْتَمَعَا عَلَى ذَلِكَ وَتَفَرَّقَا،
وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ حَسَبٍ
وَجَمَالٍ فَقَالَتْ: إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ، وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى
لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا يَتَصَدَّقُ بِيَمِينِهِ! (۱)

یعنی، ابوهریره از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: هفت کس را
خدایتعالی در سایه لطف خود سایه افکند روزی که سایه ای نباشد جز
سایه لطف او: زما مداری که عدالت کند، و جوانی که در عبادت خدای
عزوجل نشوونما کند، و مردی که دل بستگی به مسجد دارد چون خارج
شود در فکر است تا به آن برگردد، و دومی که در طاعت خدا باشند
پس بر طاعت خدای عزوجل جمع شوند و جدا شوند، و مردی که در جای
خلوت به یاد خدا اشک بریزد، و مردی که زن صاحب مقام و جمال او را
بخواند پس او بگوید من از خدا میترسم، و مردی که صدقه ای دهد
که پنهانی دهد تا باندازه ای که دست چپ او نداند که با دست
راست چه صدقه داده است

۱۰- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْأَبْعَدُ فَا لِأَبْعَدٍ مِنَ الْمَسْجِدِ أَعْظَمُ
أَجْرًا. وَ قَالَ (ص): مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ مَشَى إِلَى بَيْتٍ مِنْ بَيْوتِ
اللَّهِ لِيَقْضَى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَتْ خَطْوَتَاهُ إِحْدَاهُمَا تَحِطُّ
خَطِيئَتَهُ وَالْآخَرَى تَرْفَعُ دَرَجَةً (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آنکه از مسجد دورتر است، اجر
او بزرگتر است. و فرمود: کسیکه در خانه اش تطهیر کند سپس به
خانه ای از خانه های خدا برود تا نمازواجبی را انجام دهد دارای
دو قدم است بیک قدم خطایای او محو شود و به دیگری درجه ای
برای او بالا برده شود.

۱۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ
اللَّهِ فَلَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۸۲ و التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص :

۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۲.

مَجِي عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَرُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس به سوی مسجدی از مساجد الهی قدم بردارد برای او به هر قدمی که بردارد تا به منزل خود برگردد ده حسنه میبشد و از او ده گناه محو گردد و برای او ده درجه است.

۱۲- ج عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كَانَتْ دِيَارُنَا نَائِيَةً عَنِ الْمَسْجِدِ فَأَرَدْنَا أَنْ نَبِيعَ بُيُوتَنَا فَنَقْتَرِبَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَنَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: إِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ خَطْوَةٍ دَرَجَةٌ. وَفِي رِوَايَةٍ: يَا بَنِي سَلَمَةَ، دِيَارَكُمْ تَكْتَبُ آثَارَكُمْ (۲)

یعنی، جابر گوید: خانه‌های ما از مسجد دور بود خواستیم خانه‌ها را بفروشیم و به مسجد نزدیک شویم، رسول خدا (ص) ما را نهی کرد و فرمود: برای هر قدمی درجه است. و در روایتی فرمود: ای طائفه بنی سلمه خانه‌های خود را قدر بدانید قدمهای شما نوشته شود.

۱۳- ش عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ: الْمُصْحَفَ، وَالْمَسْجِدَ، وَالْعِتْرَةَ، يَقُولُ الْمُصْحَفُ يَا رَبِّ حَرِّقُونِي وَ مَزَقُونِي، وَيَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبِّ عَظِّمُونِي وَ ضَيِّعُونِي، وَيَقُولُ الْعِتْرَةُ يَا رَبِّ قَتَلُونَا وَ طَرَدُونَا وَ شَرَدُونَا فَأَجْتُوا لِلرُّكْبَتَيْنِ فِي الْخُصُومَةِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَنَا أَوْلَىٰ بِذَلِكَ (۳)

یعنی، جابر از قول رسول خدا (ص) گوید: روز قیامت سه چیز برای شکایت بیایند: قرآن و مسجد و عترت. قرآن میگوید پروردگارا مرا سوزانیدند و پاره کردند، مسجد میگوید پروردگارا مرا معطل و ضایع گذاشتند و عترت میگوید پروردگارا ما را کشتند و طرد کردند و متفرق ساختند، پس به دوزانو برای خصومت درآیند. خدای عزوجل میفرماید من سزاوارترم به خصومت.

۱۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وُضُوءَهُ ثُمَّ رَاحَ فَوَجَسَدَ النَّاسَ قَدْ مَلُوا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِثْلَ أَجْرَمَنْ صَلَّى وَ حَضَرَهَا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۸۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۲

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۸۴

لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا^(۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه وضو بگیرد وضو نیکو، سپس حرکت کند و بیاید که مردم نماز را خوانده اند خدا به او عطا کند مانند اجر کسی که نماز را خوانده و حاضر شده و این از اجر آنان چیزی کم نکند.

۱۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ: أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدًى، أَوْ يَتْرِكُ ذَنْبًا خَشِيَةً أَوْ حَيَاءً^(۲)!

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: آنکه به سوی مسجد رفت و آمد دارد، به یکی از هشت چیز برسد: یا برادر بافاده ای در راه خدا، و یادانشی بآبهره، و یا آیه محکمه، و یا کلمه ای که او را به راه هدایت رهنمائی کند، و یا به رحمتی که انتظار او را داشته، و یا به سخنی که او را از پستی برگرداند، و یا ترک گناهی کند برای ترس و یا خجالت.

۱۶- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): بَشِيرُ الْمَشَائِعِ فِي الظُّلْمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^(۳)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بشارت بده به روندگان در تاریکیها به طرف مساجد، به نور تمام در روز قیامت.

۱۷- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) يَقُولُ: إِنَّ أَنْاسًا كَانُوا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) أَبْطَأُوا عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): لَيُوشِكُ قَوْمٌ يَدْعُونَ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ أَنْ تَأْمُرَ بِحَطْبٍ فَيُوضَعُ عَلَى أَبْوَابِهِمْ فَتُوقَدَ عَلَيْهِمْ نَارٌ فَتُحْرَقَ عَلَيْهِمْ بَيْوتُهُمْ^(۴)!

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: مردمی در زمان رسول خدا (ص) از نماز خواندن در مسجد کنده کردند، پس پیغمبر (ص) فرمود: نزدیک است درباره قومی که نماز در مسجد را رها می کنند اینکه امر کنیم به هیز می پس بر

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۲.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۸۰.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۲.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۷۸.

خانه‌هاشان گذاشته شود و برایشان آتشی افروخته گردد و خانه‌هاشان برایشان سوزانده شود. (احادیث دیگری در توضیح این حدیث وارد شده که در ابواب جماعت خواهد آمد).

۱۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِأَصْلَةِ لِحَاظِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ (۱)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همسایه مسجد نمازی ندارد مگر در مسجدش.

۱۹- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعُوا قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ قُلْتُ: وَمَا الرِّتْعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِإِلَهِهِ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. وَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ قَعَدَ فِي مُصَلَّاهُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ (۲)

یعنی، ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: چون به باغهای بهشت گذشتید بچرید، عرض کردم يَا رَسُولَ اللَّهِ باغهای بهشت کدام است؟ فرمود: مساجد، عرض کردم چریدن چه باشد؟ فرمود ذکر سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِإِلَهِهِ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. و رسول خدا (ص) چون نماز فجر را میخواند در جای نماز خود می‌نشست تا طلوع خورشید.

۲۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْإِتِّكَاءُ فِي الْمَسْجِدِ رَهْبَانِيَّةٌ الْعَرَبِ، الْمُؤْمِنِ مَجْلِسُهُ مَسْجِدُهُ، وَ صَوْمَعَتُهُ بَيْتُهُ (۳)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ماندن در مسجد رهبانیت عرب است، مؤمن مجلسش مسجد و صومعه‌ا و خانه‌اوست.

۱۱۵- باب فضل المساجد الثلاثة ومسجد قباء

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۷۸
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۳
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۹

هُدَى لِلْعَالَمِينَ (۱)

۱- ج عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنْ أَوَّلِ مَسْجِدٍ وَضِعَ فِي الْأَرْضِ؟ قَالَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، قُلْتُ: ثُمَّ أَيٌّ؟ قَالَ: الْمَسْجِدُ الْأَقْصَى، قُلْتُ: كَمْ بَيْنَهُمَا؟ قَالَ: أَرْبَعُونَ عَامًا، ثُمَّ الْأَرْضُ لَكَ مَسْجِدٌ، فَحَيْثُمَا أَدْرَكَتْكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ (۲).

یعنی، ابودرگفت از رسول خدا (ص) پرسیدم از اولین مسجدی که در زمین بنا شد؟ فرمود: مَسْجِدُ الْحَرَامِ، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: مَسْجِدُ الْأَقْصَى، گفتم: فاصله این دو چند و چه باشد؟ فرمود: چهل سال، سپس همه زمین برای تو مسجد است پس هر جا که نمازت را رسید، پس نماز بخوان.

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَا تَشَدُّوا الرِّجَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِي هَذَا وَ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْأَقْصَى (۳). وَ قَالَ: مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، وَ مِنْبَرِي عَلَى حَوْضِي (۴).

یعنی، باربندی نشود (یعنی مسافرت نکنید) مگر برای سه مسجد: مسجد من همین مسجد، و مسجد الحرام و مسجد الاقصی. و فرمود: میان خانه ام و منبرم بستانی از بستانهای بهشت است و منبر من بالای حوض من است.

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيهَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، فَإِنِّي آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ مَسْجِدِي آخِرُ الْمَسَاجِدِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نماز در این مسجد من افضل است از هزار نماز در غیر آن مگر مَسْجِدُ الْحَرَامِ، پس بدرستی که من آخرین پیامبرم و مسجد من آخرین مسجد است.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ

- (۱) قرآن / سورة آل عمران / آیه ۹۶
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۳ و ۲۳۴ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۰۳ و ۴۰۴
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۴
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۴ و سائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۴۳
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۴ و المصنف / ج ۵ / ص ۱۲۲ و ۱۲۱

أَلْفِ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ (١)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: نماز در مسجد الحرام افضل است از صد هزار نماز در غیر آن، مضمون دو حدیث فوق در کتاب وسائل نیز ذکر شده است (٢)

٥- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) : إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي (٣)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: نماز در مسجد الحرام معادل با هزار نماز در مسجد من است.

٦- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَأْتِي مَسْجِدَ قُبَاءٍ كُلَّ سَبْتٍ مَا شَاءَ وَ زَاكِبًا (٤)

یعنی، عبدالله بن عمر گوید: رسول خدا (ص) هر شنبه پیاده یا سواره مسجد قبا می آمد. این حدیث با کمی اختلاف در وسائل نیز ذکر شده (٥)

٧- ج وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) : الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ قُبَاءٍ كَعُمْرَةٍ (٦)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: «نماز در مسجد قبا مانند عمره است.» و در کتاب وسائل حدیث فوق با کمی اختلاف لفظی ذکر شده (٦)

٧- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمَّا أُسْرِيَ مَرَرْتُ بِمَوْضِعٍ مِنْ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَنَزَلْتُ فَصَلَّيْتُ فِيهِ رَكْعَتَيْنِ (٧)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون مرا سیر دادند به محل مسجد کوفه رسیدم پس پائین آمدم و در آن دو رکعت نماز خواندم. و در روایت دیگر فرمود: نماز واجب در مسجد کوفه معادل حج و نافله معادل عمره است (٧) (این روایت و مانند آن دارای غلطی بوده و موافق با قرآن نیست).

١١٦- باب ذهاب النساء إلى المساجد

١- ج عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يُطَلِّي الصُّبْحَ بِغَلَسٍ

- | | |
|-----|--|
| (١) | التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٣٤ |
| (٢) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٢٧ و ٥٢٨ و ٥٢٣ و ٥٤٤ و ٥٤٥ |
| (٣) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٢٦ و ٥٤٤ و ٥٤٥ |
| (٤) | التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٣٥ |
| (٥) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٤٨ |
| (٦) | التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٣٥ و وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٤٨ |
| (٧) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٢٥ و ٥٢٨ |

فَيَنْصَرِفْنَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ لِیُعْرِفَنَّ مِنَ الْغَلَسِ (۱)

یعنی، عایشه روایت کرده که رسول خدا (ص) نماز صبح در تاریکی که کم نور بود میخواند بطوریکه وقتی زنان برمیگشتند از جهت تاریکی هوا شناخته نمی شدند.

۲- ج قال النبی (ص): إِذَا اسْتَأْذَنْكُمْ نِسَاءُكُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذِنُوا لَهُنَّ . وَقَالَ: لِاتَمَنَّعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ . وَقَالَ (ص) لِرَبِيبَةِ امْرَأَةِ عَبْدِ اللَّهِ: إِذَا شَهِدْتَ إِحْدَاكِنَّ الْمَسْجِدَ فَلَاتَمَسِّي طَيْبًا . وَفِي رِوَايَةٍ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَصَابَتْ بِخُورٍ فَلَاتَشْهَدْ مَعَنَا الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه زنان شما به شب اجازه خواستند برای مسجد، ایشانرا اجازه دهید. و فرمود: کنیزان خدا را از مساجد خدا مانع نشوید. و به زینب زن عبدالله فرمود: هر وقت یکی از شما به مسجد آمدید عطر نزنید. و در روایتی فرمود: هر زنی که بوی خوش بخور کرده پس به نماز عشاء ما حاضر نشود.

۳- ج قال النبی (ص): لِاتَمَنَّعُوا نِسَاءَكُمْ الْمَسَاجِدَ، وَبُيُوتَهُنَّ خَيْرَ لِهِنَّ (۳)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: زنان خودتان را از مساجد منع نکنید، ولی اگر در خانه هاشان باشند برایشان بهتر است.

۴- ش قال النبی (ص): صَلَاةُ الْمَرْأَةِ وَحْدَهَا فِي بَيْتِهَا كَفَضْلِ صَلَاتِهَا فِي الْجَمْعِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً (۴)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: نماز زن در خانه اش بطور فرادی مانند فضیلت نماز اوست در جماعت بیست و پنج درجه.

۵- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي جُمُعَتِهَا، وَصَلَاتُهَا فِي مَخْدَعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا (۵)

یعنی، عبدالله (ظاهراً عبدالله بن مسعود) از رسول خدا (ص) روایت کرده

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۶ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۶ و ۲۳۷ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۵۱ .
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۰ .
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۷ .

که فرمود: نماز زن در خانه اش بهتر از نماز اوست در حجره اش
(صحن خانه اش) است، و نماز او در صندوق خانه اش بهتر است از نماز
او در خانه اش.

۱۱۷- باب آداب المساجد

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَاتَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱)
وَقَالَ: وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ
وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲)

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَسَلِّمْ عَلَى
النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ ، فَإِذَا خَرَجَ
فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ . وَ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ
قَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَ سُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما داخل مسجد شود بر
پیمبر (ص) سلام کند سپس بگوید خدایا درهای رحمتت را بر من بگشا
و چون بیرون رود بگوید: خدایا از فضل تو سؤال میکنم. و خود
رسول خدا (ص) چون داخل مسجد شد گفت پناه میبرم به خدای عظیم و
به ذات کریم او و سلطنت قدیم او از شر شیطان رجیم.

۲- شَوْج عَنْ فَاطِمَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ
صَلَّىٰ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ
رَحْمَتِكَ ، فَإِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَابِ صَلَّىٰ عَلَى النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ (۴)

یعنی، از فاطمه (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) چنین بود که

- (۱) قرآن/سوره جن/آیه ۱۸.
(۲) قرآن/سوره بقره/آیه ۱۲۵.
(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ص ۲۳۷.
(۴) وسائل الشیعه/ ج ۳/ص ۵۱۸ و التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ص ۲۳۷.

چون داخل مسجد میشد بر خود صلوات میفرستاد و میگفت: خدایا گناهان مرا بیامرز و درهای رحمتت را برای من بگشا، و چون از درب مسجد خارج میشد صلوات بر خود میفرستاد و میگفت خدایا گناهانم را بیامرز و درهای فضلت را برایم بگشا.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ الْمَكْتُوبَةَ وَ خَرَجَ عَنِ الْمَسْجِدِ فَلْيَقِفْ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتَ دَعْوَتِي، وَ صَلَّيْتَ مَكْتُوبَتِي، وَ أَنْتَشَرْتَ فِي أَرْضِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ وَ اجْتِنَابِ سَخَطِكَ وَ الْكَفَافِ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ^(۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما نماز واجب را خواند و از مسجد بیرون رفت، درب مسجد بایستد سپس بگوید: خدایا مرا دعوت کردی دعوتت را اجابت کردم و نماز واجب را خواندم و در زمین تو منتشرشدم چنانچه مرا امر کردی، پس از تو درخواست دارم که بفضل خود مرا موفق کنی به عمل به طاعتت و دوری از غضبت و بقدر کفاف از روزیت برحمت خودت.

۴- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ الْمَسْجِدَ فَلْيَرْكَعْ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ يَجْلِسَ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما وارد مسجد شد قبل از آنکه بنشیند دو رکعت نماز بخواند.

۵- ج عَنْ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِالْمَسْجِدِ فَصَلَّى فِيهِ^(۳)

یعنی، از کعب بن مالک روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون از سفر میآمد ابتدا مسجد میرفت و نمازی در آن میخواند.

۶- ش عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ هُوَ فِي الْمَسْجِدِ جَالِسٌ فَقَالَ لِي يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ لِلْمَسْجِدِ تَحِيَّةً، قُلْتُ: وَ مَا تَحِيَّتُهُ؟ قَالَ: رُكْعَتَانِ تَرُكِعُهُمَا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) إِنَّكَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۸.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۸.

أَمَرْتَنِي بِالصَّلَاةِ فَمَا الصَّلَاةُ؟ قَالَ: خَيْرُ مَوْضُوعٍ فَمَنْ شَاءَ أَقَلَّ وَ مَنْ شَاءَ أَكْثَرَ، فَقُلْتُ: فَأَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: طَوْلُ الْقُنُوتِ، قُلْتُ: فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جَهْدَمِنْ مُقِلِّ إِلَى فَقِيرٍ فِي سِرٍّ^(۱)

یعنی، ابوذری گوید: داخل شدم بررسول خدا (ص) که در مسجد نشستند بود، فرمود: ای اباذر برای مسجد تحیتی می‌باشد؟ عرض کردم چه باشد تحیت مسجد؟ فرمود: دورکعت که بجا آری، گفتیم: یا رسول الله امر کردی به نماز پس نماز چیست؟ فرمود: بهترین موضع هر کس که خواهد کم و هر که خواهد زیاد کند. عرض کردم: کدام نماز بهتر است؟ فرمود: طول قنوت، عرض کردم، کدام صدقه بهتر است؟ فرمود:

كوشی از کم چیز به فقیری در پنهانی.
۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاتَّجَعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقًا حَتَّى تَمْشُوا فِيهَا رَكَعَتَيْنِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: مساجد را محل عبور نگیرید مگر آنکه در آنها دورکعت نماز بخوانید.

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْبِزَاقُ فِي الْمَسْجِدِ خَطِيئَةٌ وَكَفَّارَتُهَا دَفْنُهَا^(۳)، وَقَالَ (ص): عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي حَسَنُهَا وَ سَيِّئُهَا فَوَجَدْتُ فِي مَخَاسِنِ أَعْمَالِهَا الْأَدَى يُمَاطُ عَنِ الطَّرِيقِ، وَ وَجَدْتُ فِي مَسَاوِي أَعْمَالِهَا النَّخَاعَةَ تَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ لِاتِّدْفِنَ^(۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آب دهان انداختن در مسجد گناه و کفاره آن دفن آن است. و فرمود: اعمال امتم بر من عرضه شد، خوب آن و بد آن، پس در خوبی آنها یافتم بر طرف کردن آزار از راه، و در بدی اعمالشان یافتم آب سینه انداختن در مسجد و دفن نکردن آن.

۹- ش نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ التَّنَخُّعِ فِي الْمَسَاجِدِ^(۵)، وَفِي رِوَايَةٍ: رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) نَخَامَةً فِي الْمَسْجِدِ فَمَشَى إِلَيْهَا بَعْرَجُونٍ مِنْ عَرَابِيِّينَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۸

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۵۳

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۸ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۳۴

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۸

(۵) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۰

أرطاب فحکها ثم رجع القهقري فبني على صلاته (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) از انداختن آب دماغ در مسجد نهی نمود. و در روایتی آمده که: رسول خدا (ص) آب گلوئی در مسجد دید رفت چوبی برداشت و آنرا پاک گردانید سپس برگشت باقی نماز خود را اتمام نمود.
 ۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ رَدَّ رِيْقَهُ تَعْظِيمًا لِحَقِّ الْمَسْجِدِ جَعَلَ اللَّهُ رِيْقَهُ صِحَّةً فِي بَدَنِهِ وَعُوفَى مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ (۲)
 یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه آب دهان خود را برای عظمت دادن به حق مسجد برگرداند خدا آنرا صحت در بدنش قرار دهد و از ابتلائات در بدنش معاف شود.

۱۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): عُرِضَتْ عَلَيَّ أُجُورُ أُمَّتِي حَتَّى الْقَذَاةُ يُخْرِجُهَا الرَّجُلُ مِنَ الْمَسْجِدِ، وَ عُرِضَتْ عَلَيَّ ذُنُوبُ أُمَّتِي فَلَمْ أَرِ ذَنْبًا أَعْظَمَ مِنْ سُورَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ آيَةٍ أَوْ تِيهَا رَجُلٌ ثُمَّ نَسِيَهَا (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بر من یادداشت‌های ائمتّم عرضه شد حتی خاشاکی که مردی از مسجد خارج کند، و بر من گناهان ائمتّم عرضه شد، پس گناهی بزرگتر ندیدم از قرآن و آیات و تیه‌ای که به کسی داده شود سپس آنرا نسیان کند (یعنی از بی‌اعتنائی آنرا چنان ترک کند که فراموش نماید).

۱۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَجُلًا أَسْوَدَ أَوْ امْرَأَةً سَوْدَاءَ كَانَ يَقُمُ الْمَسْجِدَ فَمَاتَ فَسَأَلَ النَّبِيُّ (ص) عَنْهُ فَقَالُوا: مَاتَ ^{قَالَ} أَفَلَا كُنْتُمْ آذَنْتُمُونِي بِهِ، دُلُّونِي عَلَى قَبْرِهِ فَأَتَى قَبْرَهُ فَصَلَّى عَلَيْهِ (۴)

یعنی، مرد سیاهی یا زن سیاهی بود که مسجد رسول خدا را جا روبرو میکرد و از دنیا رفت. رسول خدا (ص) از احوال او سؤال کرد؟ گفتند وفات کرده، فرمود: آیا چرا مرا اعلام نکردید، رهنمائی کنید مرا بر قبر او، پس حضرت آمد بالای قبر او و بر او نماز کرد.

۱۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَنَّسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخُمَيْسِ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۷۶.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۹.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۹.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۹.

لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يَدْرُ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ^(۱)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آنکه مسجد را روز پنجشنبه شب جمعه
جاروب کند و آن مقدار خاکی که در چشم ریخته میشود بیرون برد
خدا او را بیامرزد.

۱۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ
رَقَبَةٍ، وَمَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يُقَدِّي عَيْنًا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ كَفْلَيْنِ
مِنْ رَحْمَتِهِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس مسجدی را بروید خدا برای او
آزاد کردن بنده‌ای بنویسد، و کسیکه بقدر خاشاک در چشم از آن بیرون
برد خدای عزوجل برای او دو بهره از رحمت بنویسد.

۱۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ
سِرَاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ
الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السِّرَاجِ^(۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در مسجدی از مساجد خدا چراغی
روشن کند همواره ملائکه و حاملین عرش برای او طلب آمرزش
میکنند مادامیکه روشنی آن چراغ در آن مسجد است.

۱۶- ش إِنْ النَّبِيَّ (ص) بَصُرَ رَجُلًا يَخْذِفُ بِحِصَاةٍ فِي الْمَسْجِدِ
فَقَالَ: مَا زِلْتَ تَلْعَنُ حَتَّى وَقَعْتَ^(۴)

یعنی، رسول خدا (ص) مردی را دید که با انگشتان سنگریزه در مسجد
می‌اندازد، فرمود: همواره مورد لعن میباشی تا به زمین بیفتد.

۱۷- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): تَعَا هَدُّوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ كُلِّ مَسْجِدٍ^(۵)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نزد درهای مساجد نعل کفش خود رسیدگی
کنید. وَ قَالَ (ص) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ،
تَعَا هَدُّوا نِعَالَكُمْ عِنْدَ أَبْوَابِ كُلِّ مَسْجِدٍ^(۶). وَقَالَ: جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ النَّجَاسَةَ^(۷)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۱
(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۱
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۳
(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۱۴
(۵) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۴
(۶) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۴
(۷) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۴

۱۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): «وَأَجْعَلُوا مَطَاهِرَكُمْ عَلَى أَبْوَابِ مَسَاجِدِكُمْ!»^(۱)
یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: وجای طهارت را بر در مساجد خود قرار دهید.
۱۹- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): «لَا يَنَامُ فِي مَسْجِدِي أَحَدٌ وَلَا يَجْنُبُ فِيهِ»^(۲) .
و«عَنْ عَبْدِ بْنِ تَمِيمٍ عَنْ عَمِّهِ أَنَّهُ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَلْقِيًا فِي الْمَسْجِدِ وَاضِعًا إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأَخْرَى»^(۳) . وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ: «إِنَّ الْمَسَاكِينَ كَانُوا يَبْسِطُونَ فِي الْمَسْجِدِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)»^(۴) .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در مسجد من کسی نخوابد و جنب نشود. و از عباد بن تميم از عمویش روایت شده که او رسول خدا (ص) را دید در حالیکه در مسجد به پشت خوابیده بود و یک پای خود را بر پای دیگر انداخته بود. و از محمد بن علی بن الحسین (ع) روایت شده که در زمان رسول خدا (ص) مساکین شب را در مسجد میگذرانیدند.

۲۰- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خَيْلًا قَبْلَ نَجْدٍ فَجَاءَتْ بِرَجُلٍ مِنْ بَنِي حَنِيفَةَ يُقَالُ لَهُ ثُمَامَةُ بْنُ أَثَالٍ فَرَبَطُوا وَهُوَ بِسَارِيفٍ مِنْ سَوَارِي الْمَسْجِدِ»^(۵)

یعنی، رسول خدا (ص) به طرف نجد سپاهی فرستاد، پس مردی از بنی حنیفه بنام «ثمامه بن اثال» را آوردند و او را به ستونی از ستونهای مسجد بستند.

۲۱- ش نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تَنْشُدَ الضَّالَّةُ فِي الْمَسْجِدِ . وَ سَمِعَ النَّبِيَّ (ص) رَجُلًا يُنْشِدُ ضَالَّةً فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ: قَوْلُ الْوَالِدِ: «لَا رَادَّ لِلَّهِ عَلَيْكَ فَإِنَّهَا لِبَيْتِهَا»^(۶)

یعنی، رسول خدا (ص) نهی نمود که گم شده را در مسجد اعلام کنند. و «شنید مردی گم شده اعلان میکند، فرمود: به او بگوئید خدا آنرا به تو برنگرداند زیرا مساجد برای غیر اینها بنا شده است». و به مضمون احادیث بالا در کتاب تاج نیز ذکر شده^(۷)

- | | |
|---|-----|
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۰۵ | (۱) |
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۴۹۷ | (۲) |
| التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۲۳۹ | (۳) |
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۴۹۷ | (۴) |
| التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۲۳۹ | (۵) |
| وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۰۸ و ۵۰۹ | (۶) |
| التاج الجامع للأصول / ج ۱ / ص ۲۴۰ و ۲۴۱ والمصنف / ج ۱ / ص ۴۴۰ | (۷) |

۲۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): جَنَّبُوا مَسَاجِدَكُمْ صِبْيَانَكُمْ وَ
مَجَانِينَكُمْ وَ شِرَاءَكُمْ وَ بَيْعَكُمْ وَ رَفَعَ أَصْوَاتِكُمْ وَ الضَّالَّةَ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اطفال و دیوانگان و خرید و فروش خود
و نیز صدای بلند خود را از مسجد دور کنید، و اعلام گمشده ننمائید.

۲۳- ش عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي وَصِيَّةٍ لَهُ قَالَ: يَا
أَبَا ذَرٍّ الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ مَدَقَةٌ وَ كُلُّ خَطْوَةٍ تَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ مَدَقَةٌ،
يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ
ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ، فَقُلْتُ: كَيْفَ يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا تَرْفَعُ
الْأَصْوَاتَ فِيهَا، وَ لَا يَخَاضَ فِيهَا بِالْبَاطِلِ، وَ لَا يَشْتَرِيَ فِيهَا، وَ لَا يَبَاغُ
وَ اتْرَكَ اللُّغُومًا دُمَّتْ فِيهَا، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا
نَفْسَكَ (۲)

یعنی، در سفارش، رسول خدا (ص) به ابی ذرّ فرمود: ای اباذر سخن پاک
صدقه است، و هر قدمی که به سوی نماز برداری صدقه است، ای اباذر
کسیکه دعوت کننده الهی را اجابت کند و مساجد خدا را بخوبی آباد
کند، ثواب او از خدا بهشت است. عرض کردم: چگونه تعمیر و آباد
کند مساجد را؟ فرمود: در آن صداها بلند نکند، و در باطل فرو نرود
و خرید و فروش ننماید و لغو را مبادا می که در مسجدی ترک نما، پس اگر
(آنچه گفته شد) عمل نکردی یا بد روز قیامت ملامت نکنی مگر خودت را.

۲۴- ش نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ رَطَانِ الْأَعَاجِمِ فِي الْمَسَاجِدِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) نهی نمود از سخن نامفهوم و بیگانه گفتن در مسجد.

۲۵- ش نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُنْشَدَ الشَّعْرُ فِي الْمَسْجِدِ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) نهی نمود از خواندن شعر در مسجد.

۲۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ سَمِعْتُمُوهُ يُنْشِدُ الشَّعْرَ فِي
الْمَسْجِدِ فَقُولُوا: فَضَّ اللَّهُ فَأَكْبَرْنَا إِنَّمَا نُصَبِّتُ الْمَسَاجِدَ لِلْقُرْآنِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس را که شنیدید در مسجد شعر میسازد و

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۷ و ۵۰۸ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۴۲.
(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۰۷.
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۵.
(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۳ و ۵۰۸ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۳۷.
(۵) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۳.

میخواند بگوئید خدا دهانت را بشکند همانا مساجد برای قرآن ساخته شده است .

۲۷- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) يَا تِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَا تَسُونَ الْمَسَاجِدَ فَيَقْعُدُونَ حَلَقًا ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا ، لِأَتَجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ فِيهِمْ حَاجَةٌ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در آخر الزمان مردمی در مسجدها بیایند و حلقه حلقه بنشینند، ذکر ایشان دنیا و دوستی دنیا است، با ایشان مجالست نکنید زیرا خدا به ایشان احتیاجی ندارد.

۲۸- ج نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ تَنَاشُدِ الْأَشْعَارِ فِي الْمَسْجِدِ وَعَنِ الْبَيْعِ وَالْإِسْتِرَاءِ فِيهِ وَ أَنْ يَتَحَلَّقَ النَّاسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ (۲)

یعنی، پیغمبر (ص) نهی فرمود از اینکه مردم در مسجد برای هم شعرخوانی کنند و نهی فرمود از خرید و فروش در آن و از اینکه روز جمعه قبل از نماز در مسجد حلقه وار بنشینند.

۲۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص) : مَنْ مَرَّ فِي شَيْءٍ مِنْ مَسَاجِدِنَا أَوْ أَسْوَاقِنَا بِنَبْلٍ فَلْيَأْخُذْ عَلَيَّ نِصَالِيهَا بِكَفِّهِ لِأَيَعِزُّ مُسْلِمًا (۳)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه از مسجد و یا از بازارهای ما بگذرد و همراه او تیری باشد باید پیکان آنرا با کف دست بگیرد که به مسلمانی صدمه نزنند.

۳۰- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) : أَنْ جَدِّي (ص) نَهَى أَنْ يَبْرِيَ مُشَقَّمًا فِي الْمَسْجِدِ (۴) . وَ فِي رَوَايَةٍ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَرَّ بِرَجُلٍ يَبْرِي مَشَاقِصَ لَهُ فِي الْمَسَاجِدِ فَتَنَاهَا وَ قَالَ : إِنَّهَا لَغَيْرُ هَذَا بِنِيَّتٍ (۵)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: جدم نهی نمود از آنکه پیکان تیر در مسجد بتراشند، و در روایت دیگر: رسول خدا (ص) عبور کرد به مردی که پیکانهای تیر در مسجد میتراشید پس او را نهی نمود، و فرمود: همانا مساجد برای غیر اینها بنا شده است .

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۳ .
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۱ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۱ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۴۴ .
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۲ .
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۹۶ .

٣١- ش نهى رسول الله عن سل السيف في المسجد و عن برى النبيل في المسجد (١)

یعنی، رسول خدا (ص) نهی فرمود از بیرون کشیدن شمشیر از غلاف در مسجد و از تیز کردن سهام تیر در مسجد.

٣٢- ش قال رسول الله (ص): من أكل هذه البقلة فلا يقربن مسجداً (٢) وفي رواية: من أكل هاتين البقتلين فلا يقربن مسجداً (٣) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس از این سبزی سیرخورده پس باید به مسجد ما نزدیک نشود. و در روایت دیگر فرمود: هرکس از سیر و پیاز خورده نزدیک مسجد ما نیاید.

٣٣- ج قال النبي (ص): من أكل ثوماً أو بمللاً فليعتزلنا أو فليعتزل مسجداً وليقعد في بيته. وفي رواية: من أكل من هذه البقلة فلا يقربن مسجداً حتى يذهب ريحها (٤)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هرکس سیر یا پیاز خورده پس از ما یا از مسجد ما کناره گیرد و در خانه اش بنشیند. و در روایت دیگر فرمود: هرکس از این سبزی سیرخورده پس به مسجد ما نزدیک نشود تا آنکه بوی آن برود. و در روایت دیگری فرمود: فإن الملائكة تتأذى مما يتأذى منه بنو آدم (٥)

١٨- باب صفة مسجد النبي في عهده (ص)

والنهي عن تشييد المساجد و زخرفتها

١- ج عن ابن عمر: أن المسجد كان على عهد النبي (ص) مبنيًا باللبن و سقفه الجريد و عمده خشب النخل فلم يزد فيه أبو بكر و زاد فيه عمر و بناه على بنيانه في عهد رسول الله (ص) باللبن و الجريد، و أعاد عمده من خشب النخل، ثم غيره

- | | | |
|-----|-----------------------------------|--------------------------|
| (١) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٤٩٥ | والمصنف / ج ١ / ص ٤٤٣ |
| (٢) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٥٢ | والمصنف / ج ١ / ص ٤٤٥ |
| (٣) | وسائل الشيعة / ج ٣ / ص ٥٥٣ | ومسند الامام زيد / ص ١٥٥ |
| (٤) | التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٤١ | |
| (٥) | التاج الجامع للاصول / ج ١ / ص ٢٤١ | |

عُثْمَانُ، فَزَادَ فِيهِ زِيَادَةٌ كَثِيرَةٌ وَ بَنَى جِدَارَهُ بِالْحِجَارَةِ الْمَنْقُوشَةِ
وَ الْقَصَّةِ وَ جَعَلَ عُمْدَهُ مِنْ حِجَارَةٍ مَنْقُوشَةٍ وَ سَقَفَهُ بِالسَّاجِ (۱)

یعنی، عبداللہ بن عمر نقل شده که: مسجد رسول خدا (ص) در زمان او
بنا شده بود باخست و سقف آن جریده و شاخه های خرما بود و ستونهای
آن چوب درخت خرما بود، پس ابوبکر در آن چیزی نیفزود، و عمر
در آن افزود و بنا کرد بر بنیانی که در زمان رسول خدا (ص) بود،
یعنی به خست و جریده خرما و ستونهای چوب درخت خرما. سپس
عثمان آنرا تغییر داد و زیادی بسیاری به آن افزود، و دیوارش
را با سنگهای نقش شده بنا کرد و ستونهای آنرا از سنگ نقش شده

و سقفش را با چوب ساج بنا کرد.

۲- ج عَنْ جَابِرٍ: أَنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا جَعَلَ
لَكَ شَيْئًا تَقَعُدُ عَلَيْهِ فَإِنِّي لِي غُلَامًا نَجَارًا، قَالَ: إِن شِئْتَ فَعَمِلْتِ
الْمَنْبَرِ. وَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَخْطُبُ إِلَى جِدْعٍ فَلَمَّا اتَّخَذَ الْمَنْبَرَ
حَنَّ الْجِدْعُ (۲)

یعنی، جابر گوید: زنی عرض کرد یا رسول الله آیا قرارندم برای
تو چیزی را که بر آن بنشینم (وقت موعظه) زیرا من فرزندی دارم که
نجا راست، حضرت فرمود اگر میل داری انجام ده، پس او منبری
ساخت. و رسول خدا (ص) به ستونی تکیه میداد برای موعظه، چون
در منبر جای گرفت، آن ستون ناله های کرد.

۳- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بَنَى مَسْجِدَهُ بِالسَّمِيطِ
ثُمَّ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ
بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ فِيهِ، فَقَالَ: نَعَمْ، فَزِيدَ فِيهِ وَ بَنَاهُ بِالسَّعِيدَةِ، ثُمَّ إِنَّ
الْمُسْلِمِينَ كَثُرُوا فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ فَزِيدَ
فِيهِ، فَقَالَ: نَعَمْ، فَأَمْرَبَهُ فَزِيدَ فِيهِ وَ بَنَى جِدَارَهُ بِالْأَنْثَى وَ الذَّكْرِ
ثُمَّ اشْتَدَّ عَلَيْهِمُ الْحَرُّ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ بِالْمَسْجِدِ
فَظَلِّلَ، فَقَالَ: نَعَمْ، فَأَمْرَبَهُ فَأَقِيمَتْ فِيهِ سَوَارِي مِنْ جُدُوعِ النَّخْلِ، ثُمَّ
طَرَحَتْ عَلَيْهِ الْعَوَارِضُ وَ الْخَصْفُ وَ الْأَذْخِرُ، فَعَاشُوا فِيهِ حَتَّى صَابَتْهُمْ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۴۲ و المصنف/ ج ۳/ ص ۱۵۳.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۴۲.

الْأَمْطَارُ، فَجَعَلَ الْمَسْجِدَ يَكْفُ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا : يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمَرْتَ
بِالْمَسْجِدِ فَطِينٍ، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَا، عَرِيشٌ كَعَرِيشِ مُوسَى (ع)،
فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى قَبِضَ (ص) وَكَانَ جِدَارُهُ قَبْلَ أَنْ يُظَلَّلَ قَامَةً، وَ
كَانَ إِذَا كَانَ الْفَيْءُ ذِرَاعًا وَهُوَ قَدْرُ مَرِيضٍ عَنَزِ صَلَّى الظُّهْرَ فَإِذَا
كَانَ ضَعْفَ ذَلِكَ صَلَّى الْعَصْرَ (۱)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) مسجدی بنا کرد که دیوار آن یک خشتی بود، سپس مسلمین زیاد شدند و گفتند یا رسول الله اگر امر میکردی که در مسجد زیاد شود خوب بود، رسول خدا (ص) فرمود: باشد پس امر نمود در مسجد زیاد شد و بنای دیوار بر یک خشت ونیم شد، سپس مسلمین زیاد شدند و گفتند یا رسول الله اگر امر میکردی در مسجد زیاد گردد، فرمود: باشد پس امر کرد در مسجد زیاد گردید و دیوار آنرا دو خشتی کردند، سپس گرمای سخت برایشان آمد و گفتند یا رسول الله اگر امر میفرمودی که مسجد سایه داشته باشد، فرمود: باشد، پس امر فرمود ستونهای از چوب درخت خرما بپا کردند و بر بالای آن چوب وتخته و علف ریختند، پس در همان حال ماندند تا آنکه بر آنان باران بارید، پس عرض کردند اگر امر میفرمودی که گلی بمالند، رسول خدا (ص) فرمود: نه، کوخی مانند کوخ موسی (ع) است، پس چنین بود تا رسول خدا (ص) فوت نمود. و دیوار مسجد قبل از آنکه سایه بان داشته باشد یکقامت بود. و چون سایه آن یکذراع میشد بقدر خوابیدن بزی نماز ظهر خوانده میشد و چون دو مقابل آن میشد نماز عصر خوانده میشد.

۴- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا أَمَرْتُ بِتَشْيِيدِ الْمَسَاجِدِ (۲). وَقَالَ (ص): لِاتَّقَوْمَ السَّاعَةَ حَتَّى يَتَبَا هِيَ النَّاسُ فِي الْمَسَاجِدِ (۳).
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: من ما موربه محکم ساختن مساجد نیستم که مانند کاهها بسازم؛ و در روایت دیگری فرمود: قیامت برپا نشود تا وقتی که مردم در مساجد میاهات کنند (که مثلاً مسجد ما بهترین مسجد است است از نظر ساختن).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۸۷
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۵۲
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۳

۱۱۹- باب المواضع التي تکره فيها الصلاة والصلاة في أماكن متعدّدة

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَهَى أَنْ يُصَلَّى فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَزْبَلَةِ وَالْمَجْزَرَةِ وَالْمَقْبَرَةِ وَقَارِعَةِ الطَّرِيقِ وَفِي الْحَمَّامِ وَمَوَاطِنِ الْإِبِلِ وَفَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ^(۱).
یعنی، از ابن عمر روایت شده که: رسول خدا (ص) نهی کرد از اینکه نماز خوانده شود در هفت مکان: محلّ زباله و سرگین و محلّ ذبح حیوانات، و محلّ قبر، و کنار راه، و حمام و محلّ جمع شتران و بر بالای بام بَیتِ اللّهِ الْحَرَامِ یعنی کعبه.
مؤلف گوید در مورد نهی از نماز در مقبره احادیث دیگری نیز در کتاب جنائز (ابواب القبر) ذکر گردید.

۲- ج عَنِ الْبَرَاءِ، قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَبَارِكِ الْإِبِلِ؟ فَقَالَ: لَا تَصَلُّوا فِيهَا فَإِنَّهَا مِنَ الشَّيَاطِينِ، وَ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَرَابِضِ الْغَنَمِ؟ فَقَالَ: صَلُّوا فِيهَا فَإِنَّهَا بَرَكَةٌ^(۲).
یعنی، از براء روایت شده که گفت: از رسول خدا (ص) درباره نماز خواندن در خوابگاه شتران سؤال شد؟ فرمود: در آنجا نماز نخوانید زیرا آنجا از شیاطین و ناپاک است، و سؤال شد از نماز خواندن در خوابگاه گوسفندان؟ فرمود: در آنجا نماز بخوانید که آنها برکت هستند.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسَاجِدٌ إِلَّا الْحَمَّامَ وَالْقَبْرَ^(۳).
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: زمین تمامش محل سجده است مگر حمام و قبر. و بهمین مضمون، در کتاب تاج نیز روایتی ذکر شده است^(۴).

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ثَلَاثَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ بِالْحِفْظِ:

- (۱) التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۵.
(۲) التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۵ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۰۹.
(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۲۲ و ۴۵۴ و المصنف / ج ۱ / ص ۴۰۵.
(۴) التاج المع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۴ و ۲۴۶.

رَجُلٌ نَزَلَ فِي بَيْتِ خَرِبٍ، وَ رَجُلٌ صَلَّى عَلَيَّ قَارِعَةَ الطَّرِيقِ وَ رَجُلٌ
أَرْسَلَ رَا حِلَّتَهُ وَ لَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا^(۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: سه کسند که خدا حفظ ایشان را نپذیرفته: مردی که در خانه خرابه منزل کند و مردی که برکنار راه نماز بخواند، و مردی که مرکب خود را بدون پای بند رها نماید.

۵- ش نهی رسول الله (ص) أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِي الْمَقَابِرِ وَ الطَّرِيقِ وَ الْأَرْحِيفَةِ وَ الْأُودِيَةِ وَ مَرَابِطِ الْأَيْلِ وَ عَلَيَّ ظَهْرَ الْكَعْبَةِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) نهی کرد از نماز خواندن مرد در مقبره ها و راه ها و آستانها و وادیها و جای بستن شتران و برپام کعبه.

۶- ش فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ (ع): وَ لَا تُصَلِّ فِي ذَاتِ الْجَيْشِ وَ لِأَفِي ذَاتِ الصَّلَاطِ، وَ لِأَفِي ضَجْنَانَ^(۳)

یعنی، رسول خدا (ص) در سفارش خود به علی (ع) فرمود: و در بین مکه و مدینه در سه منزل نماز مکن: ذَاتِ الْجَيْشِ وَ ذَاتِ الصَّلَاطِ وَ ضَجْنَانَ.

۷- ش عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ: يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جَبْهَتَهُ فِي بُقْعَةٍ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا شَهِدَتْ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَا مِنْ مَنْزِلٍ يَنْزِلُهُ قَوْمٌ إِلَّا وَ أَصْبَحَ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ يُصَلِّي عَلَيْهِمْ أَوْ يَلْعَنُهُمْ، يَا أَبَا ذَرٍّ مَا مِنْ صَبَاحٍ وَ لَأَرْوَاحٍ إِلَّا وَ بِقَاعِ الْأَرْضِ يُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا يَا جَارَةَ هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَاكِرُ اللَّهِ أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ تَعَالَى، فَمِنْ قَائِلِي: لَا، وَمِنْ قَائِلِي: نَعَمْ، فَإِذَا قَالَتْ نَعَمْ اهْتَزَّتْ وَ انْشَرَحَتْ وَ تَرَى أَنَّ لَهَا الْفُضْلَ عَلَيَّ جَارَتِهَا^(۴)

یعنی، روایت شده از ابی ذر از رسول خدا (ص) در سفارشی که به او کرد: ای اباذر، هر مردی که در بقعه ای از بقعه های زمین سجده کند روز قیامت آن زمین برای او شهادت دهد بهمان سجده، و هر

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۴۶.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۵۳ و ۲۴۸.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۵۱ و ۴۵۲.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۷۴.

منزلی که قومی بر آن نازل شوند، آن منزل بر آنان دعا میکند و یا نفرین، ای اباذر صبح و شامی نمیشود مگر آنکه بقعه‌های زمین یکدگر را ندانمی‌کنند ای همسایه آیا کسیکه ذکر خدا گوید به تو گذشته و یا بنده‌ای که برای خدا پیشانی‌نهد برای سجده بر تو مرور کرده؟ پس زمینی گوید نه، و زمینی گوید بلی، پس چون گفت بلی جنبش کند و باز شود و برای خود برتری بر همسایه‌اش ببیند.

۸- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ (۱)

یعنی، حضرت باقر (ع) فرمود که: رسول خدا (ص) نماز خواندن زیاد را در حرمین مکه و مدینه دوست میداشت.

۹- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع): أَنَّ النَّبِيَّ (ص) لَمْ يَدْخُلِ الْكَعْبَةَ فِي حَجِّ وَلَا عُمْرَةٍ وَ لَكِنَّهُ دَخَلَهَا فِي الْفَتْحِ فَتَحَ مَكَّةَ، وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ (۲)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که: رسول خدا (ص) در حج و عمره داخل کعبه نشد ولیکن در فتح مکه داخل شد و دو رکعت نماز بین دو ستون بجای آورد.

ابواب صلاة الجماعة

۱۲۰- باب فضل صلاة الجماعة

۱- ج عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي الْجَمَاعَةِ تُضَعَّفُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَ فِي سُوقِهِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُخْرِجَهُ إِلَّا الصَّلَاةَ لَمْ يَخْطُ

(۲) وسائل الشيعه / ج ۵ / ۵۴۷

(۲) وسائل الشيعه / ج ۳ / ۲۴۶

خَطْوَةً إِلَّا رُفِعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَ حُطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، فَإِذَا صَلَّى لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ فِي صَلَاةٍ مَا لَمْ يَحْدِثْ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ، وَ لَا يَزَالُ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاةٍ مَا أَنْتَظَرَ الصَّلَاةَ! (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نماز مرد در جماعت دو مقابل نماز در خانه اش می باشد و در بازار بیست و پنج مقابل است، و این ثواب برای آنستکه چون شخصی وضو گرفت و نیکو گرفت، سپس به سوی مسجد بیرون شد و چیزی او را جز نماز از منزلش خارج نکرد، پس او قدمی برنداشته جز آنکه برای او باین قدم درجه ای بالا رفته و خطائی باین قدم از او ریخته، پس چون به نماز ایستاد مادامیکه در جای نمازش هست، ملائکه برا او طلب رحمت میکنند، و می گویند: خدایا برا او صلوات و رحمت فرست. و همواره شما در نمازید مادامیکه انتظار نماز را بکشید.

۲- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةَ الْفَرْدِ بِسَبْعٍ وَعَشْرِينَ دَرَجَةً (۲).

یعنی، از ابن عمر روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: نماز جماعت بر نماز فرادا برتری دارد به بیست و هفت درجه.

۳- ش عَنِ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: إِنْ رَسَلَ اللَّهُ (ص) قَالَ صَلَاةُ الْجَمَاعَةِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الْفَرْدِ بِخَمْسٍ وَعَشْرِينَ دَرَجَةً (۳).

یعنی، از ابی سعید خدری وارد شده که رسول خدا (ص) فرمود: نماز جماعت بهتر از نماز فرادا می باشد به بیست و پنج درجه.

۴- ج عَنِ أَبِي بِنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنْ صَلَّى الرَّجُلُ مَعَ الرَّجُلِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِهِ وَحْدَهُ، وَ صَلَاتُهُ مَعَ الرَّجُلَيْنِ أَزْكَى مِنْ صَلَاتِهِ مَعَ الرَّجُلِ، وَ مَا كَثُرَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۴).

یعنی، ابی بن کعب گوید، رسول خدا (ص) فرمود: نماز مردی با مرد دیگری

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
- (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۷ و المصنف / ج ۱ / ص ۵۲۲.
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۴ و المصنف / ج ۱ / ص ۵۲۴.
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۷.

پاکیزه تر از نماز او به تنهایی است، و نماز با دو مرد پاکیزه تر از نماز با یک مرد است، و هر قدر افراد بیشتر باشد خدا دوست تر دارد.

۵- ج عَنْ عُمَانَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأْتَمًا قَامَ نِصْفَ اللَّيْلِ وَمَنْ صَلَّى الصُّبْحَ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأْتَمًا صَلَّى اللَّيْلَ كُلَّهُ^(۱).

یعنی، از عثمان از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هر کس نماز عشاء را در جماعت بخواند، گویا نصف شب را به عبادت قیام نموده و کسیکه نماز صبح را در جماعت بخواند، گویا تمام شب را در نماز بوده است.

۶- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأْتَمًا أَحْيَى اللَّيْلَ كُلَّهُ^(۲).

یعنی، حضرت صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: کسیکه نماز مغرب و عشاء را و نماز صبح را در مسجد با جماعت بخواند پس گویا تمام شب را احیاء داشته است.

۷- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَعْظَمُ النَّاسِ أَجْرًا فِي الصَّلَاةِ أَبَعْدَهُمْ مَمْسِيٌّ، وَالَّذِي يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ حَتَّى يُصَلِّيَهَا مَعَ الْإِمَامِ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يُصَلِّي ثُمَّ يَنَامُ^(۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در نماز اگر مرد می بزرگتر است که دورتر و دورتر باشند از جهت راه، و آنکه انتظار می کشد نماز را با امام بخواند اجرش بزرگتر است از آنکه نماز میکند و بعد می خوابد.

۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا عَلِيُّ ثَلَاثَ دَرَجَاتٍ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى السَّبْرَاتِ، وَالْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الْجَمَاعَاتِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ^(۴) و در مسند زید مانند این حدیث از علی نقل شده^(۵).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۷
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۸ و ۳۷۹
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۷
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۸۴
 (۵) مسند امام زید / ص ۱۱۵ و ۱۱۶

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ای علی سه چیز موجب درجات است: وضو را شاداب کردن با سردیها، و شب و روز به جماعت رفتن، و نماز پس از نماز را انتظار داشتن. (وبهمین مضمون در کتاب تاج نیز ذکر شده^(۱)).
 ۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ لِإِنْتِظَارِ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحَدِّثْ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْحَدِيثُ؟ قَالَ: الْغَيْبَةُ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نشستن در مسجد برای انتظار نماز عبادتست مادامیکه کاری نکند، عرض شد: يَا رَسُولَ اللَّهِ چه کاری؟ فرمود: غیبت.

۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اِنْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ كَنْزٌ مِّنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ^(۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: انتظار نماز پس از نماز، گنجی از گنجهای بهشت است.

۱۱- ش عَنْ عُمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص): إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَتَرَهَّبَ قَالَ: لِأَتَفَعَلَ يَا عُمَانُ فَإِنَّ تَرَهَّبَ أُمَّتِي الْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ اِنْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ^(۴)

یعنی، عثمان بن مطعون به رسول خدا (ص) گفت: من میخواهم رهبانیت اختیار کنم، رسول خدا (ص) فرمود: ای عثمان این کار را مکن، زیرا رهبانیت امت من نشستن در مساجد است برای انتظار نماز پس از نماز.

۱۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَتَنَفَّسُ فِيهِ دَرَجَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنَفَّسَتْ فِيهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ يَمْحَى عَنْكَ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ يَا أَبَا ذَرٍّ أَتَعْلَمُ فِي أَيِّ شَيْءٍ أُنزِلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؟

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۳۸
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۸۵
 (۳) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۸۵
 (۴) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۸۵

قَالَ ابُو ذَرٍّ: قُلْتُ لَأَقَالَ: فِي انْتِظَارِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الصَّلَاةِ، يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قِرَاءَةُ مِصَلٍّ أَوْ ذَاكِرِ اللَّهِ تَعَالَى، أَوْ مَسَائِلَ عَنِ عِلْمٍ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ای اباذرّ خدا تورا مادامیکه در مسجد نشسته ای عطا میکند به هرنفسی که تنفس کنی در آن، درجه ای در بهشت، و فرشتگان بر تو صلوات میفرستند، و به هرنفسی که تنفس کنی در آن ده حسنه نوشته شود برای تو و از تو محو شود ده سیئه، ای اباذر آیا میدانی آیه ۲۰۰ سوره آل عمران در چه چیز نازل شده؟ عرض کردم: نه، فرمود: در انتظار نماز پس از نماز، ای اباذر هرنشستن در مسجد لغواست مگر برای سه چیز: قرائت نماز و یادکر خدای تعالی و یا پرسش از مسائل علمی. (نویسنده گوید آیه ۲۰۰ سوره آل عمران برای چیزهایی نازل شده که یکی از آنها در این خیر ذکر شده است. بنا بر این انجام دادن وظایف دینی همه پاسداری از دین است. ضمناً، باید دانست احادیث دیگری در فضیلت نماز جماعت در کتاب وسائل الشیعه وارد شده که چون در آنها غلوئی که مورد نهی خداست بود و با آیات خدا موافق نبود، از ذکر آنها صرف نظر شد مانند حدیث هفتم و دهم و یا زدهم باب اول از ابواب نماز جماعت آن کتاب).

۱۳- ش فی وصیة النبی (ص) لعلی (ع) قال: ثلاث درجات: منها المشی باللیل والنهار إلى الجماعات (۲).

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: سه چیز موجب کسب درجات است: یکی از آنها شب و روز رفتن به جماعات است.

۱۲۱- باب حکم الجماعة

۱- ج قال رسول الله (ص): إن أثقل صلاة على المنافقين صلاة العشاء وصلاة الفجر، ولو يعلمون ما فيهما لأتوهما ولو حبوًا،

(۱) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۸۵ و ۸۶.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۲.

وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَمُرَّ بِالصَّلَاةِ فَتَنُفَا مَ ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ
ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِيَ بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزْمٌ مِّنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ
فَأَحْرَقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: که سنگین ترین نماز بر منافقین نماز
عشاء و نماز فجر بود، و اگر میدانستند چه فوایدی در آن دو می باشد
هر آینه می آمدند و اگر چه با دست و شکم باشد، و بتحقیق عازم هدم
که امر به نماز کنم تا بپاشود، سپس مردی را امر کنم با مردم نماز
بخواند، سپس با من مردانی با پشته ای از هیزم روان شوند به سوی
قومی که به نماز حاضر نمی شوند، پس بسوزانم خانه ها شان را با آتش.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِقَوْمٍ: لَتَحْضُرَنَّ الْمَسْجِدَ أَوْ لَا حُرْقَنَّ
عَلَيْكُمْ مَنَّا زَلِكُمْ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) به قومی فرمود: باید به مسجد حاضر شوید و گرنه
منزلهای شما را بر شما البته آتش میزنم.

۳- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: اشْتَرَطَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيَّ جِيرَانَ
الْمَسْجِدِ سُهْدَ الصَّلَاةِ، وَ قَالَ لَيَنْتَهِيَنَّ أَقْوَامٌ لَا يَشْهَدُونَ الصَّلَاةَ، أَوْ
لَا مَرْنَ مَوْذِنًا يُوذِنُ ثُمَّ يُقِيمُ ثُمَّ أَمَرَ رَجُلًا مِّنْ أَهْلِ بَيْتِي فَلِيَحْرِقَنَّ
عَلَى أَقْوَامٍ بُيُوتَهُمْ بِحُزْمِ الْحَطَبِ، لِأَنَّهُمْ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ (۳)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) با همسایگان مسجد پیمان
بست که به نماز حاضر شوند، و فرمود: باید اقوامی که به مسجد حاضر
نمی شوند خودداری کنند و یا اینکه امر میکنم مؤذن اذان سپس
اقامه گوید، سپس امر میکنم مردی از اهل بیت مرا که با پشته هیزم
بر خانه های ایشان آتش بزند زیرا که ایشان به نماز حاضر
نمی شوند.

۴- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) يَقُولُ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْفَجْرَ فَأَقْبَلَ
بِوَجْهِهِ عَلَيَّ أَصْحَابِيهِ فَسَأَلَ عَنِّي أُنَاسٍ يُسَمِّيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ، فَقَالَ: هَلْ
حَضَرُوا الصَّلَاةَ؟ فَقَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَعْتَبْتُكُمْ؟ قَالُوا:

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۴۹ والمصنف / ج ۱ / ص ۵۱۸

(۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۳۷۶

(۳) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۴۷۹ و ج ۵ / ص ۳۷۶

لَا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ، وَ لَوْ عَلِمُوا أَيُّ فَضْلٍ فِيهِمَا لَاتَوَّهَمَا وَ لَوْ حَبُوا^(۱).

یعنی، حضرت صادق (ع) میفرمود: رسول خدا (ص) نماز فجر را خواند و رو کرد به اصحاب خود و پرسید از مردمی که نام ایشان را ذکر کرد و فرمود: آیا به نماز حاضر شدند؟ گفتند: خیر، فرمود: آیا ایشان مسافرنده گفتند: خیر، فرمود: آگاه باشید نمازی بر منافقین سخت تر نیست از نماز فجر و نماز عشاء، و اگر بدانند چه فضلی در آنهاست با شکم می آمدند.

۵- ج عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ ثَلَاثَةٍ فِي قَرْيَةٍ وَ لَابَدَوْا لِاتِّقَامِ فِيهِمُ الصَّلَاةِ إِلَّا قَدَّ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ، فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّبَابُ الْقَاصِيَةَ^(۲)

یعنی، از ابی درداء روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: هیچ سه نفری در ده و بیابانی نیست که نماز جماعت در میان نشان برپا نشود مگر اینکه شیطان بر ایشان تسلط پیدا کند، پس بر توباد به جماعت که همانا گرگ حیوان دورتک را میخورد.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِالصَّلَاةِ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ، وَ لِأَغْيَبَةِ إِلَّا لِمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ وَ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَتِنَا، وَ مَنْ رَغِبَ عَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ سَقَطَتْ عَدَالَتُهُ، وَ وَجِبَ هِجْرَانُهُ وَ إِنْ رُفِعَ إِلَى إِمَامٍ الْمُسْلِمِينَ أَنْذَرَهُ وَ حَذَرَهُ، وَ مَنْ لَزِمَ جَمَاعَةَ الْمُسْلِمِينَ حُرِّمَتْ عَلَيْهِمْ غَيْبَتُهُ وَ ثَبَّتَتْ عَدَالَتُهُ^(۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نمازی نیست برای کسیکه در مسجد با مسلمین نماز نخواند مگر از علتی باشد و غیبت جایز نیست مگر بر کسیکه در خانه اش نماز بخواند و از جماعت ما اعراض کند و کسیکه از جماعت مسلمین اعراض کند عدالت او ساقط و دوری از او لازم است و اگر او را نزد امام مسلمین ببرند او را بترسانند و بر حذر بدارد، و کسیکه ملازم جماعت مسلمین باشد بر ایشان غیبت او حرام و عدالت او ثابت است.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۸ .
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۸ و مسند الامام زید / ص ۱۱۵ .
 (۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۰ .
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۹۴ .

۷- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَظَنُّوا بِهِ خَيْرًا (۱)!

یعنی، حضرت باقر (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: هر کس نماز پنجگانه را در جماعت بخواند گمان خوب به او ببرید.

۸- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ (ص) رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ فَأُصَلِّي فِي بَيْتِي فَرَخَّصْ لِي، فَلَمَّا وَلِيَ دَعَاهُ فَقَالَ: هَلْ تَسْمَعُ التِّدَاءَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَجِبْ (۲). وَفِي رِوَايَةٍ: تَشَدُّ مِنْ مِثْلِكَ إِلَى الْمَسْجِدِ حَبَلًا وَ أَحْضِرِ الْجَمَاعَةَ (۳).

یعنی، از ابی هریره روایت شده که گفت: مرد کوری خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله همانا کسیکه مرا به سوی مسجد بکشاند نیست، آیا در خانه ام نماز بخوانم؟ پس رسول خدا (ص) به او اجازه داد، ولی هنگامیکه پشت کرد که برود پیغمبر او را صدا زد و خواند و فرمود: آیا صدای اذان برای نماز را می شنوی؟ جواب داد: آری، پیغمبر (ص) فرمود: پس اجابت کن. و در روایت دیگر به او فرمود: ریسمانی از منزلت به مسجد می بندی و با گرفتن آن به جماعت حاضر شو.

۱۲۲- باب أَعْذَارِ الْجَمَاعَةِ

۱- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَأْتِي مُرُّ الْمُؤَدِّنَ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةً ذَاتَ بَرْدٍ وَمَطَرٍ يَقُولُ: أَلَا صَلُّوا فِي الرَّحَالِ (۴)!

یعنی، روایت شده از ابن عمر که رسول خدا (ص) در شب سرد و باران مؤذن را امر می کرد که بگوید: آگاه باشید در خانه های خود نماز بخوانید. (مؤلف گوید: این حدیث و مانند آن قبلاً در ابواب اذان ذکر شد).

۲- ج كَانَ عَتْبَانُ بْنُ مَالِكٍ يَوْمَ قَوْمِهِ وَهُوَ أَعْمَى، فَقَالَ

- | | |
|-----|------------------------------------|
| (۱) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۱. |
| (۲) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۰. |
| (۳) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۷۷. |
| (۴) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۱. |

لِرَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ إِنَّهَا تَكُونُ الظُّلْمَةُ وَالسَّيْلُ وَأَنَا رَجُلٌ ضَرِيرٌ بِالْبَصَرِ
فَصَلِّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي بَيْتِي مَكَانًا أَتَّخِذُهُ مَصَلًّى، فَجَاءَهُ رَسُولُ اللَّهِ
(ص) فَقَالَ: أَيِنَّ تَحِبُّ أَنْ أَصَلِّيَ، فَأَشَارَ إِلَى مَكَانٍ مِنَ الْبَيْتِ، فَصَلَّى
فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (۱).

یعنی، عثمان بن مالک برای قوم خود در حال کوری امامت می‌کرد،
به رسول خدا (ص) عرض کرد راه رفتن به مسجد تاریک و سیل اسنت و
من مردی کورم پس یا رسول الله در خانه من در مکانی نماز بخوان،
تا اینکه آنجا را جای نماز بگیرم، رسول خدا (ص) فرمود: کجا دوست
داری تا بخوانم، او به گوشه‌ای از خانه اشاره کرد، پس رسول خدا (ص)
در همانجا نماز خواند.

۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ
فَلَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ اتِّبَاعِهِ عُدْرٌ لَمْ تَقْبَلْ مِنْهُ الصَّلَاةُ الَّتِي صَلَّى، قَالُوا:
وَ مَا الْعُدْرُ؟ قَالَ: خَوْفٌ أَوْ مَرَضٌ (۲).

یعنی، ابن عباس روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس صوت
مؤذن را بشنود و بدون عذر از آن صدا پیروی نکند، نماز او قبول
نمی‌شود، عرض کردند: عذر کدام است؟ فرمود: ترس و یا مرض.

۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ: إِنَّ الْجَهَنِّيَّ أَتَى النَّبِيَّ (ص)
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَكُونُ فِي الْبَادِيَةِ وَمَعِيَ أَهْلِي وَوَلَدِي
وَ غَلْمَتِي، فَأُوذِنُ وَأَقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ، أَفَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ،
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنَّ الْغُلَمَةَ يَتَّبِعُونَ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ أَبْقَى أَنَا
وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي، فَأُوذِنُ وَأَقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ أَفَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟ فَقَالَ:
نَعَمْ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّ وُلْدِي يَنْفَرِقُونَ فِي الْمَاشِيَةِ فَأَبْقَى
أَنَا وَ أَهْلِي فَأُوذِنُ وَأَقِيمُ وَأُصَلِّي بِهِمْ، أَفَجَمَاعَةٌ نَحْنُ؟ فَقَالَ: نَعَمْ،
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَذْهَبُ فِي مَمْلَحَتِهَا فَأَبْقَى أَنَا وَ وُلْدِي
فَأُوذِنُ وَأَقِيمُ وَأُصَلِّي، أَفَجَمَاعَةٌ أَنَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ، الْمُؤْمِنُ وَ وَاحِدَةٌ
جَمَاعَةٌ (۳).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۱ و المصنف / ج ۱ / ص ۵۰۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۱ و ۲۵۲

(۳) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۳۷۹

یعنی، حضرت باقر (ع) میفرمود: مردجهنی آمد خدمت رسول خدا (ص) و گفت: یا رسول الله من دربادیه میباشم و با من خانوادهام و اولادم و غلامانم هستند، پس اذان و اقامه میگویم و با ایشان جماعت میخوانم آیا ما جماعتیم؟ فرمود: بلی، عرض کرد یا رسول الله غلامان به دنبال قطره‌های ابر میروند و من و خانوادهام و اولادم میمانیم پس اذان و اقامه میگویم و با ایشان نماز میخوانم آیا جماعت است؟ فرمود: آری، عرض کرد یا رسول الله اولادم نیز متفرق میشوند درگوسفندان و من و خانوادهام میمانم، پس اذان و اقامه میگویم و نماز میخوانم آیا جماعت است؟ فرمود: بلی، عرض کرد زن گاهی دنبال شغل خود میرود و من تنها میمانم، پس اذان و اقامه میگویم و نماز میخوانم آیا جماعت است؟ فرمود: بلی، مؤمن بتنهایی جماعت است.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ حِجَّةٌ، وَ الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ. وَ عَنِ الرَّضَا، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: الْأَشْنَانُ فَمَا فَوْقَهُمَا جَمَاعَةٌ (۱) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: مؤمن بتنهایی حجت است و مؤمن بتنهایی جماعت است. و امام رضا (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: دونفر و بالاتر جماعت است.

۱۲۳- باب المشی إلى الصلاة بسکينة

۱- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ نَطْلِي مَعَ النَّبِيِّ (ص) إِذْ سَمِعَ جَلْبَةَ رَجَالٍ فَلَمَّا صَلَّى قَالَ: مَا شَأْنُكُمْ؟ قَالُوا: اسْتَعْجَلْنَا إِلَى الصَّلَاةِ قَالَ: فَلَاتَفْعَلُوا إِذَا أَتَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَعَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ فَمَا أَدْرَكْتُمْ فَصَلُّوا وَ مَا فَاتَكُمْ فَأْتِمُوا (۲)

یعنی، روایت شده از ابی قتاده که گفت: در هنگا میکه ما با پیغمبر (ص) نماز میخواندیم ناگهان حضرت همه‌مردانی را شنید، پس چون از نماز فارغ شد، فرمود: چه شده شما را؟ گفتند: به سوی نماز

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۸۰.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۲ والمصنف / ج ۲ / ص ۲۸۸.

عجله کردیم، فرمود: چنین نکنید، هرگاه به نماز آمدید، بر شما باد به آرامش، پس آنچه درک کردید نماز نمودید و آنچه نرسیدید خود تمام کنید.

۱۲۴- باب صفة الامام وان اهل الفضل احق بالامامة

۱- ج عَنْ مَالِكِ بْنِ الْحُوَيْرِثِ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ (ص) أَنَا وَصَاحِبٌ لِي فَلَمَّا أَرَدْنَا الْإِقْفَالَ مِنْ عِنْدِهِ، قَالَ لَنَا: إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَأَذِّنَا ثُمَّ أَقِيمَا وَلِيَوْمَكُمَا أَكْبَرَكُمَا!^(۱)

یعنی، از مالک بن حویرث روایت شده که گفت: من و رفیقم رفتیم خدمت رسول خدا (ص)، پس چون خواستیم از نزد او برگردیم، به ما فرمود: چون نماز حاضر شد، اذان، و پس از آن اقامه بگوئید و بزرگتر شما امامت کند.

۲- ش و ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَوْمُكُمْ أَقْرَبُكُمْ وَ يُوَدِّنُ لَكُمْ خِيَارَكُمْ^(۲) وَ فِي رِوَايَةٍ: لِيُوَدِّنَ لَكُمْ خِيَارَكُمْ وَ لِيَوْمَكُمْ قُرَاؤُكُمْ^(۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: قاری ترین شما امامت میکنند، و خوبان شما برای شما اذان بگویند. و در روایت دیگر فرمود: باید خوبان شما اذان گویند و قاریان شما نماز بخوانند.

۳- ج عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَوْمُ الْقَوْمِ أَقْرَبُهُمْ لِكِتَابِ اللَّهِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَعْلَمُهُمْ بِالسُّنَنِ^(۴)، فَإِنْ كَانُوا فِي السُّنَنِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هَجْرَةَ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهَجْرَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ سَنًا وَ لَا يُؤَمِّنُ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِي سُلْطَانِهِ وَ لَا يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ عَلَى تَكْرِمَتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ .

یعنی، ابن مسعود روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: امامت کند برای قوم آنکه قرائت بهتری دارد، پس اگر در قرائت مساویند

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۳

(۲) وسائل الشيعة / ج ۴ / ص ۶۴۰

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۳

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۳ و مسند الامام زید / ص ۱۱۶

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۲ و ۲۵۴ و المصنف / ج ۲ /

داناترین ایشان به سنت، و اگر در علم به سنت، مساوی باشند، پس هر کس که سابقه هجرتش بیشتر باشد، و اگر در هجرت مساوی باشند، هر کس سنش بیشتر باشد، و البته امامت نکند مردی برای مردی در سلطنت او، و در خانه او ننشیند برای بزرگواری او جز به اذن او.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَتَقَدَّمُ الْقَوْمَ أَقْرَأُهُمْ لِلْقُرْآنِ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْدَمُهُمْ هِجْرَةً، فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَكْبَرَهُمْ سِنًا، فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَلْيُؤَمِّمَهُمْ أَعْلَمَهُمْ بِالسُّنَنِ وَأَفْقَهُهُمْ فِي الدِّينِ، وَ لَا يَتَقَدَّمَنَّ أَحَدُكُمْ الرَّجُلَ فِي مَنْزِلِهِ، وَ لِأَصْحَابِ سُلْطَانٍ فِي سُلْطَانِهِ (۱). وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: فَإِنْ كَانُوا فِي السِّنِّ سَوَاءً فَأَصْبَحَهُمْ وَجْهًا (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه بهتر قرائت قرآن میکند برای قوم مقدم شود، پس اگر در قرائت مساوی بودند، هر کدام جلوتر هجرت کرده اند، پس اگر در هجرت مساویند، هر کدام بزرگتر در سالند و اگر درس و سال مساوی بودند، داناترین ایشان به سنت و فقیه ترین ایشان در دین امامت کند، و هیچ کس البته در منزل مردی مقدم بر او نشود و بر صاحب سلطانی در سلطنتش مقدم نگردد. و در حدیث دیگر این است که: اگر در سال مساوی باشند هر کدام خوشروتر و خوشگل ترند، مقدم شود.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أُمَّ قَوْمًا وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ إِلَى السَّفَالِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۳). وَقَالَ (ص): إِمَامُ الْقَوْمِ وَ أَيْدُهُمْ فَقَدِمُوا أَفْضَلَكُمْ (۴). وَقَالَ: مَنْ صَلَّى خَلْفَ عَالِمٍ فَكَانَتْ مَأْتِي خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس امامت کند برای قومی در حالی که میان ایشان داناتراز او هست، همواره امر ایشان تا قیامت

- | | |
|-----|----------------------------|
| (۱) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۹ |
| (۲) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۹ |
| (۳) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۵ |
| (۴) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۶ |
| (۵) | وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۶ |

درپستی است . و فرمود : امام قوم ، سالار قافلۀ ایشان است ، پس بهترین خود را مقدم بدانید . و فرمود : کسیکه پشت سرعالمی نماز بخواند ، گویا پشت سررسول خدا (ص) نماز خوانده است .

۶- ج عَنْ أَبِي عَطِيَّةَ قَالَ: كَانَ مَا لِكُنَّ الْحَوِيثِ يَأْتِينَا فِي مَصَلَاتِنَا يَتَحَدَّثُ ، فَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ يَوْمًا ، فَقُلْنَا لَهُ : تَقَدَّمَ فَقَالَ: لِيَتَقَدَّمَ بَعْضُكُمْ حَتَّى أُحَدِّثَكُمْ لِمَ لَا تَقَدَّمُ ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَوْمًا فَلَا يُؤَمُّهُمْ وَ لِيَوْمَهُمْ رَجُلٌ مِنْهُمْ^(۱).

یعنی، از ابی عطیه روایت شده که مالک بن حویرث در مکان نماز ما می آمد حدیث میگفت ، پس روزی نماز حاضر شد ، به او گفتیم ، مقدم شو ، او گفت : باید بعضی از شما برای بعضی دیگر مقدم شود تا برای شما حدیثی بگویم که چرا مقدم نمی شوم : شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود : کسیکه قومی را زیارت کند برای ایشان امامت نکند و باید مردی از خودشان برای ایشان امامت کند .

۷- ش نَهَى النَّبِيُّ (ص) أَنْ يُؤَمَّ الرَّجُلُ قَوْمًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ ، وَ قَالَ (ص) : مَنْ أَمَّ قَوْمًا بِإِذْنِهِمْ وَ هُمْ بِهِرَاصُونَ فَأَتَتْصَدِّبِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ بِقِيَامِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قَعُودِهِ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْقَوْمِ ، وَ لَا يَنْقُصُ عَنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ^(۲).

یعنی، رسول خدا (ص) نهی نمود که مردی برای قومی امامت کند جز با اذن ایشان . و فرمود : کسیکه برای قومی به اذن ایشان امامت کند ، پس در حاضر شدن خود نسبت به ایشان میانه روی کند و نماز ایشان را با قیام و قرائت و رکوع و سجود خود نیکو بجا آورد ، پس برای اوست مانند اجر آن قوم ، و از اجور ایشان چیزی کم نشود .

۸- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَاتَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَ لَاتَخَافُوا بِهَا» ، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كَانَ بِمَكَّةَ جَهَرَ بِصَلَاتِهِ فَيَعْلَمُ بِمَكَانِهِ الْمُشْرِكُونَ ، فَكَانُوا يُسُودُونَ لَهُ فَأَنْزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عِنْدَ ذَلِكَ^(۳).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۴ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۷ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۵۲ .

یعنی، امام باقر و صادق (ع) درباره آیه ۱۱۰ سوره اسراء که میفرماید: «وَلَاتُجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لِاتُخَافَتْ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. و نمازت را بلند و آشکار مکن و زیاد آنرا آهسته مخوان و راهی بین آن دو بجوی»، فرمودند: رسول خدا (ص) هنگامیکه در مکه بود نماز خود را بلند میخواند که مشرکین مکان او را مطلع میشدند و او را آزار میکردند، پس این آیه نازل شد.

۱۲۵- باب التّخفیف مع الاتقان

۱- ج عَن أَبِي مَسْعُودٍ: أَنَّ رَجُلًا قَالَ: وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَأَتَأَخَّرُ عَنِ صَلَاةِ الْعَدَاةِ مِنْ أَجْلِ فُلَانٍ مِمَّا يُطِيلُ بِنَا، فَمَا رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي مَوْعِظَةٍ أَشَدَّ غَضَبًا مِنْهُ يَوْمَئِذٍ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْكُمْ مُنْقَرِينَ، فَأَيُّكُمْ مَا صَلَّيْتُ بِالنَّاسِ فَلْيَتَجَوَّزْ، فَإِنَّ فِيهِمُ الضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ وَ ذَا الْحَاجَةِ، وَإِذَا صَلَّيْتُ لِنَفْسِي فَلْيَطْوِلْ مَا شَاءَ^(۱).

یعنی، ابی مسعود روایت کرده که مردی گفت: یا رسول الله من از نماز صبح عقب می‌افتم از جهت فلان شخص که نمازش را بر ما طولانی می‌کند، پس ندیدم رسول خدا (ص) در موقع موعظه بیشتر از آنروز غضبناک شود، سپس فرمود: بعضی از شما موجب نفرت شده‌اید، پس هر کدام از شما که با مردم نماز می‌گذارد، باید نماز را سبک بخواند، زیرا در میان ایشان ناتوان و پیر و صاحب حاجت است، و چون برای خود نماز کرد، هر چه دلش خواست طول بدهد.

۲- ش عَنِ الصَّادِقِ قَالَ: وَكَانَ مُعَاذٌ يَوْمَ فِي مَسْجِدٍ عَلَيَّ عَهْدٍ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَيُطِيلُ الْقِرَاءَةَ، وَ أَتَتْهُ مَرَّةً بِرَجُلٍ فَأَفْتَتَحَ سُورَةَ طَوِيلَةً، فَقَرَأَ الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَ صَلَّيْتُ ثُمَّ رَكِبَ رَا حِلَّتَهُ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَبَعَثَ إِلَيَّ مُعَاذٍ فَقَالَ: يَا مُعَاذُ إِنِّي أَكَّ أَنْ تَكُونَ فَتَانًا، عَلَيْكَ بِالشَّمْسِ وَضَحَاهَا، وَ ذَوَاتِهَا^(۲)!

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۵ والمصنف / ج ۲ / ص ۳۶۲.

(۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۷۰.

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود که: معاذ در مسجدی در زمان رسول خدا (ص) امامت میکرد و قرائت را طول میداد، پس مردی مرور کرد به او، و او سوره طولانی را شروع کرد، پس آن مرد برای خود قرائت کرد و نمازش را خواند و سوار به مرکب شد و رفت. این خبر به رسول خدا (ص) رسید، پس به دنبال معاذ فرستاد و فرمود: ای معاذ بپرهیز که فتنه باشی، برتوباد به سوره شمس و مانند آن.

۳- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ، قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً أَوْعَفٍ مَنْ خَلْفَكَ (۱)

یعنی، از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: ای علی هرگاه نماز بجای آوری نماز ناتوان ترین فرد پشت سرت را مراعات نما.

۴- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حِينَ وَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ، كَيْفَ أَصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ صَلَاةً أَوْعَفِهِمْ (۲).

یعنی، روایت شده از علی که گفت: هنگامیکه رسول خدا (ص) مرا به طرف یمن میفرستاد از او سؤال نمودم چگونه با مردم نماز بخوانم؟ فرمود: نماز بخوان با ایشان نماز ناتوانترین ایشان را.

۵- ج عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: مَا صَلَّيْتُ وَرَاءَ إِمَامٍ قَطُّ أَخَفَّ صَلَاةً وَلَا أَمَّ مِنَ النَّبِيِّ (ص) وَإِنْ كَانَ لَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيَخْفَفُ مَخَافَةً أَنْ تُفْتَنَ أُمُّهُ (۳).

یعنی، از انس روایت که گفت: هرگز پشت سر امامی نماز نخواندم که نمازش سبکتر و تمامتر از رسول خدا (ص) باشد، و رسول خدا (ص) چون صدای طفل را می شنید نماز را مختصر میکرد که مبادا مادرش به زحمت افتد.

ع ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: صَلَّيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَخَفَّفَ الصَّلَاةَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالُوا:

(۱) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۷۶۹.
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۷۰ و ۴۷۱.
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۳۶۵.

خَفَّتْ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ، فَقَالَ لَهُمْ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ صَرَخَ الصَّبِيِّ؟! (۱)
یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) نماز ظهر و عصر را در دو رکعت
آخر مختصر نمود، پس چون از نماز منصرف شد، مردم عرض کردند: آیا
در نماز حکمی جدید آمده؟ فرمود: چه شده؟ عرض کردند: در دو رکعت
آخر باختصار عمل کردی، فرمود: آیا صدای طفل را نشنیدید؟ (در
اینجا حضرت نماز را مختصر کرده که بیرونند گریه طفلی را برطرف
کنند).

۷- ش عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثٍ قَالَ: مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقَعُودِهِ وَ قِيَامِهِ رَدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَلَمْ تَجَاوِزْ تَرَاهُ قَبِيحًا، وَكَأَنَّكَ مَنَزَلْتَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنزِلَةَ أَمِيرِ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلِحْ لِرِعِيَّتِهِ وَلَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ، فَقَامَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَمَا مَنَزِلَةُ أَمِيرِ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلِحْ لِرِعِيَّتِهِ وَلَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ؟ قَالَ: هُوَ رَابِعٌ أَرْبَعَةٌ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ: إِبْلِيسَ، وَفِرْعَوْنَ، وَقَاتِلَ النَّفْسِ، وَرَابِعَهُمْ سُلْطَانَ جَائِرٍ (۲).

یعنی، در حدیثی از رسول خدا (ص) وارد شده که فرمود: هر کس برای قومی
امامت کند و در حضور خود و قرائت و رکوع و سجود و قعود و قیام
خود میان روی نکند، نماز او برگردد و از گلویش تجاوز نکند و
منزل او نزد خدا منزل امیر جائرست مگر است که رعیت خود را اصلاح
نکند و به امر خدا قیام نکند، پس امیر المؤمنین (ع) ایستاد و
عرض کرد یا رسول الله پدر و مادر من فدایت، منزله امیر جائرست مگر
که رعیت خود را اصلاح نکند و به امر خدا در ایشان قیام نکنند،
چیست؟ فرمود: او چهارمی چهارتاست که سخت ترین مردم است در
عذاب روز قیامت: ابلیس و فرعون و کشنده نفس و چهارمی ایشان
سلطان جائرست.

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَطْلُونَ لَكُمْ، فَإِنْ أَصَابُوا فَلَكُمْ، وَإِنْ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۶۹

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۷۰

أَخْطَأُ وَافَلَكُمْ وَعَلَيْهِمْ^(۱) .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: پیشوایانی که برای شما نماز میخوانند اگر درست و کامل بخوانند به نفع شماست، و اگر خطا و ناقص بخوانند به نفع شما و ضرر ایشان است .

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِأَجْلِ لِمَرِي أَنْ يَنْظُرَ فِي جَوْفِ بَيْتِ امْرِئٍ حَتَّى يَسْتَأْذِنَ، فَإِنْ نَظَرَ فَقَدْ دَخَلَ، وَ لِأَيُّومٍ قَوْمًا فَيُخْضِ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ دُونَهُمْ، فَإِنْ فَعَلَ فَقَدْ خَانَهُمْ، وَ لِأَيُّومٍ إِلَى الصَّلَاةِ وَهُوَ حَقِينٌ^(۲) .
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای مردی روا نیست که در میان خانه مردی نظر کند تا آنکه اجازه گیرد، پس اگر بدون اجازه نظر کرد بتحقیق داخل شده بدون اذن، و برای قومی امامت نکنند که خود را به دعاء اختصاص دهد نه ایشان را، پس اگر این کار نمود، بتحقیق به ایشان خیانت نموده، و به نماز برنخیزد در حالیکه به بول محصور شده است .

۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَأَخْصَّ نَفْسَهُ بِالدُّعَاءِ فَقَدْ خَانَهُمْ^(۳) .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه بر قومی امامت کند و دعا را به خود اختصاص دهد، محققاً به ایشان خیانت کرده است .

۱۲۶- باب إمامة الأعمى والمرأة والصغير

۱- ج عَنْ أَنَسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) اسْتَخْلَفَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ يَوْمَ النَّاسِ وَهُوَ أَعْمَى^(۴) .

یعنی، از انس روایت شده که رسول خدا (ص) ابن ام مکتوم را بجای خود گذاشت که برای مردم امامت کند در حالیکه او کور بود .

۲- ج عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ خَلَادٍ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَزُورُ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۵ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۶ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۱۴۵ و ج ۵ / ص ۴۷۴ .

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۶ والمصنف / ج ۲ / ص ۳۹۵ .

أُمُّ وَرَقَةَ فِي بَيْتِهَا، فَاسْتَأْذَنَتْهُ فِي مُؤَذِّنٍ، فَجَعَلَ لَهَا مُؤَذِّنًا، وَأَمَرَهَا أَنْ تَوَمَّ أَهْلَ دَارِهَا^(۱).

یعنی، روایت شده از عبدالرحمن بن خلاد که رسول خدا (ص) اُمّ وُرَقه را در خانه اش زیارت میکرد، پس اُمّ وُرَقه مؤذنی خواست، و رسول خدا (ص) برای او مؤذنی قرار داد و اُمّ وُرَقه را امر نمود که برای خانواده اش امامت کند.

۳- ج عَنْ عَمْرِو بْنِ سَلَمَةَ أَنَّهُمْ وَفَدُوا عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَنْصَرِفُوا قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ يُؤْمِنُنا؟ قَالَ: أَكْثَرُكُمْ جَمْعًا لِلْقُرْآنِ أَوْ أَخْذًا لِلْقُرْآنِ، فَكُنْتُ أَكْثَرَهُمْ جَمْعًا لِلْقُرْآنِ، فَقَدَّمُونِي وَأَنَا غُلَامٌ وَعَلَيَّ شِمْلَةٌ لِي فَمَا شَهِدْتُ مَجْمَعًا مِنْ جَرْمٍ إِلَّا كُنْتُ إِذَا مَعَهُمْ، وَكُنْتُ أُصَلِّي بِهِمْ عَلَى جَنَائِزِهِمْ إِلَّا يَوْمَ هَذَا^(۲).

یعنی، روایت شده از عمرو بن سلمه که ایشان (یعنی طائفه ایشان بنی جرّم) وارد شدند برسول خدا (ص)، پس چون خواستند برگردند، گفتند: یا رسول الله چه کس برای ما امامت کند؟ فرمود: آنکسیکه بیشتر قرآن را جمع کرده باشد و یا قرآن را فرا گرفته باشد، پس (عمرو بن سلمه گوید): من بیشتر از ایشان قرآن را جمع کرده بودم، پس مرا مقدم داشتند در حالیکه من جوان تازه ای بودم، و بریدن من پارچه ای بود، پس در مجمعی از طائفه بنی جرّم حاضر نشدم مگر اینکه امام ایشان بودم، و تا امروز برجنازه های ایشان نماز می خواندم... و در مسند زید در باره امامت اُمّ سلمه پرزنان، حدیثی از رسول خدا (ص) ذکر شده هر کس خواهد مرا جمع کند^(۳).

۱۲۷- باب موقف المأموم من الامام

۱- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: بَيْتٌ عِنْدَ خَالَتِي مَيْمُونَةَ فَقَامَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ فَقَمْتُ أُصَلِّي مَعَهُ عَنْ يَسَارِهِ، فَأَخَذَنِي بِرَأْسِي

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۷

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۷ والمصنف / ج ۲ / ص ۳۹۹

(۳) مسند الامام زید / ص ۱۲۶

فَأَقَامَنِي عَنْ يَمِينِهِ (۱).

یعنی، روایت شده از ابن عباس که گفت: شب نزد خاله ام میمونه ماندم، رسول خدا (ص) ایستاد نماز بخواند، من طرف چپ او ایستادم، پس سرم را گرفت و مرا به طرف راستش واداشت.

۲- ج عَنْ سَمُرَةَ بِنِ جُنْدَبٍ، قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كُنَّا ثَلَاثَةً أَنْ يَتَقَدَّمَ مِنَّا أَحَدُنَا (۲).

یعنی، از سمره بن جندب روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) ما را امر کرد که چون سه نفر بودیم یکی از ما برای امامت در نماز مقدم شود.

۳- ج عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ (ص) فِي بَيْتِ أُمِّ سَلِيمٍ فَقُمْتُ وَبَيْتِي خَلْفَهُ وَ أُمُّ سَلِيمٍ خَلْفَنَا (۳).

یعنی، از انس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در خانه ام سلیم نماز کرد، پس من و بیتی من پشت سرا و ایستادم و ام سلیم پشت سرما.

۴- ج عَنْ أَنَسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أُمَّهُ وَ أَمْرَأَةً مِنْهُمْ، فَجَعَلَهُ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْأَمْرَأَةَ خَلْفَ ذَلِكَ (۴).

یعنی، از انس روایت شده که رسول خدا (ص) برای او و زنی امامت کرد، پس او را طرف راست قرار داد و زن را پشت آن.

۵- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: أَوَّلُ جَمَاعَةٍ كَانَتْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَصَلِّي وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ (ع) مَعَهُ، إِذْ مَرَّ بِهٖ أَبُو طَالِبٍ وَ جَعْفَرٌ مَعَهُ فَقَالَ: يَا بَنِيَّ صَلِّ جَنَاحَ ابْنِ عَمِّكَ (۵).

یعنی، از جعفر بن محمد (ع) روایت شده که گفت: اولین نماز جماعتی که بوجود آمد آن است که رسول خدا (ص) با امیرالمؤمنین علی (ع) برپا داشت، در این هنگام ابوطالب و جعفر بر آنحضرت گذشتند، پس ابوطالب

گفت: ای پسر در جنب پسر عمویت نماز بخوان. و در مسند زید از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: إِذَا كَانَ اثْنَانِ فَلْيَقُمْ أَحَدُهُمَا عَنِ يَمِينِ الْأُخْرَى (۶).

- (۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۸
- (۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۸
- (۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۸
- (۴) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۸
- (۵) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۳۷۳
- (۶) مسندا لاما زید / ص ۱۱۸

۱۲۸- باب الاقتداء بالامام

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَ إِذَا تَكَبَّرُوا حَتَّى يُكَبِّرَ، وَ إِذَا رَكَعَ فَأَرْكَعُوا، وَ إِذَا تَرَكَعُوا حَتَّى يَتَرَكَعَ، وَ إِذَا سَجَدَ فَاسْجُدُوا، وَ إِذَا تَسَجَّدُوا حَتَّى يَسْجُدَ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا امام قرار داده شده برای آنکه به او اقتداء شود، پس چون تکبیر گفت، شما هم تکبیر بگوئید، و تکبیر نگوئید تا آنکه ابتدا امام تکبیر گوید، و چون امام رکوع کرد، پس رکوع کنید، و رکوع نکنید تا اینکه امام رکوع کرده باشد، و چون امام سجده کرد شما نیز سجده کنید، و قبل از آنکه امام سجده کند، سجده نکنید.

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا قَالَ إِمَامُكُمْ: اللَّهُ أَكْبَرُ فَقُولُوا اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ إِذَا قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون امامتان گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، پس اللَّهُ أَكْبَرُ بگوئید بدون فاصله، و چون امام گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، پس اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ (یعنی، خدایا پروردگارا حمد مخصوص تو است).

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّمَا جُعِلَ الْإِمَامُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ، فَإِذَا كَبَّرَ فَكَبِّرُوا، وَ إِذَا رَكَعَ فَأَرْكَعُوا، وَ إِذَا قَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، وَ إِذَا صَلَّى قَائِمًا فَصَلُّوا قِيَامًا، وَ إِذَا صَلَّى قَاعِدًا فَصَلُّوا قُعُودًا أَجْمَعُونَ (۳).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: همانا امام قرار داده شده برای آنکه به او اقتداء شود، پس چون تکبیر گفت، تکبیر بگوئید، و چون رکوع رفت رکوع بروید، و چون گفت: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، بگوئید: اللَّهُمَّ رَبَّنَا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۹.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۷۲.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۵۹.

وَلَكَ الْحَمْدُ، و چون امام ایستاده نماز خواند، شما هم ایستاده نماز بخوانید، و چون نشسته نماز خواند، شما هم همگی نشسته نماز بخوانید.
 ۴- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَقَعَ عَنْ فَرَسٍ فَسَحَّ شِقَهُ الْأَيْمَنُ فَصَلَّى بِهِمْ جَالِسًا فِي غُرْفَةِ إِبْرَاهِيمَ^(۱).
 یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) از اسب بر زمین افتاد و طرف راستش خراشی دید، پس درغرفه ابراهیم با مردم نماز را نشسته خواند.

۵- ش قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى بِأَصْحَابِهِ جَالِسًا، فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ: لِأَيُّ مَنٍّ أَحَدُكُمْ بَعْدِي جَالِسًا^(۲).
 یعنی، حضرت باقر گوید: رسول خدا (ص) به اصحابش نماز را نشسته خواند، پس چون نمازش تمام شد، فرمود: البته احدی از شما پس از من نشسته امامت نکند.

۶- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَمَا يَخْشَى الَّذِي يَرْفَعُ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ أَنْ يَحُولَ اللَّهُ رَأْسَهُ رَأْسَ جَمَارٍ^(۳).
 یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آیا نمی ترسد آنکه سرش را قبل از امام بلند میکند که خدا سراورا سرد را زگوش گرداند.

۷- ش قَالَ عَلِيُّ (ع): كُنَّ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَكُنَّ يُؤْمَرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُءُوسَهُنَّ قَبْلَ الرَّجَالِ لِضَيْقِ الْأَزْرِ^(۴)، (لأنهم فقراء المسلمين و ليس لهم رازار).
 یعنی، علی (ع) فرمود: زنان با رسول خدا (ص) نماز میخواندند، پس ما مور بودند که سر برنदारند پیش از مردان بعلت تنگی جامه مردان، (چون عده ای از اصحاب لباس درستی نداشتند که تمام بدنشان را کاملاً بپوشاند). و بهمین مضمون روایت در کتاب تاج نیز وارد شده^(۵).

۸- ش وَج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا جِئْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ وَنَحْنُ فِي

-
- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۵
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۴۶۳
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۰ و المصنف / ج ۲ / ص ۷۳۷
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۱۳
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۰

السُّجُودِ فَاسْجُدُوا وَ لَا تَعْدُوا بِهَا شَيْئًا، وَمَنْ أَدْرَكَ الرَّكْعَةَ فَقَدْ أَدْرَكَ
الصَّلَاةَ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون به نماز آمدید و ما در سجده بودیم پس سجده کنید و آنرا بشماره چیزی نشمرید و به حساب نیاورید، و کسیکه رکعتی از نماز را درک کند بتحقیق نماز را درک نموده و به نماز رسیده است.

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ الصَّلَاةَ وَالْإِمَامُ عَلَى
حَالٍ فَلْيُصْنَعْ كَمَا يَصْنَعُ الْإِمَامُ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما به نماز آمد و امام برحالی بود، او بجا آورد همان کاری را که امام بجا می آورد.

۱۲۹- باب فضل الصّفّ الأوّل وما يليه

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ وَجَدَ غَمَضًا شَوْكِي
عَلَى الطَّرِيقِ فَأَخْرَهُ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَغَفَرَ لَهُ، ثُمَّ قَالَ: الشَّهَادَةُ
حَسَنٌ: الْمَطْعُونُ، وَالْمَبْطُونُ، وَالْغَرِيقُ، وَصَاحِبُ الْهَدْمِ، وَالشَّهِيدُ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَقَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ
ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَأَسْتَهَمُوا، وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي
التَّهْجِيرِ لَأَسْتَبَقُوا إِلَيْهِ، وَ لَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِي الْعَتَمَةِ وَالصُّبْحِ
لَأَتَوْهُمَا وَ لَوْ حَبُوا (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در بین آنکه مردی براهی میرفت، شاخه
خاری بر راه یافت، و آنرا کنار می گذاشت، خدا برای عمل او شکر
گذاشت و او را آمرزید، سپس رسول خدا (ص) فرمود: شهیدان پنج
طائفه اند: آنکه صدمه خورده و شهید شده، و آنکه بیماری شکم داشته،
و آنکه غرق گشته، و آنکه بنائی بر او خراب شده، و آنکه صدمه

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۰ و ۲۶۱ و وسائل الشیعه/ ج

۵/ ص ۴۵۰

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۱

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۱

خورده و هنگام جهاد در راه خدا شهید شده است . و فرمود: اگر مردم می‌دانستند چه ثوابی درندای نماز و صفا اول می‌باشد، سپس آنرا نمی‌یافتند جز بوسیله قرعه، هرآینه قرعه می‌کشیدند، و اگر می‌دانستند در خواندن نماز ظهر هنگامها چاره (اول وقت) چه نتایجی است هرآینه به آن پیشی می‌گرفتند، و اگر می‌دانستند چه ثوابی در نماز عشاء و صبح است، هرآینه به آنها حاضر می‌شدند و اگر چه باشکم راه روند.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَمَنْ حَافِظَ عَلَيَّ الصَّغِيرِ الْأَوَّلِ وَ التَّكْبِيرِ الْأَوَّلِي لِأَيُّدِي مُسْلِمًا أُعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَدِّتُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: و کسیکه بر صفا اول و تکبیر اول محافظت کند که مسلمانی را اذیت نکند، خدا از اجر به او بدهد به مقداری که به مؤذنین عطا میکند در دنیا و آخرت . و قال (ص): إِنَّ خَيْرَ الصُّوفِ صَفَّ الرِّجَالِ الْمَقْدَمِ وَ شَرَّهَا الْمُؤَخَّرِ (۲).

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): خَيْرُ صُوفِ الرِّجَالِ أَوْلَاهَا وَ شَرُّهَا آخِرُهَا وَ خَيْرُ صُوفِ النِّسَاءِ آخِرُهَا وَ شَرُّهَا أَوْلَاهَا (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین صفهای مردان اولین صفاست و بدترین آن آخرین صفاست، و بهترین صوف زنان آخرین صفاست و بدترین آن اولین صفاست .

۴- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فَضَّلْنَا عَلَى النَّاسِ بِثَلَاثٍ: جَعَلْتُ صُوفُنَا كَصُوفِ الْمَلَائِكَةِ، وَ جَعَلْتُ لَنَا الْأَرْضَ كُلَّهَا مَسْجِدًا، وَ جَعَلْتُ تَرَبُّتَهَا لَنَا طَهُورًا إِذَا لَمْ نَجِدِ الْمَاءَ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ما بر مردم برتری داده شدیم به سه چیز: - صوف ما مانند صوف فرشتگان است . - زمین تمامش برای ما محل سجده است . - و خاک آن پاک کننده است هرگاه آب نیابیم .

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۸۷
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۸۷
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۶۱ و ۳۶۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۴۸
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۶۲

٥- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَمَا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ.^(١)
یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: اما جماعت، پس صفوف اتمم مانند صفهای فرشتگان است.

٦- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الَّذِينَ يُصَلُّونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى، وَمَا مِنْ خُطْوَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ خُطْوَةٍ يَمْشِيهَا الْعَبْدُ يَصِلُ بِهَا صَفًّا.^(٢)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که: خدایتعالی و ملائکه درود می‌فرستند بر آنکسانی که به صف اول برسند، و هیچ قدمی نزد خدا بهتر نیست از قدمیکه بنده برای رسیدن به صفی بردارد.

٧- ج عَنِ الْعَرَبِاضِ بْنِ سَارِيَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُصَلِّي عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ ثَلَاثًا وَعَلَى الثَّانِي وَاحِدَةً.^(٣)
یعنی، از عرباض بن ساریه روایت شده که رسول خدا (ص) بر صف اول، سه صلوات می‌فرستاد و بر صف دوم یک صلوات. (این حدیث را محتمل است بدین صورت نیز معنا نمود که: «رسول خدا ۳ بر صف اول سه رکعت می‌خواند و بر صف دوم یک رکعت». چون صف اول، از اول نماز حاضر بودند، و صف دوم کسانی بودند که به رکعت آخر می‌رسیدند).

١٣٠- باب خيار الناس اولى بالصف الاول

١- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِيَلِينِي مِنْكُمْ أُولُوا الْأَحْلَامِ وَالنُّهَى، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ وَإِيَّاكُمْ وَهَيْشَاتِ الْأَسْوَاقِ.^(٤)
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: باید پشت سر من صاحبان بلوغ و عقل باشند، سپس آنان که به ایشان (در علم و عقل) نزدیک‌ترند، و بپرهیزید از فتنه‌انگیزان بازار.

٢- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ سَرَّكُمْ أَنْ تَزْكُوا صَلَاتَكُمْ فَقَدِّمُوا

- (١) وسائل الشیعه / ج ٥ / ص ٣٧٢ و ٣٧٣ .
(٢) التاج الجا مع للاصول / ج ١ / ص ٢٦٢ .
(٣) التاج الجا مع للاصول / ج ١ / ص ٢٦٢ .
(٤) التاج الجا مع للاصول / ج ١ / ص ٢٦٢ و ٢٦٣ والمصنف / ج ٢ / ص ٥٣ .

خِيَارِكُمْ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اگر خوش دارید که نماز خود را پاکیزه کنید، پس خوبان را مقدم دارید (برای امامت و یاصفا اول).

۳- ج عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَصُفُّ الرِّجَالَ أَوْلًا، ثُمَّ الْغُلَمَانَ خَلْفَهُمْ وَالنِّسَاءَ خَلْفَ الْغُلَمَانَ (۲).

یعنی، از ابی مالیک اشعری روایت شده که: رسول خدا (ص) اول مردان را به صف میکرد، سپس پسرها را پشت سر آنان، سپس زنان را پشت سر پسران.

۴- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) رَأَى فِي أَصْحَابِهِ تَأْخُرًا، فَقَالَ لَهُمْ: تَقَدَّمُوا فَأَتَمُّوا بِي وَ لِيَأْتَمَّ بِكُمْ مَن بَعْدَكُمْ، لِإِزَالِ قَوْمٍ يَتَأَخَّرُونَ حَتَّى يُوَخَّرَهُمُ اللَّهُ (۳).

یعنی، از ابی سعید خدری روایت شده که رسول خدا (ص) در میان اصحابش عقب افتادگی دید، فرمود: جلو بیاوید به من اقتداء کنید و به شما اقتداء کنند آنانکه پس از شما آیند، همواره قومی عقب افتادگی می کنند تا خدا ایشان را عقب می اندازد.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَ لِاجْمَاعَةٍ (۴). وَ قَالَ (ص): لَيْسَ عَلَى الْمَرَأَةِ أَذَانٌ وَ لِإِقَامَةٍ (۵).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: بر زنان جمعه و جماعتی واجب نیست، و نیز رسول خدا (ص) فرمود: بر زن نه اذان است و نه اقامه.

۱۳۱- باب مساعدة الامام

ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) صَلَّى صَلَاةً فَقَرَأَ فِيهَا فَلَيْسَ

- (۱) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۳۹۳ و ۴۱۶ .
 (۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۳ .
 (۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۳ .
 (۴) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۴۰۷ و ص ۳ .
 (۵) وسائل الشيعه / ج ۴ / ص ۶۳۸ .

عَلَيْهِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لِأَبِي بِنِ كَعْبٍ : أَمْلَيْتَ مَعَنَا؟ قَالَ: نَعَمْ،
قَالَ: فَمَا مَنَعَكَ أَنْ تَفْتَحَ عَلَيَّ! (۱)

یعنی، ابن عمر روایت کرده که رسول خدا (ص) نمازی خواند، و در آن قرائتی نمود و برا و اشتباه آمد، پس چون تمام کرد، به ابی بن کعب فرمود: آیا با ما نمازی خواندی؟ عرض نمود: آری، فرمود: پس چه مانعت شد که بر من با زکنی (اشتباه را) .

۱۳۲- باب تسوية الصفوف و قول الامام فيها

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَ تَرَاوُوا، فَإِنَّ تَسْوِيَةَ الصَّفِّ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صفهای خود را راست گردانید، زیرا راست نمودن صف از تمام و کمال نماز است .

۲- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَقِيمُوا الصَّفَّ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ إِقَامَةَ الصَّفِّ مِنْ حُسْنِ الصَّلَاةِ (۳) وَ يَقُولُ (ص): لَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صفهای خود را راست گردانید زیرا راست نمودن صف از خوبی نماز است . و میفرمود: باختلاف نایستید که دل‌های شما مختلف می‌شود . و به همین مضمون در کتاب

وسائل نیز وارد شده است (۵)

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): سَوَّوْا بَيْنَ صُفُوفِكُمْ، وَحَاذُوا بَيْنَ مَنَاكِبِكُمْ لِاسْتِحْوَادِ عَلَيْكُمْ الشَّيْطَانِ (۶) وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: فَأَعْدِلُوا صُفُوفَكُمْ وَ أَقِيمُواهَا، وَ سَوَّوْا الْفَرْجَ (۷)

(۱) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۶۳

(۲) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۶۴

(۳) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۶۴ والمصنف / ج ۲ / ص ۴۴

(۴) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۶۴

(۵) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۷۲ و ۴۷۳

(۶) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۷۲

(۷) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۴۷۲

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: میان صف‌های خود را مساوی کنید، و شانه‌هایتان را محاذی یکدیگر نمائید، شیطان بر شما مسلط نگردد. و در روایتی فرمود: صف‌ها را معتدل و راست کنید و فاصله مگذارید.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَقِيمُوا الصُّفُوفَ وَحَادُوا بَيْنَ الْمَنَاقِبِ، وَ سُدُّوا الْخَلَلَ، وَ لِيُنَوَّأَ بِأَيْدِي إِخْوَانِكُمْ، وَ لَا تَتَذَرُوا فُرُجَاتِ لِشَيْطَانٍ، وَ مَنْ وَصَلَ صَفًّا وَصَلَهُ اللَّهُ، وَ مَنْ قَطَعَ صَفًّا قَطَعَهُ اللَّهُ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صف‌ها را راست گردانید و بین شانه‌ها را محاذی قرار دهید و شکاف‌ها را سد کنید و بدست برادرانتان نرمی کنید، و سوراخهایی برای شیطان مگذارید و آنکه صفی را وصل کند خدا او را وصل کند، و آنکه قطع صفی کند، خدا او را قطع نماید.

۱۳۳- باب اتمام الصفوف و کراهة الانفراد

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَتَمُّوا الصَّفَّ الْمُقَدَّمَ، ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ فَمَا كَانَ مِنْ نَقْصٍ فَلْيَكُنْ فِي الصَّفِّ الْمُوَخَّرِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صف مقدم را تمام کنید، سپس بپردازید به صف بعد از آن، پس آنچه نقص باشد باید در صف مؤخر باشد.

۲- ج عَنْ وَائِضَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ رَأَى رَجُلًا يَطْلِي خَلْفَ الصَّفِّ وَحَدَّهُ، فَأَمَرَهُ أَنْ يُعِيدَ الصَّلَاةَ (۳).

یعنی، از وائِضَةُ روایت شده که: رسول خدا (ص) مردی را دید که در پشت صف بتنها می‌نمازمی خواند، پس او را امر نمود که نمازش را اعاده کند.

۳- ج عَنْ أَبِي بَكْرَةَ، قَالَ: دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ وَ نَبِيُّ اللَّهِ (ص) رَاكِعٌ فَرَكَعْتُ دُونَ الصَّفِّ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): زَادَكَ اللَّهُ حِرْمًا وَ لَا تُعَدُّ (۴).

(۱) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۵

(۲) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۵

(۳) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۶ و مسند الامام زید/ ص ۱۱۸ و ۱۱۹

(۴) التاج مع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۶۶

یعنی، از ابی بکره روایت شده که گفت: داخل مسجد شدم در حالیکه پیغمبر خدا (ص) در رکوع بود، در نتیجه خارج از صف رکوع کردم، پس (بعد از نماز) پیغمبر (ص) فرمود: خدا حرص تورا بر جماعت زیاد کند، بعد از چنین کاری را تکرار مکن.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَكُونَنَّ فِي الْعَثْكَلِ، قُلْتُ: وَمَا الْعَثْكَلُ؟ قَالَ: أَنْ تُصَلِّيَ خَلْفَ الصُّفُوفِ وَحَدَّكَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنِ الدُّخُولُ فِي الصَّفِّ فَأَمَّ جِذَاءَ الْإِمَامِ أَجْزَأَهُ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در عثکل نباش، راوی گفت: عثکل چه باشد؟ فرمود: تنها رفتن تو پشت صفوف، پس اگر ممکن نشد که داخل در صف بایستد، مقابل امام او را کافی است.

۱۳۴- باب انصراف الامام من الصلاة

واستقباله للناس

۱- ج عَنْ قَبِيصَةَ بِنِ هَلِيبٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُؤْمِنًا فَيَنْصَرِفُ عَلَى جَانِبَيْهِ جَمِيعًا، عَلَى يَمِينِهِ وَعَلَى شِمَالِهِ (۲).

یعنی، قبیصه بن هلیب از پدرش روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) برای ما امامت میکرد، پس به دو جانب خود به همه جانب بر راست و چپ خود منصرف میشد و از نماز دست میکشید (و البته پس از نماز مستحب است امام به دو طرف راست و چپ خود نیز سلام دهد).

۲- ج عَنْ سَمُرَةَ بِنِ جُنْدَبٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا صَلَّى صَلَاةً أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ (۳).

یعنی، از سمرة بن جندب روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون نمازی را تمام مینمود، صورتش را روبه ما مینمود (تا مردم را موعظه و مردم استفاده کنند).

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَا يَصِلُ الْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صَلَّى

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۶۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۷

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۷ والمصنف / ج ۲ / ص ۵۸

فِيهِ حَتَّى يَتَحَوَّلَ (۱)

یعنی، امام در مکانی که نماز خوانده، نماز (دیگری را) نخواند تا آنکه جای خود را تغییر دهد (تا اینکه هر نمازی در مکانی واقع شود) .
 ۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص) : أَعْجَزُ أَحَدِكُمْ إِذَا صَلَّى أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ أَوْ عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ (۲) .
 یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آیا یکی از شما ناتوان است که چون نمازی خواند (برای نماز دیگر) جلو برود و یا عقب برود و یا از طرف راست و یا چپ خود برود .

۱۳۵- باب إعادة الصلاة جماعة

۱- ج عَنْ جَابِرٍ، أَنَّ مَعَاذِينَ جَبَلٍ كَانَ يُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ (ص) الْعِشَاءَ ثُمَّ يَأْتِي قَوْمَهُ فَيُصَلِّي بِهِمْ تِلْكَ الصَّلَاةَ (۳) .
 یعنی، از جابر روایت شده که : معاذین جبل با رسول خدا (ص) نماز عشاء را میخواند، سپس نزد قومش می آمد و همان نماز را برایشان بجای آورد و امامت مینمود .
 ۲- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فِي رَحْلِهِ ثُمَّ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ لَمْ يُصَلِّ، فَلْيُصَلِّ مَعَهُ فَإِنَّهَا لَهُ نَافِلَةٌ (۴) .
 یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما در منزل خود نماز خواند، سپس امام را درک کرد که نماز نخوانده، پس با آن امام نماز بخواند، زیرا این نماز برای او ناقله محسوب می شود .

۱۳۶- باب جواز أن يستخلف الإمام غيره

۱- ج عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) ذَهَبَ إِلَى بَنِي عَمْرِو

- | | |
|-----|--|
| (۱) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۷ |
| (۲) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۷ |
| (۳) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۸ |
| (۴) | التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۶۸ و المصنف / ج ۲ / ص ۴۲۱ |

بْنِ عَوْفٍ لِيُصَلِّحَ بَيْنَهُمْ، فَحَانَتِ الصَّلَاةُ، فَجَاءَ الْمُؤَذِّنُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالَ: أَتَمَلِّي لِلنَّاسِ فَأَقِيمَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَصَلَّى أَبُو بَكْرٍ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ النَّاسُ فِي الصَّلَاةِ، فَتَخَلَّصَ حَتَّى وَقَفَ فِي الصَّفِّ، فَصَفَّقَ النَّاسُ، وَكَانَ أَبُو بَكْرٍ لَا يَلْتَفِتُ فِي صَلَاتِهِ، فَلَمَّا أَكْثَرَ النَّاسُ التَّصْفِيقَ التَّفَّتَ، فَرَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص)، فَأَشَارَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ امْكُثْ مَكَانَكَ فَرَفَعَ أَبُو بَكْرٌ يَدَيْهِ فَحَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا أَمَرَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ اسْتَأْخَرَ أَبُو بَكْرٍ حَتَّى اسْتَوَى فِي الصَّفِّ، وَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَصَلَّى فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَثْبُتَ إِذْ أَمَرْتُكَ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: مَا كَانَ لِابْنِ أَبِي قُحَافَةَ أَنْ يُصَلِّيَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا لِي رَأَيْتُكُمْ أَكْثَرْتُمْ التَّصْفِيقَ، مَنْ نَابَهُ شَيْءٌ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَسْبِحْ، فَإِنَّهُ إِذَا سَبَحَ التُّفَّتَ إِلَيْهِ، وَإِنَّمَا التَّصْفِيقُ لِلنِّسَاءِ (١)

یعنی، روایت شده از سهل بن سعد که رسول خدا (ص) به سوی طایفه بنی عمرو بن عوف رفت برای آنکه بین ایشان اصلاح دهد، پس وقت نماز رسید و مؤذن نزد ابوبکر آمد و گفت آیا به مردم نماز میخوانی که اقامه بگویم؟ گفت: آری، پس ابوبکر نماز را شروع کرد که رسول خدا (ص) آمد در حالیکه مردم در نماز بودند، پس رسول خدا (ص) خود را کوچک کرد تا در صف توقف کرد، پس مردم دست به دست زدند و ابوبکر در نماز خود توجه نمیکرد، پس چون صدای تصفیق زیاد گردید توجه کرد و رسول خدا (ص) را دید، پس رسول خدا (ص) به او اشاره کرد که در جای خود باش، پس ابوبکر خدا را حمد نمود بواسطه آنچه رسول خدا (ص) به او امر نموده بود که بجای خود باش، سپس ابوبکر خود را عقب کشید تا در میان صف مساوی شد و رسول خدا (ص) مقدم شد و نماز خواند و چون تمام کرد، فرمود: ای ابوبکر چه مانع تو شد که بجای خود باشی هنگامیکه امرت کردم، ابوبکر گفت: فرزند ابوقحافه را نرسد که در جلو رسول نماز گذارد، پس رسول خدا (ص) به مردم فرمود چه شده که دیدم زیاد دست کوبیدید، هر کس در

(١) التاج الجامع للاصول/ ج ١/ ص ٢٦٩ و ٢٧٠.

نمازش چیزی را قصد کرد باید تسبیح گوید، زیرا او چون تسبیح گفت، بها و توجه شود، وهما نا دست بهم کوبیدن برای زنان باشد.

۲- ج عَنْ أَبِي مُوسَى، قَالَ: مَرَضَ النَّبِيُّ (ص) فَأَشْتَدَّ مَرَضُهُ، فَقَالَ مَرُّوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ، قَالَتْ عَائِشَةُ: إِنَّهُ رَجُلٌ رَقِيقٌ، إِذَا قَامَ مَقَامَكَ لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ، قَالَ: مَرُّوا أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ، فَعَادَتْ، فَقَالَ: مَرَى أَبَا بَكْرٍ فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ، فَاتَّكَنَ صَوَاجِبُ يُوْسُفَ، فَأَتَاهُ الرَّسُولُ، فَصَلَّى بِالنَّاسِ فِي حَيَاةِ النَّبِيِّ (ص) (۱)

یعنی، روایت شده از ابی موسی که گفت رسول خدا (ص) بیمار گردید و بیماری او سخت شد، پس فرمود: بگوئید ابوبکر با مردم نماز بخواند، عایشه عرض کرد که او مردنازک دلی است چون جای نوبایستد نتواند با مردم نماز بخواند، رسول خدا (ص) فرمود: بگوئید ابوبکر با مردم نماز بخواند، عایشه دومرتبه سخن خود را تکرار کرد، حضرت فرمود: بگو ابوبکر با مردم نماز بخواند زیرا شما زنان مانند زنان زمان یوسفید، پس قاصد نزد او آمد و او با مردم نماز خواند در زمان رسول خدا (ص).

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَبَا بَكْرٍ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ فِي مَرَضِهِ، فَكَانَ يُصَلِّيَ بِهِمْ. قَالَ عُرْوَةُ: فَوَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي نَفْسِهِ خِيفَةً، فَخَرَجَ فَإِذَا أَبُو بَكْرٍ يَوْمَ النَّاسِ، فَلَمَّا رَأَهُ أَبُو بَكْرٍ اسْتَأْخَرَ، فَأَشَارَ إِلَيْهِ أَنْ كَمَا أَنْتَ، فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حِذَاءَ أَبِي بَكْرٍ إِلَى جَنْبِهِ، فَكَانَ أَبُو بَكْرٍ يُصَلِّيَ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ أَبِي بَكْرٍ (۲)

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) ابوبکر را امر نمود که برای مردم امامت کند و نماز بخواند در حال بیماری خود، پس ابوبکر نماز میخواند. عروه گوید: چون رسول خدا (ص) در خود سبکی یافت و بیرون آمد در حالیکه ابوبکر امامت مینمود، پس ابوبکر همینکه رسول خدا (ص) را دید خود را عقب کشید، رسول خدا (ص)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۰ والمصنف / ج ۲ / ص ۴۵۹

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۰ والمصنف / ج ۲ / ص ۴۵۹

به او اشاره کرد که همانطور در جای خود باش، پس رسول خدا (ص) مقابل ابوبکر نشست و ابوبکر در پهلو او بود، پس ابوبکر به نماز رسول خدا (ص) نماز نمود و مردم به نماز ابوبکر نماز میکردند.

۴- ج عن أنس، قال: صَلَّى النَّبِيُّ (ص) فِي مَرَضِهِ خَلْفَ أَبِي بَكْرٍ قَاعِدًا فِي ثَوْبِهِ مُتَوَشِّحًا بِهِ وَ هِيَ آخِرُ صَلَاةٍ صَلَّىهَا رَسُولُ اللَّهِ مَعَ الْقَوْمِ (۱).

یعنی، از انس روایت شده که رسول خدا (ص) در بیماری خود پشت سر ابوبکر نماز خواند در حالیکه جامه خود را به خود پیچیده بود، و آن نماز آخرین نماز رسول خدا (ص) بود که با مردم خواند.

۵- ج عن أنس، أن أبابكر كان يصلي بهم في وجع النبي (ص) الذي توفي فيه، حتى إذا كان يوم الإثنين وهم صُفُوفٌ فِي الصَّلَاةِ كَشَفَ النَّبِيُّ (ص) سِتْرَ الْحَجْرَةِ يَنْظُرُ إِلَيْنَا وَ هُوَ قَائِمٌ كَانَ وَجْهَهُ وَرَقَةً مَصْحَفٍ، ثُمَّ تَبَسَّمَ يَضْحَكُ، فَهَمَمْنَا أَنْ نَفْتَحَ مِنَ الْفَرْجِ، بِرُؤْيِي النَّبِيِّ (ص)، فَانْكَصَ أَبُو بَكْرٍ عَلَيَّ عَقْبِيهِ لِيَصِلَ الصَّفَّ، وَ ظَنَنْتُ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) خَارَجَ إِلَى الصَّلَاةِ، فَأَشَارَ إِلَيْنَا النَّبِيُّ (ص) بِيَدِهِ أَنْ أْتِمُوا صَلَاتَكُمْ، وَ أَرُخِيَ السِّتْرَ، فَتَوَفَّيَ مِنْ يَوْمِهِ (۲).

یعنی، از انس روایت شده که ابوبکر با مردم نماز میخواند در حال بیماری رسول خدا (ص)، تا روز دوشنبه شد در حالیکه ایشان در نماز بودند، رسول خدا (ص) پرده حجره را بالا زد و به ما نظر افکند در حالیکه ایستاده بود و گویا صورت مبارکش ورقه کتاب بود، سپس تبسم نمود و خندید، پس ما از خوشحالی خواستیم که به دیدن رسول خدا (ص) مفتون شویم، و ابوبکر به عقب رفت تا به صف برسد و خیال کرد که رسول خدا (ص) به نماز آمده، رسول خدا (ص) به ما اشاره کرد که نمازتان را تمام کنید، و پرده را انداخت پس همانروز وفات نمود (ص).

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۷۱.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۷۱.

ابواب صلاة الجمعة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^(۱)

o o o

۱۳۷- باب فضل صلاة الجمعة و وجوبها

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): خَيْرِ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَ فِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ، وَ فِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا، وَ لَاتَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین روزیکه خورشید بر آن طلوع کرده روز جمعه است، درچنین روزی آدم خلق شد، و درچنین روزی داخل آن بهشت شد، و درچنین روزی از آنجا خارج شد، وساعت قیامت بپا نشود مگر در روزجمعه.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ الْجُمُعَةَ سَيِّدُ الْأَيَّامِ، يُضَاعَفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَ يَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَ يَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ وَ يَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ، وَ تَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ، وَ تَقْضِي فِيهِ حَوَائِجَ الْعِظَامِ، وَ هُوَ يَوْمٌ الْمَزِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عِتْقَاءٌ وَ طَلْقَاءٌ مِنَ النَّارِ، مَا دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ وَ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حَرَمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عِتْقَائِهِ وَ طَلْقَائِهِ مِنَ النَّارِ، وَ مَا اسْتَحَفَّ أَحَدٌ بِحَرَمَتِهِ وَ ضَيَعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمْلِيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ^(۳).

(۱) قرآن / سوره جمعه / آیه: ۹
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۲
(۳) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۶۳

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: جمعه سید روزهاست، خدا ثواب حسنات را در آن دوچندان می‌کند، و سیئات را در آن محومی نماید و درجات را در آن بالا می‌برد و دعاها را در آن مستجاب می‌کند و گرفتاریها را در آن برطرف می‌سازد و حاجتهای بزرگ را در آن برآورده می‌کند، و این روز روزی است که خدا در آن آزادی و رهایی از آتش را زیاد می‌کند، احدی از مردم خدا را نخوانده و حق و حرمت روز جمعه را نشناخت جز اینکه بر خدا سزاوار است که او را از آزادشدگان و رهاشدگان از آتش قرار دهد، و احدی استخفاف به حرمت آن و حق آنرا ضایع نکرد مگر اینکه بر خدا سزاوار و حق است که او را به آتش دوزخ درآورد مگر آنکه توبه کند.

۳- ش قال النبی (ص): أَمَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَوْمٌ يَجْمَعُ اللَّهُ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ لِلْحِسَابِ فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى فِيهِ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اما روز جمعه، پس خدا اولین و آخرین را در آن روز جمع می‌کند، پس مؤمنی نیست که در آن به نماز جمعه برود مگر اینکه خدا هولها و ترسهای قیامت را برا و آسان کند، سپس امر نماید او را به بهشت ببرند.

۴- ج عن أبي هريرة عن النبي (ص) قال: نحن الآخرون السابقون يوم القيامة، بيداً نهم أوتوا الكتاب من قبلنا، وأوتيناها من بعدهم ثم هذا يومهم الذي فرض الله عليهم، فما ختلوا فيه، فهدانا الله له، فالتاس لنا فيه تبع، اليهود غداً، والنصارى بعد غداً (۲).

یعنی، ابوهریره روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: ما آیندگانی هستیم که در روز قیامت پیشی‌گیرنده هستیم جز اینکه آنان (یهود و نصاری) کتاب داده شدند پیش از ما و ما پس از ایشان کتاب داده شدیم، سپس این روزی را که خدا برایشان واجب نمود (عبادت را) در آن اختلاف کردند، پس خدا ما را به آن روز هدایت کرد

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴ و ص ۳۷۳.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۳.

پس، مردم در آن روزی که خدا معین کرده بدنبال ما آیند، یهود فردا و نصاری پس فردا .

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا اسْتَأْتَفَ الْعَمَلَ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس به نماز جمعه برود برای ایمان به خدا و به حساب او، عمل را از سرگیرد (یعنی آمرزیده شده بعداً مواظب عمل خود باشد).

۶- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةَ فَرِيضَةً وَاجِبَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا خدا یثعالی مقرر داشته بر شما نماز جمعه را که واجب است تا روز قیامت .

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جَمَعٍ مُتَعَمِّدًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ بِخَاتَمِ النِّفَاقِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس سه جمعه نماز جمعه را عمداً بدون علتی ترک کند خدا مهر بر قلبش زند بمهر نفاق.

۸- ج و ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَيَنْتَهَيْنَ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجُمُعَاتِ، أَوْ لَيُخْتَمَنَّ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لَيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: البته باید آن قوم‌هایی که نمازهای جمعه را رها کرده‌اند، دست بردارند، و یا آنکه البته خدا بر دل‌هاشان مهر می‌زند سپس از زمره غافلین می‌گردند .

۹- ج و ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ تَرَكَ ثَلَاثَ جَمَعٍ تَهَاوَنًا بِهَا طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ (۵).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هرکس سه جمعه برای اهمیّت ندادن به آن نماز جمعه را ترک کند، خدا بردل او مهر زند .

-
- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۳
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۶
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۶ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۶۵
 (۴) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۶۶ و وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۶
 (۵) التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۳ و وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۶

۱۰- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) فِي خُطْبَةٍ طَوِيلَةٍ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمْ الْجُمُعَةَ فَمَنْ تَرَكَهَا فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي اسْتِخْفَا فَا بِهَا أَوْ جُحُودًا لَهَا فَلَا جَمَعَ اللَّهُ شَمْلَهُ وَ لِأَبَارِكَ لَهُ فِي أَمْرِهِ، الْأَوَّلُ وَالصَّلَاةُ لَهُ، الْأَلَا وَ لِزَكَاةٍ لَهُ، الْأَلَا وَ لِأَحَجِّ لَهُ، الْأَلَا وَ لِأَصَوْمٍ لَهُ، الْأَلَا وَ لِأَبْرَرٍ لَهُ، حَتَّى يَتُوبَ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) در خطبه طولانی خود فرمود: خدایتعالی بر شما واجب کرده نماز جمعه را پس هر کس آنرا ترک کند در حیات من و یا پس از وفات من برای سبک شمردن آن و یا برای انکار آن، پس خدا جمع نکند پراکندگی او را و امر او را برکت ندهد، آگاه باشید نمازی برای او نیست و آگاه باشید زکاتی برای او نیست، آگاه باشید و حجتی برای او نیست، آگاه باشید و روزه‌ای برای او نیست، آگاه باشید و نیکی برای او نیست، تا توبه نماید.

۱۱- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ كَتَبَ مَنَافِقًا فِي كِتَابٍ لِأَيُّمِحِّي وَ لِأَيُّبَدَلٍ. وَ فِي رِوَايَةٍ: مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ بِغَيْرِ عَذْرِ فَلْيَتَصَدَّقْ بِدِينَارٍ (۲).

یعنی، ابن عباس روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: کسیکه نماز جمعه را بدون امر ضروری ترک کند، در کتابی که نه محو شود و نه تبدیل نوشته شود که او منافق است. و در روایتی: کسیکه نماز جمعه را بدون عذر ترک نماید باید دیناری تصدق دهد.

۱۲- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (ص) يُقَالُ لَهُ قَلْبِيْبٌ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي تَهَيَّأْتُ إِلَى الْحَجِّ كَذَا وَ كَذَا مَرَّةً فَمَا قُدِّرَ لِي، فَقَالَ: يَا قَلْبِيْبُ عَلَيْكَ بِالْجُمُعَةِ فَإِنَّهَا حَجٌّ الْمَسَاكِينِ (۳).
یعنی، حضرت باقر (ع) روایت کرده که یک نفر عرب بیابانی بنام قَلْبِيْبٌ خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ بِيْتِ سَوِي حَجٍّ چندی مرتبه مهیا شدم و برایم مقدر نشده بود، حضرت فرمود: ای قَلْبِيْبُ برتوباد به نماز جمعه، زیرا آن حج مساکین است.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۷

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۰۲۷۴

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۰۲۷۴

(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۰۵

۱۳۸- باب من يجب عليه الجمعة

۱- ج عَنْ حَفْصَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ رَوَاحُ الْجُمُعَةِ وَعَلَى كُلِّ مَنْ رَاحَ الْجُمُعَةَ الْغُسْلُ^(۱).

یعنی، حفصه (رض) از رسول خدا (ص) روایت نموده که فرمود: بر هر مرد بالغی واجب است که به نماز جمعه برود، و بر هر کسی که به نماز جمعه رود غسل است.

۲- جوش قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْجُمُعَةُ حَقٌّ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ فِي جَمَاعَةٍ إِلَّا الْأَرْبَعَةَ: عَبْدًا مَمْلُوكًا، أَوْ امْرَأَةً، أَوْ صَبِيًّا، أَوْ مَرِيضًا^(۲).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: نماز جمعه واجب است بر هر مسلمانی در جماعت، مگر چهار طایفه: بنده مملوک، و یا زن، و یا بچه، و یا مریض.

۳- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ وَلَا تَسْمَعُ الْخُطْبَةَ^(۳).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: بر زنان جمعه و جماعت نیست و خطبه را نشنود.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْجُمُعَةُ عَلَى كُلِّ مَنْ سَمِعَ التِّدَاءَ^(۴).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: بر هر کسی که صدای اذان را بشنود نماز جمعه واجب است.

۱۳۹- باب الجمعة تصلّى في المدن و القرى.

و بیان العدد

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: إِنْ أَوَّلَ جُمُعَةٍ جُمِعَتْ بَعْدَ جُمُعَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي مَسْجِدِ عَبْدِ الْقَيْسِ بِجَوَاشِي مِنَ الْبَحْرَيْنِ^(۵).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۴.
- (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۴ و وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۶ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۷۳.
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳ و ۴۰۷.
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۵.
- (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۵.

یعنی، ابن عباس گفت: اولین نماز جمعه پس از جمعهای که در مسجد رسول خدا اقامه شد، نماز جمعه‌ای است که در قریه جوثای بحرین اقامه شد.

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) فِي الْجُمُعَةِ: إِذَا اجْتَمَعَ خَمْسَةٌ أَحَدُهُمُ الْإِمَامُ فَلَهُمْ أَنْ يَجْمَعُوا (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) در مورد نماز جمعه فرمود: هرگاه پنج نفر جمع شدند که یکی از آنان امام باشد، پس برای ایشان است که نماز جمعه را اقامه کنند.

۱۴- باب الجمعة تسقط بالعدر

ج عَنْ أَبِي الْمَلِيحِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ شَهِدَ النَّبِيَّ (ص) زَمَنَ الْحَدِيثِ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ وَأَمَّا بِهِمْ مَطَرٌ لَمْ يَبْتَلِ أَسْفَلَ نِعَالِهِمْ، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَمْلَأُوا فِي رِحَالِهِمْ (۲).

یعنی، ابی الملیح از پدرش نقل کرده که او زمان حدیثی در روز جمعه خدمت رسول خدا (ص) حضور داشته و به ایشان بارانی رسید که زیرکفش ایشان را تر نکرد، و رسول خدا (ص) ایشان را امر فرمود که در بارها و اثاث خود نماز بخوانند.

۱۴۱- باب الأمر بالغسل يوم الجمعة

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَانَ عَلَى كُلِّ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ مَلَائِكَةٌ يَكْتُبُونَ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلَ، فَإِذَا جَاءَ الْإِمَامُ طَوَّأَ الصَّحْفَ وَجَاءُوا يَسْتَمِعُونَ الذِّكْرَ وَ مِثْلُ الْمَهْجَرِ كَمِثْلِ الَّذِي يُهْدَى الْبَدَنَةَ، ثُمَّ كَالَّذِي يُهْدَى بَقْرَةَ، ثُمَّ كَالَّذِي يُهْدَى الْكَبْشَ، ثُمَّ كَالَّذِي يُهْدَى الدَّجَاجَةَ، ثُمَّ كَالَّذِي يُهْدَى الْبَيْضَةَ (۳).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۹

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۷

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۸ و ۲۷۹ والمصنف / ج ۳ / ص ۲۵۷

یعنی، ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: چون روز جمعه شود بر هر در باز درهای مسجد فرشتگانی هستند که اولین وارد و پس از او را می‌نویسند، پس چون امام آید دفترها را به پیچند و بیایند برای شنیدن قرآن و مواظ و مواظ، و مثل آنکه اول صبح آمده مانند کسی است که شتری هدیه کند، پس از آن مانند کسی است که گاو هدیه کند، پس از آن مانند کسی است که گوسفندی هدیه کند، سپس مانند کسی است که مرغی هدیه کند، و پس از آن مانند کسی است که تخم مرغی هدیه کند.

۲- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمْ الْجُمُعَةَ فَلْيَغْتَسِلْ^(۱)!

یعنی، ابن عمر روایت کرده از پیغمبر (ص) که فرمود: هرگاه یکی از شما به نماز جمعه آمد باید غسل کند.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ سَنَةٌ فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ، إِلَّا أَنْ يَخَافَ الْمُسَافِرُ عَلَى نَفْسِهِ الْقَرَأَةَ^(۲).

یعنی از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: غسل روز جمعه در حضر و سفر سنت است مگر آنکه مسافر از سرما خوردگی برجا نش بترسد. و در روایت دیگر حضرت باقر (ع) فرمود: لَا تَدْعُ الْغُسْلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَإِنَّهُ سَنَةٌ^(۳)، یعنی، و امگذا روترک، مکن غسل روز جمعه را زیرا آن سنت است.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ جَاءَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَلْيَغْتَسِلْ^(۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس به نماز جمعه آمد پس باید غسل کند.

۵- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ^(۵)!

یعنی، از ابی سعید روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: غسل روز جمعه بر هر محتلم (بالغ و مکلف) واجب است.

۶- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ حَقٌّ أَنْ يَفْتَسِلَ

(۱) التاج المع لاصول / ج ۱ / ص ۲۷۹ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۹۴ و

مسند الامام زید / ص ۰۶۳

(۲) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۴۵

(۳) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۴۳ و ۹۴۷ و ج ۵ / ص ۰۷۸

(۴) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۴۷

(۵) التاج المع لاصول / ج ۱ / ص ۰۲۷۹

فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ، وَهُوَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ^(۱).
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای خدا حقی است بر هر مسلمانی که در
هر هفت روز، یکروز غسل کند و در آن، سرو بدنش را شستشو و غسل
دهد، و آن روز جمعه است.

۷- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: إِنَّ الْأَنْصَارَ كَأَنَّكَ تَعْمَلُ فِيهِمْ
نَوَافِحَهَا وَأَمْوَالَهَا فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ حَضَرُوا الْمَسْجِدَ فَتَأَذَى
النَّاسُ بِأَرْوَاحِ إِبَاطِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
بِالْغَسْلِ فَجَرَتْ بِذَلِكَ السَّنَةُ^(۲).

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: همانا انصار برای
آبیاری و اموال خود کار می‌کردند، پس چون روز جمعه در مسجد
حاضر می‌شدند، مردم از بوهای زیر بغل و اجساد ایشان رنجیده و
آزرده می‌شدند، پس رسول خدا (ص) ایشان را به غسل، امر فرمود، پس،
سنت جاری شد به آن.

۸- ج عَنْ سَمْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
فِيهَا وَنِعْمَتْ وَ مَنِ اغْتَسَلَ فَالْغَسْلُ أَفْضَلُ^(۳).

یعنی، سمره از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: کسیکه روز جمعه
وضو بگیرد به سنت عمل کرده و آنکه غسل کند پس غسل بهتر است.

۹- ج عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص): قَالَ: أَكْثَرَتْ عَلَيْكُمْ فِي
السَّوَاكِ^(۴).

یعنی، از انس روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: شما را به مسواک
زدن (هنگام هر عبادتی) بسیار سفارش و ترغیب نمودم.

۱۴۲- باب الطَّيِّبِ وَالدَّهْنِ وَالتَّجَمُّلِ وَالتَّهَيُّؤِ

۱- ج عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ اغْتَسَلَ
يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَ لَيْسَ مِنْ أَحْسَنِ ثِيَابِهِ، وَ مَسَّ مِنْ طَيْبٍ إِنْ كَانَ عِنْدَهُ،

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۹ والمصنف / ج ۳ / ص ۱۹۶

(۲) وسائل الشيعة / ج ۲ / ص ۹۴۵

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۹

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۷۹

ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَلَمْ يَتَخَطَّ أَعْنَاقَ النَّاسِ، ثُمَّ صَلَّى مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ
ثُمَّ أَنْصَتَ إِذَا خَرَجَ إِمَامُهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ صَلَاتِهِ كَأَنَّكَ كَفَّارَةٌ لِمَا
بَيْنَهَا وَبَيْنَ جُمُعَتِهِ الَّتِي قَبْلَهَا^(۱)!

یعنی، از سلمان فارسی روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود:
کسیکه روزجمعه غسل نماید و بهترین جامه‌هايش را بپوشد و از
عطرانگردد به خود بمالد سپس به نماز جمعه رود و به گردن مردم
قدم نگذارد، سپس آنچه خدا بر او واجب نموده نماز بخواند، سپس
چون امام او بیرون آمد تا از کلام و نماز خود فارغ شود، او سکوت
نماید: اینها کفاره گناهان ما بین این جمعه و جمعه قبل می‌شود.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَلَمْ يَكُنْ
عِنْدَهُ طِيبٌ دَعَا بِبَعْضِ خُمُرِنِسَائِهِ قَبْلَهَا فِي الْمَاءِ ثُمَّ وَصَعَهَا عَلَى
وَجْهِهِ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) چون روزجمعه میشد و عطر نداشت، بعضی از
روسری زنان خود را میخواست و در آب ترمیکرد و بر صورت خود
می‌گذاشت.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ: لَا تَدْعِ الطِّيبَ
فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَسْتَنْشِقُ رِيحَ الطِّيبِ مِنَ الْمُؤْمِنِ فَلَا تَدْعِ الطِّيبَ فِي
كُلِّ جُمُعَةٍ^(۳).

یعنی، رسول خدا (ص) به عثمان بن مظعون فرمود: عطرا ترک مکن
زیرا ملائکه بوی عطرا از مؤمن می‌بویند، پس در هر روز جمعه آنرا
ترک مکن.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): قَالَ لِي حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ (ع): تَطَيَّبُ
يَوْمًا وَ يَوْمًا لَا، وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَا بَدَّ مِنْهُ وَ لَا مَتْرَكَ لَهُ^(۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: حبیب من جبرئیل به من فرمود: یکروز
در میان عطربزن و روزجمعه حتمی است که جای ترک برای آن نیست.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۰ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۶۸.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۴.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۵.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۵.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : لِيَتَطَيَّبَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
وَلَوْ مِنْ قَارُورَةٍ أَمْرَأَتِهِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: باید خود را خوشبو کنید در روز جمعه،
و اگرچه از شیشه زن خود باشد.

۶- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَمْ يَطَيَّبْ
طَبِيبًا دَعَا بِثَوْبٍ مَصْبُوغٍ بِزَعْفَرَانٍ فَرَشَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِهِ
ثُمَّ مَسَحَ بِهِ وَجْهَهُ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) چون جمعه میشد و معطر به عطری نبود، جامه
رنگین بزعفرانی را میخواست و آب بر آن میپاشید سپس به دست
و صورت خود میکشید.

۷- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَطْلِي الْعَانَةَ وَ مَا تَحْتَ الْأَلْيَيْنِ
فِي كُلِّ جُمُعَةٍ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) نوره می کشید به اطراف عورتین و زیر آن ها
در هر جمعه.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خَمْسُ خِصَالٍ تُورَثُ الْبَرَّصَ : النُّورَةُ
يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ، وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْإِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الَّذِي
تَسَخَّنَهُ الشَّمْسُ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَ غَسَّيَانُ الْمَرْأَةِ فِي أَيَّامِ
حَيْضِهَا وَ الْأَكْلُ عَلَى الشَّبَعِ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: پنج خصلت موجب برص است: نوره کشیدن
در روز جمعه و چهارشنبه، و وضو گرفتن و غسل کردن با آب بی که خورشید
آنرا گرم نموده، و غذا خوردن پس از جنابت، و هم بستردن با زن در
ایام حیض او و خوردن پس از سیری.

۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَنْفِهِ الدَّمَاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهِ الدَّوَاءَ (۵)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس ناخنهای خود را روز جمعه بچیند،

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۵
(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۵
(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۶
(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۶ و ۵۷ والمصنف / ج ۳ / ص ۱۹۹
(۵) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹

خدایتعالی از بندهای انگشت او دردها را خارج کند و دوا را در آن داخل نماید.

۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عُوْفِيٍّ مِنْ وَجَعِ الضَّرْسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ (۱).
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه ناخنهای خود را روز شنبه و روز پنجشنبه بچیند و از شارب خود بگیرد، از درد دندان و چشم معاف گردد.

۱۱- ش قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ (ص) كَانُوا يَتَجَهَّزُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ لِأَنَّهُ يَوْمٌ مُضِيقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ (۲). وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الدَّوَاءَ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَقِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِثَلَاثِ ضَعْفٍ عَنْ إِتْيَانِ الْجُمُعَةِ (۳).

یعنی، حضرت باقر (ع) روایت کرده و سوگند یاد کرده که اصحاب رسول خدا (ص) روز پنجشنبه خود را برای نماز جمعه مجهز می کردند زیرا روز جمعه روز تنگ و محدود برای مسلمین بود. و امیرالمؤمنین فرمود: یکی از شما در روز پنجشنبه دوا ننوشد، عرض شد برای چه یا امیرالمؤمنین؟ فرمود: برای اینکه از آمدن و حضور نماز جمعه ضعیف نشود.

۱۴۳- باب فضل المشی لصلاة الجمعة

ج عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسِ الثَّقَفِيِّ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ غَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ اغْتَسَلَ ثُمَّ بَكَرَ وَ ابْتَكَرَ، وَ مَشَى وَ لَمْ يَرْكَبْ وَ دَنَا مِنَ الْإِمَامِ فَاسْتَمَعَ وَ لَمْ يَلْغُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةٍ، أَجْرٌ صِيَامِهَا وَ قِيَامِهَا (۴).

یعنی، اوس بن اوس ثقفی از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود:

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۲
(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۶
(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۷
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۰ و ۲۸۱

کسیکه روزجمعه شست و شو کند و غسل نماید، سپس صبح کند و پیش قدمی کند و حرکت نماید و سوار نشود، و خود را به امام نزدیک نماید و گوش دهد و کار لغو نکند، برای او بهر قدمی عمل یکسال است مزد روزه ها و قیام شبها .

۱۴۴- باب وقت الجمعة والنداء

عَنْ أَنَسٍ : أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يُصَلِّي الْجُمُعَةَ حِينَ تَمِيلُ الشَّمْسُ (۱) ج ۱

یعنی، از انس روایت شده که: رسول (ص) نماز جمعه را هنگامی میخواند که خورشید از (وسط) آسمان منحرف و ردّ می شد .

عَنْ سَلْمَةَ بِنِ الْأَكْوَعِ قَالَ: كُنَّا نَطَلِّي مَعَ النَّبِيِّ (ص) الْجُمُعَةَ، فَنَرَجِعُ وَمَا نَجِدُ لِلْحَيْطَانِ فَيْثًا نَسْتَظِلُّ بِهِ (۲) ج ۲

یعنی، از سلمه بن اکوع روایت شده که: ما روزجمعه نماز را با رسول خدا (ص) میخواندیم پس برمی گشتیم در حالیکه برای دیوارها سایه ای که در زیر آن راه برویم نبود (یعنی، اول وقت ظهر و زوال خورشید برای نماز و خطبه حاضر بودیم و به این کار سرعت مینمودیم).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِكُلِّ صَلَاةٍ أَوَّلٌ وَ آخِرٌ لِعَلَّاهُ يَشْغُلُ سَوَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ، فَإِنَّهُ لَا يُقَدَّمُ بَيْنَ يَدَيْ ذَلِكَ نَافِلَةٌ (۳) ش ۳

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای هر نمازی اول و آخری است برای علتی که مشغول کند بجز نماز جمعه و نماز مغرب و نماز فجر و نماز عیدین که جلوائنها نافله ای مقدم نمی شود (و باید سعی کرد که اول وقت خوانده شوند).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي الْجُمُعَةَ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ قَدْرَ شَرَاكِ، وَ يُخْطَبُ فِي الظِّلِّ الْأَوَّلِ، ج ۴ ش ۴

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۱. والمصنف / ج ۳ / ص ۱۷۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۱.

(۳) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۲۸.

فَيَقُولُ جِبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدٌ قَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ فَأَنْزِلْ فَصَلِّ، وَإِنَّمَا جَعَلْتِ الْجُمُعَةَ رُكْعَتَيْنِ مِنْ أَجْلِ الْخُطْبَتَيْنِ فِيهِ صَلَاةٌ حَتَّى يَنْزِلَ الْإِمَامُ (۱).

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که رسول خدا (ص) نماز جمعه را هنگام زوال خورشید بجای آورد و قتیکه بقدر بند نعلی خورشید سایه می افکند (یعنی سایه به نهایت کمی میرسد یعنی وقت زوال) و در سایه اول خطبه می خواند، پس جبرئیل میگفت یا محمد خورشید زائل شد، فرود آی و نماز بخوان، و همانا نماز جمعه دو رکعت مقرر گردیده بخاطر دو خطبه (که دو خطبه حکم دو رکعت نماز دارد) پس این دو خطبه نماز است تا امام فرود آید.

توضیح: خدا در قرآن در سوره جمعه آیه ۹ فرموده: «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...»، که مقصود از ندای نماز جمعه در آیه، همان اذان ظهر است که باید خطبه ها را پس از اذان ظهر شروع نمود، و اکثر فقهای اسلامی بر این مطلب اتفاق دارند. بنا بر این حدیث فوق ظاهراً مجعول است، زیرا طبق خبر فوق اگر بنا بود، وقت اول ظهر را همیشه جبرئیل به پیغمبر (ص) اعلام کند، پس سایر مردم که با جبرئیل تماس ندارند چه کنند؟ و بعضی گویند: منظور از حدیث فوق که مفهوم آن قدری مبهم است آنستکه پیغمبر (ص) قبل از اولین سایه، یعنی وقتی که هیچ سایه ای نبوده، خطبه های نماز جمعه را شروع مینموده است.

۵- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُورًا مُضَيِّقَةً وَأُمُورًا مُوسَّعَةً، وَإِنَّ الْوَقْتَ وَقْتَانِ، وَالصَّلَاةُ مِمَّا فِيهِ السَّعَةُ فَرُبَّمَا عَجَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَرُبَّمَا أَخَّرَ إِلَّا صَلَاةَ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ مِنَ الْأَمْرِ الْمَضْيِقِ، إِنَّمَا لَهَا وَقْتٌ وَاحِدٌ حِينَ تَرُؤَلُ (۲).

یعنی، از حضرت باقر (ع) روایت شده که فرمود: بعضی از امور همانا اموری است که (انجام آن) محدود و مضیق است و بعضی از امور انجام آن در وسعت است، و البته وقت، دوتنوع وقت است، و نماز از جمله

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۸ و ص ۳۰.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷ و ۱۸.

اموری است که در آن وسعت است، پس رسول خدا (ص) چه بسا در انجام تعجیل مینمود و چه بسا تأخیر مینمود بجز نماز جمعه، پس همانا نماز جمعه از جمله امور مضیق است، اینست و جز این نیست که برای آن یکوقت است و آن هنگام زوال خورشید است.

ع-ج عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانَ النِّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلَهُ إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ (ص) وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ، فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ وَكَثُرَ النَّاسُ زَادَ النِّدَاءُ الثَّلَاثَ عَلَى الزُّورَاءِ (۱)

یعنی، از سائب بن یزید روایت شده که گفت: اذان جمعه اولش وقتی بود که امام (قبل از خطبه) بر منبر بنشیند که در زمان رسول خدا (ص) و ابی بکر و عمر چنین بود، پس چون عثمان خلیفه شد، و مردم زیاد شدند، اذان سوم زیاد شد که در زوراء (موضعی در مدینه) آنرا می گفتند. (یعنی علاوه بردن ندای اذان واقامه، در زمان عثمان قبل از این دو، برای آگاهی مردم اذانی زیاد شد، پس بعد از این اذان، اذانی می گفتند که امام برای خطبه روی منبر قرار داشت، و ندای سوم هم، همان بود که قبل از نماز می گفتند).

۱۴۵- باب کیفیت الخطبة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا (۲)

ع-ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَخْطُبُ قَائِمًا، ثُمَّ يَقْعُدُ، ثُمَّ يَقُومُ كَمَا تَفْعَلُونَ الْآنَ (۳). وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَجْلِسُ إِذَا صَعِدَ الْمِنْبَرَ حَتَّى يَفْرَغَ الْمُؤَدِّينَ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ، ثُمَّ يَجْلِسُ فَلَا يَتَكَلَّمُ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَخْطُبُ (۴). وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا خَرَجَ إِلَى الْجُمُعَةِ قَعَدَ عَلَى الْمِنْبَرِ حَتَّى يَفْرَغَ الْمُؤَدِّينَ (۵).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۱ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۰۶.
 (۲) قرآن / سوره جمعه / آیه ۱۱.
 (۳) و (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۸۷ و ۱۸۸.
 (۵) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۴۳.

وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَتْ لِلنَّبِيِّ (ص) خُطْبَتَانِ يَجْلِسُ بَيْنَهُمَا، يَقْرَأُ الْقُرْآنَ
وَ يُذَكِّرُ النَّاسَ (۱)

یعنی، از ابن عمر روایت شده که: رسول خدا (ص) خطبه را ایستاده
میخواند، پس از آن می نشست، سپس می ایستاد چنانکه امروز بجا
می آید. و در روایتی: رسول خدا (ص) چون به منبر بالا می رفت،
می نشست تا مؤذن از اذان فارغ شود، سپس می ایستاد خطبه می خواند
سپس ساکت می نشست، سپس می ایستاد و خطبه می خواند. و در روایتی:
رسول خدا (ص) چون به سوی نماز جمعه بیرون می رفت بر منبر
می نشست تا اذان گویان فارغ شوند. و در روایتی: برای رسول خدا
(ص) دو خطبه بود که بین آنها می نشست و (در دو خطبه) قرآن قرائت
می کرد و مردم را تذکر می داد.

۲- ج عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: كُنْتُ أُصَلِّي مَعَ النَّبِيِّ (ص)
فَكَانَتْ صَلَاتُهُ قَصْدًا وَ خُطْبَتُهُ قَصْدًا (۲)

یعنی، جابر بن سمره گوید: من با رسول خدا (ص) نماز می خواندم،
پس نماز او معتدل و خطبه او معتدل بود.

۳- ج عَنْ عَمَّارٍ، قَالَ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: إِنْ
طَوَّلَ صَلَاةَ الرَّجُلِ وَقَصَّرَ خُطْبَتَهُ مَتْنَهُ مِنْ فِقْهِهِ فَأَطِيلُوا الصَّلَاةَ وَ
اقْصُرُوا الْخُطْبَةَ، وَإِنْ مَنِ الْبَيَانَ سِحْرًا (۳)

یعنی، از عمار روایت شده که گفت من شنیدم رسول خدا (ص) می فرمود
همانا طول نماز مرد و کوتاهی خطبه او نشانه ای از فقه اوست
پس نماز را طول دهید و خطبه را کوتاه کنید و محققاً بعضی از
بیان سحر است.

۴- ج عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا خَطَبَ أَحْمَرَتْ عَيْنَاهُ
وَ عَلَا صَوْتُهُ وَ اشْتَدَّ غَضَبُهُ حَتَّى كَأَنَّهُ مُنْذِرُ جَيْشٍ يَقُولُ صَبَحَكُمْ وَمَسَاكُمْ
وَ يَقُولُ: بَعِثْتُ أَنَا وَ السَّاعِزُ كَهَاتَيْنِ، وَ يَقْرُنُ بَيْنَ إِصْبَعَيْهِ
السَّبَابَةَ وَ الْوُسْطَى، وَ يَقُولُ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ خَيْرَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۲ و مسند الامام زید/ ص ۱۴۴.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۲.

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۲.

وَ خَيْرَ الْهُدَى هُدَى مُحَمَّدٍ وَ شَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَ كُلُّ بَدْعٍ ضَلَالَةٌ، ثُمَّ يَقُولُ: أَنَا أَوْلَى بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ، مَنْ تَرَكَ مَا لَّا فَلَاحَ لَهُ وَ مَنْ تَرَكَ دِينَنَا أَوْ ضِيَاعًا فَإِنِّي وَ عَلَيَّ (۱).

یعنی، از جابر نقل شده که رسول خدا (ص) چون خطبه می خواند چشمانش سرخ می شد و صدایش بلند و غضب او شدید می شد تا آنجا که گویا ترساننده قشون سی است، و می فرمود: بعثت من و قیامت مانند این دوانگشتانم سبابه و وسطی است و دوانگشت خود را قرین یکدیگر قرار میداد (یعنی در آخردنیا مبعوث شده ام و پس از من پیامبری نیست) و می فرمود: اما بعد، بهتر از هر حدیثی کتاب خداست و بهترین هدایت ها هدایت محمد است، و بدترین امور تازه در آمده های آنها است، و هر بدعتی گمراهی است، سپس می فرمود: من سزاوارترم از جان هر مؤمنی، کسیکه مالی بگذارد مال اهل اوست، و کسیکه (بمیرد) و دینی بگذارد (یعنی بدهکار باشد) و یا اطفال و اولاد (بی سرپرست) بگذارد، پس به من رجوع شود و برعهده من است (که دین او را بپردازم و اولادش را کفالت کنم).

۵- ج عَنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: عَلَّمَنَا النَّبِيُّ (ص) حُطْبَةَ الْحَاجَةِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ تَسْتَعِينُهُ وَ تَسْتَغْفِرُهُ، وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَ مَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، ثُمَّ يَقْرَأُ ثَلَاثَ آيَاتٍ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ الْأَ و أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ - يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا (۲).

یعنی، از عبدالله روایت شده که گفت: رسول خطبه ای که احتیاج باشد

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۳

به ما آموخت که خطیب بگوید: الحمد لله... تا آخر، که هر کس میتواند آنرا در نماز جمعه بخواند.

۶- ج عَنْ يَتِيحِ لِحَا رِثَةَ بْنِ التَّعْمَانِ، قَالَتْ: مَا حَفِظْتُ «ق» إِلَّا مِنْ فِي رَسُولِ اللَّهِ يَخُطُّ بِهَا كُلَّ جُمُعَةٍ، قَالَتْ: وَكَانَ تَنْوَرُنَا وَتَنْوَرُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَاحِدًا^(۱).

یعنی، روایت شده از دختر حارِثَةُ بِنِیِ نَعْمَانِ که گفت: من سوره «ق» را حفظ نکردم مگر از دهان رسول خدا (ص) که هر جمعه در خطبه

آنرا میخواند و روشن شدن ما و رسول خدا (ص) یکی بود.
۷- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): كُلُّ خُطْبَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَشْهَدُ فَهِيَ كَأَلْيَدِ الْجَدْمَاءِ^(۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر خطبه‌ای که در آن شهادتین نباشد مانند دست جدما است. (یعنی کم برکت و ناقص است).

۱۴۶- باب عدد ركعات صلاة الجمعة وما يقرأ فيها

و بيان راتبتها

۱- ج قَالَ عُمَرُ: صَلَاةُ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَانِ، وَصَلَاةُ الْفِطْرِ رَكْعَتَانِ وَصَلَاةُ الْأَضْحَى رَكْعَتَانِ، وَصَلَاةُ السَّفَرِ رَكْعَتَانِ تَمَامٌ غَيْرُ قَصْرٍ عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ (ص)^(۳).

یعنی، عمر گفت: بر زبان محمد (ص) نماز جمعه و نماز فطر و نماز اضحی و نماز سفر دو رکعت تمام است بدون قصر. (یعنی از ابتداء دو رکعت تعیین شده است).

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَدْرَكَ مِنْ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ رَكْعَةً فَقَدْ أَدْرَكَ الصَّلَاةَ، فَلْيَمَلِّ إِلَيْهَا أُخْرَى وَمَنْ فَاتَتْهُ الرُّكْعَتَانِ فَلْيَمَلِّ أَرْبَعًا^(۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه یک رکعت از نماز جمعه را درک کند، بتحقیق نماز جمعه را درک نموده پس رکعت دیگری بخواند و به

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۴

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۴

(۳) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۴

(۴) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۸۴

آن وصل کند. و کسیکه هر دو رکعت را فوت کرد باید چهار رکعت بخواند.

۳- ش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَقْرَأُ بِالْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ فِي الْجُمُعَةِ (۱).

یعنی، از ابوهریره روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز جمعه سورۀ جمعه و منافقین را قرائت مینمود. (این حدیث با کمی اختلاف لفظی در کتاب تاج نیز وارد شده است (۲).

۴- ج عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ فِي الْعِيدَيْنِ وَفِي الْجُمُعَةِ بِسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ، قَالَ: وَإِذَا اجْتَمَعَ الْعِيدُ وَالْجُمُعَةُ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ يَقْرَأُ بِهِمَا أَيْضًا فِي الصَّلَاتَيْنِ (۳).

یعنی، از نعمان بن بشیر روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز عید و در جمعه، سورۀ اعلیٰ و غاشیه را قرائت مینمود، و چون نماز عید و جمعه در یکروز جمع میشد، همان دو سوره را نیز با هر دو نماز قرائت مینمود.

۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا صَلَّيْتُمْ بَعْدَ الْجُمُعَةِ فَصَلُّوا أَرْبَعًا (۴) وَكَانَ لِأَيْمَلِي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فَيَمْلِي رَكَعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ (۵) وَرَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ كَانَ يَمْلِي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا (۶).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه پس از نماز جمعه نماز (نافله و سنت) خواندید، پس چهار رکعت بخوانید. و رسول خدا (ص) پس از نماز جمعه، نماز (نافله جمعه) را نمیخواند تا اینکه منصرف می شد و میرفت، پس در خانه دو رکعت بجا می آورد. و از عبدالله (ظاهرًا عبدالله بن مسعود) روایت شده که او قبل از نماز جمعه چهار رکعت و پس از آن نیز چهار رکعت (نافله) بجا می آورد.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۸۱۶ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۸۰.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۵.
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۵.
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۵ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۴۸.
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۵ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۴۷.
 (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۵.

۱۴۷-باب آداب الخطيب والحاضرين

۱- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ عَلَى الْمُنْبَرِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ: مَا عَلَى أَحَدِكُمْ لَوْ اشْتَرَى ثَوْبَيْنِ لِيَوْمِ الْجُمُعَةِ سِوَى ثَوْبٍ مَهْنَتِهِ^(۱) (أَيْ خِدْمَتِهِ).

یعنی، از عبد الله بن سلام روایت شده که گفت شنیدم رسول خدا (ص) در منبر میفرمود: در روز جمعه بر یکی از شما چه مانعی است که اگر بخرد دو جامه برای روز جمعه سواى جامه خدمتش.

۲- ج عَنِ الْحَكَمِ بْنِ حَزْنِ الْكَلْفِيِّ قَالَ: شَهِدْنَا الْجُمُعَةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَامَ مُتَوَكِّئًا عَلَى عَمَّا أَوْ قَوْسٍ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ بِكَلِمَاتٍ خَفِيفَاتٍ طَيِّبَاتٍ مُبَارَكَاتٍ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُنَّا لَنُطِيقُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا كُلَّ مَا أُمِرْتُمْ بِهِ، وَلَكِنْ سَدِّدُوا وَأَبْشِرُوا^(۲).

یعنی، روایت شده از حکم بن حزن کلفی که گفت: ما روز جمعه حاضر شدیم با رسول خدا (ص)، پس آنجناب تکیه بر عصا و یا کمان ایستاد و خدا را حمد کرد و براو ثنا گفت به کلمات مختصر پاکیزه با برکت سپس فرمود: ای مردم شما هرگز طاقت ندارید و هرگز بجا نخواهید آورد آنچه به آن مأمورید ولیکن محکم باشید و بشارت یا بید.

۳- ج عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا صَعِدَ الْمُنْبَرِ سَلَّمَ^(۳).
یعنی، از جابر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون منبر می‌رفت سلام می‌کرد.

۴- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: مِنَ السُّنَّةِ إِذَا صَعِدَ الْإِمَامُ الْمُنْبَرِ أَنْ يُسَلِّمَ إِذَا اسْتَقْبَلَ النَّاسَ^(۴).

یعنی، از علی (ع) روایت شده که گفت: از سنت است که چون امام بالای منبر رفت و مردم متوجه و روبروی او بودند اینک به مردم سلام کند.

۵- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا اسْتَوَى عَلَى

(۱) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۸۶

(۲) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۸۷

(۳) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۲۸۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۹۲

(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۳

الْمُنْبِرِ اسْتَقْبَلْنَاهُ بِوُجُوهِنَا^(۱)!

یعنی، از عبداللّه روایت شده که گفت: چون رسول خدا (ص) بر منبر میرفت ما او را بصورت خودمان استقبال می کردیم. (و یا امام قبله صورتها یمان بود. و نیز ایشان روبه قبله بوده و از قبله منحرف نبودند و آنحضرت پشتش به قبله بود).

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): كُلُّ وَاعِظٍ قَبْلَهُ^(۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر واعظی قبله (و مورد توجه) است.

۷- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: أَقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَأَخَذَ رَجُلٌ بِيَدِ النَّبِيِّ (ص) فَمَا زَالَ يَكَلِّمُهُ حَتَّى تَعَسَّ بَعْضُ الْقَوْمِ^(۳) وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَتَكَلَّمُ بِالْحَاجَةِ إِذَا نَزَلَ عَنِ الْمُنْبِرِ^(۴)

یعنی، از انس روایت شده که نماز بپا گردید، پس مردی پیغمبر (ص) را نگاه داشت و آنقدر با او تکلم نمود تا اینکه بعضی از قوم چرت زدند. و در روایت دیگر: پیغمبر (ص) هرگاه از منبر پائین می آمد، بکلام مورد احتیاج تکلم مینمود.

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخُطِّبُ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ وَلْيَتَجَوَّزْ فِيهِمَا^(۵)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما به نماز جمعه آمد و امام خطبه میخواند: پس دو رکعت نماز بجا آورد و در آنها تخفیف و اختصار را مراعات کند (یعنی سبک و کوتاه و بعجله بجا آورد). و این دو رکعت به نیت تحیت مسجد و سنت قبل از جمعه می باشد، اگر این روایت صحیح باشد و بتوان هنگام خطبه نماز خواند.

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ تَوَضَّأَ فَحَسَنَ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أَتَى الْجُمُعَةَ فَدَنَا وَاسْتَمَعَ وَأَنْصَتَ عُقْرَلَهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجُمُعَةِ وَ زِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ مَسَّ الْحَمَّ فَقَدْ لَغَا^(۶)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس وضو بگیرد و آنرا نیکو بجا آورد، سپس

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۹
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۹ و ۸۶
 (۳) و (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۰۸
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۷
 (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۸

به نماز جمعه حاضر شود و نزدیک امام بنشیند و خوب گوش بدهد، برای او بخشیده شود گناهان بین او و بین جمعه با ضافه سه روز، و هرکس با سنگریزه بازی کند کار لغوی انجام داده است .

۱۰- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْصِتْ وَالْإِمَامُ يَخُطِّبُ فَقَدْ لَغَوْتَ (۱)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هرگاه روز جمعه در حالیکه امام خطبه میخواند به رفیق خود بگوئی ساکت باش و گوش بده، پس لغو گفته ای.

۱۱- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِمَامُ يَخُطِّبُ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ لَغَا وَمَنْ لَغَا فَلَا جُمُعَةَ لَهُ (۲)

یعنی، حضرت صادق روایت کرده که رسول خدا (ص) نهی فرمود از سخن گفتن روز جمعه در حالیکه امام خطبه میخواند، پس هرکس این کار را کند مرتکب لغوی شده و هرکس کار لغوی کند، پس جمعه ای برای او نیست .

۱۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَحْضُرُ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ: رَجُلٌ حَضَرَهَا يَلْغُو وَهُوَ حَظُّهُ مِنْهَا، وَرَجُلٌ حَضَرَهَا يَدْعُو، فَهُوَ رَجُلٌ دَعَا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِنْ شَاءَ أَنْ يُعْطَاهُ وَإِنْ شَاءَ مَنَعَهُ، وَرَجُلٌ حَضَرَهَا بِأَنْصَاتٍ وَسُكُوتٍ، وَلَمْ يَتَخَطَّ رَقَبَةً مُسْلِمًا، وَلَمْ يُؤْذِ أَحَدًا فِيهَا كَفَّارَةٌ إِلَى الْجُمُعَةِ الَّتِي تَلِيهَا وَزِيَادَةُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَذَلِكَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا - (۳)

یعنی، عبدالله بن عمرو روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: در نماز جمعه سه عده حاضر می شوند: مردی حاضر شده لغو گو، و همان بهره اوست از نماز، و مردی حاضر شده دعا خوان، او مردی است که خدای عزوجل را خوانده اگر بخواهد به او عطا میکند و اگر بخواهد عطا نمی کند. و مردی است که حاضر شده بسکوت و آرام و گوش دادن و به گردن مسلمان قدم نگذاشته و احدی را اذیت نکرده، پس کفاره

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۸ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۲۳ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۳۰ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۸ و ۲۸۹ .

گناهان اوست تا جمعه آینده بعلاوه سه روز، و این است قول خدای تعالی که (در سوره انعام آیه ۱۶۰) می فرماید: کسیکه کار نیکی بیاورد جزای او ده مقابل است.

۱۳- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ يَتَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالنَّبِيُّ (ص) يَخُطِّبُ، فَقَالَ لَهُ: اجْلِسْ فَقَدْ آذَيْتَ (۱)!

یعنی، از عبدالله بن بسر روایت است که گفت: مردی در روز جمعه که پیغمبر خطبه میخواند آمد بطوریکه برگردن مردم گام برمی داشت پس رسول خدا (ص) به او فرمود: بنشین که همانا آذیت نمودی.

۱۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ تَخَطَّى رِقَابَ النَّاسِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ اتَّخَذَ جِسْرًا إِلَىٰ جَهَنَّمَ (۲).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هرکس در روز جمعه برگردن مردم قدم بگذارد، پلی به سوی دوزخ گرفته است.

۱۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ فِي الْمَسْجِدِ فَلْيَتَحَوَّلْ مِنْ مَجْلِسِهِ ذَلِكَ إِلَىٰ غَيْرِهِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما را در مسجد چرت گرفت، جای نشستن خود را تغییر دهد.

۱۴۸- باب ساعة الاجابة

۱- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةً لَا يَسْأَلُ اللَّهُ الْعَبْدُ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ إِيَّاهُ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْ سَاعَةٍ هِيَ؟ قَالَ: حِينَ تُقَامُ الصَّلَاةُ إِلَى الْإِنْصِرَافِ مِنْهَا (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در روز جمعه ساعتی است که بنده در آن ساعت چیزی از خدا نمیخواهد مگر خدا آنرا به او می دهد، گفتند:

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۹.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۸۹ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۵۳.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۰.

يَا رَسُولَ اللَّهِ كدما ساعت است؟ فرمود: هنگامیکه نماز برپا میشود تا وقتیکه از آن منصرف شوند و برگردند.

۲- ش قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): أَوَّلُ وَقْتِ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ تَزُولُ الشَّمْسُ إِلَيْهِ أَنْ تَمُضِيَ سَاعَةٌ فَحَافِظٌ عَلَيْهَا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدًا فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ (۱).

یعنی، حضرت باقر (ع) گفت: اول وقت نماز جمعه ساعتی است که خورشید زائل گردد و میل کند تا اینکه ساعتی بگذرد، پس بر آن محافظت کن، زیرا که رسول خدا (ص) فرمود: بنده ای در این ساعت خیری از خدا سؤال نمی کند مگر خدا به او عطا کند.

۳- ج عَنْ جَابِرِ (رَضِيَ) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثِنْتَا عَشْرَةَ سَاعَةً، مِنْهَا سَاعَةٌ لَا يُوجَدُ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا آتَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَالْتَمِسُوهَا آخِرَ سَاعَةٍ بَعْدَ الْعَصْرِ (۲).

یعنی، از جابر (رض) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: جمعه دوازده ساعت است، از آنها ساعتی است که مسلمان از خدا چیزی سؤال نمی کند مگر آنکه خدا به او عطا می کند، پس آن ساعت را طلب کنید در آخرین ساعت عصر.

۴- ش عَنْ فَاطِمَةَ (ع) قَالَتْ سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) يَقُولُ: إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ لَسَاعَةً لَا يُؤَافِقُهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ، قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ سَاعَةٍ هِيَ؟ قَالَ: إِذَا تَدَلَّى نِصْفُ عَيْنِ الشَّمْسِ لِلْعُرُوبِ (۳).

یعنی، از فاطمه (ع) روایت شده که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) می فرمود: در روز جمعه ساعتی است که مرد مسلمان در آن ساعت از خدای عزوجل خیری را درخواست نمی کند مگر آنکه به او عطا کند، فاطمه گوید: گفتم: ای رسول خدا چه ساعتی است آن؟ فرمود: هنگامی است که نصف چشمه خورشید برای غروب سقوط کند.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹ و ۲۰.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۰.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۶۹.

۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص) خَيْرِ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خَلِقَ آدَمَ وَ فِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ وَ فِيهِ أُهْبِطَ مِنْهَا وَ فِيهِ سَاعَةٌ لَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ فِيهَا شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ (۱) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین روزی که خورشید در آن طلوع کرده روز جمعه است، در آن روز آدم خلق شد و در آن روز وارد بهشت گردید و در آن روز از بهشت فرود آمد و در آن روز ساعتی است که بنده مسلمان نمازش موافق با آن ساعت نمی شود که در آن چیزی سؤال کند مگر آنکه خدای عزوجل آنرا به او عطا کند.

۱۴۹- باب الإكثار من الصلاة على النبي (ص)

و الإكثار من الدعاء و العبادة في يوم الجمعة و ليلتها

۱- ج عَنْ أَوْسِ بْنِ أَوْسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَّامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ، وَ فِيهِ قُبِضَ، وَ فِيهِ النَّفْخَةُ وَ فِيهِ الصَّعْقَةُ، فَأَكْثِرُوا عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ، فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَيَّ (۲) یعنی، از اوس بن اوس روایت است که پیغمبر (ص) فرمود: همانا از بهترین روزهای شما، روز جمعه است، در این روز آدم خلق شد، و در آن نفخه صور شود، و در آن است صعقه (یعنی صیحه ای که خلائق از هول آن، بمیرند و لازمه نفخه و لوی است) پس در این روز بر من صلوات بسیار بفرستید که همانا صلوات شما بر من عرضه خواهد شد.

۲- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَقْرَبُكُمْ مِنِّي فِي الْجَنَّةِ أَكْثَرُكُمْ عَلَيَّ صَلَاةً، فَأَكْثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فِي اللَّيْلِ الْغَرَاءِ وَالْيَوْمِ الْأَزْهَرِ (۳). یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نزدیکترین شما به من در بهشت کسی است که بر من صلوات بیشتر فرستاده است، پس بر من در شب غراء و در روز درخشان (شب جمعه و روز جمعه) صلوات و دعای بسیار بنمائید.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ فِي اللَّيْلِ الْغَرَاءِ وَالْيَوْمِ الْأَزْهَرِ: لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَسَلِّ إِلَيَّ كَمَا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۰ و ۲۹۱.
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۱ و ۲۹۲.
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۲.

الْكَثِيرُ؟ قَالَ: إِلَى مِائَةِ وَ مَا زَادَتْ فَهِيَ أَفْضَلُ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در شب غراء و روز درخشان (شب جمعه و روز جمعه) بسیار نماز بخوانید، پس عرض شد بسیار چقدر است؟ فرمود: تا صد و آنچه زیاد شود بهتر است.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْأَخِيرِ، وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ، فَيَأْتِي مَرَّ فَيُنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيهِ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبُ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرُ لَهُ؟ يَا طَالِبَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا طَالِبَ الشَّرِّ أَقْصِرْ، فَلَا يَزَالُ يَنَادِي بِهَذَا حَتَّى يُطْلِعَ الْفَجْرَ فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدای تبارک و تعالی فرشته‌ای را نازل می‌کند هر شب به آسمان دنیا در ثلث آخر شب و شب جمعه در اول شب و ندا می‌کند آیا سائلی هست که او را عطا کنیم؟ آیا توبه‌کنی هست که توبه‌ او را بپذیرم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست که او را بیامرزیم؟ ای طالب خیر بیا، وای طالب شرّ کوتاه کن، پس همواره ندا می‌کند تا طلوع فجر، پس چون فجر طلوع کرد برگردد به محل خود.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) مَنْ صَلَّى بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ خَمْسًا صَلَاةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَا يَتَمَنَّى مِنَ الْخَيْرِ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه بین دو جمعه پانصد نماز بخواند برای او است هر چیزی که آرزو کند.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّيْخَ يَحْدِثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِأَحَادِيثِ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَرْمُوا رَأْسَهُ وَ لَوْ بِالْحَصَى (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه شیخ را دیدید روز جمعه احادیث زمان جاهلیت را بیان می‌کند بر سرش بیندازید و اگر چه ریک باشد.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۷۲
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۷۳
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۹۴
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۸۲

ابواب صلاة الخوف

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَ لِيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ... (۱).
وَقَالَ: فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا... (۲).

۱۵۰- باب الصلاة اذا كان العدو في غير جهة القبلة

ج-۱ عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَعْضِ أَيَّامِهِ، فَقَامَتْ طَائِفَةٌ مَعَهُ وَ طَائِفَةٌ بِلِزَاءِ الْعَدُوِّ، فَصَلَّى بِالَّذِينَ مَعَهُ رُكْعَةً ثُمَّ ذَهَبُوا، وَ جَاءَ الْآخَرُونَ فَصَلَّى بِهِمْ رُكْعَةً ثُمَّ قَصَّتِ الطَّائِفَتَانِ رُكْعَةً رُكْعَةً. وَ قَالَ ابْنُ عُمَرَ: فَإِذَا كَانَ خَوْفٌ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَصَلِّ رَاكِبًا أَوْ قَائِمًا تَوَمَّئُ إِيمَاءً (۳). وَ رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى يَوْمَ الْأَحْزَابِ إِيمَاءً (۴).

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در بعضی از روزها (ی جنگ) نماز خوف بجا آورد، پس دسته ای با او ایستادند و دسته ای در مقابل دشمن قرار گرفتند، پس آنحضرت با آنانکه با او بودند رکعتی خواند، سپس آنان رفتند و دسته دیگر آمدند، پس به ایشان نیز رکعتی خواند، سپس هر دو دسته، رکعتی نیز خواند بجا آوردند. و ابن عمر گوید: هرگاه خوف و وحشت بیش از این بود (مثلاً نتوانی از وسط میدان جنگ کننا بروی) پس سواره یا ایستاده و با اشاره نماز بخوان (یعنی در این شرایط سخت بهمان حالت سواره یا پیاده نماز بخواند و با ایماء رکوع و سجود کند). و روایت شده که پیامبر (ص) در روز احزاب نماز را با اشاره و ایماء بجا آورد.

(۱) قرآن/سوره نساء/آیه: ۱۰۲.

(۲) قرآن/سوره بقره/آیه: ۲۳۹.

(۳) التاج الحامع للاصول/ج ۱/ص ۲۹۳ و المصنف/ج ۲/ص ۵۰۷.

(۴) وسائل الشیعه/ج ۵/ص ۴۸۷.

۲- ج صلی رسول الله (ص) یوم ذات الرقاع صلاة الخوف ،
 فطائفه صلّت معه و طائفه وجاه العدو، فصلی بالذین معه رکعة،
 ثم ثبت قائماً و أتموا لأنفسهم، ثم انصرفوا فصفوا وجاه العدو،
 و جاءت الطائفه الأخری فصلی بهم الرکعة التي بقيت، ثم ثبت
 جالساً و أتموا لأنفسهم، ثم سلم بهم (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) روز جنگ ذات الرقاع نماز خوف خواند، پس
 عده ای با او نماز خوانده و عده ای مقابل دشمن ماندند، پس
 رسول خدا (ص) با آن عده ای که با او نماز خواندند رکعتی خواند،
 و ایستاده ماند تا آنان بقیه نماز خود را خود بجا آوردند و مقابل
 دشمن صف کشیدند، و طایفه دیگر (ی که نماز خوانده بودند برای نماز
 آمدند) پس آنحضرت رکعت باقیمانده از نماز خود را با ایشان خواند
 سپس نشسته ماند تا آنان تمام کردند و با ایشان سلام داد. (مؤلف
 گوید: آنچه از احادیث فوق و آثار دیگر استفاده می شود آن است که نمازها را
 حتی الامکان باید به جماعت خواند و نمی توان بدون عذر آن را ترک نمود.)

۳- ش عن الصادق (ع) قال: صلی النبی (ص) بأصحابه فی
 غزوة ذات الرقاع صلاة الخوف، ففرق أصحابه فرقتین، فأقام فرقة
 یزاء العدو، و فرقة خلفه، فکبر و کبروا، فقرأ و أنصتوا، و رکع
 و رکعوا، و سجد و سجدوا، ثم استمر رسول الله (ص) قائماً و صلوا
 لأنفسهم رکعة، ثم سلم بعضهم علی بعض، ثم خرجوا إلی أصحابهم،
 فقاموا یزاء العدو، و جاء أصحابهم فقاموا خلف رسول الله (ص)،
 فکبر و کبروا، و قرء و أنصتوا، و رکع فركعوا، و سجد فسجدوا،
 ثم جلس رسول الله (ص) فتشهد ثم سلم علیهم فقاموا ثم قضاوا
 لأنفسهم رکعة، ثم سلم بعضهم علی بعض (۲).

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت است که رسول خدا (ص) با اصحاب خود
 در جنگ ذات الرقاع نماز خوف خواند، پس اصحاب خود را دو دسته
 کرد: دسته ای را مقابل دشمن واداشت و دسته ای را پشت سر خود،

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۷۹.

پس تکبیرگفت و آنان تکبیرگفتند، پس قرائت کرد و آنان سکوت کردند و گوش دادند، و رکوع کرد و رکوع کردند، پس سجده کرده و سجده کردند، سپس رسول خدا (ص) ایستاده ماند و آنان برای خود رکعتی خواندند، سپس بعضی بر بعضی دیگر سلام دادند، سپس به سوی یاران خود بیرون رفتند و مقابل دشمن ایستادند، و یاران ایشان آمدند و پشت رسول خدا (ص) (برای نماز) ایستادند، پس رسول خدا (ص) تکبیرگفت و آنان تکبیرگفتند و قرائت کرد و سکوت کردند و رکوع کرد و رکوع کردند سپس رسول خدا (ص) نشست و تشهد گفت و سلام داد و آنان برخاستند و رکعتی برای خودشان انجام دادند و سلام دادند بعضی بر بعضی دیگر.

۴- ج عَنْ أَبِي بَكْرَةَ (رض) قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ (ص) فِي خَوْفِ الظُّهْرِ، فَصَفَّ بَعْضُهُمْ خَلْفَهُ، وَبَعْضُهُمْ بِأَزَاءِ الْعَدُوِّ، فَصَلَّى يَمِينَ خَلْفَهُ رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ سَلَّمَ، فَاِنْطَلَقَ الَّذِينَ صَلَّوْا مَعَهُ فَوْقَهُمْ مَوْفِقًا أَصْحَابِهِمْ، ثُمَّ جَاءَ أَوْلِيكَ فَصَلَّوْا خَلْفَهُ، فَصَلَّى بِهِمْ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَلَّمَ، فَكَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) أَرْبَعًا وَ لِأَصْحَابِهِ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ (۱).

یعنی، از ابوبکره روایت شده که رسول خدا (ص) در نماز خوف ظهر به نماز ایستاد، پس بعضی از اصحاب پشت سرا و صف کشیدند، و بعضی از ایشان در مقابل دشمن ماندند، پس رسول خدا (ص) با آنان که پشت سرش بودند دو رکعت خواند و سلام داد، پس آنان که با او نماز خواندند، رفتند و در جای اصحاب خودشان ماندند، و آنان (که نماز نخوانده بودند) آمدند و پشت رسول خدا (ص) نماز خواندند، سپس رسول خدا (ص) با ایشان دو رکعت نماز خواند، سپس سلام داد. سپس رسول خدا (ص) چهار رکعت و اصحابش دو رکعت دو رکعت بجا آوردند.

۱۵۱- باب الصلاة اذا كان العدو في جهة القبلة

۱- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: قَامَ النَّبِيُّ (ص) وَقَامَ النَّاسُ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۴.

مَعَهُ فَكَبَّرَ وَ كَبَّرُوا مَعَهُ وَ رَكَعَ وَ رَكَعَ نَاسٌ مِنْهُمْ مَعَهُ ثُمَّ سَجَدَ
وَ سَجَدُوا مَعَهُ، ثُمَّ قَامَ لِلثَّانِيَةِ، فَقَامَ الَّذِينَ سَجَدُوا وَ حَرَسُوا
إِخْوَانَهُمْ، وَ أَتَتِ الطَّائِفَةُ الْأُخْرَى فَرَكَعُوا وَ سَجَدُوا مَعَهُ، وَ النَّاسُ
كُلُّهُمْ فِي صَلَاةٍ وَلَكِنْ يَحْرُسُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا (۱)

یعنی، ابن عباس گوید: رسول خدا (ص) به نماز ایستاد، و مردم همه با او (برای نماز) ایستادند، پس او تکبیر گفت، و ایشان نیز با او تکبیر گفتند، و رکوع کرد و عده‌ای (یعنی صف اول) با او رکوع کردند سپس سجده کرد و سجده کردند با او، سپس برای رکعت دوم ایستاد پس آنانکه (در رکعت اول) با او سجده کردند برخاستند و به حراست برادرانشان مشغول شدند، و طایفه دیگر (که رکعت اول را با آنحضرت خوانده بودند) آمدند، پس با آنحضرت رکوع و سجود کردند، و مردم تماماً در نماز بودند، ولیکن بصورتی که بعضی از ایشان بعضی دیگر را حراست می‌کردند.

۲- ج عَنْ سَهْلِ بْنِ أَبِي حَتْمَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) صَلَّى بِأَصْحَابِهِ فِي الْخَوْفِ، فَصَفَّهُمْ خَلْفَهُ صَفَيْنِ، فَصَلَّى بِالَّذِينَ يَلُونَهُ رُكْعَةً، ثُمَّ قَامَ فَلَمَّا يَزَلُ قَائِمًا حَتَّى صَلَّى الَّذِينَ خَلْفَهُمْ رُكْعَةً ثُمَّ تَقَدَّمُوا وَ تَأَخَّرَ الَّذِينَ كَانُوا قَدَامَهُمْ فَصَلَّى بِهِمْ رُكْعَةً ثُمَّ قَعَدَ حَتَّى صَلَّى الَّذِينَ تَخَلَّفُوا رُكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ (۲).

یعنی، از سهل بن ابی حتمه روایت شده است که: رسول خدا (ص) با اصحابش نماز خوف خواند، و کسانی را که پشت سر او بودند برد و صف، به صف نمود: پس با آن صفی که نزدیک پشت او بودند (یعنی صف اول) یک رکعت خواند، سپس (برای رکعت دوم) ایستاد، سپس پایدار در قیام ماند تا اینکه کسانی که پشت سر ایشان (یعنی صف دوم که پشت سر صف اول) بودند، رکعت اول خود را خواندند، سپس (جایشان را با صف اول عوض کردند) مقدم شدند و کسانی که جلوی ایشان بودند به عقب رفته و مؤخر شدند، پس آنحضرت با ایشان نیز یک رکعت نماز خواند، سپس نشست تا اینکه کسانی که به عقب رفته بودند

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۹۴ و المصنف/ ج ۲/ ص ۵۱۱.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

رکعت (دوم خود را نیز) خواندند، (و در جلوس ملحق به جلوتر از خود شدند) سپس رسول خدا (ص) (با همه ایشان) سلام داد.

ابواب صلاة السفر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا^(۱)!

۱۵۲ - باب انّ القصر رخصة في السفر

۱- ج عَنْ يَعْلَى بْنِ أُمَيَّةَ قَالَ: قُلْتُ لِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا. فَقَدْ أَمِنَ النَّاسُ، فَقَالَ: عَجِبْتُ مِمَّا عَجِبْتَ مِنْهُ فَسَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: صَدَقَ تَصَدَّقَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْكُمْ فَأَقْبَلُوا صَدَقَتَهُ^(۲)!

یعنی، روایت شده از یعلی بن امیه که گفت: به عمر بن خطاب گفتم: خدا فرموده: «بر شما باکی نیست که نماز خود را قصر بخوانند در صورتی که ترس داشته باشید که کفار شما را به فتنه و مخاطره افکنند»، پس بتحقیق مردم امان یافته‌اند (یعنی دیگر درسفرها خوفی نیست)؟ عمر گفتم: من نیز از آنچه تو عجب کرده‌ای عجب داشتم پس رسول خدا (ص) سؤال کردم؟ حضرت فرمود: این صدقه‌ای است که خدا بر شما عطا کرده، پس صدقه‌ها را بپذیرید.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ أَهْدَى إِلَيَّ وَإِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً لَمْ يَهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَّمِ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَنَا، قَالُوا: وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْإِفْطَارُ فِي السَّفَرِ، وَالتَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هَدِيَّتَهُ^(۳)!

(۱) قرآن / سورة نساء / آیه: ۱۰۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۱۷.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۴۰.

رسول خدا (ص) فرمود: خدایتعالی به امت من هدیه‌ای داده که به احدی از امتها نداده، مرحمتی از خدا برای ما، گفتند: یا رسول آن هدیه چه باشد؟ فرمود: اجازه افطار در سفر و تقصیر در نماز، پس هرکس انجام ندهد هدیه الهی را بر او رَدّ کرده است.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ تَصَدَّقَ عَلَيَّ مَرَضِي أُمَّتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ الْإِفْطَارِ، أَيْسَرُ أَحَدِكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ؟ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرموده که: خدای عزوجل بر بیما را ن امتم و بر مسافری آنها صدقه‌ای داده به تقصیر کردن و افطار نمودن، آیا یکی از شما را خوش آید که هرگاه صدقه‌ای داد بر او برگردانیده شود؟

۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا فَأَتَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيٌّ (۲) وَ قَالَ: سَمَى رَسُولُ اللَّهِ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرُوا وَ قَصَّرَ عَصَاةً قَالَ: وَهُمْ الْعَصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۳) وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خِيَارُ أُمَّتِي إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَ قَصَّرُوا (۴)

یعنی، حضرت باقر (ع) گفت که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در سفر چهار رکعت بخواند من به سوی خدا از او بیزارم. و رسول خدا (ص) قومی را که روزه گرفتند هنگامیکه و افطار و قصر کرده بود، آنان را عاصی خواند و فرمود: آنان عاصی هستند تا قیامت. و رسول خدا (ص) فرمود: بهترین امت من کسانی‌اند که چون سفر روند افطار کنند و قصر نمایند. (مخفی‌نماند که این چند حدیث خالی از غلو نیست).

۵- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ رُكْعَتَانِ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ تَرَكَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي السَّفَرِ وَ الْحَضْرَ ثَلَاثَ رُكْعَاتٍ (۵)

یعنی، از حضرت باقر روایت شده که فرمود: نماز در سفر واجب دو

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۳۹.
- (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۳۸.
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۳۹.
- (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۳۹.
- (۵) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۳۱.

رکعت است، هر نمازی چنین است بجز نماز مغرب که آن سه رکعت است و در آن تقصیر و کم کردن نیست، رسول خدا (ص) آنرا در سفر و حضر رها کرد که سه رکعت خوانده شود.

۱۵۳- باب المدة التي يقصر فيها المسافر إذا

أقام ببلدة و المسافة التي يجوز فيها القصر

۱- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَكَانَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ حَتَّى رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ، قُلْتُ: أَقَمْتُمْ بِمَكَّةَ شَيْئًا؟ قَالَ: أَقَمْنَا بِهَا عَشْرًا^(۱)

یعنی، از انس روایت شده که با رسول خدا (ص) از مدینه به سوی مکه خارج شدیم، پس آنحضرت دو رکعت دو رکعت نماز میخواند تا زمانی که به مدینه برگشتیم. راوی گوید، از انس پرسیدم در مکه چیزی اقامت کردید؟ گفت: ده روز اقامت نمودیم.

(از این حدیث استفاده شده که هرگاه کسی در سفونیت اقامت بیش از ده روز در محلی نماید، نمازش را باید تمام بخواند. و البته اقوال دیگری نیز هست مانند آنکه عده ای گفته اند هرگاه بیش از ۴ روز اقامت نماید کند نمازش تمام است و در مورد حدیث فوق گفته اند که پیغمبر در سفر حج فقط ۴ روز در خود مکه بوده است. برخی گفته اند اگر اقامت ۱۵ روز رانیت کند نمازش تمام است و بعضی گفته اند نیت ۱۲ روز. و بعضی گفته اند بمجرد اینکه مسافر در شهری وارد شود مقیم و نمازش تمام است)

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَقَامَ النَّبِيُّ (ص) تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا فِي مَكَّةَ إِذَا سَافَرْنَا تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا وَ إِن زِدْنَا أَتَمْنَا. وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَفَنَحْنُ نَمَلِّي فِي مَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ تِسْعَةِ عَشَرَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا أَقَمْنَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ صَلَّيْنَا أَرْبَعًا^(۲)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: (هنگام فتح مکه) رسول خدا (ص)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۵ و ۲۹۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۳۳ و مسند الامام زید / ص ۱۴۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۶.

نوزده روز اقامت کرد و قصر خواند، پس ما چون نوزده روز مسافرت کنیم قصر می‌خوانیم و اگر زیاد کنیم تمام می‌خوانیم. و در روایتی ابن عباس گفت: پس ما بین خود و بین نوزده روز را دو رکعت دو رکعت می‌خوانیم، پس هرگاه بیش از این اقامه کنیم چهار رکعت می‌خوانیم.

(چنانکه در حدیث فوق آمده رسول خدا ۳ در سال فتح مکه که نیت و عزم اقامت نداشته در مدت ۱۹ روز توقف خود نماز را قصر خوانده است. و برخی دیگر گفته‌اند مسافر هرگاه در شهری وارد شود و نیت اقامه نکند و مردد باشد تا ۲۰ روز می‌تواند قصر بخواند زیرا رسول خدا ۳ در تبوک ۲۰ روز قصر خوانده است. و بعضی گفته‌اند تا وقتی بلا تکلیف است می‌تواند قصر کند و البته اقوال دیگری نیز هست مانند تا یکماه و تا

چهار روز و غیره).
 ۳- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: حَجَّ النَّبِيُّ (ص) فَأَقَامَ بِيَمِينِي ثَلَاثًا يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ (۱)

یعنی، حضرت باقر (ع) فرمود: پیغمبر (ص) حج نمود پس در منی سه روز اقامه نمود که نماز را دو رکعت می‌خواند.

۴- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) بِيَمِينِي رَكَعَتَيْنِ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ وَمَعَ عُثْمَانَ صَدْرًا مِنْ إِمَارَتِهِ ثُمَّ أَتَمَّهَا (۲)

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: با پیغمبر (ص) در منی نماز خواندم دو رکعت و با ابوبکر و عمر نیز، و با عثمان نیز در صدر خلافتش، سپس عثمان آنرا تمام می‌خواند.

۵- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: حَجَّ النَّبِيُّ (ص) فَأَقَامَ بِيَمِينِي ثَلَاثًا فَصَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ صَنَعَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ، ثُمَّ صَنَعَ ذَلِكَ عُثْمَانُ سِتِّ سِنِينَ ثُمَّ أَكْمَلَهَا عُثْمَانُ أَرْبَعًا فَصَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ تَمَارَضَ لِيَشُدَّ بِذَلِكَ بَدْعَتَهُ، فَقَالَ لِلْمَوْذِنِ: اذْهَبْ إِلَى عَلِيٍّ (ع) فَقُلْ لَهُ: فَلْيُصَلِّ بِالنَّاسِ الْعَصْرَ، فَأَتَى الْمَوْذِنُ عَلِيًّا (ع) فَقَالَ لَهُ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عُثْمَانَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۵۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۱۶

يَا مُرَّكَ أَنْ تَصَلِّيَ بِالسَّائِسِ الْعَصْرِ، فَقَالَ: إِذَنْ لِأَصَلِّيَ إِلَّا رُكْعَتَيْنِ كَمَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَرَجَعَ الْمُؤَدِّنُ فَأَخْبَرَ عَثْمَانَ بِمَا قَالَ عَلِيُّ، فَقَالَ: أَذْهَبُ إِلَيْهِ وَقُلُّ لَهُ إِنَّكَ لَكُنتَ مِنْ هَذَا شَيْءٍ أَذْهَبَ فَصَلِّ كَمَا تَتُومُونَ فَقَالَ: لَا، وَاللَّهِ لَا أَفَعَلُ، فَخَرَجَ عَثْمَانُ فَصَلَّى بِهِمْ أَرْبَعًا^(۱)!

یعنی، حضرت باقر روایت کرده که رسول خدا (ص) حجّ کرد و سه روز در منی توقف نمود و دو رکعت خواند، سپس ابوبکر و عمر همین کار را کردند، سپس عثمان نیز شش سال همین کار را کرد، سپس عثمان آن را چهار رکعت خواند و ظهر را چهار رکعت بجا آورد، سپس خود را به مرض زد تا بدین سبب بدعت خود را محکم کند و به مؤدّن گفت: برو به علی بگو یا مردم نماز عصر را بخواند، مؤدّن آمد خدمت علی (ع) و گفت: امیر المؤمنین عثمان تورا امر می کند که نماز عصر را با مردم بخوانی، علی (ع) فرمود: در این هنگام من بیش از دو رکعت نمی خوانم چنانکه رسول خدا (ص) خواند، مؤدّن برگشت و به عثمان آنچه را علی گفته بود خبر داد، عثمان گفت: برو به او و بگو تو چنین کاری نباید بکنی، برو و با مردم نماز بخوان، علی (ع) گفت: نه بخدا قسم این کار را نمی کنم، پس عثمان بیرون آمد و چهار رکعت با مردم خواند. (این حدیث مورد تأمل است و باید بررسی شود و چنانچه از روایات استفاده می شود در منی قصر و اتمام هر کدام باشد اشکالی ندارد).

ع- ش عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: كَتَبْتُ اِلَى اَبِي جَعْفَرٍ اَسْأَلُهُ عَنْ اِتْمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَكَتَبَ اِلَيَّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُحِبُّ اِكْتِمَالَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَاكْثُرْ فِيهِمَا وَ اَتَمُّ^(۲)!

یعنی، از ابراهیم بن شیبه روایت شده که گفت: به حضرت باقر نوشتم و از تمام خواندن نماز در حرمین مکه و مدینه سؤال نمودم؟ پس در جواب نوشت: رسول خدا (ص) نماز خواندن زیاد را در حرمین مکه و مدینه دوست می داشت، پس در این دو موضع نماز زیاد بجا آور و تمام بخوان.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۰۰ و ۵۰۱.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۴۷.

۷- ش عَنْ أَبِي بصيرٍ، قَالَ : قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي كَمْ يَقْصُرُ الرَّجُلُ؟ قَالَ: فِي بِيَاضِ يَوْمٍ أَوْ بَرِيدَيْنِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَرَجَ إِلَى ذِي حُشْبٍ فَقَصَرَ وَ أَفْطَرَ، قُلْتُ: وَكَمْ ذِي حُشْبٍ؟ قَالَ: بَرِيدَانِ^(۱).

یعنی، از ابی بصیر روایت آمده که گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: در چه مقدار مسافت مرد قصر کند؟ فرمود: در سفیدی روزی و یا دو برید، زیرا رسول خدا (ص) به ذی حُشْب بیرون رفت و نماز را قصر و افطار کرد، گفتم: تا ذی حُشْب چقدر بود؟ فرمود: دو برید.

۸- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: التَّقْصِيرُ يَجِبُ فِي بَرِيدَيْنِ^(۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ ابْنُ عُمَرَ وَ ابْنُ عَبَّاسٍ (رض) يَقْصُرَانِ وَ يُفْطِرَانِ فِي أَرْبَعَةِ بُرْدٍ وَ هِيَ سِتَّةَ عَشَرَ فَرَسًا^(۳).

یعنی، حضرت باقر (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود: تقصیر واجب می شود در دو برید. و در روایت دیگر آمده که ابن عمر و ابن عباس (رض) در ۴ برید یا ۱۶ فرسخ نماز را قصر و روزه را افطار می کردند. (هر برید چهار فرسخ است و هر فرسخ سه میل و هر میل چهار هزار ذراع است. بنا بر این فرسخ در نزد عرب دو ازمده هزار ذراع است. و در اینکه برای چه سفری و هنگام سفر، قصد چه مقدار مسافتی باشد، تا نماز شکسته شود، اختلاف است، و اکثر فقهای اسلام از جمله مالک و شافعی بر این عقیده اند که باید تصمیم و قصد مسافر برای شانزده فرسخ باشد، و بعضی از جمله ابوحنیفه بیش از این مقدار گفته اند. و بعضی گفته اند هرگاه قصد مسافر برای سفری با اندازه سیر سه روز شتر باشد و پاره ای قائلند سیر یک روز و یک شب، و برخی چهار فرسخ وعده ای سیر یک روز و یک شب، و از ائمّه امامیه سیر یک روز و چهار فرسخ هردو روایت شده است).

۹- ج عَنْ يَحْيَى بْنِ يَزِيدَ الْهَمَاطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ عَنِ قِصْرِ الصَّلَاةِ، فَقَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا خَرَجَ مَسِيرَةَ ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ أَوْ ثَلَاثَةِ فَرَاسِخٍ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ^(۴).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹۲ و ۴۹۳.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹۴.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۶.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۷.

یعنی، روایت شده از یحیی بن یزید هُنائی که گفت: از آنس بن مالک سؤال کردم از قصر کردن نماز؟ گفت: رسول خدا (ص) چون سه میل یا سه فرسخ (از شهر) بیرون می‌رفت نماز را دورکعت می‌خواند. (چنانکه ملاحظه می‌شود راوی شک دارد که خروج حضرت سه میل بوده یا سه فرسخ، بنابراین بهتر آنستکه گفته شود در صورتی مکلف می‌تواند نماز خود را قصر کند که باندازه سه فرسخ از شهر خود دور شود).

۱۰- ش عَنِ الصَّادِقِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَتَى دُبَابًا قَصَرَ وَ دُبَابٌ عَلِيٌّ بَرِيدٌ، وَقَالَ الصَّادِقُ (ع): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص) فِي كَمِّ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: فِي بَرِيدٍ، فَقَالَ: وَكَمِّ الْبَرِيدِ؟ قَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى قَيْءٍ وَعَيْرٍ (۱) یعنی، رسول خدا (ص) چون به دُبَاب می‌رفت قصر می‌خواند و دُبَاب یک برید است (وبرید چهار فرسخ است) و حضرت صادق (ع) گوید: چسبون برای رسول خدا (ص) جبرئیل تقصیر را آورد، رسول خدا (ص) به او فرمود در چه مقدار؟ جبرئیل گفت: در یک برید، پس رسول خدا (ص) از او پرسید: برید چه مقدار است؟ فرمود: بین سایه عیر تا سایه وعیر. (عیر و وعیر نام دو کوه در مدینه است).

۱۱- ش عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا سَافَرَ فَرَسَخًا قَصَرَ الصَّلَاةَ (۲)

یعنی، از ابی سعید خدری روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون فرسخی مسافت میکرد نماز را قصر مینمود (یعنی وقت قصر خروج از بلد است و اگرچه فرسخی باشد).

۱۲- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) فِي تَقْصِيرِ الصَّلَاةِ قَالَ: جَرَّتِ السَّنَةُ بِبَيْتِ يَوْمٍ (۳) وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى ذِي خُسْبٍ وَ هُوَ مَسِيرَةٌ يَوْمٍ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ فَقَصَرَ وَ أَفْطَرَ فَصَارَ سَنَةً (۴)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹۸
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۵۰۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۲۹
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹۳
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۴۹۱

یعنی، از حضرت صادق (ع) درباره قصر نماز در سفر روایت شده که فرمود: سنت جاری شده است به سبب یک روز، و در روایت دیگر آن حضرت فرمود: رسول خدا (ص) مسافرت کرد به ذی شب که از مدینه تا آنجا سیریک روز بود که ۸ فرسخ میشد، پس رسول خدا (ص) نماز را قصر و روزه را افطار نمود، پس بدین نحو سنت شد.

(مؤلف گوید: از این حدیث و پاره‌ای آثار دیگر میتوان چنیــــن استفاده نمود که قصر، مخصوص سفری است که باندازه سیریک روز بطول انجامد، و البته در زمان حضرت رسول (ص) در سیریک روز هشت فرسخ آنهم توأم با مشقت انجام میشده است، ولی اکنون با ماشین سیر یک روز حدود هشتاد فرسخ است، پس اینکه در زمان ما بعضی با ماشین چهار فرسخ راه می‌روند و روزه را می‌خورند و نماز را شکسته می‌خوانند، شرعی نیست، بخصوص چنانکه از قرآن و سنت استفاده میشود و حنا بله و شافعیّه و مالکیه و اکثر فقهای اسلام بر آنند اینکه در سفر توأم با مشقت نیز قصر و اتمام هر دو جایز است. و همچنین در مورد روزه که در سفر جایز است، بلکه اگر روزه ضرر نداشته باشد، افضل می‌باشد، چنانکه در کتاب صیام، به این مطلب اشاره خواهد شد).

۱۳- ش عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَمْ أَذْنَى مَا يُقَصَّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ؟ قَالَ: جَسْرَتِ السُّنَّةِ بِيَاضِ يَوْمٍ (!)

یعنی، از عبدالرحمن بن حجاج روایت شده که گفت: به حضرت صادق (ع) گفتم: کمتر مسافتی که نماز در آن قصر می‌شود چه قدر است؟ فرمود: سنت جاری شده است به سفیدی و روشنائی یکروز (یعنی، باندازه‌ای که سیریک روز راه باشد).

القسم الثانی من کتاب الصلاة فی بیان :

الصَّلَاةُ الْمَسْنُونَةُ

ابواب صلاة العیدین

.....

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَاعْبُدُوا إِلَهُكُمْ فَإِلَى اللَّهِ عِوَابُ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ (۱)

۱۵۴- باب الخروج لصلاة العيد ووقتها

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ: أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اأَعِدُوا إِلَيَّ جَوَائِزَكُمْ، ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ بِجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ، ثُمَّ قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ (۲)

یعنی، از حضرت باقر (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: چون روز اول شوال شود، منادی ندا کند: ای مؤمنین حرکت کنید اول روز به سوی جا زه های خود، سپس فرمود: ای جابر جا زه های الهی، جا زه های این سلاطین نیست، سپس فرمود: این روز جواز است.

۲- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: مِنَ السُّنَنِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْعِيدِ مَاشِيًا وَ أَنْ تَأْكُلَ شَيْئًا قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ (۳)

یعنی، از علی (ع) روایت شده که فرمود: از سنت است که خارج شوی برای نماز عید با حال پیاده و اینکه قبل از خارج شدن کمی چیز بخوری.

۳- ج عَنْ أَنَسٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) لَا يَغْدُو يَوْمَ الْفِطْرِ

(۱) قرآن / سوره کوشر / آیات ۲۰۹

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۴۰

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۹

حَتَّى يَأْكُلَ تَمْرَاتٍ وَيَأْكُلَهُنَّ وَتَرًا . وَ فِي رِوَايَةٍ : كَانَ لَا يَخْرُجُ يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّى يَطْعَمَ وَ لَا يَأْكُلُ يَوْمَ الْأَضْحَى حَتَّى يُصَلِّيَ (۱)!

یعنی، از انس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) روز عید فطر صبح نمی‌کرد تا اینکه چند خرمائی میل میکرد و بعدد طاق میل میکرد. و در روایتی: رسول خدا (ص) روز عید بیرون نمی‌رفت تا اینکه اول طعامی میل کند، ولی روز عید قربان چیزی نمی‌خورد تا اینکه اول نماز بخواند.

۴- ش إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ إِذَا خَرَجَ إِلَى الْعِيدَيْنِ لَمْ يَرْجِعْ فِي الطَّرِيقِ الَّذِي بَدَأَ فِيهِ، يَأْخُذُ فِي طَرِيقٍ غَيْرِهِ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) چون به نماز عیدین بیرون میرفت از آن راهی که رفته بود بر نمی‌گشت، از راه دیگر بر می‌گشت. (وبهمین مضمون در کتاب تاج نیز وارد شده (۳)).

۵- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَتَى أَبِي بِالْخُمْرَةِ يَوْمَ الْفِطْرِ فَأَمَرَ بِرِدِّهَا، ثُمَّ قَالَ: هَذَا يَوْمٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُحِبُّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ وَ يَضَعُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ (۴)!

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: برای پدرم روز عید فطر سجاده‌ای آوردند، پس امر کرد آنرا برگردانند، و فرمود: امروز روزی است که رسول خدا (ص) دوست می‌داشت که به آفاق آسمان نظر کند و صورتش را بر زمین بگذارد.

۶- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) يَوْمَ فِطْرِ أَوْ يَوْمِ أَضْحَى: لَوْ صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِكَ، فَقَالَ: إِنِّي لَأَحِبُّ أَنْ أُبْرَزَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ (۵)!

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که در روز فطر یا روز اضحی به رسول خدا (ص) گفته شد: چه باشد اگر در مسجد نماز بخوانی؟ فرمود: من دوست دارم که در آفاق آسمان ظاهر شوم (یعنی در صحرانما زبخوانم).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۵ و المصنف / ج ۳ / ص ۳۰۶ .
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۳۹ .
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۹۹ .
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۸ .
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۸ .

۷- ش سئل أبا عبد الله عن صلاة العيدين؟ فقال: ركعتان و يخرج إلى البر حيث ينظر إلى آفاق السماء، ولا يصلي على حصير ولا يسجد عليه وقد كان رسول الله (ص) يخرج إلى البقيع فيملي بالناس^(۱)!

یعنی، حضرت صادق (ع) از نماز عیدین سؤال شد؟ فرمود: دو رکعت است که نمازگزار به طرف بیابان جایی که به آفاق آسمان را نظر کند خارج می‌شود، و بر حصیر نماز نخواند و بر آن سجده نکند، زیرا رسول خدا (ص) به بیابان بقیع خارج می‌شد و در آنجا با مردم نماز می‌گزارد.

۸- ش كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى أَبِي أَنْ يُوْتَى يَطْنُفْسَهُ يُمَلِّي عَلَيْهَا، وَيَقُولُ: هَذَا يَوْمَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَخْرُجُ فِيهِ حَتَّى يَبْرُزَ لِآفَاقِ السَّمَاءِ ثُمَّ يَضَعُ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ^(۲)

یعنی، حضرت باقر (ع) چون روز فطر و قربان (برای نماز) خارج می‌شد خودداری میکرد که برای او قالیچه‌ای بیاورند که بر آن سجده کند و می‌فرمود: امروز روزی است که رسول خدا (ص) خارج می‌شد تا اینکه در کرانه‌های آسمان (صحراء) ظاهر می‌شد سپس پیشانی خود را بر زمین مینهاد.

۹- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَخْرُجُ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى آفَاقِ السَّمَاءِ وَقَالَ: لَا تَصَلِّينَ يَوْمَئِذٍ عَلَى بَسَاطٍ وَلَا بَارِيَةٍ^(۳) یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) هنگامی که نظربه آفاق آسمان میکرد بیرون می‌آمد و می‌فرمود: امروز نماز (عیدین) را بر فرش و حصیر مخوان.

۱۰- ج عَنِ الْبَرَاءِ (رَضِيَ) قَالَ: خَرَجَ النَّبِيُّ (ص) يَوْمَ الْأَضْحَى إِلَى الْبَقِيعِ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ وَقَالَ: إِنَّ أَوْلَ نُسْكِنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا أَنْ تَبْدَأَ بِالصَّلَاةِ ثُمَّ نَرْجِعْ فَنَنْحَرُ. وَفِي رِوَايَةٍ: أَصَابَهُمْ مَطَرٌ فِي يَوْمِ عِيدٍ فَصَلَّى بِهِمُ النَّبِيُّ (ص) صَلَاةَ الْعِيدِ فِي الْمَسْجِدِ^(۴)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۸.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۷.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۹.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۰.

یعنی، از براء روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) روز عید اَضْحَى بیرون رفت به سوی بقیع، پس دو رکعت نماز خواند سپس به ما رو کرد و فرمود: اولین عبادت ما در این روز این است که به نماز ابتدا کنیم سپس برگردیم و نحرکنیم. و در روایتی: بارانی به مردم رسید در روز عیدی، پس رسول خدا (ص) نماز را با مردم در مسجد بجا آورد.

۱۱- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ص) قَالَ: السَّنَةُ عَلَيَّ أَهْلُ الْأَمْصَارِ أَنْ يَبْرُزُوا مِنْ أُمَّمِهِمْ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَهْلَ مَكَّةَ فَإِنَّهُمْ يَمْلِكُونَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ (۱)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: سنت بر اهالی شهرها آنست که در روزهای فطر و قربان (برای نماز) از شهرها شان خارج شوند مگر اهالی مکه که در مسجد الحرام نماز می خوانند.

۱۲- ج عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ (رض) قَالَتْ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى أَنْ نُخْرِجَ الْعَوَاتِقَ وَالْحَيْضَ وَذَوَاتِ الْخُدُورِ وَلَكِنَّ الْحَيْضَ يَعْزِلُنَ الصَّلَاةَ وَبَشَهْدَنَ الْخَيْرَ وَدَعْوَةَ الْمُسْلِمِينَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِحْدَانَا لَا يَكُونُ لَهَا جِلْبَابٌ، قَالَ: لِيَتَلَبَّسَ بِهَا أُخْتُهَا مِنْ جِلْبَابِهَا (۲)

یعنی، از امّ عطیّه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در فطر و اَضْحَى امر کرد مآرا که زنان آزاد و زنان حیض و مخدرات را خارج سازیم برای مصّی ولیکن زنان حیض نماز نخوانند ولی به خیر و دعوت مسلمین حاضر باشند، گفتم: ای رسول خدا، یکی از ما زنان روسری ندارد؟ فرمود: باید خواهرش به او بپوشاند. (یعنی در چنین روزی به عبادت و وعظ حاضر باشند و به ثواب و خیر عظیم نائل آیند).

۱۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّمَا رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلنِّسَاءِ الْعَوَاتِقَ فِي الْخُرُوجِ فِي الْعِيدَيْنِ لِلتَّعْرِيفِ لِلرِّزْقِ (۳).

یعنی، حضرت صادق فرمود: همانا رسول خدا (ص) به زنان آزاده اجازه

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۰ و المصنف / ج ۳ / ص ۳۰۲.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۲۳.

داد که در عیدین بیرون آیند برای عرضه کردن برای روزی.
 ۱۴- ش **عَنِ الصَّادِقِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَخْرُجُ بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ (۱) وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ ضَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: كُنَّا فَرَعْنَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ ذَلِكَ جِئِنَ التَّسْبِيحِ (۲).**

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) پس از طلوع شمس (برای نماز عید) بیرون می آمد. و از عبد الله بن بسر مصاحب رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: ما در این ساعت از (نماز عید) فارغ می شدیم و آن در زمان نافلة بود (یعنی در زمانیکه بعد از طلوع خورشید میتوان نافلة خواند پیغمبر ص از نماز عید فارغ می شد).

۱۵۵- باب كيفية صلاة العيد والخطبة

۱- ج **عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ (رض) قَالَ: صَلَّيْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْعِيدَيْنِ غَيْرَ مَرَّةٍ وَ لِأَمْرَتَيْنِ بَعِيرِ أَذَانٍ وَ لِأَقَامَةٍ (۳).**

یعنی ابی جابر بن سمرة روایت شده که گفت: من با رسول خدا (ص) روزهای عید مکرر نماز خواندم بدون اذان و بدون اقامه.

۲- ج **عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) وَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ يَصَلُّونَ الْعِيدَيْنِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ (۴).**

یعنی، از ابن عمر روایت شده که رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر نمازهای عید را پیش از خطبه می خواندند.

۳- ج **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: خَرَجَ النَّبِيُّ (ص) يَوْمَ الْفِطْرِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ لَمْ يَصِلْ قَبْلَهُمَا وَ لِأَبَعْدَهُمَا (۵).**

یعنی، ابن عباس روایت کرده که رسول خدا (ص) روز فطر بیرون رفت و دو رکعت نماز خواند و قبل از آن دو رکعت و بعد از آن نمازی نخواند (یعنی برای نماز عید، نافلة ای نیست).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۹.
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۱.
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۱.
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۱ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۷۹.
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۱ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۷۵.

۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ سُنَّةٌ،
وَلَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلا بَعْدَهُمَا صَلَاةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا الزَّوَالُ (۱)

یعنی، حضرت باقر فرمود: خواندن نماز عیدین با امام از جمله نمازهای سنت است، و قبل از این دو و بعد از این دو نمازی در آن روز نیست مگر بهنگام زوال.

۵- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُكَبِّرُ فِي الْعِيدَيْنِ وَالْإِسْتِسْقَاءِ فِي الْأُولَى سَبْعًا، وَفِي الثَّانِيَةِ خَمْسًا وَيُطَلِّي قَبْلَ الْخُطْبَةِ وَيَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ (۲)

یعنی، از علی (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) در نماز عیدین و نماز استسقاء در رکعت اول هفت تکبیر میگفت، و در رکعت دوم پنج تکبیر و قبل از خطبه نماز میخواند، و قرائت را بجهر میخواند.

۶- ج عَنْ عَائِشَةَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُكَبِّرُ فِي الْعِيدَيْنِ فِي الْأُولَى سَبْعًا قَبْلَ الْقِرَاءَةِ، وَفِي الْآخِرَةِ خَمْسًا قَبْلَ الْقِرَاءَةِ (۳)

یعنی، از عایشه (ره) روایت شده که گوید: رسول خدا (ص) در روز عید تکبیر میگفت: در رکعت اول هفت مرتبه قبل از قرائت و در رکعت دوم پنج مرتبه قبل از قرائت.

۷- ج عَنْ أَبِي وَاقِدٍ اللَّيْثِيِّ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَقْرَأُ فِي الْعِيدَيْنِ بِقِوَامِ الْقُرْآنِ الْمَجْمُودِ وَاقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۴)

یعنی، از ابی وایدی روایت شده که: رسول خدا (ص) در نمازهای عید قربان و فطر سوره های «ق» و «قمر» را قرائت میفرمود.

۸- ش قَالَ الرِّضَا (ع): صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ رُكْعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ، وَلَيْسَ فِيهِمَا أَذَانٌ وَلا إِقَامَةٌ، تُكَبَّرُ فِيهِمَا اثْنَتَيْ عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، تَبْدَأُ فَتُكَبَّرُ وَتَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ، ثُمَّ تَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ثُمَّ تَقْرَأُ وَالشَّمْسُ وَضَاهَا، ثُمَّ تُكَبِّرُ خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ، ثُمَّ تُكَبِّرُ وَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۹۵ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۷۶

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۰ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۹۲

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۲

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۹۷ و ۲۹۸

تَرَكَعَ فَيَكُونُ تَرَكَعٌ بِالسَّايِعَةِ، وَ تَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ، ثُمَّ تَقُومُ فَتَقْرَأُ
فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ، ثُمَّ تَكْبِيرُ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ
وَ تَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ وَ تَتَشَهَّدُ وَ تَسْلِمُ، قَالَ: وَكَذَلِكَ صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)^(۱)،
یعنی، حضرت رضا (ع) فرمود: نماز عیدین، دو رکعت است که قبل و بعد از
این دو رکعت نافله ای نیست، و در این دو نماز اذان و اقامه
نیست. در نماز عیدین دوازده تکبیر است. که ابتدا می کنی و تکبیر
می گوئی و نماز را شروع می کنی، سپس سوره فاتحه کتاب را میخوانی
سپس قرائت می کنی سوره شمس را، سپس پنج تکبیر می گوئی، پس از آن،
تکبیر می کنی و رکوع می روی که رکوعت در تکبیر هفتم می باشد، و سجده
می کنی دو سجده، سپس می ایستی پس قرائت می کنی فاتحه کتاب و
سوره غاشیه را، سپس چهار تکبیر می گوئی، و دو سجده را بجای آوری، و
تشهد و سلام می دهی، فرمود: و این چنین رسول خدا (ص) بجا آورد.

۹- ج عَنْ جَابِرِ (رَضِيَ) قَالَ: شَهِدْتُ الْعِيدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)
فَبَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ، ثُمَّ قَامَ مُتَوَكِّئًا
عَلَى بِلَالٍ فَأَمَرَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ حَتَّ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَعَظَ النَّاسَ وَ
ذَكَرَهُمْ، ثُمَّ مَضَى حَتَّى أَتَى النِّسَاءَ، فَوَعظَهُنَّ وَ ذَكَرَهُنَّ، فَقَالَ: تَصَدَّقْنَ
فَإِنَّ أَكْثَرَ كُنَّ حَطَبَ جَهَنَّمَ فَقَامَتِ امْرَأَةٌ مِنْ سَطْرِ النِّسَاءِ سَفْعَاءُ الْخَدَّيْنِ
فَقَالَتْ: لِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: لِأَنَّكَ تَكْثُرِينَ الشَّكَاةَ وَ تَكْفُرِينَ
الْعَشِيرَةَ قَالَ: فَجَعَلَنِي يَتَصَدَّقْنَ مِنْ حُلِيِّهِنَّ يُلْفِينَ فِي ثَوْبِ بِلَالٍ مِنْ
أَقْرَبْتِهِنَّ وَ خَوَاتِمِهِنَّ^(۲)

یعنی، از جابر (رض) روایت شده که گفت: من حاضر شدم روز عید
با رسول خدا (ص)، پس ابتدا کرد به نماز قبل از خطبه بدون اذان و بدون
اقامه، سپس ایستاد در حالیکه بر بلال تکیه کرده بود، پس امر به
تقوی نمود و ترغیب بر طاعت خدا کرد و پند داد ایشان را، سپس
عبور کرد تا نزد زنان، پس ایشان را موعظه و پند داد، و فرمود:
تصدق دهید زیرا که بیشتر شما اهل دوزخید، پس از میان زنان

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۰۵ و ۱۰۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۲ و ۳۰۳

زنی برخاست که گونه‌هايش تغيير کرده بود، عرض کرد: برای چه ای رسول خدا؟ فرمود: برای اینکه شما زیاد شکایت می‌کنید و همسر خود را کفران مینمائید، جا برگفت: پس زنان بنا کردند به دادن صدقه از زینتهای خود می‌انداختند در میان جامه بلال از گوشواره‌ها و انگشترها.

۱۰- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض): أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ يَقْرَأُ فِيهِ السُّورَةَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ!

یعنی، از ابن عباس روایت شده که: رسول خدا (ص) در نماز عید فطر و اَصْحَى سوره‌های «اعلی» و «غاشیه» را قرائت مینمود.

۱۱- ش عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّائِبِ، قَالَ: حَضَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَوْمَ عِيدٍ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ، قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَمِعَ الْخُطْبَةَ فَلْيَسْمَعْ وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْصَرِفَ فَلْيَنْصَرِفْ!

یعنی، از عبدالله بن سائب روایت شده که گفت: من حاضر شدم در روز عیدی خدمت رسول خدا (ص)، پس چون نماز را انجام داد، فرمود: هر کس میخواهد خطبه را بشنود، بشنود، و هر کس میخواهد برگردد، برگردد. (نویسنده گوید بهترین قول در محل ۱۲ تکبیر وارد در نماز عید آن است که هفت تکبیر در رکعت اول قبل از خواندن سوره فاتحه و در رکعت دوم پنج تکبیر قبل از قرائت فاتحه گفته شود و در بین هر دو تکبیر هم بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.)

۱۵۶- باب الخروج لصلاة العيد في اليوم الثاني إذا ثبت هلال شوال بعد الزوال

۱- ج عَنْ أَبِي عُمَيْرِ بْنِ أَنَسٍ عَنْ عُمُومَةَ لَهَ (رض) مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص): أَنَّ رَكْبًا جَاءُوا إِلَى النَّبِيِّ (ص) يَشْهَدُونَ أَنَّهُمْ رَأَوْا الْهَيْلَالَ بِالْأَمْسِ، فَأَمَرَهُمْ أَنْ يَفْطُرُوا وَإِذَا أَصْبَحُوا يَخْدُوا إِلَى مَمْلَأِهِمْ!

یعنی، ابی عمیر بن انس روایت کرده از عموهای خود که از اصحاب

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۳۶ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۹۸

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۴۰۸ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۹۰

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۳

رسول خدا (ص) بودند نقل کرده که: قافلہ ای خدمت رسول خدا (ص) آمدند و شهادت دادند که در روز گذشته ما را دیده اند، پس رسول خدا (ص) امر فرمود که: مردم افطار کنند و چون صبح کردند به مصلیٰ برای نماز بروند.

۱۵۷-باب التَّجَمُّلِ فِي الْعِيدِ

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ (رض) قَالَ: أَخَذَ عُمَرُ جُبَّةً مِنْ إِسْتَبْرَقٍ تَبَاعُ فِي السُّوقِ فَأَخَذَهَا، فَأَتَى بِهَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ابْتَعْ هَذِهِ، فَتَجَمَّلْ بِهَا لِلْعِيدِ وَالْوُقُودِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّمَا هَذِهِ لِبَاسٌ مِنْ لِأَخْلَاقٍ لَهُ فَلَبِثَ عُمَرُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَلْبِثَ، ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِجُبَّةٍ دِيْبَاجٍ، فَأَقْبَلَ بِهَا عُمَرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ قُلْتَ إِنَّمَا هَذِهِ لِبَاسٌ مِنْ لِأَخْلَاقٍ لَهُ وَ أَرْسَلْتَ إِلَيَّ بِهَذِهِ الْجُبَّةِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَبِعُهَا وَ تَصِيبُ بِهَا حَاجَتَكَ! (۱)

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: عمر جبّه ای از استبرق که در بازار به فروش می رفت گرفت و خدمت رسول خدا (ص) آورد و گفت ای رسول خدا، این را خریداری نما و برای عید و ورود مردم دربر نما عید، رسول خدا (ص) بها و فرمود: همانا این لباس کسی است که بهره ای از آخرت ندارد، پس از مدتی رسول خدا جبّه ای دیباج برای عمر فرستاد و عمر آنرا گرفت و آمد خدمت رسول خدا (ص) و گفت: یا رسول الله، شما فرمودید همانا این لباس کسی است که بهره ای از آخرت ندارد و این جبّه را برای من فرستادی، فرمود: میفروشی و بواسطه آن به حاجت خود می رسی.

۲- ج عَنْ أَبِي رَمَثَةَ قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَخْطُبُ وَ عَلَيْهِ بُرْدَانِ أَحْمَرَ! (۲)

یعنی، از ابی رمثه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) را دیدم

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۴.

خطبه میخواند و دولباس سبز در برداشت .
 ۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: غُسْلُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَيَوْمِ الْأَضْحَى
 سَنَةٌ لِأَجْبٍ تَرَكَهَا (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَغْتَسِلُ يَوْمَ
 الْفِطْرِ وَ يَوْمَ الْأَضْحَى (۲)

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که فرمود: غسل روز فطر و روز اضحی
 سنت است که دوست نمی‌دارم آنرا ترک کنم. و در روایت دیگر
 آمده: رسول خدا (ص) در روز فطر و روز اضحی غسل می‌نمود.

۴- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَغْتَسِمُ فِي
 الْعِيدَيْنِ وَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ كَمَا يَجْهَرُ فِي الْجُمُعَةِ (۳)

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) در دوروز
 عید عمامه می‌پست و قرائت را بجهرمیخواند چنانکه در جمعه
 بجهر میخواند.

۵- ش نَهَى النَّبِيُّ (ص) أَنْ يُخْرَجَ السَّلَاحُ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَنْ
 يَكُونَ عَدُوًّا حَاضِرًا (۴) (وَ فِي رِوَايَةٍ أَنَّهُ نَهَى أَنْ يَلْبَسَ السَّلَاحَ فِيهِمَا (۵) .
 یعنی، رسول خدا (ص) نهی فرمود که در دوروز عید سلاح خارج شود
 مگر آنکه دشمنی حاضر باشد (و در روایت دیگر آنحضرت از پوشیدن
 سلاح در این دوروز نهی فرمود).

۶- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) عَنَزَةٌ
 يَتَكَيُّ عَلَيْهَا وَ يُخْرِجُهَا فِي الْعِيدَيْنِ فَيَخْطُبُ بِهَا (۶) وَ فِي رِوَايَةٍ:
 كَانَتْ لَهُ عَنَزَةٌ فِي أَسْفَلِهَا عَمَّازٌ... يَمْلِي إِلَيْهَا (۷) وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى:
 فَإِذَا بَلَغَ الْمُصَلِّي نَصَبَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ (۸)

یعنی، از حضرت باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) عصای بلندی

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۵۶ و ۹۵۵
 (۲) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۴۱۷
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۳۷ و ۱۱۱
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۸۹
 (۵) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۴۱۷
 (۶) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۸۸
 (۷) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۲ و المصنف / ج ۳ / ص ۲۸۸
 (۸) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۴۱۴

(شبهه نیزه) داشت که بر آن تکیه میکرد و در دو عید آنرا بیرون می‌آورد و با آن خطبه میخواند. و در روایت دیگر برای آنحضرت عصائی بود که در ته آن آهن نوک تیزی بود (و در عیدین آنرا بیرون می‌آورد) و به طرف آن نماز میخواند. و در روایت دیگر: چگون آنحضرت به مصلی می‌رسید (آن عصا) در جلوی او نصب میشد.

۷- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: أَمَا إِنَّ فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا وَلِكِنَّهُ مَسْنُونٌ (۱)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: آگاه باش که در عید فطر تکبیر گفتن است، ولی آن سَنَّتْ و مستحب است. وَعَنْ عَلِيِّ (ع) أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ كَبِّرْ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الْفَجْرِ يَوْمَ عَرَفَةَ إِلَى آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ. (۲)

۸- ش عَنْ يَسْرِ الخَادِمِ قَالَ: لَمَّا حَضَرَ الْعِيدَ بَعَثَ الْمَأْمُونُ إِلَى الرَّضَا (ع) يَسْأَلُهُ أَنْ يَرْكَبَ وَيَحْضُرَ الْعِيدَ وَيُصَلِّيَ وَيَخْطُبَ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ الرَّضَا فَمَا عَلِمَتْ مَا كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ مِنَ الشَّرْطِ فِي دُخُولِ هَذَا الْأَمْرِ، إِنْ أَعْفَيْتَنِي مِنْ ذَلِكَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَإِنْ لَمْ تُعْفِنِي خَرَجْتُ كَمَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ الْمَأْمُونُ: أَخْرَجَ كَيْفَ شِئْتَ، إِلَى أَنْ قَالَ: «وَاجْتَمَعَ الْقَوَادُّ وَالْجُنْدُ عَلَى بَابِ أَبِي الْحَسَنِ، فَلَمَّا طَلَعَتِ الشَّمْسُ فَأَمَّ (ع) فَأَغْتَسَلَ وَتَعَمَّ سَمَّ بَعْمًا مِنْ بَيْضَاءٍ مِنْ قَطَنِ، أَلْقَى طَرْفًا مِنْهَا عَلَى صَدْرِهِ، وَطَرْفًا بَيْنَ كَتْفَيْهِ، وَتَشَمَّرَ، ثُمَّ قَالَ لِجَمِيعِ مَوَالِيهِ: افْعَلُوا مِثْلَ مَا فَعَلْتُ، ثُمَّ أَخَذَ يَدَيْهِ عَكَزًا ثُمَّ خَرَجَ وَنَحْنُ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ حَافٍ قَدْ شَمَّرَ سَرَاوِيلَهُ إِلَى نِصْفِ السَّاقِ، وَعَلَيْهِ شِيَابٌ مُشَمَّرَةٌ، فَلَمَّا مَشَى وَ مَشِينَا بَيْنَ يَدَيْهِ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ كَبَّرَ أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَحِيلَ لَنَا أَنَّ السَّمَاءَ وَالْحَيَاطَانَ تَجَاوَبَهُ، وَالْقَوَادُّ وَالنَّاسَ عَلَى الْبَابِ قَدْ تَهَيَّئُوا وَ لَبَسُوا السَّلَاحَ وَ تَزَيَّنُوا بِأَحْسَنِ الزَّيْنَةِ، فَلَمَّا طَلَعْنَا عَلَيْهِمْ بِهَذِهِ الصُّورَةِ وَ طَلَعَ الرَّضَا (ع) وَقَفَّ عَلَى الْبَابِ وَقَفَّةً، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا، نَرْفَعُ بِهَا أَصْوَاتَنَا، قَالَ يَسْرٌ: فَتَزَعَزَعَتْ مَرُّو بِالْبُكَاءِ

(۱) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۱۲۲.

(۲) مسند الامام زيد / ص ۱۴۷.

مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أْبَلَانَا، پس ما هم صدای خود را به این کلمات بلند مینمودیم، یاسر گفت: مرو بجنیش آمد از گریه و ضجه و صیحه‌ها چون به ابی‌الحسن الرضا نظر کردند، و سرهنگان خود را از مرکب به زمین انداختند و کفش‌های خود را بیرون انداختند چون دیدند حضرت رضا پا برهنه می‌باشد، و حضرت حرکت میکرد و در هر ده قدمی می‌ایستاد و سه مرتبه تکبیر می‌گفت، یاسر گفت خیال می‌شد که آسمانها و کوهها جواب می‌دهند، و شهر مرو یکپارچه ضجه‌واحد گردید، به ما مون خبر رسید و قُضِلَ بَيْنَ سَهْلٍ وَزَيْرٍ أَوْ بَهَا وَگفت: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اگر حضرت رضا بدین نحو به مُصَلَّى برسد مردم فریفته‌ا خواهند شد، تا آخر:

۹- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أُتِيَ بِطَيِّبٍ يَوْمَ الْفِطْرِ بَدَأَ يَنْسَأُهُ^(۱).

یعنی، حضرت صادق (ع) گوید: رسول خدا (ص) هرگاه روز عید فطر عطری بزیایش می‌آوردند ابتدا زناش را معطر میکرد.

۱۵۸- باب جواز اللّهُو المباح فی العید

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَ عِنْدِي جَارِيَتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ تُغَنِّيَانِ بِمَا تَفَاوَلَتِ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بَعَاثَ، قَالَتْ: وَ لَيْسْنَا بِمُغَنِّيَتَيْنِ، فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَمْزَامِيرُ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟! وَ ذَلِكَ فِي يَوْمِ عِيدِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَ هَذَا عِيدُنَا. وَ فِي رِوَايَةٍ: إِنَّ أَبَا بَكْرٍ دَخَلَ عَلَيْهَا وَ عِنْدَهَا جَارِيَتَانِ فِي أَيَّامٍ مِنْ تَغَنِّيَانِ وَ تَضْرِبَانِ وَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُسَجَّى بِثَوْبِهِ فَأَنْتَهَرَهُمَا أَبُو بَكْرٍ، فَكَشَفَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْهُ وَ قَالَ: دَعُمُهَا يَا أَبَا بَكْرٍ فَإِنَّهَا أَيَّامٌ عِيدٍ^(۲).

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: ابوبکر وارد شد و نزد من دو دختر از دختران انصار بودند که آواز غنا می‌خواندند با

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۱۵.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۴ و ۳۰۵ / والمصنف / ج ۱۱ / ص ۰۴.

اشعاریکه روز جنگی بعات انصار گفتگو میکردند، عایشه گفت: این دو دختر کارشان آواز خوانی نبود، پس ابوبکر گفت: آیا نی و ساز شیطان در خانه رسول خدا، و این هم در روز عید، پس رسول خدا (ص) فرمود: ای ابابکر برای هر قومی عیدی است و این عید ما است. و در روایتی ابابکر وارد شد بر عایشه در حالیکه نزد عایشه دو دختر بودند در ایام منی آواز میخواندند و دف میزدند در حالیکه رسول خدا (ص) جامه‌ای به خود پیچیده و خوابیده بود، پس ابوبکر آمد و دختر را منع کرد، پس رسول خدا (ص) سر خود را بیرون آورد و فرمود: ای ابابکر و اگذارشان زیرا این ایام، ایام عید است.

۲- ج وَ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ يَوْمَ عِيدِ يَلْعَبُ السُّودَانُ بِالذَّرَقِ وَالْحِرَابِ فَأَمَّا سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ إِمَّا قَالَ: تَشْتَهِينَ تَنْظُرِينَ؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ فَأَقَامَنِي وَرَاءَهُ، خَدِّي عَلَى خَدِّهِ وَ هُوَ يَقُولُ: دُونَكُمْ يَا بَنِي أَرْفِدَةَ حَتَّى إِذَا مَلِئْتُ، قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ فَأَذْهَبِي (۱). وَ فِي رِوَايَةٍ: جَاءَ جَيْشٌ يَزْفِنُونَ فِي يَوْمِ عِيدٍ فِي الْمَسْجِدِ فَدَعَانِي النَّبِيُّ (ص) فَوَضَعَتْ رَأْسِي عَلَى مَنْكِبِهِ فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى لَعِبِهِمْ حَتَّى كُنْتُ أَنَا الَّذِي انْصَرَفْتُ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهِمْ (۲).

یعنی، از عایشه روایت شده که: روز عیدی بود، سیاهان نیزه بازی و سپربازی میکردند، من از رسول خدا (ص) سؤال کردم و یا اینکه خود آنحضرت فرمود: آیا میل داری نظر کنی؟ گفتم: بلی، پس مرا بدوش خود گرفت بطوریکه صورت من بصورت حضرت بود، و میفرمود: «دُونَكُمْ يَا بَنِي أَرْفِدَةَ»، تا اینکه من خسته شدم، فرمود: تورا کافی شد؟ عرض کردم: بلی، فرمود: برو. و در روایت دیگر: سپاهی در روز عید داخل مسجد شدند که رقص و دست افشانی میکردند، پس پیغمبر (ص) مرا خواند و من سرم را بر شانه آنحضرت نهادم، و به بازی ایشان تماشا میکردم تا آن اندازه که از تماشای ایشان منصرف و آنرا رها کردم.

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۰۵.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۰۵.

۳- ج عَن أَنَسٍ (رض) قَالَ: قَدِمَ النَّبِيُّ (ص) الْمَدِينَةَ وَ لَهُمْ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا، فَقَالَ: مَا هَذَانِ الْيَوْمَانِ؟ قَالُوا: كُنَّا نَلْعَبُ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمَ الْفِطْرِ! (۱)

یعنی، از انس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) وارد مدینه شد و برای اهل مدینه دوروزی بود که در آن بازی میکردند، فرمود: این دوروز چیست؟ گفتند: ما در جاهلیت در این دوروز بازی میکردیم، رسول خدا (ص) فرمود: خدا این دو روز شمارا تبدیل کرده به دوروز بهتری: روز عید اَضْحَى و روز عید فِطْر.

ابواب صلاة الكسوف

.....

۱۵۹- باب كسوف الشمس و القمر

۱- ج عَنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ مَاتَ إِبْرَاهِيمُ فَقَالَ النَّاسُ: انْكَسَفَتْ لِمَوْتِ إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُمَا فَادْعُوا اللَّهَ حَتَّى تَنْجَلِيَ (۲).

یعنی، از مُغیره روایت شده که گفت: روزی که ابراهیم (فرزند رسول خدا) قبض روح شد، خورشید گرفت، پس مردم گفتند: بخاطر موت ابراهیم خورشید گرفته است، پس پیغمبر (ص) فرمود: همانا خورشید و ماه دوشانه از قدرت خداوند نه برای موت کسی میگیرند و نه برای حیات او، پس چون گرفتگی آنها را دیدید، خدا را بخوانید تا باز و نمایان شوند.

۲- ش كَمَا مَاتَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ فَقَالَ النَّاسُ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ لِفَقْدِ بْنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَصَعِدَ رَسُولُ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۵ و ۳۰۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۶

اللَّهُ (ص) الْمَنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ
 إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِأَمْرِهِ، مُطِيعَانِ
 لَهُ، لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا انْكَسَفَا أَوْ وَاجِدَةً
 مِنْهُمَا فَصَلُّوا، ثُمَّ نَزَلَ فَمَلَى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْكُسُوفِ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ
 قَالَ: فَإِذَا انْكَسَفَا أَحَدُهُمَا فَبَادِرُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ لِلصَّلَاةِ (۲).

یعنی، چون فرزند رسول خدا (ص) ابراهیم، از دنیا رفت، خورشید
 گرفت، مردم گفتند: خورشید گرفته برای وفات فرزند رسول خدا،
 رسول خدا (ص) منبر رفت، پس خدا را حمد و ثنا کرد، سپس فرمود: ای
 مردم خورشید و ماه دو نشانه از قدرت خدایند، به امر او جاریند
 و فرمانبردار او می‌باشند، برای موت کسی نمی‌گیرند و برای
 حیات او نیز نمی‌گیرند، پس چون خورشید و ماه یا یکی از این دو
 گرفت نماز بخوانید، سپس از منبر فرود آمد و با مردم نماز خواند
 نماز کسوف. و در روایت دیگر فرمود: اگر یکی از این دو گرفت
 سرعت کنید به طرف مساجدتان برای نماز.

۱۶۰- باب النداء لصلاة الكسوف

۱- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: لَمَّا كَسَفَتِ الشَّمْسُ عَلَيَّ عَهْدِ
 رَسُولِ اللَّهِ (ص) نُودِيَ إِنَّ الصَّلَاةَ جَائِعَةٌ (۳)
 یعنی، از عبد الله بن عمرو روایت شده که گفت: زمانیکه خورشید
 در عهد رسول خدا (ص) گرفت (بجای اذان) ندا شد که جمع شوید برای
 نماز. و در روایت دیگر: پیامبر منادی را امر نمود که ندا
 کند: «إِنَّ الصَّلَاةَ جَائِعَةٌ» (۴).

۱۶۱- باب أنواع صلاة الكسوف

۱- ج عَنْ أَبِي بَكْرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) فَأَنْكَسَفَتِ
 (۱) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۱۴۳ و ۱۴۴
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۱۴۸
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۷
 (۴) سنن النسائي / ج ۳ / ص ۱۲۷

الشَّمْسُ فَقَامَ النَّبِيُّ (ص) بِجِرِّ رِءَاءِهِ حَتَّى دَخَلَ الْمَسْجِدَ، فَدَخَلْنَا فَصَلَّى بَيْنَا رَكَعَتَيْنِ حَتَّى انْجَلَّتِ الشَّمْسُ! (۱)

یعنی، از آبی بگره روایت شده که گفت: ما نزد در رسول خدا (ص) بودیم که خورشید گرفت، رسول خدا (ص) برخاست در حالیکه رداء خود را به زمین میکشید (یعنی با عجله) تا داخل مسجد شد، پس ما نیز داخل شدیم، و دو رکعت با نماز خواند تا خورشید آشکارا شد.

۲- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالنَّاسُ خَلْفَهُ فِي كَسُوفِ الشَّمْسِ فَفَرَّغَ حِينَ فَرَغَ وَقَدْ انْجَلَى كُسُوفُهَا! (۲)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) هنگام گرفتن خورشید نماز خواند در حالیکه مردم پشت سرش بودند (یعنی بجماعت خواند) پس زمانی که از نماز فارغ شد گرفتن خورشید باز شده بود.

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ (رَضِيَ) قَالَتْ: خَسَفَتِ الشَّمْسُ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَقَامَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ فَأَطَالَ الْقِيَامَ ثُمَّ رَكَعَ فَأَطَالَ الرُّكُوعَ، ثُمَّ قَامَ فَأَطَالَ الْقِيَامَ وَهُوَ دُونَ الْقِيَامِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ رَكَعَ فَأَطَالَ الرُّكُوعَ وَهُوَ دُونَ الرُّكُوعِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ، ثُمَّ فَعَلَ فِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الرَّكَعَةِ الْأُولَى، ثُمَّ انْصَرَفَ وَقَدْ انْجَلَّتِ الشَّمْسُ فَخَطَبَ النَّاسَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَا يَنْخَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ، فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ قَادِعُوا اللَّهَ وَكَبَرُوا وَصَلُّوا وَتَصَدَّقُوا، ثُمَّ قَالَ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ مَا مِنْ أَحَدٍ أُغْيِرَ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَزِنِي عَبْدَهُ أَوْ تَزِنِي أُمَّتَهُ، يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ لَوْ تَعَلَّمُونَ مَا أَعْلَمَ لَضَحِكْتُمْ قَلِيلًا وَلَبَكَيْتُمْ كَثِيرًا! (۳)

یعنی، از عایشه روایت شده که در عهد رسول خدا (ص) خورشید گرفت پس آنحضرت برخاست و به مردم نماز خواند و قیام را طول داد سپس رکوع کرد، پس رکوع را طولانی نمود، سپس ایستاد و قیام را طول

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۷.
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۴۶ و ۱۴۹.
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۷ و ۳۰۸ و المصنف / ج ۳ / ص ۹۶ و ۹۷.

داد ولی کمتر از قیام اول، سپس رکوع کرد و آنرا طولانی نمود ولی مدت طولانی کمتر از رکوع اول، سپس سجده کرد و سجود را طولانی نمود، سپس همین کار را در رکعت دوم انجام داد مانند رکعت اول، سپس منصرف شد در حالیکه خورشید آشکارا شده بود، پس برای مردم خطبه خواند و حمد و ثنای خدا را گفت، سپس فرمود: خورشید و ماه دو آیه از آیات خدا هستند، برای مردن و زنده شدن کسی نمی‌گیرند، پس چون آنرا دیدید خدا را بخوانید و تکبیر بگوئید و نماز بخوانید و صدقه بدهید، سپس فرمود: ای اُمَّتِ مُحَمَّدٍ، سوگند به خدا که احدی با غیرت تر از خدا نیست که بنده او زنا کند و یا کنیز او زنا دهد، ای اُمَّتِ مُحَمَّدٍ، سوگند به خدا اگر بدانید آنچه را من میدانم، هر آینه کم خنده خواهید نمود و بسیار گریه خواهید کرد. (جمهور فقهاء در نماز کسوف، این کیفیت را انتخاب کرده اند).

۴- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ (ص) فِي كُسُوفٍ، فَقَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ قَرَأَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ الْآخِرَى مِثْلَهَا . وَعَنْهُ قَالَ: صَلَّى النَّبِيُّ (ص) فِي كُسُوفٍ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ قَرَأَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ قَرَأَ ثُمَّ رَكَعَ، ثُمَّ سَجَدَ، قَالَ: وَ الْآخِرَى مِثْلَهَا (!)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در کسوف نماز خواند، پس سه مرتبه قرائت کرد و سه مرتبه رکوع و دو سجده در رکعت اول، و رکعت دوم را نیز مانند اول بجا آورد. و در روایتی در هر رکعت چهار مرتبه قرائت و چهار مرتبه رکوع نمود.

۱۶۲- باب الجهر بالخسوف والإسراء بالكسوف

ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: جَهَرَ النَّبِيُّ (ص) فِي صَلَاةِ الْخُسُوفِ بِقِرَاءَتِهِ . وَ عَنْ سَمْرَةَ قَالَ: صَلَّى بِنَا النَّبِيِّ (ص) فِي كُسُوفٍ لَأَنْتَسَمِعَ لَهُ صَوْتًا (۱)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۸

یعنی، عایشه گوید: رسول خدا (ص) در نماز خسوف (ماه گرفتگی) قرائت خود را آشکار خواند. و از سَمَرَه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) به ما نماز کسوف (خورشید گرفتگی) خواند که صدائی از آن حضرت نمی شنیدیم.

۱۶۳- باب القراءة فی صلاة الكسوف

۱- ج عَنْ أَبِي بِن كَعْبٍ (رض) قَالَ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ عَلَيَّ عَهْدِ النَّبِيِّ (ص) فَصَلَّيْتُ بِهِمْ فَقَرَأْتُ بِسُورَةِ مِنَ الطُّوْلِ (۱) وَعَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كُنَّا فِي صَلَاةٍ كُسُوفٍ فَحَزَرْتُ قِرَاءَتَهُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى بِسُورَةِ الْبَقَرَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِسُورَةِ آلِ عِمْرَانَ (۲)

یعنی، از ابی بن کعب روایت شده که گفت: در عهد رسول خدا خورشید گرفت، پس آن حضرت با مردم نماز خواند به سوره ای از سوره های طولانی. و از عایشه روایت شده که ما در نماز کسوف بودیم، من اندازه گرفتم در رکعت اول قرائت رسول خدا (ص) با اندازه سوره بقره و در رکعت دوم با اندازه سوره آل عمران بود.

۲- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَصَلَّيْتُ بِالنَّاسِ رَكْعَتَيْنِ وَ طَوَّلَ حَتَّى غَشِيَ عَلَى بَعْضِ الْقَوْمِ مِمَّنْ كَانَ وَرَاءَهُ مِنْ طَوْلِ الْقِيَامِ (۳)

یعنی، حضرت صادق (ع) گوید: در زمان رسول خدا (ص) خورشید گرفت، پس او با مردم نماز خواند دو رکعت و آنقدر طول داد که بر بعضی از آن قوم که پشت سر آن حضرت بودند از طول دادن قیام غش عارض شد.

۱۶۴- باب الخطبة بعد صلاة الكسوف

۱- ج عَنْ أَسْمَاءَ (رض) قَالَتْ: فَأَنْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ قَدْ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۹

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۹

(۳) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۱۵۴

تَجَلَّتِ الشَّمْسُ ، فَخَطَبَ فَحَمِدَ اللَّهَ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ ثُمَّ قَالَ: مَا بَعْدُ... (!)
یعنی، از اسماء روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در حالیکه خورشید
آشکارا نمایان شده بود (از نماز کسوف) منصرف شد، پس خطبه خواند
و خدا را حمد نمود به آنچه او اهل آنست سپس فرمود: مَا بَعْدُ... تا
آخر خطبه، (بدانکه فقهاء، جماعت را از شروط نماز کسوف نمی دانند، و نیز در مورد
خطبه، اکثریت آنرا شرط ندانسته اند، ولی بعضی از جمله شافعی آنرا شرط دانسته اند).

۱۶۵- باب یکفی عن صلاة الكسوف

الفرع الى الله و فعل الخير

عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ هَذِهِ الْآيَاتِ الَّتِي
يُرْسِلُ اللَّهُ لَاتَكُونَ لِمَوْتٍ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاتِهِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُرْسِلُهَا
يُخَوِّفُ بِهَا عِبَادَهُ فَإِذَا رَأَيْتُمْ مِنْهَا شَيْئًا فَأَفْزَعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَ
دُعَائِهِ وَ اسْتِغْفَارِهِ (!) وَ عَنْ أَسْمَاءَ قَالَتْ: لَقَدْ أَمَرَ النَّبِيُّ (ص)
بِالْعِتَاقَةِ فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ (!)

یعنی، از ابوموسی از پیغمبر (ص) روایت شده که (پس از نماز کسوف)
فرمود: همانا این آیات و نشانه هائی که خدا می فرستد نه برای موت
کسی است و نه برای حیات او، ولیکن خدای تعالی با چنین آیات بندگان
خود را می ترساند، پس هرگاه چیزی از اینها را دیدید پس پناه برید
به یاد خدا و خواندن و دعای او و طلب بخشش از او. و از اسماء
روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) مرا در کسوف خورشید امر فرمود
به آزاد کردن اسیر.

۱۶۶- باب السجود لمطلق الآيات

عَنْ عِكْرَمَةَ قَالَ: قِيلَ لِأَبْنِ عَبَّاسٍ: مَا تَتَّ فُلَانَةٌ - بَعْضُ
أَزْوَاجِ النَّبِيِّ (ص) فَخَرَّ سَاجِدًا، فَقِيلَ لَهُ: تَسْجُدُ هَذِهِ السَّاعَةَ؟ فَقَالَ:

- | | |
|-----|------------------------------------|
| (۱) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۳۰۹ |
| (۲) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۰ |
| (۳) | التاج الجا مع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۰ |

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِذَا رَأَيْتُمْ آيَةً فَاسْجُدُوا»، وَ أَى آيَةٍ أَكْبَرُ مِنْ ذَهَابِ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ (ص) (۱)

یعنی، از عکرمه (رض) روایت شده که گفت: به ابن عباس گفته شد: یکی از زنان رسول خدا (ص) فوت نمود. پس ابن عباس سجده کنسان به خاک افتاد، بها و گفته شد، در این ساعت سجده میکنی؟ پس گفت: رسول خدا (ص) فرمود: «هرگاه آیه و نشانه (ویا امر خارق العاده) ای دیدید سجده کنید»، و کدام آیه بزرگتر از رفتن زنان رسول خدا (ص) می باشد؟ (از این حدیث و آثار دیگر میتوان استحباب نماز را بهنگام زلزله و شادای دیگر استفاده نمود).

ابواب صلاة الإستسقاء

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا... (۲)
وَقَالَ: ... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ... (۳)

۱- قَالَ النَّبِيُّ (ص): ... لَمْ يَنْقُصْ قَوْمَ الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانَ إِلَّا أَخَذُوا بِالسِّنِينَ وَ شَذَفِ الْمَوْنَةَ وَ جَوْرَ السُّلْطَانِ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَمْنَعُوا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ إِلَّا مَنَعُوا الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ ، وَ لَوْلَا الْبَهَائِمُ لَمْ يَمْطَرُوا ، وَ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ رَسُولِهِ ، إِلَّا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ ، فَأَخَذُوا بَعْضَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ... (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هیچ قومی از پیمانانه و ترازو کم نکرد مگر آنکه به قحطی و سختی مونه و ظلم سلطان بر خود گرفتار شد، و هیچ قومی از زکات اموال خود خودداری نکرد مگر آنکه از باران

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۲

(۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۶۰

(۳) قرآن / سوره هود / آیه ۵۲

(۴) سنن ابن ماجه / ج ۲ / ص ۱۳۳۳

آسمان بی بهره ماند و اگر چهارپایان نبودند باران بر ایشان نمی آمد، و هیچ قومی عهد خدا و عهد رسول خدا را نشکست مگر آنکس که خدا بر ایشان دشمنی از غیر خودشان مسلط ساخت که از دسترنج ایشان بهره بردند.

۲- ش عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا غَضَبَ اللَّهُ عَلَى أُمَّةٍ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ، غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَ قَصُرَتْ أَعْمَارُهَا، وَ لَمْ تَرْجَحْ تِجَارُهَا، وَ لَمْ تَزُكْ شِمَارُهَا، وَ لَمْ تَنْغَزِرْ أَنْهَارُهَا، وَ حَبَسَ اللَّهُ عَلَيْهَا أَمْطَارُهَا، وَ سَلَطَ عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا^(۱)

یعنی، از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: چون خدا بر امتی غضب کند سپس بر آنها عذاب نازل نکند، قیمت های آنها بالا رود و عمرهای ایشان کوتاه گردد و تجارت آنان سود نبرند، میوه جات آنان پاک نگردد، و نهرهایشان پرنگردد و خدا بر آنان بارانها را نگه دارد، و اشرار آنان بر ایشان مسلط گردند.

۱۶۷- باب كيفية صلاة الاستسقاء و

جوازها قبل الخطبة و بعدها

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُتَبَدِّلاً مَتَوَاضِعاً مُتَضَرِّعاً حَتَّى أَتَى الْمَمْلِيَّ، فَرَقَى الْمُنْبِرَ، فَلَمْ يَخْطُبْ خُطْبَكُمْ هَذِهِ، وَلَكِنْ لَمْ يَزَلْ فِي الدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ وَ التَّكْبِيرِ، ثُمَّ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ كَمَا يَصَلِّي فِي الْعِيدِ^(۲)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) بیرون رفت (برای استسقاء) در حال کوچکی و تواضع و زاری تا به مصلی آمد، پس به منبر رفت و خطبه ای مانند خطبه های شما نخواند بلکه همواره در دعا و زاری و گفتن تکبیر بود، سپس دو رکعت نماز گذارد مانند نمازی که در عید خوانده می شود.

۲- ج عَنِ عَبَّادِ بْنِ تَمِيمٍ عَنْ عَمِّهِ (رض) قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۶۸

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۳ و المصنف / ج ۳ / ص ۸۴

يَوْمَ خَرَجَ يَسْتَسْقِي قَالَ: فَحَوَّلَ إِلَى النَّاسِ ظَهْرَهُ، وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ يَدْعُو، ثُمَّ حَوَّلَ رِءَاءَهُ، ثُمَّ صَلَّى لَنَا رُكْعَتَيْنِ جَهْرًا فِيهِمَا بِالْقِرَاءَةِ^(۱) یعنی، روایت کرده عباد بن تمیم از عموی خود که گفت: رسول خدا (ص) را دیدم روزی که برای استسقاء بیرون رفت، گفت: پس پشت خود را به مردم برگردانید و روبه قبله دعا میکرد، سپس رداء خود را برگردانید (بطوریکه طرف راست آن برشانه چپ و طرف چپ را برشانه راست قرار داد)، سپس دو رکعت نماز خواند که در آن دو قرائت را جهر نمود.

۳- ش أتى قوم رسول الله (ص) فقالوا له: إن بلادنا قد قحطت فادع الله يرسل السماء علينا، فأمر رسول الله (ص) بالمتبر فأخرج واجتمع الناس، فصعد رسول الله (ص) ودعا وأمر الناس أن يؤمنوا^(۲)

یعنی، قومی خدمت رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: شهرهای ما قحطی شده خدا را بخوان که باران بر ما بباراند، پس رسول خدا (ص) امر فرمود که برایش منبری بیرون بردند و مردم جمع شدند، پس رسول خدا (ص) بالا رفت و دعا کرد و مردم را امر کرد که آمین بگویند.

۴- ش قال أبو جعفر (ع): كان رسول الله (ص) يصلي الاستسقاء ركعتين ويستسقى وهو قائم. وقال: بدأ بالصلاة قبل الخطبة و جهراً بالقراءة^(۳)

یعنی، حضرت باقر (ع) فرموده: رسول خدا (ص) نماز استسقاء را دو رکعت میخواند و طلب باران میکرد درحالیکه نشسته بود. و فرمود: اول نماز خواند قبل از خطبه، و قرائت را آشکارا قرائت کرد.

۵- ش عن علي (ع) قال: كان رسول الله (ص) يكبر في العيدين والاستسقاء في الأولى سبعا، وفي الثانية خمسا، ويصلي قبل الخطبة^(۴)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۴ و المصنف / ج ۳ / ص ۸۳

(۲) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۱۶۳

(۳) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۱۶۳

(۴) وسائل الشيعه / ج ۵ / ص ۱۶۴ و ۱۶۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۸۵

یعنی، از علی (ع) روایت شده که: رسول خدا (ص) در نماز عیدین و استسقاء هفت تکبیر در رکعت اول و پنج تکبیر در رکعت دوم میگفت قبل از خطبه و قرائت را بجهر میخواند.

۶- ش عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ (ع): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا اسْتَسْقَى يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ وَيُحَوِّلُ رِءَاةَهُ عَنْ يَمِينِهِ إِلَى يَسَارِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ إِلَى يَمِينِهِ، قُلْتُ لَهُ: مَا مَعْنَى ذَلِكَ؟ قَالَ: عَلَامَةٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَصْحَابِهِ يُحَوِّلُ الْجَدْبُ خُصْبًا^(۱)

یعنی، حضرت صادق از پدرش روایت کرده که: رسول خدا (ص) چون استسقاء میکرد، به آسمان نظر مینمود و رداء خود را تغییر میداد، راست را به طرف چپ و چپ را به طرف راست، (انس بن عیاض لیثی را وی حدیث) گوید: به آنجناب گفتم این چه معنی دارد؟ فرمود: این علامتی بود بین او و اصحابش که سال خشک و قحطی تبدیل شود به فراوانی.

۷- ج عَنْ أَنَسٍ: أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ (ص) كَانَ لَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ دُعَائِهِ إِلَّا فِي الِاسْتِسْقَاءِ حَتَّى يَرَى بَيَاضَ بَطْنَيْهِ^(۲).

یعنی، انس روایت کرده که رسول خدا (ص) دو دست خود را در هیچ دعائی بلند نمیکرد مگر در استسقاء و آنقدر دستهای خود را بلند مینمود که سفیدی زیر بغلش دیده میشد.

۸- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمًا يَسْتَسْقَى، فَصَلَّى بِنَا رُكْعَتَيْنِ بِلَا أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ، ثُمَّ خَطَبَنَا وَ دَعَا اللَّهَ وَ حَوَّلَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ رَافِعًا يَدَيْهِ، ثُمَّ قَلَبَ رِءَاةَهُ فَجَعَلَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَيْسَرِ وَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَيْمَنِ^(۳)

یعنی، ابوهریره گوید: رسول خدا (ص) روزی برای استسقاء و طلب باران بیرون رفت، پس با ما دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه خواند، سپس برای ما خطبه خواند و خدا را خواند و صورتش را به طرف قبله و دستهایش را بلند نمود، سپس رداء خود را وارونه نمود که

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۶۵ و ۱۶۶.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۴.

(۳) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۴۰۳ و ۴۰۴ و المصنف / ج ۳ / ص ۸۵.

طرف راست را در طرف چپ و طرف چپ را در طرف راست قرار داد .

١٦٨- باب نص خطبة في الاستسقاء

١- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ : شَكَا النَّاسُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَحْوَةَ الْمَطَرِ، فَأَمَرَ بِمَنْبَرٍ، فَوُضِعَ لَهُ فِي الْمِصْلِيِّ، وَوَعَدَ النَّاسَ يَوْمًا يَخْرُجُونَ فِيهِ، قَالَتْ : فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حِينَ بَدَأَ حَاجِبُ الشَّمْسِ، فَقَعَدَ عَلَى الْمَنْبَرِ فَكَبَّرَ وَحَمِدَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، ثُمَّ قَالَ : إِنَّكُمْ شَكَوْتُمْ جَدْبَ دِيَارِكُمْ وَاسْتِيخَارَ الْمَطَرِ عَنِ ابْنِ زَمَانٍ عَنْكُمْ، وَقَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ تَدْعُوهُ وَوَعَدَكُمْ أَنْ يَسْتَجِيبَ لَكُمْ، ثُمَّ قَالَ : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَا لِكِ يَوْمَ الدِّينِ ، لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ، أَنْزِلْ عَلَيْنَا الْغَيْثَ وَاجْعَلْ مَا أَنْزَلْتَ لَنَا قُوَّةً وَبَلَاغًا إِلَى حِينٍ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ فِي الرَّفْعِ حَتَّى بَدَأَ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَلَمْ يَزَلْ فِي الرَّفْعِ حَتَّى بَدَأَ بَيَاضُ إِبْطَيْهِ ، ثُمَّ حَوَّلَ إِلَى النَّاسِ ظَهْرَهُ، وَقَلَبَ رِداءَهُ ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ وَنَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، فَأَنْشَأَ اللَّهُ سَحَابَةً فَرَعَدَتْ وَبَرَقَتْ ، ثُمَّ أَمْطَرَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَلَمَّ يَأْتِ مَسْجِدَهُ حَتَّى سَأَلَتِ السُّبُورُ ، فَلَمَّا رَأَى النَّبِيُّ (ص) سُرْعَتَهُمْ إِلَى الْكِنِّ ضَحِكَ حَتَّى بَدَتْ نَوَاجِدُهُ فَقَالَ : أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّي عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ (١).

یعنی، روایت شده از عایشه که گفت : مردم از نیامدن باران نزد رسول خدا (ص) شکایت کردند، پس او امر کرد منبری را در مِصْلِيِّ نهادند و مردم را دعوت کرد و وعده نمود که روزی را خارج شوند پس رسول خدا (ص) بیرون رفت هنگامیکه ابروی خورشید ظاهر شده بود و به منبر رفت و نشست و تکبیر و حمد خدای عزوجل را گفت سپس فرمود: که شما شکایت کردید از قحطی دیارتان و تأخیر باران از زمان خودش و حال آنکه خدای عزوجل شما را امر کرده که او را

(١) التاج الجامع للاصول/ ج ١/ ص ٣١٤ و ٣١٥.

بخوانید و وعده فرموده اجابت کند. ثُمَّ فرمود: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
 الْعَالَمِيْنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ مَا لِيْكَ يَوْمَ الدِّيْنِ نِيْسْتِ خَدَائِيْ جُزْ اَوْ
 اَنْجِهْ بَخَوَاهِدْ مِيْكَند، خدایا تویی خدائی که خدا و ملجأی جُز تو
 نیست تویی غنی و ما فقراء بر ما باران مفید را نازل نما
 و آنچه نازل کردی برای ما نیرو و کافی تا مدتی قرارده، سپس
 دو دست خود را بلند کرد، پس همواره بلند نمود تا سفیدی زیر بغل
 او نمایان گردید، سپس به مردم پشت کرد و رداء خود را برگردانید
 پس از آن روبه مردم کرد و پائین آمد و دو رکعت نماز خواند،
 پس خدا ابری را ایجاد کرد که صدا کرد و برق زد، سپس بارید،
 پس حضرت به مسجد نرسیده سیلها جاری شد، پس چون رسول خدا (ص)
 سرعت مردم را به طرف پناهگاه دید خندید تا اندازه ای کسه
 دندانهایش نمایان شد و فرمود: شهادت میدهم که خدا بر هر چیزی
 تواناست و من بنده خدا و رسول اویم.

۱۶۹- باب إجابة الامام طلب الناس في الاستسقاء

إ- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) وَهُوَ يَخْطُبُ
 يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكَتِ الْمَوَاشِي وَانْقَطَعَتِ السُّبُلُ،
 فَادْعُ اللَّهَ فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَرَفَعَ يَدَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: اَللّٰهُمَّ اغْنِنَا
 اَللّٰهُمَّ اغْنِنَا اَللّٰهُمَّ اغْنِنَا، فَمَطَرُوا مِنْ جَمْعَةٍ إِلَى جَمْعَةٍ فَجَاءَ رَجُلٌ
 فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ تَهْدَمَتِ الْبَيْوتُ وَتَقَطَعَتِ السُّبُلُ، وَهَلَكَتِ
 الْمَوَاشِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اَللّٰهُمَّ عَلَي رُءُوسِ الْجِبَالِ وَ الْاِكَامِ،
 وَ بَطُونِ الْاَوْدِيَةِ، وَ مَنَابِتِ الشَّجَرِ. اَللّٰهُمَّ حَوَالَيْنَا وَ اَعْلَيْنَا،
 فَانْجَابَتْ عَنِ الْمَدِيْنَةِ اَنْجِيَابُ الثُّوْبِ، فَانْظَرْتُ إِلَى الْمَدِيْنَةِ وَ
 اِنَّهَا لَفِي مِثْلِ الْاِكْلِيلِ (۱)

یعنی، آنس روایت کرده که مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد در حالیکه
 آنحضرت در حال خطبه خواندن در روز جمعه بود، پس آنمرد گفت: یا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۹۵ و

رَسُولَ اللَّهِ حيوانات هلاک شده و راهها قطع شدند، خدا را بخوان، پس رسول خدا (ص) دعا کرد و دو دست خود را بلند کرد، سپس گفت: خدایا بباران برما، خدایا بباران برما، خدایا بباران برما، پس، از آن جمعه تا جمعه دیگر باریده شد، پس مردی آمد و گفت: ای رسول خدا، خانه‌ها سرنگون و راهها خراب و بریده شد و گله‌ها هلاک گردید، پس رسول خدا (ص) گفت: خدایا بر سرکوهها و نیزارها و شکم‌وادیها و جنگلها بباران، خدایا بر اطراف ما نه برما، پس، بلافاصله ابر از مدینه، مانند جامه‌ای که از روی ظرفی بردارند بر طرف شد، پس به مدینه نظر کردم که مَزِينٌ به هوای تابناک و اطراف آن ابر بود.

۱۷۰-باب ما يقال عند المطر و الريح

۱- ج عَنِ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا رَأَى الْمَطَرَ قَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ صَيْبًا نَافِعًا (۱) وَفِي رِوَايَةٍ: اللَّهُمَّ صَيْبًا نَافِعًا (۲).

یعنی، از عایشه روایت شده که رسول خدا (ص) هرگاه بارانی را میدید، میگفت: خدایا ریزش نافع عطا کن (و آن را سودمند گردان).

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثِ اسْتِسْقَاءِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: فَجَاءَ أَوْلِيكَ التَّفَرُّ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَكْفَّ عَنَّا السَّمَاءَ فَقَدْ كِدْنَا أَنْ نَغْرَقَ، فَاجْتَمَعَ النَّاسُ فَدَعَا النَّبِيُّ (ص) فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَسْمِعْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنَّ كُلَّ مَا تَقُولُ لَيْسَ نَسْمَعُ، فَقَالَ: قُولُوا اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَ لِأَعْلَيْنَا، اللَّهُمَّ صَيْبًا فِي بَطُونِ الْأَوْدِيَةِ، وَ نَبَاتِ الشَّجَرِ، وَ حَيْثُ يَرَعَى أَهْلُ الْوَبْرِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَحْمَةً وَ لَا تَجْعَلْهَا عَذَابًا (۳).

یعنی، از حضرت صادق (ع) در حدیث استسقاء رسول خدا (ص) روایت شده که آن مردمیکه درخواست استسقاء از رسول خدا (ص) کرده بودند،

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۶.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۶.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۶۹.

آمدند و گفتند: یا رسول الله خدا را بخوان که باران آسمان را از ما بازدارد که نزدیک است ما غرق شویم، پس مردم جمع شدند، و رسول خدا (ص) دعا کرد، مردی گفت: یا رسول الله به ما بشنوان، زیرا تمام گفتار تو را ما نمی شنویم، پس حضرت فرمود: بخدایا به اطراف ما نه بر ما خدایا باران را رحمت قرار ده و آنرا عذاب قرار مده.

۳- ج عن زید بن خالد الجهني قال: صلى لنا رسول الله (ص) صلاة الصبح بالحديبية على أثر سماء كانت من الليل، فلما انصرف النبي (ص) أقبل على الناس فقال: هل تدرون ماذا قال ربكم؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال قال: أصبح من عبادي مؤمن بي وكافر، فأما من قال: مطرنا بفضل الله ورحمته فذلك مؤمن بي وكافر بالكواكب، وأما من قال بنوء كذا وكذا فذلك كافر بي مؤمن بالكواكب (۱).

یعنی، زید بن خالد جهنی گوید: رسول خدا (ص) نماز صبح را در حدیبیه برای ما خواند در عقب بارانی از شب بود، پس چون از نماز فارغ شد روبه مردم کرد و گفت: آیا می دانید پروردگار شما چه گفت؟ گفتند: خدا و رسول او داناتر است، گفت: خدایتعالی فرموده: بعضی از بندگانش مؤمن و بعضی دیگر کافر به من می باشند، اما آنکه بگوید باران داده شدیم بفضل خدا و رحمت او، پس او مؤمن به من است و کافر به ستارگان، و اما آنکه بگوید ببرکت فلان ستاره، پس او کافر به من و مؤمن به کواکب است.

۴- ج عن عائشة قالت: كان النبي (ص) إذا عصفت الريح قال: اللهم اني أسألك خيرها وخير ما فيها وخير ما أرسلت به، وأعوذ بك من شرها وشر ما فيها وشر ما أرسلت به، قالت: وإذا تخيلت السماء تغير لونه وخرج ودخل وأقبل وأدبر، فإذا أمطرت سري عنه، فعرفت ذلك في وجهه فسألته فقال: لعله يا عائشة كما قال قوم عاد فلما رأوه عارضا مستقبلا أوديتهم قالوا: هذا عارض ممطرنا (۲).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۷ و ۳۱۸.

یعنی، روایت شده از عایشه که گفت: چون باد میوزید رسول خدا (ص) میگفت: خدایا از توخیر آن و خیر آنچه در آن و خیر آنچه بآن ارسالی کنی می‌خواهم، و از شر آن و شر آنچه در آن و شر آنچه بآن ارسال داری، به تو پناه می‌برم. و گفت: چون آسمان ابری می‌شد و نمی‌بارید، رنگ حضرت تغییر میکرد و خارج و داخل میشد، و میرفت و برمیگشت، پس چون می‌بارید، غصه و برطرف می‌شد، من در صورت او این را می‌شناختم و سؤال کردم؟ فرمود: ای عایشه شاید این مانند آن باشد که در قصه عاد (در سوره احقاف آیه ۲۴) فرموده: «فَلَمَّا رَأَوْهُ غَارُوا» یعنی چون ابری را دیدند گفتند: این ابری است آمده ببارد، ولی برای آنان بلا شد.

۱۷۱- باب التبرک بالمطر

ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: أَصَابَنَا وَنَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَطْرًا، قَالَ: فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ ثَوْبَهُ حَتَّى أَصَابَهُ الْمَطَرُ، فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ صَنَعْتَ هَذَا؟ قَالَ: لِأَنَّهُ حَدِيثٌ عَاهِدٍ بِرَبِّهِ تَعَالَى (۱).
یعنی، از انس روایت آمده که گفت: ما با رسول خدا (ص) بودیم، بارانی ما را گرفت، (انس گوید:) پس رسول خدا (ص) جامه خود را باز کرد (و قسمتی از بدن شریف خود را برهنه نمود) تا به آن بارانی برسد، پس گفتیم: یا رسول الله برای چه این کار کردی؟ فرمود: برای آنکه جدید العهد بپروردگار بود (یعنی برکتی است از خدای تعالی).

ابواب صلاة الضحی

~~~~~

### ۱۷۲- باب وقت صلاة الضحی

ج ۱- عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ (رض) أَنَّهُ رَأَى قَوْمًا يُصَلُّونَ مِنَ الضُّحَى

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۱۸

فَقَالَ: أَمَا لَقَدْ عَلِمُوا أَنَّ الصَّلَاةَ فِي غَيْرِ هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلُ، إِنْ رَسُوهُ اللَّهُ (ص) قَالَ: صَلَاةُ الْوَأَيِّبِينَ حِينَ تَرْمَضُ الْفِطْلُ (۱).

یعنی، از زید بن ارقم روایت شده که او و قومی را دید که مشغول خواندن نماز ضحی (یعنی نماز وقت چاشت) بودند (ولی در وقت آن تعجیل کرده بهنگام روشنائی خورشید میخواندند) پس گفت: آیا ندانستند که نماز در غیر این ساعت افضل است، همانا رسول خدا (ص) فرمود: نماز اَوَّابِینَ (کسانی که به خدا پناه برده، توبه می‌کنند) هنگامی است که گرمای ریگزار اولاد شتر را آزرده می‌کند.

(بدانکه چنانکه در ابواب مواقیب ذکر شد نماز خواندن بهنگام طلوع خورشید و پس از آن تا لحظات ودقایقی مکروه است، ولی در وقتی که خورشید باندازه یک پادونیزه بلند شود و بالا بیاید، میتوان نماز نافله و غیر آن خواند و مستحب است نماز ضحی بجا آورد، اما افضل آنست که چنانچه در حدیث فوق ذکر شده صبر کند تا هنگامی که خورشید بالاتر رفته و هوا گرم شود).

### ۱۷۳- باب عدد صلاة الضحی

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَوْصَانِي خَلِيلِي (ع) بِثَلَاثٍ: بِصِيَامِ ثَلَاثِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَرُكْعَتِي الضُّحَى، وَأَنْ أُوتِرَ قَبْلَ أَنْ أَنَامَ (۲).

یعنی، از ابی هریره روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: خلیل من (ع) مرا به سه چیز وصیت نموده: روزه سه روز از هر ماهی، و خواندن دو رکعت نماز ضحی و اینکه قبل از خواب نماز وتر بجا آورم.

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُصَلِّي الضُّحَى أَرْبَعًا وَيزِيدُ مَا شَاءَ اللَّهُ (۳).

یعنی، از عایشه روایت شده که رسول خدا (ص) چهار رکعت نماز ضحی

- (۱) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۳۲۰  
 (۲) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۳۲۰ و المصنف / ج ۳ / ص ۱۵ و ۷۴  
 (۳) التاج مع الاصول / ج ۱ / ص ۳۲۰

میخواند و آنچه خدا میخواست برچهار رکعت زیاد مینمود .

۳- ج عَنْ أُمِّ هَانِيَةَ بِنْتِ أَبِي طَالِبٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَوْمَ الْفَتْحِ صَلَّى سُبْحَةَ الضُّحَى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ يُسَلِّمُ مِنْ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ فِي رِوَايَةٍ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) دَخَلَ بَيْتَهَا يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ، فَأَغْتَسَلَ وَصَلَّى ثَمَانِ رَكَعَاتٍ (۱). (این روایت با کمی اختلاف در کتاب وسائل نیز ذکر شده (۲))

یعنی، از ام‌هانی دختر ابی‌طالب روایت شده که رسول‌خدا (ص) روز فتح مکه نافله‌ضحی را هشت رکعت خواند که در هر دو رکعت سلام می‌داد و در روایت دیگر آمده که: رسول‌خدا (ص) روز فتح مکه وارد خانه او شد پس غسل کرد و هشت رکعت نماز خواند .

۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى الضُّحَى ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكَعَةً بَنَى اللَّهُ لَهُ قَصْرًا مِنْ ذَهَبٍ فِي الْجَنَّةِ (۳).

یعنی، رسول‌خدا (ص) فرمود: هر کس نماز چاشت را دوازده رکعت بخواند خدا برای او در بهشت قصری از طلا بنا کند .

## ۱۷۴- باب فضل صلاة الضحی و حکمها

۱- ج عَنْ أَبِي ذَرٍّ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يُصْبِحُ عَلَيَّ كُلِّ سَلَامِي مِنْ أَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ، فَكُلُّ تَسْبِيحٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَحْمِيدَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَهْلِيلَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ، وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ، وَنَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ، وَ يَجْزِيُ مِنْ ذَلِكَ رَكَعَتَانِ يَرُكَعُهُمَا مِنَ الضُّحَى (۴).

یعنی، از ابی‌ذر روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود: بر هر یک از اعضاء و مفاصل شما صدقه‌ای بر شماست که بدهید: پس هر تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر و امر به معروف و نهی از منکر صدقه‌ای می‌باشد، و از همه اینها کفایت میکند دو رکعت نمازی که بهنگام چاشت خوانده می‌شود (مؤلف گوید: این درجائی است که امر به معروف و نهی از منکر واجب نباشد).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۱ و المصنف / ج ۳ / ص ۷۶ و ۷۷ .

(\*) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۱۶۹ .

(۲) سنن ابن‌ماجه / ج ۱ / ص ۴۳۹ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۱ .

۲- ج قال النبی (ص): یصبح علی کل سلامی من ابن آدم صدقة تسلیمه علی من لقی صدقة، و امره بالمعروف صدقة، و نهیه عن المنکر صدقة، و إماطة الأذی عن الطریق صدقة، و بضعه أهله صدقة و یجزئ من ذلک کلہ رکعتان من الضحی (۱)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: برهریک از اعضاء و مفاصل پسر آدم صدقه ای است که باید بدهد: سلام کردن او بر کسیکه ملاقات کند صدقه است، و امر او به معروف صدقه است، و نهی او از منکر صدقه است، برطرف کردن آسیب و مانع از سررراه صدقه است، و آمدن نزد اهل خود صدقه است، و کفایت می کند از همه اینها، خواندن دو رکعت نماز بهنگام چاشت.

۳- ج عن نعیم بن همار قال: سمعت النبی (ص) یقول: قال الله عزوجل: یا ابن آدم لاتعجزنی من أربع رکعات فی أول نهارک أکفک آخره (۲)

یعنی، روایت شده از نعیم بن همار که گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که میفرمود: بخدای عزوجل فرموده: ای پسر آدم مرا فراموش نکن از خواندن چهار رکعت در اول روزت تا من کفایت امورت کنم در آخر آن. قال النبی (ص): من قعد فی مصلاه حین ینصرف من صلاة الصبح حتی یسبح رکعتی الضحی لأیقول إلا خیرا غفر له خطایه (۳).  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بنشیند در مصلای خود بهنگام انصراف از نماز صبح تا زمانی که دو رکعت نافله ضحی را بجا آورد، و چیزی جز خیر نگوید گناها ن (صغیره) او آمرزیده شود.

۵- ج قال النبی (ص): من صلی الغداة فی جماعة، ثم قعد یدکر الله حتی تطلع الشمس، ثم صلی رکعتین کانت له کاجر حجة و عمره تامه تامه تامه (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس نماز صبح را در جماعت بخواند،

- (۱) التاج المع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۱  
(۲) التاج المع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۱  
(۳) التاج المع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۲  
(۴) التاج المع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۲

سپس بنشینند بذكر خدا تا طلوع خورشید سپس دو رکعت بخواند برای او اجری است مانند اجر یک حج و یک عمره تام تمام .

۶- ج عَنْ أَبِي أُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا إِلَى صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْحَاجِّ الْمُحْرِمِ، وَمَنْ خَرَجَ إِلَى تَسْبِيحِ الضُّحَى لِيُنْصَبَهُ إِلَّا إِيَّاهُ فَأَجْرُهُ كَأَجْرِ الْمُعْتَمِرِ، وَصَلَاةٌ عَلَى إِثْرِ صَلَاةٍ لَالِغُوا بَيْنَهُمَا كِتَابٌ فِي عِلِّيِّينَ (۱)

یعنی، ابی امامه روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه با طهارت از خانه خود به سوی نماز واجبی خارج شود، پس اجرا مانند اجر حج کننده محرمی است و کسیکه به سوی تسبیح ضحی بیرون رود که اقامه نکند جز آنرا پس اجر او مانند اجر کسی است که عمره بجا آورد، و نماز در عقب نماز که کار لغوی بین آنها نباشد نوشته ای است از نوشته های عالی .

مؤلف گوید: احادیث دیگری نیز در فضیلت نماز ضحی وارد شده، که متن بعضی از این اخبار سست می باشد، و در کتاب وسائل وارد شده که رسول خدا (ص) فرمود: صَلَاةُ الضُّحَى بِدَعَاةٍ (۲) یعنی، نماز ضحی بدعت است. و بنا بر این شیعه امامیه آنرا قبول ندارد. ولی باید گفت کثرت احادیث وارده در اثبات این نماز، استحباب آنرا میرساند. و در کتاب مستدرک الوسائل آمده که حضرت علی (ع) کسانی را دید که این نماز را بهنگام طلوع خورشید میخواندند، و ایشان را مذمت نمود که چرا جلوتر از وقت آن میخوانند، اما خواندن این نماز را مشروع ندانست، بلکه از آن تمجید نمود (۳). و بعلاوه در زمان رسول خدا (ص) بدعتها آنقدر رواج نداشته که آنحضرت چنان چیزی فرموده باشد. و بعد است که آنحضرت چنان فرموده باشد.

۷- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَمْلِكِي الضُّحَى، حَتَّى نَقُولَ لِأَيْدِعُ وَ يَدْعُهَا حَتَّى نَقُولَ لِأَيْمَلِي (۴).  
یعنی، از ابی سعید خدری روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) گاهی

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۲
- (۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۷۵
- (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۷۹
- (۴) صحیح الترمذی / ج ۲ / ص ۲۵۸

بقدری بر نماز ضحی مداومت مینمود که ما می‌گفتیم آنرا ترک نمی‌کند و گاهی آنرا ترک می‌کرد باندازه ای که ما می‌گفتیم آن را نمی‌خواند .  
 ۸- ج قال النبی (ص) : مَنْ حَافَظَ عَلَيَّ شُفَعَةَ الضُّحَى غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بر نماز ضحی محافظت داشته باشد گناهاش آمرزیده شود و اگر چه مانند کف روی دریا باشد (منظور گناهان صغیره است چنانکه خدا می‌فرماید: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَفَرْنَا عَنْكُمْ سَيِّئًا تَكْم»<sup>(۲)</sup>). اگر از گناهان بزرگ دوری کنید، ناپسندیهای کوچکتان را در گذریم. و رسول خدا (ص) فرمود: «أَلْبَلَوَاتُ الْخَمْسِ وَالْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ كَفَّارَاتٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا لَمْ تَغْشَ الْكَبَائِرُ»<sup>(۳)</sup>. نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه کفاره گناهان ما بین آنها می‌باشد در صورتیکه گناهان بزرگ را مرتکب نشده باشد».

### ۱۷۵- باب سنة الزوال

۱- ج عن أبي أيوب عن النبي (ص) قال: أَرَبَعٌ قَبْلَ الظُّهْرِ لَيْسَ فِيهِنَّ تَسْلِيمٌ تَفْتَحُ لَهُنَّ أَبْوَابُ السَّمَاءِ<sup>(۴)</sup>

یعنی، از ابوایوب از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: چهار رکعت پیش از ظهر که در آنها سلام نباشد برای آنها درهای آسمان باز گردد. (چنانکه عدّه‌ای از فقهاء قائلند، این چهار رکعت پس از زوال خورشید، به نیت سنت زوال انجام می‌شود، و غیر از نافله نماز ظهر است).

۲- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّي أَرْبَعًا بَعْدَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ قَبْلَ الظُّهْرِ وَ قَالَ: إِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ أَحَبُّ أَنْ يَصْعَدَ لِي فِيهَا عَمَلٌ صَالِحٌ<sup>(۵)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) پس از زوال خورشید قبل از ظهر چهار رکعت نماز

- 
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۲ .  
 (۲) قرآن / سوره نساء / آیه ۳۱ .  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۳۵ .  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۲ و ۳۲۳ .  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۳ .

میخواند، و فرمود: این ساعتی است که در آن درهای آسمان باز شود و دوست دارم برای من در این ساعت عمل صالحی باشد.

## ابواب صلاة الليل

♦ ♦ ♦ ♦ ♦

### ۱۷۶-باب فضل صلاة الليل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۱)  
 وَ قَالَ: وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ... الَّذِينَ يَبِيتُونَ لِربِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (۲)  
 وَ قَالَ: إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَ ثُلُثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ (۳)  
 وَ قَالَ: إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۴)  
 وَ قَالَ: أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ... (۵)  
 وَ قَالَ: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۶)

۱- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبَهُ، هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ سُؤْلَهُ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأُغْفِرَ لَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ (۷)

- (۱) قرآن / سورة إسرائ / آية ۷۹.  
 (۲) قرآن / سورة فرقان / آية ۶۳ و ۶۴.  
 (۳) قرآن / سورة مزمل / آية ۲۰.  
 (۴) قرآن / سورة سجده / آيات ۱۵ و ۱۶.  
 (۵) قرآن / سورة زمر / آية ۹.  
 (۶) قرآن / سورة ذاریات / آيات ۱۵ تا ۱۸.  
 (۷) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۱۱۸.



یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون آخر شب گردد خدای سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى می‌فرماید: آیا خواننده‌ای هست که او را اجابت کنم، آیا سائلی هست که سؤالش را اعطا کنم، آیا آمرزش خواهی هست که او را بیا مرزم آیا توبه‌کننده‌ای هست که بپذیرم. و بهمین مضمون در کتاب تاج نیز وارده شده (۱)

۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً لَأَيُّوا فِقْهَا رَجُلٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ وَ ذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ (۲).

یعنی، ابوهریره روایت کرده که پیغمبر (ص) فرمود: در شب ساعتی است که مرد مسلمانی که خیر از امر دنیا و آخرت را سؤال کند آنرا درک نکند مگر آنکه خدا آنرا به او عطا کند و این در هر شب است. و بهمین مضمون در کتاب وسائل نیز وارد شده (۳)

۳- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَفْضَلُ الصَّيَامِ بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ (۴).  
یعنی، ابوهریره از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: بهترین نماز پس از نماز روزه پس از رمضان روزه ماه محرم است و بهترین نماز پس از نماز واجب، نماز شب است.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر چشمی گریان است، در روز قیامت، مگر سه چشم: چشمی که از ترس خدا گریه کند و چشمی که از محرمات الهی بی‌پوشد و برهم بگذارد، و چشمی که در راه خدا شب بیدار ماند.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۳ و ۳۲۴.  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۴.  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۱۱۸.  
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۴.  
(۵) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۱۱۲۳.

فَاَحْفَظْهَا ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنِّهِ (إِلَى أَنْ قَالَ): وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ  
وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) به علی فرمود: ای علی تو را به خصلتها فی سفارش  
می‌کنم آنهارا حفظ کن، سپس گفت: بخدایا او را یاری کن تا آنجا  
که فرمود: برتوباد به نماز شب، برتوباد به نماز شب، برتوباد  
به نماز شب.

۵- ج عَنْ أَبِي أُمَامَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: عَلَيْكُمْ بِقِيَامِ اللَّيْلِ  
فَإِنَّهُ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَهُوَ قُرْبَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَمَكْفَرَةٌ لِلْسَّيِّئَاتِ  
وَمَنْهَاةٌ لِلْإِثْمِ، وَمَطْرَدَةٌ لِلدَّاءِ عَنِ الْجَسَدِ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از ابی‌امامه روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: بر شما باد  
به قیام شب زیرا که عادت شایستگان قبل از شما بوده، و آن موجب  
تقرب شماست به پروردگارتان، و موجب برطرف شدن گناهان و سبب  
خودداری از گناه، و موجب بیرون راندن درد است از جسد.

مقداری از این حدیث در کتاب وسائل نیز آمده است<sup>(۳)</sup>  
۶- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ  
اللَّيْلِ<sup>(۴)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اشراف اُمت من حامله قرآن و عبادت‌کنندگان  
شب می‌باشند.

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ النَّبِيُّ (ص) لَجِبْرِئِيلَ: عِظْنِي،  
فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، وَ أَحِبِّ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ  
مُفَارِقٌ، وَ اَعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ، وَ اَعْلَمْ أَنَّ شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ  
بِاللَّيْلِ، وَ عِزَّهُ كَفَّهُ عَنِ أَعْرَاضِ النَّاسِ<sup>(۵)</sup>.

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که: رسول خدا (ص) به جبرئیل  
گفت: مرا موعظه کن، گفت: یا محمد زندگی کن هرچه خواهی که تو

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۶۸ و ۲۷۷ و ۲۸۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۶

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۱

(۴) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۸۲۶ و ج ۵ / ص ۲۷۵

(۵) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۶۹ و ۲۷۳

خواهی مرد، وهرچه را خواهی دوست بدار که تو از آن مفارقت خواهی کرد، وهر عملی که خواهی بکن که آنرا ملاقات خواهی نمود، وبدان که شرف مؤمن نماز اوست در شب، و عزتتش خودداری از اعراض مردم است.

۸- ش **عَنِ الصَّادِقِ (ع) فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ، أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثَ فَرَحاتٍ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: مِنْهَا التَّهَجُّدُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ، يَا عَلِيُّ ثَلَاثَ كَفَّارَاتٍ مِنْهَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ (۱).**

یعنی، حضرت صادق روایت کرده که در وصیت رسول خدا (ص) به علی این بود که فرمود: یا علی سه خوشحالی برای مؤمن است در دنیا از جمله نماز شب خواندن در آخر شب است، یا علی سه چیز کفاره گناهان است از جمله، نافله شب است در حالیکه مردم خوابند.

۹- ش **قَالَ النَّبِيُّ (ص) عِنْدَ مَوْتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ: يَا أَبَا ذَرٍّ، أَحْفَظْ وَصِيَّةَ نَبِيِّكَ تَنْفَعَكَ، مَنْ حُتِمَ لَهُ بِقِيَامِ اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ (۲).**

یعنی، رسول خدا (ص) نزد وفاتش فرمود: ای اباذر سفارش پیامبر را حفظ کن تو را بهره دهد؛ کسیکه عمرش تمام شود با نماز شب، سپس بمیرد برای او بهشت است.

۱۰- ش **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا زَالَ جِبْرِئِيلُ يُوصِينِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَنَا مَوْأَبًا (۳).**

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همواره جبرئیل مرا به قیام شب سفارش نمود تا آنکه گمان کردم که خوبان امتم هرگز نخواهند.

۱۱- ج **قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَعْقُدُ الشَّيْطَانُ عَلَيَّ قَائِفِيَةً رَأْسَ أَحَدِكُمْ إِذَا هُوَ نَامَ ثَلَاثَ عَقَدٍ يَضْرِبُ كُلَّ عَقْدَةٍ عَلَيْكَ لَيْلٌ طَوِيلٌ فَأَرْقُدْ، فَإِنْ اسْتَيْقَظَ فَذَكَرَ اللَّهَ انْحَلَّتْ عَقْدَةٌ، فَإِنْ تَوَضَّأَ انْحَلَّتْ عَقْدَةٌ، فَإِنْ صَلَّى انْحَلَّتْ عَقْدَةٌ فَأَصْبَحَ نَشِيطًا طَيِّبَ النَّفْسِ، وَإِلَّا أَصْبَحَ خَبِيثَ النَّفْسِ كَسَلَانَ (۴).**

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: شیطان بر قفای سر شما چون یکی از شما

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۳  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۴  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۴  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۴

بخواهد سه گره می‌زند، هر گره‌ی که می‌زند بر ضررتو است در شب طولانی، پس می‌خوابد، پس اگر بیدار شود و ذکر خدا گوید گره‌ی باز شود و اگر وضو گرفت گره‌ی باز شود و اگر نماز خواند گره‌های او باز شده، پس صبح را با حال نشاط است، و جان پاک، و گرنه صبح کند خبث النفس و کسل.

۱۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: ذُكِرَ عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) رَجُلٌ فَقِيلَ: مَا زَالَ نَائِمًا حَتَّى أَصْبَحَ مَا قَامَ إِلَيَّ الصَّلَاةِ فَقَالَ: بِأَلِ الشَّيْطَانِ فِي أُذُنِهِ! (۱)

یعنی، عبدالله نقل کرده که مردی نامش نزد رسول خدا (ص) ذکر شد و گفته شد: همواره خواب است تا صبح گردید و به نماز برخاست، حضرت فرمود: شیطان در گوشش بول نمود.

۱۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فَمَنْ رُزِقَ صَلَاةَ اللَّيْلِ مِنْ عَبْدِ أَوْ أُمِّ قَامَ لِلَّهِ مُخْلِصًا فَتَوَّضَا وَضُوءًا سَائِغًا وَصَلَّى لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِنَيْسَبِ مَادِقَةٍ وَ قَلْبِ سَلِيمٍ وَ بَدَنٍ خَاشِعٍ وَعَيْنَيْنِ دَائِمَتَيْنِ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْفَهُ تِسْعَةَ صُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فِي كُلِّ صَفٍّ مَا لَا يَحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ أَحَدُ طَرَفِي كُلِّ صَفٍّ بِالْمَشْرِقِ وَ الْآخَرُ بِالْمَغْرِبِ قَالَ: فَإِذَا فَرَغَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٍ! (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس از مرد وزن که موفق به نماز شب گردد و خالصاً برای خدا برخیزد، پس وضو گیرد وضوی شادابی و برای خدای عزوجل بانیّت راستی و دل سالمی و بدن خاشعی و چشم گریانی نماز گذارد خدایتعالی پشت سر او هفت صف از ملائکه را قرار دهد در هر صفی عددی که شماره آنرا کسی جز خدا نمی‌داند، یکطرف آن صف در مشرق و دیگری در مغرب، و چون فارغ شود از نماز، خدای عزوجل برای او بعد از آن فرشتگان درجاتی مقرر گرداند.

۱۴- ج عَنِ الْمَغِيرَةِ، قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى انْتَفَخَتْ قَدَمَاهُ فَقِيلَ لَهُ: تَتَكَلَّفُ هَذَا وَ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۴.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۵.

مَا تَأَخَّرَ، فَقَالَ: أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، از مغیره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) نماز خوانندگانتا آن اندازه که دو قدم او بیاد کرد، بها و گفته شد: خود را به زحمت افکنده ای در حالیکه گناهان متقدم و متأخرت آمرزیده شد؟ فرمود: آیا بنده شکرگذار نیاشم.

۱۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ، وَ الصَّلَاةِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا<sup>(۲)</sup>! وَقَالَ: الرَّكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا<sup>(۳)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدای عزوجل ابراهیم را دوست خود نگرفت مگر برای آنکه ابراهیم اطعام طعام مینمود و در شب هنگامیکه مردم خواب بودند نماز میخواند. و رسول خدا فرمود: دورکعت در جوف شب نزد من بهتر است از دنیا و آنچه در آن است.

۱۶- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) اسْتَيْقَظَ لَيْلَةً فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ مَاذَا أَنْزَلَ اللَّيْلَةَ مِنَ الْفِتَنِ؟ مَاذَا أَنْزَلَ مِنَ الْخَزَائِنِ؟ مَنْ يُوقِظُ صَوَاحِبَ الْحَجَرَاتِ؟ يَا رَبِّ كَأْسِيَةٍ فِي الدُّنْيَا غَارِيْفَةٍ فِي الْآخِرَةِ<sup>(۴)</sup>!

یعنی، ام سلمه روایت کرده که رسول خدا (ص) شبی از خواب بیدار شد، وگفت: منزّه است خدا این شب چه قدر فتنه ها نازل شده؟ چه گنجینه ها نازل شده؟ کیست که صاحب این حجرات را بیدار کند؟ چه بسا زنی که در دنیا پوشش دارد و در آخرت برهنه است.

۱۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنَ لَذِيذِ مَضْجَعِهِ وَ النَّعَاسِ فِي عَيْنِهِ لِيُرْضِيَ رَبَّهُ بِصَلَاةٍ لَيْلِيَةٍ بِهَا هِيَ اللَّهُ بِه الْمَلَائِكَةُ وَ قَالَ: أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنْ لَذِيذِ مَضْجَعِهِ لِصَلَاةٍ لَمْ أَفْرُضْهَا عَلَيْهِ أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ<sup>(۵)</sup>! وَ قَالَ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَصَلِّي بِاللَّيْلِ وَ يَجُوعُ بِالنَّهَارِ<sup>(۶)</sup>! وَ قَالَ: إِنَّ الْبَيْوتَ الَّتِي تَصَلِّي فِيهَا

- (۱) التاج المع للافول / ج ۱ / ص ۳۲۵، والمصنف / ج ۳ / ص ۵۰.  
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۲۷۶.  
 (۳) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۲۷۶.  
 (۴) التاج المع للافول / ج ۱ / ص ۳۲۵.  
 (۵) و (۶) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۲۷۷.

بِاللَّيْلِ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ تُضِيُّ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيُّ نَجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون بنده از خوشی خوابگاهش برخیزد درحالیکه دو چشم او خواب است، برای اینکه پروردگار خود را بنمازش خوشنود کند، خدایتعالی با ملائکه بها و میاهات کند و فرماید: آیا نمی بینید این بنده مرا که از لذت خوابگاهش برخاسته برای نمازی که براو واجب نکرده ام، گواه باشید که من او را آمرزیدم. و رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه گمان کند شب نماز میخواند و روز گرسنه میماند، دروغ خیال نموده است. و رسول خدا (ص) فرمود: خانه هائی که شب در آنها نماز با تلاوت قرآن انجام میشود روشنی میدهد برای اهل آسمان چنانکه ستارگان برای اهل زمین روشنی می دهند.

۱۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى بِاللَّيْلِ حَسَنًا وَجَهَّهَهُ بِالنَّهَارِ (۲). وَقَالَ (ص): مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُومُ مِنَ اللَّيْلِ فَيَمْلِكِي رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو فِي سُجُودِهِ لِأَرْبَعِينَ مِنْ إِخْوَانِهِ يُسَمِّيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ إِلَّا وَكَلَّمَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در شب نماز بخواند صورت او در روز نیکو است. و فرمود: بنده ای نیست که شب برخیزد و دو رکعت نماز بخواند و در سجودش برای چهل نفر از برادرانش دعا کند که آنان را بنام خودش نام پدرانشان نام ببرد مگر آنکه از خدا چیزی را سؤال نکرده باشد که به او عطا نکند.

۱۹- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: أَحَبُّ الصَّلَاةِ إِلَى اللَّهِ صَلَاةُ دَاوُدَ (ع) وَأَحَبُّ الصِّيَامِ إِلَى اللَّهِ صِيَامُ دَاوُدَ، وَكَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَ يَقُومُ ثُلُثَهُ، وَيَنَامُ سُدُسَهُ، وَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفِطِرُ يَوْمًا (۴). وَعَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: التَّهَجُّدُ هُوَ نُورٌ تَنُورُ بِهِ بَيْتُكَ (۵).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۷.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۷۰.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۸۱.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۵ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۹۵.

(۵) مسند الامام زید / ص ۱۳۳.

یعنی، عبد الله بن عمرو روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: بهترین نماز پیش خدا نماز داؤد (ع) و بهترین روزه ها نزد خدا روزه داود است، او نیمه اول شب را میخوابید و ثلث آخر شب را قیام میکرد، و سپس یک ششم (آخر شب هم) میخوابید، و روزی روزه میگرفت و روزی افطار مینمود.

۲۰- ج عن علي (رض) أن رسول الله (ص) طرّفه وفاطمة ليلته، فقال: ألا تمليان، فقلت: يا رسول الله أنفسنا بيد الله، فإذا شاء أن يبعثنا ببعثنا، فأنصرف حين قلت ذلك ولم يرجع إلي شيئاً ثم سمعته وهو مول يضرب فخذَهُ و يقول: وكان الإنسان أكثر شئٍ جدلاً! (۱)

یعنی، از علی روایت شده که رسول خدا (ص) شبی برا او وفاطمه وارد شد و فرمود: آیا نماز نمیخوانید؟ گفتم: یا رسول الله جان ما به دست خداست، اگر بخواهد ما را بیدار کند میشویم، پس رسول خدا (ص) چون من این گفتار را گفتم برگشت و به من چیزی نگفت، سپس در حالی که پشت کرده بود به زانو میزد و میفرمود: انسان جدلش از هر چیزی بیشتر است.

۲۱- ج قال النبي (ص): إذا أيقظ الرجل أهله من الليل فملياً جميعاً كتباً في الذكرين والذكريات (۲). وقال (ص): رحم الله رجلاً قام من الليل فصلى وأيقظ امرأته، فإن أبت نضح في وجهها الماء، رحم الله امرأة قامت من الليل فصلت وأيقظت زوجها، فإن أبت نضحت في وجه الماء (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون مرد همسرش را شبانه بیدار کند و هر دو نماز بخوانند در جمله ذکر کنندگان نوشته شوند. و فرمود: خدا رحمت کند مردی را که شب از خواب برخیزد و زنش را بیدار کند و اگر خودداری کرد آب در صورت او بپاشد، خدا رحمت کند زنی را که شب برخیزد و نماز بخواند و شوهرش را بیدار کند و اگر

(۱) التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۵.

(۲) التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۵.

(۳) التاج الجا مع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۶.

بیدار نشد در صورتش آب بپاشد .

## ۱۷۷- باب عدد صلاة اللیل و کیفیتها

۱- ج قال النبی (ص): إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَفْتَحْ صَلَاتَهُ بِرَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما شبانه برخیزد، باید نماز خود را ابتدا کند به دو رکعت مختصر و کوتاه .

۲- ج قال النبی (ص): صَلَاةُ اللَّيْلِ مَثْنَى مَثْنَى فَإِذَا خَفَسَتِ الصُّبْحَ فَأَوْتِرْ بِوَاحِدَةٍ (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: الصَّلَاةُ مَثْنَى مَثْنَى تَشْهَدُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ تَخْشَعُ وَ تَضَرَّعُ وَ تَمْسُكُنْ وَ تُفْنِعُ يَدَيْكَ - يَقُولُ تَرَفَعَهُمَا - إِلَى رَبِّكَ مُسْتَقْبِلًا بِبُطُونِهِمَا وَجْهَكَ وَ تَقُولُ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَهِيَ خِدَا ج (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نماز شب دو رکعت، دو رکعت است، پس هرگاه ترس و ورود صبح را داشتی یک رکعت وتر را بخوان. و در روایت دیگر آنحضرت فرمود: نماز (نافله) دو رکعت دو رکعت است، شهادت می‌دهی در هر یک از دو رکعت و خشوع و تضرع و اظهار مسکنت میکنی و دستهای خود را بیاطن دو دست مقابل صورت بلند میکنی و می‌گویی: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، و آنکه بجانب او، آن نماز ناقص است .

۳- ج عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ: كَيْفَ كَانَتْ صَلَاةُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ: مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَ لَا فِي غَيْرِهِ عَنْ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكَعَةً يَمْلَأُ أَرْبَعًا، فَلَاتَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَ طَوْلِهِنَّ ثُمَّ يَصَلِّي أَرْبَعًا فَلَاتَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَ طَوْلِهِنَّ، ثُمَّ يَمْلَأُ ثَلَاثًا، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَنَا مَقْبَلٌ أَنْ تَوْتِرَ؟ فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ إِنَّ عَيْنِي تَنَا مَا نِي وَ لَا يَنَا مَقْلِبِي (۴).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۶ و المصنف / ج ۲ / ص ۰۷۷  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۶ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۲۸  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۰۱۹۸  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۰۳۸



یعنی، اَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ سَوَّال کرده از عایشه که نماز رسول خدا (ص) در ماه رمضان چگونه بود؟ عایشه گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان و غیر رمضان بریاً زده رکعت چیزی افزوده نمی‌کرد، که چهار رکعت را (بایک سلام) میخواند که مپرس چقدر آنها را خوب و طولانی بجا می‌آورد، سپس چهار رکعت دیگر میخواند که از خوبی آنها و طول آنها سَوَّال مکن، سپس سه رکعت نماز میخواند، من گفتم: ای رسول خدا، آیا قبل از آنکه نماز وتر بخوانی میخوابی؟ فرمود: ای عایشه حَقًّا دُوْجُمٍ مِّنْ مِّخْوَابِنْدٍ وَ لِي دَلِمٌ نَمِي خَوَابِدٍ .

۴- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُومُ بِاللَّيْلِ وَ يَرْكَعُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ عَلَى قَدَرٍ قَرَأْتَهُ رُكُوعَهُ، وَ سَجُودَهُ عَلَى قَدَرٍ رُكُوعِهِ، وَيَرْكَعُ حَتَّى يُقَالَ مَتَى يَرْفَعُ رَأْسَهُ، وَ يَسْجُدُ حَتَّى يُقَالَ مَتَى يَرْفَعُ رَأْسَهُ (۱)!

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) شب برای نماز می‌ایستاد و چهار رکعت میخواند و بقدر قرائت او و بسود رکوع او، و سجود او و بقدر رکوعش بود، و آنقدر در رکوع میماند تا آنکه گفته می‌شد کی سر بلند می‌کند و در سجود آنقدر میماند تا آنکه گفته می‌شد کی سر برمی‌دارد.

۵- جوش عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً، مِنْهَا الْوُتْرُ وَ رُكْعَتَا الْفَجْرِ (۲)!

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در قسمتی از شب ۱۳ رکعت نماز میخواند که از جمله آنها بود (یک رکعت) نماز وتر و دو رکعت (نافله) فجر. (طبق این روایت نماز شب ده رکعت میشود که با وتر و نافله فجر، آنحضرت سیزده رکعت نماز بجا می‌آورد).

۶- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً مِنَ اللَّيْلِ (۳). وَ فِي رِوَايَةٍ: فِي السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ (۴)!

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) سیزده رکعت در شب

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۹۴۸  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۷ و وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۶۷ و المصنف / ج ۳ / ص ۳۴  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۳۴  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۶۷

نماز بجای آورد. و در روایتی در سَفَر و حَضَر، چنین می‌کرد.

۷- ج سَأَلَتْ عَائِشَةُ عَنْ صَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) بِاللَّيْلِ؟ فَقَالَتْ: سَبْعٌ وَتِسْعٌ وَإِحْدَى عَشْرَةَ سِوَى رُكْعَتِي الْفَجْرِ (۱).

یعنی، از عایشه از نماز رسول خدا (ص) در شب سؤال شد؟ در جواب گفت: (گاهی) هفت رکعت، و (گاهی بحسب اقتضای وقت) نه رکعت و (گاهی) یازده رکعت، غیر از دو رکعت نافله فجر.

۸- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا سَقَطَ الشَّفَقُ صَلَّى الْعِشَاءَ، ثُمَّ آوَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى فِرَاشِهِ وَلَمْ يَصَلِّ شَيْئًا حَتَّى يَزُولَ نِصْفُ اللَّيْلِ، فَإِذَا زَالَ نِصْفُ اللَّيْلِ صَلَّى ثَمَانِي رُكْعَاتٍ، وَ أُوتِرَ فِي الرَّبْعِ الْأَخِيرِ مِنَ اللَّيْلِ بِثَلَاثِ رُكْعَاتٍ، فَقَرَأَ فِيهِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَقُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَ يَفْصَلُ بَيْنَ الثَّلَاثِ بِتَسْلِيمَةٍ وَ يَتَكَلَّمُ وَ يَأْمُرُ بِالْحَاجَةِ، وَ لَا يَخْرُجُ مِنْ صَلَاةٍ حَتَّى يَمْلِيَ الثَّلَاثَةَ الَّتِي يُوتِرُ فِيهَا، وَ يَقْنَتُ فِيهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ، ثُمَّ يَسْلِمُ وَ يَمْلِي رُكْعَتِي الْفَجْرِ قَبْلَ الْفَجْرِ وَ عِنْدَهُ وَ بَعِيدَهُ، ثُمَّ يَمْلِي رُكْعَتِي الصُّبْحِ وَ هِيَ الْفَجْرُ إِذَا اعْتَرَضَ الْفَجْرُ وَ أَضَاءَ حَسَنًا (۲).

یعنی، حضرت باقر (ع) فرمود: رسول خدا (ص) چون شفق میرفت و غایب میشد نماز عشاء را بجای آورد، سپس در فراش خود جای می‌گرفت، و نمازی نمی‌خواند تا نصف شب بگذرد، پس چون نصف شب می‌گذشت، هشت رکعت نماز می‌خواند و نماز وتر را در ربع آخر شب بجای آورد به سه رکعت، و بین این سه رکعت، یک سلام فاصله می‌انداخت، و سخن می‌گفت و حاجتی که داشت امر می‌نمود، ولی از جای نماز بر نمی‌خاست تا رکعت وتر را که رکعت سوّم باشد بیاورد، و قبل از رکوع آن قنوت می‌خواند، سپس سلام می‌گفت، و دو رکعت سنت فجر را بجای آورد، که این دو رکعت نافله فجر، قبل از فجر (و اذان صبح) و گاهی حین فجر و گاهی کمی بعد از فجر بود، سپس دو رکعت صبح را که همان فجر باشد بجای آورد هنگامی که فجر بعرض افق پهن شده و روشنایی نیکی داشت.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۷.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۴۴.

۸- ج عن زیدین خالید الجهنی (رض) أنه قال: لأرْمَقَنَّ صَلَاةَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) اللَّيْلَةَ، فَتَوَسَّدْتُ عَتَبَتَهُ أَوْ فُسْطَاطَهُ، فَصَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ، ثُمَّ صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ طَوِيلَتَيْنِ طَوِيلَتَيْنِ طَوِيلَتَيْنِ، ثُمَّ صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَهُمَا دُونَ اللَّتَيْنِ قَبْلَهُمَا، ثُمَّ صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَهُمَا دُونَ اللَّتَيْنِ قَبْلَهُمَا، ثُمَّ صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ وَهُمَا دُونَ اللَّتَيْنِ قَبْلَهُمَا، ثُمَّ أَوْتَرْتُ، فَذَلِكَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رُكْعَةً (۱)

یعنی، زیدین خالیدجہنی روایت کرده که من شبی نماز رسول خدا (ص) را ملاحظه کردم و درعتبه خانه و یاخیمه او تکیه دادم، پس او دو رکعت مختصر خواند، سپس دو رکعت طولانی طولانی طولانی خواند، سپس دو رکعتی که از دو رکعت قبل کوتاه تر بود، سپس دو رکعتی که از قبل آن کوتاه تر بود، سپس دو رکعت کوتاه تر، سپس (یکرکعت) نماز وتر خواند، پس سیزده رکعت شد.

(بدانکه در ابواب رواتب، احادیثی پیرامون نماز وتر ذکر گردید مراجعه شود، ضمناً چنانکه در کتب سنن مذکور و از احادیث استفاده می شود، در نمازهای نافله می توان در هر دو رکعت و می توان در سه یا چهار رکعت و بیشتر، به یک سلام اکتفا نمود. و بعضی گفته اند افضل آنستکه در هر دو رکعت سلام دهد، و آن را سهل تر دانسته اند.)

## ۲۸۰ باب صلاة الليل بين الجهر و الإسرار

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَا تَجْهَرُ بِمَلَاتِكَ وَلَا تَخَافُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (۲)

۱- ج عن أبي قتادة، أَنَّ النَّبِيَّ (ص) خَرَجَ لَيْلًا فَإِذَا هُوَ بِأَبِي بَكْرٍ يُصَلِّي بِخَفِضٍ مِنْ صَوْتِهِ، قَالَ وَ مَرَّ بِعُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ وَ هُوَ يُصَلِّي رَافِعًا صَوْتَهُ، قَالَ فَلَمَّا اجْتَمَعَا عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَا أَبَا بَكْرٍ

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۱/ ص ۳۲۷ و ۳۲۸. والمصنف/ ج ۳/ ص ۳۹.

(۲) قرآن /سوره اسراء / آیه : ۱۱۰.

مَرَرْتُ بِكَ وَ أَنْتَ تَطْلِي تَخْفِضُ صَوْتَكَ ، قَالَ : قَدْ أَسْمَعْتُ مَنْ نَاجَيْتُ  
يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَ قَالَ لِعُمَرَ : مَرَرْتُ بِكَ وَ أَنْتَ تَطْلِي رَافِعًا صَوْتَكَ ،  
فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْقِطِ الْوَسْطَانَ وَ أَطْرِدْ الشَّيْطَانَ ، فَقَالَ النَّبِيُّ  
(ص) : يَا أَبَا بَكْرٍ ارْفَعْ صَوْتَكَ شَيْئًا ، وَقَالَ لِعُمَرَ اخْفِضْ مِنْ صَوْتِكَ شَيْئًا (۱)!

یعنی، ابیقتاده روایت کرده که رسول خدا (ص) شبی بیرون رفت ،  
ناگاه دید ابوبکر نماز میخواند درحالیکه صدای خود را پائین  
آورده و به عمر گذشت درحالیکه نماز میخواند و صدای خود را  
بلند کرده ، گوید : چون هر دو خدمت رسول خدا (ص) آمدند ، فرمود :  
ای ابوبکر به تو گذشتم نماز میخواندی و صدای خود را پائین  
آورده بودی ، عرض کرد یا رسول الله ، به خدائیکه با او مناجات  
میکردم ، شنوایم ، و به عمر فرمود : گذشتم تو نماز میخواندی  
صدای خود را بلند کرده بودی ، عرض کرد یا رسول الله چرتی ها را  
بیدار میکنم و شیطان را طرد میکنم . پس رسول خدا (ص) بسه  
ابوبکر فرمود : مقداری صدای خود را بلندکن ، و به عمر فرمود :  
مقداری صدای خود را پائین آور .

۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَيْسٍ ، قُلْتُ لِعَاشَةَ : كَيْفَ قِرَاءَةُ النَّبِيِّ  
(ص) يَا لَلَّيْلِ أَكَانَ بَيْسًا بِالْقِرَاءَةِ أَمْ يَجْهَرُ؟ فَقَالَتْ : كُلُّ ذَلِكَ قَدْ  
كَانَ يَفْعَلُ ، رَبِّمَا أَسْرًا وَ رَبِّمَا جَهْرًا ، فَقُلْتُ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ  
فِي الْأَمْرِ سَعَةً (۲)

یعنی، عبدالله بن قیس روایت کرده که به عایشه گفتم : قرائت  
رسول خدا (ص) در شب چگونه بود ، آیا آهسته بود یا جهر؟ گفت : هر  
یکی از اینها گاهی بود ، بسا آهسته بود ، و بسا جهر ، من گفتم :  
سپاس خدای را که در این کار وسعتی قرار داده است .

## ۱۷۹- باب القراءة و الدعاء بالليل

۱- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۸ . والمصنف / ج ۲ / ص ۴۹۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۸ . والمصنف / ج ۲ / ص ۴۹۵

يَتَهَجَّدُ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ قِيمَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَ لَكَ الْحَمْدُ لَكَ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ لِقَاؤُكَ حَقٌّ، وَ قَوْلُكَ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ، وَ النَّارُ حَقٌّ وَ النَّبِيُّونَ حَقٌّ وَ مُحَمَّدٌ (ص) حَقٌّ وَ السَّاعَةُ حَقٌّ، اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْكَ أُنَبِّتُ، وَ بِكَ خَاصَمْتُ، وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ، أَنْتَ الْمَقْدَمُ وَ أَنْتَ الْمُوَخَّرُ لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَ لِأَحْوَالٍ وَ لِأَفْسُوءِ إِلَّا بِاللَّهِ (۱)

یعنی، ابن عباس گوید: رسول خدا (ص) چون بعضی از شب برمیخاست برای تهجد و خواندن نماز شب، این دعا را میخواند: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ... تا آخر.

۲- ج وَ عَنْهُ: أَنَّهُ رَقَدَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَاسْتَيْقَظَ فَتَسَوَّكَ وَ تَوَضَّأَ وَ هُوَ يَقُولُ: - إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ-. فَقَرَأَ هَهُؤُلَاءِ الْآيَاتِ حَتَّى خَتَمَ السُّورَةَ ثُمَّ قَامَ فَطَلَى رُكْعَتَيْنِ فَأُطَالَ فِيهِمَا الْقِيَامَ وَ الرَّكُوعَ وَ السُّجُودَ . وَ فِي رِوَايَةٍ: قَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَ فِي لِسَانِي نُورًا، وَ فِي سَمْعِي نُورًا، وَ فِي بَصَرِي نُورًا، وَ مِنْ قَوْفِي نُورًا، وَ مِنْ تَحْتِي نُورًا، وَ عَنِ يَمِينِي نُورًا، وَ عَنِ شِمَالِي نُورًا، وَ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا، وَ مِنْ خَلْفِي نُورًا، وَ اجْعَلْ فِي نَفْسِي نُورًا، وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا (۲)

یعنی، از ابن عباس نقل شده که نزد رسول خدا (ص) خوابیده بود، گوید: رسول خدا (ص) بیدار شد و مسواک زد و وضو گرفت، و از آیه ۱۹۰ سوره آل عمران تا آخر سوره را قرائت مینمود، سپس ایستاد و دو رکعت نماز خواند و قیام و رکوع و سجود را در آن طول داد. و در روایتی گفت: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي... تا آخر دعای مذکور.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَقْرَأُ

(۱) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۹ والمصنف / ج ۲ / ص ۷۸.

(۲) التاج مع للاصول / ج ۱ / ص ۳۲۹ و ۳۳۰.

فِي آخِرِ صَلَاةِ اللَّيْلِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ (۱) ...  
یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) در آخر نماز شب سورۀ  
انسان را قرائت مینمود.

## ابواب النوافل فی البیت و قضائها و جوازها من قعود

۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲۲

### ۱۸۰- باب صلاة النوافل فی البیت أفضل

۱- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي  
بُيُوتِكُمْ، فَإِنَّ خَيْرَ صَلَاةِ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ إِلَّا الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ (۲)  
یعنی، زیدبن ثابت از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: بر شما  
باد بخواندن نماز در خانه های خود زیرا بهترین نماز مرد در  
خانه اش می باشد مگر نماز واجبی.

۲- ج عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا قَضَيْتُمْ الصَّلَاةَ  
فِي مَسْجِدِهِ فَلْيَجْعَلْ لَبَيْتِهِ نَصِيبًا مِنْ صَلَاتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ فِي  
بَيْتِهِ مِنْ صَلَاتِهِ خَيْرًا (۳)

یعنی، جابر گوید، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما نماز خود  
را در مسجدش انجام داد، باید برای خانه اش بهره ای از نماز خود  
قرار دهد، زیرا خدای عزوجل در خانه اش از نماز او خیری قرار داده است.  
۳- ج عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَثَلُ الْبَيْتِ الَّذِي  
يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ وَالْبَيْتِ الَّذِي لَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ مَثَلُ الْحَيِّ وَالْمَيِّتِ (۴)  
یعنی، ابوموسی از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: مثل خانه ای  
که در آن ذکر خدا شود و خانه ای که ذکر خدا در آن نشود، مثل زنده  
و مرده است.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۷۹۶  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۲  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۲  
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۲

۴- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ شَاهِبٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَلَاةُ الْمَرْءِ فِي بَيْتِهِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهِ فِي مَسْجِدِي هَذَا إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ (۱)!

یعنی، زید بن ثابت گفت، رسول خدا (ص) فرمود: نماز مرد در خانه اش بهتر است از نماز در مسجد من همین مسجد مگر نماز واجب.

۵- ش عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي وَصِيَّتِهِ لَهُ، قَالَ بَعْدَ مَا ذَكَرَ فَضْلَ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ النَّبِيِّ (ص): وَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا كُلِّهِ صَلَاةٌ يَطَّلِيهَا الرَّجُلُ فِي بَيْتِهِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، يَطْلُبُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى، يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا دُمْتَ فِي صَلَاةٍ فَأَنْتَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ وَ مَنْ يَكْثُرُ قَرَعَ بَابَ الْمَلِكِ يَفْتَحْهُ، يَا أَبَا ذَرٍّ، مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا تَنَاشَرَ عَلَيْهِ الْبِرُّ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرْشِ، وَ وُكِّلَ بِهِ مَلَكٌ يَنَادِي يَا بَنَ آدَمَ لَوْ تَعَلَّمَ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَ مَنْ تَنَاجَى مَا سَأَمْتَ وَ لَا التَّقَتَّ، يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الصَّلَاةَ النَّافِلَةَ تَفْضُلُ فِي السِّرِّ عَلَى الْعَلَانِيَةِ كَفَضْلِ الْقَرِيبَةِ عَلَى النَّافِلَةِ، يَا أَبَا ذَرٍّ مَا يَتَقَرَّبُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ السُّجُودِ الْخَفِيِّ، يَا أَبَا ذَرٍّ أَذْكَرَ اللَّهُ ذِكْرًا خَاطِبًا، يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ رَبَّكَ يُبَاهِي الْمَلَائِكَةَ بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ: رَجُلٌ يُصْبِحُ فِي أَرْضٍ قَفِرٍ فَيُؤَدِّنُ ثُمَّ يَقِيمُ ثُمَّ يَطَّلِي فَيَقُولُ رَبُّكَ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ: انظُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي يَطَّلِي وَ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ غَيْرِي فَيَنْزِلُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْلُؤُونَ وَرَاءَهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى الْغَدِ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَ رَجُلٌ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ يَطَّلِي وَحْدَهُ فَسَجَدَ وَنَامَ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: انظُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي رُوْحَهُ عِنْدِي وَ جَسَدُهُ فِي طَاعَتِي سَاجِدٌ، وَ رَجُلٌ فِي زَحْفٍ فَفَرَّ أَصْحَابُهُ وَ ثَبَتَ هُوَ يُقَاتِلُ حَتَّى قُتِلَ (۲)!

یعنی، ابو ذر روایت کرده از رسول خدا (ص) در ضمن وصیت رسول خدا (ص) به او و پس از آنکه فضیلت مسجد الحرام و مسجد خود را ذکر نمود، فرمود: و افضل از تمام این، نمازی است که مردی در خانه اش میخواند، جایی که کسی او را جز خدا نمی بیند، برای خواستن رضای خدا، ای اباذر، مادامیکه تو در نمازی در خانه خدائی را میکوبی که

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۲.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۳ / ص ۵۵۵ و ۵۵۶.

دا را ای ملک هستی است ، و هر کس در ب خانه چنین کسی را بگوید برای او باز می شود ، ای اباذر مؤمنی نیست که به نماز بایستد مگر آنکه نیکی برای او نثار شود از بالای سرش تا عرش و فرشته ای به او وکیل شود که ندای کند ای پسر آدم اگر بدانی در نماز تو چه بهره ای داری و با که مناجات میکنی خسته نشوی ، و بجای دیگر توجه نکنی ، ای اباذر بنده به خدا نزدیک نشود به چیزی که بهتر از سجده کردن باشد ، آنهم سجده پنهانی ، ای اباذر ، محققاً نماز نافله در پنهانی بهتر و برتر بر نافله آشکار مانند برتری نماز واجب بر نافله است ، ای اباذر ، خدا را ذکر کن ذکر پنهانی ، ای اباذر پروردگارت در سه مورد به ملائکه میباید : ۱- مردی که روز کند در بین بیابان بی آب و علف ، پس اذان بگوید سپس اقامه بگوید و نماز بخواند که خدا میفرماید ای ملائکه من نظر کنید به بنده من ، نماز میخواند در حالی که کسی غیر از من او را نمی بیند ، پس هفتاد هزار ملک نازل می شوند و پشت سر او نماز بخوانند و برای او تا فردای آنروز استغفار می کنند . ۲- مردی که شب برخاسته و تنها نماز میخواند پس به سجده رفته و در حال سجده به خواب رفته پس خدا میفرماید نظر کنید به بنده من روح و نزد من و جسد او در طاعت من به سجده است . ۳- مردی که در جنگ جلوی لشکر دشمن رفته ، رفقای او فرار کرده ، و او استوار مانده و قتال کرده تا کشته شده است .

## ۱۸۱- باب قضاء الصلوات المسنونة

۱- ج عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ نَامَ عَنْ حِزْبِهِ أَوْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَرَأَهُ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ صَلَاةِ الظُّهْرِ كُتِبَ لَهُ كَأَنَّمَا قَرَأَهُ مِنَ اللَّيْلِ (۱)

یعنی ، عُمَرُ بْنُ خَطَّابٍ روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود : هر کس

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵ .



از حزب قرآن و یا چیزی از قرآن خوابش برد (یعنی فراموش کند که در شب بخواند) پس آنرا بین نماز فجر و نماز ظهر بخواند، خدا برای او مینویسد که گویا آنرا پاره‌ای از شب خوانده است.

۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ نَامَ عَنِ الْوَتْرِ أَوْ نَسِيَهُ فَلْيَصِلْ إِذَا ذَكَرَهُ، وَإِذَا اسْتَيْقَظَ (۱)!

یعنی، روایت از ابی سعید از رسول خدا (ص) است که فرمود: کسی که از نماز وتر خوابش برد و یا نسیان کند هر وقت یادش آمد و هرگاه بیدار شد بخواند.

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا عَمَلَ عَمَلًا أَثَبَّتَهُ وَكَانَ إِذَا نَامَ مِنَ اللَّيْلِ، أَوْ مَرِضَ صَلَّى مِنَ التَّهَارُوتِ ثِنْتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً (۲)!

یعنی، از عایشه روایت است که گفت: رسول خدا (ص) چون عملی میکرد او را محکم و برآن مداومت مینمود، و چون از نماز شب خوابش میبرد و یا بیمار بود از روز دوازده رکعت بجا می‌آورد.

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَامَ لَيْلَةً حَتَّى الصَّبَاحِ وَ مَا صَامَ شَهْرًا مُتَتَابِعًا إِلَّا رَمَضَانَ (۳).

یعنی، عایشه گوید: ندیدم رسول خدا (ص) را که شبی تا صبح نماز بخواند و ماهی پی‌درپی روزه بگیرد مگر ماه رمضان.

۵- ج رَأَى النَّبِيُّ (ص) يُطَلِّي بَعْدَ الْعَصْرِ فَسُئِلَ فَقَالَ: أَتَانِي نَاسٌ مِنْ عَبْدِ الْقَيْسِ فَشَغَلُونِي عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ فَهُمَا هَاتَانِ (۴)!

یعنی، دیده شد که رسول خدا (ص) پس از عصر نماز میخواند، از او سؤال شد؟ فرمود: عده‌ای از مردم عبدالقیس آمدند و مرا از دو رکعتی که پس از نماز ظهر خوانده میشود بازداشتند، اکنون این دو رکعت آن دو رکعت است.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵ والمصنف / ج ۳ / ص ۱۱
- (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵
- (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵

۶- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا فَاتَتْهُ الْأَرْبَعُ قَبْلَ الظُّهْرِ صَلَّاهُنَّ  
بَعْدَ الرَّكَعَتَيْنِ بَعْدَ الظُّهْرِ (۱).

رسول خدا (ص) چون چهار رکعت (نافله) قبل از ظهر از او فوت میشد،  
آنهارا پس از دو رکعت بعد از ظهر بجای آورد.

۷- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ لَمْ يَصِلْ رَكَعَتِي الْفَجْرِ  
فَلْيَصِلْهُمَا بَعْدَ مَا تَطَلَّعَ الشَّمْسُ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس دو رکعت فجر را نتوانست بخواند  
آنهارا بعد از طلوع خورشید بجای آورد.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ لَيَبْأُهِ مَلَائِكَتُهُ بِالْعَبْدِ  
يَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ، فَيَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَيَّ عَبْدِي يَقْضِي مَا  
لَمْ أَقْتِرْهُ عَلَيْهِ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدا به ملائکه خود میبাহات میکند راجع  
به آن بنده ای که نماز شب را در روز قضا می کند و می فرماید:  
ای فرشتگان من بنگرید به بنده من آنچه را که برای او واجب  
نکرده ام انجام می دهد، شما را گواه می گیرم که من او را آمرزیدم.

## ۱۸۲- باب فضل صلاة القائم على القاعد

۱- ج عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لِيَصِلَ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ،  
فَإِذَا قَتَرَ فَلْيَقْعُدْ (۴).

یعنی، روایت شده از انس از رسول خدا (ص) که فرمود: یکی از شما  
در حال نشاط نماز بخواند و چون کسل شد بنشیند.

۲- ج عَنْ عُمَرَ بْنِ حُصَيْنٍ وَكَانَ رَجُلًا مَبْسُورًا، قَالَ: سَأَلْتُ  
النَّبِيَّ (ص) عَنْ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَهُوَ قَاعِدٌ، فَقَالَ: مَنْ صَلَّى قَائِمًا فَهُوَ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۰  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۱  
(۳) وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۵۶  
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۱



فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا كَمَا يَعْلَمُنَا السُّورَةُ مِنَ الْقُرْآنِ يَقُولُ: إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِالْأَمْرِ فَلْيَرْكَعْ رَكَعَتَيْنِ مِنْ غَيْرِ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ لِيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَفِذُّكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لَا أَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لَا أَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَالِمُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَتِي أَمْرِي وَ عَاجِلُ أَمْرِي وَ آجِلُهُ فَأَقْدِرْهُ لِي وَ يَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَ مَعَاشِي وَ عَاقِبَتِي أَمْرِي فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ فَأَصْرِفْهُ عَنِّي وَ اصْرِفْنِي عَنْهُ، وَ اقْدِرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ، قَالَ: وَ يُسَمَّى حَاجَتَهُ (۱)

یعنی، روایت شده از جابرکه گفت: رسول خدا (ص) به ما استخاره تعلیم مینمود در تمام امور همچنانکه سوره قرآن به ما یاد میداد، میفرمود: هرگاه یکی از شما همت گمارد به امری، باید دو رکعت نماز بخواند غیر از نماز واجبی، سپس بگوید: خدایا من از تو طلب خیر میکنم بعلم تو، و طالب قدرتم بقدرت تو و تو را از فضل بزرگت سؤال میکنم، زیرا تو قادری و من نیستم و تو میدانی و من نمی دانم و توئی علام الغیوب، خدایا اگر میدانی که این امر (حاجتش را بگوید) برای من در دین و زندگی و عاقبت امرم و حال کنونم و پایان کارم، خوبست، پس آنرا برایم مقدر و آسان گردان، و اگر میدانی که این امر برای من در دین و زندگی و عاقبت امرم در حال کنونیم و پایان کارم شر است، پس آنرا از من بگردان و مرا از آن منصرف کن و برایم خیر مقدر نما هر جا که باشد، سپس مرا به آن خشنود گردان. (استخاره کننده باید پس از نماز ودعای استخاره هرچه به قلبش خاطر کند انجام دهد و قلب خود را در اختیار خدا بگذارد و اگر شرح صدر نیافت، میتواند نماز را مکرر بخواند، ولی در اوقات کراهت نماز آنرا نخواند.) و از حضرت صادق (ع) روایت شده که: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يُعَلِّمُ أَصْحَابَهُ الْإِسْتِخَارَةَ كَمَا يُعَلِّمُ السُّورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ الْحَدِيثُ (۲)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۲۲ والمصنف / ج ۱۱ / ص ۱۶۴

(۲) وسائل الشیعه / ج ۱۲ / ص ۲۸۶

## ۱۸۴-باب صلاة التسابيح

۱- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا افْتَتَحَ خَيْبَرَ أَتَاهُ الْبَشِيرُ بِقُدُومِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: مَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا أَنَا أَشَدُّ فَرَحًا؟ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ أَمْ بِفَتْحِ خَيْبَرَ؟ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ قَدِمَ جَعْفَرٌ، فَوَثَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَالْتَزَمَهُ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ، وَ قَالَ لَهُ: أَلَا أَمْنُوكَ؟ أَلَا أُعْطِيكَ؟ فَقَالَ جَعْفَرٌ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ (ص): صَلِّ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مَتَى مَا صَلَّيْتَهُنَّ غُفِرَ لَكَ مَا بَيْنَهُنَّ، إِنْ اسْتَطَعْتَ كُلَّ يَوْمٍ، وَإِلَّا فَكُلَّ يَوْمَيْنِ، أَوْ كُلَّ جُمُعَةٍ، أَوْ كُلِّ شَهْرٍ، أَوْ كُلِّ سَنَةٍ، فَإِنَّهُ يُغْفَرُ لَكَ مَا بَيْنَهُمَا، فَقَالَ: تَفْتِيحُ الصَّلَاةِ ثُمَّ تَقْرَأُ، ثُمَّ تَقُولُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً وَ أَنْتَ قَائِمٌ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، فَإِذَا رَكَعْتَ قُلْتَ ذَلِكَ عَشْرًا، وَ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَعَشْرًا، وَ إِذَا سَجَدْتَ فَعَشْرًا، وَ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَعَشْرًا، وَ إِذَا سَجَدْتَ الثَّانِيَةَ فَعَشْرًا، وَ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ عَشْرًا، فَذَاكَ خَمْسٌ وَ سَبْعُونَ تَكُونُ ثَلَاثَ مِائَةٍ فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، فَهِنَّ أَلْفٌ وَ مِائَتَانِ، وَ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِقَلِّ هُوَ اللَّهُ وَ قَلِّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ . وَ فِي رِوَايَةٍ: تَقْرَأُ فِيهَا بِقَلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱)

یعنی، از حضرت صادق (ع) نقل شده که فرمود: چون رسول خدا (ص) خیبر را فتح کرد، مؤده رسان، ورود جعفر را برای او مؤده آورد، پس آنحضرت فرمود: نمی دانم سرور و خوشحالم به کدام بیشتر است به ورود جعفر یا به فتح خیبر؟! پس چیزی نگذشت که جعفر آمد، رسول خدا (ص) برخاست و او را دربرگرفت و پیشانی او را بوسید و فرمود: آیا چیزی به تو بدهم آیا به تو ببخشم؟ جعفر گفت: آری یا رسول الله، فرمود: چهار رکعت نماز بخوان که مادامیکه آنها را بجا آوری، بین آنها برای تو آمرزش است، اگر میتوانی هر روز و گرنه هر دو روز و یا هر روز جمعه و یا هر ماه و یا هر سالی که مابین

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹۵ و ۱۹۷ / والمصنف / ج ۳ / ص ۱۲۳

آنها برای تو غفران و آمرزش است، پس فرمود: تکبیر نماز میگوئی و قرائت را میخوانی، سپس پانزده مرتبه در حال ایستاده میگوئی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و چون به رکوع رفتی آنرا ده مرتبه میگوئی، و چون سربلند کردی ده مرتبه و چون سجده رفتی ده مرتبه، و چون سر از سجده برداشتی ده مرتبه و چون به سجده دوم رفتی آنرا ده مرتبه و چون سر از آن برداشتی ده مرتبه، پس این شد هفتاد و پنج مرتبه که در چهار رکعت سیصد مرتبه میشود، که هزار و دویست ذکر است. و در هر رکعتی سوره توحید و کافرون را قرائت میکنی، و در روایتی در هر رکعتی سوره توحید را (پس از فاتحه الكتاب) قرائت میکنی. (مؤلف گوید: این نماز در کتاب التاج نیز ذکر شده و بجای جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ آمده است که رسول خدا (ص) این نماز را به عباس بن عبدالمطلب تعلیم فرموده (۱)).

### ۱۸۵- باب صلاه التوبة

۱- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: كُنْتُ رَجُلًا إِذَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَدِيثًا تَفَعَّنِي اللَّهُ مِنْهُ بِمَا شَاءَ أَنْ يَنْفَعَنِي، وَإِذَا حَدَّثَنِي رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ اسْتَحْلَفْتَهُ، فَإِذَا حَلَفَ لِي بِصِدْقَتِهِ، وَإِنَّهُ حَدَّثَنِي أَبُو بَكْرٍ وَهُوَ صَادِقٌ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: مَا مِنْ رَجُلٍ يُذْنِبُ ذَنْبًا ثُمَّ يَقُومُ فَيَتَطَهَّرُ، ثُمَّ يَصَلِّي، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: - وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِسَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ الْآيَةَ - (۲).

یعنی، از علی (ع) روایت شده که فرمود: من مردی بودم که چون حدیث رسول خدا (ص) را می شنیدم خدا مرا بهره میداد به آنچه میخواست بهره دهد، و چون مردی از اصحاب او برایم حدیثی نقل میکرد او را قسم میدادم، پس چون قسم برایم میخورد، او را تصدیق

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۴ و ۳۳۵.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۵.

میکردم، و بدرستی که ابوبکر برایم حدیثی گفت در حالیکه او صادق است، گفت شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: نیست مردی که گناهی کند سپس برخیزد و تطهیر کند سپس نماز بخواند سپس استغفار کند مگر اینکه خدا او را بیا مرزد سپس آیه ۱۳۵ سوره آل عمران را قرائت کرد (و به آن استدلال نمود) که میفرماید: «و آنانکه چون کارزشتی نمودند یا به خود ستم کردند یاد خدا کنند و بلافاصله برای گناهان شان طلب بخشش کنند و از او آمرزش خواهند - و کیست آمرزنده گناهان بجز خدا - و دانسته برگناهشان اصرار نکنند.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْفِطْرِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ يقرأ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَيَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَيَسْلِمُ بَيْنَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا قَالَ أَلْفَ مَرَّةٍ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَقُولُ فِي سُجُودِهِ: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَصَلَاتِي وَقِيَامِي، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّهُ لَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ وَيَتَقَبَّلَ مِنْهُ شَهْرَ رَمَضَانَ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه شب فطر ده رکعت نماز بخواند در هر رکعتی سوره فاتحه کتاب را یک مرتبه و سوره توحید را ده مرتبه بخواند و در رکوع و سجود خود بگوید سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، سپس بین هر دو رکعت تشهد و سلام بگوید، و چون از ده رکعت فارغ شد هزار مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، سپس سجده کند و در سجود بگوید: يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، رسول خدا (ص) فرمود: قسم به آنکه مرا بحق مبعوث و پیغمبر نمود که سراز سجده بر ندارد تا آنکه خدا

اورا بیا مرزد و روزہ ماہ رمضان اورا قبول نماید .

## ۱۸۶- باب صلاة الحاجة و صلاة الرزق و صلاة السفر

۱- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ أَوْ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَنِي آدَمَ فَلْيَتَوَضَّأْ فَلْيُحْسِنِ الوُضُوءَ ثُمَّ لِيَمَلِّ رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ لِيُثْنِ عَلَى اللَّهِ وَ لِيَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ (ص) ، ثُمَّ لِيَقُلْ : لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، أَسْأَلُكَ مَوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ ، وَ عَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ ، وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَيْتٍ ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ ، لَاتَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَاهُمًا إِلَّا فَرَجْتَهُ ، وَ لِاحْتِاجَةٍ هِيَ لَكَ رِضًا ، إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱) .

یعنی، روایت کرده عبدالله بن ابی اوفی از رسول خدا (ص) که فرمود: هر کس برایش حاجتی بود به خدا و یا به یکی از بنی آدم، باید وضوگیرد و نیکو بگیرد، سپس دو رکعت نماز بخواند، سپس بر خدا ثنا گوید و بر پیغمبر (ص) صلوات فرستد، سپس بگوید: لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ تا آخر دعای مذکور.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْفِطْرِ رُكْعَتَيْنِ يقرأُ فِي أَوَّلِ رُكْعَةٍ مِنْهُمَا الْحَمْدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَاجِدَةً لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه شب فطر دو رکعت نماز کند که در رکعت اول سوره فاتحه کتاب و هزار مرتبه سوره توحید را بخواند و در رکعت دوم سوره فاتحه کتاب و توحید را یک مرتبه بخواند، از خدا چیزی نخواهد مگر آنکه به او عطا کند.

۳- ش عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي صَلَاةِ الرِّزْقِ قَالَ : رُكْعَتَانِ تَقْرَأُ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۳۳۶ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۲۱ .



فِي الْأُولَى الْحَمْدَ مَرَّةً، وَإِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفَرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَالْإِخْلَاصَ  
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ مَرَّةً، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ كُلَّ وَاحِدَةٍ  
ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (!)

یعنی، از پیغمبر (ص) در مورد نمازی که موجب روزی گردد روایت  
شده که فرمود: دو رکعت است، در رکعت اول حمد یک مرتبه و سوره  
کوثر سه مرتبه، و سوره اخلاص نیز سه مرتبه، و در رکعت دوم حمد  
یک مرتبه و سوره های فلق و ناس هر کدام سه مرتبه.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا اسْتَخْلَفَ عَبْدٌ عَلَيَّ أَهْلِيهِ  
بِخِلَافَةٍ أَفْضَلَ مِنْ رُكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ سَفْرًا وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَ  
أَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي» إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هیچ بنده ای بر اهلش سرپرست و جانشینی  
قرار نداد بهتر از دو رکعتی که چون اراده سفر کند بگوید:  
«خدا یا به تو می سپارم خودم و خانواده ام و مالم و دینم و  
دنیایم و آخرتم و امانتم و خاتمه های کارم را»، جز اینکه خدا  
آنچه سؤال کرده به او عطا کند.

مؤلف گوید: بعضی از راویان اخبار فوق از ضعفاء و مجهولین  
هستند، و نمیتوان بدانها اعتماد نمود، ولی با اینهمه ما نقل  
نمودیم، زیرا ذکر خدا و نماز مطلوب و در هر حالی نیکو است.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۵۲  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۲۵۵

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# (٤) كتاب الزكاة

### باب وجوب الزكاة وفضلها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ... (١)

وَقَالَ: ... وَجَعَلْنَاَهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةَ... (٢)

وَقَالَ: ... وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ... (٣)

وَقَالَ: ... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ (٤)

وَقَالَ: ... جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (٥)

وَقَالَ: ... لَتَبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (٦)

وَقَالَ: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ... (٧)

وَقَالَ: ... فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُنَا فِي الدِّينِ... (٨)

وَقَالَ: ... وَسَيَجْزِيهَا اللَّهُ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (٩)

وَقَالَ: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (١٠)

وَقَالَ: ... وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ

- |                                 |                                       |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| (١) قرآن/سورة توبه/آية ٧١.      | (٢) قرآن/سورة انبياء/آية ٧٣.          |
| (٣) قرآن/سورة مريم/آية ٥٥.      | (٤) قرآن/سورة اعراف/آية ١٥٦.          |
| (٥) قرآن/سورة توبه/آية ٤١.      | (٦) قرآن/سورة عمران/آية ١٨٦.          |
| (٧) قرآن/سورة حج/آية ٤١.        | (٨) قرآن/سورة توبه/آية ١١.            |
| (٩) قرآن/سورة ليل/آيات ١٧ و ١٨. | (١٠) قرآن/سورة مؤمنون/آيات ١٠١ و ١٠٢. |

وَالَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ... (۲)  
 وَ قَالَ: يَتْلُكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ  
 الْمُضْعِفُونَ (۱)!

و آیات دیگر .

۱- ج ان رجلاً أتى النبي (ص) فقال: دلني على عمل إذا  
 عملته دخلت الجنة، قال: تعبد الله لا تشرك به شيئاً، وتقيم  
 الصلاة المكتوبة، وتؤتي الزكاة المفروضة، وتصوم رمضان. قال:  
 والذي نفسي بيده لأزيد على هذا، فلما ولي قال النبي (ص) من  
 سره أن ينظر إلى رجل من أهل الجنة فلينظر إلى هذا (۳)!

یعنی، مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: مرا به عملی دلالت  
 کن که چون به آن عمل کنم وارد بهشت گردم، رسول خدا (ص) فرمود:  
 عبادت میکنی خدایا و چیزی را شریک او نمیکنی و نماز واجب را  
 اقامه میکنی، و زکات واجب را میدهی، و ماه رمضان روزه میگیری،  
 آن مرد گفت: قسم به آنکه جانم به دست اوست برای این آفرزون  
 نمیکنم، چون برگشت بروم، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس خوش دارد به  
 مردی از اهل بهشت نظر کند به این مرد بنگرد.

۲- ج قال النبي (ص): ما من يوم يصبح العباد فيه إلا  
 ملكان ينزلان، فيقول أحدهما: اللهم أعط منفقاً خلفاً، ويقول  
 الآخر: اللهم أعط ممسكاً تلفاً (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: نیست روزی که بندگان در آن صبح کنند  
 مگر اینکه دو ملک نازل میشوند، یکی از ایشان میگوید: خدایا  
 به انفاق کننده عوض بده، و دیگری میگوید: به ممسک تلف بده.

۳- ج قال النبي (ص): ما تصدق أحد بصدقٍ من طيبٍ - و  
 لا يقبل الله إلا الطيب - إلا أخذها الرحمن بيمينه وإن كانت

- (۱) قرآن / سوره روم / آیه ۳۹ .  
 (۲) قرآن / سوره نمل / آیات ۱ تا ۳ .  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴ .  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴ .

تَمْرَةً فَتَرَبُّوا فِي كَفِّ الرَّحْمَنِ حَتَّى تَكُونَ أَعْظَمَ مِنَ الْجَبَلِ، كَمَا يَرَبِّي أَحَدَكُمْ فَلَوْهَ أَوْ فَصِيلَهُ وَ تَصْدِيقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: - يَمَحِقُ اللَّهُ الرَّبَا وَ يُرِي الصَّدَقَاتِ - (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: یکی از شما صدقه‌ای از مال پاکیزه نداده - و حال آنکه خدا نمی‌پذیرد جز پاکیزه را - مگر آنکه خدای رحمن آنرا بدست توانای خود گرفته و اگرچه خرما ودانه‌ای باشد که نمو میکند در کف قدرت خدای رحمن تا آنکه بزرگتر از کوه شود چنانکه یکی از شما، زاده و یا کره اسب و شتر خود را تربیت می‌کند، و تصدیق این مطلب در کتاب خداست که (در سوره بقره آیه ۲۷۶) خدای عَزَّ وَجَلَّ فرموده: خدا را محوسازد و صدقات را افزایش بخشد. (وبهمین مضمون در کتاب وسائل نیز وارد شده است (۲)).

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَيْقَنَ بِالْخُلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالنَّفَقَةِ، وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ - (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس به جای‌گیر یقین داشته باشد به نفقه دادن خود را سخی‌کند، و حال آنکه خدای عَزَّ وَجَلَّ (در سوره سبأ آیه ۳۹) فرموده: و هرچه انفاق کنید خدا جای آنرا پُر می‌کند و او بهترین روزی دهندگان است.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً، فَتَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه بدهید زیرا صدقه موجب زیاد شدن مال است، پس صدقه دهید خدا شما را رحمت کند.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الرِّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: روزی زودتر به طعام‌دهنده می‌رسد از کار

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۰۴  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۵ و ۲۶۶  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۰۹  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۵۷  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲۹

درسنامه .

۷- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَنْفَقَ زَوْجَيْنِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ نُودِيَ فِي الْجَنَّةِ: يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا خَيْرٌ، فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّلَاةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الْجِهَادِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقَةِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الصَّدَقَةِ، وَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الصِّيَامِ دُعِيَ مِنْ بَابِ الرِّيَّانِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که یکجفت (دو شتر یا دو گوسفند یا حمارین یا دو جامه یا دو درهم یا یکجفت غیر از اینها) در راه خدا انفاق کند در بهشت به او ندا شود: ای بنده خدا این خیر عظیمی باشد، پس هرکس از اهل نماز بوده از باب نماز خوانده شود و هرکس از اهل جهاد بوده از باب جهاد خوانده شود، و هرکس از اهل صدقه بوده از باب صدقه خوانده شود، و هرکس اهل روزه باشد از باب ریان خوانده شود.

۸- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَا تَقَعَ صَدَقَةُ الْمُؤْمِنِ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه مؤمن در دست سائل واقع نمی شود تا اینکه در دست خدا واقع شود، سپس آنحضرت آیه ۱۰۴ سوره توبه را قرائت نمود که میفرماید: آیا ندانستند که خدا توبه را از بندگان می پذیرد و صدقات را میگیرد.

۹- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَمَا عَلِمْتَ يَا عَلِيُّ إِنَّ صَدَقَةَ الْمُؤْمِنِ لَاتَخْرُجُ مِنْ يَدِهِ حَتَّى يَفُكَّ عَنْهَا مِنْ لَحْيِ سَبْعِينَ شَيْطَانًا كُلَّهُمْ يَا مَرَّةً بِأَنْ لَا يَفْعَلَ، وَ مَا يَقَعُ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (۳)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۰۵

(۲) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۳۰۳

(۳) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۳۰۳

یعنی، روایت از علی (ع) است که گفت، رسول خدا (ص) فرمود: آیا نمی‌دانی که صدقه مؤمن از دست او خارج نمی‌شود تا اینکه از دهان هفتاد شیطان خارج شود که همه او را امر می‌کنند که بجا نیاید و صدقه در دست سائل واقع نشود تا وقتی که در دست پروردگار جَلَّ جَلَالُهُ واقع شود، سپس آیه ۱۰۴ سوره توبه را تلاوت فرمود که می‌فرماید: آیا ندانستند که خدا توبه را از بندگان می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و اینکه خدا خود توبه‌پذیر رحیم است.

۱۰- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا أَدَيْتَ زَكَاةَ مَا لَكَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه زکات مال را دادی محققاً آنچه برعهده تو بوده انجام داده‌ای. (یعنی وجوه دیگری بر تو نیست از قبیل سهم امام و خمس و غیر آن).

۱۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا بَعَثَ إِلَيْهِ مَلَكًا مِنْ حُزَانِ الْجَنَّةِ فَيَمْسَحُ صَدْرَهُ وَ يَسْخِي نَفْسَهُ بِالزَّكَاةِ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه خدا خیر بنده‌ای را اراده کند ملکی از خزانه داران بهشت را به سوی برانگیزد که سینه او را مسح کند و جان او را به دادن زکات با سخاوت نماید

۱۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَدَّى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ أَسْخَى النَّاسِ (۳) وَقَالَ (ص): مَا حَبَسَ عَبْدٌ زَكَاةً فَزَادَتْ فِي مَالِهِ (۴)!

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هرکس آنچه خدا بر او واجب کرده ادا کند او سخی‌ترین مردم است. و فرمود: بنده‌ای که زکات را حبس نکرد در مال او زیادتى حاصل شد.

۱۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِأَحْسَدِ إِلَّا فِي اثْنَيْنِ: رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ، وَ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَهُوَ يَقُومُ بِهِ آتَاءَ اللَّيْلِ وَ آتَاءَ النَّهَارِ (۵)!

- (۱) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۵  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۰ و ۱۵۰  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۸  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۴  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۰

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: حسد روا نباشد جز در دو مورد: یکی در مورد مردی که خدا به او مالی داده و او شب و روز آنرا نمی‌کند دیگر مردی که خدا به او قرآن داده که ساعات شب و روز به آن قیام می‌کند.

۱۴- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَمْلِي الصَّلَاةِ الْخَمْسَ، وَيُصُومُ رَمَضَانَ، وَيُخْرِجُ الزَّكَاةَ، وَيَجْتَنِبُ الْكَبَائِرَ السَّبْعَ إِلَّا قُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَقِيلَ لَهُ: ادْخُلْ بِسَلَامٍ! (۱)

یعنی، از ابی سعید از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هر بنده‌ای که نماز پنجگانه را بخواند و ماه رمضان را روزه‌گیرد و زکات خود را بیرون کند و از گناهان کبیره هفتگانه اجتناب کند درهای بهشت بر او بازگردد، به او گفته شود بسلامتی وارد شو. ۱۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): السَّخَاءُ شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا وَهِيَ مُظْلَةٌ عَلَى الدُّنْيَا، مَنْ تَعَلَّقَ بِغَضْنٍ مِنْهَا اجْتَرَهَ إِلَى الْجَنَّةِ! (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: سخا درختی است در بهشت که بر دنیا سایه افکنده، هر کس به شاخه‌ای از آن چنگ زند او را به سوی بهشت کشاند.

۱۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَالزَّكَاةُ نَسَخَتْ كُلَّ صَدَقَةٍ، وَغُسْلُ الْجَنَابَةِ نَسَخَ كُلَّ غَسَلٍ! (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: زکات هر صدقه‌ای را نسخ نمود و غسل جنابت هر غسلی را نسخ کرد.

## ۲- باب التشديد على تارك الزكاة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَيُلَى لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ! (۴)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵ و ۶.

(۲) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۹.

(۳) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۶.

(۴) قرآن / سورة فصلت / آيات ۶ و ۷.

وَقَالَ: وَيَلِّ لِكُلِّ هَمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ  
 أَخْلَدَهُ كَلَّا لِيُنَبِّذَنَّ فِي الْحُطْمَةِ (۱)  
 وَقَالَ: ... ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوْهُ، ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا  
 فَاسْلُكُوْهُ، إِنَّهُ كَانَ لِأَيُّومٍ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَ لَا يَخُضُّ عَلَيَّ  
 طَعَامِ الْمُسْكِينِ (۲)

و آیات دیگر .

۱- ش قال النبی (ص): إِيَّاكُمْ وَ الشَّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ  
 قَبْلَكُمْ بِالشَّحِّ، أَمْرَهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَبُوا، وَ أَمْرَهُمْ بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا،  
 وَ أَمْرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَعُوا (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: از بخل بترسید و دوری کنید که  
 هلاکت پیشینیان شما به بخل بود، بخل امرشان کرد به گفتن دروغ،  
 پس دروغ گفتند و امرشان کرد به ستم، پس ستم کردند، و امرشان  
 کرد به قطع پس قطع کردند .

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِيَّاكُمْ وَ الْفَحْشَ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ  
 الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ  
 الظُّلْمَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ الشَّحَّ فَإِنَّهُ دَعَا الَّذِينَ مِنْ  
 قَبْلِكُمْ حَتَّى سَفَكُوا دِمَائِهِمْ، وَ دَعَاهُمْ حَتَّى قَطَعُوا أَرْحَامَهُمْ وَ دَعَاهُمْ  
 حَتَّى اسْتَهَكُوا وَ اسْتَحَلُّوا مَخَارِمَهُمْ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بپرهیزید از فحش، زیرا خدا فحش گوی  
 فحش پذیرا دوست نمی دارد . و از ستم دوری کنید که ستم نزد خدا  
 تاریکی های روز قیامت است، و از بخل دوری کنید زیرا بخل  
 پیشینیان شما را دعوت کرد به خونریزی خونهای خودشان، و دعوت  
 کرد که رحمهای خود را قطع کردند و دعوت کرد که هتک حرمت  
 نمودند و محارمشان را حلال شمردند .

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مَحَقَ الْإِسْلَامَ مَحَقَ الشَّحِّ شَيْءٌ،

- (۱) قرآن / سوره همزه / آیات ۱ تا ۳ .  
 (۲) قرآن / سوره حاقه / آیات ۲۱ تا ۳۴ .  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۴ و ۲۵ .  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۵ .



ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِهَذَا الشَّحَّ دَبِيبًا كَدَبِيْبِ النَّمْلِ وَ شُعْبًا كَشُعْبِ الشَّرْكِ! (۱)  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اسلام را چیزی از بین نبرده مانند بخل  
سپس فرمود: برای این بخل جنبشی است مانند مورچه و شعبه‌ای  
است مانند شعبه‌های شرک.

۴- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا ظَهَرَتِ الزَّيْنَةُ كَثُرَتْ مَوْتُ  
الْفَجَاءِ وَإِذَا طَقَّتِ الْمِكْيَالَ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالنَّقْصِ وَ  
إِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ  
الْمَعَادِنِ كُلِّهَا! (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه زنا ظاهر شود مرگ ناگهانی  
زیاد شود، و هرگاه کم‌فروشی معمول شود خدا مردم را به سالهای  
قحطی و کمبودی میگیرد، و هرگاه زکات منع شود، زمین برکات خود  
را از زراعت و میوه‌ها و معادن از تمام آنها منع می‌کند.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِأَنْزَالِ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَخَّ وَنُوا  
وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ، وَ آتَوْا الزَّكَاةَ، وَ إِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتَلُوا  
بِالْقَحْطِ وَ السِّنِينَ! (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همواره امتم به راه خیر است مادامیکه  
خیانت نکرده و امانت را ادا نمایند و زکات بدهند، و هرگاه  
چنین نکنند به قحط و گرانی مبتلا شوند.

۶- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي الْمَسْجِدِ  
إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فَلَانُ، قُمْ يَا فَلَانُ، قُمْ يَا فَلَانُ، قُمْ يَا فَلَانُ، حَتَّى أُخْرِجَ خَمْسَةَ  
نَفَرٍ، فَقَالَ: أَخْرَجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لِاتَّصَلُوا فِيهِ وَ أَنْتُمْ لَا تُزَكُّونَ! (۴)

یعنی، از حضرت باقر (ع) روایت شده که گفت: در بین آنکه رسول خدا  
(ص) در مسجد بود ناگاه فرمود: برخیز ای فلانی، ای فلانی برخیز،  
ای فلانی برخیز، ای فلانی برخیز، تا اینکه پنج نفر را بیرون راند  
و فرمود: بیرون روید و در مسجد ما نماز نخوانید در حالی که زکاة

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۱  
(۲) امالی صدوق / ص ۱۸۵  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۳  
(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۲

نمی‌دهید .

۷- شوج قال رسول الله (ص): مَانِعُ الزَّكَاةِ يَجْرُ قُصْبَهُ فِي النَّارِ، وَمِثْلُ لَهْمَالِهِ فِي النَّارِ فِي صُورَةِ شُجَاعٍ أَقْرَعَ لَهُ زَبَيْبَتَانِ يَفِرُّ الْإِنْسَانُ مِنْهُ وَهُوَ يَتَّبِعُهُ حَتَّى يَقْضِمَهُ كَمَا يَقْضِمُ الْفَجْلُ، وَيَقُولُ: أَنَا مَالِكٌ الَّذِي بَخِلْتُ بِهِ (۱) (و فی ج) ثم تلی (ص): وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ... (۲) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: مَانِعُ الزَّكَاةِ روده‌هایش در آتش کشیده شود و مال او در صورت مار بزرگی که داری دونیش باشد مجسم شود بطوریکه انسان از آن فرار کند و او دنبالش کند تا برسد و مانند تر با او را دندان گیرد و بگوید: منم آن مالی که به آن بخل کردی. و در کتاب تاج آمده که رسول خدا (ص) پس از سخن فوق آیه ۱۸۰ سوره آل عمران را تلاوت کرد که می‌فرماید: و آنانکه در انفاق آنچه خدا به ایشان داده بخل می‌ورزند گمان مبرند که آن بخل برای ایشان خوبست بلکه برایشان شر است و بزودی آنچه را به آن بخل کرده‌اند در قیامت طوق گردنشان شود.

۸- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ، قَالَ: يَا عَلِيُّ كَفَرَ يَا لِلَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ وَعَدَّ مِنْهُمْ مَانِعَ الزَّكَاةِ، ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ سَمَانِيَّةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُمْ الصَّلَاةَ وَعَدَّ مِنْهُمْ مَانِعَ الزَّكَاةِ، ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ مَنَعَ قَبْرًا طًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَلَا كَرَامَةً يَا عَلِيُّ، ثَارِكُ الزَّكَاةِ يَسْأَلُ اللَّهَ الرَّجْعَةَ إِلَى الدُّنْيَا وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ... (۳)

یعنی، در وصیّت پیغمبر (ص) به علی فرمود: یا علی به خدای بزرگ ده طایفه از این امت کافر شده است و از جمله آنان شمرد مَانِعَ زَكَاتِ را، سپس فرمود: ای علی، هشت طایفه نمازشان را خدا نمی‌پذیرد و از جمله ایشان شمرد مَانِعَ زَكَاتِ را، سپس فرمود: یا علی کسیکه قیراطی

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۷  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۹۷  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۹

از زکات مالش را ندهد مؤمن نیست و مسلمان نیست و ارزشی برای او نیست، یا علی، تارک زکات از خدا میخواهد که به دنیا برگردد و همین است قول خدایتعالی که در سوره مؤمنون آیه ۹۹ و ۱۰۰ فرموده: تا وقتی که یکی از ایشان را مرگ بیاید، گویند، پروردگارا مرا برگردانید شاید عمل صالحی کنم در آنچه واگذاردم (خدا در جواب او فرماید) نه چنین است ...

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَا مِنْ طَائِفٍ ذَهَبَ وَ لَافِضَةٍ لَأَيُّدِي مِنْهَا حَقَّهَا إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَفَّحَتْ لَهُ صَفَائِحَ مِنْ نَارٍ فَأَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيَكْوَى بِهَا جَنْبَهُ وَ جَبِينَهُ وَ ظَهْرَهُ، كَلَّمَا بَرَدَتْ أُعِيدَتْ لَهُ، فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَلَيْلٌ، قَالَ: وَ لَأَصَاحِبِ إِبِلٍ لَأَيُّدِي مِنْهَا حَقَّهَا، وَ مِنْ حَقَّهَا حَلْبُهَا يَوْمَ وَرْدِهَا، إِلَّا إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَطَّحَ لَهَا بِقَاعٍ قَرَقَرَتْ أَوْ كَرَتْ مَا كَانَتْ لِأَيُّدِي مِنْهَا فَصِيلًا وَاحِدًا، تَطَّوَّهُ بِأَخْفَافِهَا وَ تَعَضُّ بِأَفْوَاهِهَا كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ أَوْلَاهَا رُدَّ عَلَيْهِ أَخْرَافُهَا فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ الْعِبَادِ، فَيَرَى سَبِيلَهُ إِمَّا إِلَى الْجَنَّةِ وَ إِمَّا إِلَى النَّارِ. فَقَالَ: وَ هَكَذَا الْبَقَرُ وَ الْغَنَمُ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: دارای طلا و نقره‌ای (و همچنین اوراق مالی بهادار) نباشد که از آنها حقیقش را نداده باشد مگر آنکه سه روز قیامت ورقه‌ای از اوراق آتش داغ شود و بر آن دمیده گردد در میان دوزخ، پس بهمان اوراق داغ شود پهلو و پشت و پیشانی و هر زمان سرد شود مکرر شود در روزیکه مقدار آن پنجاه هزار سال است تا بین بندگان قضاوت شود پس ببیند راه خود را به سوی بهشت و یا به سوی آتش، عرض شد، یا رسول الله، پس شتر چه حکمی دارد؟ فرمود مالک شتری که حق آنرا ادا نکرده باشد و از جمله حق آن اینست که روز و رودش بر آب (یعنی ورود شتر به آب برای شرب) آنرا بدوشد (ور هگذر و فقرا را سیراب کند) مگر آنکه چون روز قیامت شود

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶ و ۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۷.

در زمین صافی که شتر او را دزد را گم نکنند برای او مهیا شود که شتران او را پامال کنند و دندان گیرند، هر زمان بر او بگذرند در آن روزی که مقدارش پنجاه هزار سال باشد، تا اینکه بین بندگان قضاوت شود، پس راه خود را یا به سوی بهشت و یا به سوی آتش بیند، پس رسول خدا (ص) فرمود: این چنین است در مورد گاو و گوسفند.

۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ، مُنِعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا! (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه زکات منع شود (یعنی مردم آنرا نپردازند) زمین برکات خود را منع کند.

### ۳- باب الزكاة في كل شيء

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: رِجَالٌ لَاتُلهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَابِيَعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ آيَاتِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا... (۱)

وَ قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ... (۲)

وَ قَالَ: وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَابِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ... (۳)

وَ قَالَ: ... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ... (۴)

وَ قَالَ: ... أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ... (۵)

وَ قَالَ: ... أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ... (۶)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۴
- (۲) قرآن / سوره نور / آیه ۳۷
- (۳) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۶۷
- (۴) قرآن / سوره انعام / آیه ۱۴۱
- (۵) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۵۴
- (۶) قرآن / سوره یس / آیه ۴۷
- (۷) قرآن / سوره حدید / آیه ۷

وَقَالَ: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا  
 مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (۱)  
 وَقَالَ: ...الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ أُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا... (۲)  
 وَقَالَ: وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ (۳)  
 وَقَالَ: وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ  
 فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ... (۴)  
 وَقَالَ: ...وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً  
 لَنْ تَبُورَ (۵)  
 وَقَالَ: وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلْسَائِلِ وَالْ  
 الْمَحْرُومِ (۶)  
 وَقَالَ: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا... (۷)

و آیات دیگر.

۰۰۰  
 ۱- عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ  
 فَرَضَ عَلَيَّ أَغْنِيَاءَ الْمُسْلِمِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ بِقَدْرِ الَّذِي يَسَعُ فُقَرَاءَهُمْ  
 وَلَنْ يَجْهَدَ الْفُقَرَاءُ إِذَا جَاعُوا وَعَرَوْا إِلَّا بِمَا يَصْنَعُ أَغْنِيَاءُهُمْ  
 أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ يَحْسِبُهُمْ حِسَابًا شَدِيدًا وَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا لِيَمًا (۸)  
 یعنی، از علی (ره) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: همانا  
 خداوند در اموال اغنیاء مسلمین بقدری که فقراء دروسعت باشند  
 فرض نمود، و هرگز فقراء هرگاه گرسنه و برهنه بمانند در رحمت  
 نیفتاده اند مگر آنکه اغنیای ایشان حقوق ایشان را ضایع  
 کرده اند، آگاه باشید که خدا اغنیاء را محاسبه و مواخذه کند به

- (۱) قرآن/سوره آل عمران/آیه ۹۲.
- (۲) قرآن/سوره انفال/آیه ۳.
- (۳) قرآن/سوره مؤمنون/آیه ۶۰.
- (۴) قرآن/سوره منافقون/آیه ۱۰.
- (۵) قرآن/سوره فاطر/آیه ۲۹.
- (۶) قرآن/سوره ذاریات آیات ۱۸ و ۱۹.
- (۷) قرآن/سوره توبه/آیه ۱۰۳.
- (۸) مجمع الزوائد و منبع الفوائد/ج ۳/ص ۶۲.

حساب سخت، و ایشان را عذاب نماید عذاب دردناکی.  
 (مؤلف گوید: در زمان ما عده‌ای از فقهاء زکات را در شتر و گاو و گوسفند غیر معلوفه و یا غیر موجوده و در طلا و نقره مسکوک معدوم و مانند آن قرار داده‌اند، باید از ایشان پرسید آیا با پرداخت چنین زکاتی احتیاجات فقرا و مصارف زکات را میتوان تأمین نمود. و بعلاوه آیات قرآن زکات را در همه چیز قرار داده، چنانکه بعضی از آن آیات ذکر شد، و در هیچ یک از آیات قرآن اسمی از شتر و گاو و یا طلا و نقره مسکوک که در موزه‌ها باید آنرا جست، نیامده است).

۲- قَالَ النَّبِيُّ (ص): هَاتُوا رُبْعَ عَشْرَ أَمْوَالِكُمْ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: یکچهارم آنیکدهم (یک چهلیم) اموال خود را از بابت زکات آورده بپردازید. (در این حدیث اموال شامل هر مالی می‌شود).

۳- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ: «أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ، فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَاللَّغْنَمِ وَمِنَ الْجَنْطِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالتَّزْبِيبِ وَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَعَفَى لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ (۲) وَ فِي رِوَايَةٍ: ثُمَّ لَمْ يَتَعَرَّضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلِ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا، فَأَمَرَ (ص) مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تَقْبَلُ صَلَاتِكُمْ، قَالَ: ثُمَّ وَجَّهَ عَمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عَمَّالَ الطَّسُوقِ (۳)

یعنی، از عبدالله بن سنان روایت شده که حضرت صادق (ع) فرمود: هنگامیکه آیه زکات که «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً (توبه/۱۰۳)» بود،

(۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۷

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳

در ماه رمضان نازل شد، رسول خدا (ص) منادی خود را امر فرمود که در بین مردم ندا کند که: خدا بر شما زکات را واجب نمود همچنانکه نماز را واجب کرد، پس خدا واجب نمود بر شما زکات را از طلا و نقره (پول رایج زمان) و شتر و گاو و گوسفند و از گندم و جو و خرما و کشمش، پس رسول خدا (ص) در ماه رمضان این مطلب را ندا داد، و از غیر اینها عفو فرمود، و در روایت دیگر آمده است که: سپس رسول خدا (ص) به چیزی از اموال ایشان متعرض نشد و زکاتی نگرفت تا اینکه سال بر ایشان گذشت و سال آینده آمد که روزه گرفتند و افطار کردند، آنگاه منادی رسول خدا (ص) در میان مسلمین ندا کرد که ای مسلمین زکات اموال خود را بدهید تا نماز شما قبول شود، سپس آنحضرت کارمندان صدقه و کارمندان اخذ خراج را اعزام داشت .

((بدانکه اجرای حکم زکات مانند بسیاری از احکام دیگر تدریجی بوده و همچنانکه رسول خدا ص در سایر تشریحات و اجرای او امر الهی مانند فرض نماز و تحریم مسکرات و تحریم ربا و حرمت زنا سیاست تدریج و مدارا را بکار میبرده است، در خصوص زکات نیز همان کار را نمود. پس چنانکه در حدیث فوق دیده میشود رسول خدا (ص) با احتیاط و مدارا مسئله زکات را به اجراء در آورده است، که اول وجوب زکات را اعلام و آنرا در اشیاء معدودی نام برد، یعنی اموالی که اکثریت داشت و از بقیه صرفنظر و عفو نمود، سپس یکسال آنرا بتأخیر انداخت و پس از یکسال فرمود: «زکوا أَمْوَالِكُمْ»، و پس از آن مأمورینی برای اخذ آن توأم با مأمورین اخذ خراج گسیل داشت. و بعلاوه پرداخت زکات بر مؤمنان در ابتدای امر بسی‌گران و مورد کراهت بود، ولذا طبق خبر فوق اگر صحیح باشد، رسول خدا (ص) ابتداءً آنرا به اشیاء معدودی منحصر نمود و سپس آنرا تعمیم داد، و با اضافه کلمه عفو صرفنظر از گناهی است که شخص مرتکب میشود و معنایش آن نیست که شخص برای همیشه آنرا مرتکب شود، و بعلاوه احادیث تسعه مخالف با کتاب خدا و

سُنَّتِ رسول و سیرهٔ مسلمین صدر اوّل است و نمی‌توان آنرا قبول کرد و از همان ائمهٔ امامیه که خبر فوق و مانند آن نقل شده اخبار دیگری آمده که ایشان زکات را در غیر اشیاء تسعه و از جمله در ارزن و برنج و عدس و کنجد و ذرت و تمام دانه‌ها و هر چه به پیمان و کیل درآید نیز واجب دانسته‌اند، هر کس بخواهد رجوع کند به کتاب زکات آقای قلمداران و یا به کتاب وسائل و مستدرک الوسائل، بنابراین از حدیث فوق چیزی استفاده نمی‌شود جز اینکه رسول خدا زکات را با مدارا و مماشات گرفته و در روزهای اوّل به اشیاء تسعه اکتفاء و از غیر آن عفو فرموده است. صرف نظر از اینکه جز اشیاء تسعه در جزیرهٔ عربستان چیز دیگر نبوده و دارائی مردم آن جزیره در ۱۴ قرن پیش شتر و گوسفند و پول رایجشان طلا و نقرهٔ مسکوک بوده است. و این مطلب روشن است چنانکه از ابوبصیر روایت شده که گوید: از حضرت صادق (ع) همان کسیکه حدیث فوق از او نقل شده (سؤال کردم: «هَلْ فِي الْأَرْضِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيُقَالُ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ عَامَّةُ خُرَاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ»<sup>(۱)</sup>)، آیا در برنج هم زکات است؟ حضرت فرمود: آری، آنگاه فرمود: مدینه در آن روزی که زکات وضع میشد برنجزار نبود تا گفته شود که زکات بر آن واجب است و لکن خدا در آن زکات را قرار داده است و چگونه در آن زکات نباشد و حال اینکه تمام خراج عراق از برنج است، و در خبر دیگر از یونس بن عبدالرحمن نقل شده که: «مَعْنَى قَوْلِهِ إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءٍ وَعَفَى عَمَّا سِوَى ذَلِكَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النَّبُوءَةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ مِنْهَا سَبْعَ رُكْعَاتٍ وَ كَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَضَعَهَا وَ سَنَّهَا فِي أَوَّلِ نُبُوتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءٍ ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحَبُوبِ»<sup>(۲)</sup>، یعنی، معنای قول امام که زکات در نه چیز بود، و از غیر آن عفو نمود، همانا آن وضع، در اوّل نبوت (دستور زکات) بود چنانکه نماز هم دو رکعت بود، سپس رسول خدا (ص) در آن

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۴۱.

(۲) فروع کافی / ج ۳ / ص ۵۰۹.



هفت رکعت در شبانه روز اضافه کرد همچنين زکات نيز در اول نبوتش در نه چیز بود و آنگاه بر جميع حبوب وضع کرد، یعنی در اين مورد رعایت مدارا و مماشات نموده طريق تدریج تسامح را پيمود).

۴- ج عن ابن عباس (رض) أن النبي (ص) قال لمعاذ بن جبل حين بعته إلى اليمن: إنك ستأتي قوماً أهل كتاب، فإذا جئتهم فادعهم إلى أن يشهدوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله، فإن هم أطاعوا لك بذلك فأخبرهم أن الله قد فرض عليهم خمس صلوات في كل يوم وليلة، فإن هم أطاعوا لك بذلك فأخبرهم أن الله قد فرض عليهم صدقة تؤخذ من أغنيائهم فترد على فقرائهم، فإن هم أطاعوا لك بذلك فإياك وكرائم أموالهم واتق دعوة المظلوم، فإنها ليس بينها وبين الله حجاباً<sup>(۱)</sup>

یعنی، روایت شده از ابن عباس که رسول خدا (ص) به معاذ بن جبل هنگامیکه او را به یمن فرستاد، فرمود: تو میروی نزد قومی از اهل کتاب، پس چون نزد ایشان وارد شدی، دعوتشان کن به توحید و رسالت من، پس اگر اطاعت کردند به این مطلب، پس به ایشان خبر ده که برای شان خدا واجب کرده در هر شبانه روزی پنج نماز، پس اگر در این مورد هم تورا اطاعت نمودند، خبرشان کن که خدا برای شان زکات واجب کرده که از اغنیای ایشان گرفته شود و به فقرايشان داده شود، پس اگر در این مورد هم تورا اطاعت کردند پس اجتناب کن از اینکه اموال زبده ایشان را بابت زکات بگیری، و از دعوت مظلوم بپرهیز، زیرا بین دعای مظلوم و خدا حجابی نیست. (در این حدیث نیز روشن است که رسول خدا ص جا نب احتیاط را می پیموده و با مردم از ترس خطر ارتداد مماشات مینموده است، و ما موریت معاذ در سال نهم هجرت بوده).

۵- ش قال رسول الله (ص): ملعون ملعون كل مال لا يزكي<sup>(۲)</sup>.  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر مالیکه زکات آن داده نشود، ملعون است ملعون است.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۰۳

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۴ و ۱۶

ع- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مِنْ ذِي زَكَاةٍ مَالٍ نَخْلُ أَوْ زُرْعٍ أَوْ كَرْمٍ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَا فِيهِ إِلَّا قَلَدَهُ اللَّهُ تَرَبَةً أَرْضِهِ يَطُوقُ بِهَا مِنْ سَبْعِ أَرْضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هیچ صاحب زکات مالی چه نخل چه زراعت چه تاک انگوری که زکات مال خود را ندهد نیست مگر آنکه خاک زمین او را به گردن او بیندازد که طوق گردن او شود تا طبقه هفتمین زمین تا روز قیامت .

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اموال خود را به دادن زکات حفظ کنید .  
۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): كُلُّ مَالٍ يُودَى زَكَاتَهُ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ وَإِنْ كَانَ تَحْتَ سَبْعِ أَرْضِينَ، وَكُلُّ مَالٍ لِيُودَى زَكَاتَهُ فَهُوَ كَنْزٌ وَإِنْ كَانَ فَوْقَ الْأَرْضِ (۳) وَفِي رِوَايَةٍ: مَا أَدَى زَكَاتَهُ فَلَيْسَ بِكَنْزٍ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر مالی که زکاتش داده شود پس آن گنج نیست و اگر چه زیر هفت طبقه زمین باشد، و هر مالی که زکات آن ادا نشود پس آن گنج است و اگر چه روی زمین باشد . و در روایت دیگر فرمود: آنچه زکاتش داده شود گنج محسوب نگردد . (بنا بر این هر مالی که زکاتش داده نشود در حکم گنجی باشد که خدا به جمع کنندگان آن در سوره توبه آیه ۳۴ وعده عذاب داده است . و اختصاص به طلا و نقره ندارد و اسکناس و سایر اوراق بهادار نیز حکم طلا و نقره داشته و باید زکات آنها نیز داده شود) .

۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الدِّينَارُ وَالدِّرْهَمُ أَهْلَاكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مَهْلَاكُكُمْ (۵)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: درهم و دینار پیشینیان شما را به هلاکت رسانید و همین دو شما را نیز هلاک خواهد کرد .

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۴  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۶ و ۱۶  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۶  
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۰۶  
(۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۰۲۶

۱۰- عَنْ مُوسَى بْنِ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَرَأْتُ كِتَابَ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ حِينَ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْيَمَنِ فَكَانَ فِيهِ أَنْ تُؤْخَذَ الصَّدَقَةُ مِنَ الْحِنْطِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ وَالدَّرَّةِ<sup>(۱)</sup> یعنی، از موسی بن طلحه بن عبدالله روایت شده که گفت: من نامه معاذ بن جبل را هنگامی که رسول خدا (ص) او را به طرف یمن فرستاد خواندم، در آن آمده بود که از گندم و جو و خرما و کشمش و ذرت، زکات اخذ نماید.

۱۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ اللَّهُ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِي الْفُقَرَاءَ فَإِذَا جَاعَ الْفُقَرَاءُ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُخَاسِبَ الْأَغْنِيَاءَ وَيَكْتَبَهُمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ عَلَى وُجُوهِهِمْ<sup>(۲)</sup>. یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا خداوند براغنیاء باندازه‌ای که فقرا را کفایت نماید (زکات) واجب نموده است، پس هرگاه فقراء گرسنه بمانند حقا است بر خدا که از اغنیاء حساب بکشد و ایشان را نگویند بر صورتشان به آتش جهنم وارد سازد.

۱۲- عَنْ أَنَسٍ قَالَ: فَرَضَ مُحَمَّدٌ (ص) فِي أَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا<sup>(۳)</sup>. یعنی، از انس روایت شده که گفت: محمد (ص) در اموال مسلمانان در هر چهل درهم، یکدرهم واجب نمود.

((مؤلف گوید: در این حدیث و مانند آن مراد از درهم و دینار، پول مسکوک نیست، بلکه مراد سنجش اشیاء به پول رایج زمان است. و اینکه عده‌ای از فقهاء گویند پولی زکات دارد که اولاً طلا و نقره باشد ثانیاً مسکوک و منقوش باشد، ثالثاً یکسال درکناری بصورت ذخیره نهاده شده باشد، باید به ایشان گفت چنین پولی در زمان ما یافت نمی‌شود و طلا و نقره مسکوک در تمام دنیا از وسیله مبادله خارج شده و اسکناس و اوراق بهادار جای آنها را گرفته است و حکم طلا و نقره دارند (چنانکه در مقابل اسکناس طلا و نقره می‌گیریم). بنا بر این مقصود از نقدین پول رایج در هر زمان است (چه اسکناس و چه

(۱) فتوح البلدان / ص ۸۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۹۹.

(۲) تاریخ یعقوبی / ج ۲ / ص ۶۰.

(۳) مجمع الزوائد / ج ۳ / ص ۷۰.

تضمینی و چه دلارو لییره وجه غیر اینها) و چون در زمان رسول خدا (ص) پول کاغذی رایج نبوده و همان درهم و دینار نقره و طلا رایج بوده لذا سخن از درهم و دینار رفته است. باعث تأسف است در زمانیکه بشر اتم را شکافته و به فضا می رود، هنوز عدّه ای زکات را فقط شامل شتروگا و غیر معلوفه و طلا و نقره مسکوک معدوم و امثال اینها می دانند))

۱۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَيْسَ الْأَوْسَاقُ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَ قَالَ: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبُقُولِ، وَ كُلُّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ (۱)

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: هر چه به صاع کیل و پیمان شود و چند وسق برسد بر آن زکات است، و فرمود، رسول خدا (ص) زکات را در هر چیزی که زمین برویاند قرار داد مگر در سبزی و تره جات و هر چیزی که در همان روز فاسد میشود (اگر یماند). و مقصود از وسق، شصت صاع است و اوساق در این خبر پنج وسق است. و پنج وسق چنانکه از تحقیقات آقای دکتر قرضاوی در کتاب فقه الزکاة استفاده میشود، برابر با ۶۵۳ کیلوگرم است).

۱۴- ج عَنْ مُعَاذٍ (رَضِيَ) أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) يَسْأَلُهُ عَنِ الْخَضِرَاوَاتِ، وَ هِيَ الْبُقُولُ؟ فَقَالَ: لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ (۲)

یعنی، از معاذ روایت شده که به رسول خدا (ص) نوشت و سؤال نمود از سبزیجات که زکاتی دارند؟ رسول خدا (ص) فرمود: در آنها چیزی نیست.

۱۵- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فِيمَا سَقَتِ الْأَنْهَارُ وَالْعِيُونُ وَالْغِيُوثُ أَوْ كَانَ بَعْلًا الْعُشْرُ وَ فِيمَا سُقِيَ بِالسَّوَانِي وَ النَّاصِحِ نِصْفُ الْعُشْرِ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در آنچه با جویها و چشمه سارها و بارانها آبیاری میشود یا از ریشه آب می گیرد یکدهم (زکات) است و در

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۴۰ و ۴۴  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۱۹  
 (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۹ و التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۷

آنچه بوسیله دلوها و شتران با رکش آبیاری شود یک بیستم است . (مؤلف گوید، به مضمون فوق احادیث زیادی وارد شده که بروشنی از آنها استفاده میشود زکات در تمام آنچه از زمین میروید واجب است و چیزی استثناء نیست و سخنی از غلات اربع و انحصار به آنها نمیباشد و نباید هم باشد زیرا محصولات غذایی در جهان منحصر به غلات اربع نیست و در بسیاری از بلاد جهان گندم و جو قوت مردم نیست بلکه برنج و ارزن و سایر حیویات غذای مردم است . پس اگر در بعضی از روایات مورد مثال گندم و جو می باشد بخاطر آنستکه این محصول در حجاز معروف و روشن بوده ، و گاه نیز روی قاعده تغلیب از آنها نام برده شده است ) .

۱۶- عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ، قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيَّ الْيَمَنِ، وَأَمَرَنِي أَنْ أَخَذَ مِمَّا سَقَتِ السَّمَاءُ، وَ مَا سَقَى بَعْلًا، الْعَشْرَ، وَ مَا سَقَى بِالدَّوَالِي نِصْفَ الْعَشْرِ (۱)

یعنی، از معاذ بن جبل روایت شده که گفت : رسول خدا (ص) مرا به طرف یمن فرستاد و مرا امر فرمود که از آنچه بوسیله آسمان آبیاری میشود و یا از ریشه آب از زمین میگیرد یکدهم اخذ کنم ، و از آنچه با دلوهها آبیاری میشود یک بیستم اخذ کنم .

۱۷- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَ الْعَيْونُ الْعَشْرُ وَ فِيمَا سَقَى بِالنُّضْحِ، نِصْفَ الْعَشْرِ (۲)

معنای حدیث فوق همان مضمون احادیث ۱۶ و ۱۷ است .  
۱۸- عَنْ سَالِمٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: فِيمَا سَقَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَنْهَارُ وَ الْعَيْونُ، أَوْ كَانَ بَعْلًا، الْعَشْرُ وَ فِيمَا سَقَى بِالسَّوَانِي، نِصْفَ الْعَشْرِ (۳)

ترجمه حدیث فوق نیز همان احادیث قبل است .  
۱۹- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ، زَكُوا أَمْوَالَكُمُ تُقْبَلُ صَلَاتُكُمْ (۴). وَ قَالَ: مَنْ أَدَّى

- (۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۵۸۱ .  
(۲) و (۳) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۵۸۱ .  
(۴) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۰۷ .

زَكَاةَ مَا لِيهِ فَقَدْ ذَهَبَ عَنْهُ شَرُّهُ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدا بر شما زکات را واجب نمود همچنانکه نماز را واجب نمود، زکات اموالتان را بدهید تا نمازتان قبول شود، و نیز آنحضرت فرمود: هرکس زکات مال خود را بپردازد حرص و آز او از بین میرود.

۲۰- قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَجْسَادِ الصِّيَامُ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای هر چیزی زکاتی مقرر است و زکات جسد ها روزه است.

۲۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَصْحَابِهِ: إِنَّ لِلَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ حَقًّا إِذَا بَلَغْتَ إِلَى حَدِّهَا (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود: همانا برای خدا در اموال شما حقی است هرگاه به حد (نصاب) خود برسد.

۲۲- قَالَ النَّبِيُّ (ص): وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا خَانَ اللَّهُ أَحَدٌ شَيْئًا مِنْ زَكَاةٍ مَا لِيهِ إِلَّا مُشْرِكًا بِاللَّهِ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: قسم به آنکسیکه جان محمد به دست اوست، هیچکس نسبت به زکات مالش به خدا خیانت ننمود مگر اینک به خدا مشرک گردید.

۲۳- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ فِيهَا دُونَ مَا تَأْتِي دِرْهَمٌ زَكَاةً (۵) وَقَالَ: لَيْسَ فِيهَا دُونَ خَمْسَةِ أَوْسُقٍ صَدَقَةً (۶)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در کمتر از دو بیست درهم زکاتی نیست و فرمود: در کمتر از پنج وسق زکاتی نیست.

۲۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَيْسَ عَلَى الْمُسْلِمِ فِي عِبْدِهِ وَ لِأَفْرَسِهِ صَدَقَةٌ (۷)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بر ذمه مسلم درباره بنده او و اسب او

- 
- (۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۰۶  
 (۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۲  
 (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۲۰  
 (۴) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۰۹  
 (۵) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۷  
 (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۹  
 (۷) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۱۹۲

زکاتی نیست . و در روایت دیگر فرمود: لَيْسَ فِي الْعَبْدِ صَدَقَةٌ إِلَّا صَدَقَةُ الْفِطْرِ (۱) یعنی، در بنده زکات نیست مگر زکات فطر .  
 ۲۴- عَنْ عَلِيٍّ (ع) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَفَا عَنِ الدُّورِ وَالْخَدَمِ وَالْكِسْوَةِ وَالْأَثَاثِ مَا لَمْ يَرِدْ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ التَّجَارَةَ (۲)  
 یعنی، از علی (ع) روایت شده که: رسول خدا (ص) زکات را از خانه‌ها و خدمتگزاران و پوشش و اثاث‌البیت مادامیکه چیزی از آنها مورد تجارت نشود عفو فرمود .

۲۵- ش عَنِ الرَّضَا (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص): قَالَ عَفَوْتُ لَكُمْ عَنْ زَكَاةِ الْخَيْلِ وَالرَّقِيقِ (۳)

یعنی، حضرت رضا (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: از زکات اسب و بندگان گذشتم (البته این در صورتی است که این دو برای تجارت نباشند و الا در این دو نیز زکات است . و بدانکه عده‌ای از فقها زکات را در سبزیجات نیز واجب می‌دانند و استدلال کرده‌اند به عموم نصوص در اینموارد مانند قول خدای تعالی که فرموده: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً»، «وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»، «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ»، «وَقَوْلِ رَسُولِ خُدا (ص) که فرموده: «فِي مَا سَقَتِ السَّمَاءُ الْعُشْرُ...».

۲۶- ج سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ الْحَمِيرِ أَفِيهَا زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: مَا جَاءَ نَبِيٍّ فِيهَا شَيْءٌ إِلَّا هَذِهِ الْآيَةُ الْفَادَةُ - فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ - وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ - (۴)

یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال شد آیا در درازگوشها نیز زکات است؟ پس رسول خدا (ص) فرمود: در این مورد چیزی نازل شده مگر این آیه جامع که: «هرکس با اندازه ذره‌ای کار نیک کند آنرا می‌بیند، و هرکس بقدر ذره‌ای عمل شری کند آنرا ببیند». (الزَّلْزَالُ/ ۸ و ۷) .  
 (بنابراین در الاغ و استر و قاطر نیز زکاتی نیست مگر آنکه برای تجارت باشد که در این صورت در اینها نیز زکات است . و بنا بر آنچه

(۱) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۱۰

(۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۲ و مسند الاما مزید / ص ۱۹۲

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۵۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۳۴ و مسند الاما مزید / ص ۱۹۲

(۴) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۱۰

گذشت، اگر در بعضی از احادیث سخن از عفو رفته است، این عفو چنانکه از احادیث دیگر استفاده میشود درباره خیل مسومه و بقر عوامل و ایل تواضح و اثاث البیت بوده است. و بجاست که این عفو امروزه هم مورد توجه قرار گیرد. برای توضیح بیشتر در این مورد رجوع شود به کتاب زکات آقای قلمداران).

#### ۴- باب زکاة الایل

۱- ج عَنْ أَبِي ذَرٍّ (رض) قَالَ: انْتَهَيْتُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ أَوْ وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا غَيْرُهُ أَوْ كَمَا حَلَفَ مَا مِنْ رَجُلٍ تَكُونُ لَهُ إِبِلٌ أَوْ بَقَرٌ أَوْ غَنَمٌ لِأَيُّدِي حَقَّهَا إِلَّا أَتَى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْظَمَ مَا تَكُونُ وَ أَسْمَنَهُ تَطَوُّهُ بِأَخْفَافِهَا وَ تَنْطِحُ مَسَّهُ بِقُرُونِهَا كُلَّمَا جَازَتْ أَخْرَاهَا رُدَّتْ عَلَيْهِ أَوْلَاهَا حَتَّى يُقْضَى بَيْنَ النَّاسِ (۱)

یعنی، روایت شده از ابی ذر از رسول خدا (ص) که فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست که مردی دارای شتر و یا گاو و یا گوسفندی که حق آنرا ادا نکرده نباشد جز آنکه روز قیامت آنها را بطور بزرگتر و چاقتر بیاورند و او را با سمها پامال کنند و با شاخها بزنند، هر زمان که آخر آنها بگذرند از اوّل برگردانیده شوند تا بین مردم قضاوت انجام گیرد. (وبهمین مضمون در کتاب مستدرک نیز روایت شده (۲)).

۲- عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَقْرَأَنِي سَالِمٌ كِتَابًا كَتَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي الصَّدَقَاتِ قَبْلَ أَنْ يَتَوَفَّاهُ اللَّهُ. فَوَجَدْتُ فِيهِ: «فِي خَمْسٍ مِنَ الْإِبِلِ شَاهٌ، وَ فِي عَشْرِ شَاتَانِ، وَ فِي خَمْسٍ عَشْرَةَ ثَلَاثُ شِيَاهٍ، وَ فِي عَشْرِينَ أَرْبَعُ شِيَاهٍ، وَ فِي خَمْسِي وَعِشْرِينَ بِنْتُ مَخَاضٍ، إِلَى خَمْسِي وَ ثَلَاثِينَ. فَإِنْ لَمْ تَوْجَدْ بِنْتُ مَخَاضٍ، فَابْنُ لَبُونٍ، ذَكَرٌ، فَإِنْ زَادَتْ عَلَى خَمْسِي وَ ثَلَاثِينَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹

(۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۰۸



وَاحِدَةً، فَفِيهَا بِنْتُ لَبُونٍ، إِلَى خُمْسَةٍ وَ أَرْبَعِينَ. فَإِنْ زَادَتْ، عَلَى خُمُسٍ وَ أَرْبَعِينَ، وَاحِدَةً، فَفِيهَا حِقَّةٌ إِلَى سِتِّينَ، فَإِنْ زَادَتْ، عَلَى سِتِّينَ وَاحِدَةً، فَفِيهَا جَذَعَةٌ، إِلَى خُمُسٍ وَ سَبْعِينَ. فَإِنْ زَادَتْ، عَلَى خُمُسٍ وَ سَبْعِينَ، وَاحِدَةً، فَفِيهَا ابْنَتَا لَبُونٍ إِلَى تِسْعِينَ. فَإِنْ زَادَتْ، عَلَى تِسْعِينَ، وَاحِدَةً، فَفِيهَا حِقَّتَانِ، إِلَى عَشْرِينَ وَ مِائَةٍ، فَإِذَا كَثُرَتْ، فَفِي كُلِّ خُمُسِينَ حِقَّةٌ، وَ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ بِنْتُ لَبُونٍ» (۱).

یعنی، روایت شده از ابن شهاب از سالم بن عبدالله از پدرش از پیغمبر (ص) که (ابن شهاب گوید) سالم برای من قرائت کرد نامه ای را که رسول خدا (ص) قبل از وفات خود درباره صدقات نوشته بود، پس در آن نامه آمده بود که: در هر پنج شتر، یک گوسفند است. و در هر ده شتر دو گوسفند. و در هر پانزده شتر سه گوسفند، و در هر بیست شتر چهار گوسفند، و در هر بیست و پنج شتر تا برسد به سی و پنج شتر، یک بِنْتُ مَخَاضِ است (مقصود بجه شتر ماده ای است که سال اول او تمام و داخل سال دوم شده باشد). پس اگر بِنْتُ مَخَاضِ یافت نشود، پس ابْنُ لَبُونِ نر باشد (یعنی، شتر نری که سال دوم او تمام و داخل سال سوم گردیده باشد)، پس چون بر سی و پنج شتر، یکی زیاد شد تا چهل و پنج شتر در آن یک بِنْتُ لَبُونِ است (شتر ماده ای که سال دوم او تمام و داخل سال سوم شده باشد)، پس هرگاه بر چهل و پنج یکی زیاد شد تا شصت شتر، پس در آن یک حِقَّةٌ است (یعنی، شتر ماده ای که سال سوم او تمام و داخل سال چهارم شده باشد)، پس هرگاه بر شصت شتر یک شتر اضافه شد تا برسد به هفتاد و پنج شتر، در آن یک جَذَعَةٌ است، (یعنی شتر ماده ای که سال چهارم او تمام و داخل سال پنجم شده باشد) پس هرگاه بر هفتاد و پنج یکی زیاد شد تا برسد به نود و یک زکات آن دو بِنْتُ لَبُونِ است، و چون بر نود و یک زیاد شد تا برسد به صد و بیست، در آن دو حِقَّةٌ است، و چون زیادتر از صد و بیست شد، پس در هر پنجاه شتر یک حِقَّةٌ، و در هر چهل شتر، یک بِنْتُ لَبُونِ است.

۲- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «الْبَيْتُ

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۵۷۳ و ۵۷۴ و المصنف / ج ۴ / ص ۵۰۴.

فِيْمَا دُونَ خَمْسٍ مِنَ الْاَيْلِ صَدَقَةٌ. وَ لِاَيِّ الْاَرْبَعِ شَيْءٌ. فَاِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا  
فَفِيْهَا شَاةٌ اِلَى اَنْ تَبْلُغَ تِسْعًا. فَاِذَا بَلَغَتْ عَشْرًا، فَفِيْهَا شَاتَانِ،  
اِلَى اَنْ تَبْلُغَ اَرْبَعَ عَشْرَةَ. فَاِذَا بَلَغَتْ خَمْسَ عَشْرَةَ، فَفِيْهَا ثَلَاثُ شِيَاةٍ،  
اِلَى اَنْ تَبْلُغَ تِسْعَ عَشْرَةَ. فَاِذَا بَلَغَتْ عَشْرِيْنَ، فَفِيْهَا اَرْبَعُ شِيَاةٍ،  
اِلَى اَنْ تَبْلُغَ اَرْبَعًا وَعِشْرِيْنَ. فَاِذَا بَلَغَتْ خَمْسًا وَعِشْرِيْنَ، فَفِيْهَا  
بِنْتُ مَخَاضٍ، اِلَى خَمْسٍ وَ ثَلَاثِيْنَ. فَاِذَا لَمْ تَكُنْ بِنْتُ مَخَاضٍ فَاِبْنُ  
لَبُوْنٍ، ذَكَرٌ. فَاِنْ زَادَتْ بَعِيْرًا، فَفِيْهَا بِنْتُ لَبُوْنٍ، اِلَى اَنْ تَبْلُغَ خَمْسًا  
وَ اَرْبَعِيْنَ. فَاِنْ زَادَتْ بَعِيْرًا، فَفِيْهَا حِقَّةٌ، اِلَى اَنْ تَبْلُغَ سِتِّيْنَ. فَاِنْ  
زَادَتْ بَعِيْرًا، فَفِيْهَا جَذَعَةٌ. اِلَى اَنْ تَبْلُغَ خَمْسًا وَ سَبْعِيْنَ. فَاِنْ  
زَادَتْ بَعِيْرًا، فَفِيْهَا بِنْتُ لَبُوْنٍ، اِلَى اَنْ تَبْلُغَ تِسْعِيْنَ. فَاِنْ زَادَتْ  
بَعِيْرًا، فَفِيْهَا حَقَّتَانِ، اِلَى تَبْلُغَ عِشْرِيْنَ وَ مِائَةً. ثُمَّ فِيْ كُلِّ خَمْسِيْنَ،  
حِقَّةٌ. وَ فِيْ كُلِّ اَرْبَعِيْنَ، بِنْتُ لَبُوْنٍ (۱).

یعنی، از ابی سعید خدری روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: در  
کمتر از پنج شتر زکاتی نیست و نه در چهار شتر چیزی. پس چون به پنج  
شتر رسید در آن گوسفندی است تا برسد به نه شتر. پس چون به ده شتر  
رسید در آن دو گوسفند است تا برسد به چهار ده، پس چون به پانزده  
شتر رسید در آن سه گوسفند است تا به نوزده شتر برسد. پس چون به  
بیست شتر رسید در آن چهار گوسفند است، تا برسد به بیست و چهار  
شتر. پس چون به بیست و پنج شتر رسید در آن بِنْتُ مَخَاضِ است تا  
برسد به سی و پنج شتر، پس هرگاه بِنْتُ مَخَاضِ نبود پس اِبْنُ لَبُوْنِ نر.  
پس چون (برسی و پنج) یک شتر زیاد شد در آن یک بنت لبون است تا  
برسد به چهل و پنج شتر. پس چون (برچهل و پنج) یک شتر زیاد شد،  
در آن یک حِقَّة است تا برسد به شصت شتر، و چون (برشصت) یک شتر  
زیاد شد در آن یک جَذَعَة است تا برسد به هفتاد و پنج. پس چون (بر  
هفتاد و پنج) یک شتر زیاد شد در آن دَوِيْنَةُ لَبُوْنِ است تا برسد به  
نود. پس چون (برنود) یک شتر زیاد شد در آن دَوِيْنَةُ است تا برسد به  
صد و بیست. پس از آن در هر پنجاه شتر، یک حِقَّة و در هر چهل شتر، یک

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۵۷۴

بِنْتِ لَبُونِ اسْتِ . (مثلاً در ۱۳۰ شتر، دویست لبون و یک حقه است .  
و در ۱۴۰ شتر، زکات آن، دو حقه و یک بنت لبون است ) .

## ۵- باب زکاة الغنم

۱- عَنْ ابْنِ شِهَابٍ ، عَنْ سَالِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ : أَقْرَأَنِي سَالِمٌ كِتَابًا كَتَبَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي الصَّدَقَاتِ قَبْلَ أَنْ يَتَوَفَاهُ اللَّهُ . فَوَجَدْتُ فِيهِ : «فِي أَرْبَعِينَ شَاةً ، شَاةً إِلَى عِشْرِينَ وَمِائَةٍ . فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً ، فَفِيهَا شَاتَانِ ، إِلَى مِائَتَيْنِ . فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا ثَلَاثُ شِيَاهٍ ، إِلَى ثَلَاثِ مِائَةٍ . فَإِذَا كَثُرَتْ ، فَفِي كُلِّ مِائَةٍ شَاةٌ .» (۱)

یعنی، روایت کرده ابن شهاب از سالم بن عبدالله، از پدرش از رسول خدا (ص) که (ابن شهاب گوید) سالم برای من قرائت نمود نامه ای را که رسول خدا (ص) قبل از وفات خود درباره صدقات نوشته بود، پس در آن نامه یافتیم که: در چهل گوسفند، تا صد و بیست گوسفند، یک گوسفند زکات است، پس هرگاه (بر صد و بیست) یک رأس زیاد شد، در آن، دو گوسفند زکات است، تا برسد به دویست گوسفند، پس هرگاه (بر دویست رأس) یک رأس زیاد شد، در آن، سه گوسفند است تا برسد به سیصد (گوسفند که حکم چنین است) پس چون زیادتر از این مقدار شد پس در هر صد رأس گوسفند، یک گوسفند است . (مثلاً در چهار صد رأس، گوسفند، چهار گوسفند است ) .

## ۶- باب زکاة البقر

۱- ج عَنْ مُعَاذٍ قَالَ : بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْيَمَنِ ، وَ أَمَرَنِي أَنْ أَخُذَ مِنْ كُلِّ ثَلَاثِينَ بَقْرَةً تَبِيعًا أَوْ تَبِيعَةً ، وَ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ مِائَةً (۲)

(۱) سنن ابن ماجه / ج ۱ / ص ۵۷۷ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲ .

یعنی، روایت شده از مُعَاذِ که گفت: رسول خدا (ص) مرا به سوی یمن فرستاد و امر فرمود که از هر سی رأس گاو، یک رأس تبیع یا تبیعَه (گوساله‌ای که یکسال او تمام و داخل سال دوم شده است) دریافت دارم، و از هر چهل گاو یک رأس مُسَنَّهُ (گوساله ماده‌ای که داخل سال سوم شده باشد) دریافت دارم.

۲- ج عَنْ مُعَاذِ (رض) قَالَ: أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَلَّا أَخُذَ مِنَ الْبَقَرِ شَيْئًا حَتَّى تَبْلُغَ ثَلَاثِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ ثَلَاثِينَ فَفِيهَا عِجْلٌ تَابِعٌ جَدَعٌ أَوْ جَدَعَةٌ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ فَفِيهَا بَقْرَةٌ مُسَنَّةٌ (۱)

یعنی، از مُعَاذِ روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) مرا امر کرد که از گاو چیزی نگیرم تا به سی برسد، پس چون به سی رأس رسید، در آن گوساله ایست دنباله رو جَدَعٌ یا جَدَعَه (گوساله‌ای که یکسال او تمام و داخل سال دوم شده) و چون به چهل رسید زکات آن گاو مُسَنَّهُ است. (بنابراین در شصت گاو باید دو تبیع یا تبیعَه دهد و مثلاً در هفتاد باید یک تبیع و یک مُسَنَّهُ بدهد و هکذا).

## ۷- باب الجمع بين المتفرق والتفريق بين المجتمع

۱- ج عَنْ أَنَسٍ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ كَتَبَ لَهُ الَّتِي فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ لَا يَجْمَعُ بَيْنَ مُتَفَرِّقٍ، وَ لَا يَفْرُقُ بَيْنَ مُجْتَمِعٍ خَشِيَةَ الصَّدَقَةِ، وَ مَا كَانَ مِنْ خَلِيطَيْنِ فَإِنَّهُمَا يَتَرَا جَعَانِ بَيْنَهُمَا بِالسُّوَيْفِ (۲)

یعنی، از انس روایت شده که ابوبکر نوشت برای او آنچه رسول خدا (ص) واجب نموده که: از ترس زکات بین متفرق جمع نشود و بین مجتمع تفرقه نشود، (مثلاً دو نفر مالک گوسفند که هر کدام چهل رأس گوسفند دارند، و برای هر کدام یک رأس گوسفند زکات واجب است نمی‌توانند گوسفندان خود را با هم جمع و مخلوط کنند و سپس بنزد

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲ و ۱۳.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۰.

کتاب الزکاة (باب الجمع بين المتفرق والتفریق بين المجتمع) ۹۱۱

عامل زکات آمده و نصاب ۸۰ گوسفند را حساب نموده، و یک گوسفند زکات دهند، و همچنین دونفر شریکی که هرکدام صدویک گوسفند دارند و هنگام اجتماع گوسفندان که دویست و دو رأس میشود، و در آن سه رأس گوسفند زکات است، نمی‌توانند هرکدام مال خود را جدا نموده و یک رأس گوسفند زکات بدهد پس چنین اعمالی را انجام ندهند، بخاطر ترس و فرار از زکات، بلکه زکات مال خود را با رغبت و میل بپردازند، و آنچه بین دوشریک است پس ایشان بین خود به سویی و عدالت برمیگردند (یعنی هر شریک به نسبت مال خود، باید زکات دهد. پس اگر دونفر شریک هرکدام بیست گوسفند و رویهم چهل گوسفند دارند، و یکی از ایشان یک گوسفند زکات داد باید شریک دیگر نصف قیمت آنرا به او بدهد). و بهمین مضمون در کتاب مستدرک نیز ذکر شده است (۱)

۸- باب العوض إذا فقد المطلوب

۱- ج عَنْ أَنَسٍ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ كَتَبَ لَهُ قَرِيضَةَ الصَّدَقَةِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ رَسُولَهُ (ص): مَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ مِنَ الْإِبِلِ صَدَقَةُ الْجَذَعِ وَلَيْسَتْ عِنْدَهُ جَذَعٌ وَعِنْدَهُ حِقَّةٌ، فَأَتَاهَا تُقْبَلُ مِنْهُ الْحِقَّةُ، وَ يَجْعَلُ مَعَهَا شَاتَيْنِ إِنْ اسْتَيْسَرَتْ لَهُ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَمًا، وَمَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ صَدَقَةُ الْحِقَّةِ وَلَيْسَتْ عِنْدَهُ الْحِقَّةُ وَعِنْدَهُ الْجَذَعُ، فَأَتَاهَا تُقْبَلُ مِنْهُ الْجَذَعُ، وَ يُعْطِيهِ الْمَصَدِّقُ عِشْرِينَ دِرْهَمًا أَوْ شَاتَيْنِ، وَمَنْ بَلَغَتْ عِنْدَهُ صَدَقَةُ الْحِقَّةِ، وَلَيْسَتْ عِنْدَهُ إِلَّا بِنْتُ لَبُونٍ فَأَتَاهَا تُقْبَلُ مِنْهُ وَ يُعْطَى شَاتَيْنِ أَوْ عِشْرِينَ دِرْهَمًا... الخ. (۲)

یعنی، از انس روایت شده که ابوبکر به او نوشت زکات واجبی که خدا رسول خود را به آن امر کرده، این است که کسیکه شتر او برسد به حدی که باید جذعه بدهد در حالیکه جذعه ندارد، میتواند حقه بدهد و دو گوسفند ضمیمه آن کند اگر برای او میسر است و یا

(۱) مستدرک الوسائل/ ج ۱/ ص ۵۱۵

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۳ و ۱۴

اینکه بیست درهم بدهد، و کسیکه زکات آن بحدی است که باید حقه بدهد در حالیکه حقه ندارد ولی جذعه دارد همان جذعه از او قبول میشود ولی گیرنده زکات بها و بیست درهم و یا دوگوسفند بدهد، و کسیکه زکات او حقه است و موجود ندارد جز بنت لبون، همان بنت لبون از او قبول میشود ولی دوگوسفند یا بیست درهم باید ضمیمه آن نموده و عطا کند... (تا آخر حدیث که وقتی نمی‌تواند شتر مخصوصی را بعنوان زکات دهد میتواند معادل آن را از پول یا حیوان دیگر بپردازد). و بهمین مضمون در کتاب مستدرک نیز اشاره گردیده است (۱)

## ۹- باب شروط زکات الماشیة

۱- ج عَنْ أَنَسٍ أَنَّ أَبَا بَكْرٍ كَتَبَ لَهُ الصَّدَقَةَ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ رَسُولَهُ (ص): وَ لَا يُخْرَجُ فِي الصَّدَقَةِ هِرْمَةٌ وَ لَا ذَاتُ عَوَارٍ وَ لَا تَيْسٌ إِلَّا مَا شَاءَ الْمُصَدِّقُ (۲)

یعنی، روایت شده از انس که ابوبکر به او نوشت زکاتی را که خدا امر کرده رسولش را به آن، این است که در زکات پیر و معیوب و بز بیرون ندهد مگر آنکه زکات گیرنده قبول کند.

۲- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْغَاضِرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ فَقَدْ طَعِمَ طَعْمَ الْإِيمَانِ: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ أَنَّهُ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، وَ أُعْطِيَ زَكَاةَ مَالِهِ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهُ رَافِدَةٌ عَلَيْهِ كُلُّ عَامٍ، وَ لَا يُعْطَى الْهَرْمَةَ، وَ لَا الدَّرَنَةَ، وَ لَا الْمَرِيضَةَ، وَ لَا الشَّرْطَ اللَّئِيمَةَ، وَ لَكِنْ مِنْ وَسْطِ أَمْوَالِكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَسْأَلْكُمْ خَيْرَهُ وَ لَمْ يَأْمُرْكُمْ بِشَرِّهِ (۳)

یعنی، از عیدالله بن معاویه الغاضری از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: سه چیز است که هر کس بجا آورد طعم ایمان را چشیده:

- (۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۶  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۴  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۴ و ۱۵

کسیکه خدا را بیکشائی عبادت کند و زکات مالش را با میل و رغبت عطا کند و پیروچرکین و بیمار را ندهد ولیکن از اموال متوسط آنرا بدهد زیرا خدا از بهترین اموال نخواستہ و امر به بدترین آن نکرده است .

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): فِي كُلِّ سَائِمَةٍ إِبِلٍ فِي أَرْبَعِينَ بَنُتٌ لَبُونٌ، لِأَيَّفَرَّقُ إِبِلٌ عَنْ حِسَابِهَا، وَ مَنْ أَعْطَاهَا مُؤْتَجِرًا بِهَا فَلَهُ أَجْرُهَا، وَ مَنْ مَنَعَهَا فَإِنَّا آخِذُوهَا وَ شَطْرَ مَالِهِ عَزْمَةٌ مِنْ عَزْمَاتِ رَبِّنَا عَزَّ وَجَلَّ، لَيْسَ لِأَلِ مُحَمَّدٍ مِنْهَا شَيْءٌ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در شتری که میچرد در چهل عدد آن بنوت لبون است (یعنی بچه شتری که دوسال او تمام شده باشد) و باید شتری از حساب جدا نشود، کسیکه زکات آنرا به حساب اجر الهی عطا کند برای اوست اجر آن، و کسیکه خودداری کند ما خواهیم گرفت با مقداری از مال او تصمیمی است از فرمانهای پروردگار ما عَزَّ وَجَلَّ، برای آل محمد نصیبی نیست (تا کسی خیال نکند که رسول خدا ص با خاطر خود وفا میلش از مردم زکات میگیرد چنانکه خواهد آمد).

۴- ج عَنْ مُعَاذٍ قَالَ: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْيَمَنِ، فَقَالَ: خُذِ الْحَبَّ مِنَ الْحَبِّ، وَ الشَّاهُ مِنَ الشَّاهِ، وَ الْبَعِيرَ مِنَ الْإِبِلِ، وَ الْبَقْرَةَ مِنَ الْبَقَرِ (۲).

یعنی، روایت شده از معاذ که گفت رسول خدا (ص) مرا به سوی یمن فرستاد و فرمود: دانه را از دانه بگیر، و گوسفند را از گوسفند، و شتر را از شتر، و گاو ماده را از گاو.

۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ اسْتَفَادَ مَالًا فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ رَبِّهِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس مالی را استفاده کند زکاتی بر او نیست تا سال تمام شود. (بنا بر این هرگاه حیوان یا پولی را مالک شود زکاتی بر او نیست تا سال بر آن بگذرد).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۵ و ۱۶

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۱۶

## ۱۰- باب زکات الزروع و الثمار

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ  
وَالتَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ  
إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ<sup>(۱)</sup>

وَقَالَ: أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ<sup>(۲)</sup>

۱- عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخَدْرِيِّ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: لَيْسَ فِي  
حَبِّ وَ لِأَثْمَرِ صَدَقَةٍ حَتَّى تَبْلُغَ خَمْسَةَ أَوْسُقٍ وَ لِأَقِيمَا دُونَ خَمْسِ دَوْدٍ وَ  
لِأَقِيمَا دُونَ خَمْسِ أَوْاقٍ صَدَقَةٍ<sup>(۳)</sup>

یعنی، از ابی سعید خدری از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود:  
«زکاتنی در دانه و در خرما نیست مگر آنکه به پنج وسق برسد، و در کمتر از پنج  
شتر زکاتنی نیست و نه در کمتر از پنج وقیه» . و بهمین مضمون در کتاب تاج  
و مستدرک نیز ذکر شده است<sup>(۴)</sup> (هروسق، شصت صاع، و هر صاع بر طبق تحقیقات  
آقای دکتر پیوسف قرضاوی در کتاب فقه الزکاة، معادل است با ۲۱۷۶ گرم،  
و مجموعاً پنج وسق برابر خواهد شد با ۶۵۳ کیلوگرم چنانکه ذکر شد).

۲- ج عَنْ جَابِرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: فِيَمَا سَقَتِ الْأَنْهَارُ وَ  
الْغَيْمُ الْعُشُورُ، وَ فِيَمَا سَقَى بِالسَّائِنِيَةِ نِصْفَ الْعُشْرِ<sup>(۵)</sup>.

یعنی، از جابر روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: در آنچه از نهرها و  
باران آبیاری شود (زکات آن) یکدهم، و در آنچه با شتران آبکش  
آبیاری شود یک بیستم.

۳- عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَامَ فِيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: فِيَمَا  
سَقَتِ السَّمَاءُ أَوْ سَقَى سَيْحًا الْعُشْرُ وَ فِيَمَا سَقَى بِالْغَرَبِ نِصْفَ الْعُشْرِ<sup>(۶)</sup>

یعنی، از علی (ع) روایت شده که: رسول خدا (ص) در میان ما برخاست و

- (۱) قرآن / سوره انعام / آیه ۱۴۱.
- (۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۶۷.
- (۳) سنن النسائی / ج ۵ / ص ۴۰ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲.
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۶ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۷.
- (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۴.
- (۶) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۹.



فرمود: در آنچه از آسمان آب میخورد یا بوسیله آب جاری آبیاری میشود یکدهم است و در آنچه بوسیله دلوهای بزرگ آبیاری میشود یک بیستم است.

۴- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِيمَا سَقَّتِ السَّمَاءُ أَوْ سَقِيَ بِالسَّيْلِ أَوْ الْغَيْلِ أَوْ كَانَ بَعْلًا الْعُشْرَ، وَمَا سَقِيَ بِالنَّوْاضِحِ نِصْفَ الْعُشْرِ (۱).

(مضمون آیین حدیث نیزمانند احادیث قبل است. بنابراین آنچه بدون مشقت آبیاری شود زکات آن یک دهم و آنچه با مشقت آبیاری شود زکات آن یک دهم است و آنچه یکبار با مشقت و یکبار بدون مشقت بهر دو وسیله مساوی آبیاری شود، زکاتش سه چهارم از یکدهم است. و بهمین نسبت باید حساب شود).

۵- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص): أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُمْرَمَ النَّخْلُ بِاللَّيْلِ، وَأَنْ يُحْصَدَ الزَّرْعُ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ، قِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَمَا حَقُّهُ؟ قَالَ: تَنَاوَلُ مِنْهُ الْمُسْكِينُ وَالسَّائِلُ. وَكَانَ يَقُولُ: الضُّغْتُ تُعْطِيهِ مَنْ يَسْأَلُ فَذَلِكَ حَقُّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ (۲).

یعنی، حضرت صادق (ع) از رسول خدا (ص) روایت کرده که رسول خدا (ص) خوش نداشت که خرما را در شب بچینند و زراعت را بشب درو کنند، زیرا خدایتعالی فرمود: «حَقِّ آنرا روزِ درو بدهید»، عرض شد: یا رسول الله حق آن چیست؟ فرمود: از آن ببرد مسکین و سائل، و میفرمود: بسته ای که به سائل میدهی همان حق اوست در روزِ درو.

۶- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ فِي الثَّمَرِ زَكَاةٌ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در میوه زکاتی جز یکبار نیست.

## ۱۱- باب خرص الثمار

۱- ج عَنْ عَتَّابِ بْنِ أُسَيْدٍ قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُخْرَصَ

(۱) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۳۳.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

(۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۹.

الْعَنْبُ كَمَا يُخْرَصُ النَّخْلُ وَ تُؤْخَذُ زَكَاتُهُ زَبِيْبًا كَمَا تُؤْخَذُ صَدَقَةُ النَّخْلِ تَمْرًا (۱)

یعنی، از عتّاب بن آسید روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) امر کرد که خرص و برآورد شود انگور همچنانکه برآورد میشود نخل، و أخذ و گرفتن زکات انگور در وقت کشمش شدن است همچنانکه در نخل نیز بهنگام خرما شدن زکات اخذ میشود (زیرا ضابطه کیل در این دو همانا خشک آنها می باشد، اگرچه بمجرد رسیدن و محصول آوردن زکات آنها واجب می شود. و مقصود از خرص در اینجا آنستکه میوه درخت بهنگام رسیدن و قبل از چیدن، مقدار آن تخمین زده شود و برآورد گردد. و فایده اینکار شناختن مقدار زکات و حفظ حق فقراء و وسعت بر صاحبان میوه است که پس از برآورد بتوانند به آسودگی و با خیال راحت از میوه جات تناول و استفاده کنند).

۲- ج عَنْ سَهْلِ بْنِ حَثْمَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا خَرَصْتُمْ رَوْحًا وَ دَعَوَا الثَّلَثَ، فَإِنْ لَمْ تَدْعُوا الثَّلَاثَ فَدَعُوا الرَّبْعَ (۲)

یعنی، از سهل بن حثمه روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه خرص و برآورد نمودید، پس از آن بگیرید (و استفاده کنید) ولی ثلث آن را رها کنید و اگر ثلث را رها نمی کنید رُبْع آنرا رها کنید (تا زکات آن را بتوان از ثلث یا ربع باقیمانده بیرون کشید و اخذ نمود).

۳- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) يْبِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ إِلَى يَهُودِ خَيْبَرَ، فَيَخْرَصُ النَّخْلَ حِينَ يَطِيبُ قَبْلُ أَنْ يُؤْكَلَ مِنْهُ، ثُمَّ يَخِيرُ الْيَهُودَ بِأَخْذُونَهُ بِذَلِكَ الْخَرْصِ أَمْ يَدْفَعُونَهُ إِلَيْهِمْ، لِكَيْ تُحْفَظَ الزَّكَاةُ قَبْلَ أَنْ تُؤْكَلَ الشِّمَارُ وَ تَفْرَقَ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) عبد الله بن رواحه را به سوی خَیبر میفرستاد که تا درختان نخل را بهنگام رسیدن قبل از آنکه خورده شود تخمین بزند، سپس یهود را مخیر میفرمود که آنرا دریافت کنند بهمان

- (۱) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۱۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۲۷ .  
 (۲) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۱۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۲۲ و ۱۲۳ .  
 (۳) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۱۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۲۸ و ۱۲۹ .

تخمین و یا آن را بپردازند، و این کار برای این بود که پیش از آنکه خرما خورده شود و یا پراکنده گردد، زکات محفوظ بماند. (مؤلف گوید: زما مدار مسلمین نیز هرگاه زارعین مورد اعتماد او نبودند، می‌تواند با استفاده از خرص حق ضعفاء و فقراء را حفظ نماید).

۴- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَتَمَنَّوْا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ»، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَمَرَ بِالتَّخْلِصِ أَنْ يُزَكِّيَ يَجِيءُ قَوْمًا بِاللَّوَانِ مِنَ التَّمْرِ وَهُوَ مِنْ أَرْضِ التَّمْرِ يُؤَدُّونَهُ مِنْ زَكَاتِهِمْ تَمْرًا يُقَالُ لَهُ: الْجَعْرُورُ وَالْمَعْفَاةُ قَلِيلَةُ اللَّحَاءِ عَظِيمَةُ التَّوَى، وَكَانَ بَعْضُهُمْ يَجِيءُ بِهَا عَنِ التَّمْرِ الْجَيِّدِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَخْرُصُوا هَاتَيْنِ التَّمْرَتَيْنِ، وَ لَا تَجِئُوا مِنْهُمَا بِشَيْءٍ، وَ فِي ذَلِكَ نَزَلَتْ: «وَلَا تَتَمَنَّوْا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ» (۱).

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده درباره قول خدای عزوجل (که در سوره بقره آیه ۲۶۷ میفرماید): «ای مؤمنین از دستاوردهای پاکیزه خویش و از آنچه بهر شما از زمین رویانده و برون‌آوردیم انفاق کنید، و ناپاک (و دور ریختنی) آنرا برای انفاق در نظر نگیرید»، آنحضرت فرمود: چون رسول خدا (ص) امر می‌نمود که زکات درخت خرما را بپردازند عده‌ای، اقسامی از خرما را که پست‌ترین خرما بود به حساب زکات خودشان ادا می‌کردند که نام آن خرماهای پست جَعْرُور و مَعْفَاة بود که کم‌گوشت و بزرگ هسته بود، و بعضی دیگر خرماهای خوب را می‌آوردند، پس رسول خدا (ص) فرمود: آن دو قسم خرماهای پست را خرص نکنید و از آن دو هیچ نیاورید، و در همین مورد قول خدای عزوجل نازل شده که می‌فرماید: «در آن‌ها و روزیهای ناپاک (و دور ریختنی) را برای انفاق در نظر بگیرید در حالی‌که خودتان حاضر به پذیرفتنشان نیستید مگر به چشم پوشی و اغماض».

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

## ۱۲- باب زکاة الذهب و الفضة و ما یقوم مقامهما

۱- ج عَنْ أَنَسٍ فِي الْكِتَابِ الَّذِي كَتَبَهُ لَهُ أَبُو بَكْرٍ حِينَ وَجَّهَهُ إِلَى الْبَحْرَيْنِ فِي الصَّدَقَةِ الَّتِي قَرَضَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَ فِي الرِّقَّةِ رُبْعَ الْعَشْرِ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ إِلَّا تِسْعِينَ وَ مِائَةَ فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبُّهَا (۱)

یعنی، روایت شده از انس در آن کتابی که ابوبکر برای او نوشت هنگامیکه او را به طرف بحرین فرستاد درباره زکاتی که رسول خدا (ص) بر مسلمین آنرا واجب کرده بود، از آن جمله بود: و در سکه های نقره یکچهلیم، پس اگر صد و نود درهم (یعنی کمتر از دویست درهم) بود، در آن چیزی نیست، مگر آنکه صاحبش بخواهد چیزی دهد.

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَيْسَ فِيهَا دُونَ خُمُسِ أَوْاقٍ مِنَ الْوَرِقِ صَدَقَةٌ (۲)  
یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: در کمتر از پنج و قویه نقره زکاتی نیست. (هر وقیه چهل درهم است، بنا بر این حدنصاب نقره، دویست درهم است).

۳- ش عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) فِي كَمِّ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الزَّكَاةَ؟ فَقَالَ: فِي كُلِّ مِائَةٍ دِرْهَمٍ، خَمْسَةَ دَرَاهِمٍ، وَإِنْ نَقَصَتْ فَلَا زَكَاةَ فِيهَا. وَ فِي الذَّهَبِ فِي كُلِّ عِشْرِينَ دِينَارًا، نِصْفَ دِينَارٍ، فَإِنْ نَقَصَ فَلَا زَكَاةَ فِيهِ (۳).

یعنی، از حسین بن بشار روایت شده که گفت: «از حضرت ابوالحسن (ع) پرسیدم در چه مقدار رسول خدا (ص) زکات قرار داده؟ فرمود: در هر دویست درهم، پنج درهم، و اگر کمتر از دویست درهم شد، زکاتی در آن نباشد و در طلا در هر بیست دیناری، نیم دینار است، و اگر کمتر شد زکاتی در آن نیست.» (بدانکه بیست دینار طلا، برابر است با بیست مثقال طلا، پس چون طلا به بیست مثقال رسید، باید نیم مثقال آنرا بعنوان زکات داد. و اما زکات نقره، پس در این مورد آقای دکتر قرضاوی در کتاب فقه الزکاة گوید: «با جماع علماء یک مثقال نقره، برابر است با  $\frac{3}{7}$  درهم». طبق این محاسبه، باید گفت: دویست درهم، برابر است با صد و چهل مثقال نقره که زکات آن، سه مثقال و نیم می شود.

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۸.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۹۶ و ۹۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۹۲.

(مخفی نماند در زمان ما که سکه طلا و نقره یعنی دینار و درهمی بدست مردم نیست و فقط پول است و اسکناس و چک تضمینی جای طلا و نقره را گرفته است و در دست مردم می باشد، پس باید با درهم و دینار تطبیق شود اگر بقدر نصاب درهم و دینار باشد برای آنها نیز زکات واجب است در صورتیکه سال بر آنها بگذرد. زیرا با اسکناس نیز چون پول طلا و نقره معامله میشود و قائم مقام طلا و نقره می باشد. پس هرگاه بعد نصاب رسید زکات آن واجب است)

۴- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: إِذَا كَانَتْ لَكَ مَا ثَمَّا دِرْهَمٌ وَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَفِيهَا خَمْسَةٌ دَرَاهِمٌ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ حَتَّى تَكُونَ لَكَ عَشْرُونَ دِينَارًا، فَإِذَا كَانَتْ لَكَ عَشْرُونَ دِينَارًا وَ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ، فَفِيهَا نِصْفُ دِينَارٍ، فَمَا زَادَ فَبِحِسَابِ ذَلِكَ<sup>(۱)</sup>

یعنی، از علی (ع) روایت شده (که او هم قطعاً از رسول خدا ص شنیده زیرا از صاحب بوده) که فرمود: چون برای تو دو بیست درهم بود و سال بر آن گذشت در آن پنج درهم (یعنی یکچهل) زکات است، و بر تو چیزی نیست مگر آنکه بیست دینار داشته باشی، پس هرگاه بیست دینار داشته که سال بر آن گذشت در آن نصف دینار زکات است و آنچسه زیادتر از این (یعنی زیادتر از بیست دینار در طلا و دو بیست درهم در نقره) شد پس حساب آن همینطور است (یعنی یکچهل است، مثلاً در چهار صد درهم، ده درهم، و در چهل دینار، یک دینار کامل زکات است).

۵- ج عَنْ عَلِيٍّ (ع) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: قَدْ عَفَوْتُ عَنِ الْخَيْلِ وَالرَّقِيقِ، فَهَاتُوا صَدَقَةَ الرَّقِيقِ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا، وَلَيْسَ فِي تِسْعِينَ وَ مَا ثَمَّ شَيْءٌ، فَإِذَا بَلَغَتْ مِائَتَيْنِ فَفِيهَا خَمْسَةٌ دَرَاهِمٌ<sup>(۲)</sup> وَ فِي رِوَايَةٍ: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ أَوْ قِيَّةً<sup>(۳)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: عفو کردم از اسب و غلام، پس زکات سکه را بیاورید، در هر چهل درهم درهمی، و در صد و نود درهم چیزی نیست پس چون به دو بیست درهم رسید، در آن پنج درهم است، و در روایت

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۸ و ۱۹ والمصنف / ج ۴ / ص ۸۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۹.

(۳) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۱۰۰.

دیگر آمده که: فرار داد رسول خدا (ص) در هر جهل و وقیه، یک و وقیه .

### ۱۳- باب زکاة الرکاز و المعدن

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): فِي الرِّكَازِ الخُمُسُ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در گنج و دینه زکات آن یک پنجم است .

۲- قَالَ النَّبِيُّ (ص): فِي الرِّكَازِ الخُمُسُ، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الرِّكَازُ؟ قَالَ: هُوَ الذَّهَبُ وَ الفِضَّةُ المَخْلُوقَتَانِ فِي الأَرْضِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتُ وَ الأَرْضَ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: در گنج زکات آن یک پنجم است، گفته شد: ای رسول خدا گنج چیست؟ فرمود: آن طلا و نقره ای است که در زمین خلق شده اند و روزیکه خدا آسمان و زمین را آفرید .

۳- عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَدِمْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَدَخَلَ مَا حَبَلْنَا خَرْبَةً يَقْضِي فِيهَا حَاجَتَهُ فَيَتَنَا وَ ل مِنْهَا لِبَنَةِ فَأَنهَارَتْ عَلَيْهِ تَبْرًا فَأَخَذَهَا فَأَتَى بِهَا النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: زَنَيْتَهَا فَوَزَنَهَا فَاذًا هِيَ مَا تَأْتِي دِرْهَمٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هَذَا رِكَازٌ وَ فِيهِ الخُمُسُ (۳)

یعنی، از انس بن مالک روایت شده که گفت: ما با رسول خدا (ص) می آمدیم پس یکی از رفقای ما داخل خرابه ای شد تا قضای حاجت نماید، پس او خستی را برداشت پس مقداری طلا برا و ریخت، وی آنها را برداشته نزد رسول خدا (ص) آمد، پیغمبر (ص) فرمود: آنها را وزن کن، او آنها را وزن کرد، دو بیست درهم بود، رسول خدا (ص) فرمود: این دینه است و در آن یک پنجم است .

۴- عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلِيًّا عَامِلًا إِلَى الأَيْمَنِ فَأَتَى بِرِكَازٍ فَأَخَذَ مِنْهُ الخُمُسَ وَ دَفَعَ بَقِيَّتَهُ إِلَى صَاحِبِهِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۹ و مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص

۵۵۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۱۶

(۲) منتهی المطلب / ص ۵۴۵

(۳) حقایق عریان در اقتصاد قرآن / ص ۴۰۲

فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ (ص) فَأَعْجَبَهُ (۱)!

یعنی، از زید بن ارقم روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) حضرت علی (ع) را بعنوان عامل و فرماندار به یمن فرستاد، پس گنج یاب دفینه‌ای بخدمت آنحضرت آوردند آنجا ب از آن یک پنجمش را مأخوذ داشت و بقیه آن را به صاحبش رد کرد، این خبر که به پیغمبر (ص) رسید آن را پسندیده خوش آمد.

۵- سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ اللَّقِطَةِ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ فِي طَرِيقِ مَاتِي أَوْ فِي قَرْيَةٍ عَا مِرَّةٍ فَعَرَفْتُهَا سَنَةً فَإِنْ جَاءَ صَاحِبُهَا وَإِلَّا فَلَكَ وَ مَا لَمْ يَكُنْ فِي طَرِيقِ مَاتِي وَ لَافِي قَرْيَةٍ عَا مِرَّةٍ فَفِيهِ وَ فِي سِي الرِّكَازِ الْخُمْسُ (۲)!

یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال شد از مال رها شده و یافت شده؟ فرمود: آنچه در طریق و راه رفت و آمد و یا در قریه آباد پیدا شود، پس آنرا تا یکسال معرفی و اعلان کن، پس اگر صاحبش آمد (آنرا به او بده) و اگر نیامد پس از برای تو است، و هرگاه پیدا شده در راه رفت و آمد و در آبادی نبوده، پس در آن و در معدن یک پنجم است.

(و بهمین مضمون در کتاب مستدرک نیز وارد شده است (۳).)

۶- ج أَقْطَعَ النَّبِيُّ (ص) بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ مَعَادِنَ الْقَبَلِيَّةِ مِنْ نَاحِيَةِ الْفُرْعِ، فَتِلْكَ الْمَعَادِنُ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا إِلَّا الزَّكَاةُ إِلَى الْيَوْمِ (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) معادن سرزمین قبلیه را (که محلی است در جهت ساحل دریا که پنج روز با مدینه فاصله دارد و در ناحیه فرع میباشد) به بلال بن حارث به قطع داد، پس تا به امروز از آن معادن جز زکات چیزی گرفته نمیشود.

۷- عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ أَقْطَعَ بِلَالِ بْنِ الْحَارِثِ الْمَعَادِنَ الْقَبَلِيَّةَ وَ أَخَذَ مِنْهَا الزَّكَاةَ (۵)!

مضمون این حدیث یعنی، پیغمبر از معادن قبلیه زکات أخذ نمود.

- (۱) حقایق عربیان در اقتصاد قرآن/ص ۴۰۲
- (۲) سنن النسائی/ ج ۵/ص ۴۴
- (۳) مستدرک الوسائل/ ج ۱/ص ۵۵۲
- (۴) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ص ۱۹ و مستدرک الوسائل/ ج ۱/ص ۵۲۱
- (۵) مستدرک الوسائل/ ج ۱/ص ۵۱۹

۸- ش إِنَّ النَّبِيَّ (ص) كَتَبَ لِوَائِلِ بْنِ حَجْرٍ الْحَضْرَمِيِّ وَ لِقَوْمِهِ: مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى الْأَقْيَالِ الْعَبَا هَلْبُ مِنْ أَهْلِ حَضْرَمَوْتِ بِأَقَامِ الصَّلَاةِ، وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ، وَ عَلَى التَّبَعِ شَاةً، وَ التَّيْمَةَ لِصَاحِبِهَا وَ فِي السُّيُوبِ الْخُمْسُ، لِأَخْلَاطٍ وَ لِأُورَاطٍ وَ لِأَشْنِاقٍ وَ لِأَشْغَارٍ، وَ مَنْ أَحْبَبِي فَقَدْ أَرَبِي، وَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) به وائیل بن حجر حَضْرَمِی و قوم او نوشت: از محمد فرستاده خدا (ص) به سوی رؤسای از اهل حَضْرَمَوْتِ: (ا) مرکز دایشان را) به پربا داشتن نماز و دادن زکات و برجهل گوسفند، گوسفندی، و گوسفند شیرده مال صاحبش، و در گنج یک پنجم است، مخلوط کردن نه، خدعه نه، مابین دو نصاب نه، و نکاح شغار نه، و آنکه زراعت و میوه را کال بفروشد ربا خورده، و هر مسکری حرام است.

۹- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ ع، قَالَ: يَا عَلِيُّ إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ سَنَّ فِي الْجَاهِلِيَّةِ خُمْسَ سَنِي أَجْرَاهَا اللَّهُ لَهُ فِي الْإِسْلَامِ إِلَيَّ أَنْ قَالَ: وَ وَجَدَ كَنْزًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ الْخُمْسَ وَ تَصَدَّقَ بِهِ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: وَ أَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ (فِي غِنَا شِمِ الْحَرْبِ) الْآيَةَ (۲).

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که از جمله وصیت رسول خدا (ص) به علی این بود که: ای علی، همانا عبدالمطلب در زمان جاهلیت ستت گذاشت پنج سنتی را که خدای عزوجل آنها را در اسلام با جراه گذاشت: یکی از آن ها این بود که گنجی را یافت، و یک پنجم آنرا اخراج کرد و صدقه داد. پس خدا نازل نمود آیه: ۴۱: سوره انفال را: (وَ أَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ... در باره غنیمت های جنگی).

## ۱۴- باب زكاة التجارة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: رِجَالٌ لَاتُطِئُهُمْ تِجَارَةٌ وَ وَلا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ (۳) وَ قَالَ: أَنْتَفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ (۴)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۷۹

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۴۵

(۳) قرآن / سوره نور / آیه ۳۷

قرآن / سوره بقره / آیه ۲۶۷



۱- ج عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ قَالَ: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ يَأْمُرُنَا أَنْ نُخْرِجَ الصَّدَقَةَ مِنَ الذِّي نَعُدُّهُ لِلْبَيْعِ (۱).

یعنی، از سمره بن جندب روایت شده که گفت: اَمَا بَعْدُ، پس البته رسول خدا (ص) ما را امر میکرد که صدقه یعنی زکات را بیرون کنیم از آنچه را که برای فروش مهیا کرده ایم.

۲- ج عَنْ أَبِي ذَرٍّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: فِي الْإِيلِ صَدَقَتُهَا، وَ فِي الْغَنَمِ صَدَقَتُهَا، وَ فِي الْبَقَرِ صَدَقَتُهَا، وَ فِي الْبُرِّ صَدَقَتُهُ (۲).

یعنی، از ابی ذر روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: در شتر زکات است و در گوسفند زکات است و در گاو زکات است و در جامه و پارچه زکات است.

## ۱۵-باب زکاة الحلیّ و مال الیتیم

۱- ج عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ النَّبِيَّ (ص) وَ مَعَهَا بِنْتٌ لَهَا وَ فِي يَدِ بِنْتِهَا مَسَكَاتَانِ غَلِيظَتَانِ مِنْ ذَهَبٍ، وَ فِي رِوَايَةٍ رَأَى النَّبِيُّ (ص) فِي أَيْدِيهِمَا سُوَارَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ (ص): أَتُؤَدِّيَانِ زَكَاتَهُ؟ قَالَتَا: لَا، فَقَالَ لَهُمَا النَّبِيُّ (ص): أَتُحِبُّانِ أَنْ يُسَوِّرَكُمَا اللَّهُ سُوَارَيْنِ مِنْ نَارٍ، قَالَتَا: لَا، قَالَ: فَأَدِّيَا زَكَاتَهُ (۳).

یعنی، روایت شده از عمرو بن شعیب از جدش که زنی خدمت رسول خدا (ص) آمد و با او دخترش همراه بود در حالیکه در دست دخترش دو عدد دستبند سنگین از طلا بود. و در روایتی: رسول خدا (ص) دید که در دست هر دو دست بَرَنجَن از طلا است، فرمود: آیا زکات آنرا ادا می کنید؟ گفتند: نه، رسول خدا (ص) به ایشان فرمود: آیا دوست می دارید که خدا شما را دو دستبند از آتش بدهد؟ گفتند: نه، فرمود: پس زکاتش را بدهید.

۲- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: كُنْتُ أَلْبَسُ أَوْضَاعًا مِنْ ذَهَبٍ، فَقُلْتُ

(۱) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۵.

(۲) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۵.

(۳) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۱ و المصنف / ج ۴ / ص ۸۵.

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكَنْزُهُمْ؟ فَقَالَ: مَا بَلَغَ أَنْ تُؤَدَّى زَكَاتُهُ فَرُكِّسِي فَلَيْسَ بِكَنْزٍ (۱).

یعنی، روایت شده از ام سلمه که گفت: من خلخالهایی از طلا در بر می‌کردم و عرض کردم یا رسول الله آیا این گنج است؟ فرمود: آنچه به حد نصاب برسد اگر زکاتش آدا شود، پس زکاتش داده شده و گنج نیست.

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ (ص)، فَرَأَى فِي يَدِي فَتَخَاتٍ مِنْ وَرَقٍ، فَقَالَ: مَا هَذَا يَا عَائِشَةُ، قُلْتُ: صَنَعْتُهُنَّ أَتَزِينُ لَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَتُؤَدِّينَ زَكَاتَهُنَّ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: هُوَ حَسْبُكَ مِنَ النَّارِ (۲).

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) بر من وارد شد و در دست من حلقه‌های انگشتری بزرگی از نقره دید، فرمود: این چیست ای عایشه؟ گفتم: اینها را درست کرده‌ام که برای تو ای رسول خدا زینت کنم، فرمود: آیا زکات اینها را میدهی؟ گفتم: نه، فرمود: این بس است تو را از آتش.

۴- عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لِزَكَاتِهِ فِي الْحُلِيِّ (۳). وَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ أَنَّهُ كَانَ يُحَلِّي بَنَاتِهِ وَ جَوَارِيَهُ بِالذَّهَبِ، ثُمَّ لَا يُخْرِجُ مِنْهُ الزَّكَاتَةَ (۴).

یعنی، از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: در زیورات زکاتی نیست. و از نافع روایت شده که ابن عمر دختران و کنیزان خود را به طلا زینت مینمود، سپس از آنها زکات بیرون نمیکرد.

(بدانکه در زیورات زینت آلات زن اختلاف شده که آیا زکات دارد یا خیر؟ ولی تعدد احادیثی که به زکات آن امر نموده مؤید و جوب آنست. اما زیور برای مردان و یا ظروف زینتی، پس با اتفاق علما زکات آنها واجب است. البته منظور از زینت، زینت به طلا و نقره و مانند آن است).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۱.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۱.  
 (۳) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۸.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۱ و ۲۲.

۵- ج عَنْ عَمْرٍو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ: أَلَا مَنْ وَلِيَ يَتِيمًا لَهُ مَالٌ فَلْيَتَجَرَّ فِيهِ وَ لَا يَتْرُكْهُ حَتَّى تَأْكُلَهُ الصَّدَقَةُ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ: اسْعَوْا فِي أَمْوَالِ الْيَتَامَى لِتَأْكُلَهَا الصَّدَقَةُ (۲)

یعنی، عمرو بن شعیب از جدش از رسول خدا (ص) روایت کرده که آنحضرت برای مردم خطبه خواند و فرمود: آگاه باشید هرکس متولی امر یتیمی که مالی داشت، باشد، باید در آن مال تجارت کند و آنرا رها نکند تا زکات، آنرا از بین ببرد و تمام کند. و در روایت دیگر فرمود: در اموال یتیمها کار و کوشش کنید تا اینکه آنرا زکات از بین نبرد. (زیرا زکات دادن زمال یتیم توأم با تجارت در آن، موجب از بین رفتن آن نمی شود، بلکه زیاد می گردد).

## ۱۶- باب زکاة العسل

۱- ج عَنْ عَمْرٍو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: جَاءَ هِلَالٌ أَحَدَ بَنِي مُتَعَانَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَعْشُورُ نَحْلَ لَهُ، وَ كَانَ سَأَلَهُ أَنْ يَحْمِيَ وَادِيًا يُسَمَّى سَلْبَةَ، فَأَجَابَهُ النَّبِيُّ (ص) فَلَمَّا وَلِيَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ كَتَبَ لَهُ عَامِلُهُ سُفْيَانُ بْنُ وَهَبٍ يَسْأَلُهُ عَنْ ذَلِكَ، فَكَتَبَ لَهُ عُمَرُ: إِنْ أَدَى إِلَيْكَ مَا كَانَ يُوَدِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنْ عَشُورٍ نَحْلِهِ فَأَحْمِ لَهُ سَلْبَةَ، وَ إِلَّا فَهُوَ ذُبَابٌ عَيْثُ يَأْكُلُهُ مَنْ يَشَاءُ (۳) وَ فِي رِوَايَةٍ: جَاءَ أَبُو سَيَّارَةَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي نَحْلًا قَالَ: فَأَدِ الْعَشُورَ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْمِ لِي جَبَلَهَا. قَالَ: فَحْمِي لِي جَبَلَهَا (۴) وَ فِي رِوَايَةٍ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَوْجَبَ فِي الْعَسَلِ الْعَشْرَ (۵)

یعنی، عمرو بن شعیب از جدش روایت کرده که مردی بنام هلال یکی از افراد طایفه بنی متعان خدمت رسول خدا (ص) آمد و یکدهم عسلی که

- (۱) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۲۲  
 (۲) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۶۶  
 (۳) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۲۳  
 (۴) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۲۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۶۳  
 (۵) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۵۱۲

داشت آورد و درخواست کرد که دشت سَلَبَه را برای او قُرُق و حفظ کند، حضرت او را اجابت کرد، و چون عُمَر بن حَطَّاب والی شد، سُفیان بن وَهَب عامل او به او نوشت و از این قضیه سؤال کرد؟ عمر جواب داد اگر آنچه را که به رسول خدا (ص) از یکدهم غسلش میپرداخت، به تو نیز بپردازد، پس آن دشت را برای او قُرُق و نگهبانی کن، و گرنه بگذار هر کس خواست سبقت کند به آن. و در روایتی وارد شده که: أَبُوسَيَّارَةَ نَزِدَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) آمَدَ وَ كَفَّتْ: أَي رَسُولِ اللَّهِ (ص) مَرَا عَسَلًا اسْت، آنحضرت فرمود: یکدهم آنرا ادا کن، (گوید) گفتم ای رسول خدا کوه آنرا برای من حمایت و حفظ کن، گوید: پس رسول خدا آنکوه را برای من حمایت میکرد. و در روایت دیگر آمده که رسول خدا (ص) در غسل واجب نمود یکدهم آنرا.

۲- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: فِي الْغَسَلِ فِي كُلِّ عَشْرَةِ أَزِقٍ، زَقٌّ (۱)؛ وَ فِي رِوَايَةٍ: مِنْ كُلِّ عَشْرٍ قَرَبٌ قَرَبَةٌ (۲)؛ یعنی، از عبداللہ بن عُمَر روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: در هر ده خیک یا مشک غسل، یک خیک زکات است.

(مؤلف گوید: متأسفانه در زمان ما زکات بکیفیتی که خدا و رسول او مقرر نموده عملی نمی‌شود، لذا ما در این مورد در ابواب گذشته علاوه برد و کتاب وسائل و تاج، احادیثی از کتب دیگر نیز نقل نمودیم. ولی برای آنکه کتاب طولانی نشود در سایر ابواب زکات و نیز بقیه کتاب به نقل از همان دو مجموعه و کتاب مذکور اکتفاء می‌نمائیم).

## ۱۷- باب زكاة الفطر و قدرها

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۳)  
 ۱- ج إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) سُئِلَ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ: نَزَلَتْ فِي زَكَاةِ الْفِطْرِ (۴)

- (۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۳.  
 (۳) قرآن / سورة اعلی / آیات: ۱۴ و ۱۵.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۴.

یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال شد از این آیه (آیه ۱۴ و ۱۵ سوره اعلیٰ که می‌فرماید: «محققاً رستگار کسی است که پاک گردید و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند»؟ فرمود: این آیه نازل شده درباره زکات فطر (یعنی خود را پاک کننده دادن زکات از مالش).

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ طَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَخَتَمَهُ بِصَدَقَةٍ وَغَدَا إِلَى الْمُصَلِّي بِغُسْلٍ رَجَعَ مَغْفُورًا لَهُ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد و آنرا به صدقه دادن ختم کند و صبح به طرف مصلی با غسل برود، آمرزیده برگردد.

۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) فَرَضَ صَدَقَةَ الْفِطْرِ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْحُرِّ وَالْعَبْدِ وَالذَّكْرِ وَالْأُنْثَى مِمَّنْ تَمُونُونَ (۲)

یعنی، از جعفر بن محمد روایت شده که رسول خدا (ص) صدقه و زکات فطرا واجب کرد بر کوچک و بزرگ و آزاد و بنده و مرد و زن از هر کس که خرجشان را می‌دهید.

۴- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) زَكَاةَ الْفِطْرِ طَهْرَةً لِلصَّائِمِ مِنَ اللَّغْوِ وَالرَّفَثِ وَطُعْمَةً لِلْمَسَاكِينِ، مَنْ آدَاهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ فَهِيَ زَكَاةٌ مَقْبُولَةٌ، وَمَنْ آدَاهَا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَهِيَ صَدَقَةٌ مِنَ الصَّدَقَاتِ (۳)

یعنی، روایت شده از ابن عباس که گفت: رسول خدا (ص) زکات فطر را واجب نمود برای پاکی روزه دار از بیهوده و فحش و برای آنکه طعام و بهره‌ای باشد برای مساکین، هر کس آنرا پیش از نماز عبادا کند پس آنزکاتی قبول شده است و هر کس پس از نماز ادا کند پس صدقه‌ای از صدقات است. (در این حدیث امر شده به اخراج زکات فطر قبل از نماز عید. اگرچه بسیاری از فقهاء تأخیر آنرا تا آخر روز عید فطر جایز دانسته و گفته اند فقط تأخیر آن به بعد از روز فطر حرام است. اما وقت و وجوب که

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۲۲.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۳۰ و مسندا لاما مزید / ص ۱۹۷.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۴.

موردنص است و در حدیث امر شده به اداء و اخراج آن در آنوقت، همان هنگام  
رؤیت ماه شوال و غروب خورشید در شب عید است و تا قبل از نماز عید امتداد  
دارد. ولی جایز است که هر چه زودتر و قبل از رؤیت ماه شوال نیز آنرا اخراج  
نمود. و در خبر آمده که: كَانَ النَّاسُ يُعْطُونَهَا قَبْلَ الْعِيدِ بِالْيَوْمِ وَالْيَوْمَيْنِ (۱).

۵- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) زَكَاةَ الْفِطْرِ  
صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ عَلَى الْعَبْدِ وَالْحُرِّ وَالذَّكْرِ وَالْأُنْثَى وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمَرَ بِهَا أَنْ تُؤَدَّى  
قَبْلَ خُرُوجِ النَّاسِ إِلَى الصَّلَاةِ (۲)

یعنی، روایت شده از ابن عمر که گفت: رسول خدا (ص) زکات فطرا  
واجب کرد یک صاع از خرما و یا یک صاع از جو بر بنده و آزاد و  
مرد و زن و کوچک و بزرگ از مسلمین. و امر فرمود که آنرا  
پیش از خروج مردم به طرف نماز ادا کنند.

۶- ش قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي خُطْبَةِ الْعِيدِ يَوْمَ الْفِطْرِ:  
أَدُّوا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ، وَ فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ، فَلْيُؤَدِّهَا  
كُلُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ عَنْ عِيَالِهِمْ ذَكَرَهُمْ وَأُنْثَاهُمْ وَ صَغِيرَهُمْ وَكَبِيرَهُمْ  
وَ حُرَّهُمْ وَ مَمْلُوكَهُمْ عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، أَوْ صَاعًا مِنْ  
بُرِّ، أَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ (۳). وَ فِي رِوَايَةٍ: جَرَّتِ السَّنَةُ بِصَاعٍ مِنْ تَمْرٍ،  
أَوْ صَاعٍ مِنْ زَبِيبٍ، أَوْ صَاعٍ مِنْ شَعِيرٍ (۴)

یعنی، امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه روز عید فرمود: فطر خود را  
ادا کنید زیرا آن سنت پیامبر شما و فریضه واجب از پروردگار شما  
است، باید هر مردی از خود شما از عیالش تماما مه از مرد و زنشان و  
کوچک و بزرگشان، حُرّ و آزادشان از هر انسانی از ایشان یک صاع  
از خرما و صاعی از گندم و یا صاعی از جو ادا کند. و در روایت  
دیگر آمده که: سنت جاری شده (در زکات فطر) به صاعی از خرما یا  
صاعی از کشمش یا صاعی از جو. (هر صاع برابر است با ۲۱۷۶ گرم).

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۶ و ۲۷.  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۴ و ۲۵. والمصنف / ج ۳ / ص ۳۱۲ و ۳۳۰.  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۲۸.  
(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۳۲.

۷- ج عَنِ الْحَسَنِ (رض) قَالَ: خَطَبَ ابْنُ عَبَّاسٍ فِي آخِرِ رَمَضَانَ عَلِيَّ مِنْبَرِ الْبَصْرَةِ فَقَالَ: أَخْرَجُوا صَدَقَةَ صَوْمِكُمْ فَكَانَ النَّاسُ لَمْ يَعْلَمُوا، فَقَالَ: مَنْ هُنَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَوْمُوا إِلَى إِخْوَانِكُمْ فَعَلِمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ، فَرَضَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هَذِهِ الصَّدَقَةَ طَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَوْ شَعِيرٍ أَوْ نِصْفِ صَاعٍ مِنْ قَمْحٍ عَلَيَّ كُلِّ حَرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ ذَكَرَ أَوْ أَنْثَى صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ، فَلَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ رَأَى رُخْصَ السَّعْرِ قَالَ: قَدْ أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ، فَلَوْ جَعَلْتُمُوهُ طَاعًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (۱)!

یعنی، از حسن (رض) روایت شده که گفت: ابن عباس در بصره در آخر ماه رمضان روی منبر خطبه خواند، پس گفت: خارج کنید صدقه روزه‌تان را، پس گویا مردم نمی‌دانستند، پس گفت: در اینجا از اهل مدینه کیست، برخیزید برادرانتان را تعلیم دهید که ایشان نمی‌دانند، رسول خدا (ص) این صدقه (زکات فطر) را واجب نمود یک صاع از خرما یا جو یا نصف صاعی از گندم، بر هر آزاد یا مملوک، چه مرد باشد یا زن، صغیر باشد یا کبیر، پس چون حضرت علی (ع) وارد شد و ارزانی نرخ را دید، فرمود: همانا خداوند بر شما وسعت داده است، پس چه خوبست که از هر چیزی یک صاع قرار دهید.

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): الْوُزْنُ وَزْنُ أَهْلِ مَكَّةَ وَالْمِكْيَالُ مِكْيَالُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: وزن (خوب)، وزن اهل مکه، و پیمانۀ (خوب) پیمانۀ اهل مدینه است. (یعنی چون اهالی مکه اهل تجارت می‌باشند، پس اوزان ایشان دقیق تر و بهتر است، ولی در مورد کیل، پیمانۀ اهل مدینه که اهل زراعتند معتبرتر است، و باید به اهل مدینه در مورد کیل و به اهالی مکه در وزن مراجعه نمود).

## ۱۸- باب الزکاة قبل الحول ونقلها من بلد إلى بلد

عَنْ عَلِيٍّ (رض) أَنَّ الْعَبَّاسَ سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) فِي تَعْجِيلِ الصَّدَقَةِ قَبْلَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۵ و ۲۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۶

أَنْ تَحِلَّ، فَرَخَّصَ لَهُ فِي ذَلِكَ<sup>(۱)</sup>. وَ فِي رِوَايَةٍ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ لِعُمَرَ: إِنَّا قَدْ أَخَذْنَا زَكَاةَ الْعَبَّاسِ عَامَ الْأَوَّلِ لِلْعَامِ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از علی (ع) روایت شده که عباس از رسول خدا (ص) سؤال کرد درباره تعجیل کردن در زکات دادن پیش از آنکه سال بیاید، پس حضرت به او اجازه داد. و در روایتی رسول خدا (ص) به عمر فرمود که: ما زکات عباس را گرفتیم در سال گذشته برای این سال.

۲- ج بَعَثَ أَحَدَ الْأُمَرَاءِ عِمْرَانَ بْنَ حُصَيْنٍ عَلَى الصَّدَقَةِ فَلَمَّا رَجَعَ قَالَ الْأَمِيرُ: أَيْنَ الْمَالُ؟ قَالَ عِمْرَانُ: وَ لِلْمَالِ أُرْسَلْتَنِي، أَخَذْنَاهَا مِنْ حَيْثُ كُنَّا نَأْخُذُهَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَ وَضَعْنَاهَا حَيْثُ كُنَّا نَضَعُهَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)<sup>(۳)</sup>.

یعنی، یکی از امراء، عمران بن حصین را برای اخذ زکات گسیل داشت، پس چون بازگشت، امیر گفت: مال کجاست؟ عمران گفت: مرا برای مال فرستادی، آنرا گرفتیم بهمان نحوی که در زمان رسول خدا (ص) می گرفتیم، و آنرا نهادیم همانجا و بهمان کیفیتی که زمان رسول خدا (ص) بجا می گذاشتیم و مصرف می کردیم.

(چنانکه ملاحظه میشود عمران بن حصین که از اصحاب رسول خدا<sup>ص</sup> بوده در تقسیم زکات تعجیل نموده و آنرا بین فقرا همان محلی که اخذ نموده قسمت نموده است چنانکه ذکر شد که رسول خدا<sup>ص</sup> در مورد زکات فرمود: «صَدَقَةٌ تُؤْخَذُ مِنْ أَغْنِيَاءِهِمْ فَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ»<sup>(۴)</sup>. و البته هرگاه فقرا محلهای دیگر و وضعشان بدتر و احتیاجشان شدیدتر باشد، لازم است که زکات جمع شده برای آنها حمل و نقل شود).

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِي فِي أَهْلِ الْبَوَادِي، وَ صَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِي أَهْلِ الْحَضَرِ<sup>(۵)</sup>.

یعنی، حضرت صادق (ع) روایت کرده که رسول خدا (ص) زکات بیابانها

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۶  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۶. والمصنف / ج ۴ / ص ۸۷.  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۷.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴.  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۴ و ۱۹۷.



را در میان خودشان تقسیم میکرد و صدقه شهری را میان اهل شهر تقسیم مینمود.

۴- ج عَنْ أَبِي هِلَالٍ التَّمَفِّيِّ (رض) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: كِدْتُ أَقْتُلُ بَعْدَكَ فِي عَنَاقِي أَوْ شَأٍ مِنْ الصَّدَقَةِ، فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ: لَوْلَا أَنَّهَا تُعْطَى فَقُرَاءَ الْمُهَاجِرِينَ مَا أَخَذْتُهَا!<sup>(۱)</sup>

یعنی، از ابی هلال تمفیی روایت است که مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت نزدیک بود پس از تو کشته شوم درباره بزغاله و یا گوسفندی از صدقه، حضرت فرمود: اگر این نبود که به فقرای مهاجرین داده میشود، من آنرا نمیگرفتم. (این مرد یاد دهنده زکات بوده که عامل زکات نسبت به او سختگیری کرده و او پیش رسول خدا شکایت برده و با خود عامل زکات بوده که بعضی مردم برای پرداخت زکات او را اذیت نموده اند. بهر حال از این حدیث استفاده شده نقل زکات از محلی و صرف آن در محل دیگر چنانکه رسول خدا عمل نموده است.)

### ۱۹- باب آداب المعطی و الآخذ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ<sup>(۲)</sup> وَقَالَ: ... وَصَلِّ عَلَيْهِمْ...<sup>(۳)</sup>

۱- ج عَنْ جَابِرِ بْنِ عَتِيكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: سَيَأْتِيكُمْ رَكْبٌ مُبْغَضُونَ فَإِذَا جَاءُوكُمْ فَارْحَبُوا بِهِمْ وَخَلُّوا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَبْتَغُونَ، فَإِنْ عَدَلُوا فَلَا تُفْسِدُهُمْ، وَإِنْ ظَلَمُوا فَعَلَيْهَا، وَارْضَوْهُمْ، فَإِنَّ تَمَامَ زَكَاةِكُمْ رِضَاهُمْ، وَلْيَدْعُوا لَكُمْ<sup>(۴)</sup>.

یعنی، جابربن عتیک روایت کرده از پدرش از رسول خدا (ص) که فرمود به سوی شما سوارانی که مورد بغض و نارضایتی شما باشند خواهند آمد (یعنی وصولکنندگان زکات که مالکین از آنان خوششان نمی آید) پس چون آمدند به ایشان مرحبا گوئید و بین ایشان و بین آنچه میخواهند خالی بگذارید، پس اگر عدالت کردند بنفع خودشان، و اگر ستم کردند بضرشان است، و ایشان را خوشنود سازید، زیرا کمال زکات شما خوشنودی ایشان است و باید برای شما دعا کنند.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۷.  
 (۲) قرآن / سوره مائده / آیه ۵۵. (۳) قرآن / سوره توبه / آیه ۱۰۴.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۷ و ۲۸.

۲- ج عَنْ جَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (رض) قَالَ: شَكَاَ الْأَعْرَابُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالُوا: إِنَّ أَنْاسًا مِنَ الْمُصَدِّقِينَ يَأْتُونَنَا فَيُظْلِمُونَنَا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْضُوا مُصَدِّقِكُمْ<sup>(۱)</sup> وَفِي رِوَايَةٍ: إِذَا أَتَاكُمْ الْمُصَدِّقُ فَلَا يُفَارِقَنَّكُمْ إِلَّا عَنْ رِضَا<sup>(۲)</sup>.

یعنی، روایت از جریر بن عبد الله است که گفت: اعراب خدمت رسول خدا (ص) شکایت کردند و گفتند که مردمی از صدقه گیرندگان نزد ما می آیند و به ما ستم می کنند، فرمود صدقه گیرندگان را خوشنود کنید. و در روایتی: چون صدقه گیرنده نزد شما آمد از شما باید مفارقت نکند مگر از خوشنودی.

۳- ج عَنْ عَمْرِو بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لِالْجَلْبِ وَ لِالْجَنْبِ، وَ لَا تُؤْخَذُ صَدَقَاتُهُمْ إِلَّا فِي دُورِهِمْ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، روایت شده از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش از رسول خدا (ص) که فرمود: جلب کردن و طلب کردن نیست و صدقات گرفته نشود مگر در خانه های خودشان، (یعنی گیرندگان زکات مواشی و مانند آن در محل دور و خارج از محل چهارپایان منزل نکنند تا دهنندگان زکات ناچار شوند برای ادای زکات طی مسافت کنند).

۴- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي أَوْفَى قَالَ: كَانَ أَبِي مِنْ أَصْحَابِ الشَّجَرَةِ وَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا أَتَاهُ قَوْمٌ بِصَدَقَتِهِمْ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فُلَانٍ، فَأَتَاهُ أَبِي بِصَدَقَتِهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ أَبِي أَوْفَى<sup>(۴)</sup> وَفِي رِوَايَةٍ: الْمُعْتَدِي فِي الصَّدَقَةِ كَمَا نَعِيهَا<sup>(۵)</sup>.

یعنی، روایت از عبد الله بن ابی اوفی است که گفت: پدرم از اصحاب شجره بود و رسول خدا (ص) عادت داشت که چون قومی زکات خود را می آوردند میگفت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فُلَانٍ، پس پدرم زکات خود را آورد، رسول خدا (ص) گفت: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ أَبِي أَوْفَى. و در روایتی است که تعدی کننده زکات (کسی که زکات خود را تمام و کمال و با اخلاص نمیدهد) مانند مانع زکات است.

(۱) و (۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۸ .  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۸ . والمصنف / ج ۴ / ص ۵۸  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۸

۵- ج عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: الْعَامِلُ عَلَى الصَّدَقَةِ بِالْحَقِّ كَالْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهِ (۱)!

یعنی، رافع بن خدیج از پیغمبر (ص) روایت کرده که فرمود: ما مور جمع زکات که بحق عمل کند مانند جنگجوی در راه خداست تا برگردد به خانه خودش .

## ۲۰-باب من تحل له الزکاة و الصدقة و من لا تحل

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبِهِمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ... (۲)

۱- ج وَجَاءَ رَجُلٌ يَسْأَلُ النَّبِيَّ (ص) مِّنَ الصَّدَقَةِ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ اللَّهُ لَمْ يَرْضَ بِحُكْمِ نَبِيِّهِ وَ لِأَخِيهِ فِي الصَّدَقَاتِ حَتَّى حَكَمَ فِيهَا هُوَ، فَجَزَّأَهَا ثَمَانِيَةَ أَجْزَاءٍ، فَإِنْ كُنْتَ مِنْ تِلْكَ الْأَجْزَاءِ أُعْطَيْتَكَ حَقَّكَ (۳)

یعنی، مردی آمد و از رسول خدا (ص) از صدقه (زکات) سؤال کرد؟ رسول خدا (ص) فرمود: خدایتعالی به حکم پیغمبر و غیر او در صدقات راضی نشد تا آنکه خود او در صدقات حکم نمود و آنرا هشت قسم قرار داد، پس اگر تو از آن هشت قسم میباشی به تو حقت را می دهم.

۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) قَالَ: أُصِيبَ رَجُلٌ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ فِي شَارِ ابْنِهَا فَكَثُرَ دَيْنُهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَصَدَّقُوا عَلَيْهِ فَتَصَدَّقَ النَّاسُ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَبْلُغْ ذَلِكَ وَفَاءَ دَيْنِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِعَرْمَانِهِ: خُذُوا مَا وَجَدْتُمْ وَ لَيْسَ لَكُمْ إِلَّا ذَلِكَ (۴).

یعنی، از ابی سعید روایت شده که گفت: مردی در زمان رسول خدا (ص)

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۸ .  
 (۲) قرآن / سوره توبه / آیه ۶۰ .  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۹ .  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۹ و ۳۰ .

در باره میوه‌هایی که خریداری کرده بود گرفتار شد و دین او زیاد گردید، رسول خدا (ص) فرمود: به او صدقه دهید، پس مردم به او صدقه دادند و این کار با اندازه وفای دین او نرسید، رسول خدا (ص) به طلبکاران او فرمود: آنچه یافته‌اید دریافت کنید و برای شما جز آن نیست.

۳- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَيْسَ الْمُسْكِينُ الَّذِي يَطُوفُ عَلَى النَّاسِ تَرُدُّهُ اللَّقْمَةُ وَاللَّقْمَتَانِ وَالتَّمْرَةُ وَالتَّمْرَتَانِ وَلَكِنَّ الْمُسْكِينُ الَّذِي لَا يَجِدُ غِنًى يُغْنِيهِ، وَلَا يَفْطِنُ لَهُ فَيَتَصَدَّقَ عَلَيْهِ، وَلَا يَقُومُ فَيَسْأَلُ النَّاسَ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: مسکین آن نیست که بر مردم دور میزنند و یکلقمه و دولقمه بخواند و یکخرما و دوخرما به او داده شود، لیکن مسکین آن کسی است که ثروتی که به دردا و بخورد نیابد، و کسی به حال او متوجه نشود که به او صدقه دهد و برای سؤال از مردم برنخیزد.

۴- ج عَنْ قَبِيصَةَ بِنِ مَخَارِقِ الْهَلَالِيِّ قَالَ: تَحَمَّلْتُ حَمَالَهً فَأَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَسْأَلُهُ فِيهَا فَقَالَ: أَقِمِّي حَتَّى تَأْتِيَنَا الصَّدَقَةُ فَنَأْمُرَ لَكَ بِهَا ثُمَّ قَالَ: يَا قَبِيصَةُ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لِاتَّحِلَّ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةً: رَجُلٌ تَحْمَلُ حَمَالَهً، فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَهَا ثُمَّ يَمْسِكُ، وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ جَائِحَةٌ أَجْنَحَتْ مَالَهُ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ قَوَامًا مِنْ عَيْشٍ أَوْ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ، وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ حَتَّى يَقُولَ ثَلَاثَةً مِنْ ذَوِي الْحِجَامِ مِنْ قَوْمِهِ لَقَدْ أَصَابَتْ فُلَانًا فَاقَةٌ، فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يُصِيبَ قَوَامًا أَوْ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ، فَمَا سِوَاهُنَّ مِنَ الْمَسْأَلَةِ يَا قَبِيصَةُ سَحْتًا يَأْكُلُهَا صَاحِبُهَا سَحْتًا (۲)

یعنی، از قَبِيصَةَ بِنِ مَخَارِقِ هَلَالِيِّ روایت شده که گفت: بار سنگینی از دین متحمل شدم و راجع به آن خدمت رسول خدا (ص) آمدم، فرمود: اینجا باش تا زکاتی بیاید که برای تو به آن امر کنیم، سپس

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۰

فرمود: یا قَبِيصَه، سؤال روان باشد مگر برای یکی از سه کس: مردی که با سنگینی متحمل شده، برای او سؤال گوار است تا به آن برسد و ادا کند، سپس بس کند، و مردی که او را بلیه‌ای برسد که مال او را از بین ببرد، برای او گوار است که سؤال کند تا به چیزی که بتواند اعاشه کند و پایداری را نگاهدارد، برسد، و مردی که به او فقر شدیدی برسد بطوریکه سه نفر خردمند از قوم او فقر و احتیاج او را تصدیق کنند، برای او نیز سؤال رواست بحدی که بتواند اعاشه و پایداری را حفظ کند. و سؤال در غیر این موارد حرام است، و صاحب آن حرام میخورد.

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا تَصَامَسَتْ أُمَّتِي عَنْ سَائِلِهَا وَ مَسَتْ يَتَبَخَّرُ حَلْفَ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ بِعِزَّتِهِ فَقَالَ: بِعِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَعْدِيٍّ بَعْضُهُمْ بَعْضٍ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: زمانیکه امت من خود را بگری بزند از سؤال کننده خود و با تکبر راه برود، خدا پروردگارم عَزَّوَجَلَّ قسم به عزت خود بخورد و گوید: قسم بعزت و جلالم البته عذاب خواهم کرد بعضی از ایشان را بدست بعضی دیگر.

۶- ج و ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِاتِحِلَّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ وَ لِأَلِيٍّ مَرَّةً سَوِيًّا<sup>(۲)</sup> وَ فِرَوَائِبُ قَالَ الصَّادِقُ: إِنَّ النَّبِيَّ (ص) قَدْ قَالَ لِغَنِيِّ وَ لَمْ يَقُلْ لِأَلِيٍّ مَرَّةً سَوِيًّا<sup>(۳)</sup>

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: صدقه گوارا نیست برای غنی و نه برای مزاج سالم. و در روایتی از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) شخص بی نیاز را فرمود و آنکه مزاج سالم را دارد نفرمود.

۷- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاتِحِلَّ الصَّدَقَةُ لِغَنِيِّ وَ لِأَلِيٍّ مَرَّةً سَوِيًّا، وَ لِأَلِيٍّ مَرَّةً سَوِيًّا<sup>(۴)</sup>

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۹۳.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۱ و وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۵۹ و ۱۶۵.  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۵۹ و ۱۶۰.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۶۰ و مسند الامام زید / ص ۲۰۰.

یعنی، حضرت باقر روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: صدقه برای شخص غنی و برای مردم سالم و برای آنکه حرفه‌ای دارد و برای شخص نیرومند روا نیست.

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ الْمَسْئَلَةَ لِاتَّمَحَّ إِلَّا لِثَلَاثَةٍ: لِيَذِي فَقْرٍ مُدْقِعٍ، أَوْ لِيَذِي غُرْمٍ مُفْطِعٍ، أَوْ لِيَذِي دَمٍ مُوَجِعٍ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: سؤال کردن شایسته نیست مگر برای سه مورد: برای فقر مدقعی، برای غرم مفطعی، و یا برای دین بفریاد آورنده، و یا برای خون درآوردنده.

۹- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أُنْتِي النَّبِيُّ (ص) بِشَيْءٍ يُقَسِّمُهُ فَلَمْ يَسَعْ أَهْلَ الصَّفَةِ جَمِيعًا فَخَصَّ بِهِ أَنَسًا مِنْهُمْ، فَخَافَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يَكُونَ قَدْ دَخَلَ قُلُوبَ الْأَخْرِيِّينَ شَيْءٌ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: مَعْدِرَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَإِلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الصَّفَةِ، إِنَّا أَوْتِينَا بِشَيْءٍ فَأَرَدْنَا أَنْ نُقَسِّمَهُ بَيْنَكُمْ فَلَمْ يَسَعِكُمْ فَخَصَّصْتُ بِهِ أَنَسًا مِنْكُمْ خَشِينَا جَزَعَهُمْ وَهَلَعَهُمْ (۲) وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَأَيُّسَمُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ عَلَى ثَمَانِيَةِ حَتَّى يُعْطَى أَهْلُ كُلِّ سَهْمٍ ثَمْنًا، وَلَكِنْ يُقَسِّمُهَا عَلَى قَدَرٍ مَنْ يَحْضُرُهُ مِنْ أَصْنَفِ الثَّمَانِيَةِ عَلَى قَدَرٍ مَا يُغْنِي كُلَّ صِنْفٍ مِنْهُمْ بِقَدَرٍ سَتَيْهِ لَيْسَ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوقُوتٌ وَ لَأَمْسَمِي وَ لَأَمُولِفَ إِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ عَلَى قَدَرٍ مَا يَبْرِي وَ مَا يَحْضُرُهُ حَتَّى يَسُدَّ كُلَّ فَاقِفٍ كُلَّ قَوْمٍ مِنْهُمْ وَ إِنْ فَضَلَ مِنْ ذَلِكَ فَضَلَ عَرَضُوا الْمَالَ جَمْلَةً إِلَى غَيْرِهِمْ (۳). وَ فِي رِوَايَةٍ: لَيْسَ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوقُوتٌ مُوظَّفٌ، وَ إِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ بِمَا يَبْرِي عَلَى قَدَرٍ مَنْ يَحْضُرُهَا مِنْهُمْ (۴).

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: چیزی خدمت رسول خدا (ص) آورده شد که قسمت نماید، پس به تمام اهل صفه نمی‌رسید، عده‌ای از ایشان را اختصاص داد و ترسید به دل دیگران چیزی از کراهت وارد شود، پس به سوی ایشان آمد فرمود: در پیشگاه خدا و

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۱ و مسند الامام زید / ص ۲۰۱.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۴.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۵.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۴.

شما عذرخواهی میکنم ای اهل صفة که چیزی نزدما آورده شد و خواستیم بین شما قسمت کنیم و به شما نرسید و عده ای از شما را اختصاص دادیم که از جزع و بیتابی ایشان ترسیدیم. و در روایت دیگر است که: رسول خدا (ص) بین اصناف مستحق زکات بطور مساوات قسمت نمیکرد تا اینکه اهل هر یک از ایشان را یکهشتم بدهد، ولیکن آنرا بین کسانی از اصناف هشتگانه حاضر بودند قسمت میکرد با اندازه ای که هر صنفی از ایشان را بقدر سالی بی نیاز کند، و چیزی معین و چیزی که نام برد نبود، همانا این تقسیم را بقدریکه تشخیص میداد و چیزیکه حاضر بود انجام میداد تا احتیاج هر طایفه را برطرف نماید، و اگر از آن چیزی زیاد میآمد، همه مال را به غیر ایشان عرضه می داشتند. و در روایتی آمده که: در این مورد برای آنحضرت قدر مفروض و معین نبود، و همانا تقسیم را بدرجه و مرتبه کسانی از مستحقین که حاضر بودند و کیفیتی که برای آنحضرت نمایان بود، انجام میداد.

۱۰- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ سَأَلَ النَّاسَ وَلَهُ مَا يُغْنِيهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَسَّالَتْهُ فِي وَجْهِهِ خُمُوشٌ أَوْ خُدُوشٌ أَوْ كُدُوحٌ؛ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُغْنِيهِ؟ قَالَ: خُمْسُونَ دِرْهَمًا أَوْ قِيمَتَهَا مِنَ الذَّهَبِ (۱)

یعنی، از عبدالله روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: کسیکه سؤال کند در حالیکه چیزی دارد که او را بی نیاز کند، روز قیامت در حالی بیاید که در صورت او آثار منکره و بدی باشد، عرض شد: یا رسول الله چیزی که او را بی نیاز کند چه مقدار است؟ فرمود: پنجاه درهم و یا قیمت آن از طلا.

۱۱- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ سَأَلَ وَلَهُ قِيمَةُ أُوقِيَّةٍ فَقَدْ سَأَلَ الْخَافَا، فَقُلْتُ: نَأْفَتِي الْيَاقُوتَةَ خَيْرٌ مِنْ أُوقِيَّةٍ (۲)؛

یعنی، از ابوسعید از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: کسیکه سؤال کند و حال آنکه با اندازه چهارم درهم دارائی دارد، بتحقیق

إلحاف (یعنی اصرار) در سؤال نموده (که خدایتعالی در سوره بقره آیه ۲۷۳ از آن نهی و آنرا مذموم شمرده است). ابوسعید گفت: شتر سرخ موی من بهتر از چهل درهم است.

۱۲- ش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيَّ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ! (۱)

یعنی، از ابوهریره روایت شده از پیغمبر (ص) که فرمود: همانا خدا دشمن میدارد بدگوی بد زبان سائل اصرار کن را.

۱۳- ج عَنْ سَهْلِ بْنِ حَنْظَلَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ سَأَلَ وَ لَهُ مَا يُغْنِيهِ فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنَ النَّارِ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُغْنِيهِ؟ قَالَ: قَدْرُ مَا يُغْدِيهِ وَ يُعْشِيهِ . وَ فِي رِوَايَةٍ: أَنْ يَكُونَ لَهُ شَيْعٌ يَوْمَ وَ لَيْلَةٍ! (۲)

یعنی، از سهل بن حنظله از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: کسیکه سؤال کند در حالیکه آنچه او را بی نیاز کند دارد، پسرمانا جرعه های دوزخ را زیاد میکند، عرض کردند: آنچه او را بی نیاز میکند چیست؟ فرمود بقدریکه صبح و شام غذا بخورد. و در روایتی باندازه ای که وسائل سیری روزوشبی را داشته باشد.

۱۴- ج عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لِأَتَحِلُّ الصَّدَقَةَ لِغَنِيِّي إِلَّا لِحَمْسَةٍ: لِنَازٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ لِغَائِلٍ عَلَيْهَا، أَوْ لِغَارِمٍ أَوْ لِرَجُلٍ اشْتَرَاهَا بِمَالِهِ، أَوْ لِرَجُلٍ كَانَ لَهُ جَارٌ مُسْكِينٌ فَتُصَدِّقَ عَلَى الْمُسْكِينِ فَأَهْدَاهَا لِغَنِيِّي. (۳)

یعنی، روایت شده از عطاء بن یسار از رسول خدا (ص) که فرمود: صدقه برای غنی گوارا نیست جز برای پنج نفر: جنگجوی در راه خدا و یا برای کارمندان صدقه و یا برای بدهکار، و یا برای مردی که اموال زکات را با مال خود میخرد، و یا مردی که مسکین است و همسایه غنی دارد، و بر مسکین زکات داده اند، و آن مسکین هدیه به آن مرد غنی دهد.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۵۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۲ و ۳۱.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۰۹.



۱۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمُتَصَدِّقُ لِأَعْدَائِنَا كَالسَّارِقِ فِي حَرَمِ اللَّهِ!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آنکه به دشمنان ما صدقه بدهد مانند کسی است که در حرم خدا دزدی کرده باشد.

## ۲۱-باب أن الصدقة لاتناسب شأن النبی (ص) و

### آل بیته

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلَنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (۱)

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: أَخَذَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (رض) تَمْرَةً مِنْ تَمْرِ الصَّدَقَةِ، فَجَعَلَهَا فِي فِيهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): كَخِ كَخِ لِيَطْرَحَهَا، ثُمَّ قَالَ: أَمَا شَعَرْتَ أَتَا لَنَا كُلُّ الصَّدَقَةِ (۲)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که گفت: حسن بن علی (ع) خرمائی از خرماهای صدقه را گرفت و در دهان خود قرار داد، رسول خدا (ص) فرمود: کخ کخ، یعنی از دهان خارج کن برای اینکه او بیرون ریزد، سپس فرمود: آیا ندانستی که ما صدقه نمی خوریم.

(بدانکه چنانکه گذشت امرزکات درابتدای تشریح زکات بر مسلمانان دشوار و ناگوار بود. رسول خدا (ص) نیز آنرا بشدت أخذ میفرمود حتی بوسیله شمشیر، لذا برای احتراز از هرگونه اندیشه ناروا و تهمتی که ممکن بود از طرف منافقین و اشخاص ضعیف الایمان زده شود آنرا بر خود و خاندان موجود خود حرام نمود تا این شبهه و تصور نابجا و خیال اینکه آنحضرت، اموال مردم را بشدت اخذ میکند تا خود و خانواده اش از آن ارتزاق نمایند و حضرتش دعوی مقام رسالت را چون طالبان دنیا برای نان و آب و تهیه وسائل عیش و نوش برای خود و خانه اش مینماید، درخاطره ای

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۵۵

(۲) قرآن / سوره یوسف / آیه ۸۸

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۲ و ۳۳ / والمصنف / ج ۴ / ص ۵۱

خطور نکند. و از اینرو وسائل معیشت خود و زنان و فرزندان خود را از طریق غنائم خبیر و اموال مُخیرِیق و بَنی النَّضیر و امثال آن فراهم مینمود، زیرا آن اموال کفّار بود نه مسلمین و ارتزاق آن اموال بر مسلمین ناگوار نبود. و از همین رو آنحضرت بر خویشانش مأموریت و عاملی صدقات را هم نمی‌داد. ولی بعد از آنحضرت چون دیگر خوف چنین اندیشه و تهمت‌ی در بین نبود مسئله حُرمت صدقه اثر خود را از دست میدهد و اهل بیت و اقرباء و زنان پیغمبر و کسانی که عائله آنحضرت بودند عموماً از بیت المال که رقم مهم آنرا زکوات و صدقات تشکیل میداد استفاده و ارتزاق مینمودند و نیز منسوبین رسول مأمور أخذ صدقات و زکوات میگردیدند. و چنانکه در کتب تاریخ ضبط است، اولاد علی (ع) از خلفاء عطایائی میگرفتند که از بیت المال و زکات بود. البته پس از رسول خدا (ص) گاهگاهی نیز از ناحیه مخالفین بر علیه سادات دسیسه و توطئه و نیرنگی سیاسی بعمل آمده، که از آنجمله حرمت صدقه و زکات برایشان بوده است چنانکه معدودی از خلفاء برای بیچاره کردن این سلسله جلیله، ایشان را مطلقاً از أخذ صدقه و زکات ممنوع نموده، سپس عمل خود را به اسلام نسبت داده‌اند. برای تحقیق در این مسئله رجوع شود به کتاب خمس آقای قلمداران:

۲- ج عَن أَنَسٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) مَرَّ بِتَمْرَةٍ فِي الطَّرِيقِ، فَقَالَ: لَوْلَا أَن تَكُونَ مِنَ الصَّدَقَةِ لَأَكَلْتُهَا (۱)

یعنی، از انس روایت شده که رسول خدا (ص) در راه به خرمائی گذشت و فرمود: اگر نه این بود که صدقه است هر آینه آنرا خورده بودم.

۳- ج عَن عَائِشَةَ قَالَتْ: أَتَيْتِ النَّبِيَّ (ص) بِلَحْمٍ، فَقُلْتُ: هَذَا مَا تَصَدَّقَ بِهِ عَلَيَّ بِرَبْرَةٍ فَقَالَ: هُوَ لَهَا صَدَقَةٌ وَ لَنَا هَدِيَّةٌ (۲) وَ كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا أَتَيْتِ بِطَعَامٍ سَأَلَ عَنْهُ، فَإِنْ قِيلَ هَدِيَّةٌ أَكَلَ مِنْهَا وَ إِنْ قِيلَ صَدَقَةٌ لَمْ يَأْكُلْ مِنْهَا (۳)

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: گوشتی برای رسول خدا (ص)

- (۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۳.  
 (۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۳.  
 (۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۲۳.

آورده شد، من گفتم این صدقه داده شده بر بریره، حضرت فرمود: این گوشت برای او صدقه است و برای ما هدیه است. و عادت او این بود که هرگاه طعامی آورده میشد سؤال میکرد از آن؟ اگر گفته میشد هدیه است از آن میخورد و اگر گفته میشود صدقه است از آن نمیخورد.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ الصَّدَقَةَ أَوْسَاخُ أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ قَدْ حَرَّمَ عَلَيَّ مِنْهَا وَمِنْ غَيْرِهَا مَا قَدْ حَرَّمَكَ وَإِنَّ الصَّدَقَةَ لِاتَّجِلُّ لِيَبْنِي عَبْدَ الْمُطَّلِبِ! (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه چرکهای دست مردم است و حقاً خدای عزوجل ناگوار قرار داده بر من از صدقه و غیر صدقه آنچه را که ناگوار قرار داده و حقاً صدقه برای فرزندان عبدالمطلب گوارا نیست.

این حدیث نیز معلوم میدارد صدقه بر رسول خدا (ص) حرام بوده است زیرا ممکن است آن اجری در مقابل رسالت فرض شود، پس صدقه ضمن چیزهای دیگری بر آن حضرت حرام است چنانکه در حدیث می فرماید: «مِنْهَا وَمِنْ غَيْرِهَا». و برای رسول خدا (ص) اموری نهی شده بود که از شؤونات و خصوصیات شخصی آن حضرت بوده مانند خوردن سیروپیازو یا غذا خوردن در حال تکیه، و اشاره کردن با سر و چشم، و بیرون کردن جامه جنگ پس از پوشیدن و غیر اینها که بر فرض حرمت از اختصاصات آن جناب است و به دیگران سرایت نمی کند. و دیگر آنکه در بسیاری از کتب احادیث کلمه حرام در این مورد استعمال نشده بلکه کلمه «لَأَنْتَأْكُلُ» و مانند آن استعمال شده مانند حدیث بخاری که رسول خدا (ص) تمر را از دهان حضرت حسن (ع) بیرون آورد و فرمود: مگر نمی دانی که ما صدقه نمی خوریم. در اینجا لازم به تذکر است که پاره ای از فقهای امامیه قائل به خمس ارباح مکاسب که دلیلی از کتاب و سنت ندارد بوده و میگویند بر هر مسلمانی اعم از حمال و بقال و هیزم کن و سقا و عمله و خیاط و چرخریس و رختشوی و کفشدوز و

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۶ و المصنف / ج ۴ / ص ۵۲ و ۵۳

غیراینها واجب است که از کمترین درآمد خود حتی اگر پنج ریال درآمدزاد در سال باشد، یک پنجم آنرا بعنوان خمس و به سادات بپردازد و با اینکه چنین پولی با کدیمین و عرق جبین بدست آمده آنرا اَوْسَاخِ اَیْدِی النَّاسِ نمی‌دانند!! ولی زکات را با آن شرایط و نصایب که در آن آمده اوساخ ورنج دست مردم می‌دانند و بر سادات حلال نمی‌دانند، و این حکم نه موافق عقل است و نه موافق شرع. دلیلی که ایشان از قرآن برای خود اقامه کرده اند آیه ۴۱ سوره انفال است. در حالیکه این آیه هیچ ارتباط به خمس ارباب مکاسب ندارد چنانکه شرح آیه در کتاب جهاد خواهد آمد. حال اگر ایشان می‌گفتند سادات، زکات را از مسلمین نگیرند و بجای آن از خمس غنائم جنگی از کفار چیزی بگیرند، مطلبی بود در حالیکه اینچنین نمی‌گویند.

۵- ش قَالَ رَسُولَ اللَّهِ (ص): إِذَا أَهْلَ بَيْتٍ لَاتَحِلُّ لِنَسَا الصَّدَقَةُ، وَأَمْرُنَا بِإِسْبَاغِ الْوُضُوءِ وَ أَنْ لَانزِي حِمَارًا عَلٰی عَتِيقَةٍ، وَ لَانَمْسَحَ عَلٰی خُفِّ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که: ما خانواده‌ای هستیم که برای ما صدقه گوارا نیست، و ما ما موریم به شاداب کردن وضو، و اینکه خری را بر اسب عربی نرانیم، و بر موزه مسح نکشیم. از این حدیث مذموم و مکروه بودن خوردن صدقه براهل بیت استفاده میشود نه حرمت آن، چنانکه زانندن خربراسب و عدم اسباغ وضو از اعمال مکروههاست نه حرام.

۶- ج و ش عَنْ أَبِي رَافِعٍ (رَضِيَ) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ رَجُلًا عَلٰی الصَّدَقَةِ مِنْ بَنِي مَخْرُومٍ، فَقَالَ لِأَبِي رَافِعٍ: أَصْحَابِي فَإِنَّكَ تَصِيبُ مِنْهَا قَالَ: حَتَّى آتَى النَّبِيَّ (ص) فَسَأَلَهُ، فَأَتَاهُ فَسَأَلَهُ، فَقَالَ: مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا لَاتَحِلُّ لَنَا الصَّدَقَةُ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از ابی‌رافع (مولای - بنده آزاده - پیغمبر) روایت شده که رسول خدا (ص) مردی از بنی‌مخزوم را برای جمع زکات گسیل داشت،

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۷.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۳ و ۳۴ و وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۹۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۵۱.

او بهایی رافع گفت، تو همراه من بیا که توهم از صدقه ببری، ابورافع گفت من قبول نمی‌کنم تا خدمت رسول خدا (ص) بروم و از او سؤال کنم، پس آمد و سؤال کرد؟ رسول خدا (ص) (اذن نداد) و فرمود: مولای قوم از خودشان است و محقق است که صدقه برای ما گوارا نیست (یعنی موالی قومی، حکم آن قوم را دارند).

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ أَنَسًا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَسَأَلُوهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهُمْ عَلَى صَدَقَاتِ الْمَوَاشِي وَ قَالُوا: يَكُونُ لَنَا هَذَا السَّهْمُ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْعَامِلِينَ عَلَيْهَا فَفَنَحْنُ أَوْلَىٰ بِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنَّ الصَّدَقَةَ لِاتِحْلِ لِي وَ لَكُمْ، وَلَكِنِّي قَدْ وَعَدْتُ الشَّفَاعَةَ أَتْرُونِي مُؤَثِّرًا عَلَيْكُمْ غَيْرِكُمْ (۱)

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که فرمود: اعدّه آی از بنی هاشم نزد رسول خدا (ص) آمدند و درخواست کردند که ایشان را مأمور قرار دهد برای جمع صدقات چهارپایان و گفتند این سهمی را که خدا برای عاملین علیها قرار داده برای ما باشد زیرا که ما به آن سزاوارتریم، رسول خدا (ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب صدقه برای من و برای شما گوارا نیست، ولیکن به من وعده شفاعت داده شده آیا فکر میکنید که من غیر شما را بر شما ترجیح میدهم؟

(از این حدیث نیز استفاده میشود که حرمت صدقه بر بنی هاشم و بنی عبدالمطلب، اختصاص به زمان رسول خدا (ص) و حیات آن حضرت داشته، چنانکه آنحضرت در زمان خود به احدی از بنی هاشم عاملیت زکات و ولایت بلاد نداد مگر مدتی اندک به حضرت علی<sup>ع</sup> که آنجناب را به ولایت و حکومت یمن و اخذ زکوات و صدقات آن سامان مأمور کرد، اما در زمان خلافت علی<sup>ع</sup> می‌بینیم که اکثر بنی هاشم از جانب آنحضرت به ولایت بلاد و جبایت زکات مأمور شدند چنانکه فرزندان عباس هر کدام در بلادی به ولایت و اخذ زکات گماشته شدند. عبد الله بن عباس در بصره، عبیدالله بن عباس در یمن و قثم بن عباس در مکه

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۸۶

و مَعْبَدِينَ عَبَّاسٍ دَرْمَدِيْنَهِ وَغَيْرَآنَهَا دَر سَائِرِ بِلَادٍ وَ جَعَدَةَ بِنْتُ هُبَيْرَةَ  
بِنْتُ وَهْبٍ رَا بَهْ وَوَلَايَتِ خِرَاسَانَ وَ اخْذَ زَكَاتٍ وَخِرَاجِ آنْ كَمَا شِئْتَ . بَرَايَ  
تَحْقِيقِ كَامِلِ دَرَايْنِمُورِدِ رَجُوعِ شُودِ بَهْ كِتَابِ بَحْثِي عَمِيقِ بِيْرَامُونِ مَسْئَلَهُ  
خمس ) .

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ هَذِهِ الصَّدَقَاتِ إِنَّمَا هِيَ أَوْسَاخُ  
النَّاسِ وَإِنَّهَا لِاتَّحِلُّ لِمُحَمَّدٍ وَ لِأَلِّ لِمُحَمَّدٍ (۱)  
یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: همانا صدقه و زکات چرک مردم است و  
سزاوار و شایسته برای محمد و آل محمد نیست .

(مؤلف گوید: اینجا لازم است که معنای آل روشن شود، بدانکه برای آل  
چندین معنا باشد که معنای مراد بقربینه کلام دانسته میشود از آن جمله  
بمعنای اهل و خانواده شخص مانند آنکه در قرآن می فرماید « وَ  
بَقِيَّةٍ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ » (۲) صندوق عهدی  
که بازمانده و یادبود خاندان موسی و خاندان هارون در آنست و  
فرشتگان آنرا برانند . . معنای دیگر آل، بمعنای پیروان شخص  
است مانند آنکه خدا در قرآن فرموده: «أَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ» (۳) آل  
فرعون و فرعونیان را غرق نمودیم، که منظور پیروان فرعون است  
نه فرزندان و نه عیال او . و مثلاً از حضرت صادق (ع) روایت شده که  
فرمود: شیعیان ما تماما مشان آل محمد می باشند (۴). و یا از حضرت باقر  
نقل شده که در دعای خود گوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ  
مَنْ اتَّبَعَهُ مِنْهُمْ يٰ حَسْبُنِي (۵) و یا حضرت سجاد (ع) در دعای خود گوید:  
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ (۶) و یا گوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِيْبًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ نَصِيْرًا (۷) که آل در تمام این  
آثار همان پیروان مراد است . و همچنین است آنچه از آل محمد  
در صلوات نمازها و مانند آن آمده که می توان گفت مراد، پیروان

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۵۰ .

(۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۴۸ .

(۳) قرآن / سوره بقره / آیه ۵۰، و سوره انفال / آیه ۵۴ .

(۴) وسائل الشیعه / ابواب الذکر / باب ۴۲ / حدیث ۱۱ .

(۵) مستدرک الوسائل / ج ۱ / ص ۲۷۸ .

(۶) و (۷) صحیفه سجاده / دعای بیست و چهارم و دعای بیست و یکم .

کتاب الزکاة (باب أن الصدقة لاتناسب شأن النبي ص وآل بيته) ۹۴۵

راستین حضرت محمد ص، یعنی پرهیزکاران امت او میباشند که بر ایشان صلوات فرستاده می شود. و در این صورت آل محمد شامل حضرت علی ع و هر فرزند مؤمن و پاک از نسل او نیز می باشد چنانکه شامل سایر پاکان است. و اما اینکه برخی منظور از آل محمد را فقط منحصر به علی و معدودی از اولاد او دانسته اند، چیزی است که بی دلیل است. و خداوند نیز در قرآن بر پیامبر ص و نیز بر پیروان او صلوات فرستاده و فرموده: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (۱). و می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُطَيِّبُ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ» (۲). و به رسول خود نیز دستور داده که بر مؤمنین صلوات بفرستد و می فرماید: «وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» (۳). و در صحیفه سجّادیه دعای چهارم حضرت سجّاد ع عرض میکند: اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ يَا عَالَمِينَ مِنْ يَوْمِ هَذَا إِلَى يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَيَّ أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَيَّ ذُرِّيَّاتِهِمْ وَعَلَيَّ مَنْ أَطَاعَكَ مِنْهُمْ صَلَوةً... (۴). و اما آنچه از کلمه آل محمد در احادیث این باب آمده، پس چنانکه از آثار استفاده میشود و فقهاء نیز ذکر نموده اند منظور فرزندان علی و جعفر و عقیل و عباس و حارث یعنی بنی هاشم، و غیر از ایشان نیز، بنی مطلب به قول بعضی، می باشد.

## ۲۲-باب فضل التعفف و ذم السؤال إلا للضرورة

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَاقًا (۱)

۱- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) أَنَّ أَنَسًا سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَأَعْطَاهُمْ، ثُمَّ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ حَتَّى نَفِدَ مَا عِنْدَهُ فَقَالَ: مَا يَكُونُ عِنْدِي مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ أَدَّخِرَهُ عَنْكُمْ، وَمَنْ يَسْتَعْفِفْ يُعِفَّهُ اللَّهُ، وَ مَنْ يَسْتَفْتِنِ يَنْفِتْهُ اللَّهُ، وَ مَنْ يَتَصَبَّرْ يُصَبِّرْهُ اللَّهُ وَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ عَطَاءً خَيْرًا وَ أَوْسَعَ مِنَ الصَّبْرِ (۲).

یعنی، از ابی سعید (رض) روایت شده که مردمی از انصار از رسول خدا (ص)

- (۱) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۵۷
- (۲) قرآن / سوره احزاب / آیه ۴۳
- (۳) قرآن / سوره توبه / آیه ۱۰۳
- (۴) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۷۳
- (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۴

سؤال و طلب کردند، پس آنحضرت به ایشان عطا کرد، سپس باز سؤال و طلب نمودند، به ایشان عطا نمود، تا اینکه آنچه نزد حضرت بود تمام گردید، پس از آن فرمود: هر خیری که نزد من باشد از شما دریغ نمی‌کنم و کسیکه اظهار عفت کند و سؤال نکند خدا او را مدد نماید و کسیکه اظهار بی‌نیازی کند خدا او را بی‌نیاز کند، و کسیکه شکیبائی کند خدا او را صبر عنایت کند، و به احدی چیز بهتر و با وسعت‌تر از صبر داده نشده است.

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ سَأَلَنَا أَعْطَيْنَاهُ، وَ مَنْ اسْتَعْنَى أَغْنَاهُ اللَّهُ (۱).

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: هر کس از ما سؤال کند، به او عطا می‌کنیم، و هر کس اظهار بی‌نیازی کند خدا او را بی‌نیاز کند.

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): قَدْ أَقْلِحَ مَنْ أَسْلَمَ وَ رَزَقَ كَفَافًا وَ قَنَعَهُ اللَّهُ بِمَا آتَاهُ (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ قُوتًا. وَقَالَ: لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ (۳) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: محققاً رستگار کسی است که اسلام آورد و خدا او را رزق بقدر کفاف بدهد و او را به آنچه داده قانع سازد، و در روایتی حضرت عرض کرد: خدایا رزق پیروان محمد را قوتی قرار ده. و فرمود: بی‌نیازی از کثرت متاع نیست، بلکه بی‌نیازی، بی‌نیازی طبع است.

۴- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدَكُمْ حَبْلَهُ فَيَحْتَطِبَ عَلَى ظَهْرِهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَأْتِيَ رَجُلًا فَيَسْأَلَهُ أَعْطَاهُ أَوْ مَنَعَهُ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: قسم به آنکه جانم به دست اوست که اگر یکی از شما ریسمان خود را بدست گیرد و هیزم بر پشت خود بکشد، بهتر است برای او از اینکه نزد مردی برود و سؤال کند، او عطا کند یا نکند.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۰  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۴  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۴ و ۳۵  
 (۴) و (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۵



۵- ج عَنْ حَكِيمِ بْنِ جِزَامٍ قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتُهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ سَأَلْتَهُ فَأَعْطَانِي، ثُمَّ قَالَ: يَا حَكِيمُ إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرَةٌ حَلْوَةٌ، فَمَنْ أَخَذَهُ بِسَخَاوَةٍ نَفْسُ بُورِكَ لَهُ فِيهِ، وَ مَنْ أَخَذَهُ بِإِشْرَافِ نَفْسٍ لَمْ يَبَارِكْ لَهُ فِيهِ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَلَا يَشْبَعُ، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، قَالَ حَكِيمٌ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا أُزْرَأُ أَحَدًا بَعْدَكَ شَيْئًا حَتَّى أَفَارِقَ الدُّنْيَا، فَأَعْطَاهُ أَبُو بَكْرٍ ثُمَّ عَمَرَ حَقَّهُ مِنَ النَّفْيِ فَأَبَى، ثُمَّ تُوَفِّيَ (۱)!

یعنی، روایت شده از حکیم بن جزام که گفت: از رسول خدا (ص) سؤال کردم عطا کرد، باز سؤال کردم، به من عطا کرد، سپس سؤال کردم، عطا نمود. پس از آن فرمود: ای حکیم، این مال مانند میوه سبز شیرین است، هر کس آنرا به سخاوت نفس و بی اعتنائی بگیرد، برایش مبارک است، و هر کس به حرص نفس بگیرد برای او مبارک نیست مانند کسیکه میخورد و سیر نمی‌شود، و دست بالاتر بهتر از دست پائین‌تر است (دست بالاتر یعنی دست دهنده، و دست پائین تر یعنی گیرنده). حکیم عرض گفت: عرض کردم یا رسول الله، سوگند به آنکه تو را مبعوث کرد، پس از تو از احدی سؤال نمی‌کنم تا از دنیا مفارقت کنم، پس ابوبکر و عمر سهم او را از غنائم می‌دادند و لسی او خودداری مینمود تا آنکه وفات نمود.

۶- شَوْجٌ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: يَدُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَ يَدُ الْمُعْطَى الَّتِي تَلِيهَا وَ يَدُ السَّائِلِ السُّفْلَى فَأَعْطِ الْفَضْلَ وَ لَا تَعْجِزْ عَنِ نَفْسِكَ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: دستها سه نوع است: دست خدا که برتر است، و دست دهنده که دنبال دست خداست، و دست درخواست کننده که پائین تر است، پس زیادی از احتیاجت را بده، و خود را از مجاهدت نفس عاجز و ناتوان مشمار.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: يَدُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَ يَدُ الْمُعْطَى الَّتِي تَلِيهَا، وَ يَدُ السَّائِلِ السُّفْلَى، فَاسْتَعْفُوا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۵ و المصنف / ج ۹ / ص ۷۷.  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۳ و التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۵.

عَنِ السَّوَالِ مَا اسْتَطَعْتُمْ، إِنَّ الْأَرْزَاقَ دُونَهَا حُبٌّ، فَمَنْ شَاءَ قَنَى حَيَاتَهُ وَ أَخَذَ رِزْقَهُ، وَ مَنْ شَاءَ هَتَكَ الْحِجَابَ وَ أَخَذَ رِزْقَهُ، وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْ يَأْخُذَ أَحَدَكُمْ حَبْلًا ثُمَّ يَدْخُلُ عَرْضَ هَذَا الْوَادِي فَيَحْتَطِبُ حَتَّى لَا يَلْتَقِيَ طَرْفَاهُ ثُمَّ يَدْخُلُ السُّوقَ فَيَبِيعُهُ بِمِدٍّ مِنْ تَمْرٍ فَيَأْخُذُ ثُلُثَهُ وَ يَتَصَدَّقُ بِثُلُثَيْهِ خَيْرَ لَهُ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ النَّاسَ، أَعْطَوْهُ أَوْ حَرَمُوهُ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: دستها سهدست است: دست خدا برتر است، و دست عطاکننده بعد از آن است، و دست گیرنده پست ترین دستهاست. پس تا میتوانید از سؤال بگذرید، زیرا که روزیها جلو آن پرده هائی است، پس هر که خواهد حیا را ملازم باشد و رزق خود را دریافت کند و هر که خواهد پرده بدرد و رزق خود را دریافت کند، قسم به آنکه جانم بدست اوست که اگر یکی از شما ریسمانی بگیرد و داخل این بیابان پهناور گردد و هیزم جمع کند که دو طرف ریسمانش بهم نرسد سپس وارد بازار گردد و بفروشد به مدی از خرما (تقریباً یک کیلو)، پس ثلث آنرا بگیرد و دوثلث آنرا صدقه دهد بهتر است برای او که از مردم سؤال کند چه مردم به او بدهند و چه محروم شوند.

۸- ج عَنْ عُمَرَ (رض) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُعْطِينِي الْعَطَاءَ، فَأَقُولُ: أَعْطَهُ مَنْ هُوَ أَفْقَرُ إِلَيْهِ مِنِّي، فَقَالَ: خُذْهُ إِذَا جَاءَكَ مِنْ هَذَا الْمَالِ شَيْءٌ وَ أَنْتَ غَيْرُ مُشْرِفٍ وَ لَا سَائِلٍ فَخُذْهُ، وَ مَا لَا، فَلَا تَتَّبِعْهُ نَفْسَكَ (۲)

یعنی، روایت شده از عمر که گفت: رسول خدا (ص) به من عطا میداد و من میگفتم به کسی بده که از من فقیرتر باشد، فرمود: هرگاه از این مال چیزی برای تو آمد بگیر در حالیکه چشمت بدنبال آن نباشد و سؤال نکنی، و آنچه نیامد بدنبال آن مباش.

۹- ش فِي وَصِيْفَةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع) قَالَ: يَا عَلِيُّ لَأَنْ أُدْخِلَ يَدِي فِي فَمِ التَّيْنِ إِلَى الْمَرْفَقِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَسْأَلَ مَنْ لَمْ يَكُنْ ثُمَّ كَانَ، ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِيَّاكَ وَ السَّوَالُ فَإِنَّهُ دَلٌّ حَاضِرٌ، وَ فَقْرٌ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۵.

تَتَعَجَّلُهُ، وَ فِيهِ حِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَا أَبَا ذَرٍّ لَأَسْأَلَ بِكَفِّكَ وَ  
 إِنْ أَتَاكَ شَيْءٌ فَأَقْبَلْهُ. وَ قَالَ (ص): اسْتَغْنُوا عَنِ النَّاسِ وَلَوْ بِشَوْصِ  
 السَّوَاكِيِّ (۱)

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی، فرمود: یا علی اگر فرو برم دستم  
 را تا مرفق در دهان ازدها نیکوتر است نزد من از سؤال کردنم از  
 کسیکه چیزی نبوده سپس شده، پس از آن فرمود: ای اباذر بهره‌یز  
 از سؤال کردن، زیرا آن ذلت حاضر و فقر عاجل است، و در آن،  
 حساب طولانی روز قیامت است، ای اباذر با کفّ سؤال مکن، و اگر  
 چیزی برای تو آمد قبول کن، و فرمود: بی‌نیاز شوید از مردم

و اگر چه به چوب مسواک باشد.

۱۰- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ هَذَا الْمَالَ خَضِرٌ حَلْوٌ، وَ نِعْمَ  
 مَا حَبُّ الْمُسْلِمِ هُوَ لِمَنْ أُعْطِيَ مِنْهُ الْمُسْكِينِ، وَ الْيَتِيمِ، وَ ابْنِ السَّبِيلِ،  
 وَ إِيَّاهُ مَنْ يَأْخُذُهُ بِغَيْرِ حَقِّهِ كَأَنْ كَالَّذِي يَأْكُلُ وَ لَا يَشْبَعُ وَ يَكُونُ  
 عَلَيْهِ شَهِيدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: این مال (چون میوه) سبز و شیرین است،  
 و مال چه خوب ملازم و مصاحب مسلمان است هرگاه (آنرا در راه خیر  
 مصرف کنند) از آن به مسکین و یتیم و ابن سبیل عطا کند، و همانا  
 هر کس آنرا بدون حقّ خود بگیرد مانند کسی است که میخورد و سیر  
 نمیشود، و این مال در روز قیامت علیه او شهادت میدهد.

۱۱- ش قَالَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ: أَوْصَانِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
 بِسَبْعٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ: أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَ لَا أَنْظُرَ  
 مَنْ هُوَ فَوْقِي، وَ أَنْ أُحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَ أَدْنُو مِنْهُمْ، وَ أَنْ أَقُولَ الْحَقَّ  
 وَ إِنْ كَانَ مُرًّا، وَ أَنْ أَصِلَ رَجْمِي وَ إِنْ كَانَتْ مُدْبِرَةً، وَ أَنْ لَا أَسْأَلَ  
 النَّاسَ شَيْئًا، وَ أَوْصَانِي أَنْ أَكْثَرَ مِنْ قَوْلِ لِحَوْلٍ وَ لِقُوَّةٍ إِلَّا بِاللَّهِ  
 فَإِنَّهَا كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ (۳)

یعنی، سلمان گفت: دوستم رسول خدا (ص) مرا به هفت چیز سفارش کرد

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۸  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۵ و ۳۶  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۹

که آنها را در هیچ حالی ترک نمی‌کنم: (۲۰۱) نظرکنم به کسانی که از من پائین ترند و نظرکنم به کسانی که از من بالاترند. (۳) و دوست ندارم فقرارا و به ایشان نزدیک باشم. (۴) و حق را بیان کنم، و اگر چه تلخ باشد. (۵) و صلۀ رجم کنم و اگر چه از من اعراض و دوری جویند. (۶) و از مردم چیزی سؤال نکنم. (۷) و سفارش کرده زیاد بگویم جمله «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» را که گنجی از گنجهای بهشت است.

۱۲- ش **عَنْ عَلِيٍّ (ع) يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الْحَوَائِجُ أَمَانَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ، فَمَنْ كَتَمَهَا كَتَبَتْ لَهُ عِبَادَةً!**<sup>(۱)</sup> یعنی، از علی روایت شده که می‌گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: حوائج، امانتی است از خدایتعالی در سینه‌های بندگان، پس هر کس آنها را کتمان کند برای او عبادت نوشته شود.

۱۳- ش **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ طَيِّبُوا نَفْسًا وَأَعْطُوا اللَّهَ الرِّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ يُثَبِّتُ اللَّهُ عَلَيَّ فِقْرَكُمْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ!**<sup>(۲)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ای گروه مساکین دل خوشدا ریسند و خوشنودی قلوب خود را به خدا بدهید تا خدا شما را برفقتران ثواب دهد، و اگر این کار را نکنید برای شما ثوابی نیست.

۱۴- ش **عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يُحِينِي اللَّهُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: يَا أَعْرَابِيٌّ ازْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُحِبِّكَ اللَّهُ، وَ ازْهَدْ فِيمَا أَيْدِي النَّاسِ يُحِبِّكَ النَّاسُ!**<sup>(۳)</sup>

یعنی، از جعفر بن محمد روایت شده که فرمود: یک نفر اعرابی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا محمد مرا خبرده به کاری که خدا مرا برای آن عمل دوست بدارد؟ فرمود: در دنیا زاهد باش تا خدا تو را دوست بدارد، و در آنچه به دست مردم است زاهد (یعنی بی‌رغبت) باش تا مردم دوستت بدارند.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۱.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۲.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۵.

۱۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ فَتَحَ عَلَي نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ (۱) وَقَالَ (ص): مَنْ فَتَحَ عَلَي نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَابًا مِّنَ الْفَقْرِ لَا يَسُدُّ أَدْنَاهَا شَيْءٌ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه بر خود در درخواست و سؤال را باز کند خدا در فقر را براو بگشاید. و فرمود: کسیکه بر خود در سؤال را بگشاید خدا براو هفتاد در از فقر را بگشاید که کمترین آنرا چیزی سد نکند.

۱۶- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ أَمَاتَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تَسُدَّ فَاقَتَهُ، وَمَنْ أَنْزَلَهَا بِاللَّهِ أَوْشَكَ اللَّهُ لَهُ بِالْغِنَىٰ إِمَّا بِمَوْتٍ عَاجِلٍ، أَوْ غِنَىٰ عَاجِلٍ (۳).

یعنی، روایت کرده عبدالله از رسول خدا (ص) که فرمود: کسی که به او احتیاجی برسد و او روبه مردم آورد، احتیاج او برطرف نشود و کسی که رو به خدا ببرد شاید خدا او را بی نیازی دهد یا به مردن زود و یا به بی نیازی فوری.

۱۷- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ يَتَكْفَلُ لِي أَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئًا وَ أَتَكْفَلُ لَهُ بِالْجَنَّةِ؟ فَقَالَ ثَوْبَانٌ: أَنَا. فَكَانَ لَا يَسْأَلُ أَحَدًا شَيْئًا (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چه کسی قول میدهد که از مردم چیزی سؤال نکند و من برای او ضمانت کنم بهشت را؟ پس، ثوبان گفت: من قول میدهم، پس تا زنده بود از مردم چیزی سؤال نکرد.

۱۸- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: جَاءَتْ فَخَذَ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَنَا إِلَيْكَ حَاجَةً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هَاتُوا حَاجَتَكُمْ، قَالُوا: إِنَّهَا حَاجَةٌ عَظِيمَةٌ، فَقَالَ: هَاتُوهَا مَا هِيَ، قَالُوا: تَضْمَنُ لَنَا عَلَى رَبِّكَ الْجَنَّةَ، قَالَ: فَنَكُسُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) رَأْسَهُ ثُمَّ نَكَتَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: أَفَعَلُ ذَلِكَ بِكُمْ عَلَي أَنْ لَتَسْأَلُوا أَحَدًا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۵.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۶.

(۳) و (۴) التاج الجامع للأصول / ح ۲ / ص ۳۶.

شَيْئًا، قَالَ: فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي السَّفَرِ فَيَسْقُطُ سَوْطُهُ فَيَكْرِهُ  
أَنْ يَقُولَ لِإِنْسَانٍ: نَأُولِنِيهِ فِرَارًا مِنَ الْمَسْأَلَةِ وَ يَنْزِلُ فَيَأْخُذُهُ،  
وَيَكُونُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَ يَكُونُ بَعْضُ الْجُلَسَاءِ أَقْرَبَ إِلَى الْمَاءِ مِنْهُ  
فَلَا يَقُولُ: نَأُولِنِي حَتَّى يَقُومَ فَيَشْرَبُ (۱)!

یعنی، روایت شده از حضرت صادق ع که گفت: جماعتی از انصار خدمت رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: یا رسول الله ما را به توحاجتی است، فرمود: حاجت خود را بیاورید؟ گفتند: حاجت بزرگی است، فرمود: بگوئید چه چیز است؟ گفتند: این است که برای ما نزد پروردگارت بهشت را ضمانت کنی، حضرت گفت: رسول خدا (ص) سر به زیر افکند، سپس خطی به زمین کشید، سپس سر خود را بلند نمود و فرمود: این کار را میکنم بشرطی که از احدی سؤال نکنید، حضرت گفت: پس انصار چنین شدند که مردی از ایشان در سفر میبود، و تازیانه او می افتاد و کراهت داشت که به انسانی بگوید: تازیانه به دست من بده، برای آنکه از سؤال فرار کند و خود پیاده میشد و تازیانه را بر میداشت، و مردی از ایشان بر سر سفره غذا بود و بعضی از هم نشین ها به آب از او نزدیک تر بود، پس او نمیگفت آبرا بده تا آنکه خود بر میخواست و آب می آشامید.

۱۹- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) يَوْمًا لِأَصْحَابِهِ: أَلَا تَبَا يَعُونِي؟ فَقَالُوا: قَدْ بَا يَعْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: تَبَا يَعُونِي عَلَيَّ أَنْ لَا تَسْأَلُوا النَّاسَ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) روزی به اصحاب خود فرمود: آیا یا من بیعت نمیکنید؟ گفتند که ما با تو بیعت کردیم، فرمود: بیعت کنید بر اینکه از مردم چیزی نخواهید.

۲۰- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): شَهَادَةُ الَّذِي يَسْأَلُ فِي كَفِّهِ تَرَدُّ (۳)!

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: شهادت کسی که با دست خود سؤال میکند،

مردود است.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۷.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۰.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۹.

۲۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَسْأَلُ النَّاسَ حَتَّى يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَ فِي وَجْهِهِ مِزْعَةٌ لَحْمٍ. وَقَالَ: لَوْ تَعْلَمُونَ مَا فِي الْمَسْأَلِ مَا مَشَى أَحَدٌ إِلَى أَحَدٍ يَسْأَلُهُ شَيْئًا! (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همواره مرد از مردم سؤال می‌کنند تا آنکه روز قیامت می‌آید در حالیکه در صورت او قطعه گوشتی نیست. و فرمود: اگر ضرر سؤال را بدانید هیچ‌کس برای سؤال نزد کسی نمی‌رود.

۲۲- ج قَالَ الْفِرَاسِيُّ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَسْأَلُ؟ قَالَ: لَا وَإِنْ كُنْتَ لِأَبَدٍ سَائِلًا فَسَلِ الْمَالِحِينَ (۲)

یعنی، مردی از بنی فراس عرض کرد: یا رسول الله آیا سؤال کنم؟ فرمود: نه (وتوکل بر خدا کن) و اگر ناچار به سؤال شدی، پس از شایستگان (و کسانیکه قادر به عطا هستند) سؤال کن.

۲۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَسْأَلُوا أُمَّتِي فِي مَجَالِسِهَا فَتُبَخِّلُوها (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: امت مرا در مجالسشان سؤال مکنید که وادارشان به بخل خواهید کرد.

۲۴- ج عَنْ سَمْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: الْمَسْأَلُ كدُوحٍ يَكْدَحُ بِهَا الرَّجُلُ وَجْهَهُ، فَمَنْ شَاءَ أَبْقَى عَلَى وَجْهِهِ، وَمَنْ شَاءَ تَرَكَ إِلَّا أَنْ يَسْأَلَ الرَّجُلَ ذَا سُلْطَانٍ أَوْ فِي أَمْرٍ لَا يَجِدُ مِنْهُ بَدَأً (۴)

یعنی، سمره روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: طلبها و سؤالها موجب زشتی و جراحت است که مرد بسبب آن صورت خود را معیوب میکند، پس، هرکس بخواهد بصورت و جمال خود باقی باشد، و هرکس خواست رها کند (و خود را زشت کند)، مگر آنکه مرد از سلطان (و کسی که حکومت برزکات و بیت المال دارد) سؤال کند، یا در موردی سؤال کند که ناچار است و چاره‌ای جز سؤال ندارد.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۶

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۶

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۰

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۶ و ۳۷

## ۲۳- باب التَّفَقُّةِ وَالصَّدَقَةِ عَلَى الْأَهْلِ وَالْقَرِيبِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ  
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ... (۱)

۱- چوش قَالَ النَّبِيُّ (ص): خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى،  
وَابْتِدَاءُ يَمَنٍ تَعُولُ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین صدقه آنستکه از روی بی‌نیازی  
(و زائد و اضافه از حاجت) باشد، و ابتداء کن به آنکه عیال  
(و نانخور) تو است (مانند زن و فرزند و اهل خانه ات).

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ابْتِدَاءُ يَمَنٍ تَعُولُ الْآدَنَىٰ فَالْأَدْنَىٰ (۳).  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: به آنکه عیال تو است ابتدا کن، اول او  
را رسیدگی و پذیرائی کن، نزدیکتر پس از آن نزدیکتر.  
۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ تَكُونُ عَنْ  
فَضْلِ الْكَفِّ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بهترین صدقه، صدقه‌ای است که از زیادی  
برمخارج باشد.

۴- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ  
دِينَارٌ أَنْفَقْتَهُ فِي رَقَبَةٍ، وَ دِينَارٌ تَصَدَّقْتَ بِهِ عَلَىٰ مُسْكِينٍ، وَ دِينَارٌ  
أَنْفَقْتَهُ عَلَىٰ أَهْلِكَ، أَعْظَمُهَا أَجْرًا الَّذِي أَنْفَقْتَهُ عَلَىٰ أَهْلِكَ (۵)

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: دیناری در راه خدا (یعنی در جهاد) و دیناری  
در آزاد کردن بنده‌ای، و دیناری که به مسکینی صدقه دهی، و دیناری که به خانواده‌ات  
انفاق کنی، و اجر آن دیناری که برای خانواده‌ات انفاق کرده‌ای بزرگتر است (البته  
غیر از زکات، زیرا شخص نباید زکات خود را به همسر و خانواده‌اش پرداخت کند).

(۱) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۱۵.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۷ و المصنف / ج ۹ / ص ۷۶ و

وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۰ و ۳۲۳ و ۳۲۲ و ۳۰۲.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۲.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲۳.

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۷.



۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): خَمْسُ تَمْرَاتٍ أَوْ خَمْسُ قُرَصٍ أَوْ دَنَانِيرٍ أَوْ دَرَاهِمٌ يَمْلِكُهَا الْإِنْسَانُ وَهُوَ يُرِيدُ أَنْ يَمُضِيَهَا فَأَفْضَلُهَا مَا أَنْفَقَهَا الْإِنْسَانُ عَلَى وَالِدَيْهِ، ثُمَّ الثَّانِيَةَ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ، ثُمَّ الثَّلَاثَةَ عَلَى قَرَابَتِهِ الْفُقَرَاءِ، ثُمَّ الرَّابِعَةَ عَلَى جِيرَانِهِ الْفُقَرَاءِ، ثُمَّ الْخَامِسَةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَهُوَ أَحْسَنُ أَجْرًا (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: پنج عدد خرما و یا پنج قرص نان و یا دینار و درهم را که انسان مالک باشد و بخواد خرج کند، پس بهترش آنستکه خرج والدین خود کند، سپس دوّم برخود و عیال خود، سپس سوّم بر خویشان فقیر خود، سپس چهارم بر همسایگان فقیر خود، سپس پنجم در راه خدا و این اجرش کمتر باشد.

۶- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَحْبِسَ عَمَّنْ يَمْلِكُ قُوَّتَهُ (۲) وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يَضَيِّعَ مَنْ يَقْوَتْ (۳)!

یعنی، از عبد الله بن عمرو روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: گناه مرد همین کافی است که قوت زیردستانش را منع کند. و در روایت دیگری: گناه مرد همین بس که نان خورانش را ضایع بگذارد.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاصْدَقَهُ وَذُو رَحِمٍ مُحْتَاجٍ (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه روا نباشد در حالیکه خویشاوند محتاجی موجود باشد.

۸- ش قِيلَ لِلنَّبِيِّ (ص): يَا نَبِيَّ اللَّهِ فِي الْمَالِ حَقٌّ سِوَى الزَّكَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، بَرُّ الرَّحِمِ إِذَا أُدْبِرَتْ، وَصَلَةُ الْجَارِ الْمُسْلِمِ فَمَا مَن بِي مَن بَاتَ شَبَعَانًا وَجَارَهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ (۵)!

یعنی، به رسول خدا (ص) گفته شد در مال حقّی غیر از زکات می باشد؟ فرمود: بلی، نیکی به رحم وقتی که دنیا بها و پشت کند، و صلّه همسایه مسلمان، پس ایمان نیاورده کسیکه سیربخواهد و همسایه

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۲.  
 (۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۷ و مسندا لاما مزید / ص ۲۰۰.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۸۶.  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲.

مسلمانش گرسنه باشد.

۹- ج عن جابر قال: أعتق رجل من بني عذرة عبدا له عن دبر، فبلغ ذلك رسول الله (ص) فقال: ألك مال غيره؟ فقال: لا، فقال: من يشتريه مني؟ فاشتراه نعيم بن عبد الله العدوي بثمانمائة درهم فجاء بها رسول الله (ص) فدفعها إليه، ثم قال: ابدأ بنفسك فتصدق عليها، فإن فضل شيء فلاهلك، فإن فضل عن أهلك شيء فليدق قرابتك، فإن فضل عن ذي قرابتك شيء فهكذا وهكذا، يقول فبين يديك و عن يمينك و عن شمالك! (۱)

یعنی، از جابر روایت شده که گفت: مردی از طایفه بنی عذره، بنده خود را پس از مرگ آزاد کرد (یعنی مثلاً گفت: تو پس از فوت من آزادی)، این مطلب به رسول خدا (ص) رسید، حضرت به آن مرد فرمود: آیا مالی غیر از این داری؟ گفت: خیر، حضرت فرمود: کیست که این بنده را از من خریداری کند، پس نعیم بن عبدالله عدوی او را به هشتصد درهم خریداری کرد و دراهم را خدمت رسول خدا (ص) آورد، حضرت آنرا به آن مرد داد و فرمود: اول به خودت برس و بر خودت صدقه بده، و اگر چیزی زیاد ماند مال خانواده ات، و اگر از خانواده ات زیاد ماند به خویشانت، و اگر از خویشانت زیاد آمد چنین و چنان کن (یعنی اللهم فالاهم) که میفرمود: اول خودت و بعد دست راست و چپ، یعنی، اول خودت بعد اطرافیانست.

۱۰- ج سئل النبي (ص) عن الصدقة على القريب؟ فقال: له أجران: أجر القرابة و أجر الصدقة! (۲) و فی روایة: الصدقة على المسكين صدقة، و هي على ذي الرحم ثنتان صدقة و صلته (۳).

یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال شد از صدقه دادن به خویشاوندان؟ فرمود: دارای دو اجراست: اجر صلته رحم و اجر صدقه. و در روایتی: صدقه برمسکین صدقه ای است، و بر خویشاوندان دو تا است: صدقه

است و صلته.

- |     |                                  |                        |
|-----|----------------------------------|------------------------|
| (۱) | التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۸ | والمصنف / ج ۹ / ص ۱۴۰  |
| (۲) | التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۸ |                        |
| (۳) | التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۸ | والمصنف / ج ۱۰ / ص ۴۳۶ |

۱۱- ج عَنْ أَبِي أُمَامَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ أَنْ تَبْدُلَ الْفَضْلَ خَيْرَ لَكَ، وَأَنْ تُمْسِكَ شَرَّكَ، وَ لِاتْلَامُ عَلَيَّ كِفَافٌ، وَ أَبْدَأُ بِمَنْ نَعُولُ، وَ الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى<sup>(۱)</sup> .  
یعنی، ابی‌امامه از رسول‌خدا (ص) روایت کرده که فرمود: ای فرزند آدم، تو اگر زیادی را بذل کنی برای تو بهتر است، و اگر ننگه داری برای بدتر است، و برکفاف ملامت نشوی، و به عیال خود ابتدا کن، و دست بالاتر بهتر از دست زیرتر است .

۱۲- ج عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ الْمُسْلِمَ إِذَا أَنْفَقَ عَلَى أَهْلِهِ نَفَقَةً وَ هُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً<sup>(۲)</sup> .  
یعنی، از ابی‌مسعود روایت شده از رسول‌خدا (ص) که فرمود: مسلمان چون بر خانواده‌اش انفاق کند و به حساب خدا بگذارد برای او صدقه و ثواب آن محسوب میشود .

۱۳- ش سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: عَلَيَّ ذِي الرَّحْمِ الْكَاشِحِ<sup>(۳)</sup> .  
یعنی، از رسول‌خدا (ص) سؤال شد کدام صدقه افضل است؟ فرمود: صدقه بر خویشاوندی که با تو دشمن است .

۱۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الصَّدَقَةُ بَعْشَرَةٌ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِي عَشْرَةَ، وَ صَلَّةُ الْإِخْوَانِ بِعِشْرِينَ، وَ صَلَّةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعٍ وَ عِشْرِينَ<sup>(۴)</sup> .  
یعنی، رسول‌خدا (ص) فرمود: صدقه به دهه مقابل، و قرض به هیجدهه مقابل، و صلۀ برادران دینی به بیست مقابل، و صلۀ رحم به بیست و چهار است .

۱۵- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ عَا: قَالَ: يَا عَلِيُّ الصَّدَقَةُ تَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِي قَدْ أَبْرَمَ إِثْرًا مَا، يَا عَلِيُّ، صَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ، يَا عَلِيُّ، لِأَصْدَقَةٍ وَ دَوْرَجِمِ مُحْتَاجٍ، يَا عَلِيُّ، لِأَخَيْرِ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ وَ لِأَيِّ الصَّدَقَةِ إِلَّا مَعَ النَّيَّةِ<sup>(۵)</sup> .

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۸ .  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۳۸ .  
(۳) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۱۷۰ و ۲۸۶ .  
(۴) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۱۷۰ و ۲۸۶ .  
(۵) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۲۶۷ .

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: ای علی، صدقه حکم مقدری که کاملاً محکم شده باشد برمیگرداند، یا علی، صلۀ رحم در عمر زیاد می‌کند، یا علی، صدقه روان باشد در حالیکه خویشاوند محتاجی باشد، یا علی در گرفتار خیری نیست جز با کردار او، و در صدقه خیری نیست مگر با نیت.

۱۶- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ۴، قَالَ، قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِرَجُلٍ: أَصَبَحْتَ صَائِمًا، قَالَ: لَا، قَالَ: فَعَدَّتْ مَرِيضًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَاتَّبَعْتَ جِنَازَةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَأَطْعَمْتَ مَسْكِينًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَارْجِعْ إِلَى أَهْلِكَ فَأَصِبْهُمْ فَإِنَّهُ مِنْكَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةٌ (۱)!

یعنی، از جعفر بن محمد (ع) روایت است که رسول خدا (ص) به مردی فرمود که: آیا تو امروز روزه گرفته‌ای؟ گفت: نه، فرمود: مسکینی را طعام داده‌ای؟ گفت: نه، فرمود: بیماری را عیادت کرده‌ای؟ گفت: نه، فرمود: جنازه‌ای را تشییع کردی؟ گفت: نه، فرمود: پس برگرد به خانواده‌ات رسیدگی که که این کار تو نسبت به ایشان صدقه است.

۱۷- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِلْأَنْصَارِيِّ حِينَ أَعْتَقَ عِنْدَ مَوْتِهِ خَمْسَةً أَوْ سِتَّةً مِنَ الرِّقِيقِ وَ لَمْ يَكُنْ يَمْلِكُ غَيْرَهُمْ وَ لَهُ أَوْلَادٌ صِغَارٌ: لَوْ أَعْلَمْتُمُونِي أَمْرَهُ مَا تَرَكْتُكُمْ تَدْفِنُونَهُ مَعَ الْمُسْلِمِينَ يَتْرِكُ صَبِيَّتِهِ صِغَارًا يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) برای آن شخص انصاری که نزد موتش پنج بنده را آزاد کرد و غیر آنان چیزی نداشت و دارای فرزندان صغیری هم بود، فرمود: اگر مرا مطلع کرده بودید نمی‌گذاشتم او را با مسلمین دفن کنید، بواسطه آنکه کودکان صغیر خود را رها کرده که از مردم سؤال کنند.

## ۲۴- باب نوع من الصدقة الفضلی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (۳)!

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۷.  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۰۲.  
 (۳) قرآن / سوره آل عمران / آیه ۹۲.

۱- ش و ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: أَنْ تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَاحِبٌ صَاحِحٌ، تَأْمَلُ الْبَقَاءَ وَتَخَافُ الْفَقْرَ، وَلا تَمُهِلَ حَتَّى إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ، قُلْتَ لِفُلَانٍ كَذَا وَ لِفُلَانٍ كَذَا، إِلا وَ قَدْ كَانَ لِفُلَانٍ (۱)!

یعنی، ابی هریره، از رسول خدا (ص) روایت کرده که گفت: از رسول خدا (ص) سؤال شد کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: صدقه دادن تا در حالی که صحیح سرحالی، امید باقی ماندن داری، و از فقر میترسی. و عقب نینداز تا وقت احتضار که روح به حنجره رسیده به فلانی بگوئی چنین، و برای فلانی چنان، مگر که بوده باشد برای فلان.

۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: جُهْدُ الْمُقِلِّ وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ (۲)!

یعنی، از ابی هریره روایت شده که (گوید) گفتم: ای رسول خدا کدامین صدقه افضل است؟ فرمود: سعی و صدقه کسیکه کم درآمد است. و به آنکه عیال تو است ابتدا کن، اول او را رسیدگی و پذیرائی نما.

۳- ج وَ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: سَبَقَ دِرْهَمٌ مِائَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ؟ قَالَ: رَجُلٌ لَهُ دِرْهَمَانِ فَأَخَذَ أَحَدَهُمَا فَتَصَدَّقَ بِهِ، وَرَجُلٌ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ فَأَخَذَ مِنْ عَرْضِ مَالِهِ مِائَةَ أَلْفٍ فَتَصَدَّقَ بِهَا (۳)!

یعنی، و از ابوهریره از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: یک درهم از صد هزار درهم جلورفته و پیشی گرفته؟ عرض کردند: یا رسول الله این چگونه میشود؟ فرمود: مردی که دو درهم دارد، یکی از آن دو را گرفته و آنرا صدقه داده، و مرد دیگری که سه دارای مال بسیاری بوده و از مال پنهان خود صد هزار درهم گرفته و آنرا صدقه داده است.

۴- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ قَالَ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مِنْ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۸۲ و التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۳۹.

(۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۳۹.

(۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۳۹.

حَقَائِقُ الْإِيمَانِ: الْإِنْفَاقُ مِنَ الْإِقْتَارِ، وَإِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ،  
وَبَدَلُ الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ (١)

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: ای علی، سه چیز از حقایق ایمان است: انفاق کردن از دست تنگی، و از خودت انصاف دادن به مردم، و عطا کردن دانش به دانشجو.

## ٢٥-باب الحث على الصدقة مطلقا

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ...الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ... (٢)  
وَقَالَ: وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ... (٣)  
وَقَالَ: وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَنَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (٤)  
وَقَالَ: وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (٥)  
وَقَالَ: وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (٦)

و آیات دیگر. °°

١- ج عَنْ أَبِي مُوسَى، عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ صَدَقَةٌ فِقَالُوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: يَعْمَلُ بِيَدِهِ فَيَنْفَعُ نَفْسَهُ وَيَتَصَدَّقُ، فِقَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: يُعِينُ ذَا الْحَاجَةِ الْمَلْهُوفَ، فِقَالُوا: فَإِنْ لَمْ يَجِدْ؟ قَالَ: فليعمل بالمعروف وليمسك عن الشرِّ، فِقَانَهَا لَهُ صَدَقَةٌ (٧)

یعنی، ابوموسی از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: بر هر مسلمانی صدقه دادن لازم است، عرض کردند: یا رسول الله، اگر نیا بد؟ فرمود: بادت کار کند و خود را بهره دهد و صدقه دهد، عرض کردند: اگر

- (١) وسائل الشیعه / ج ٦ / ص ٣٥٥  
(٢) قرآن / سوره آل عمران / آیه ١٣٢  
(٣) قرآن / سوره بقره / آیه ٢١٩  
(٤) قرآن / سوره حشر / آیه ٩  
(٥) قرآن / سوره منافقون / آیه ١٥  
(٦) قرآن / سوره سباء / آیه ٣٩  
(٧) التاج الجامع للاصول / ج ٢ / ص ٤٥

نیاید، فرمود: صاحب حاجتی که فریادش بلند و دادرسی ندارد کمک دهد، عرض کردند: اگر نیاید (ونتواند)؟ فرمود: به کار نیک عمل کند و از کار بد خودداری نماید که این ها برای او صدقه محسوب میشود.

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کار نیکی صدقه است.  
 ۳- ج عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَطُوفُ الرَّجُلُ فِيهِ بِالصَّدَقَةِ مِنَ الذَّهَبِ ثُمَّ لَا يَجِدُ أَحَدًا يَأْخُذُهَا مِنْهُ، وَ يُرَى الرَّجُلُ الْوَاحِدَ يَتَّبِعُهُ أَرْبَعُونَ امْرَأَةً يَلْذَنُ بِهِ مِنْ قَلْبِ الرِّجَالِ وَ كَثْرَةِ النِّسَاءِ (۲).

یعنی، از ابی موسی از رسول خدا (ص) روایت نموده که فرمود: بدون تردید زمانی بیاید که مرد در آن زمان برای دادن صدقه از طلا میگردد و احدی را پیدا نمی کند که از او صدقه را بگیرد، و دیده شود مردی که چهل عدد زن بدنبال اویند و از کم بودن مرد و زیادتی زنان بها و پناه می برند.

۴- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ أَنْفِقْ، أَنْفِقْ عَلَيْكَ . وَ قَالَ: يَمِينُ اللَّهِ مَلَأَ سَحَابٌ لَأَيْفِضُهَا شَيْءَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مَدُّ خَلْقِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِضْ مَا فِي يَمِينِهِ قَالَ: وَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ وَ بِيَدِهِ الْأَخْرَى الْقَبْضُ يَرْفَعُ وَ يَخْفِضُ (۳)

یعنی، روایت شده از ابی هریره از رسول خدا (ص) که فرمود: خدایتعالی فرموده ای فرزند آدم انفاق کن تا من بر تو انفاق کنم. و فرمود: دست خدا پر است و همواره میریزد چیزی آنرا کم نمی کند، نه شب و نه روز، آیا دیده اید از ابتدای خلق آسمان و زمین چیزی از عطای او کم نشده است. فرمود: عرش او بر آب بود، و به دست دیگری او قبض که بالا برد و پائین آورد.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲۱ و ۳۲۲ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۰ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۰ و ۴۱ .

۵- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): التَّوْحِيدُ نِصْفُ الدِّينِ، وَاسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ (۱). وَقَالَ: وَاتَّقُوا النَّارَ وَ لَوْ يَشِقُّ تَمْرَةً (۲). وَقَالَ (ص): مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: توحید نصف دین است، و روزی را به صدقه دادن نازل نمائید. و فرمود: از آتش بپرهیزید و اگر چه به نیمی از خرما باشد. و فرمود: هیچ مالی از دادن صدقه، کم نمی شود.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَدَقَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَةِ (۴). وَقَالَ (ص): خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرِهِ الصَّدَقَةُ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه به عوض دادن تصدیق دارد، به عطا کردن جود می کند. و فرمود: بهترین مال شخص و ذخیره های او صدقه است.

۷- ج عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا أَنْفَقَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ طَعَامِ بَيْتِهَا غَيْرَ مُفْسِدَةٍ كَانَ لَهَا أَجْرُهَا بِمَا أَنْفَقَتْ، وَلِزَوْجِهَا أَجْرُهُ بِمَا كَسَبَ، وَ لِلْخَازِنِ مِثْلُ ذَلِكَ، لَا يَنْقُصُ بَعْضُهُمْ أَجْرَ بَعْضٍ شَيْئًا (۶).  
یعنی، از عایشه از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هنگامیکه زن از طعام خانه اش انفاق کند در حالیکه فاسد نکرده باشد (یعنی اسراف وبدون اجازه شوهر نباشد) برای او اجر اوست بواسطه انفاقش، و برای شوهر او اجر است بواسطه کسب او، و برای خزیننده دار (نگهبان مال چه پسریا شد چه خادم و چه غیر اینها) نیز مانند آن است از اجر، بعضی ایشان اجر بعضی دیگر را کم نمی کنند.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَلَهُ بِوِزْنِ كُلِّ دِرْهَمٍ مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ مِنَ نَعِيمِ الْجَنَّةِ، وَ مَنْ مَشَى بِصَدَقَةٍ إِلَى مُحْتَاكٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ صَاحِبِهَا مَنْ غَيْرَ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْءٌ (۷).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۴  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۲۶۴ و ۲۶۵  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۲۶۴  
(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۲۵۶  
(۵) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۲۵۸  
(۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ ص ۴۱  
(۷) وسائل الشیعه / ج ۶ ص ۳۱۶ و ۳۱۷



یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس صدقه‌ای بدهد برای او بوزن هر دره‌می که داده مانند کوه اُحُد از نعمتهای بهشت است، و کسیکه صدقه دیگری را به محتاجی برساند مانند اجر صاحب صدقه اجر دارد بدون آنکه از اجر او کم شده باشد.

۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي خُطْبَةٍ لَهُ: وَمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ عَنْ رَجُلٍ إِلَى مُسْكِينٍ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَ لَوْ تَدَاوَلَهَا أَرْبَعُونَ أَلْفَ إِنْسَانٍ ثُمَّ وُصِلَتْ إِلَى الْمُسْكِينِ كَانَ لَهُمْ أَجْرُكَ مِثْلًا، وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) در خطبه‌ای فرمود: کسیکه صدقه‌ای از طرف مرد دیگر به مرد مسکینی دهد، برای او اجری است مانند اجر او، و اگرچه آن صدقه را چهل هزار انسان دست‌گردان کنند سپس به مسکین برسد، برای ایشان اجر کاملی است و آنچه نزد خداست برای متقین و نیکوکاران بهتر و باقی‌تر است اگر بدانید.

۱۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَصَدَّقُوا وَ لَوْ بِصَاعٍ مِنْ تَمْرٍ وَ لَوْ بِبَعْضِ صَاعٍ وَ لَوْ بِقَبْضَةٍ وَ لَوْ بِتَمْرَةٍ وَ لَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَيْكَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَأَقَى اللَّهَ فِقَائِلَ لَهُ: أَلَمْ أَفْعَلْ بِكَ؟ أَلَمْ أَفْعَلْ بِكَ؟ أَلَمْ أَجْعَلْكَ سَمِيعًا بَصِيرًا؟ أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ مَالًا وَ وُلْدًا؟ فَيَقُولُ: بَلَى، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: فَأَنْظِرْ مَا قَدَّمْتَ لِنَفْسِكَ، قَالَ: فَيَنْظِرُ قَدَامَهُ وَ خَلْفَهُ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ فَلَا يَجِدُ شَيْئًا يَقِي بِهِ وَجْهَهُ مِنَ النَّارِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه بدهید و اگرچه به صاعی از خرما و اگرچه به بعضی از صاع، و اگرچه به یک مشت، و اگرچه به یک خرما، و اگرچه به نصفی از خرما. پس آنکه نیابد، به یک کلمه نیک خوش، پس همانا یکی از شمارا مرگ‌او برسد و خدا را ملاقات کند، خدا به او گوید: آیا به تو چنین ندادم، آیا برای تو چنین نکردم، آیا تو را شنوا و بینا قرار ندادم؟ آیا برای تو مال و اولاد قرار ندادم؟ بنده بگوید: بلی، خدای تبارک و تعالی فرماید: پس نظر کن

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۹۷.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۴.

چه برای خودت پیش فرستادی، رسول خدا (ص) فرمود: بنده به جلو و عقب و راست و چپ خود نظر کند و چیزی نیابد که آن خود را از آتش حفظ کند.

۱۱- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَرْبَعُونَ خَمَلَةً، أَعْلَاهُنَّ مَنِيحَةُ الْعَنْزِ مَا يَعْمَلُ رَجُلٌ يَخْطَلِيْ مِنْهَا رَجَاءً ثَوَابِهَا وَتَصَدِّقُ مَوْعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ (۱)

یعنی، از عبداللہ بن عمرو از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: چهل خصلت است که بالاتر آنها عطا کردن بز شیرده است (بطور موقت) برای بهره بردن از شیر آن، مردی به خصلتی از این خصال به امید ثواب آن و تصدیق وعده آن عمل نمی کند مگر آنکه خدا او را وارد بهشت میکند.

۱۲- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَيُّمَا مُسْلِمٍ كَسَا مُسْلِمًا ثَوْبًا عَلَى عَرِي كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ حَضِرِ الْجَنَّةِ، وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ أَطْعَمَ مُسْلِمًا عَلَى جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَأَيُّمَا مُسْلِمٍ سَقَى مُسْلِمًا عَلَى ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتومِ (۲).

یعنی، از ابی سعید از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: هر مسلمانی که جامه ای بر مسلمان برهنه بپوشاند خدا او را از لباسهای سبز بهشتی بپوشاند، و هر مسلمی که به مسلمانی گرسنه طعام دهد، خدا او را از میوه های بهشتی بخوراند، و هر مسلمانی که تشنه مسلمانی را آب دهد، خدا او را از نوشیدنیهای سربمهر بهشتی بپاشد.

۱۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تَطَّلُهُ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: زمین قیامت آتش است، غیر از سایه مؤمن، زیرا صدقه مؤمن او را سایه افکند.

۱۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: عَلِّمْنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ، فَقَالَ: أَطْعِمِ الطَّعَامَ، وَ أَفْشِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۱ و ۴۲.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۵۶.

السَّلَامُ، فَقَالَ: لَا أُطِيقُ ذَلِكَ، قَالَ: فَهَلْ لَكَ إِبِلٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَانْظُرْ بَعِيرًا فَاسْقِ عَلَيْهِ أَهْلَ بَيْتِ لَاشِرْبُونَ الْمَاءَ إِلَّا غَيْبًا فَلَعَلَّهُ لَا يَنْفُقُ بَعِيرَكَ وَلا يَتَخَرَّقُ سِقَاؤُكَ حَتَّى تَجِبَ لَكَ الْجَنَّةُ (۱)

یعنی، از حضرت باقر<sup>ع</sup> روایت شده که گفت: یکنفر اعرابی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: عملی به من یاد شده که بواسطه آن داخل بهشت شوم، حضرت فرمود: اطعام طعام و افشاء سلام، او گفت: من طاقت ندارم، حضرت فرمود: شتری داری؟ گفت: بلی، فرمود: یک شتری را در نظر بگیر که بر آن آب حمل کنی و خانواده ای را سیراب کن، آن اهل بیتهای که آب نمی آشا مند مگر یکروز در میان، پس امید است که شترت نمرده و مشکت پاره نشده باشد تا آنکه بهشت برایت واجب شود.

۱۵- ش عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: أَتَى رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: مَا عَمَلٌ إِنْ عَمِلْتُ بِهِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ؟ فَقَالَ: اشْتَرِ سِقَاءً جَدِيدًا ثُمَّ اسْقِ فِيهَا حَتَّى تَخْرُقَهَا فَإِنَّكَ لَا تَخْرُقُهَا حَتَّى تَبْلُغَ بِهَا عَمَلَ الْجَنَّةِ (۲)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: چه عملی است که اگر من بجا آورم وارد بهشت میشوم؟ فرمود مشک نوی بخر و در آن آب بنوشان، زیرا که آنرا پاره نمی کنی تا اینکه بررسی آن عملی که موجب بهشت می باشد.

۱۶- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ (رض) أَنَّ أَعْرَابِيًّا سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) عَنِ الْهَجْرَةِ، فَقَالَ: وَيْحَكَ إِنْ شَأْنَهَا شَدِيدٌ، فَهَلْ لَكَ مِنْ إِبِلٍ تُؤَدِّي صَدَقَتَهَا قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَاَعْمَلْ مِنْ وِزَاءِ الْبِحَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ لَنْ يَتْرَكَ مِنْ عَمَلِكَ شَيْئًا (۳)

یعنی، از ابی سعید روایت شده که یکنفر اعرابی از رسول خدا (ص) از هجرت سؤال نمود (که مثلاً با آن حضرت در مدینه اقامت کند)؟ رسول خدا (ص) فرمود: رحمت بر تو باد که این کار سخت است (و جز قلیلی طاقت آنرا ندارند) آیا شتری داری که صدقه آنرا ادا کنی؟ گفت: بلی،

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۳۱.  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۳۱.  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۰۹.

فرمود: از پشت دریاها کارکن زیرا که خدا چیزی از عمل تو را و نمی‌گذارد (و به آن ثواب خواهد داد).

۱۷- ش. كَانَ فِي وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ۴ :  
أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِمَالٍ أَحْفَظُهَا عَنِّي ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ أَعِنِّهِ، إِلَيَّ  
أَنْ قَالَ: وَأَمَّا الصَّدَقَةُ فَجَهْدَكَ جَهْدَكَ حَتَّى تَقُولَ: قَدْ أَسْرَفْتُ وَ  
لَمْ تُسْرِفْ (!)

یعنی، در جزو وصیت رسول خدا (ص) به علی ۴، این جملات بوده: تو را سفارش میکنم به خصلتها فی آنها را حفظ کن، سپس در حق علی دعا کرد که خدا یا یاریش کن که عمل کند، تا آنکه فرمود: و أمّا صدقه پس کوشش تو کوشش تو تا آنکه بگوئی اسراف کرده‌ام در حالیکه اسراف نکرده‌ای.

(( مؤلف گوید: کسی که انفاق می‌کند باید این آیه را هم در نظر داشته باشد که خدا فرموده: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (۱) و دست خود را به گردن قرار مده (که هیچ انفاق نکنی) و آنرا مگشا تمام گشودن (که هر چه داری انفاق کنی) پس ملامت شده و از کارمانده بنشین،)) بنا بر این میانه روی و اعتدال در هر صورت خواست و دستور اسلام است.

۱۸- ش. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَشَكَا إِلَيْهِ الْجُوعَ، فَبَعَثَ إِلَىٰ بَيوتِ أَزْوَاجِهِ فَقُلْنَ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا الْمَاءُ، فَقَالَ: مَنْ لِي هَذَا الرَّجُلِ اللَّيْلَةَ؟ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ۴: أَنَا لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ أَتَى فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا: مَا عِنْدَكَ؟ فَقَالَتْ: مَا عِنْدَنَا إِلَّا قُبُوتُ الصَّبِيَّةِ، لِكُنَّا نُؤَثِّرُ ضَيْفِنَا، فَقَالَ عَلِيُّ ۴: نَوْمِي الصَّبِيَّةَ وَ أَطْفِئِي الْمِصْبَاحَ، فَلَمَّا أَصْبَحَ عَلِيُّ ۴ غَدَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَأَخْبَرَهُ الْخَبَرَ، فَلَمْ يَبْرَحْ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ: «وَ يُؤَثِّرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يُوقِ شَحِّ نَفْسِهِ فَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲)

یعنی، مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و از گرسنگی شکایت کرد،

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۳.  
(۲) قرآن / سوره اسراء / آیه ۲۹.  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

رسول خدا (ص) به خانه های زنان خود فرستاد بلکه غذائی تهیه شود، زنان گفتند: نزد ما جز آب چیزی نیست، رسول خدا (ص) فرمود: کیست که این مرد را امشب پذیرائی کند، علی<sup>ع</sup> گفت: من یا رسول الله، و نزد فاطمه آمد و گفت: چه چیز داری؟ فاطمه<sup>ع</sup> گفت: نزد ما چیزی نیست جز قوت دختر بچه ای، لیکن ما میهمان را بر خودمان ترجیح می دهیم، علی (ع) گفت: دختر بچه را خواب کن و چراغ را خاموش نما (چون چنین کرد غذا را آوردند جلو میهمان و خودشان زبان دردها ن تکان دادند که میهمان خیال کند آنان نیز تناول می کنند تا اینکه میهمان غذا تناول کرد)، پس چون صبح شد علی وارد بر رسول خدا (ص) شد و قضیه را خبر داد، پس ساعتی نگذشت که خدای عزوجل آیه ۹ سوره حشر را نازل کرد که می فرماید: «و دیگران را بر خود مقدم می دارند و اگر چه خود محتاج باشند و هر که از بخل خود محفوظ ماند، پس همانان رستگارند».

۱۹- ج عَنْ بَهِيْسَةَ الْفَزَارِيَّةِ (رض) قَالَتْ : اسْتَأْذَنَ أَيْبِي النَّبِيَّ (ص) فَدَخَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ قَمِيصِهِ ، فَجَعَلَ يَقْبِلُ وَ يَلْتَزِمُ ، ثُمَّ قَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مِنْهُ؟ قَالَ : الْمَاءُ ، قَالَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مِنْهُ؟ قَالَ : الْمَلْحُ ، قَالَ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا الشَّيْءُ الَّذِي لَا يَحِلُّ مِنْهُ؟ قَالَ : أَنْ تَفْعَلَ الْخَيْرَ خَيْرَكَ! (۱)

یعنی، روایت شده از بهیسه فزاریه که گفت: پدرم از رسول خدا (ص) اذن گرفت و وارد بر او شد و او را بوسید، و عرض کرد: یا رسول الله آن چیزی که جلو گیری از آن حلال نیست چه باشد؟ فرمود: آب است، عرض کرد: ای پیغمبر خدا دیگر چه منع آن حلال نیست؟ فرمود: نمک است، عرض کرد: دیگر چه چیزی جلو گیری از آن حلال نیست؟ فرمود: انجام کار خیر برای تو بهتر است. (یعنی تا میتوانی کار خیر انجام بده که هر کار خیر دارای نتیجه و پاداشی است).

۲۰- ش فِي حَدِيثِ الْمُنَاهِي، وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُمْسَعَ

أَحَدَ الْمَاعُونِ جَارَهُ، وَقَالَ: مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ فَمَا أَسْوَأَ حَالِهِ! (۱)  
یعنی، رسول خدا (ص) نهی کرد از اینکه کسی از همسایه خود ما محتاج او را باز دارد (ماعون چیزهای مختصری است که همسایگان به یکدیگر احتیاج پیدا می کنند از قبیل یک عدد کبریت) . و فرمود: کسیکه همسایه خود را از ماعون باز دارد خدا خیر خود را روز قیامت از او باز دارد و او را به خودش واگذارد و هر کس خدا او را به خود واگذارد چه قدر بد حال است .

۲۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَمَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ مِنْ جَارِهِ إِذَا أَحْتَاَجَ إِلَيْهِ مَنَعَهُ اللَّهُ فَضْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ، وَ مَنْ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ هَلَكَ، وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ عُدْرًا! (۲)

ترجمه و مضمون این حدیث، مانند حدیث قبل است .

۲۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۴: إِنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ لِرَجُلٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ: لَوْلَا أَنْ جَبْرَيْلَ أَخْبَرَنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّكَ سَخِيٌّ تَطْعِمُ الطَّعَامَ لَشَرَدْتُ بِكَ وَ جَعَلْتُكَ حَدِيثًا لِمَنْ خَلْفَكَ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: وَ إِنْ رَبِّكَ لَيَحِبُّ السَّخَاءَ، فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (۳)

از حضرت صادق ۴ روایت شده که: رسول خدا (ص) به مردی از مشرکین (که به جنگ علیه مسلمین آمده می جنگید) فرمود: اگر جبرئیل از طرف خدای عزوجل مرا خبر نداده بود که تو مرد سخاوتمندی که طعام می دهد، هستی، هر آینه تو را آزار و ادبی مینمودم که برای آنیدگان سخن تازه ای باشد. آن مرد گفت: پروردگارت سخارا دوست میدارد؟ فرمود: آری، عرض کرد که: من شهادت می دهم که خدائی جز خدای کأَمِلُ الدَّاتِ وَالصِّفَاتِ نیست و تو رسول خدائی .

۲۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِمَيْمُونَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ: مَا فَعَلْتِ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۸ و ص ۳۲۹ .

جَارِيَتِكَ؟ قَالَتْ: أَعْتَقْتُهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِنْ كَانَتْ لَجَلْدَةً لَوَكُنْتُ وَصَلْتُ بِهَا رَحِمَكَ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) به مایمونہ بنت حارث فرمود: کنیزت را چه کردی؟ گفت: یا رسول الله او را آزاد نمودم، فرمود: کنیز محکم و نیرومندی بود، هرگاه بوسیله او صلوات بر او می نمودی.

۲۴- ش قال النبي (ص): بَاكِرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَمَنْ بَاكَرَ بِهَا لَمْ يَتَخَطَّاهُ الْبَلَاءُ<sup>(۲)</sup>

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: صبح زودتر صدقه دهید، که هرکس صبح صدقه دهد بلا بر او وارد نشود.

۲۵- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ اسْتَعْلَاذَ بِاللَّهِ فَأَعْيَدُوهُ، وَمَنْ سَأَلَ بِاللَّهِ فَأَعْطُوهُ، وَمَنْ دَعَاكُمْ فَأَجِيبُوهُ، وَمَنْ صَنَعَ إِلَيْكُمْ مَعْرُوفًا فَكَافِئُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مَا تُكَافِئُوا بِهِ فَادْعُوا لَهُ حَتَّى تَرَوْا أَنَّكُمْ قَدْ كُفِّتُمُوهُ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، ابن عمر روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: کسیکه به خدا پناه برد پناهش دهید، و کسیکه به خدا سؤال کند عطايش دهید، و هرکس شما را دعوت کرد اجابت کنید و هرکس نسبت به شما کار خوبی کرد شما مکافات کنید (یعنی جزای خوبی او، خوبی شماست)، و اگر چیزی که بوسیله آن مکافات کنید (وپا داشته دهید) نیافتید، برای او دعا کنید تا اندازه ای که ببینید او را جزا داده اید.

۲۶- ش عَنْ عَلِيٍّ ع أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: الْحَوَائِجُ أَمَانَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ، فَمَنْ كَتَمَهَا كَتَبَ لَهُ عِبَادَةً، وَمَنْ أَفْشَاهَا كَانَ حَقًّا عَلَى مَنْ سَمِعَهَا أَنْ يُعِينَهُ<sup>(۴)</sup>

یعنی، علی ع گفت که من شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: حوائج امانتی است از خدا در سینه های بندگان، هرکس آنها را کتمان کند عبادتی

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۶۰ و المصنف / ج ۱۰ / ص ۴۳۷  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۵۸ و ۲۶۶ و ۲۶۸  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۱ و المصنف / ج ۱۰ / ص ۴۳۶  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۲۰

محسوب است، وهرکس افشاء کند سزاوار است که هرکس شنید او را یاری دهد.

۲۷- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِسَائِلِ حَقٍّ وَإِنْ جَاءَ عَلَيَّ فَرَسٌ (۱)؛  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای سائل حقی است و اگرچه سوار بر اسب آمده باشد (یعنی، اگرچه با مرکب باشد و مرکب او نباید باعث شود که او را جواب کنید زیرا مسکن و مرکب مانع فقر نیست).

۲۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاتْرُدُّوا السَّائِلَ وَ لَوْ بِظُلْفٍ مُحْرَقٍ (۲)؛

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: سائل را رد نکنید و اگرچه با اسب تیزرو آمده باشد.

۲۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ، فَمَنْ سَتَرَهُ كَانَ كَالصَّائِمِ الْقَائِمِ، وَمَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ أَمَا أَنَّهُ مَا قَتَلَهُ بَسِيفٍ وَ لَا يَرْمِحٍ وَلَكِنَّهُ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ (۳)؛

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: یا علی، خدا فقر را امانت نزد خلق خود قرار داده، پس هرکس آنرا پنهان کند مانند کسی است که صائم و قائم است و کسیکه آنرا افشا کند نزد کسیکه قادر به قضاء حاجت او باشد، و حاجت او را قضا نکند او را کشته آگاه باش که او بسا شمشیر و نیزه نکشته ولیکن به زخمی که بردلش زده او را کشته است.

۳۰- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا طَرَقَكُمْ سَائِلٌ ذَكَرَ بِاللَّيْلِ فَلَا تَرُدُّوهُ (۴)؛

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون مرد سائلی شب در خانه شما را کوید او را رد نکنید.

۳۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِاتَّقَطُّوا عَلَيَّ السَّائِلَ مَسْأَلَتَهُ فَلَوْلَا أَنَّ الْمَسَاكِينَ يَكْذِبُونَ مَا أَفْلَحَ مَنْ رَدَّهُمْ (۵)؛

- 
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۲  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۹۱  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۱  
(۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۸۲ و ۲۸۳  
(۵) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۹۰ و ۲۹۱



یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: سؤال را بر سائل قطع مکنید، واگر نه این بود که مساکین دروغ میگویند آنکه ایشان را رد کند، رستگار نمی شد.

۳۲- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: رُدُّوا السَّائِلَ بِبَدَلٍ يَسِيرٍ وَبِلَيْنٍ وَرَحْمَةٍ فَإِنَّهُ يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَقِفَ عَلَيَّ بِأَبْكُمْ مَنْ لَيْسَ بِإِنْسٍ وَلَا جَانٍّ يَنْظُرُ كَيْفَ صَنِيعِكُمْ فِيمَا خَوْلَكُمُ اللَّهُ (۱)

یعنی، از جعفر بن محمد روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: سائل را با عطای کمی و بانرمی و رحمت رد کنید، زیرا می آید نزد شما و می ایستد به درب خانه شما کسی که نه انسان است و نه جن، نظرش این است که شما در آنچه را که خدا داده چه می کنید.

۳۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ الصَّدَقَةَ لِتَطْفِيءَ غَضَبَ الرَّبِّ وَتُدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه مردن بد را دفع می کند و غضب پروردگار را خاموش می نماید. (وبهمین مضمون در کتاب وسائل نیز ذکر شده است (۳).

۳۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَاءِ بِالِدُّعَاءِ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بیماران خود را به دادن صدقه مداوا کنید، و درهای بلایا بواسطه دعا دفع کنید.

۳۵- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: مَرَّ يَهُودِيٌّ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) إِنَّ هَذَا الْيَهُودِيَّ يَعْضُهُ أَسْوَدٌ فِي قَفَاهُ فَيَقْتُلُهُ، قَالَ: فَذَهَبَ الْيَهُودِيُّ فَأَحْتَطَبَ حَطْبًا كَثِيرًا فَأَحْتَمَلَهُ، ثُمَّ لَمْ يَلْبِثْ أَنْ انْصَرَفَ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ضَعُهُ، فَوَضَعَ الْحَطْبَ فَإِذَا أَسْوَدٌ فِي جَوْفِ الْحَطْبِ غَاضٌّ عَلَيَّ عَوْدٌ، فَقَالَ: يَا يَهُودِيُّ أَيُّ شَيْءٍ عَمِلْتَ الْيَوْمَ؟ فَقَالَ: مَا عَمِلْتُ عَمَلًا إِلَّا أَحْتَمَلْتُ هَذَا أَحْتَمَلْتُهُ فَجِئْتُ بِهِ وَكَأَنَّ مَعِيَ كَعَكْتَانِ فَأَكَلْتُ

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۹۲  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۲  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۲۷۴ و ۲۷۵  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۱۶ و ۲۵۸

وَاحِدَةً وَتَصَدَّقَتْ بِوَاحِدَةٍ عَلَيَّ مُسْكِينٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): بِهَا دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ، وَقَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ مِيتَةَ السُّوءِ عَنِ الْإِنْسَانِ (۱)

یعنی، از حضرت صادق روایت است که: بیک نفر یهودی عبور کرد، رسول خدا (ص) فرمود: این یهودی را ما رسیاهی از پشت میگذرد و او را میکشد، حضرت فرمود: آن یهودی رفت با رھیزی را جمع کرد و بدوش کشید و طولی نکشید که برگشت، رسول خدا (ص) فرمود: بارت رزمین بگذار، چون زمین گذاشت، ناگهان ما رسیاهی پیدا شد در میان هیزم که چوبی را دندان گرفته بود، حضرت فرمود: ای یهودی، امروز چه عملی کردی؟ عرض کرد: عملی انجام نداده‌ام مگر همین هیزمی را که به دوش گرفتم و آوردم و با من دو قرص نان شیرمال که یکی را خوردم و دیگری را به مسکینی صدقه دادم، فرمود: به این کار خدا از او دفع بلا کرده، و فرمود: صدقه مردن بدرا از انسان دفع می‌کند.

۳۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَدْفَعَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ يَوْمِهِ فَلْيَفْتَحْ يَوْمَهُ بِصَدَقَةٍ يُدْهِبُ اللَّهُ بِهَا عَنْهُ نَحْسَ يَوْمِهِ، وَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُدْهِبَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ لَيْلَتِهِ فَلْيَفْتَحْ لَيْلَتَهُ بِصَدَقَةٍ يَدْفَعُ عَنْهُ نَحْسَ لَيْلَتِهِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس خوشدارد که خدا نحس روز او را از او بگرداند باید روزش را به صدقه‌ای افتتاح کند تا خدا نحس روز او را ببرد، و هر کس دوست دارد که خدا نحس شب او را ببرد، باید آن شب را به صدقه افتتاح کند تا خدا نحس شب او را برطرف کند.

۳۷- ج سُئِلَ النَّبِيُّ (ص) عَنِ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: إِنَّ فِي الْمَالِ لِحَقًّا سِوَى الزَّكَاةِ ثُمَّ تَلَا - لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ - الْآيَةَ (۳)

یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال از زکات شد (که آیا کفایت از حقوق واجب مال و کمال آن می‌باشد)؟ فرمود: در مال غیر از زکات حقی است، سپس آنحضرت آیه ۱۷۷ سوره بقره را تلاوت فرمود که اول آن جمله: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا»، می‌باشد، (که در این آیه، از خیرخواهی و دستگیری مرد و برطرف کردن حوائج ایشان با مال، علاوه بر آیدای زکات، سخن رفته است).

(۱) و (۲) وسائل الشیعه / ص ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۳ و ۲۷۴.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۲.

## ٢٦-باب أكل المار من الحديقة

١- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تُبْنَى الْحَيْطَانُ بِالْمَدِينَةِ لِمَكَانِ الْمَارَّةِ. قَالَ: وَكَانَ إِذَا بَلَغَ نَحْلًا أَمَرَ بِالْحَيْطَانِ فَخُرِقَتْ لِمَكَانِ الْمَارَّةِ<sup>(١)</sup>. وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا بَلَغَتِ الثَّمَارُ أَمَرَ بِالْحَيْطَانِ فَثَلِمَتْ<sup>(٢)</sup>!

يعنى، از جعفر بن محمد روایت شده كه فرمود: رسول خدا (ص) نهی نمود از اینكه در مدینه دیوارها بنا شود برای خاطر مروركننده . و حضرت صادق ع فرمود: رسول خدا (ص) چنین بود كه چون درخت خرما میرسد امر میكرد كه دیوارها را شكافی بدهند برای خاطر مروركننده . و در روایت دیگر: رسول خدا (ص) چنین بود كه چون میوهها میرسید امر مینمود تا به دیوارها شكافی داده شود.

## ٢٧-باب استحباب القرض للصدقة و

## استحباب الزیادة فی قضائها

٢- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) سَائِلٌ يَسْأَلُهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هَلْ عِنْدَكَ أَحَدٌ سَلَفَ؟ فَقَامَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: عِنْدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَعْطِ هَذَا السَّائِلَ أَرْبَعَةَ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمْرٍ، قَالَ: فَأَعْطَاهُ، قَالَ: ثُمَّ جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ بَعْدَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) مُتَفَاضِيًا لَهُ، فَقَالَ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّلَاثَةَ، فَقَالَ: يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَقَالَ: قَدْ أَكْثَرْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ قَوْلٍ يَكُونُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، قَالَ: فَصَحَّكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَقَالَ: هَلْ مِنْ رَجُلٍ عِنْدَهُ سَلَفٌ؟ قَالَ: فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: عِنْدِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَكَمْ عِنْدَكَ؟ قَالَ: مَا شِئْتُ، قَالَ: فَأَعْطِ هَذَا ثَمَانِيَةَ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمْرٍ، فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ إِنَّمَا لِي أَرْبَعَةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): وَأَرْبَعَةٌ أَيًّا<sup>(٣)</sup>!

(١) وسائل الشیعه / ج ٦ / ص ١٣٩ و ١٤٠ و ج ١٣ / ص ١٧.

(٢) وسائل الشیعه / ج ٦ / ص ١٤٠.

(٣) وسائل الشیعه / ج ٦ / ص ٣٠٤ و ج ١٢ / ص ٤٧٩.

یعنی، از ابی جعفر ع روایت شده که گفت: سائلی خدمت رسول خدا (ص) آمد برای سؤال، رسول خدا (ص) فرمود: آیا نزد کسی چیزی هست که قرض بدهد مردی از انصار برخاست، و عرض کرد نزد من یا رسول الله فرمود: چهار رَسَق از خرما به این سائل بده، حضرت باقر فرمود: بعد از مدتی قرض دهنده خدمت رسول خدا (ص) آمد تا قرض را دریافت کند، رسول خدا (ص) فرمود ادا میشود اِنْ شَاءَ اللهُ، سپس دفعه دیگر آمد باز رسول خدا (ص) فرمود ادا میشود اِنْ شَاءَ اللهُ تا دفعه سوم آمد، رسول خدا (ص) فرمود: ادا میشود اِنْ شَاءَ اللهُ، عرض کرد: یا رَسُولَ اللهِ مکرر میفرمائید ادا میشود، رسول خدا (ص) خندید، و فرمود: آیا مردی هست که نزد او قرضی باشد به ما بدهد، مردی برخاست و گفت نزد من هست، رسول خدا (ص) فرمود: چه قدر، عرض کرد: هر قدر بخواهی، فرمود: هشت رَسَق از خرما به این شخص بده، آن مرد انصاری عرض کرد: همانا طلب من چهار رَسَق است، رسول خدا ص فرمود: چهار رَسَق دیگر نیز مال تو است.

## ۲۸- باب إخفاء الصدقة والحذر من المن

قَالَ اللهُ تَعَالَى: اِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَ اِنْ تَخْفَوْهَا وَ تَوْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ (۱)  
وَ قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْاَذَى. (۲)

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: سَبَعَهُ يَظْلُمُهُمُ اللهُ تَعَالَى فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ: اِمَامٌ عَادِلٌ. وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللهِ. وَ رَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسَاجِدِ. وَ رَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَ تَفَرَّقَا عَلَيْهِ. وَ رَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَ جَمَالَ فَقَالَ: اِنِّي اَخَافُ اللهَ. وَ رَجُلٌ تَمَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَاَخْفَاهَا حَتَّى

(۱) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۷۱.

(۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۲۶۴.

لَاتَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينَهُ (۱)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هفت دسته هستند که خدایتعالی در روزیکه هیچ سایه‌ای جز سایه لطف او نباشد ایشان را در سایه لطف و مرحمت خویش سایه افکند: زما مداری که عدالت کند، و جوانی که در عبادت خدای عزوجل نشوونما کند، و مردی که دلبستگی به مساجد دارد، (چون خارج شود به فکر آنست تا برگردد) و دومی که تنها بخاطر رضای خدا و برای اطاعت او همدیگر را دوست دارند، که برای رضا و اطاعت خدای عزوجل جمع و یا از هم جدا می‌شوند، و مردی که زن صاحب مقام و جمالی او را (برای کامرانی) بخواند، پس او بگوید من از خدا می‌ترسم، و مردی که صدقه خود را آنچنان پنهانی دهد که دست چپ او نداند با دست راستش چه انفاق نموده است.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): صَدَقَةُ السِّرِّ تَطْفِي غَضَبَ الرَّبِّ (۲)  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: صدقه پنهانی غضب خدای تبارک و تعالی را خاموش می‌کند.

۳- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ لِأَخْبِرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ، وَ لِأَفِي الصَّدَقَةِ إِلَّا مَعَ النِّيَّةِ (۳)  
یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: یا علی در گفتن خیری نیست جز با کردار، و در صدقه خیری نیست جز با نیت.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَسَدَى إِلَى مُؤْمِنٍ مَعْرُوفًا ثُمَّ آذَاهُ بِالْكَلَامِ أَوْ مَنْ عَلَيْهِ فَقَدْ أَبْطَلَ اللَّهُ صَدَقَتَهُ (۴)  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس نسبت به مؤمنی کار خوبی انجام دهد، سپس او را با سخن بیازارد و یا برا او منت گذارد محققاً صدقه او را خدا باطل نموده است.

۵- ش وَج قَالَ النَّبِيُّ (ص): ثَلَاثَةٌ لَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ: الْمَنَانُ الَّذِي

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۱ / ص ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ج ۲ / ص ۴۳ و -  
وسائل الشيعة / ج ۳ / ص ۴۸۲  
(۲) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۲۷۵ و ۲۷۶ و مستند الامام زيد / ص ۱۹۹  
(۳) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۲۱۷  
(۴) وسائل الشيعة / ج ۶ / ص ۳۱۷

لَا يُعْطَى شَيْئًا إِلَّا بِمَنْعِهِ، وَالْمَسْبِلُ إِزَارُهُ، وَالْمَنْفِقُ سَلَعَتَهُ بِالْجَلْفِ الْكَازِبِ (۱)  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدا با سه کس سخن نمی گوید: یکی آنکه چیزی نمی دهد مگر با گذاشتن منت، و دیگری آنکسی که جامه خود را رها کرده (جامه خود را برای تکبر دراز نموده) و دیگر آنکه متاع خود را با قسم دروغ ترویج کرده و فروخته است.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي حَدِيثِ الْمَنَاهِي: وَمَنْ أَصْطَنَعَ إِلَىٰ أَخِيهِ مَعْرُوفًا فَأَمْتَنَ بِهِ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ، وَثَبَّتَ وَزْرُهُ، وَ لَمْ يَشْكُرْ لَهُ سَعْيَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: حَرَمْتُ الْجَنَّةَ عَلَى الْمَنَانِ وَالْبَخِيلِ وَالْقَتَاتِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) در حدیث مناهی فرمود: و کسی که کا ر خوبی نسبت به برادر خود انجام دهد و منت گذارد خدا عمل او را هدر کند، و گنا او ثابت بماند، و سعی او را مورد تشکر ننماید. سپس فرمود: خدای عز و جل می فرماید: بهشت حرام گردیده بر منت گذار و بربخیل و برنمام.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ اللَّهُ كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَ كَرِهَتْهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِي وَأَتَبَا عِهِمْ مِنْ بَعْدِي: الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ، وَ الرَّفَثُ فِي الصَّوْمِ، وَ الْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ، وَ إِشْيَانُ الْمَسَاجِدِ جُنُبًا، وَ التَّطَلُّعُ فِي الدُّوْرِ، وَ الضَّحْكُ بَيْنَ الْقُبُورِ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خداوند برای من شش خصلت را نخواست و من برای اوصیاء از فرزندان و پیروان ایشان نخواستم: بازی کردن در نماز، و فحش دادن در حال روزه، و منت گذاشتن پس از دادن صدقه، و به مساجد جنب وارد شدن، و سربه خانه مردم کردن، و بین قبور خندیدن.

(مؤلف گوید: خداوند صریحاً در قرآن از منت پس از صدقه نهی و آنرا مُبْطِلِ انْفَاقٍ معرفی کرده است. و دیگر آنکه از این خبر معلوم میشود رسول خدا ص حق ندارد سربه خانه مردم کند و از احوال ایشان مطلع گردد، و این رداست بر غلّه که می گویند رسول و امام از هر عملی مطلع است).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۷ و التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۳.  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۶.  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۶ / ص ۳۱۶.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# (٥) كتاب الصيام

## ١-باب فرضية صوم رمضان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا  
 كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ  
 أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ... (١)

وَقَالَ تَعَالَى: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ  
 بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ  
 فَلْيَصُمْهُ... (٢)

... ..

١- ج عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ (رض) قَالَ: نُهَيْنَا أَنْ نَسْأَلَ رَسُولَ  
 اللَّهِ (ص) عَنْ شَيْءٍ، فَكَانَ يَعْجِبُنَا أَنْ يَجِيءَ الرَّجُلُ الْعَاقِلُ مِنْ أَهْلِ  
 الْبَادِيَةِ فَيَسْأَلُهُ وَنَحْنُ نَسْمَعُ، فَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ فَقَالَ:  
 يَا مُحَمَّدُ أَتَانَا رَسُولُكَ فَزَعَمَ لَنَا أَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ اللَّهَ أَرْسَلَكَ، قَالَ:  
 صَدَقَ. قَالَ: فَمَنْ خَلَقَ السَّمَاءَ، قَالَ: اللَّهُ. قَالَ: فَمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ، قَالَ:  
 اللَّهُ. قَالَ: فَمَنْ نَصَبَ هَذِهِ الْجِبَالَ وَجَعَلَ فِيهَا مَا جَعَلَ، قَالَ: اللَّهُ.  
 قَالَ: فَبِالَّذِي خَلَقَ السَّمَاءَ وَخَلَقَ الْأَرْضَ وَنَصَبَ هَذِهِ الْجِبَالَ أَلَيْسَ  
 أَرْسَلَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: وَزَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا حَمْسَ مَلَسَوَاتٍ  
 فِي يَوْمِنَا وَ لَيْلَتِنَا، قَالَ: صَدَقَ. قَالَ: فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمَرَكَ  
 بِهَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: وَزَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا زَكَاةً فِي أَمْوَالِنَا،  
 قَالَ: صَدَقَ. قَالَ: فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمَرَكَ بِهَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ.  
 قَالَ: وَزَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي سَنَتِنَا، قَالَ:

(١) قرآن/ سورة بقره / آيات: ١٨٢ و١٨٣.

(٢) قرآن/ سورة بقره / آية: ١٨٥.

صَدَقَ. قَالَ: فَبِالَّذِي أَرْسَلَكَ اللَّهُ أَمْرَكَ بِهَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالَ: وَ زَعَمَ رَسُولُكَ أَنَّ عَلَيْنَا حَجَّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا. قَالَ: صَدَقَ. قَالَ ثُمَّ وَلِيَّ قَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَا أَزِيدُ عَلَيْهِمْ وَ لَا أَنْقُصُ مِنْهُمْ. فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): لِأَنَّ صَدَقَ لِيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ. وَفِي رَوَايَةٍ: فَقَالَ الرَّجُلُ: آمَنْتُ بِمَا جِئْتَنِي بِهِ وَ أَنَا رَسُولٌ مِّنْ وَرَائِي مِّنْ قَوْمِي وَ أَنَا ضَامٌّ بِنِ شُعَلْبَةَ أَخُو بَنِي سَعْدِ بْنِ بَكْرٍ (۱)

یعنی، از آنس بن مالک روایت شده که گفت: مانهی شدید از سؤال کردن از رسول خدا (ص)، پس خوشمان می آمد که مرد عاقلی از اهل بادیه بیاید و سؤالی کند که ما بشنویم، پس مردی از اهل بادیه آمد و گفت: یا مُحَمَّد قاصد تو آمده و به ما گوید که تو ادعا نموده ای که خدا تورا فرستاده است، حضرت فرمود: راست گفته، او گفت: آسمان را که خلق کرده؟ فرمود: خدا، عرض کرد: زمین را که خلق کرده، فرمود: خدا، عرض کرد: پس این کوهها را که نصب کرده و در آن چیزها قرار داده؟ فرمود: خدا، عرض کرد: قسم به آنکه این آسمان و این زمین و این جبال را خلق کرده آیا خدا تورا فرستاده؟ فرمود: بلی، عرض کرد: قاصد شما چنین گمان کرده و گوید که بر ما در شبانه روز پنج نماز است، فرمود: راست گفته عرض کرد: تورا قسم به آنکه تورا فرستاده آیا خدا تورا به این امر کرده؟ فرمود: آری، عرض کرد: قاصد تو گمان کرده که بر ما واجب است زکات در مالهای ما؟ فرمود: راست گفته، عرض کرد: تو را قسم به آنکه تورا فرستاده آیا خدا تورا امر به این کرده؟ فرمود: آری، عرض کرد: قاصد تو گمان کرده که بر ما واجب است روزی ماه رمضان در هر سال، فرمود: راست گفته، عرض کرد: تورا قسم به آنکه فرستاده آیا او تورا به این امر کرده؟ فرمود: آری. عرض کرد و قاصد تو گمان کرده که بر ما حج خانه خدا واجب است بر هر کس راه توانائی دارد؟ فرمود: راست گفته است. آنس گفت: او برگشت و گفت: قسم به آنکه تورا مبعوث کرده بحق، برای آنها نه زیاد



میکنم و نه از اینها کم می‌کنم، رسول خدا (ص) فرمود: اگر راست بگوید البتّه داخل بهشت خواهد شد، و در روایتی، آنمرد گفت: به آنچه آورده‌ای ایمان آوردم، و من پیغام‌بر و رسول قومم می‌باشم، و من ضمام بن ثعلبه از طائفه بنی‌سعد بن بکر می‌باشم.

۲- جوش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَتَاكُمْ رَمَضَانَ شَهْرٌ مُبَارَكٌ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ تَفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تَغْلُقُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَحِيمِ وَ تَغْلُقُ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ، لِلَّهِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ مَنْ حَرَّمَ خَيْرَهَا فَقَدْ حُرِّمَ .

یعنی، روایت شده از ابی‌هریره از رسول خدا (ص) که فرمود: ماه رمضان آمد برای شما، ماه مبارکی که خدای عزوجلّ روزه آنرا بر شما واجب گردانیده است، در آن باز می‌شود درهای آسمان، و بسته می‌شود در آن درهای دوزخ، و به‌غلّ و زنجیر کشیده می‌شوند شیاطین که خدا را تمرد کردند، در این ماه شبی است بهتر از هزار ماه (یعنی لیلَةُ الْقَدَر) کسیکه از خیر آن محروم ماند، واقعاً محروم شده است.

۳- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَشْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَمَ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ، وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ، فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ (۱).

یعنی، از حضرت باقر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در روز آخرین جمعه ماه شعبان خطبه خواند، پس حمد خدا کرد و براو ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم بدون تردید سایه افکننده بر شما ماهی که در آن شب قدر است که بهتر از هزار ماه است، و آن ماه رمضان است که خدا روزه آنرا واجب کرده است ...

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أُعْطِيَتْ أُمَّتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَمْسًا لَمْ يُعْطِهَا أُمَّةٌ نَبِيٌّ قَبْلِي؛ إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْهُ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمْ فَإِذَا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى شَيْءٍ لَمْ يَعْدِبْهُ بَعْدَهَا وَ خُلُوفَ أَفْوَاهِهِمْ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۵ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۷۵ و

وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۱۷۷ .

(۲) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۱۷۱ و ۱۷۲ .

حِينَ يُمْسُونَ أَطْيَبَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ رِيحِ الْمَيْكِ، تَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِنْهُ، وَيَأْمُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ جَنَّتَهُ فَيَقُولُ: تَزَيَّنِي لِعِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ يَوْشِكُ أَنْ يَسْتَرِيحُوا مِنْ نَصَبِ الدُّنْيَا وَ أَذَاهَا إِلَى جَنَّتِي وَ كَرَامَتِي، فَإِذَا كَانَ آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ عَفَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمْ جَمِيعًا (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: به اُمّت در ماه رمضان پنج چیز عطا شده که به اُمّت پیامبران قبل از من عطا نشده: چون اوّل روز از ماه رمضان شود، خدا به ایشان نظر عنایت کند، و بوی دهانهای ایشان در هنگام افطار پاکیزه تر از بوی مُشک است، ملائکه برای ایشان استغفار کنند در هر روز و شب این ماه، و خدای عزّوجلّ امر کند بهشت خود را که برای بندگانم زینت کن شاید که راحت شوند از زحمت و رنج و آزار دنیا و بیایند به سوی بهشت من و کرامت من؛ پس چون آخرین شب آن شود، خدای عزوجل همه ایشان را بیا مرزد. (مؤلف گوید: در بعضی از احادیث کتاب صیام، مانند احادیث وارده در سایر کتب فقهی و غیر آن، غُلُوهائی آمده، که پاره‌ای از آنها قابل تأویل، و برخی دیگر جعلی بودن آن بدیهی و روشن است که احتیاجی به تأویل ندارد. و البته خود خواننده مسلمان که به قرآن آشنائی دارد و میزان او قرآن است، احادیث مجعوله و موضوعه را خواهد فهمید. بهرحال، در کتب فقهی نیز روایات جعلی و ساختگی، فراوان به چشم می‌خورد که موجب تأسف است. (۱۰)

۴- ش عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ۴ قَالَ: جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَسَأَلَهُ أَعْلَمَهُمْ عَنْ مَسْأَلٍ فَكَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: لِأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ الصَّوْمَ عَلَيَّ أُمَّتِكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ بَقِيَ فِي بَطْنِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ دُرَيْتَهُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا الْجُوعَ وَالْعَطَشَ وَالَّذِي يَأْكُلُونَهُ بِاللَّيْلِ تَفَضَّلَ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، وَكَذَلِكَ كَانَ عَلَيَّ آدَمَ ۴ فَفَرَضَ اللَّهُ

ذَلِكَا عَلٰی اُمَّتِيْ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْاٰيَةَ: «كُتِبَ عَلَیْكُمْ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَی الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ اَيَّامًا مَّعْدُوْدَاتٍ ...»، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ! (۱)

یعنی، از حسن بن علی بن ابی طالب علیهما السلام روایت شده که گفت: عده‌ای از یهود نزد رسول خدا (ص) آمدند، و دانایان ایشان از مسائلی از آنحضرت سؤال کرد، و درجمله آنچه سؤال کرد این بود که گفت: برای چه خدا بر امتت پیروز سیروز روزه را واجب نموده و بر امتهای دیگر بیشتر واجب کرده؟ رسول خدا (ص) فرمود: زیرا که آدم چون از درخت موردنهی تناول نمود در شکم او سیروز باقی ماند، پس خدا بر ذریّه او سیروز گرسنگی و تشنگی را واجب کرد و آنچه در شب میخورند تفضل الهی است بر ایشان، و همچنین بر آدم واجب بود، پس خدا بر امت من واجب نمود، سپس آنحضرت تلاوت کرد آیه ۱۸۲ سوره بقره را که خدا میفرماید: «مقرر شد بر شما روزه گرفتن چنانکه واجب شده بود بر کسانی که پیش از شما بودند تا شما پرهیزکار شوید چند روزی بیش نیست»، یهودی گفت: راست گفتی یا محمد.

۵-ج قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص): اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی فَرَضَ صِيَامَ رَمَضَانَ عَلَیْكُمْ، وَ سَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ، فَمَنْ صَامَهُ وَ قَامَهُ اِيْمَانًا وَ اِحْتِسَابًا خَرَجَ مِنْ ذُنُوْبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی روزه رمضان را بر شما واجب نمود، و من برای شما قیام در آن ماه را سنت قرار دادم، پس هرکس این ماه را از روی ایمان و به حساب خدا، روزه بگیرد و برای عبادت قیام کند، از گناهانش خراج شود مانند روزی که مادرش او را متولد نموده است. (و بهمین مضمون در کتاب وسائل نیز وارد شده است (۳)).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷۲  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۶  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷۷

## ۲-باب فضائل الصوم

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، وَالصِّيَامُ جَنَّةٌ، وَإِذَا كَانَ يَوْمُ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلَا يَزِفْتُ وَلا يَصْحَبُ، فَإِنْ سَأَبَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي أَمْرُؤٌ صَائِمٌ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمُسْكِ، لِلصَّائِمِ فَرَحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا إِذَا أَفْطَرَ فَرَحَ وَإِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرَحَ بِصَوْمِهِ. وَفِي رِوَايَةٍ: كُلُّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ يَمَاعُفُ. الْحَسَنَةُ عَشْرٌ أَمْثَالُهَا إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضَعْفٍ. قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِي (۱)

یعنی، ابی هریره روایت کرده از رسول خدا (ص) که می فرمود، خدای تعالی فرموده: هر عملی از فرزند آدم برای خودش می باشد جز روزه که روزه از من است، و من جزای او را میدهم و روزه سپری است (از عذاب) و چون یکی از شما روزه گرفت، پس فحش ندهد و صدا به دشمنی بلند نکند، پس اگر کسی به او بدگوئی و یا پیکار کرد، باید بگوید من مردی روزه دارم، و قسم به آنکه جان محمد بدست اوست که بوی دهان روزه دار پاکیزه تر است نزد خدا از بوی مشک، برای روزه دار دو خوشحالی است، چون افطار کرد، خوشحال است و چون خدا را ملاقات کرد (و وفات نمود) خوشحال است بواسطه روزه اش، و در روایتی: هر عملی از فرزند آدم ثواب زیاد است تا ده مانند تا هفتصد مقابل، خدای عزوجل فرموده جز روزه که روزه مال من است و من آنرا جزا میدهم شهوت خود را ترک کرده و طعام خود را گذاشته برای خاطر من. (و بمضمون حدیث فوق در کتاب وسائل نیز ذکر شده است (۲)).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۶ و ۴۷ والمصنف / ج ۴ / ص ۳۰۶ و ۳۰۷ و

مسند الامام زید / ۲۰۳ و ۲۰۴.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۹ ، ۲۹۱ ، ۲۹۲ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ و ۲۹۷.

۲- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمَّا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ ذَلِكَ فِي ثَلَاثِ بَقِيَّينَ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ لِبِلَالٍ: نَادِ فِي النَّاسِ فَجَمَعَ النَّاسُ ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَصَّكُمْ اللَّهُ بِهِ وَ حَضَرَكُمْ، وَ هُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ لَيْلَهُ فِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّارِ، وَ تَفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ وَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَدْرَكَهُ وَالْيَدِيهِ وَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يَصِلْ عَلَيَّ فَلَمْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: وَ كَانَ لِلَّهِ فِيهِ عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ عُنُقَاءٌ يُعْتِقُهُمُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ، وَ يُنَادِي مُنَادٍ كُلَّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ؟ اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا، وَ أَعْطِ كُلَّ مُمْسِكٍ تَلْفًا، حَتَّى إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَوَّالٍ نُودِيَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ ائْتُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ (۲)

یعنی، روایت شده از حضرت باقر ع که گفت: چون ماه رمضان حاضر شد، رسول خدا (ص) به بلال فرمود: ندا کن در میان مردم، پس مردم جمع شدند و رسول خدا (ص) منبر رفت و حمد خدا کرد و برا او ثنا گفت، سپس فرمود: ای مردم این ماهی است که خدا شمارا به آن اختصاص داده و برای شما رسیده و این ماه سید ماههاست، شبی در اوست که بهتراز هزار ماه است، درهای آتش در این ماه بسته شود و درهای بهشت در این ماه بازگردد، پس هر که آنرا درک کند و آمرزیده نشود خدا او را از رحمت دورگرداند و آنکه والدین خود را درک کند و آمرزیده نشود، پس خدا او را از رحمت دورگرداند و آنکه ذکر من نزد او شود و بر من صلوات نفرستد، پس خدا او را دورگرداند. و در روایت دیگر فرمود: و برای خدا در هر موقع افطار آزاد شدگانی است که خدا ایشانرا از آتش آزاد می کند، و هر شب منادی ندا می کند آیا سائلی هست؟ آیا طالب آمرزشی هست خدایا به انفاق کنندگان عوض بده و به هر ممسکی تلف بده تا آنکه ماه شوال طلوع کند مؤمنان ندا شوند که صبح برای گرفتن جایزه

(۱) و (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۲۴

حاضر شوید که آنروز روز جایزه است .  
 ۳- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ  
 رَمَضَانَ يُنَادِي مُنَادٍ : يَا بَاغِيَ الْخَيْرِ أَقْبِلْ وَ يَا بَاغِيَ الشَّرِّ  
 أَقْصِرْ وَ لِلَّهِ عِتْقَاءٌ مِنَ النَّارِ وَ ذَلِكَ كُلُّ لَيْلَةٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون اولین شب ماه رمضان شود منادی ندا کند ای جوینده خیر بیا و ای جوینده شر کوتاه کن، و برای خدا آزاد شده ها از آتش است، و این در هر شب باشد.

۴- ش عَنْ عَلِيٍّ ۴، لَمَّا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)  
 فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ كَفَاكُمْ اللَّهُ عَدُوَّكُمْ  
 مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، وَقَالَ: ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، وَ وَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ  
 أَلَا وَ قَدْ وَكَّلَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةً مِنْ مَلَائِكَتِهِ، فَلَيْسَ  
 بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقُضِي شَهْرَكُمْ هَذَا أَلَا وَ أَيُّوبَ السَّمَاءِ مُفْتَحَةً مِنْ  
 أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ أَلَا وَ الدُّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ (۲)

یعنی، از علی ۴ روایت شده که چون شهر رمضان فرا رسید، رسول خدا (ص) ایستاد، پس حمد خدا و ثنای برا و نمود، سپس فرمود: ای مردم خدا دشمنان را از جن و انس کفایت کرد و فرمود: —را بخوانید تا اجابت کنم برای شما، و وعده اجابت به شما داد، آگاه باشید خدا به هر شیطان متمردی هفت ملک مأمور از ملائکه را موکل نموده تا این ماه شما منقضی گردد، آگاه باشید درهای آسمان برای شما باز است از اولین شب این ماه، آگاه باشید دعای در این ماه مورد قبول است.

۵- ش عَنِ الصَّادِقِ ۴ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ صَامَ شَهْرَ  
 رَمَضَانَ وَ حَفِظَ فَرْجَهُ وَ لِسَانَهُ وَ كَفَّ أَدَاهُ عَنِ النَّاسِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ  
 ذُنُوبَهُ (۳)

یعنی، روایت شده از حضرت صادق ۴ از رسول خدا (ص) که فرمود: هر کس ماه رمضان را روزه گیرد و فرج و زبانش را حفظ کند و اذیت خود را

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۷ و ۴۸ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۲۰ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷۴ .

از مردم نگه دارد خدا گناهان او را بیا مرزد. (وبهین مضمون در کتاب تاج نیز وارد شده (۱)).

ع- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي خُطْبَةٍ لَهُ: وَمَنْ طَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي إِنْصَاتٍ وَ سُكُوتٍ وَ كَفَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ لِسَانَهُ وَ فَرَجَهُ وَ جَوَارِحَهُ مِنَ الْكُذِبِ وَ الْحَرَامِ وَ الْغَيْبِ تَقَرُّبًا قَرَبَهُ اللَّهُ مِنْهُ حَتَّى تَمَسَّ رُكْبَتَاهُ رُكْبَتَيَّ إِبرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) در خطبه خود فرمود: و هر کس ماه رمضان را روزه بگیرد در گوش دادن به مواظط الهی و سکوت و حفظ کند گوش و چشم و زبان و فرج و اعضایش را از دروغ و حرام و غیبت برای تقرب به خدا، خدا او را مقرب میدارد باندازه ای که دو زانوی او، دو زانوی ابراهیم خلیل الرحمن را مس کند (یعنی، آنقدر مقرب شود که هم نشین حضرت ابراهیم گردد).

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِجَابِرٍ، يَا جَابِرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ، مَنْ طَامَ نَهَارَهُ وَ قَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَ عَفَّ بَطْنَهُ وَ فَرَجَهُ وَ كَفَّ لِسَانَهُ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَخُرُوجِهِ مِنَ الشَّهْرِ، فَقَالَ جَابِرٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ هَذَا الْحَدِيثِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا جَابِرُ مَا أَشَدَّ هَذِهِ الشُّرُوطُ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) به جابر فرمود: ای جابر، این ماه رمضان است هر کس روز آنرا روزه بگیرد و مقداری از شب آنرا برپا دارد و شکم و فرج خود را نگهداری کند و زبانش را باز ندارد، از گناه خود خارج شود چنانکه از این ماه خارج میگردد. جابر گفت یا رسول الله این چه حدیث نیکوئی است، رسول خدا (ص) فرمود: ای جابر این شروط چه سخت است.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ احْتِسَابًا إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ: أَوْلَاهَا يَذُوبُ الْحَرَامُ فِي جَسَدِهِ، وَ الثَّانِيَةُ يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۸

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۷

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۶

الثَّالِثَةَ يُكُونُ قَدْ كَفَرَ خَطِيئَةَ آدَمَ أَبِيهِ، وَ الرَّابِعَةَ يَهْوِنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَ الْخَامِسَةَ أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ السَّادِسَةَ يُعْطِيهِ اللَّهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَ السَّابِعَةَ يُطْعِمُهُ اللَّهُ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر مؤمنی که ماه رمضان را روزه بگیرد برای حساب خدا، خدای تبارک و تعالی برای او هفت خصلت را واجب گرداند: اول آن این است که حرام درجسد او آب میشود، دوم اینکه به رحمت خدای عزوجل نزدیک میشود، سوم اینکه جبران کرده خطای پدرش آدم را، چهارم اینکه خدا سكرات مرگ را براو آسان گرداند پنجم اینکه از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان است، ششم آنکه خدا برافت و رهائی از آتش بها و عطا میکند، هفتم، خدا او را از پاکیزه‌های بهشت اطعام می‌کند.

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَابًا يُقَالُ لَهُ الرَّيَّانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِذَا دَخَلَ آخِرُهُمْ أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که: در بهشت دری است بنام ریّان، داخل می‌شود از آن در روز قیامت روزه‌گیران، و چون نفر آخر ایشان داخل شد آن در بسته شود و احدی از آن داخل نشود.

۱۰- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يُدْعَى الرَّيَّانَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ (۳)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: برای بهشت دری است بنام ریّان، از آن در وارد نشود مگر روزه‌داران.

۱۱- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَ نَفْسُهُ تَسْبِيحٌ (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خوابیدن روزه‌دار عبادت و نفس کشیدن

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷۲ و ۱۷۳.  
 (۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۴۸.  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۵.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۹۸ و ۲۹۴.



او تسبیح است .  
 ۱۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : طُوبَى لِمَنْ ظَمَأَ أَوْ جَاعَ لِلَّهِ ،  
 أُولَئِكَ الَّذِينَ يَشْبَعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، طُوبَى لِلْمَسَاكِينِ بِالصَّبْرِ  
 أُولَئِكَ الَّذِينَ يَرَوْنَ مَلَكَوَتَ السَّمَوَاتِ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خوشا به حال کسیکه تشنه و یا گرسنه شود  
 برای خدا، آنانند که روز قیامت سیرگردند، خوشا به حال مساکین  
 بواسطه صبر، آنانند که سانسیکه سلطنت آسمانها وزمین را می بینند .  
 ۱۳- ج قَالَ حُذَيْفَةُ أَنَا سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: فَتْنَةُ  
 الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ جَارِهِ تَكْفِيرُهَا الصَّلَاةُ وَالصَّيَامُ وَالصَّدَقَةُ (۲)  
 یعنی، حدیفه گفت شنیدم رسول خدا (ص) میفرمود: ابتلای مرد در  
 خانواده و مال و فرزند و همسایه اش، و فتنه اینها را جبران و  
 رفع می کند نماز و روزه و صدقه دادن.

۱۴- ج عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِذَا  
 صَلَّيْتُ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ وَ صُمْتُ رَمَضَانَ وَ أَحَلَلْتُ الْحَلَالَ وَ حَرَمْتُ  
 الْحَرَامَ وَ لَمْ أَرِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا أَدْخَلَ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ:  
 وَ اللَّهُ لَا أَرِيدُ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا (۳)!

یعنی، روایت شده از جابر که مردی از رسول خدا (ص) سؤال کرد و  
 گفت: آیا دیده ای و یا رأی میدهی که چون نماز واجب را خواندم و  
 ماه رمضان را روزه بگیرم و حلال را حلال شمردم و حرام را حرام  
 دانستم و بر اینها چیزی زیاد نکردم آیا وارد بهشت میشوم؟  
 فرمود: بلی، گفت: قسم به خدا بر اینها چیزی زیاد نمی کنم .

۱۵- ج عَنْ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي سَفَرٍ  
 فَأَصْبَحْتُ يَوْمًا قَرِيبًا مِنْهُ وَ نَحْنُ نَسِيرُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي  
 بِعَمَلٍ يُدْخِلُنِي الْجَنَّةَ وَ يُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ  
 عَظِيمٍ وَ إِنَّهُ لَيْسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسِرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُ  
 بِهِ شَيْئًا وَ تَقِيمُ الصَّلَاةَ وَ تُؤْتِي الزَّكَاةَ وَ تَصُومُ رَمَضَانَ وَ تَحُجُّ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۹ .  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۸ .  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۴۹ .

الْبَيْتِ . ثُمَّ قَالَ : أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جَنَّةٌ ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ شِعَارُ الصَّالِحِينَ قَالَ : ثُمَّ تَلَا - تَتَجَاوَىٰ جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ - حَتَّىٰ بَلَغَ - يَعْمَلُونَ - . ثُمَّ قَالَ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَ ذُرْوَةِ سَنَامِهِ . قُلْتُ : بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ ، وَ عَمُودُهُ الصَّلَاةُ ، وَ ذُرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ . ثُمَّ قَالَ : أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَلَكَ ذَلِكَ كُلِّهِ ، قُلْتُ : بَلَىٰ يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ وَ قَالَ : كَفَّ عَنكَ هَذَا . فَقُلْتُ : يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ إِنَّا لَمُؤَاخِدُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ ؟ فَقَالَ : تَكَلَّمْتَ أَمْكَ يَا مُعَاذُ وَ هَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَىٰ مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَارِدُ السِّنْتِهِمْ (۱)

یعنی، روایت شده از مُعَاذِ بْنِ جَبَل که گفت: یا رسول خدا (ص) بودیم در سفری، پس روز وارد صبح شدم در حالیکه به آن جناب نزدیک بودم و سیر میکردیم، گفتم: یا رسول الله مرا خبر بده به عملی که مرا وارد بهشت کند و از دوزخ دور نماید، فرمود: از چیز بزرگی سؤال کردی ولی چیز آسان‌تر برای کسیکه خدا آنرا برایش آسان گرداند، و آن این است که خدا را پرستش کنی و به او شرک نیاوری و چیزی را شریک او قرار ندهی و نماز را بپا داری، و زکات را بدهی و ماه رمضان را روزه‌گیری و خانه خدا را حج نمایی، سپس فرمود: آیا تورا دلالت نکنم بر درهای خیر؟ روزه سپر است، و صدقه خطاها را خاموش میکند چنانکه آب آتش را خاموش میکند و نماز در جوف شب شعار بندگان صالحین است، سپس تلاوت نمود (آیه ۱۶ و ۱۷ سوره سجده را که می‌فرماید: «پهلوهایی خود را از خوابگاه تهنی کنند پروردگارشان را با ترس و امید بخوانند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق کنند، هیچکس نداند چه روشنی چشمانی برای ایشان نهاده شده بمقابل آن اعمالی که انجام می‌داده‌اند»، سپس فرمود: آیا تورا خبر ندهم به سر‌آمر و عمود آن و بالاترین جای آن؟ گفتم: بلی یا رسول الله، فرمود: سر‌آمر

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۴۹ و ۵۰.

اسلام، و عمود آن نماز، و بالاترین جایش جهاد، سپس فرمود: آیا تو را خبرندهم به ملاک همه اینها و ضابطه همه اینها؟ گفتیم: بلی یا رسول الله، پس زبان خود را گرفت و فرمود: این را نگاه دار و عرض کردم: ای پیامبر خدا، ما مؤاخذه خواهیم شد به آنچه تکلم کنیم با این زبان؟ فرمود: مادرت به عزایت بنشیند ای معاذ، آیا مردم را در آتش بر صورتشان و یا بر دماغشان می افکند جز نتیجه زبان نشان.

### ۳- باب اصل الصّوم و بیان وقته

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ... (۱)

۱- ج عَنِ الْبَرَاءِ قَالَ: كَانَ أَصْحَابُ مُحَمَّدٍ (ص) إِذَا كَانَ الرَّجُلُ صَائِمًا فَحَضَرَ الْإِفْطَارَ فَنَامَ قَبْلَ أَنْ يُفْطِرَ لَمْ يَأْكُلْ لَيْلَتَهُ وَ لِأَيُّومِهِ حَتَّى يُمَسِيَ وَ إِنَّ قَيْسَ بْنَ صِرْمَةَ كَانَ صَائِمًا فَلَمَّا حَضَرَ الْإِفْطَارَ أَتَى امْرَأَتَهُ فَقَالَ لَهَا: أَعِنْدَكَ طَعَامٌ؟ قَالَتْ: لَا وَلَكِنْ أَنْطَلِقُ فَأَطْلُبُ لَكَ وَ كَانَ يَوْمَهُ يَعْمَلُ فَغَلَبَتْهُ عَيْنَاهُ، فَجَاءَتْ امْرَأَتَهُ فَلَمَّا رَأَتْهُ قَالَتْ: خَيْبَةٌ لَكَ فَلَمَّا انْتَصَفَ النَّهَارُ غَشِيَ عَلَيْهِ فَذَكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ (ص) فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ - فَفَرَحُوا بِهَا فَرَحًا شَدِيدًا وَ نَزَلَتْ - وَكَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ - (۲).

یعنی، از براء روایت شده که گفت: اصحاب رسول خدا (ص) چنین بودند که اگر صائمی را افطار می رسید و او را خواب میر بود قبل از آنکه افطار کند آن شب و روز نمی خورد تا شب، و قیس بن صیرمه روزی بود، چون افطار شد آمد نزد زن خود و گفت آیا طعامی داری زن گفت: نه، ولیکن میروم و برای تو طلب می کنم، و آن مرد در

(۱) قرآن/ سوره بقره/ آیه ۱۸۷.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۵۱ و ۵۲.

روز کار میکرد، پس خواب دو چشم او بر او غلبه کرد، چون زنش آمد و او را در آن حال دید گفت: محروم شدی (که خواب کردی)، پس چون (روز شد روزه گرفت) و نصف روز غش بر او عارض شد، برای رسول خدا (ص) این قضیه ذکر شد، پس این آیه نازل شد که: «آمیزش با زنان در شبهای روزه برایتان حلال گشت»، پس به این آیه خوشحال شدند خوشحالی کاملی و نیز نازل شد: «و بخورید و بنوشید تا آن زمان که رشته سپید صبح از رشته سیاه شب نمایان شود».

۲- ش عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمَّا فَرَضَ الصِّيَامَ فَرَضَ أَنْ لَا يَنْكِحَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَيِّ اللَّيْلِ وَ لِأَيِّ النَّهَارِ، عَلِيٌّ مَعْنَى صَوْمِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي التَّوْرَةِ؛ فَكَانَ ذَلِكَ مُحَرَّمًا عَلَيَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ، وَ كَانَ الرَّجُلُ إِذَا نَامَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ قَبْلَ أَنْ يُفِطَرَ حُرْمَ عَلَيْهِ الْأَكْلَ بَعْدَ النَّوْمِ، أَفْطَرَ أَوْ لَمْ يُفِطَرَ، وَ كَانَ رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ يُعْرِفُ بِمَطْعَمِ بْنِ جُبَيْرٍ شَيْخًا فَكَانَ الْوَقْتَ الَّذِي حُفِرَ فِيهِ الْخَنْدَقُ حَفَرَ فِي جُمْلَةِ الْمُسْلِمِينَ، وَ كَانَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمَّا فَرَعَ مِنَ الْحَفْرِ وَ رَاحَ إِلَى أَهْلِهِ صَلَّى الْمَغْرِبَ فَأَبْطَأَتْ عَلَيْهِ زَوْجَتُهُ بِالطَّعَامِ فَغَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ، فَلَمَّا أَحْضَرَتْ إِلَيْهِ الطَّعَامَ انْتَبَهَتْ فَقَالَ لَهَا اسْتَعْمَلِيهِ أَنْتِ قَاتِي قَدْ نُمْتُ وَ حُرِّمَ عَلَيَّ، وَ طَوَى لَيْلَتَهُ وَ أَصْبَحَ طَائِمًا فَغَدَا إِلَى الْخَنْدَقِ وَ جَعَلَ يَحْفِرُ مَعَ النَّاسِ فَنَغَشِيَ عَلَيْهِ فَسَأَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ حَالِهِ فَأَخْبَرَهُ وَ كَانَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ شَبَانَ يَنْكِحُونَ نِسَاءَهُمْ بِاللَّيْلِ سِرًّا لِقَلْبِ صَبْرِهِمْ، فَسَأَلَ النَّبِيُّ (ص) اللَّهُ فِي ذَلِكَ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَيَّ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفَا عَنْكُمْ قَالَنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ». فَسَخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ مَا تَقَدَّمَهَا (!)

یعنی، روایت شده از حضرت علی که فرمود: خدایتعالی چون روزه را

واجب کرد واجب نمود که مرد با همسرش در ماه رمضان نکاح نکند نه در شب و نه در روز طبق روزه بنی اسرائیل در تورا، و نکاح حرام شد برای امت و چنین بود که مرد چون در اول شب پیش از آنکه افطار کند خواب میرفت، خوردن پس از خواب برا و حرام بود، چه افطار کرده باشد و چه افطار نکرده باشد، و مردی از اصحاب که بنام مطعم بن جبیر معروف بود پیر شده بود و در آن وقتی که بدور مدینه خندق را برای جنگ اُحُد حفر می کردند، این پیر مرد در میان مسلمین در ماه رمضان خندق می کند، پس چون از کار فارغ شد به سوی خانواده اش رفت و نماز مغرب را خواند، و چون زنش در آوردن طعام کندی کرد، خواب او را ربود، پس چون زن او طعام را حاضر کرد او را بیدار نمود، او به زنش گفت: ای زن طعام را خودت صرف کن که من خوابیدم و طعام بر من حرام شد و آن شب را بسر برد، و صبح در حال روزه برای کندن خندق حاضر شد و با مردم شروع به کندن نمود که بیهوش افتاد و غش کرد، رسول خدا (ص) از حال او سؤال کرد، او قضیه خود را بیان کرد و جوانانی از مسلمین بودند که در شب با زنان نشان پنهانی نکاح می کردند برای کم صبری، پس رسول خدا (ص) از خدا راجع به این موضوعات سؤال نمود، پس خدا (آیه ۱۸۷ سوره بقره را) نازل نمود (که می فرماید): «آمیزش با زنان در شبهای روزه برایتان حلال گشت آنان پوشش شما یابند و شما لباس آنانید، خدا دانسته (که اگر چنین حکمی نبود) شما به نفس خود خیانت مینمودید، پس بر شما ببخشید و از شما عفو نمود، پس اکنون با آنان مباشرت کنید و آنچه خدا برای شما مقرر نموده بجوئید (یعنی از رحمت خدا و لذات مشروع بهره برید) و (نیز) بخورید و بیاشامید تا آن زمان که رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برایتان نمایان گردد آنگاه روزه را تا شب بپایان رسانید»، پس این آیه نسخ نمود آنچه مقدم بر آن بود.

(مؤلف گوید: در مورد این آیه دو قول نقل شده یکی همانست که در حدیث فوق و در حدیث ذیل ذکر شده است. ولی این قول خالی از اشکال نیست، زیرا در آیه آمده که این حکم مباشرت با زنان در ماه رمضان

برای جلوگیری از بی‌عفتی است و چنانچه در ابتدای امر غیر از این بوده، لازم می‌آید که در آن هنگام خدا به بی‌عفتی مسلمانان راضی بوده که موافق حکمت الهی نیست، قول دوم آنستکه آیات مربوط به روزه از آیه ۱۸۳ به بعد همه در توضیح احکام روزه و با هم نازل گردیده‌است و دلیلی ندارد که حکمی جز این در گذشته نازل شده باشد. رجوع شود به تفسیر فاضل محقق آقای سید مصطفی طباطبائی.

۳- ج فی روایة: كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ (ص) إِذَا صَلُّوا الْعَتَمَةَ حَرَّمَ عَلَيْهِمُ الطَّعَامَ وَالشَّرَابَ وَالنِّسَاءَ وَ مَا مَوَّأ إِلَى الْقَابِلَةِ فَأَخْتَانِ رَجُلٍ نَفْسَهُ فَجَامَعَ امْرَأَتَهُ وَقَدْ صَلَّى الْعِشَاءَ وَ لَمْ يَفْطُرْ، فَأَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ ذَلِكَ يَسْرًا لِمَنْ بَقِيَ وَ رُخْصَةً وَمَنْفَعَةً فَقَالَ سُبْحَانَهُ - عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ- الْآيَةَ (۱)

مضمون این حدیث، چنانستکه در حدیث قبل بیان گردید.

۴- ج عَنْ عَدِيِّ بْنِ حَاتِمٍ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ - حَتَّى يَتَّبِعَنَّكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ - قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي أَجْعَلُ تَحْتِ سَادَتِي عَقَالًا أَبْيَضَ وَ عَقَالًا أَسْوَدَ أَعْرِفُ اللَّيْلَ مِنَ النَّهَارِ، فَجَعَلْتُ أَنْظُرُ فِي اللَّيْلِ فَلَا يَسْتَبِينُ لِي، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ وَسَادَتَكَ لَعَرِيضٌ إِنَّمَا هُوَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ بَيَاضُ النَّهَارِ (۲)

یعنی، از عدی بن حاتم روایت شده که گفت: چون آیه: «حَتَّى يَتَّبِعَنَّكُمْ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» نازل شد، به رسول خدا (ص) گفتم من زیر متکای خود دورشته سفید و سیاه گذاشته‌ام که شب را از روز بشناسم، و در شب نظر میکنم برایم روشن نمی‌شود و نمی‌فهمم، رسول خدا (ص) فرمود: متکای تو پهن است، همانا مقصود از خَیْط، سیاهی شب و سفیدی روز است (یعنی فجر صادق مراد است نه دورشته ریسمان).

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۵۲.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۵۲ و ۵۳.

۵- ج عَنْ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ وَأَدْبَرَ النَّهَارُ وَغَابَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ أَفْطَرَ الصَّائِمُ (۱)

یعنی، از عمر روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: چون شب رو آورد و روز پشت کند و خورشید غایب گردد، وقت افطار روزه دار فرارسیده است.

۶- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ لِلنَّبِيِّ (ص) مُؤَدِّنَانِ بِلَالٍ وَابْنِ مَكْتُومٍ الْأَعْمَى فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ بِلَالَ يُوَدِّنُ بِاللَّيْلِ، فَكَلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُوَدِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ، قَالَ: وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا إِلَّا أَنْ يَنْزِلَ هَذَا وَيَرْقَى هَذَا (۲)

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: برای پیغمبر (ص) دو مؤذن بود یکی بلال و دیگری ابن ام مکتوم کور، پس رسول خدا (ص) فرمود: بلال در شب اذان می گوید (تا مردم برای طهارت و نماز آماده شوند) پس بخورید و بیاشامید تا ابن ام مکتوم اذان گوید (و ابن ام مکتوم کور بود و اذان نمی گفت تا مردم به او می گفتند صبح شده). و فاصله ای بین اذان این دو نفر نبود جز اینکه یکی از مکان اذان پائین می آمد و دیگری بالا می رفت.

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ بِلَالٌ يُوَدِّنُ لِلنَّبِيِّ (ص) وَابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ وَكَانَ أَعْمَى يُوَدِّنُ بِاللَّيْلِ، وَبِلَالٌ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ، فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا سَمِعْتُمْ صَوْتَ بِلَالٍ فَادْعُوا الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ (۳)

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: بلال برای رسول خدا (ص) اذان می گفت و ابن ام مکتوم در حالیکه کور بود و در شب اذان می گفت و بلال هنگامیکه فجر طلوع میکرد اذان می گفت، پس رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه صوت بلال را شنیدید طعام و شراب را رها کنید که بتحقیق داخل صبح شده اید.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۳  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۳  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۷۸، ۷۹ و ۸۶

#### ۴- باب علامة الفجر الصادق

۱- ج عَنْ سَمُرَةَ بْنِ جُنْدُبٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَا يَغْرَنَكُم مِّنْ سَحُورِكُمْ أَذَانُ بِلَالٍ وَ لَا بَيَاضُ الْأَفُقِ الْمُسْتَطِيلُ هَكَذَا حَتَّى يَسْتَطِيرَ هَكَذَا<sup>(۱)</sup>

یعنی، از سمره بن جندب روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: شما را از خوردن سحری باز ندارد اذان بلال و سفیدی دراز افق که از زمین به آسمان کشیده شده تا وقتی که منتشر شود.

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لَا يَمْنَعُكُمْ مِنْ سَحُورِكُمْ أَذَانُ بِلَالٍ وَ لَا الْفَجْرُ الْمُسْتَطِيلُ، وَلَكِنَّ الْفَجْرَ الْمُسْتَطِيرَ فِي الْأَفُقِ<sup>(۲)</sup>

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: باز ندارد شما را از خوردن سحرتمان اذان بلال و نه فجر دراز، ولیکن باز دارد شما را فجر منتشر در افق.

#### ۵- باب وجوب الصوم والافطار برؤية الهلال

۱- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَا تَصُومُوا حَتَّى تَرَوْا الْهِلَالَ، وَ لَا تَفْطِرُوا حَتَّى تَرَوْهُ، فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَقْدَرُوا لَهُ. وَ فِي رِوَايَةٍ: لَا تَصُومُوا قَبْلَ رَمَضَانَ، صُومُوا لِرِوَايَتِهِ وَ أَفْطِرُوا لِرِوَايَتِهِ، فَإِنْ خَالَتْ دُونَهُ غِيَابَةً فَأَكْمِلُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا. وَ فِي رِوَايَةٍ: فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَأَكْمِلُوا عِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ. وَ فِي رِوَايَةٍ: فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَصُومُوا ثَلَاثِينَ يَوْمًا<sup>(۳)</sup>

یعنی، از ابن عمر از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: روزه نگیرید تا ماه را ببینید، پس اگر ابری بر شما ستر نمود برای روزه اندازه ای معین کنید. و در روایت دیگری: قبل از رمضان (به نیت رمضان) روزه نگیرید، با دیدن هلال ماه روزه بگیرید، و با

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۳.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۳ و ۵۴.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۴ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۵۶ و ۱۵۵.



رؤیت هلال ماه (شؤال) افطار کنید (ودست از روزه بردارید) پس اگر ابری جلوی ماه حایل شد، سی روز را (چه شعبان باشد چه رمضان) کامل کنید. و در روایت دیگر اگر ابری حایل شد ایام شعبان را سی روز کامل بگیرید. و در روایت دیگر ابری حایل شد، سی روز روزه بگیرید.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ السَّنَةَ اثْنِي عَشْرَ شَهْرًا مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حَرَامٌ، فَذَاكَ رَجَبٌ مُفْرَدٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمُ ثَلَاثَةٌ مُتَوَالِيَاتٌ، أَلَا وَ هَذَا الشَّهْرُ الْمَفْرُوضُ رَمَضَانَ، فَصُومُوا لِرُؤُوسِهِ وَ أَفْطِرُوا لِرُؤُوسِهِ فَإِذَا خَفِيَ الشَّهْرُ فَأَتَمُّوا الْعِدَّةَ شَعْبَانَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، وَ صُومُوا الْوَاحِدَ وَ ثَلَاثِينَ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا سال دوازده ماه است که چهار ماه آن، ماه حرام است، پس آنما ههای حرام، عبارتند از ماه رجب بتنهائی، و ماههای ذوالقعدة و ذوالحجة و محرّم سه ماه پشت سرهم، آگاه باشید و ماهی که روزه آن واجب شده بنام رمضان است، پس با دیدن هلال (رمضان) روزه بگیرید و با دیدن هلال (شؤال) افطار کنید، پس هرگاه ماه رمضان مخفی شد، پس عده شعبان را سی روز تمام کنید، و در روز سی و یکم (به حساب رمضان) روزه بگیرید.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الشُّهُورُ شَهْرٌ كَذَا وَقَالَ: بِأَصَابِعِ يَدَيْهِ جَمِيعًا فَبَسَطَ أَصَابِعَهُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَا، وَ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَا فَقَبَضَ إِلَيْهَا مَ وَ صَمَّهَا (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ماه ها را ماهی است چنین و با تمام انگشتان دست خود که آنها را باز نموده بود سه مرتبه اشاره فرمود اینچنین و اینچنین (یعنی، سی روز) و (سپس سه مرتبه با انگشتان اشاره فرمود) اینچنین و اینچنین و اینچنین (در حالیکه در ایندفعه، در مرتبه سوم) انگشت ابهام را جمع نموده و بدست خود چسبانیده بود (یعنی ۲۹ روز که بعضی ماهها ناقص و بیست و نه روز است).

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۸۵  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۹۲ و ۱۸۹

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الشَّهْرُ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا، وَأَشَارَ بِيَدَيْهِ عَشْرًا وَعَشْرًا وَعَشْرًا، وَهَكَذَا وَهَكَذَا وَعَشْرَةَ وَعَشْرَةَ وَتِسْعَةً (۱) مضمون این حدیث همان حدیث قبل است .

۵- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: صُمْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) تِسْعَةَ وَعِشْرِينَ وَكَمْ نَقِضِهِ وَرَأَهُ تَامًا (۲)

یعنی، از علی ۳ روایت شده که فرمود: با رسول خدا (ص) ۲۹ روز روزه گرفتیم و قضای بجای آوردیم و رسول خدا (ص) آنرا تام و تمام دید (یعنی هرگاه

ماه بیست و نه روز باشد، باید ۲۹ روز، روزه گرفت) .

۶- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّا أُمَّةٌ أَمِينَةٌ لَأَنْكُتَبَ وَلَا نَحْسَبُ . الشَّهْرُ هَكَذَا وَ هَكَذَا ، يَعْني مَرَّةً تِسْعَةً وَعِشْرِينَ وَ مَرَّةً ثَلَاثِينَ (۳)

یعنی، ابن عمر روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: ما امتی هستیم بی سواد نه کتابت داریم و نه حساب (و خدا ما را مکلف نکرده به حساب و کتاب نجومی، بلکه نماز و روزه ما را در اوقات و امور واضح قرار داده، برای نماز دیدن خورشید و برای روزه دیدن ماه)، ماه اینچنین است و اینچنین، یعنی گاهی ۲۹ روز است و گاهی سی روز .

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَدَّقَ كَاهِنًا أَوْ مُنْجِمًا فَهُوَ كَافِرٌ يَمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه کاهن و یا منجم را تصدیق کند، او به آنچه بر محمد نازل شده کافر است . (مؤلف گوید: این حدیث خالی از اشکال نیست . و خدا در قرآن فرموده: وَيَاللَّجِمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (۵) .

۸- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) آتَى مِنْ نِسَائِهِ شَهْرًا فَلَمَّا مَضَى تِسْعَةَ وَعِشْرُونَ يَوْمًا عَدَا أَوْ رَاحَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّكَ حَلَفْتَ أَنْ تَدْخُلَ شَهْرًا، فَقَالَ: إِنَّ الشَّهْرَ يَكُونُ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۸۷ و ۱۹۲ و ۱۹۳ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۹۳ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۴ و ۵۵ .

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱۵ .

(۵) قرآن / سوره نحل / آیه ۱۶ .

یَوْمًا (۱)!

یعنی، روایت کرده ام سلمه که رسول خدا (ص) قسم خورد از زنان خود یکماه جدا شود، پس چون ۲۹ روز گذشت صبح و یا شب بر ایشان وارد شد، به او عرض شد که شما قسم خوردید که یکماه وارد نشوید؟ فرمود که: یکماه ۲۹ می شود.

۹- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص) شَهْرًا عِيدًا لِأَيُّنْقِصَانِ : رَمَضَانَ وَ ذُو الْحِجَّةِ (۲)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: دو ماه که دارای عید است ناقص نمی شود ماه رمضان و ذیحجه. (و در کتاب وسائل نیز وارد شده که رمضان ناقص نمی شود (۳). ولی باید گفت: مقصود این است که این دو ماه در یکسال هر دو ناقص نمی شوند که اگر یکی ناقص شد دیگری کامل گردد و یا مقصود نقصان ثواب آنها است که ثواب آنها کم نمی شود و یا اینکه مراد آنست که هر یک از این دو در ثواب کمتر از دیگری نیست، زیرا در یکی از اینها صوم است و در دیگری حج است).

## ۶- باب ما جاء في الشهادة على رؤية الهلال

۱- ج عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْحَارِثِ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُكُمْ ثُمَّ قَالَ: عَهْدَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ نَنْسَكَ لِلرُّؤْيِ، فَإِنْ لَمْ نَرَهُ وَ شَهِدْ شَاهِدًا عَدْلًا نَسَكْنَا بِشَهَادَتِهِمَا (۴)!

یعنی، از حسین بن حارث روایت شده که گفت: خطیب و امیر مکه (در کتاب تاج گوید امیر مکه عبدالله بن عمر بوده است) خطبه خواند و گفت: رسول خدا (ص) با ما قرار گذاشت که عبادتها (مانند روزه و حج) را با رؤیت و هنگام آن انجام دهیم، پس اگر ما را ندیدیم و دو شاهد عادل شهادت دادند به شهادت آنان مناسک را عمل کنیم.

۲- ش قَضَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِشَهَادَةِ الْوَاجِدِ وَالْيَمِينِ فِي

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۵
- (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۵
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۱۹۶ و ۱۹۷
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۵

الدِّينِ، وَ أَمَّا الْهِلَالُ فَلَا إِلَٰشَاهِدِي عَدَلٍ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) در قرض و دیون حکم و مقرر نمود به شهادت یک نفر و قسم، ولی راجع به هلال حکم نکرد مگر به شهادت دو نفر عادل.  
 ۳- ج عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: اخْتَلَفَ النَّاسُ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ رَمَضَانَ فَقَدِمَ أَعْرَابِيٌّ فِي شَهَادَةِ عِنْدَ النَّبِيِّ (ص) يَا لَلَّهِ لَاهِلًا الْهِلَالُ أَمْسَ عَشِيَّةً، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاسَ أَنْ يَفْطُرُوا وَ أَنْ يَخْدُوا إِلَى مُصَلَّاهُمْ (۲)!

یعنی، روایت شده از مردی از اصحاب رسول خدا (ص) که گفت در آخرین روز ماه رمضان اختلاف شد، پس دو نفر عرب بیابانی آمدند و نزد رسول خدا (ص) شهادت دادند که ماه را بشکل هلال در شب گذشته دیده‌اند، پس رسول خدا (ص) به مردم امر فرمود که (آنروز را) افطار کنند و صبح (روز بعد) به مُصَلَّى (برای نماز عید) بروند.  
 ۴- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: تَرَاءَى النَّاسُ الْهِلَالَ، فَأَخْبَرَتْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَنِّي رَأَيْتُهُ، فَصَامَ وَ أَمَرَ النَّاسَ بِصِيَامِهِ (۳)!

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: مردم با یکدیگر از دیده شدن ماه گفتگو می‌کردند (مثلاً بهم می‌گفتند شنیده شده که ماه را بعضی دیده‌اند، ولی کسی مدعی نبود که خود او ماه را دیده است). پس رسول خدا (ص) را آگاه نمود که من ماه را دیده‌ام، پس آنحضرت روزه گرفت و مردم را به گرفتن روزه امر فرمود.

۵- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (ص)، فَقَالَ: إِنِّي رَأَيْتُ الْهِلَالَ، فَقَالَ: أَتَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: أَتَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: يَا لِبَلَالٍ، أَذِنَ فِي النَّاسِ فَلْيَصُومُوا! (۴)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: یک نفر اعرابی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت من ماه را دیده‌ام، رسول خدا (ص) فرمود:

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱۱.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۶ والمصنف / ج ۴ / ص ۱۶۴.  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۶.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۶ والمصنف / ج ۴ / ص ۱۶۴.

تو شہادت می‌دهی به وحدانیت خدا و نبوت رسول خدا؟ گفت: بلی، رسول خدا (ص) فرمود: ای بلال اذان بگو (یعنی در میان مردم اعلان کن) تا روزه بگیرند. در کتاب مصنف عبدالرزاق نیز مانند این دو حدیث در مورد هلال ماه سؤال ذکر شده است<sup>(۱)</sup>. (مؤلف گوید از چند حدیث فوق بسیاری از فقهاء نتیجه گرفته اند که با شہادت یک نفر مسلمان عادل به رؤیت هلال ماه رمضان، ماه رمضان ثابت و روزه واجب می‌گردد.)

### ۷- باب هل لكل قطر رؤية

۱- ج عَنْ كُرَيْبٍ أَنَّ أُمَّ الْفَضْلِ بِنْتَ الْحَارِثِ بَعَثَتْهُ إِلَى مَعَاوِيَةَ بِالشَّامِ قَالَ: فَقَدِمْتُ الشَّامَ فَقَضَيْتُ حَاجَتَهَا وَاسْتَهْلَ عَلَيَّ رَمَضَانَ وَأَنَا بِالشَّامِ، فَرَأَيْتُ الْهِلَالَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ فَسَأَلَنِي ابْنُ عَبَّاسٍ: مَتَى رَأَيْتُمُ الْهِلَالَ؟ فَقُلْتُ: رَأَيْنَاهُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ، قَالَ: أَنْتَ رَأَيْتَهُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ وَرَأَاهُ النَّاسُ وَصَامُوا وَصَامَ مَعَاوِيَةُ فَقَالَ: لَكُنَّا رَأَيْنَاهُ لَيْلَةَ السَّبْتِ فَلَانْزَالُ نَصُومَ حَتَّى نَكْمِلَ ثَلَاثِينَ أَوْ نَرَاهُ، فَقُلْتُ: أَوْلَا تَكْفِي بِرُؤْيِي مَعَاوِيَةَ وَصِيَامِهِ، فَقَالَ: بَلَى، هَكَذَا أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص)<sup>(۱)</sup>

یعنی، روایت شده از کرب که ام الفضل بنت الحارث او را به سوی معاویه به شام فرستاد، گوید: وارد شام شدم کار او را انجام دادم و هلال ماه رمضان بر من آشکار شد و در حالیکه در شام بودم شب جمعه ما را دیدم، سپس در آخر ماه رمضان وارد مدینه شدم، ابن عباس از من سؤال کرد؟ چه وقت ما را دیدید؟ گفتم: شب جمعه دیدیم، گفت: تو دیدی، گفتم: بلی و مردم دیدند و روزه گرفتند و معاویه روزه گرفت. ابن عباس گفت: ولیکن ما شب شنبه ما را دیده ایم، پس روزه می‌گیریم تا سی روز را تمام کنیم و یا ماه (هلال سؤال) را ببینیم، گفتم: آیا به رؤیت معاویه و روزه او اکتفاء نمی‌کنی؟ گفت: نه، این چنین رسول خدا (ص) ما را امر کرده است. (ولی باید دانست که خبر فوق خیر و احداث است و آنچه از سایر آثار و اخبار صحیح می‌توان استفاده نمود آنست که هرگاه در شهری ماه دیده شد برای سایر شهرها نیز حجت است. البته در صورتی که آن شهرها سایر شهرها در مقدار از شب مشترک باشند اگرچه زمان خیلی کمی با شد مثلاً یک ساعت.)

(۱) المصنف / ج ۴ / ص ۱۶۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۷

## ۸- باب جواز تعمّد البقاء علی الجنابة فی شهر رمضان حتى یطلع الفجر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... فَأَلَانَ بِأَشْرُوهُنَّ وَابْتَفُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكَلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ... (۱)

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُدْرِكُهُ الْفَجْرُ فِي رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ حُلْمٍ فَيَغْتَسِلُ وَيُصُومُ (۲)

یعنی، روایت شده از عایشه که گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان وارد فجر میشد در حالت جنابت بدون اینکه محتلم باشد پس غسل میکرد و روزه میگرفت.

۲- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُصْبِحُ جُنْبًا مِنْ جَمَاعٍ لِأَمِنْ حُلْمٍ ثُمَّ لَا يَفْطِرُ وَلَا يَقْضِي (۳).

یعنی، از ام سلمه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در حالت جنابت از جماع نه! ز احتلام، وارد صبح میشد سپس افطار نمی کرد و قضا نمی کرد (یعنی حکم به افطار و قضا نمینمود و روزه را صحیح می دانست).

۳- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ يُجْنِبُ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ مُتَعَمِّدًا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ (۴)

یعنی، روایت شده از حضرت صادق (ع) که گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان نماز شب را میخواند، سپس جنب میشد سپس غسل را عمداً عقب می انداخت تا طلوع فجر.

۴- ش عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَاءَ (ع) عَنْ رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جُنَابَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَامَ عَمْدًا حَتَّى يُصْبِحَ أَيُّ شَيْءٍ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لَا يَضُرُّهُ هَذَا وَ لَا يَفْطِرُ وَ لَا يَبَالِي، فَإِنَّ أَبِي (ع) قَالَ: قَالَ:

(۱) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۸۲.

(۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۱ و ۷۲ والمصنف / ج ۴ / ص ۱۸۰ و

مسند الامام زید / ص ۲۰۷.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۴۴.

کتاب الصَّیام (باب تعمُّد البقاء علی الجنابة حتّی یطلع الفجر) ۱۰۰۱

عَائِشَةُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَصْبَحَ جُنُبًا مِنْ جَمَاعٍ غَيْرِ احْتِلَامٍ، قَالَ: لَا يَفْطِرُ وَلَا يَبَالِي. وَرَجُلٌ أَصَابَتْهُ جُنَابَةٌ فَبَقِيَ نَائِمًا حَتَّى يَبْصُحَ أَى شَيْءٍ يَجِبُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: لِأَشْيءٍ عَلَيْهِ يَغْتَسِلُ (۱)

یعنی، اسماعیل بن عیسی گوید: از حضرت رضا سؤال نمودم در مورد مردی که در ماه رمضان بها و جنابت برسد پس عمداً بخوابد تا صبح شود چه چیزی براوست؟ حضرت فرمود: ضرری بها و روزهاش نداشته و موجب افطار نباشد و باکی نیست، زیرا پدرم موسی بن جعفر روایت کرده که عایشه گفت: رسول خدا (ص) وارد صبح شد از جماع بدون احتلام و فرمود: موجب افطار نیست و گناهی نباشد. (و همچنین راوی سؤال می‌کند) از مردی که بها و جنابت برسد پس بحال جنابت تا صبح در خواب بماند (و بول و استبراء نکند) چه چیزی براو واجب است؟ فرمود: چیزی براو نیست و غسل کند.

۵- ش عَنْ الصَّادِقِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُجَامِعُ نِسَاءَهُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ (۲).

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چنین بود که با زنان شب جماع میکرد، سپس غسل را تا طلوع فجر بعقب می‌انداخت.

(مؤلف گوید: قول خدا یتعالی که می‌فرماید: «أَجَلَ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ» (۳) آمیزش با زنان تا در شبهای روزه بر شما حلال است، دلالت دارد بر مباح بودن آمیزش در شبهای مبارک هر چند لحظاتی قبل از طلوع فجر باشد. و همچنین مؤید این مطلب است قول خدا که فرموده: «فَالآنَ بَاشِرُوهُمْ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...» (۴) پس اکنون با زنان مباشرت کنید و آنچه خدا برای شما مقرر نموده (از رحمت او ولذات مشروع) بهره‌برید و (نیز) بخورید و بیاشامید تا آن زمان که رشته سپید صبح از رشته سیاه شب ظاهر شود...»

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹ و مسندا لاما مزید / ص ۲۰۷

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸ و ۳۹

(۳) و (۴) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۸۷

بنا بر این هرگاه کسی در شب ماه رمضان جنب شود و عمداً بآن حال تا صبح بماند، روزه‌اش باطل نبوده و صحیح است، زیرا شرط صحّت روزه‌اش غسل نیست بلکه غسل برای نماز اوست و او برای نماز صبح غسل خواهد نمود. چنانکه هرگاه کسی در ظهر روز ماه رمضان محتلم شود، روزه‌اش باطل نیست و فاسد نمی‌گردد. بنا بر این آنچه ما می‌گوییم که هرگاه روزه‌گیر عمداً با حال جنابت وارد صبح شود، روزه‌اش باطل است، سخنی بی‌دلیل است و حتی خود اخبار ایشان متناقض است.

و در اینجا باید گفت: ادّعی‌ای که ما می‌گوییم که سنّت پیغمبر (ص) فقط باید از طریق امامان شیعه شناخته شود، سخن و ادّعی‌ای عاری از حقیقت و با ادلّه‌ی زیادی مردود است. اکثر اخبار فروعی که از ائمّه امامیه رسیده، از همان راویان ضعیف و کذاب است که در عقاید و اصول آنها مطالب متناقض و خلاف قرآن ساخته و پرداخته‌اند. و ما در این مورد در کتاب «عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول» توضیح کافی داده‌ایم. و بعلاوه از خود امامان شیعه آثار و اخباری رسیده که می‌گفتند وظیفه ما اینست که از قرآن و سنّت نقل کنیم و سخنان ما نباید برخلاف قرآن و سنّت باشد و می‌گفتند بر ما دروغها بسته‌اند، و حتی دستور اُکید در این مورد می‌دادند که گفتارشان با قرآن و سنّت سنجیده شود و هرگاه مخالف با ایندو بود قبول نشود، که بر طبق این دستور، باید قرآن و سنّت رسول (ص) بدون احتیاج به سخن ائمّه قابل فهم باشد تا بتوان سخنان ائمّه را با آنها سنجید. مثلاً چنانکه در کتاب بحار الانوار آمده حضرت رضا (ع) می‌فرماید: إِنَّ أَبَا الْخَطَّابِ كَذَّبَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، لَعَنَ اللَّهُ أَبَا الْخَطَّابِ، وَكَذَلِكَ أَصْحَابُ أَبِي الْخَطَّابِ يَدُسُّونَ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ إِلَيَّ يَوْمِنَا هَذَا فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَلَاتَقْبَلُوا عَلَيْنَا خِلَافَ الْقُرْآنِ فَإِنَّا إِن تَحَدَّثْنَا حَدَّثْنَا بِمُؤَافَقَةِ الْقُرْآنِ وَ مُؤَافَقَةِ السُّنَّةِ، إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَعَنْ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ (۱) و یا حضرت صادق (ع) می‌فرمود: كَانَ الْمَغِيرَةُ بْنُ سَعِيدٍ يَتَعَمَّدُ الْكِذْبَ عَلَيَّ أَبِي وَ يَأْخُذُ كُتُبَ أَصْحَابِهِ



وَ كَانَ أَصْحَابُهُ الْمُسْتَتِرُونَ بِأَصْحَابِ أَبِي يَأْخُذُونَ الْكُتُبَ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي  
فَيُدْفَعُونَهَا إِلَى الْمَغْبِرَةِ فَكَانَ يَدُسُّ فِيهَا الْكُفْرَ وَالزُّنُوقَةَ وَ  
يَسْنِدُهَا إِلَى أَبِي ۴، ثُمَّ يَدْفَعُهَا إِلَى أَصْحَابِهِ فَيَأْمُرُهُمْ أَنْ يَبْشُوهَا  
فِي الشَّيْعَةِ (۱) و نیز میفرمود: إِنَّ الْمَغْبِرَةَ بَنَ سَعِيدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ دَسَّ  
فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدِثْ بِهَا أَبِي ۴، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ  
لَا تَقْبَلُوا عَلَيْنَا مَا خَالَفَ قَوْلَ رَبِّنَا تَعَالَى وَ سَنَّهُ نَبِينَا مُحَمَّدٌ (ص)  
فَإِنَّا إِذَا حَدَّثْنَا قُلْنَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (۲).

طبق این احادیث و مانند آن باید قرآن و سنت رسول، خارج از اخبار  
اثمه روشن باشد، تا بتوان اخبار ائمه را با آنها سنجید. و البته  
کسانی که حدیث جعل می‌کردند بسیارند که نام عده‌ای از ایشان در  
کتاب رجال و حدیث مضبوط است. و علت جعل حدیث اکثراً برای جلب  
مادیات بوده است. چنانکه حضرت باقر ۴ می‌فرماید: يُحَدِّثُونَ وَ  
بِرُؤُوسِ عَنَّا مَا لَمْ نَقُلْ، تَهْجِينَا مِنْهُمْ لَنَا، وَ كَذِبًا مِنْهُمْ عَلَيْنَا، وَ  
تَقْرَبًا إِلَى وُلَاتِهِمْ وَ قَضَائِهِمْ بِالزُّورِ وَ الْكُذْبِ (۳) و البته جعل حدیث  
علل دیگر نیز داشته است. شهید ثانی در کتاب درایه الحدیث  
آورده که یک صوفی آبادانی را که احادیث بسیاری جعل و در آنها  
برای آیات و سوره قرآنی ثوابهای عجیب و غریب تراشیده و بین  
مردم منتشر نموده است، پس از جستجو پیدا می‌کند، و چون علت این  
امر را از آن کذاب استفسار می‌شود؟ او در جواب می‌گوید: این  
دروغها را برای این ساختم تا مردم را به طرف قرآن سوق دهم و  
قرآن مهجور نماند. آری این جعلین برای کردار زشت خود هر  
توجیهی را روا و بلکه جواب از پیش ساخته داشتند. و همچنین  
مُرْتَزِقَه کسانی بودند که دین را دکان نان قرار داده و با جعل  
حدیث و گول زدن عوام امرار معاش می‌نمودند. و هر کس بخواهد از  
علل گوناگون جعل حدیث مطلع شود باید به کتب مربوطه در این باره  
مراجعه کند، و ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. و البته این جعل  
حدیث، چنانکه حضرت امیر ۴ نیز فرموده از زمان خود پیغمبر شروع شد (۴).

(۱) و (۲) بحار الانوار / ج ۲ / ص ۲۵۰

(۳) بحار الانوار / ج ۲ / ص ۲۱۸

(۴) نهج البلاغه / خطبه ۲۰۱

## ۹- باب وجوب نية الصيام من الليل في الفرض

### دون النفل

۱- ج عَنْ حَفْصَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ لَمْ يُجْمِعِ الصِّيَامَ قَبْلَ الْفَجْرِ فَلَا صِيَامَ لَهُ (۱)!

یعنی، از حفصه همسر رسول خدا (ص) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرکس قبل از فجر برای روزه گرفتن تصمیم نگیرد، پس روزه‌ای برای او نیست.

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيُّ (ص) ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ: هَلْ عِنْدَكُمْ شَيْءٌ؟ قُلْنَا: بَلَا، قَالَ: فَإِنِّي إِذْنٌ مَا نَمُّ، ثُمَّ أَتَانَا يَوْمًا آخَرَ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَهْدِي لَنَا حَيْسَ، فَقَالَ: أُرِيْنِيهِ فَلَقَدْ أَصْبَحْتُ مَا نَمًّا فَأَكَلْتُ (۲)!

یعنی، از عایشه روایت شده که رسول خدا (ص) روزی بر من وارد شد و فرمود: نزد شما چیزی هست؟ گفتیم: نه، فرمود: پس من در اینوقت روزه می‌گیرم. سپس روز دیگر آمد، ما گفتیم: یا رسول الله برای ما هدیه‌ای آورده شده بنام حیس، فرمود: بیاور ببینم که من وارد صبح شده‌ام در حال روزه، پس میل فرمود. (حیس طعامی است که از خرما و روغن و کشک و آرد بعمل می‌آورند).

## ۱۰- باب الحث على السحور و تأخيره

۱- ج عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: تَسَحَّرُوا فَإِنَّ السُّحُورَ بَرَكَةٌ (۳)!

یعنی، روایت شده از انس که رسول خدا (ص) فرمود: سحری بخورید زیرا که در خوردن سحر برکتی است.

۲- ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فَصَلْ مَا بَيْنَ صِيَامِنَا وَ صِيَامِ أَهْلِ الْكِتَابِ أَكْلَةُ السَّحْرِ (۴).

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۸  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۲۷ و ۲۲۸ و مسند الامام زید / ص ۲۵۴  
(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۸ و ۵۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۲۹ و مسند الامام زید / ص ۲۵۴

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: فرق بین روزۀ ما و روزۀ اهل کتاب سحر خوردن است.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): السَّحُورُ بَرَكَةٌ (۱). وَ قَالَ (ص): لَا تَدْعُ أُمَّتِي السَّحُورَ وَ لَوْ عَلَي حَشْفٍ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خوردن سحر برکت است، و فرمود: اتمم سحری را ترک نکند و اگر چه به خوردن خرما ی پستی باشد.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ مَلَائِكَتَهُ يَمْلُونَ عَلَي الْمُتَسَحِّرِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَلَوْ شَرِبَ مِنْ مَاءٍ (۳).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که خدای تبارک و تعالی و فرشتگان او طلب مغفرت می کنند برای سحر خوران و برای استغفار کنندگان و آمرزش خواهان بسحرها، پس باید سحری بخورید و اگر چه به شربت آبی باشد. و در روایت دیگر فرمود: تَسَحَّرُوا وَ لَوْ بِجُرْعِ الْمَاءِ أَلَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَي الْمُتَسَحِّرِينَ (۴). یعنی سحری بخورید و اگر چه به جرعه هائی از آب باشد، آگاه باشید صلوات خدا بر سحر خوران است.

۵- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: تَسَحَّرْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) ثُمَّ قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ (۵) وَ فِي رَوَايَةٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَيكُمْ بِغَدَاءِ السَّحُورِ فَإِنَّهُ هُوَ الْغَدَاءُ الْمُبَارَكُ (۶).

یعنی، روایت شده از زید بن ثابت که گفت: با رسول خدا (ص) سحری خوردیم سپس حضرت حرکت کرد برای قیام به نماز (یعنی، خوردن سحری هر چه نزدیکتر به طلوع فجر باشد بهتر است). و در روایت دیگری پیغمبر فرمود: بر شما باد به خوردن سحر که خوردن مبارکی است.

۶- ج وَ فِي رَوَايَةٍ قَالَ النَّبِيُّ (ص): اسْتَعِينُوا بِطَعَامِ السَّحْرِ عَلَي صِيَامِ النَّهَارِ وَ بِالْقِيلُولِ عَلَي قِيَامِ اللَّيْلِ (۷).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۳
- (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۳
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۴ و ۱۰۵ و مسند امام زید / ص ۲۰۴
- (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۴
- (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۳۰
- (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹
- (۷) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹ و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۴ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۲۹

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: به طعام سحر یاری بجوئید برروزه روز و به خواب قیلو لسه یاری بجوئید بر قیام و عبادت در شب. (منظور از خواب قیلو لسه، خواب نیمروز است که قبل از نماز عصر و پس از نماز ظهر و یا قبل از وقت نماز ظهر انجام می‌شود).

۷- ج قال النبی (ص) یعم سحور المؤمن التمر (۱).

سحری خوردن مؤمن از خرما خوب است.

۸- ش أفضل السحور التمر و السویق لموضع استعمال رسول الله (ص) ذلك فی سحوره (۲).

یعنی، افضل و بهترین خوراک سحری، خرما و سویق است زیرا رسول خدا (ص) هنگام سحری خوردن از آن استفاده مینمود.

## ۱۱- باب تعجیل الافطار و ما يستحب أن يفطر عليه

۱- ج قال النبی (ص): لأیزال الناس یخیر ما عجلوا الفطر (۳) و فی روایة: لأیزال الدین ظاهراً ما عجل الناس الفطر، لأن اليهود و النصارى یؤخرونه (۴). و فی روایة: قال الله عزوجل أحب عبادی الیّ أَعْجَلَهُمْ فِطْرًا (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همواره مردم به راه خیرند مادامیکه در خوردن افطار عجله کنند. و در روایتی: همواره دین ظاهراًست مادامیکه مردم به افطار عجله کنند زیرا یهود و نصاری تأخیر می‌اندازند. و در روایتی: خدای عزوجل فرموده بهترین بندگان نزد من آنستکه زودتر افطار کنند.

۲- ج عن عائشة قالت: كان رسول الله (ص) یعجل الإفطار و الصلاة (۶).

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در افطار و نماز (مغرب) تعجیل مینمود (و آنها را جلو می‌انداخت که اول وقت باشد).

(۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۵.

(۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۲۶.

(۴) و (۵) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹.

(۶) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۵۹ و ۶۰.

۳- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُفِطِرُ عَلَى الْأَسْوَدَيْنِ: التَّمْرِ وَالْمَاءِ وَالزَّبِيبِ وَالْمَاءِ وَيَتَسَحَّرُ بِهِمَا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) افطار مینمود بردو چیز سیاه: خرما و آب و یا زبیب و آب، و همچنین با این دو سحری میخورد.

۴- ج عَنْ سَلْمَانَ بْنِ عَامِرٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا أَفْطَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيُفِطِرْ عَلَى تَمْرٍ فَإِنَّهُ بَرَكَةٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيُفِطِرْ عَلَى مَاءٍ فَإِنَّهُ طَهُورٌ<sup>(۲)</sup>!

یعنی، از سلمان بن عامر روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: هرگاه یکی از شما خواست افطار کند بر خرما افطار کند که برکت است و هر کس نیافت افطار کند بر آب که پاک کننده است.

۵- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَوَّلَ مَا يُفِطِرُ عَلَيْهِ فِي زَمَنِ الرُّطْبِ الرُّطْبُ وَفِي زَمَنِ التَّمْرِ التَّمْرُ<sup>(۳)</sup>. وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا صَامَ فَلَمْ يَجِدِ الْحَلْوَةَ أَفْطَرَ عَلَى الْمَاءِ<sup>(۴)</sup>! وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُفِطِرُ عَلَى التَّمْرِ، وَكَانَ إِذَا وَجَدَ السُّكَّرَ أَفْطَرَ عَلَيْهِ<sup>(۵)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) چنین بود که اول چیزی که با آن افطار مینمود در زمان رطب، رطب بود، و در زمان خرما، خرما، و در روایتی: چون روزه میگرفت و چیزی از شیرینی برای افطار نداشت با آب افطار مینمود. و در روایتی پیغمبر (ص) با خرما افطار مینمود، و هرگاه شکر می یافت با آن افطار میکرد.

۶- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحَلْوٍ يُفِطِرُ عَلَيْهَا فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فُسْكُرًا أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِنْ أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَإِنَّهُ وَكَانَ يَقُولُ: يُنَقِّي الْمَعِدَةَ وَالْكَبِدَ وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَالْفَمَ وَيَقْوِي الْحَدَقَ وَيَجْلُو النَّاطِرَ وَيَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا، وَيَسْكِنُ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَالْمِرَّةَ الْغَالِيَةَ وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ وَيَذْهَبُ بِالصَّدَأِ ع<sup>(۶)</sup>!

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۵ و ۱۱۴ و ۱۱۵.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۰ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۲۴.  
 (۳) و (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۲ و ۱۱۳.  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۵.  
 (۶) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۳.

یعنی، رسول خدا (ص) چون افطار میکرد به شربینی افطار مینمود، و اگر نمی یافت به شکر و چند عدد خرما، و اگر همه اینها را نمی یافت با آب ملایم، و می فرمود: معده را تنقیه می کند و کبد را پاک می گرداند و بوی دهان را پاکیزه می گرداند و حدقه را قوت می دهد و دید را جلا می بخشد و گناهان را شستشو می نماید و رگهای تند را ساکن می گرداند و سودا را می نشاند و بلغم را قطع می کند و حرارت معده را خاموش نماید و درد سر را زایل می گرداند.

۷- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُفِطِرُ عَلَيَّ رُطَبَاتٍ قَبْلَ أَنْ يَصَلِّيَ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ رُطَبَاتٍ فَعَلَى تَمْرَاتٍ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ حَسَا حَسَوَاتٍ مِنْ مَاءٍ (۱)

یعنی از انس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) قبل از نماز برچند رطب افطار مینمود و اگر نبود برچند خرما، و اگر نبود چند جرعه از آب می نوشید. (بنا بر این کسیکه بخواهد فضیلت تعجیل افطار و نماز را درک کند باید ابتدا مقدار کمی آب و خرما و مانند آن تناول کند و پس از آن نماز مغرب را خوانده، سپس به غذا خوردن مشغول شود).

۸- ج كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُفِطِرُ فِي الشَّاءِ عَلَى تَمْرَاتٍ، وَ فِي الصَّيْفِ عَلَى الْمَاءِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) در زمستان برچند خرما افطار مینمود و در تابستان بر آب.

## ۱۲- باب الدعاء عند الافطار

۱- ج وَش عَنْ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: ذَهَبَ الظَّمَاءُ وَ ابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ وَ ثَبَتَ الْأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۳).

یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) هنگامی که به افطار می پرداخت، می فرمود: تشنگی رفت و رگها تازه شد و اجر ما ندادن شاء الله.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۰

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۰ و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۶

۲- ج وش كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ عَلٰی رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ (۱).

یعنی، پیغمبر (ص) هرگاه افطار مینمود، میگفت: خدایا برای تو روزه گرفتم و بررزق تو افطار کردم. و در روایت دیگر آمده که میگفت: اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنا وَ عَلٰی رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا (۲). و در روایت دیگر میگفت: بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ عَلٰی رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ (۳).

۳- ج عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الزُّبَيْرِ قَالَ: أَفْطَرَ رَسُولُ اللّٰهِ (ص) عِنْدَ سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ، فَقَالَ: أَفْطَرَ عِنْدَكُمْ الصَّائِمُونَ وَ أَكَلْتُ طَعَامَكُمْ الْاَبْرَارُ وَ صَلَّيْتُ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ (۴).

یعنی، رسول خدا (ص) نزد سَعْدِ بْنِ مُعَاذٍ (ره) افطار نمود و فرمود: نزد شما روزه داران افطار نمودند و طعام شما را نیکان خوردند و فرشتگان برای شما طلب رحمت کردند.

۴- ش عَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ أَفْطَرَ عَلٰی تَمْرِ حَلَالٍ زَيْدٍ فِي صَلَاتِهِ (۵).

یعنی، از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: هرکس با خرماي حلال افطار کند در نماز او افزوده شود.

### ۱۳- باب التَّحْفِظِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَ اللَّغْوِ فِي رَمَضَانَ

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّوْرِ وَ الْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلّٰهِ حَاجَةٌ فِي أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ (۶).

یعنی، از ابی هریره روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه قول زور و کردار زور را رها نکند، خدا حاجتی به روزه گرفتن او ندارد که ترک طعام و شراب کند.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۰  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۶ و مسندا لاما مزید / ص ۲۰۵  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۱ و ۶۰  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۱  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۵  
 (۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۱

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَإِنْ كَانَ عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَفْتَبْ مُسْلِمًا (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: روزه دار در عبادتست و اگر چه بالای رختخواب خود باشد مادامیکه مسلمانی را غیبت نکند.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ أَلَّهَ كَرَهُ لِي سِتُّ خِصَالٍ مِنْهَا الرَّفْتُ فِي الصَّوْمِ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: خدا برای من شش خصلت را ناپسند قرار داده از آن جمله بدگویی در حال روزه است.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنِ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نَقَضَ وُضُوءَهُ فَإِنْ مَاتَ وَهُوَ كَذَلِكَ مَاتَ وَهُوَ مُسْتَحِلٌّ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس از برادر مسلمانش غیبت کند روزه او باطل و وضوی او شکسته است، پس اگر در چنین حالی بمیرد مرده درحالیکه حرام خدا را حلال شمرده است (مؤلف گوید: این حکم کسی است که غیبت مسلمان را حلال بداند ولی اگر حرام شمرد نمیتوان حکم به بطلان روزه و وضوی او کرد. بلکه روزه او کم ثواب و یا غیرمقبول است).

۵- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ، قَالَ: يَا عَلِيُّ احْذَرِ الْغَيْبَةَ وَ النَّمِيمَةَ، فَإِنَّ الْغَيْبَةَ تَفْطِرُ وَ النَّمِيمَةَ تَوْجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ (۴).

یعنی، از جمله وصیت پیغمبر (ص) به علی این بود که فرمود: یا علی از غیبت و نمایی یعنی سخن چینی و جاسوسی حذر کن زیرا غیبت روزه را می شکند و نمایی موجب عذاب قبر است.

ع ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۴ قَالَ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) امْرَأَةً تَسُبُّ جَارِيَةً لَهَا وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِطَعَامٍ، فَقَالَ لَهَا: كَلِّي، فَقَالَتْ: إِنِّي صَائِمَةٌ، فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَقَدْ سَبَبْتِ جَارِيَتِكَ، إِنْ أَلَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَقَطْ (۵)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۹۸ و ۲۹۱.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۲.

(۳) و (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱.

(۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۷.



یعنی، حضرت صادق (ع) گفت: رسول خدا (ص) شنید که زنی کنیز خود را بدمی گوید در حالیکه روزه است، رسول خدا (ص) طعامی را احضار کرد و بها و فرمود: بخور، عرض کرد: من صائم هستم، فرمود: چگونه صائمی در حالیکه سب کردی کنیز خود را، محققاً روزه از طعام و آب فقط نیست.

۷- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا أَصَحَّ أَحَدُكُمْ يَوْمًا صَائِمًا فَلَا يَرْفُتْ وَلَا يَجْهَلُ فَإِنْ أَمْرًا شَاتَمَهُ أَوْ قَاتَلَهُ، فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ إِنِّي صَائِمٌ!<sup>(۱)</sup>

یعنی از ابی هریره روایت شده از پیغمبر (ص) که فرمود: چون یکی از شما روزی را در حال روزه صبح کرد، باید بدگوئی نکند و جهالت پیشه خود نسازد و اگر کسی بها و فحش داد و یا در مقام جنگ با او برآمد، بگوید من روزه ام، من روزه ام.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يُشْتَمُ فَيَقُولُ سَلَامٌ عَلَيْكَ لِأَشْتَمَكَ كَمَا تَشْتَمُنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ أَجْرْتَهُ مِنَ النَّارِ! وَ فِي رِوَايَةٍ: وَ أَدْخَلُوهُ جَنَّتِي<sup>(۲)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر بنده صائمی که بها و فحش دهند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكَ من فحش به تو نمی دهم چنانکه تو مرا فحش دادی، خدای تَبَارَكَ وَتَعَالَى فرماید: پناه برد بنده ام بواسطه روزه از شر بنده ام، بتحقیق او را از آتش پناه دادم. و در روایتی فرماید: او را وارد بهشت کنید.

۹- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: رَبِّ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ، وَ رَبِّ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، از ابی هریره از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: چه بسیار است روزه داری که برای او از روزه بهره ای جز گرسنگی نیست. و چه بسیار است کسی که از قیام در شب، نصیبی جز بیداری ندارد.

- 
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۱  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۰  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۱  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۱

## ۱۴-باب السَّوَاكِ وَالْمُضْمَضَةِ وَالِاسْتِنْشَاقِ

## لِلصَّائِمِ

۱- ج عَنْ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ، قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَسْتَاكُ وَهُوَ طَائِمٌ مَا لِأَعْدُوٍّ وَلَا أَحْيِيٍّ (۱)

یعنی، از عامر بن ربیعہ روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) را بطور مکرر که عدد و شماره آنرا ندارم دیدم که در حال روزه مسواک میکرد.

۲- ج عَنْ لَقِيطِ بْنِ صَبْرَةَ قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنِ الْوُضُوءِ قَالَ: أَسْبِغِ الْوُضُوءَ وَخَلِّ بَيْنَ الْأَصَابِعِ وَبَالِغِ فِي الْإِسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ طَائِمًا (۲)

یعنی، از لقیط بن صبره روایت شده که گفت به رسول خدا (ص) گفتیم مرا از وضو خبرده؟ فرمود: وضو را شاداب کن و بین انگشتان را آب برسان و در استنشاق مبالغه کن مگر آنکه روزه دار باشی. (یعنی هرگاه روزه بودی درمضمضه و استنشاق زیاده روی و مبالغه ممکن).

## ۱۵-باب المباشرة والقبة للصائم

۱- ش سُئِلَ النَّبِيُّ (ص) عَنِ الرَّجُلِ يُقَبِّلُ الْمَرْأَةَ وَهُوَ طَائِمٌ؟ قَالَ: هَلْ هِيَ إِلَّا الرِّيحَانَةُ يَشْمُمُهَا (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) سؤال شد از مردی که در حال روزه زنش را می بوسد؟ فرمود: آیا آن زن جز شاخه ریحانی است که آنرا می بوید.

۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) عَنِ الْمُبَاشَرَةِ لِلصَّائِمِ فَرَخَّصَ لَهُ. وَأَتَاهُ آخَرُ فَسَأَلَهُ فَنَهَاهُ، فَإِذَا الَّذِي رَخَّصَ لَهُ شَيْخٌ وَالَّذِي نَهَاهُ شَابٌّ (۴)

یعنی، روایت شده از ابی هریره که مردی از رسول خدا (ص) از مباشرت (بازن) سؤال کرد برای روزه دار (یعنی از بوسیدن زن خود و یا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۲ والمصنف / ج ۴ / ص ۱۹۹ و ۲۰۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۱.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۶۹.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۰.

به بدن او دست مالیدن نه آنکه همبستر شود)؟ رسول خدا (ص) بها و اجازه داد، و دیگری سؤال کرد حضرت او را نهی نمود، و بعد معلوم شد سائل اول پیرمرد بوده و آنکه او را نهی نمود جوان بوده است:

۳- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يُقْبِلُ وَيُبَاشِرُ وَ هُوَ صَائِمٌ وَ كَانَ أَمْلَكَكُمْ لِذِيهِ (۱)

یعنی، روایت شده از عایشه که گفت: رسول خدا (ص) میبوسید و یا بدن لمس میکرد در حالیکه روز بود و او بهتراز شما بود در حفظ و اختیار خود برای انجام حاجت.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ تَأَمَّلَ خُلُقَ امْرَأَةٍ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُ حَجْمَ عِظَامِهَا مِنْ وَرَاءِ ثِيَابِهَا وَ هُوَ صَائِمٌ فَقَدْ أَفْطَرَ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه با نظر دقیق بنگرد خلقت زنی را تا اندازه ایکه اندازه استخوانهای آن زن از زیر جامه برای او معلوم گردد در حال روزه، پس همانا افطار کرده (و یا در معرض افطار قرار گرفته است، ولی با یددا نیست که صرف تأمل و نگاه روزه را باطل نمیکند).

## ۱۶- باب أنه لا بأس بالحجامة والكحل والغسل للصائم

۱- جوش إِنْ النَّبِيُّ (ص) أَحْتَجَمَ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَ أَحْتَجَمَ وَهُوَ صَائِمٌ (۳)

یعنی، همانا رسول خدا (ص) حجامت کرد در حالیکه محرم بود و حجامت نمود در حالیکه روزه بود. و در روایتی: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ أَحْتَجَمَ وَهُوَ صَائِمٌ مُحْرِمٌ (۴) یعنی، رسول خدا (ص) حجامت کرد در حالیکه روزه دار و محرم بود.

۲- ش وَج قَالَ النَّبِيُّ (ص) حِينَ رَأَى مَنْ يَحْتَجِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ: أَفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَحْجُومُ (۵)

- 
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۱ والمصنف / ج ۴ / ص ۱۹۰  
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۹۳  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۲  
 (۴) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۵۵ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۱۳  
 (۵) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۵۵ والتاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۰۹

یعنی، «هنگامیکه رسول خدا (ص) دید کسی را در ماه رمضان حجامت می‌کند، فرمود: حجامت‌کننده و حجامت‌شده افطار کردند». و از ابن عباس نقل شده که در معنای این حدیث گفت: **إِنَّمَا أَفْطَرَا لِأَنَّهُمَا تَسَاوَا وَ كَذَبَا فِي سَبِّهِمَا عَلَى النَّبِيِّ (ص)**، **لَا لِلْحِجَامَةِ (۱)**. یعنی، همانا حجامت‌کننده و حجامت‌شده افطار کردند بخاطر آنکه به یکدیگر سب کرده بودند و در سبشان به پیغمبر (ص) دروغ بسته بودند نه بخاطر حجامت.

۳- **ج قِيلَ لِأَنَسٍ: أَكُنْتُمْ تَكْرَهُونَ الْحِجَامَةَ لِلصَّائِمِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ (ص)؟ قَالَ: لَا، إِلَّا مِنْ أَجْلِ الضَّعْفِ (۲)**

یعنی، به انس گفته شد: آیا در زمان رسول خدا (ص) شما برای صائم حجامت کردن را مکروه می‌داشتید؟ گفت: نه، مگر از جهت ضعف.

۴- **ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَدْ احْتَجَمَ النَّبِيُّ (ص) وَهُوَ صَائِمٌ وَ كَانَ لَا يَرَى بَأْسًا بِالْكَحْلِ لِلصَّائِمِ (۳)**

یعنی، از حضرت باقر (ع) روایت شده که گفت: البته پیغمبر (ص) حجامت کرد در حالیکه روزه دار بود. و پیغمبر (ص) باکی به سوره کشیدن برای روزه دار نمی‌دید.

۵- **ج عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ (ص) اشْتَكَيْتَ عَيْنِي أَفَأَكْتَحِلُ وَ أَنَا صَائِمٌ؟ قَالَ: نَعَمْ (۴)**

یعنی، از انس روایت شده که گفت: مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد چشم درد گرفته آیا سوره بکشم در حالیکه من روزه دارم؟ فرمود آری.

۶- **ج اِكْتَحَلَ النَّبِيُّ (ص) فِي رَمَضَانَ وَ هُوَ صَائِمٌ (۵)**

یعنی، «رسول خدا (ص) در ماه رمضان در حالیکه روزه داشت سوره کشید». و همچنین روایت شده که اصحاب محمد (ص) سوره را برای صائم مکروه نمی‌دانستند (۶) و انس خادم پیغمبر (ص) نیز در ماه رمضان سوره می‌کشید (۷).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۵۵  
 (۲) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۲  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۵۶  
 (۴) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۲  
 (۵)، (۶) و (۷) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۳

کتاب الصّيام (باب أنه لا بأس بالحجامه والكحل والغسل للصائم) ۱۰۱۵

۷- ج قال بعض أصحاب رسول الله (ص): لقد رأيت رسول الله (ص) بالعرج يصب على رأسه الماء وهو صائم من الحر أو العطش<sup>(۱)</sup>

یعنی، بعضی از اصحاب رسول خدا (ص) گوید که: دیدم رسول خدا (ص) در قریه عرج آب بر سر خود میریخت در حالیکه روزه بود از گرما و یا از عطش.

### ۱۷- باب ماجاء فی الصائم یقی

۱- ج قال النبی (ص): لا یفطر من قاء و لامن احتلم و لامن احتجم<sup>(۲)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه قی کرد و کسیکه محتلم شد و آنکه حجامت کرده افطار نکرده اند.

۲- ج عن أبي هريرة عن النبي (ص) قال: من ذرعه القيء و هو صائم فليس عليه قضاء و إن استقاء فليقض<sup>(۳)</sup> و فی روایه: من استقاء عمداً فليقض<sup>(۴)</sup>

یعنی، از ابوهریره روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در حال روزه بی اختیار قی برا و عارض گردد قضائی برا و نیست، ولسی هرگاه خود با اختیار عمداً قی کند باید قضاء کند. (با توجه به احادیث فوق اگر کسی عمداً قی کند برا و ست که روزه اش را قضا کند چنانکه علمای اسلامی قائلند. اما بعضی، از جمله ابن مسعود گفته اند مُفْطِرٌ نیست و استدلال کرده اند به حدیث پیغمبر (ص) که فرمود: بِالْفَطْرِ مِمَّا دَخَلَ وَلَيْسَ مِمَّا خَرَجَ<sup>(۵)</sup> یعنی، شکستن روزه و افطار از چیزی است که داخل شود، نه از آنچه که خارج شود. مؤلف گوید:

- 
- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۰۶ و ۲۰۷
  - (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۱۳
  - (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۹
  - (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۹
  - (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۹

چهبسا ممکن است انسان بهنگام قی کردن، کمی از آنچه را بالامی آورد فرو دهد و بدون اختیار به شکم برگرداند. و شاید احادیث نهی از قی کردن عمدی و تحذیر از آن ناظر به همین معنا باشد. و البتّه در مورد قی کردن غیر عمد نیز انسان باید مواظب باشد تا چیزی از آنچه را بالامی آورد، عمداً و با اختیار به داخل برگرداند و فرو نبرد. و إلاّ روزه خود را باطل نموده است.

## ۱۸- باب من أفطر فی غیر رخصة و من أكل او شرب ناسياً

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ رَمَضَانَ فِي غَيْرِ رِخْصَةٍ رَخَّصَهَا اللَّهُ لَهُ لَمْ يَقْضِ عَنْهُ صِيَامُ الدَّهْرِ وَإِنْ صَامَهُ (۱)

یعنی، از ابی هریره روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: کسیکه یکروز از ماه رمضان را بدون رخصت الهی افطار کند، جبران آنرا نمی‌کند روزه روزگار و اگرچه روزگاری روزه گیرد.

۲- ج وَ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ نَسِيَ وَ هُوَ صَائِمٌ فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ فَلْيَتِمَّ صَوْمَهُ فَإِنَّمَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ وَسَقَاهُ. وَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ أَكْلٍ أَوْ شَرِبٍ نَاسِيًا فَلْيُفْطِرْ فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقُ رِزْقِهِ اللَّهُ (۲)

یعنی، روایت شده از ابی هریره از رسول خدا (ص) که فرمود: روزه داری که فراموش کند و چیزی بخورد و یا بشامد باید روزه خود را تمام نماید (یعنی روزه اش باطل نشده) که همانا خدا او را طعام داده و یا آب داده است. و در روایت دیگر به این عبارت آمده است که: هر کس از روی فراموشی بخورد یا بشامد پس افطار نکند (یعنی روزه اش صحیح است). همانا آنچه خورده یا آشامیده است رزق خدا بوده که روزی او نموده است.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَيُّسَرُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيَّ

(۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۶۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۹۸

(۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۶۹ و ۶۸

الصَّائِمُ فِي صِيَامِهِ تَرَكَ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ (۱)  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: آسانتر و کمترین چیزی که خدا بر صائم  
درباره روزه اش واجب کرده ترک طعام و نوشیدنی است .

### ۱۹- باب کراهة وصال الصوم

۱- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَا وَصَالَ  
فِي صِيَامٍ»، يَعْنِي لِاصْوَمِ الرَّجُلُ يَوْمَيْنِ مُتَوَالِيَيْنِ مِنْ غَيْرِ افْطَارٍ (۲) وَفِي  
رَوَايَةٍ: الْوَصَالُ فِي الصِّيَامِ أَنْ يَجْعَلَ عَشَاءَهُ سَحُورَهُ (۳).  
یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود:  
«در روزه وصال نیست»، یعنی، اینکه مرد در روز پیاپی بدون  
افطار و خوراکی روزه نگیرد. و در روایتی آمده که: وصال در روزه  
یعنی، غذای شب را سحری قرار دهد و در سحر بخورد. (پس، روزه گیر  
هم سحری لازم است میل کند وهم افطاری).

۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ الْوَصَالِ،  
فَقَالُوا: إِنْكَ تَوَاصَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: وَ أَيْكُمْ مِثْلِي إِنْ سَى  
أَبِيْتُ يَطْعُمُنِي رَبِّي وَ يَسْقِينِي فَلَمَّا أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا عَنِ الْوَصَالِ،  
وَاصَلْ بِهِمْ يَوْمًا ثُمَّ يَوْمًا ثُمَّ رَأَوْا الْهَيْلَالَ فَقَالَ: لَوْ تَأَخَّرَ الْهَيْلَالُ  
لَزِدْتُمْ، كَأَلْمَنْكَلِ لَهُمْ حِينَ أَبَوْا أَنْ يَنْتَهُوا (۴).

یعنی، روایت شده از ابی هریره که گفت: رسول خدا (ص) از روزه وصال  
نهی نمود. اصحاب عرض کردند یا رسول الله تو خود روزه وصال  
می گیری؟ فرمود: کدامیک از شما مانند من می باشد که من شب را  
به صبح می آورم در حالیکه پروردگارم مرا طعام میدهد و سیراب  
می کند (یعنی نیروئی مانند نیروی کسیکه غذا خورده به من عطا  
می کند). پس چون اصحاب از وصال خودداری نکردند، رسول خدا (ص)  
روزی را ب وصال با ایشان روزه گرفت، سپس روز دیگری را . سپس

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۸
- (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸۹
- (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸۸
- (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۵ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۶۷

ماه را دیدند و فرمود: اگر ماه عقب تر می آمد من زیاد می کردم. و این جمله را مانند کسی فرمود که توبیخ می کند ایشان را، چون خودداری نکردند. (یعنی، ایشان را از گرفتن روزه وصال ملامت نمود).  
 ۳- جوش قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا كُمْ وَالْوِصَالَ مَرَّتَيْنِ قَبْلَ: إِنَّكَ تَوَاصِلٌ، قَالَ: إِنِّي أَبَيْتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِي، فَأَكْلَفُوا مِنِ الْعَمَلِ مَا تُطِيفُونَ (!) وَ فِي حَدِيثٍ: فَأَيْكُمْ أَرَادَ أَنْ يُوَاصِلَ فَلْيُوَاصِلْ حَتَّى السَّحَرِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) دوبار فرمود: اجتناب کنید از وصال (یعنی، روزه امروز را به فردا بدون غذا خوردن وصل نکنید). عرض شد: شما وصال را می گیری؟ فرمود که: من شب را به روز می آورم نزد پروردگارم، مرا طعام میدهد و سیراب می کند. و شما از اعمال متحمل شوید آنقدر که طاقت داشته باشید (و بتوانید بر آن مداومت کنید). و در حدیث دیگری فرمود: پس هر کدام از شما اراده وصال داشت، پس تا سحر وصال نماید. (یعنی فقط، تا سحر از خوردن، خودداری کند، ولی سحری را میل نماید).

۴- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ قَالَ: وَلَا وَصَالَ فِي الصِّيَامِ، وَ صَوْمِ الْوِصَالَ حَرَامٌ، وَ لَأَصْمِتَ يَوْمٍ إِلَى اللَّيْلِ، وَلَا عَتُقَ قَبْلَ مَلِكٍ، وَ قَالَ: وَ صَوْمِ الصَّمْتِ حَرَامٌ (۳)

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: در روزه وصال نیست و روزه وصال حرام است. و فرمود: سکوت روزی تا شب نیست، و آزاد کردن پیش از ملک نیست. و فرمود: روزه سکوت حرام است.  
 ۵- ش عَنْ عَلِيٍّ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ فِي أُمَّتِي رَهْبَانِيَّةٌ وَ لَا سِيَّاحَةٌ وَ لَا السُّكُوتُ (۴)

یعنی، از علی (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: در ائمتما رهبانیت و سیاحت و سکوت نیست. (مؤلف گوید: در این حدیث مقدار غلو است، و خدا در قرآن مکرر فرموده: سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۰ و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص

۳۸۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۶۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۰ (با ورقی).

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۱.



## ۲۰- باب کفّارة من افسد صوم رمضان بالجماع

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: هَلَكْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: وَمَا أَهْلَكَ؟ قَالَ: وَقَعْتُ عَلَى امْرَأَتِي فِي رَمَضَانَ، قَالَ: هَلْ تَجِدُ مَا تَعْتَقُ رَقَبَةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَهَلْ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَصُومَ شَهْرَيْنِ مُتَنَابِعَيْنِ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَهَلْ تَجِدُ مَا تَطْعِمُ سِتِّينَ مَسْكِينًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ: ثُمَّ جَلَسَ فَأَتَى النَّبِيَّ (ص) بِعَرَقٍ فِيهِ تَمْرٌ فَقَالَ: تَصَدَّقْ بِهَذَا؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَعْلَى أَفْقَرٍ مِنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَوَاللَّهِ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا أَهْلٌ بَيْتٍ أَحْوَجَ إِلَيْهِ مِنَّا فَضَحِكَ النَّبِيُّ (ص) حَتَّى بَدَتْ أَنْيَابُهُ ثُمَّ قَالَ: اذْهَبْ فَأَطْعِمَهُ أَهْلَكَ (۱)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که گفت: مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: هلاک شدم یا رسول الله، رسول خدا (ص) فرمود: چه چیز تورا هلاک نموده؟ گفت: با زن خود همبستر شدم در ماه رمضان؟ حضرت فرمود: چیزی داری که بنده ای را آزاد کنی؟ گفت: نه، فرمود: آیا میتوانی دو ماه پی در پی روزه بگیری؟ گفت: نه، فرمود: چیزی داری که شصت مسکین را اطعام نمایی؟ گفت: نه، (راوی) گفت: سپس رسول خدا (ص) جلوس فرمود که یک زنبیل خرما برای رسول خدا (ص) آوردند، فرمود: این را تصدق بده، مرد گفت: آیا برفقیتر از خود ما تصدق دهم، قسم به خدا بین این دو سنگستان خانواده ای محتاج تر از ما نیست، رسول خدا (ص) خندید بحدی که دندانهای مبارکش نمایان شد، سپس فرمود: برو به خانواده خود اطعام کن.

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: هَلَكْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: وَمَا لَكَ؟ قَالَ: الثَّارُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: وَمَا لَكَ؟ قَالَ: وَقَعْتُ عَلَى أَهْلِي، قَالَ: تَصَدَّقْ وَاسْتَغْفِرْ. فَقَالَ الرَّجُلُ: فَوَالَّذِي عَظَّمَ حَقَّكَ مَا تَرَكْتُ فِي الْبَيْتِ شَيْئًا، لَأَقْلِبَ لَكَ لَأَكْثِيرًا، قَالَ: فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنَ النَّاسِ بِمِكْتَلٍ مِنْ تَمْرٍ فِيهِ عَشْرُونَ مَاعًا (۱)

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۶۷ و ۶۸ والمصنف/ ج ۴/ ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

يَكُونُ عَشْرَةَ أَصْوَعٍ بِصَاعِنَا، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خُذْ هَذَا التَّمْرَ فَتَصَدَّقْ بِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَيَّ مَنْ أَتَصَدَّقَ بِهِ وَقَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَيْسَ فِي بَيْتِي قَلِيلٌ وَلَا كَثِيرٌ، قَالَ: فَخُذْهُ وَ أَطْعِمْهُ عِيَالَكَ وَ اسْتَغْفِرِ اللَّهَ (١) وَ فِي رِوَايَةٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص): أَعْتَقُ رَقَبَةً، قَالَ: لِأَجِدُ، قَالَ: فَصَمَّ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ، قَالَ: لِأَطِيقُ، قَالَ: تَصَدَّقْ عَلَيَّ سِتِّينَ مَسْكِينًا، قَالَ: لِأَجِدُ، فَأَتَيْتِ النَّبِيَّ (ص) بِبِعْذِقٍ فِي مِكَتَلٍ فِيهِ خَمْسَةٌ عَشْرَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، الخ. (٢).

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت: مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: هلاک شدم یا رسول الله، فرمود: چه کرده ای؟ عرض کرد: آتش را فراهم کرده ام، فرمود: چه کرده ای؟ گفت: برخانه اواده ام هم بستر شدم، فرمود: تصدق بده و استغفار کن، آن مرد گفت: قسم به آنکه حق تورا بزرگ کرده چیزی در خانه نگذاشته ام نه کم و نه زیاد، حضرت صادق (ع) گوید: پس در همان حال مردی خدمت رسول خدا (ص) رسید با ظرفی از خرما که در آن بیست صاع خرما بود که به صاع ما ده صاع میباشد، رسول خدا (ص) به آن شخص (که روزه خود را با آمیزش فاسد کرده بود) فرمود: این خرما را بگیر و آنرا صدقه بده، عرض کرد یا رسول الله بر چه کس صدقه بدهم در حالیکه به شما عرض کردم در خانه ام چیزی نیست نه کم و نه زیاد، رسول خدا (ص) فرمود: بگیر و به عیالت صدقه بده و استغفار کن و از خدا طلب آمرزش بخواه. و در روایت دیگر از حضرت باقر (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) به آن مرد فرمود: بنده ای آزاد کن، عرض کرد: نمی یابم و نمی توانم، فرمود: پس دو ماه پی در پی روزه بگیر، عرض کرد: نمی یابم، طاقت ندارم، فرمود: بر شصت مسکین صدقه بده، عرض کرد: نمی یابم، پس برای رسول خدا (ص) خرمائی در ظرفی آمد که در آن پانزده صاع خرما بود... تا آخر حدیث.

(مؤلف گوید: هر صاع، چهار مُدّ است، بنا بر این پانزده صاع، شصت مُدّ است، و هر مُدّ تقریباً یک چارک است. و شصت مُدّرا میتوان بین

(١) وسائل الشیعه / ج ٧ / ص ٢٩.

(٢) وسائل الشیعه / ج ٧ / ص ٣٥ و ج ١٥ / ص ٥٤٨.

شست مسکین تقسیم نمود. بنا براین هرگاه کسی در یکروز از ایام ماه رمضان - یکبار یا بیشتر - با همسرش آمیزش کند، بکیفیتی که در حدیث فوق آمده، کفاره براو واجب است. و أمّا در مورد کسی که روزه ماه رمضان را با خوردن و آشامیدن عمدی افطار نموده آیا کفاره واجب است یا خیر؟ پس عدّه‌ای از فقهاء قائل به کفاره شده‌اند، ولی اکثر فقهاء آنچه از کفاره در حدیث فوق ذکر شده مخصوص آمیزش دانسته‌اند و در مورد خوردن و آشامیدن گفته‌اند کفاره‌ای نیست، بلکه باید شخص، بجای هر روزی که افطار نموده، یکروز قضاء کند.

## ۲۱- باب إفتار المسافر والمريض الذی یرجى برؤه

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (۱)

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فِي رَمَضَانَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ الْكَدِيدَ ثُمَّ أَفْطَرَ فَأَفْطَرَ النَّاسُ وَكَانَ صَاحِبَهُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَتَّبِعُونَ الْأَحْدَثَ فَأَلْأَحْدَثُ مِنْ أَمْرِهِ (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: خَرَجَ النَّبِيُّ (ص) مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَصَامَ حَتَّى بَلَغَ عُسْفَانَ ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَرَفَعَهُ إِلَى فِيهِ لِيَرَاهُ النَّاسُ فَأَفْطَرَ حَتَّى قَدَّمَ مَكَّةَ وَ ذَلِكَ فِي رَمَضَانَ، فَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَقُولُ: قَدْ صَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَفْطَرَ فَمَنْ شَاءَ صَامَ وَ مَنْ شَاءَ أَفْطَرَ (۳)!

یعنی، روایت شده از ابن عباس که رسول خدا (ص) مسافرت کرد به سوی مکه، پس روزه گرفت تا رسید به کدید (کدید چشمه‌آبی است سر راه مدینه به مکه)، سپس افطار کرد، پس مردم افطار کردند، و اصحاب رسول خدا (ص) پیروی امر تازه‌تر را می‌کردند. و در روایتی: رسول خدا (ص) مسافرت کرد از مدینه به سوی مکه تا رسید به عسفان (عسفان قریه‌ای است با جمعی از مکه) پس آبی خواست و به

(۱) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۸۵.  
 (۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۶۳ و ۵۶۴ و ج ۴ / ص ۲۶۹.  
 (۳) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴.

دهان خود بالا برد تا مردم ببینند، پس افطار کرد تا وارد مکه شد و این عمل در ماه رمضان بود، که ابن عباس می‌گفت: رسول خدا (ص) روزه گرفت و افطار کرد (یعنی در سفر) پس هر کس بخواد (در سفر) روزه بگیرد و هر کس خواهد افطار کند.

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۳ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تَصَدَّقَ عَلَى مَرُضَى أُمَّتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ الْإِفْطَارِ أَيْسَرُ أَحَدِكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ (۱)!

یعنی، روایت شده از حضرت صادق<sup>ع</sup> که رسول خدا (ص) فرمود: بخدای عزوجل تصدق کرده بر بیماران و مسافران به تقصیر و افطار، آیا یکی از شما را خوش می‌آید که چون صدقه‌ای داد برا و رد گردد.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۳ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ ۳ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهُ عَلَيَّ يَسِيرٌ، فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تَصَدَّقَ عَلَى مَرُضَى أُمَّتِي وَ مُسَافِرِيهَا بِالْإِفْطَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ أَحَدِكُمْ لَوْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ (۲).

یعنی، روایت شده از جعفر بن محمد<sup>ع</sup> که گفت: مردی نزد رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله در سفر روزه بگیرم؟ فرمود: نه، عرض کرد: بر من آسان است، فرمود: بخدای عزوجل بر بیماران و مسافران امت من افطار را در ماه رمضان تصدق کرده آیا یکی از شما دوست دارد هرگاه صدقه‌ای دهد برا و رد گردد.

۴- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۳ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مَعَهُ النَّاسُ وَ فِيهِمُ الْمُشَاهِدُ فَلَمَّا أَنْتَهَى إِلَى كُرَاعِ الْغَيْمِ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فِيمَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ فَشَرِبَهُ وَ أَفْطَرَ، ثُمَّ أَفْطَرَ النَّاسَ مَعَهُ وَ تَمَّ نَاسٌ عَلَيَّ صَوْمِهِمْ فَسَمَّاهُمْ الْعَصَاةَ وَ إِنَّمَا يُؤْخَذُ بِأَخْرِ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) (۳)

یعنی، از حضرت صادق<sup>ع</sup> روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) از مدینه

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۶۵.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۴.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۲۵ و ۱۲۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۶۴.

به سوی مکه در شهر رمضان بیرون رفت و مردم با او بودند و در میان مردم پیادگان نیز بودند، پس چون به کُراع الغمیم (که نام محلی است) رسیدند، بین نماز ظهر و عصر قدحی از آب خواست و نوشید و افطار کرد، سپس مردمی که با او بودند افطار کردند، ولی مردمی به روزه خود ماندند که رسول خدا (ص) ایشان را اهل عصیان نامید و همانا به آخرین امر رسول خدا (ص) باید تمسک جست .

۵- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ فِي السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَا غَيْرِهِ، وَكَانَ يَوْمٌ بَدَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَكَانَ الْفَتْحُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ<sup>(۱)</sup>، وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لَمْ يَكُنْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ فِي السَّفَرِ تَطَوُّعًا وَلَا قَرِيضَةً<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در سفر روزه نمی گرفت، نه در ماه رمضان و نه در غیر آن و جنگ بدر در ماه رمضان بود و فتح مکه در ماه رمضان بود. و در روایت دیگر: رسول خدا (ص)

روزه نمی گرفت در سفر نه بعنوان استحباب و نه بعنوان واجب .  
۶- ج إِنَّ حَمْزَةَ الْأَسْلَمِيِّ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَجِدْبِي قُوَّةَ عَلَى الصَّيَامِ فِي السَّفَرِ فَهَلْ عَلَيَّ جُنَاحٌ؟ قَالَ: هِيَ رُخْصَةٌ مِنَ اللَّهِ، فَمَنْ أَخَذَهَا فَحَسَنٌ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَصُومَ فَلْجُنَاحَ عَلَيْهِ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، حمزه اسلمی به رسول خدا (ص) گفت: من برای روزه در سفر در خودم نیرو می بینم پس آیا بر من گناهی است؟ رسول خدا (ص) فرمود همانا آن در سفر رخصت است، پس هر کس به رخصت اخذ کند، نیکو باشد، و هر کس روزه گیرد گناهی بر او نیست .

۷- ج قَالَ أَنَسٌ: سَافَرْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي رَمَضَانَ فَلَمْ يَعْيبِ الْمَائِمَ عَلَى الْمُفْطِرِ وَلَا الْمُفْطِرَ عَلَى الْمَائِمِ<sup>(۴)</sup>، وَفِي رِوَايَةٍ: فَكَانُوا يَرَوْنَ أَنَّ مَنْ وَجَدَ قُوَّةً فَصَامَ فَحَسَنٌ، وَمَنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَأَفْطَرَ فَحَسَنٌ<sup>(۵)</sup>.

- 
- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۴۳  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۴۵  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۷۱  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۷۱  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴

یعنی، از انس روایت شده که گفت: ما با رسول خدا (ص) در ماه رمضان مسافرت کردیم، نه روزه دار عیجی می کرد بر آنکه افطار کرده بود و نه آنکه افطار کرده بود از روزه دار. و در روایتی گفت: اصحاب رسول خدا (ص) برای عقیده بودند که هر کس نیسرو داشت و (در سفر) روزه می گرفت، نیکو باشد، و هر کس ناتوان بود افطار می کرد آنهم نیکو است.

۸- ج عَنْ جَابِرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) فِي سَفَرٍ فَرَأَى زَخَامًا وَرَجُلًا قَدْ ظَلَّلَ عَلَيْهِ فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: صَائِمٌ، فَقَالَ: لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصَّوْمُ فِي السَّفَرِ (!)

یعنی، از جابر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در سفری بود و دید مردم از دحامی کرده و دید مردی را که (از عطش غش کرده و) بر او سایه افکنده بودند، پس فرمود: چه باشد؟ عرض کردند روزه داری است، فرمود: روزه داشتن در سفر (برای کسی که طاقت ندارد) از نیکویی نیست.

۹- ج عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) فِي سَفَرٍ فَصَامَ بَعْضٌ وَأَفْطَرَ بَعْضٌ فَتَحَزَمَ الْمُفْطِرُونَ وَعَمِلُوا وَضَعَفَ الصَّوَامُ عَنْ بَعْضِ الْعَمَلِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): ذَهَبَ الْمُفْطِرُونَ الْيَوْمَ بِالْأَجْرِ (۱).

یعنی، از انس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در سفری بود که بعضی از اصحاب روزه گرفتند و بعضی افطار کردند، پس افطارکنندگان کمرا محکم بسته به کار پرداختند (یعنی، امور لازم برای روزه داران را از آب و زدن چادر و نظافت و مرتب کردن غذا و غیره فراهم کردند) و روزه داران از قسمتی از کار ناتوان ماندند، پس رسول خدا (ص) فرمود: افطارکنندگان امروز اجر عظیمی بردند.

(مؤلف گوید: شرایط سفر و مسافتی که در آن افطار جایز است در ابواب صلاة السفر ذکر گردید. و بدانکه خدا در قرآن، مریض و مسافر را با هم ذکر نموده و برای رفع عسر، روزه را از ایشان برداشته است چنانکه می فرماید: وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ

(۱) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۷۴ و ۷۵ و المصنف / ج ۲ / ص ۵۶۳.

(۲) التاج الجا مع للاصول / ج ۲ / ص ۷۵.

کتاب الصَّیام (باب افطار المسافر والمريض الذی یرجى برؤه) ۱۰۲۵

أَخْرَجَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ (۱) و نیز فرموده :  
 وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ (۲) بنا بر این همچنانکه برای هر بیماری  
 (مثل زکام و دل درد) نمی توان در ماه رمضان روزه را شکست، همچنین  
 است در مورد سفر که چنانکه از آیه استفاده میشود شکستن روزه،  
 برای رفع مشقت از مسافر است و در سفری که موجب ضعف و مشقت است روزه  
 شکسته می شود، نه در سفری. پس اینکه در زمان ما، کسانی به نیت روزه خوری  
 از منزل حرکت کرده، و پس از سیرچهار فرسخ یا ما شین، روزه شان را  
 می خورند و دوباره به منزل خود برمی گردند عملشان خلاف شرع است  
 و مسافری که خدا در قرآن ذکر نموده شامل حال ایشان نمی شود.  
 علاوه بر آنکه کلمه مسافر نیز به ایشان اطلاق نمی شود، زیرا  
 از هر یک از مردم روی این زمین پرسیده شود آیا چنین اشخاصی  
 مسافرت کرده اند و آیا نام مسافر می توان روی ایشان نهاد؟ خواهند  
 گفت: خیر. ولی متأسفانه باید گفت که مسلمین کثراً از قرآن دور شده اند.  
 ضمناً چنانکه ذکر شد، در سفر خوردن روزه و گرفتن آن هر دو جایز است.

۱۰- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۴ قَالَ: أَشْتَكْتُ أُمَّ سَلَمَةَ عَيْنَهَا فِي  
 شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ تَفْطِرَ. وَقَالَ: عَشَاءُ اللَّيْلِ لِعَيْنِكَ  
 رَدِّي (۳)

یعنی، از جعفر بن محمد روایت است که فرمود: چشم ام سلمه در ماه  
 رمضان درد گرفت، پس رسول خدا (ص) او را امر کرد که افطار کند،  
 و فرمود: غذای شب برای چشم تو ضرر دارد. (والبته مریض پس از  
 بهبودی و نیز مسافر پس از برگشت، باید قضا روزه خود را بجا آورند).

## ۲۲- باب ما جاء في الإفطار للكبير والحليل والمرضع

### والمريض الذی لا یرجى برؤه

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيفُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينٍ (۴)

- (۱) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۸۵  
 (۲) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۸۴  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۵۵  
 (۴) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۸۴

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ - وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ  
طَعَامٌ مِسْكِينَ - هِيَ رُخْصَةٌ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْمَرْأَةِ الْكَبِيرَةِ وَهُمَا  
يُطِيقَانِ الصَّوْمَ أَنْ يُفْطِرَا وَيُطِعِمَا مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا وَالْحَبْلَى  
وَالْمَرْضِعُ إِذَا خَافْنَا أَفْطَرْنَا وَ أَطَعَمْنَا (۱)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينَ» کسانیکه روزه برایشان طاقت فرسا است و در نهایت طاقت می‌باشند، باید طعام مسکینی را فدا دهند، اجازه‌ای است برای پیره مرد و پیره زن درحالیکه روزه گرفتن برایشان سخت و طاقت فرسا است، افطار کنند و در عوض هر روزی مسکینی را اطعام نمایند و همچنین زن آبستن و شیرده هرگاه بترسند افطار کرده و اطعام نمایند.

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: - وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ  
طَعَامٌ مِسْكِينَ - هِيَ لَيْسَتْ بِمَنْسُوخَةٍ، هِيَ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْمَرْأَةِ  
الْكَبِيرَةِ لِأَيْسْتَطِيعَانَ أَنْ يَصُومَا فَيُطِعِمَا مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا (۲)  
وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: إِنَّهَا لَيْسَتْ مَنْسُوخَةٌ بَلْ هِيَ فِي الضَّعْفَاءِ (۳)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: آیه: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامٌ مِسْكِينَ» نسخ نشده، بلکه این آیه برای پیره مرد و پیره زن می‌باشد که توانائی روزه گرفتن ندارند، پس بجای هر روز (که افطار می‌کنند) باید مسکینی را اطعام کنند. و در روایتی گفت این آیه منسوخ نیست بلکه درباره ضعفاء می‌باشد.

۳- ج عَنْ أَبِي قَلَابَةَ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: أَتَيْتُ النَّبِيَّ لِحَاجَةٍ  
فَإِذَا هُوَ يَتَغَدَّى قَالَ: هَلُمَّ إِلَيَّ الْغَدَاءِ فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ طَائِمٌ، قَالَ:  
هَلُمَّ أَخْبِرْكَ عَنِ الصَّوْمِ: إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنِ الْمُسَافِرِ نِصْفَ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ  
وَرَخْصَ لِلْحَبْلَى وَالْمَرْضِعِ (۴)

یعنی، از ابی‌قلابه روایت شده که گفت: خدمت رسول خدا (ص) برای حاجتی آمدم، او صبحانه میل می‌فرمود، فرمود: بیا به سوی صبحانه

(۱) و (۲) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۶

(۳) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۶

(۴) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۷۶ و ۷۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۱۷



کتاب الصَّیَام (باب ما جاء فی الافطار للكبير والحلی والمرضع ...) ۱۰۲۷

گفتم من روزه ام، فرمود: بیا تورا از روزه خبردهم که همانا خدای تعالی نصف نماز را و روزه را از مسافر برداشته و افطار را برای آبستن و شیرده تجویز نموده است.

۴- ج وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: - وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةً طَعَامٌ مُسْكِينٍ - قَالَ: لَأَيُّرَخَّصُ فِي هَذَا إِلَّا لِلَّذِي لَا يُطِيقُ الصَّيَامَ أَوْ مَرِيضٍ لَا يُشْفَى (۱)

یعنی، و از ابن عباس درباره قول خدای عزوجل که می فرماید: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةً طَعَامٌ مُسْكِينٍ»، نقل شده که گفت: در این (افطار و فدیة) رخصتی نیست مگر برای کسی که طاقت روزه گرفتن را ندارد یا برای مریضی که خوب نمی شود.

((مؤلف گوید: ابن عباس از اصحاب رسول خدا (ص) بوده و می توان گفت مطالب مذکوره و اخبار فوق را از رسول خدا (ص) اخذ نموده و شنیده است. دیگر آنکه از قرآن و پاره ای آثار می توان استفاده نمود که برزن باردار و شیرده، قضای روزه واجب نیست، بلکه دادن فدیة، برای ایشان کافی است. ولی اکثر فقهاء، قضای روزه را برایشان نیز واجب دانسته و فرموده اند: ایشان همچون مریضی که پس از بهبودی روزه اش را قضاء می کند، ایشان نیز باید قضای روزه را بجا آورند)).

۲۳- باب وضع الصَّیَام عن الحائض والنفساء

وعلیهما القضاء

۱- ج عَنْ مُعَاذَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ فَقُلْتُ: مَا بَالُ الْحَائِضِ تَقْضِي الصَّوْمَ وَلَا تَقْضِي الصَّلَاةَ؟ فَقَالَتْ: أَلْحُرُورِيَّةُ أَنْتِ؟ قُلْتُ: لَسْتُ بِحُرُورِيَّةٍ وَلَكِنِّي أَسْأَلُ، قَالَتْ: كَانَ يُصِيبُنَا ذَلِكَ فَنُؤْمِرُ بِقَضَاءِ الصَّوْمِ وَنُلْتَمِزُ بِقَضَاءِ الصَّلَاةِ (۲)

یعنی، از مُعَاذَةُ روایت شده که گفت: از عایشه سؤال کردم و گفتم: چه شده که حائض روزه را قضا می کند و نماز را قضا نمی کند؟ عایشه گفت: آیا تو از اهل حُرُوراء هستی؟ گفتم: نه، ولی سؤال کردم، عایشه

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۶  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۷

گفت: به ما حیض می‌رسید، پس امر می‌شدیم به قضاء روزه و ما مور نمی‌شدیم به قضاى نماز.

## ۲۴-باب قضاء رمضان متعاقباً و متفرقاً و تأخیره إلى شعبان

۱- ج و ش عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: إِنْ كَانَتْ إِحْدَانَا لَتُفْطِرُ فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَمَا تَقْدِرُ عَلَيَّ أَنْ تَقْضِيَهُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَتَّى يَأْتِيَ شَعْبَانَ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: كُنَّ نِسَاءُ النَّبِيِّ (ص) إِذَا كَانَ عَلَيَّهنَّ صِيَامٌ أَخَّرْنَ ذَلِكَ إِلَى شَعْبَانَ كَرَاهَةً أَنْ يَمْنَعَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حَاجَتَهُ، فَإِذَا كَانَ شَعْبَانُ صُمْنَ وَطَامَ (مَعَهُنَّ) (۲) یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: چون یکی از ما در زمان رسول خدا (ص) (بسبب خون حیض یا نفاس) افطار مینمود، پس نمی‌توانست با وجود رسول خدا (ص) آنرا افطار کند تا اینکه ماه شعبان می‌آمد. و از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت: زنان پیغمبر (ص) هرگاه بر عهده ایشان روزه‌ای بود، آنرا تا ماه شعبان به تأخیر می‌انداختند بخاطر اینکه کراهت داشتند رسول خدا (ص) را از نیازش منع کنند، پس چون ماه شعبان می‌رسید روزه می‌گرفتند و رسول خدا (ص) نیز با ایشان روزه می‌گرفت.

۲- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: قَضَاءُ رَمَضَانَ إِنْ شَاءَ فَرَّقَ وَإِنْ شَاءَ تَابَعَ (۳) یعنی، از ابن عمر روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: قضاء ماه رمضان را اگر خواست بتدریج و جدا جدا بیاورد و اگر خواست پی در پی و پشت سرهم بجا آورد.

## ۲۵-باب تلاوة القرآن والدعاء والكرم فی رمضان

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا أَهْلَ هَلَالِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۷ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۴۵  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۶۰  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۷

شَهْرَ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَهْلِهِ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمَجْلَلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ وَدَفَعِ الْأَسْفَامَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ وَقِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْهُ لَنَا وَ سَلِّمْنا فِيهِ وَ تَسَلِّمْهُ مِنَّا! (۱)

یعنی، از حضرت باقر ع روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چنین بود که چون هلال ماه رمضان نمایان میشد روبرو قبله میکرد و دستها را بلند مینمود و عرض میکرد خدایا این ماه را بر ما وارد کن به امن و ایمان و در حال سلامت و اسلام و عافیتی که قدر آن دانسته شود و روزی وسیع و دفع مرضها، خدایا روزی کن ما را روزه آن و قیام آن و تلاوت قرآن در آن، خدایا آنرا برای ما سلامت بدار و ما را در آن سلامت بدار و از ما قبول نما.

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) أَجْوَدَ النَّاسِ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ أَجْوَدَ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَ كَانَ جِبْرِيلُ (ع) يَلْقَاهُ كُلَّ لَيْلَةٍ فِي رَمَضَانَ حَتَّى يَنْسَلِخَ يَعْزِضُ عَلَيْهِ النَّبِيُّ (ص) الْقُرْآنَ . وَ فِي رِوَايَةٍ: فَيَدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَإِذَا لَقِيَهِ جِبْرِيلُ (ع) كَانَ أَجْوَدَ بِالْخَيْرِ مِنَ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ (۲).

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) بخشنده ترین مردم به خیر بود، و در ماه رمضان چون جبرئیل او را ملاقات میکرد از تمام احوال جودش بیشتر بود، و جبرئیل هر شب از ماه رمضان او را ملاقات میکرد تا آخر ماه، و رسول خدا (ص) قرآن را بر او عرضه میکرد. و در روایت دیگر: قرآن را با او مدارسه میکرد، یعنی جبرئیل (ع) میخواند و او گوش میداد، سپس پیغمبر (ص) میخواند، و چون جبرئیل او را ملاقات مینمود او از باد تند با جودتر بود به کار خیر.

۳- ش عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حَظَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۳۳ .  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۲ .

فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أُقْبِلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاغَةِ اللَّهِ، وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ أَنْفُسَكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَتَوْكُّمٌ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ، فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ طَائِقَةٍ، وَ قُلُوبٍ ظَاهِرَةٍ أَنْ يُوفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ، فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَّمَ عَقْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ، وَادَّكَّرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ، وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقْرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ، وَوَقِّرُوا كِبَارَكُمْ، وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ، وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَغُضُّوا عَمَّا لِأَيْحَلِ النَّظَرِ إِلَيْهِ أَتَبَارِكُمْ، وَ عَمَّا لِأَيْحَلِ الْأَسْتِمَاعِ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ، وَتَحَنَّنُوا عَلَى أَيَّتَامِ النَّاسِ يَتَحَنَّنْ عَلَى أَيَّتَامِكُمْ، وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالِدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ، فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ، يُجِيبُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَيُلَبِّسُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ، أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكَّرُوا هَـ بِاسْتِغْفَارِكُمْ، وَظُهُورِكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّقُوا عَنْهَا بِطَوِيلِ سُجُودِكُمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ، وَ أَنْ لَا يَرَوِعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَّرَ مِنْكُمْ مَاثِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ تَسْمِيٌّ وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرٍ مِنْ خَتَمِ الْقُرْآنِ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ، إِلَى أَنْ قَالَ عَلِيُّ (ع) فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ (١).

يعنى، روایت شده از علی (ع) که گفت: رسول خدا (ص) برای ما روزی خطبه خواند و فرمود: ای مردم حقیقت این است که رو آورده به شما ماه خدا بابرکت و رحمت و مغفرت، ماهی که آن نزد خدا

بهترین ماهها و روزهایش بهترین روزها و شبهایش بهترین شبها و ساعاتش بهترین ساعات، و آن ماهی است که دعوت شده‌اید به مهمانی خدا، و قرار داده شده‌اید از اهل کرامت الهی، نفسهای شما در آن تسبیح و خواب شما در آن عبادت و عمل شما در آن مقبول و دعای شما در آن مستجاب، پس از خدایتعالی پروردگارتان سؤال کنید بانیات راست و دلهای پاک که شما را به روزه آن و تلاوت کتاب خود موفق بدارد، زیرا شقی کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش الهی محروم گردد، و با گرسنگی و تشنگی خودتان به یسار آید گرسنگی و تشنگی روز قیامت را، و برفقراى خود و مساکین خود صدقه دهید، و بزرگانان را احترام کنید و کوچکانتان را رحم کنید، و زحمهارا صلح کنید، و زبانهایتان را نگاه دارید، و چشمانتان را از آنچه نظربه آن روانیست برهم بگذارید، و گوشهایتان را از آنچه شنیدن آن روانیست حفظ کنید و بریتیمان مردم مهربانی کنید تا بریتیمان شما مهربانی شود، و به سوی خدا از گناهانتان توبه کنید، و دستهای خود را به سوی او به دعا بلند کنید در اوقات نمازها، زیرا آن اوقات بهترین ساعات تست، خدای عزوجل در آن ساعات با رحمت به سوی بندگانش نظر دارد، ایشان را جواب می‌دهد آنگاه که با او نجوی کنند، و لبیک گوید و قتیکه او را ندا کنند، و ایشان را عطا کند چون سؤال کنند، و جواب می‌دهد هرگاه او را بخوانند، ای مردم جانهای شما گرو اعمال شماست، آنها را با استغفار از گرو رها کنید، و دوشهای شما از بارهای سنگین عصیان سنگین است، بطول سجود آنها را سبک کنید، و بدانید که خدا قسم خورده به عزت خود که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکند، و ایشان را به آتش نترساند در آن روزیکه برای امر پروردگار عالمیان قیام کنند، ای مردم هر کس از شما در این ماه صاعمی را افطار دهد، نزد خدا برای او آزاد کردن بنده محسوب گردد و کسیکه یک آیه از قرآن در این ماه تلاوت کند، برای او مانند اجر کسی است که قرآن را در غیر این ماه از ماهها، ختم کرده باشد. تا آنجا رسول خدا (ص) سخنانی فرمود که علی<sup>ع</sup> گوید: برخاستم و گفتم

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ دَرَايِنِ مَا هِ چِه بَاشَد؟ فَرْمُود: اِي  
أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ أَعْمَالٍ دَرَايِنِ مَا هِ دَوْرِي جِسْتَنِ اَز مَحْرَمَاتِ اِلَهِي  
مِي بَاشَد.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعِفُ  
اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيُمَحُّو فِيهِ السَّيِّئَاتِ، وَ يَرْقَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ  
مَنْ تَصَدَّقَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِصَدَقَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيهِ اِلَى  
مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ مَنْ حَسَنَ فِيهِ خُلِقَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ،  
وَ مَنْ كَظَمَ فِيهِ غَيْظَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ، وَ مَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ غَفَرَ اللَّهُ  
لَهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ شَهْرَكُمْ هَذَا لَيْسَ كَالشُّهُورِ، إِنَّهُ إِذَا أَقْبَلَ اِلَيْكُمْ  
أَقْبَلَ بِالْبِرْكَهْ وَ الرَّحْمَهْ، وَ إِذَا أَدْبَرَ عَنْكُمْ أَدْبَرَ بِغُفْرَانِ الدُّنُوبِ  
هَذَا شَهْرُ الْحَسَنَاتِ فِيهِ مُضَاعَفَةٌ، وَ أَعْمَالُ الْخَيْرِ فِيهِ مَقْبُولَةٌ، إِنَّ  
الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ خَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَ لَمْ تَغْفِرْ دُنُوبَهُ فَحِينَئِذٍ  
يَخْسِرُ حِينَ يَفُوزُ الْمُحْسِنُونَ بِجَوَائِزِ الرَّبِّ الْكَرِيمِ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ماه رمضان ماه بزرگی است، حسنات در آن  
دوچندان می شود و سیئات در آن محو می گردد، و درجات در آن بالا  
برده شود، کسیکه در این ماه صدقه دهد خدا او را می آمرزد، و کسیکه  
به زبردستان خود احسان کند خدا او را می آمرزد و کسیکه در آن  
خلقش را نیکو گرداند خدا او را می آمرزد، و کسیکه غضب خود را در  
این ماه فرونشاند خدا او را می آمرزد و کسیکه در آن، صلۀ رجم  
کند خدا او را بیا مرزد، سپس فرمود: این ماه مانند ماههای دیگر  
نیست، زیرا چون بیاید به سوی شما بیاید با برکت و رحمت، و  
چون برود با آمرزش گناهان برود، این ماه، ماه نیکیها است که در  
آن نیکیها مضاعف میشود، و اعمال خیر در آن مورد قبول است، حَقًّا  
شقی کسی است که از این ماه خارج شود و گناهانش آمرزیده نشده  
باشد، پس در این هنگام او زیان می بیند وقتی که نیکوکاران با  
جوائز پروردگار کریم بهره ببرند.

۵- ش كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ

أَسِيرٌ وَ أَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) چون وارد ماه رمضان میشد هر اسیری را رها و هر سائلی را عطا می کرد.

ع- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنَ أَلْفِ شَهْرٍ وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ، فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ جَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَ جَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخُصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ الْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ آدَى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَ مَنْ آدَى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ آدَى سَبْعِينَ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَ هُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَ هُوَ شَهْرُ الْمَوَاسَاةِ، وَ هُوَ شَهْرُ بَرِّ زَيْدِ اللَّهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ فِيهِ، وَ مَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ رَقِيَّةً وَ مَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى، إِلَى أَنْ قَالَ: وَ مَنْ خَفَّفَ فِيهِ عَنِ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ حِسَابَهُ، وَ هُوَ شَهْرٌ أَوْلَاهُ رَحْمَةً، وَ أَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَ آخِرُهُ الْإِجَابَةُ وَ الْعِتْقُ مِنَ النَّارِ، وَ لَا غِنَى بِكُمْ فِيهِ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصَلْتَيْنِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا، وَ خَصَلَتَيْنِ لِأَغْنِي بِكُمْ عَنْهُمَا، فَأَمَّا اللَّتَانِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَ أَمَّا اللَّتَانِ لِأَغْنِي بِكُمْ عَنْهُمَا فَتَسَائِلُونَ اللَّهَ فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَ الْجَنَّةَ، وَ تَسَائِلُونَ الْعَافِيَةَ، وَ تَعُوذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ (۲)

یعنی، روایت شده از حضرت باقر که گفت، رسول خدا (ص) در آخرین جمعه شعبان خطبه خواند و برخدا ثنا کرد، سپس فرمود: ای مردم، بر شما سایه افکننده ماهی که در آن ماه، شبی است بهتر از هزار ماه، و آن، ماه رمضان است که خدا روزه آنرا واجب نموده، و قیام شبی را به نماز مستحبی در آن مانند هفتاد شب غیر آن از ماههای دیگر قرار داده، و برای کسیکه خصلتی از خصال خیر و نیکی را

(۱) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۲۲۰ و ۲۲۹.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۴ / ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

در این ماه انجام دهد مانند کسی که واجبی از واجبات خدا را انجام دهد قرار داده، و کسیکه در این ماه واجبی از واجبات خدا را انجام دهد مانند کسی قرار داده که در ماههای دیگر هفتاد واجبی از واجبات الهی را انجام دهد، و این ماه، ماه صبر است، و صبر ثوابش بهشت است، و این ماه، ماه مواسات است، و این ماهی است که خدا در رزق مؤمن زیاد می‌کند، و کسیکه مؤمن روزه‌داری را افطار دهد، برای او ثواب آزاد کردن بنده‌ای و آمرزش گناهان گذشته‌اش است تا آنکه فرمود: و کسیکه از برای مملوک خود در این ماه تخفیفی دهد، خدا حساب او را تخفیف دهد، و این ماه، ماهی است که اول آن رحمت و وسط آن آمرزش، و آخر آن اجابت و آزادی از آتش است، و شما در این ماه بی‌نیاز از چهار خصلت نیستید، دو خصلت است که خدا را با آن خشنود می‌کنید، و دو خصلت است که شما محتاج به آن هستید: پس آن دو خصلتی که خدا را خوشنود می‌کنید، پس گواهی دادن به وحدانیت خدا و گواهی به رسالت محمد است، و اما آن دو خصلتی که محتاجید پس سؤال کردن شما است در این ماه از حوائج خود و از بهشت، و سؤال کردن عافیت و پناه بردن شما به خدا از آتش.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ فَطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُؤْمِنًا طَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَ مَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا يَفْقِدُ عَلَيَّ أَنْ يَفْطِرَ مَا ئِئِمًا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ لِمَنْ لَمْ يَفْقِدْ إِلَّا عَلَيَّ مَذْقِفٌ مِنْ لَبَنٍ يَفْطِرُ مَا ئِئِمًا، أَوْ شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ، أَوْ تَمَرَاتٍ لَا يَفْقِدُ عَلَيَّ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ (!)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در ماه رمضان مؤمن روزه‌داری را افطار دهد برای او بواسطه این عمل نزد خدا آزاد کردن بنده‌ای است و آمرزش گناهان گذشته‌اش است، عرض شد: یا رسول الله، همه ما قادر نیستیم برای نکه روزه‌داری را افطار دهیم، فرمود: خدا کریم است



کتاب الصَّیام (باب تلاوة القرآن و الدعاء و الکرّم فی رمضان) ۱۰۳۵

این ثواب را به کسی می‌دهد که قادر نیست مگر به چناندن جرعه‌ای از شیر که روزه‌داری را افطار دهد و یا شربتی از آب و یا چند عدد خرما که قادر نباشد بر بیشتر از این .  
(مؤلف گوید: در بعضی از احادیث این باب نیز غُلومی باشد که بر خواننده پوشیده نیست).

۸- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ فَطَرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الصَّائِمِ شَيْئًا<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که روزه‌داری را افطار دهد مانند اجرا و را دارد بدون اینکه از اجر روزه‌دار کم شود.

۹- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ فَطَرَ صَائِمًا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْهُ شَيْءٌ، وَ مَا عَمِلَ بِقُوَّةِ ذَلِكَ الطَّعَامِ مِنْ بَرٍّ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که روزه‌داری را افطار دهد مانند اجر او برای او خواهد بود بدون اینکه از اجر روزه‌دار کم شود، و برای اطعام کننده است هر عمل خیری که روزه‌دار بقوه آن طعام انجام دهد.

۱۰- ج عَنْ أُمِّ عِمَارَةَ الْأَنْصَارِيَّةِ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) دَخَلَ عَلَيْهَا فَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ طَعَامًا فَقَالَ: كُلي فَقَالَتْ: يَا نَبِيَّ صَائِمَةٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ الصَّائِمَ تَصَلَّى عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِذَا أَكَلَ عِنْدَهُ حَتَّى يَفْرَعُوا، وَ رَبَّمَا قَالَ حَتَّى يَشْبَعُوا. وَ فِي رِوَايَةٍ: الصَّائِمُ إِذَا أَكَلَ عِنْدَهُ الْمَفَاطِيرُ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ<sup>(۳)</sup>

یعنی، از امّ عماره انصاری روایت شده که رسول خدا (ص) بر او وارد شد و او طعامی خدمت آنجناب آورد، حضرت به او فرمود: بخور، عرض کرد: من صائمم و روزه دارم، حضرت فرمود: روزه‌دار ملائکه بر او صلوات می‌فرستند هنگامی که نزدا و چیزی خورده شود تا فراغ، و بسا که حضرت فرمود تا سیرگردند. و در روایتی، حضرت فرمود: هرگاه

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۳  
(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۰۱  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۳

افطار کنندگان نزد روزه دار طعام بخورند، ملائکه بر او صلوات می فرستند.

۱۱- ش فی وصیة النبی (ص) لعلی قال: یا علی ثلاث فرجات للمؤمن فی الدنیا: لقاء المؤمن، و تَفطیر السائم، و التَّهجد فی آخر اللیل (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) در وصیت به علی فرمود: ای علی، سه چیز خوشحالی است برای مؤمن در دنیا: ملاقات کردن برادران، و افطار دادن صائم، و بیداری شب در آخر شب.

۱۲- ش عن رسول الله (ص) ان شهر رمضان یضاعف الله فیهِ الحسنات (الی ان قال): ان شهرکم هذا لیس كالشهور انسه اذا اقبل اليکم اقبل بالبرکة و الرحمة و اذا ادبر عنکم ادبر بغفران الذنوب، و أعمال الخیر فیهِ مقبولة، من صلی منکم فی هذا الشهر رکعتین يتطوع بهما غفر الله له (۲)

یعنی، از رسول خدا (ص) روایت است که خدا در ماه رمضان حسنات را دو برابر اجر می دهد، تا آنکه فرمود: حقاً این ماه مانند سایر ماهها نیست، زیرا چون رو بیاورد با برکت و رحمت رومی آورد، و چون برود با آمرزش گناهان برود کارهای خیر در آن مورد قبول است، هر کس از شما در این ماه دو رکعت نافله بخواند خدا گناه او را بیا مرزد (منظوراً از آمرزش گناه، برای کسی است که از گناهان کبیره اجتناب می کند).

## ۲۶- باب قیام رمضان و صلاة التراويح

۱- ج عن أبي هريرة قال: كان النبي (ص) يرغب في قيام رمضان من غير أن يأمرهم فيه بعزيمة فيقول: من قام رمضان إيماناً واحتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه فتوفي رسول الله

(۱) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۱۰۲

(۲) وسائل الشيعة / ج ۵ / ص ۱۷۱

(ص) وَ الْأَمْرُ عَلَيَّ ذَلِكَ ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلَيَّ ذَلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ وَ صَدْرًا مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ<sup>(۱)</sup>.

یعنی، روایت شده از ابی هریره که رسول خدا (ص) در قیام ماه رمضان مردم را رغبت میداد بدون آنکه ایشانرا بطور وجوب امر کند، و می فرمود: کسیکه از روی ایمان و به حساب خدا در ماه رمضان قیام (برای عبادت و نماز تراویح) کند گناها ن (صغیره) او مورد آمرزش است. پس رسول خدا (ص) وفات نمود و این امر بهمین کیفیت (بطور ترغیب) بود، سپس همچنین بود در خلافت ابوبکر و در ابتدای خلافت عمر.

۲- عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ لَيْلَةً مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ فَصَلَّى فِي الْمَسْجِدِ وَ صَلَّى رَجُلًا بِصَلَاتِهِ، فَأَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوا فَأَجْتَمَعَ أَكْثَرُ مِنْهُمْ فَصَلُّوا مَعَهُ، فَأَصْبَحَ النَّاسُ فَتَحَدَّثُوا فَكَثُرَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ مِنَ اللَّيْلِ الثَّلَاثَةِ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَصَلَّى فَصَلُّوا بِصَلَاتِهِ، فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةَ عَجَزَ الْمَسْجِدُ عَنْ أَهْلِهِ حَتَّى خَرَجَ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فَلَمَّا قَضَى الْفَجْرَ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ قَالَ: أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ لَمْ يَخَفْ عَلَيَّ مَكَانُكُمْ وَلَكِنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَتَعَجَزُوا عَنْهَا، فَتَوَفَّي رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَالْأَمْرُ عَلَيَّ ذَلِكَ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) شبی (از شبهای ماه رمضان) درون شب بیرون آمد، و نماز خواند در مسجد، و مردانی به نماز او نماز خواندند (یعنی اقتدا کردند و چنانکه از روایات استفاده میشود این شب، شب بیست و سوم بوده است)، پس مردم صبح کردند و در این باره گفتگو کردند، و (در شب دیگری که این نماز منعقد شد) مردم بیشتری اجتماع و با آنحضرت نماز خواندند، پس چون صبح شد، مردم پیرامون آنشب صحبت کردند و در سومین شب جمعیت اهل مسجد بسیار شد، پس رسول خدا (ص) بیرون آمد و نماز خواند و با او نماز خواندند، پس چون چهارمین شب (برای اقامه نماز تراویح) گردید، مسجد از کثرت اهل نماز ناتوان شد (و ظرفیت نداشت) تا اینکه

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۳ و ۶۴ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۵۸.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۴ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۶۵ و ۲۶۴.

پیغمبر (ص) برای نماز صبح خارج شد (و برای نماز تراویح بیرون نیامد) پس چون نماز فجر تمام شد، روبه مردم نمود و خطبه خواند سپس فرمود: همانا مکان شما و تنگی مسجد مرا نگران نکرد، ولیکن من (شب گذشته برای اقامه تراویح خارج نشدم بخاطر اینکه) ترسیدم آن نماز بر شما واجب شود، پس رسول خدا (ص) فوت نمود و موضوع بهمین منوال بود.

۳- عَنْ أَبِي ذَرٍّ (رض) قَالَ: صُمْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) رَمَازَانَ فَلَمْ يَقُمْ بَيْنَا شَيْئًا مِنَ الشَّهْرِ حَتَّى بَقِيَ سَبْعٌ فَقَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ فَلَمَّا كَانَتِ السَّادِسَةُ لَمْ يَقُمْ بِنَا فَلَمَّا كَانَتِ الْخَامِسَةُ قَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ شَطْرُ اللَّيْلِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْنَقَلْتَنَا قِيَامَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ، فَقَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَلَى مَعَ الْأِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ حَسِبَ لَهُ قِيَامَ اللَّيْلَةِ، قَالَ: فَلَمَّا كَانَتِ الرَّابِعَةُ لَمْ يَقُمْ، فَلَمَّا كَانَتِ الثَّلَاثَةُ جَمَعَ أَهْلَهُ وَ نِسَاءَهُ وَ النَّاسَ فَقَامَ بِنَا حَتَّى خَشِينَا أَنْ يَفُوتَنَا الْفَلَاحُ، قُلْتُ: وَ مَا الْفَلَاحُ؟ قَالَ: السُّحُورُ، ثُمَّ لَمْ يَقُمْ بِنَا بَقِيَةَ الشَّهْرِ (۱).

یعنی، از ابی ذر روایت شده که گفت: با رسول خدا (ص) روزه گرفتیم پس هیچگاه آنحضرت با ما (برای نماز تراویح) از آنماه قیام ننمود، تا اینکه هفت شب به پایان (ماه رمضان) باقی بود (یعنی، شب بیست و سوم)، پس آنحضرت در این شب برای ما (به نماز) ایستاد، تا اینکه ثلث شب گذشت، سپس چون شش شب (به پایان ماه باقی بود) یعنی، شب بیست و چهارم) آنحضرت با ما قیام ننمود، تا اینکه آنچه (از ماه رمضان) باقی بود پنج شب شد (یعنی شب بیست و پنجم)، که آنحضرت با ما قیام نمود تا نیمی از شب گذشت، (ابی ذر گوید) عرض کردم ای رسول خدا، چه خوب میشد اگر بقیه این شب را هم با ما عبادت مینمودی، حضرت فرمود: همانا مرد چون با امام نماز بخواند تا نمازش تمام شود، برای او قیام شب محسوب شود، گوید: پس چون چهار شب باقی بود (یعنی شب بیست و ششم) پیغمبر قیام (برای تراویح) ننمود، پس چون سه شب باقی بود (یعنی، شب بیست و

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۴ و ۶۵.

هفتم) آنحضرت اهل خود و زنان خود و مردم را جمع نمود و با ما به نماز ایستاد و آن را باندازه‌ای طول داد که ما ترسیدیم که فلاح و کامیابی از ما فوت شود، گفتیم، فلاح چه باشد؟ گفت: خوردن سحری. سپس آنحضرت بقیه ماه (وچند شب باقیمانده را برای نماز تراویح) قیام ننمود.

۴- ج عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ الْقَارِيِّ (رض) قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ (رض) لَيْلَةَ مِنْ رَمَضَانَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَإِذَا النَّاسُ أَوْزَاعٌ مُتَفَرِّقُونَ، يُصَلِّي الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَيُصَلِّي الرَّجُلُ فَيُطَلِّي بِصَلَاتِهِ الرَّهْطُ فَقَالَ عُمَرُ: إِنِّي أَرَى لَوْ جَمَعْتُ هَؤُلَاءِ عَلَى قَارِيٍّ وَاحِدٍ لَكَانَ أَمْثَلًا، ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلَى أَبِي بِنِ كَعْبٍ، ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ لَيْلَةَ أُخْرَى وَ النَّاسُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ قَارِيَّتِهِمْ قَالَ عُمَرُ: نِعَمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ وَالَّتِي بِنَاءُ مَوْنٍ عَنْهَا أَفْضَلُ مِنَ الَّتِي يَقُومُونَ بِرِيدِ آخِرِ اللَّيْلِ وَ كَانِ النَّاسُ يَقُومُونَ أَوْلَهُ (!)

یعنی، از عبد الرحمن بن عبد القاری روایت شده که گفت: شبی از شبهای ماه رمضان با عمر بن خطاب به طرف مسجد بیرون آمدم پس مردم (برای نماز تراویح) گروهها و جماعات جدا جدا بودند که مثلاً مردی برای خود نماز میخواند، و مردی نماز میخواند و معدودی با او نماز میخواندند (واقتهاء می‌کردند)، پس عمر گفت: من چنین می‌اندیشم که اگر همه ایشان را بریک امام وقاری جمع نمایم، بهتر است، سپس به اینکار تصمیم گرفت، پس ایشان را بر ابی بن کعب (قاری و حافظ بزرگ قرآن) جمع نمود (و او را امام مردم قرارداد) (راوی گوید) سپس با عمر شب دیگری بیرون آمدم در حالیکه مردم با نماز قاری خود نماز میخواندند، عمر گفت: چه خوب بدعتی (و امر بدیعی) است، این عمل، ولی اگر میخواستیدند و قیامشان (برای این عمل) در آخر شب بود بهتر از این بود که اول شب قیام کنند، (و چنانکه در آثار آمده، عادت عمر این بود که در آخر شب، به تهجد و عبادت می‌پرداخت و لذا میل داشت که ایشان نیز چنین کنند،) ولی

مردم در اول شب قیام مینمودند .

(مؤلف گوید: بدعتی که در این روایت آمده و عمر گفته بمعنای بدعت مذموم یعنی بدعت مقابل سنت رسول<sup>ص</sup> نیست، زیرا چنانکه در کتب عامه آمده و در آثار ایشان مشحون است، نماز تراویح سنت رسول<sup>ص</sup> است، و رسول خدا<sup>ص</sup> آنرا بجماعت اقامه نمود، بنا بر این بدعت در اینجا بمعنای لغوی خود یعنی، امری بدیع می باشد، زیرا پس از رسول خدا<sup>ص</sup> بشکل جماعت واحد اقامه نمی شد تا آنکه عمر چنین نمود، و مانند زمان رسول خدا<sup>ص</sup> مردم را بجماعت واحد، متحد نمود).

۵- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>ع</sup> قَالَ: إِنَّ أَصْحَابَنَا هَؤُلَاءِ أَبَوْا أَنْ يَزِيدُوا فِي صَلَاتِهِمْ فِي رَمَضَانَ، وَقَدْ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي صَلَاتِهِ فِي رَمَضَانَ (۱)

یعنی، از حضرت صادق<sup>ع</sup> روایت شده که گفت: همانا یاران ما از اینکه در ماه رمضان در نماز خود زیاد کنند خودداری می کنند در حالیکه رسول خدا (ص) در نماز خود در ماه رمضان زیاد نمود.

۶- ش عَنْ أَبِي بصير أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَيَزِيدُ الرَّجُلُ فِي رَمَضَانَ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَدَّزَادَ فِي رَمَضَانَ فِي الصَّلَاةِ (۲)

یعنی، از ابوبصیر روایت شده که از حضرت صادق<sup>ع</sup> سؤال نمود: آیا مرد در ماه رمضان در نماز خود زیاد می کند؟ فرمود: بلی، البته رسول خدا (ص) در ماه رمضان در نماز زیاد نمود.

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ <sup>ع</sup> قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَزِيدُ فِي صَلَاتِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ صَلَّى بَعْدَهَا فَيَقُومُ النَّاسُ خَلْفَهُ فَيَدْخُلُ وَيَدْعُهُمْ ثُمَّ يَخْرُجُ أَيْضًا فَيَجِئُونَ فَيَقُومُونَ خَلْفَهُ فَيَدْخُلُ وَيَدْعُهُمْ مَرَّةً (۳)

یعنی، از حضرت صادق<sup>ع</sup> روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان نماز خود را زیادتر مینمود، چون نماز عشا را میخواند، پس از آن نماز بجا می آورد، پس مردم پشت سرا و به نماز می ایستادند، او وارد

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷۴ .

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷۴ .

(۳) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷۴ و ۱۹۲ .

خانه میشد و ایشان را رها میکرد، سپس بیرون می آمد بازمی آمدند پشت سراو، او وارد خانه میشد و ایشان را رها میکرد مکرر.

۸- ش إِنَّهُ لَمَّا دَخَلَتْ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمَغْرِبَ، ثُمَّ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ الَّتِي كَانَ يُصَلِّيهِنَّ بَعْدَ الْمَغْرِبِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ، ثُمَّ صَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، فَلَمَّا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ صَلَّى الرَّكَعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ كَانَ يُصَلِّيهِمَا بَعْدَ الْعِشَاءِ وَ هُوَ جَالِسٌ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ قَامَ فَصَلَّى اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً، ثُمَّ دَخَلَ بَيْتَهُ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ النَّاسُ وَ نَظَرُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ قَدْ زَادَ فِي الصَّلَاةِ حِينَ دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ سَأَلُوهُ عَنْ ذَلِكَ فَأَخْبَرَهُمْ أَنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ صَلَّى بِهَا لِفَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ عَنِ الشُّهُورِ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ اللَّيْلِ قَامَ يُصَلِّي فَاصْطَفَى النَّاسَ فَانْصَرَفَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَذِهِ الصَّلَاةَ نَافِلَةٌ وَلَنْ تَجْتَمَعَ لِلنَّافِلَةِ فَلْيَصِلْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ وَحَدَّهُ، وَلْيَقُلْ مَا عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ كِتَابِهِ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لِاجْتِمَاعِهِ فِي نَافِلَةٍ فَافْتَرَقَ النَّاسُ فَصَلَّى كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ عَلَى حِيَالِهِ لِنَفْسِهِ، فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ تِسْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ اغْتَسَلَ حِينَ غَابَتِ الشَّمْسُ وَ صَلَّى الْمَغْرِبَ يَغْتَسِلُ فَلَمَّا صَلَّى الْمَغْرِبَ وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ الَّتِي كَانَ يُصَلِّيهَا فِيمَا مَضَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ دَخَلَ إِلَى بَيْتِهِ، فَلَمَّا أَقَامَ يَلَالُ الصَّلَاةَ لِلْعِشَاءِ الْآخِرَةِ خَرَجَ النَّبِيُّ (ص) فَصَلَّى بِالنَّاسِ، فَلَمَّا انْفَتَلَ صَلَّى الرَّكَعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ كَمَا كَانَ يُصَلِّي كُلَّ لَيْلَةٍ، ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى مِائَةَ رَكْعَةٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ صَلَّى صَلَاتَهُ الَّتِي كَانَ يُصَلِّي كُلَّ لَيْلَةٍ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ أَوْتَرَ، فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَعَلَ كَمَا كَانَ يَفْعَلُ قَبْلَ ذَلِكَ مِنَ اللَّيَالِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ اغْتَسَلَ حِينَ غَابَتِ الشَّمْسُ وَ صَلَّى فِيهَا مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ، فَلَمَّا كَانَ فِي لَيْلَةِ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَصَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ، وَ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ رَكْعَةً بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةَ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ اغْتَسَلَ أَيْضًا كَمَا اغْتَسَلَ فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ وَ اغْتَسَلَ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ،

ثُمَّ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، قَالُوا: فَسَأَلُوا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ صَلَاةِ الْخَمْسِينَ مَا خَالَهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُصَلِّي هَذِهِ الصَّلَاةَ وَ يُصَلِّي صَلَاةَ الْخَمْسِينَ عَلَى مَا كَانَ يُصَلِّي فِي غَيْرِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهَا شَيْئًا! (۱)

یعنی، در روایتی (که از حضرت صادق و حضرت رضا نقل شده) آمده که: چون اولین شب ماه رمضان داخل میشد، رسول خدا (ص) نماز مغرب را ادا میکرد، سپس چهار رکعتی که همیشه میخواند پس از مغرب، و سپس هشت رکعت بجا می‌آورد، پس چون نماز عشا را خواند دو رکعت نشستند آنرا میخواند و می‌ایستاد و دوازده رکعت بجا می‌آورد، سپس داخل خانه خود میشد، پس چون مردم چنین دیدند و بها و توجه کردند که در نماز خود هنگام ورود ماه رمضان زیاد نموده سؤال کردند از این عمل؟ حضرت او و ایشانرا خبر داد که این نماز برای برتری ماه رمضان است، پس چون شب شد حضرت ایستاد نماز بخواند، مردم پشت او صف کشیدند، حضرت برگشت و فرمود: ای مردم این نماز نافله است و هرگز برای نماز نافله جماعت نیست، هر یک از شما خودش نماز بخواند و آنچه از کتاب خدا دانسته در نمازش بخواند، بدانید در نافله جماعت نیست، پس مردم متفرق شدند و هر یک از ایشان نماز خود را خواند در اطراف او، پس چون شب نوزدهم شد، هنگام غروب خورشید غسل کرد و نماز مغرب و چهار رکعت بعد از آنرا که هر شب میخواند خواند و داخل خانه خودش، و چون بلال برای نماز عشاء اعلام کرد، رسول خدا (ص) بیرون آمد و نماز عشا و دو رکعت نافله نشستند آنرا بجا آورد چنانکه هر شب بجا می‌آورد، سپس برخاست و صد رکعت نماز خواند در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید خواند و چون فارغ شد نمازی را که همیشه در آخر شب میخواند، بجا آورد و نماز وتر را خواند. پس چون شب بیستم شد همانکاری که قبل از آن در شبهای ماه رمضان میکرد انجام داد که هشت رکعت پس از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از عشاء بجا آورد، پس چون شب بیست و یکم

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۸۱ و ۱۸۲.



شد هنگام غروب خورشید غسل کرد و در آن شب مانند شب نوزدهم عمل کرد، و چون شب بیست و دوم گردید در نماز خود زیاد کرد که هشت رکعت بعد از مغرب و بیست و دو رکعت بعد از عشاء بجا آورد، و چون شب بیست و سوم گردید غسل نمود مانند شب نوزدهم و مانند همان شب عمل کرد. پس مردم از حضرت صادق<sup>ع</sup> سؤال کردند که نماز پنجاه گانه چگونه است در ماه رمضان؟ فرمود: رسول خدا (ص) این نمازها که ذکر شد بجا می آورد و نماز پنجاه گانه را نیز بجا می آورد چنانکه در غیر ماه رمضان بجا می آورد و از آنها کم نمی کرد. (مؤلف گوید: و بمضمون روایت فوق، روایت دیگری نیز در وسائل از رسول خدا نقل شده<sup>(۱)</sup> که آن حضرت در دهه اول ماه رمضان از نماز مستحبی بجماعت نهی، و آنرا بدعت نامیده است. ولی باید دانست آنچه در کتب عامّه راجع به نماز تراویح ذکر شده آنستکه پیغمبر (ص) در دهه سوم ماه رمضان بود که نماز تراویح را سنت نهاد، و مردم را به خواندن آن در ماه رمضان تشویق فرمود. بهر حال ما آنچه روایت درباره نماز تراویح در کتاب تاج و وسائل ذکر شده آوردیم تا خود خواننده در این مورد قضاوت کند. و اما علت آنکه این نماز را تراویح گویند برای آنستکه اهل مکه هنگام اقامه این نماز، پس از هر چهار رکعت به طواف می پردازند و استراحت می کنند).

## ۲۷-باب عدد قیام رمضان

۱- ج  
عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَنَّهُ سَأَلَ عَائِشَةَ: كَيْفَ كَانَتْ صَلَاةُ رَسُولِ اللَّهِ فِي رَمَضَانَ؟ فَقَالَتْ: مَا كَانَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلَا فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً يُصَلِّي أَرْبَعًا فَلَاتَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا فَلَاتَسَلُ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطَوْلِهِنَّ ثُمَّ يُصَلِّي ثَلَاثًا فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَنَا مُمْ قَبْلَ أَنْ تُوتِرَ؟ قَالَ: يَا عَائِشَةُ، إِنَّ عَيْنِي تَنَامُ وَ لِأَيْنَامِ قَلْبِي<sup>(۲)</sup>

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹۲  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۶

یعنی، روایت شده از ابی سلمة بن عبد الرحمن که او سؤال کرد از عایشه که نماز رسول خدا (ص) در ماه رمضان چگونه بود؟ عایشه گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان و غیر آن برپا زده رکعت نمی افزود، چهار رکعت میخواند که از نیکویی و طول آنها پرسش مکن (یعنی آنرا در کمال نیکویی و حسن و خشوع بجا می آورد و طولانی مینمود)، سپس چهار دیگر بجا می آورد که سپس چقدر آنها را نیکو و طولانی مینمود، سپس سه رکعت بجا می آورد، گفتم: یا رسول الله آیا قبل از خواندن نماز وتر میخوانی، فرمود: ای عایشه دو چشم من میخوانند و دل من نمیخواهد.

۲- ش کان رسول الله (ص) یصلی فی رمضان ثلاث عشر رکعة، منها الوتر و رکعتا الصبح بعد الفجر (۱).

یعنی، رسول خدا (ص) در ماه رمضان سیزده رکعت (نماز در شب میخواند) که از جمله آن بود نماز وتر و دو رکعت صبح پس از فجر.

۳- ش عن ابن سنان قال: سألت أبا عبد الله ۴ عن الصلاة في شهر رمضان، فقال: ثلاث عشرة ركعة، منها الوتر و ركعتان قبل صلاة الفجر كذلك كان رسول الله (ص) يصلی (۲).

یعنی، ابن سنان گوید: از حضرت صادق ۴ از نماز در ماه رمضان سؤال کردم؟ فرمود: سیزده رکعت است که از جمله آن نماز وتر و دو رکعت قبل از نماز فجر است، اینچنین رسول خدا (ص) نماز میخواند.

۴- ش عن الصادق ۴ قال: مما كان رسول الله (ص) يصنع في شهر رمضان كان يتنفل في كل ليلة و يزيد على صلاته التي كان يصليها قبل ذلك منذ أول ليلة إلى تمام عشرين ليلة، في كل ليلة عشرين ركعة، ثماني ركعات منها بعد المغرب و اثنتي عشرة منها بعد العشاء الآخرة، و يصلی في العشر الأواخر في كل ليلة ثلاثين ركعة اثنتي عشرة منها بعد المغرب، و ثمانی عشرة بعد العشاء الآخرة و يدعو و يجتهد اجتهادا شديدا، وكان يصلی

(۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹۰.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۹۰.

فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِائَةً رُكْعَةً، وَيَصَلِّي فِي لَيْلَةٍ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِائَةً رُكْعَةً وَيَجْتَهِدُ فِيهِمَا<sup>(۱)</sup>

یعنی، حضرت صادق ع گفت: از جمله کارهائی که رسول خدا (ص) در ماه رمضان بجا می آورد این است که در هر شبی نافله میخواند و بیست نمازهائی که قبل از ماه رمضان میخواند از اول ماه رمضان تا بیست شب در هر شبی بیست رکعت میافزود، هشت رکعت از آنها پس از مغرب، و دوازده رکعت بعد از عشاء، و رسول خدا (ص) در دهه آخر در هر شبی سی رکعت بجا می آورد، دوازده رکعت بعد از مغرب و هیجده رکعت بعد از عشاء، و دعا میکرد و کوشش بسیاری مینمود، و در شب بیست و یکم صد رکعت بجا می آورد و در شب بیست و سوم صد رکعت، و در این دو شب کوشش مینمود.

۵-ج كَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ فِي زَمَنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي رَمَضَانَ بِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ رُكْعَةً<sup>(۲)</sup> وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَوْ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ: مَا رَأَاهُ الْمُؤْمِنُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ وَمَا رَأَاهُ الْمُسْلِمُونَ قَبِيحًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ قَبِيحٌ<sup>(۳)</sup>

یعنی، مردم در زمان عمر بن خطاب در (شبهای ماه) رمضان قیام کرده و بیست و سه رکعت نماز میخواندند. و از پیغمبر (ص) یا ابن مسعود روایت شده که: آنچه مؤمنین آنرا نیکو به بینند پس آن نزد خدا نیز نیکو باشد، و آنچه آنرا قبیح به بینند، پس آن نزد خدا نیز قبیح است. (مراد از مؤمنین کسانی که از قرآن و سنت رسول ص مطلع و به این دو کاملاً آشنا باشند).

۶-ش عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ص عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ إِسْرَافِيلَ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: مَنْ صَلَّى فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرَ رُكْعَاتٍ يَفْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاِتْحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَقُلُّهُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَمَرَّاتٍ وَيَقُولُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ عَشْرَمَرَّاتٍ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَيَتَشَهَّدُ فِي كُلِّ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۸۰  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۶  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۶۷

يَسْلِمُ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ آخِرِ عَشْرِ رَكَعَاتٍ قَالَ بَعْدَ فَرَغِهِ مِنَ التَّسْلِيمِ:  
 اسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَلْفَ مَرَّةٍ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ سَجَدَ وَ يَقُولُ فِي  
 سُجُودِهِ: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ  
 الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ  
 اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ تَقَبَّلْ مِنَّا صَلَاتَنَا وَ صِيَامَنَا وَ قِيَامَنَا»، فَإِنَّهُ  
 لَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ (۱)!

یعنی، ابن مسعود از رسول خدا (ص) از جبرئیل از اسرافیل از  
 خدای عزوجل روایت کرده که فرمود: کسیکه در شب آخر ماه رمضان  
 ده رکعت نماز کند، در هر رکعتی فاتحه کتاب و ده مرتبه توحید را  
 بخواند، و در رکوع و سجودش ده مرتبه تسبیحات اربعه را بگوید و  
 در هر دو رکعت تشهد گوید، سپس سلام دهد و چون از تمام ده رکعت  
 فارغ شد بعد از فراغت از سلام هزار مرتبه استغفار کند، و چون از  
 استغفار فارغ شد سجده کند و در سجده بگوید: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ... تا  
 آخر قیامنا»، پس او سرازجده بر ندارد تا آنکه آمرزش الهی  
 شامل حالش گردد.

## ۲۸-باب فضل العمل و القيام فی لیلۃ القدر

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ  
 وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ (۲)  
 وَقَالَ: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ مَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ  
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تَنزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ  
 رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۳)

۱- جوش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ قَامَ لَيْلَةَ  
 الْقَدْرِ إِيمَانًا وَ اجْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ (۴). وَ كَانَ  
 رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُحْيِيهِ (۵)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۸۹.  
 (۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۸۵. (۳) قرآن / سوره قدر / آیات : ۱ تا ۵.  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۰. وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۶۲.  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۶۲.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه شب قدر را برپا دارد از روی ایمان و به حساب خدا گذاشتن، گناهی که مقدم داشته برای او آمرزیده شود. و رسول خدا (ص) آنرا احیاء مینمود. (مقصود از این گناه، گناه صغیره است.) **وَبِأَكْبَرِهِ بَاتِرِبِهِ**

بدانکه خدا فرموده: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»، و فرموده: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، یعنی، «ماه رمضان، ماهی است که در آن قرآن نازل شد»، «البتّه قرآن را در شب قدر نازل نمودیم». وبخاطر نزول قرآن در ماه رمضان، این ماه، دارای عظمت و فضیلت بزرگ و برکات است. والبتّه منظور از نزول قرآن در ماه رمضان، نزول همه آن نیست، بلکه مراد ابتدای نزول قرآن و شروع آن است که در این ماه می باشد. و کلمه قرآن به بعضی از آیات قرآن نیز اطلاق می شود مثلاً خدا که می فرماید: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أُنصِتُوا»<sup>(۱)</sup> هرگاه قرآن قرائت شد، پس گوش بدهید و ساکت باشید، منظور قرائت همه قرآن نیست، بلکه مقصود آنستکه چون آیاتی از قرآن قرائت گردید به آن گوش فرادهید. بنا بر این بعثت پیغمبر و شروع نزول قرآن در شب قدر و در ماه رمضان بوده است که اولین آیات نازل شد و حضرت محمد ص به رسالت رسید. چنانکه از حضرت رضا ع نیز نقل شده که فرمود: «إِنَّمَا جُعِلَ الصَّوْمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ خَاصَّةً دُونَ سَائِرِ الشُّهُورِ، لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ الْقُرْآنَ إِلَى أَنْ قَالَ: وَ فِيهِ نُبِئَ مُحَمَّدٌ ص، وَ فِيهِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ»<sup>(۲)</sup> همانا روزه در ماه رمضان واجب شد نه ماههای دیگر، زیرا ماه رمضان ماهی است که قرآن نازل شد و محمد ص به نبوت رسید و در این ماه شب قدر است.»

۲- ج **عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنَّهُ أَرَى أَعْمَارَ النَّاسِ قَبْلَهُ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَكَأَنَّهُ تَقَاصَرُ أَعْمَارِ أُمَّتِهِ الْأَيُّبِلُغُوا مِنَ الْعَمَلِ مَا بَلَغَ غَيْرُهُمْ فِي طَوْلِ الْعُمُرِ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»<sup>(۳)</sup>**

- (۱) قرآن / سوره اعراف / آیه ۲۰۴.  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷۳.  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۰.

یعنی، از پیغمبر (ص) روایت شده که عمرهای مردم قبل از خودش را به او ارائه دادند، پس گویا عمرهای امت خود را کوتاه دید که نمی‌رسیدند به اعمالی که غیر این امت در طول عمر به آن رسیدند، پس خدا او را شب قدر عطا کرد که بهتر است از هزار ماه.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۴ قَالَ: أَرَى رَسُولَ اللَّهِ (ص) فِي مَنَامِهِ بَنِي أُمِّيَّةَ يَصْعَدُونَ عَلَى مِنْبَرِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ يُظَلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ، فَأَصْبَحَ كَثِيبًا حَزِينًا، «إِلَى أَنْ قَالَ:» فَأَنْزَلَ عَلَيْهِ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...» جَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِبَنِيهِ (ص) خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مُلْكِ بَنِي أُمِّيَّةَ (۱)

یعنی، روایت شده از حضرت صادق (ع) که گفت: «رسول خدا (ص) در خواب دید که بنی امیه بر منبر او و پس از او با لامی روند و مردم را از راه راست گمراه و به قهقری می‌برند، پس آنجناب صبح نمود در حال افسردگی و غصه دار، تا اینکه فرمود: «پس سوره قدر بر آن حضرت نازل شد که خدا شب قدر را برای رسول خود (ص) بهتر از هزار ماه ملک بنی امیه قرار داد.» (این حدیث اشکالاتی دارد از جمله اینکه هزار ماه ملک بنی امیه چندان خیر و خوبی‌نداشت تا شب قدر بهتر از آن باشد. و به علاوه قیام بزرگانی چون حسین بن علی و زید بن علی گویای آنست که حدیث فوق که حکومت بنی امیه را تا ۱۰۰۰ ماه قطعی می‌شمرد، مجعول می‌باشد و لا ایشان قیامی علیه آنان نمی‌کردند. حدیث زیر نیز دارای چندین اشکال است).

۴- ش عَنْ النَّبِيِّ ۵ قَالَ: قَالَ مُوسَى (ع): إِلَهِي أُرِيدُ قُرْبَكَ، قَالَ: قُرْبِي لِمَنْ اسْتَيْقَظَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ رَحْمَتَكَ، قَالَ: رَحْمَتِي لِمَنْ رَحِمَ الْمَسَاكِينَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ الْجَوَّازَ عَلَى الصِّرَاطِ، قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ تَصَدَّقَ بِمَدَقَةٍ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ وَ شِمَارَهَا، قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ النِّجَاةَ مِنَ النَّارِ، قَالَ: ذَلِكَ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، قَالَ: إِلَهِي أُرِيدُ رِضَاكَ، قَالَ: رِضَائِي لِمَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۲)

یعنی، روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: موسی (ع) گفت: خدایا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۵۷

(۲) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷۳

قرب تورا میخواهم، خدایتعالی فرمود: قرب من برای کسی است که شب قدر بیدار باشد، گفت: خدایا رحمتت را میخواهم، فرمود: رحمت من برای کسی است که شب قدر به مساکین ترحم کند، گفت: خدایا گذشتن از صراط را میخواهم، خدایتعالی فرمود: این درخواست برای کسی است که صدقه‌ای در شب قدر بدهد، گفت: خدایا از درختان و میوه‌های بهشت میخواهم، فرمود: این درخواست برای کسی است که در شب قدر درخواست آمرزش کند، گفت: خدایا رضای تورا میخواهم، خدا فرمود: این برای کسی است که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْقَدْرِ رَكَعَتَيْنِ فَقَرَّ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتَحَهُ الْكِتَابَ مَرَّةً وَقُلُّهُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا قَرَعَ يَسْتَغْفِرُ سَبْعِينَ مَرَّةً فَمَا زَادَ لِأَيُّوْمٍ مِنْ مَقَامٍ يَهْتَدِي يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ وَ لِأَبْوَيْهِ وَ بَعَثَ اللَّهُ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ لَهُ الْحَسَنَاتِ إِلَى سَنَةِ أُخْرَى، وَ بَعَثَ اللَّهُ مَلَائِكَةً إِلَى الْجَنَانِ يَغْرَسُونَ الْأَشْجَارَ وَ يَبْنُونَ الْقَمُورَ وَ يَجْرُونَ لَهُ الْأَنْهَارَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى ذَلِكَ كُلَّهُ (۱)

یعنی، روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه شب قدر دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعتی سوره حمد را یک مرتبه و توحید را هفت مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه و یا زیادتر استغفار کند، از جای خود برنخیزد تا اینکه خدا او و والدین او را بیامرزد و ملائکه‌ای را برانگیزاند که حسنات او را بنویسند تا سال دیگر، و ملائکه‌ای را بفرستند بهشت تا برای او درختها فرو نشانند و بناها بنا کنند و نهرا جاری سازند و از دنیا بیرون نرود تا تمام اینها را ببیند. (مؤلف گوید: آنچه از غُلُو در این حدیث و مانند آن آمده برخواننده پوشیده نیست).

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ يَطَّلِي فِيهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ سَجْدَةٍ شَجْرَةٌ فِي الْجَنَّةِ لَوْ يَسِيرُ الرَّكَّابُ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ لَا يَقْطَعُهَا، وَ بِكُلِّ رَكَعَةٍ

بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ دُرٍّ وَ يَأْقُوتٍ وَ زَبْرَجَدٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: درهای آسمان در شب قدر با زگرده، پس بنده ای نیست که نماز بخواند در این شب مگر این که خدا بتعالی برای هر سجده ای در بهشت درختی برای او مقرر دارد که اگر سواره در سایه آن صدسال برود آنرا تمام نکند و به هر رکعتی خانه ای در بهشت از دُرّ و یاقوت و زبرجد برای او بنا کند.

## ۲۹-باب أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ

### من رمضان

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ شَدَّ مِئْزَرَهُ وَ أَحْيَا لَيْلَهُ وَ أَيَقَطَّ أَهْلَهُ . وَ فِي رِوَايَةٍ: كَانَ يَجْتَهِدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مَا لَا يَجْتَهِدُ فِي غَيْرِهَا . وَيَقُولُ: تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ (۲)

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) چون داخل دهه آخر (ماه رمضان) میشد کمر خود را محکم می بست و شب را احیا میکرد و خانواده اش را بیدار مینمود، و در روایتی، جدیّت میکرد در دهه اواخر از رمضان آن اندازه که در غیر آن جدیّت نمی کرد. و می فرمود: شب قدر را در دهه آخر ماه رمضان بطلبید.

۲- ش عَنْ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ شَدَّ الْمِئْزَرَ وَ اجْتَنَبَ النِّسَاءَ وَ أَحْيَى اللَّيْلَ وَ تَفَرَّغَ لِلْعِبَادَةِ (۳) وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَ الصَّادِقُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَفْتَسِلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ (۴)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت است که: رسول خدا (ص) چون داخل دهه اواخر ماه رمضان میشد کمر خود را محکم می بست و از زنان اجتناب مینمود و شب را زنده میداشت و خود را مهیا برای عبادت میکرد. و در روایتی حضرت صادق فرمود: رسول خدا (ص) در دهه اواخر ماه

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۵ / ص ۱۷۳  
 (۲) التاج الجامع للأصول / ج ۲ / ص ۸۱ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۴۷ و ۲۵۳ و ۲۵۴  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۲۵  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۵۳ و مسندا لاما مزید / ص ۲۰۲ و ۲۰۳



رمضان در هر شب غسل مینمود .

۳- ج قَالَ ابْنُ عُمَرَ: إِنَّ رِجَالَ امْنِ اصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) اُرُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْمَنَامِ فِي السَّبْعِ الْاَوَاخِرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اَرَى رُؤْيَاكُمْ قَدْ تَوَاطَاَتُ فِي السَّبْعِ الْاَوَاخِرِ، فَمَنْ كَانَ مُتَحَرِّبَهَا فَلْيَتَحَرَّهَا فِي السَّبْعِ الْاَوَاخِرِ (۱)

یعنی، ابن عمر گوید: مردانی از اصحاب پیغمبر (ص) در خواب ارائه شدند که شب قدر در هفته آخر است، پس رسول خدا (ص) فرمود: می بینم که خواب شما موافق است در هفته آخر، پس هر کس جویای شب قدر است، آنرا جویا شود در هفته آخر.

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: تَحَرَّوْا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي الْوَتْرِ مِنَ الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ (۲)

یعنی، عایشه روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود: شب قدر را جویا شوید در طاق از دهه آخر رمضان .

۵- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: التَّمَسُّوْهَا فِي الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فِي ثَاثِعَةِ تَبَقِي، فِي سَابِعَةِ تَبَقِي، فِي خَامِسَةِ تَبَقِي (۳)

یعنی، روایت شده از ابن عباس که رسول خدا (ص) فرمود: شب قدر را بجوئید در دهه آخر رمضان، در نهمین شبی که باقی مانده، در هفتمین شبی که باقی مانده، در پنجمین شبی که باقی مانده است .

۶- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ قَالَ: اِنْ رَسُولَ اللَّهِ (ص) اَعْتَكَفَ الْعَشْرَ الْاَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ ثُمَّ اَعْتَكَفَ الْعَشْرَ الْاَوْسَطَ فِي قُبَّةِ تَرْكِيْفِ عَلِيٍّ سَدَّتْهَا حَصِيْرٌ قَالَ: فَاَخَذَ الْحَصِيْرَ بِيَدِهِ فَفَنَحَّاهَا فِي نَاحِيَةِ الْقُبَّةِ ثُمَّ اَطَّلَعَ رَاسَهُ فَكَلَّمَ النَّاسَ فَدَنُّوْا مِنْهُ فَقَالَ: اِنِّي اَعْتَكَفْتُ الْعَشْرَ الْاَوَّلَ اَلْتَمِسُ هَذِهِ اللَّيْلَةَ ثُمَّ اَعْتَكَفْتُ الْعَشْرَ الْاَوْسَطَ ثُمَّ اَتَيْتُ فَقِيْلَ لِي: اِنَّهَا فِي الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ. فَمَنْ اَحَبَّ مِنْكُمْ اَنْ يَّعْتَكِفَ فَلْيَعْتَكِفْ، فَاَعْتَكَفَ النَّاسُ مَعَهُ، قَالَ: وَ اِنِّي اُرِيْتُهَا لَيْلَةَ وَتْرِ وَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۱  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۱ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۴۷  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۱ و ۸۲

أَنِّي أُسْجِدُ صَبِيحَتَهَا فِي طِينٍ وَ مَاءٍ ، فَأَصْبَحُ مِنْ لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعَشْرِينَ  
 لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فَمَطَرَتِ السَّمَاءُ فَوَكَفَ الْمَسْجِدُ فَأَبْصُرَتِ الطِّينُ وَالْمَاءُ  
 فَخَرَجَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ الصُّبْحِ وَ جَبِينُهُ وَ رَوْثُهُ أَنْفَهُ فِيهِمَا  
 الطِّينُ وَ الْمَاءُ ، وَ إِذَا هِيَ لَيْلَةٌ إِحْدَى وَعَشْرِينَ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ (۱)  
 وَ فِي رِوَايَةٍ : أَرَيْتُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ ثُمَّ أَنْسَيْتُهَا وَ أَرَانِي صُبْحَهَا  
 أُسْجِدُ فِي مَاءٍ وَ طِينٍ قَالَ : فَمَطَرْنَا لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ (۲)

یعنی، از ابی سعید روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) دهه اول ماه  
 رمضان را اعتکاف کرد، سپس ده روز دوم را اعتکاف نمود در یک  
 خیمه ترکی که بر دربان آن حصیری بود، پس بآدمت خود حصیرا گرفت و  
 به یک طرف قبّه دور نمود، سپس سر خود را بیرون آورد و با مردم  
 سخن گفت، مردم بها و نزدیک شدند، پس فرمود: من ده روز اول را  
 اعتکاف کردم، این شب قدر را میخواستم، سپس ده روز وسط را  
 اعتکاف کردم، سپس خبر داده شدم و به من گفته شد که شب قدر در  
 ده روز آخر است، پس هر کس از شما دوست دارد اعتکاف کند، پس  
 مردم با آنحضرت اعتکاف کردند، فرمود که: به من ارائه شده که  
 آن شب طاق است، و من صبح آن شب سجده میکنم در بالای گل و آب،  
 پس صبح شب بیست و یکم شد، برای نماز آماده شد و آسمان بارید و  
 از سقف مسجد آب جاری شد، پس گل و آب را دیدم، پس حضرت  
 هنگامیکه از نماز فارغ شد بیرون رفت و پیشانی و سردماغش  
 آب و گل بود، ناگاه معلوم شد که شب بیست و یکم از ده شب و آخر  
 شب قدر است. و در روایتی شب قدر به من ارائه شد، سپس آنرا  
 نسیان کردم و به من ارائه شد که صبح آن سجده میکنم در میان  
 آب و گل، پس باران باید و ما بارانی شدیم در شب بیست و سوم.

۷- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اَعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي شَهْرِ  
 رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ اَعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوَسْطِيِّ  
 ثُمَّ اَعْتَكَفَ فِي الثَّلَاثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ (ص) يَعْتَكِفُ  
 فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ (۳)

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۴۸ و ۲۴۹ .  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۴۷ .

یعنی، از حضرت صادق<sup>ع</sup> روایت است که گفت: رسول خدا (ص) در ماه رمضان اعتکاف کرد در دهه اول، سپس اعتکاف کرد در دهه وسطی، سپس اعتکاف کرد در مرتبه سوم در دهه اوایل و آخر، سپس همواره اعتکاف میکرد در دهه اوایل.

۸- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>ع</sup> يَقُولُ: إِنَّ الْجَهَنِّيَّ أَتَى النَّبِيَّ (ص)، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ لِي إِبِلًا وَ غَنَمًا وَ عَمَلَةً فَأَجِبُّ أَنْ تَأْمُرَنِي بِلَيْلَةٍ أَدْخُلُ فِيهَا فَأَشْهَدُ الصَّلَاةَ وَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَدَعَاهُ رَسُولُ اللَّهِ فَسَارَهُ فِي أَذُنِهِ، فَكَانَ الْجَهَنِّيُّ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ دَخَلَ بِإِبِلِهِ وَ غَنَمِهِ وَ أَهْلِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ<sup>(۱)</sup>!

یعنی، روایت از حضرت باقر<sup>ع</sup> است که میفرمود: عربی از طایفه بنی جهینه خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله، مرا شتر و گوسفند و کارمندانی است، و دوست دارم امر بفرماید شیعی وارد مدینه شوم و به نماز حاضر کردم و این در ماه رمضان بود، حضرت او را دعوت کرد و در گوش او پنهانی چیزی گفت، پس این مرد جهنی هرشب بیست و سوم میشد با شتر و گوسفند و اهل خود وارد مدینه میشد.

((مؤلف گوید: ابلاغ رسول خدا (ص) به همه مردم بطور مساوی بوده و چیزی را مخفیانه به کسی ابلاغ نکرده که از دیگران پنهان کند، چنانکه خدا در قرآن فرموده: «فَقُلْ أَذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ»<sup>(۲)</sup>. (ای محمد) بگو که من شما را اعلام کردم بدون تفاوت... بنا بر این ابلاغ آنحضرت به علی<sup>ع</sup> و ابی ذر و سایر صحابه و مردم بطور مساوی بوده است)).

۹- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>ع</sup>: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) سُئِلَ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ فَقَامَ خَطِيبًا فَقَالَ بَعْدَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمَّا بَعْدُ: فَاتَّكُمُ سَأَلْتُمُونِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ لَمْ أَطُوهَا عَنْكُمْ لِأَنِّي لَمْ أَكُنْ بِهَا عَالِمًا، أَعْلَمُوا أَيُّهَا النَّاسُ أَنَّهُ مَنْ وَرَدَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَ هُوَ صَحِيحٌ فَصَامَ نَهَارَهُ وَ قَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَ وَاظَبَ عَلَى صَلَاتِهِ وَ هَجَرَ إِلَى جُمُعَتِهِ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۶۲ و ۲۶۳ / والمصنف / ج ۴ / ص ۲۵۰.

(۲) قرآن / سورة انبیاء / آیه: ۱۰۹.

وَعَدَا إِلَى عِيْدِهِ فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَفَازَ بِجَائِزَةِ السَّرْبِ  
عَزَّوَجَلَّ (۱)

یعنی، روایت شده از حضرت باقر<sup>ع</sup> که از رسول خدا (ص) سؤال شد از شب قدر، پس رسول خدا (ص) ایستاد و خطبه خواند و پس از ثنای بر خدای عزَّوَجَلَّ فرمود: اَمَّا بَعْدُ، همانا شما از شب قدر سؤال کردید و من از شما دریغ نکردم زیرا من به آن دانا نبودم، بدانید ای مردم کسیکه برا و ماه رمضان وارد شود در حالیکه او صحیح باشد، پس روز آنرا روزه گیرد و مقداری از شب آنرا بایستد و برنامه آن مواظبت کند، و به سوی جمعه یعنی نماز جمعه هجرت نماید و صبح عید به نماز آن حاضر شود، پس بتحقیق شب قدر را درک کرده و به جایزه پروردگار عزَّوَجَلَّ فائز شده است.

### ۳. باب المشهور أنَّ ليلة القدر في السابعة و العشرين من رمضان

عَنْ زُرَّيْبِ بْنِ حُبَيْشٍ (رض) قَالَ: سَأَلْتُ أَبِي بِنِ كَعْبٍ فَقُلْتُ: إِنَّ أَخَاكَ ابْنَ مَسْعُودٍ يَقُولُ: مَنْ يَقُمْ الْحَوْلَ يُصِبُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فَقَالَ: رَحِمَهُ اللَّهُ! أَرَادَ الْإِيْتِكِلَ النَّاسَ، أَمَا إِنَّهُ قَدْ عَلِمَ أَنَّهَا فِي رَمَضَانَ وَ أَنَّهَا فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ وَ أَنَّهَا لَيْلَةُ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ، ثُمَّ حَلَفَ لَا يَسْتَثْنِي أَنَّهَا لَيْلَةُ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ فَقُلْتُ: بِأَيِّ شَيْءٍ تَقُولُ ذَلِكَ يَا أَبَا الْمُنْدَرِ؟ قَالَ: بِالْعَلَامَةِ أَوْ بِالْأَيَّةِ الَّتِي أَخْبَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنَّهَا تَطْلُعُ يَوْمَئِذٍ لِشُعَاعِ لَهَا. رَوَاهُ الْخَمْسَةُ إِلَّا الْبُخَارِيَّ، وَ لَفِظُ أَبِي دَاوُدَ: قُلْتُ: مَا الْآيَةُ؟ قَالَ: تَصْبِحُ الشَّمْسُ صَبِيحَةً تِلْكَ اللَّيْلَةَ مِثْلَ الطَّسْتِ لَيْسَ لَهَا شُعَاعٌ حَتَّى تَرْتَفِعَ (۲). وَ عَنْ مُعَاوِيَةَ ابْنِ أَبِي سُفْيَانَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ سَبْعٍ وَ عَشْرِينَ. رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَ أَحْمَدُ (۳)

یعنی، از زُرَّيْبِ بْنِ حُبَيْشِ روایت شده که گفت: از أَبِي بِنِ كَعْبِ سؤال

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱۹  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۳ و ۸۴  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۴

کردم وگفتم برادرت ابن مسعود میگوید کسیکه سالرا قیام کند شب قدر را درک می‌کند، پس او رَحْمَةً اللّٰهِ عَلَیْهِ گفتم ابن مسعود خواسته مردم اعتماد نکنند، آگاه باش که او دانسته در ماه رمضان است و درده آخر و آن، شب بیست و هفتم است، سپس قسم خورد بدون استثناء (یعنی بدون گفتن اِنْ شَاءَ اللّٰهُ) که شب قدر، شب بیست و هفتم است، من گفتم به چه دلیل و نشانه می‌گوئیی، ای اَبَا المُنْذِرِ (وَأَبَا المُنْذِرِ کَنیةُ اَبِی بِنِ کَعْبِ اسْت) ، گفتم: به نشانه‌ای که رسول خدا (ص) به ما خبر داد که خورشید در آن روز طلوع می‌کند در حالیکه شعاعی و درخششی ندارد. این حدیث را صحاح پنجگانه جُزبخاری روایت کرده‌اند. و در صحیح اَبِی داود عبارت خیر چنین است که خورشید صبح بیست و هفت مانند طشت است درخششی ندارد تا بلند گردد. و از معاویه بن اَبِی سفیان روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: شب قدر، شب بیست و هفتم است. این حدیث را ابوداود و احمد روایت کرده‌اند.

### ۳۱- باب صوم نصف شعبان الآخر

۱- ج عَنْ اَبِی هُرَیْرَةَ عَنِ النَّبِیِّ (ص) قَالَ: لِاتَّقَدَمُوا رَمَضانَ بِصَوْمِ یَوْمٍ وَ لِایَوْمَیْنِ اِلَّا رَجُلٌ کَانَ یَصُومُ صَوْمًا فَلِیَصُمَّهُ (۱)

یعنی، از اَبِی هریره از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: یک یا دو روز قبل از ماه رمضان را روزه‌نگیرید (تا اینکه واجب و مستحب بهم خلط نگردد و غیر رمضان به رمضان اضافه نشود، و بعلاوه شخص باقوت و انبساط وارد رمضان شود)، مگر مردی که عادت به روزه دارد روزه بگیرد.

۲- ش عَنْ الرِّضَا ع قَالَ: کَانَ رَسُوْلُ اللّٰهِ (ص) اِذَا دَخَلَ شَعْبَانَ یَصُومُ فِی اَوَّلِهِ ثَلَاثًا، وَ فِی وَسْطِهِ ثَلَاثًا، وَ فِی آخِرِهِ ثَلَاثًا، وَ اِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضانَ أَفْطَرَ قَبْلَهُ بِیَوْمَیْنِ اَوْ یَوْمٍ ثُمَّ یَصُومُ (۲)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۶

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۷۵

یعنی، روایت شده از علی بن موسی الرضا که رسول خدا (ص) چون ماه شعبان وارد میشد سه روز در اول آن و سه روز وسط آن و سه روز در آخر آن را روزه می‌گرفت و چون ماه رمضان وارد میشد یک روز و یا دو روز قبل از آنرا افطار میکرد سپس روزه می‌گرفت .

۳- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ شَعْبَانَ وَرَمَضَانَ يَصِلُهُمَا، وَيُنْهَى النَّاسَ أَنْ يَصِلُوهُمَا (۱)!

یعنی، از حضرت باقر (ص) روایت شده که: رسول خدا (ص) ماه شعبان و ماه رمضان را روزه می‌گرفت و به یکدیگر وصل مینمود، و مردم را از وصل کردن این دو ماه نهی می‌فرمود.

۴- ش عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ص) عَنْ صَوْمِ شَعْبَانَ أَصَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)؟ قَالَ: نَعَمْ وَ لَمْ يَصُمَّ كَلَّةً (۲). وَ فِي رِوَايَةٍ: صَامَ بَعْضًا وَ أَفْطَرَ بَعْضًا (۳)!

یعنی، از سماعه روایت شده که گفت: از حضرت صادق سؤال نمودم از روزه ماه شعبان که آیا رسول خدا (ص) آنرا روزه گرفت: فرمود: آری، ولی رسول خدا (ص) همه آنرا روزه نگرفت. و در روایتی: بعضی از آن ماه را روزه گرفت و بعضی از آن ماه را افطار نمود.

۵- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا أَنْتَمَفَّ شَعْبَانَ فَلَا تَصُومُوا (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون ماه شعبان نصف شد، پس روزه مگیرید.

## ۳۲- باب صوم يوم الشك

۱- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَلْحَقَ فِي رَمَضَانَ يَوْمًا مِنْ غَيْرِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ بِاللَّهِ وَ لِأَبِي (۵)!

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه از غیر ماه رمضان روزی را به ماه رمضان ملحق نماید، مؤمن به خدا و مؤمن به من نیست.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۶۹

(۲) و (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۶۷

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۶

(۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷ و ص ۱۹۳ و ص ۲۱۶

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ صَوْمِ سِتَّةِ أَيَّامٍ: الْعِيدَيْنِ، وَأَيَّامِ التَّشْرِيقِ، وَالْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ (۱)!

یعنی، از حضرت صادق ۴ روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) نهی فرمود از روزه گرفتن شش روز: ایام دو عید (عید فطر و اضحی) و ایام تشریق، و روزی که در آن شک است که از ماه رمضان است یا خیر.

۳- ج عَنْ صَلَةَ (رض) قَالَ: كُنَّا عِنْدَ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ فَأَتَانِي بِشَاةٍ مَمْلُوءَةٍ فَقَالَ: كُلُوا، فَتَنَحَّى بَعْضُ الْقَوْمِ فَقَالَ: إِنِّي طَائِمٌ، فَقَالَ عَمَّارٌ: مَنْ طَامَ الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ النَّاسُ فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ (ص) (۲)!

یعنی، از صلّه روایت شده که گفت: نزد عمّار بن یاسر بودیم که گوسفند کباب شده و بریانی آورده شد، او گفت: بخورید، پس بعضی از قوم کناره گیری کرد و گفت من روزه ام، پس عمّار گفت: هر کس روزی را که در آن شک است روزه بگیرد، بتحقیق ابوالقاسم (حضرت محمد ۳) را نافرمانی و عصیان نموده است.

۴- ش عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: يَوْمُ الشَّكِّ أَمْرُنَا بِصِيَامِهِ وَنَهْيُنَا عَنْهُ، أَمْرُنَا أَنْ يَصُومَهُ الْإِنْسَانُ عَلَيَّ أَنَّهُ مِنْ شُعْبَانَ، وَنَهْيُنَا عَنْ أَنْ يَصُومَهُ عَلَيَّ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ لَمِيرَ الْهِلَالِ (۳). وَفِي رَوَايَةٍ عَنِ الصَّادِقِ ۴: إِنَّ السَّنَةَ جَاءَتْ فِي صِيَامِ يَوْمِ الشَّكِّ عَلَيَّ أَنَّهُ مِنْ شُعْبَانَ (۴)!

یعنی، از علی بن الحسین روایت شده که گفت: به روزه یوم الشَّک امر شدیم و از روزه آن نهی شدیم، امر شدیم که انسان آنرا روزه بگیرد بنا بر اینکه از ماه شعبان است، و نهی شدیم که انسان آنرا روزه بگیرد بنا بر اینکه از ماه رمضان است در حالیکه هلال ماه را رؤیت ننموده است. و در روایتی از حضرت صادق ۴ نقل شده که سنت در باره روزه یوم الشَّک برای این آمده که آن از ماه شعبان است.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۶ و ۳۸۳ / ج ۴ / ص ۱۶۰  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۶ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۶۰  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۶ و ۱۷  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۱۵۵

هـ ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): صُومُوا سِرًّا لِلَّهِ قِيلَ: مَا سِرُّ اللَّهِ؟ قَالَ: يَوْمَ الشَّكِّ<sup>(۱)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: روزه سِرِّ الله را بگیرید، عرض شد: روزه سِرِّ الله کدام است؟ فرمود: روزه یَوْمِ الشَّكِّ.

عـ ش عَنِ الرَّضَاءِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ صَامَ يَوْمَ الشَّكِّ فَرَارًا بِدِينِهِ فَكَأَنَّهَا صَامَ أَلْفَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ الْآخِرَةِ<sup>(۲)</sup>

یعنی، از حضرت رضا<sup>ع</sup> روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: کسی که یَوْمِ الشَّكِّ را برای حفظ دین خود روزه بگیرد، گویا هزار روز از روزهای آخرت را روزه گرفته است (در این حدیث آنچه از گزاف و غُلُو آمده بر کسی پوشیده نیست).

### ۳۳-باب تودیع شهر رمضان

اـ ش عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَلَمَّا بَصُرْتَنِي قَالَ يَا جَابِرُ هَذَا آخِرُ جُمُعَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَوَدِّعْهُ، وَقُلْ: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا إِيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَأَجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَ لَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا»، قَانَهُ مَنْ قَالَ ذَلِكَ ظَفَرَ بِأَحَدِي الْحُسَيْنَيْنِ: «مَا يَبْلُوغُ شَهْرَ رَمَضَانَ مِنْ قَابِلٍ وَ إِذَا يَغْفُرَانِ اللَّهُ وَ رَحْمَتِهِ<sup>(۱)</sup>

یعنی، روایت شده از جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ که گفت: بر رسول خدا (ص) در جمعه آخر ماه رمضان وارد شدم، چون مرا دید فرمود: ای جابِر، این آخرین جمعه رمضان است آنرا وداع کن و بگو: «خدا یا آنرا آخرین برخوردار از روزه ما قرار مده و اگر قرار دادی مرا مورد رحمت قرار بده و مرا محروم قرار مده»، پس بدرستی که هر کس این را بگوید به یکی از دونیکی ظفریابد، یا به رسیدن ماه رمضان آینده و یا به آمرزش خدا و رحمت او.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱۷  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۱۷  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۶۷



## ابواب صیام النفل

### ۳۴-باب فضل مطلق الصوم اکثر مما مضی

۱- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَكَلَّ مَلَائِكَتَهُ بِالِدُعَاءِ لِلصَّائِمِينَ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ: مَا مِنْ طَائِفٍ يَحْضُرُ قَوْمًا يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ وَ كَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ وَ كَانَتْ صَلَاتِهِمْ اسْتِغْفَارًا (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همانا خدای عزوجل فرشتگان خود را مأمور کرده برای دعا کردن به روزه داران. و در روایتی فرمود: هر صائمی که در حضور قومی که طعام میخورند باشد، اعضاء او برایش تسبیح می کنند و صلاة فرشتگان براوست و صلاة ایشان طلب آرزوست. (وبه مضمون احادیث بالا، قبلاً در باب: «تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ وَ الْكَرَمِ فِي رَمَضَانَ»، ذکر گردید).

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، بَاعَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَنِ النَّارِ سَبْعِينَ خَرِيفًا (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس یکروز در راه خدا روزه بگیرد، خدا صورت او را هفتاد خزان و پاییز (یعنی هفتاد سال) از آتش دور نماید.

۳- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ قُوَّةَ الْمُؤْمِنِ فِي قَلْبِهِ، أَلْتَرُونَ أَتَّكُمُ تَجِدُونَهُ ضَعِيفَ الْبَدَنِ، نَحِيفَ الْجِسْمِ، وَ هُوَ يَقُومُ اللَّيْلُ وَ يَصُومُ النَّهَارَ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که نیروی مؤمن در دل اوست، آیی

- 
- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۹ و ۲۹۰.
  - (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۱۱۲.
  - (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۷.
  - (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۵.

نمی بینید بدن او ضعیف و جسم او لاغراست در حالیکه شب را بیدار و به عبادت قیام می کند و روز را روزه می گیرد.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ عَلَيْكُمْ بِالْبَاهِ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوهُ فَعَلَيْكُمْ بِالصِّيَامِ فَإِنَّهُ وَجَاءَهُ<sup>(۱)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ای گروه جوانان بر شما باد به نکاح، پس اگر نمی توانید بر شما باد به روزه گرفتن زیرا روزه قاطع آن است.

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ عَنْكُمْ كَمَا يَتَبَاعَدُ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: الصَّوْمُ بِيَسْوَدَ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ، وَالْحَبْتُ فِي اللَّهِ وَ الْمَوَازِرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَ زَكَاةُ الْأَيْدِيَانِ الصِّيَامُ<sup>(۲)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) به اصحاب خود فرمود: آیا شما را خبر ندهم به چیزی که اگر آنرا بجا آوردید شیطان از شما دور گردد مانند آنکه مشرق از مغرب دور می گردد، عرض کردند: آری، فرمود: روزه روی او را سیاه می کند و صدقه پشت او را می شکند، و دوستی در راه خدا و انجام دادن عمل صالح دنباله او را قطع می کند، و طلب آمرزش از خدا رگ او را می برد، و برای هر چیزی زکات است و زکات بدنها روزه است.

۶- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): الصَّوْمُ فِي الشِّتَاءِ هُوَ الْغَنِيمَةُ الْبَارِدَةُ<sup>(۳)</sup>!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: روزه زمستان غنیمتی است با برکت و سرد.

۷- ج عَنْ أَبِي مَاهَةَ (رَضِيَ) قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مُرِّنِي بِأَمْرٍ يَنْفَعَنِي اللَّهُ بِهِ، قَالَ: عَلَيْكَ بِالصِّيَامِ فَإِنَّهُ لَأَمْثَلُ لَكَ<sup>(۴)</sup>!

یعنی، از ابی ماهه روایت شده که به رسول خدا (ص) گفتیم: یا رسول الله مرا به کاری امر نما که خدا مرا ببرکت آن بهره دهد؟

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۰  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۹  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۲  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۵۰

فرمود: برتوباد به روزه که روزه مانند ندارد.  
 ۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا أَدْخَلَهُ  
 اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ (۱) وَ قَالَ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 كَانَ لَهُ كَعَدْلِ سَنَةِ يَصُومُهَا (۲) وَقَالَ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا ابْتِغَاءَ  
 ثَوَابِ اللَّهِ وَجَبَتْ لَهُ الْمَغْفِرَةُ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه یکروز از روی میل روزه بگیرد  
 خدا او را وارد بهشت گرداند. و فرمود: کسیکه روزی در راه خدا و جهاد  
 روزه بگیرد برای او ثواب روزه یکسال است. و فرمود: کسیکه یک  
 روز بمیل روزه بگیرد برای جستن ثواب الهی، برای او آمرزش  
 لازم گردد.

۹- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا فَلَوْ أُعْطِيَ مِلْؤُ  
 الْأَرْضِ ذَهَبًا مَا وَفَى أَجْرَهُ دُونَ يَوْمِ الْحِسَابِ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه یکروز بمیل خود روزه بگیرد  
 اگر زمین پر از طلا بها و داده شود اجرا و وفا نشده جز روزه حساب.  
 (مؤلف گوید: در فضیلت روزه مستحبی، احادیث دیگری نیز در باب  
 فضائل الصوم ذکر گردید. اگرچه غالب این احادیث خالی از غلو نیست).

### ۳۵- باب صوم شهر المحرم

۱- جوش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَفْضَلُ الصَّيَامِ  
 بَعْدَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ الْمُحَرَّمِ، وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ صَلَاةُ اللَّيْلِ (۵)  
 یعنی، از ابی هریره روایت شده که پیغمبر (ص) فرمود: برترین  
 روزه پس از روزه رمضان، روزه ماه خدا محرم است، و بهترین نماز  
 پس از نماز واجب، نماز شب است.  
 ۲- شوج عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِرَجُلٍ: إِنْ كُنْتَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۲.  
 (۲) و (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۳.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۹۵.  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۰۸۸ و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

طَائِمًا بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ قَصِمَ الْمَحْرَمَ فَإِنَّهُ شَهْرٌ تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَيَّ قَوْمٌ، وَ يَتُوبُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ عَلَيَّ آخِرِينَ<sup>(۱)</sup>

یعنی، از علی<sup>ع</sup> روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) به مردی فرمود: اگر خواستی پس از ماه رمضان روزه بگیری، پس ماه محرم را روزه بگیر زیرا محرم ماهی است که خدا برای قومی قبول توبه نموده و برای قوم‌های دیگری نیز توبه را می‌پذیرد.

۳- ش رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ص): إِنَّ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمَحْرَمِ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَمَنْ طَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ كَمَا اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا<sup>(۲)</sup>. و عنه: مَنْ طَامَ الْيَوْمَ الثَّلَاثَ مِنَ الْمَحْرَمِ اسْتَجِيبَ دَعْوَتَهُ<sup>(۳)</sup>

یعنی، روایت شده از رسول خدا (ص) که در اولین روز محرم زکریا<sup>ع</sup> دعا پروردگارش را خواند، پس هر کس آنروز را روزه بگیرد خداوند او را اجابت کند چنانکه زکریا<sup>ع</sup> را اجابت نمود. و نیز از رسول خدا (ص) روایت شده که: هر کس روز سوم محرم را روزه بگیرد دعای او مستجاب گردد.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ طَامَ يَوْمًا مِنَ الْمَحْرَمِ فَلَهُ يَكُلُّ يَوْمٍ ثَلَاثُونَ يَوْمًا<sup>(۴)</sup>

یعنی، پیغمبر (ص) فرمود: کسیکه روزی از محرم را روزه بگیرد برای او بهر روزی سی روز است.

### ۳۶- باب صوم عاشوراء

۱- جوش عَنِ الْحَكَمِ بْنِ الْأَعْرَجِ، قَالَ: انْتَهَيْتُ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ رِدَاءَهُ عِنْدَ زَمْرَمٍ فَقُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ صَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ الْمَحْرَمِ فَأَعِدُّدْ وَ أَصْبِحْ يَوْمَ التَّاسِعِ طَائِمًا، قُلْتُ:

- (۱) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۴۷. والتاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۸.
- (۲) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۴۶.
- (۳) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۴۸.
- (۴) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۴۷.

هُكَذَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُهُ؟ قَالَ: نَعَمْ (۱)!

یعنی، «روایت شده از حَکَمِ بْنِ أَعْرَجِ که گفت: نزد ابْنِ عَبَّاسِ رفتیم درحالیکه تکیه برداء خود کرده بود در نزدیکی زَمَّزَمِ، گفتیم: مرا از روزه گرفتن عاشوراء خبرده، گفت: چون هلال محرم را دیدی شماره کن و روزنهم را روزه بگیر، گفتیم: رسول خدا (ص) چنین روزه می‌گرفته؟ گفت: بلی». وبهمن مضمون در کتاب وسائل نیز آمده (۲).

(چنانکه ملاحظه میشود، در این حدیث، ابن عباس روزنهم محرم را روز عاشورا نامیده است، ولی آنچه از کتب لغت و احادیث دیگر و سخن فقهاء بدست می‌آید آنستکه روز عاشورا همان روز دهم محرم است. و از بعضی احادیث استفاده میشود که باید روزنهم و دهم را با هم روزه گرفت و به اهل کتاب که فقط روز دهم را روزه می‌گیرند شباهت نداشت).

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: صَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ عَاشُورَاءَ وَ أَمَرَ بِصِيَامِهِ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ يَوْمٌ تُعْظِمُهُ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى قَالَ: فَإِذَا كَانَ الْعَامُ الْمُقْبِلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ صُمْنَا الْيَوْمَ التَّاسِعَ فَلَمَّ يَأْتِ الْعَامُ الْمُقْبِلُ حَتَّى تُوَفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (۳)

یعنی، از ابن عباس زوایت شده است که گفت: رسول خدا (ص) روز عاشورا را روزه گرفت و به روزه آن امر نمود، گفتند: ای رسول خدا، عاشورا روزی است که یهود و نصاری آنرا بزرگ می‌شمرند، فرمود: وقتی سال آینده آمد ان شاء الله روزنهم را نیز (با روز دهم) روزه خواهیم گرفت، پس سال آینده نیامد که رسول خدا (ص) وفات نمود.

۳- شَوْجِ صَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمَ عَاشُورَاءَ (۴) وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِصَوْمِ عَاشُورَاءَ يَوْمَ الْغَاشِرِ (۵)

یعنی، رسول خدا (ص) روز عاشورا را روزه گرفت. و از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) به روزه عاشورا روز دهم امر نمود.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۸
- (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۴۸
- (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۸ و ۸۹
- (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۳۷
- (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۹

## ۳۷-باب فضل صيام عاشوراء

ج - عَنِ عَائِشَةَ قَالَتْ : كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ تَصُومُهُ قُرَيْشٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُهُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَلَمَّا قَدِمَ الْمَدِينَةَ طَامَهُ وَ أَمَرَ بِصِيَامِهِ فَلَمَّا فُرِضَ رَمَضَانُ تَرَكَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ (۱) . وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ : قَدِمَ النَّبِيُّ (ص) الْمَدِينَةَ فَرَأَى الْيَهُودَ تَصُومُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَقَالَ : مَا هَذَا ؟ قَالُوا : هَذَا يَوْمٌ مَالِحٌ ، هَذَا يَوْمٌ نَجَّى اللَّهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَصَامَهُ مُوسَى ، قَالَ : فَأَنَا أَحَقُّ بِمُوسَى مِنْكُمْ ، فَصَامَهُ وَ أَمَرَ بِصِيَامِهِ (۲) . وَعَنْ أَبِي مُوسَى قَالَ : كَانَ أَهْلُ خَيْبَرَ يَصُومُونَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا وَ يُلْبَسُونَ نِسَاءَهُمْ فِيهِ حُلِيِّهِمْ وَشَارَتَهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَصُومُوهُ أَنْتُمْ (۳)

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت : روز عاشورا را قریش در جاهلیت روزه می‌گرفتند و رسول خدا (ص) در جاهلیت آنرا روزه میداشت و چون وارد مدینه شد روزه میداشت و امر به صیام آن مینمود، ولی چون ماه رمضان واجب شد، روز عاشورا را ترک نمود. و از ابن عباس روایت شده که گفت : رسول خدا (ص) وارد مدینه شد و دید یهود روز عاشورا را روزه می‌گیرد، فرمود : این چیست ؟ گفتند : این روز، روز شایسته‌ایست، روزی که خدا بنی اسرائیل را از دشمنان نجات داده، پس حضرت موسی (ع) آنرا روزه گرفت، رسول خدا (ص) فرمود : ما سزاوارتر به پیروی موسی هستیم از شما، پس خود روزه گرفت و امر به صیام آن نمود. و ابی موسی گفته است که اهل خیبر روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و آنرا عید گرفته و به زنان خود زینتهای آنرا می‌پوشانیدند، پس رسول خدا (ص) فرمود : آنرا روزه بگیرید.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۸۹ .  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۹ و ۹۰ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۸۹ .  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۰ .

۲- ج عَنْ سَلَمَةَ بِنِ الْأَكْوَعِ قَالَ: أَمَرَ النَّبِيُّ (ص) رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَأْتِيَ النَّاسَ أَنْ مَنْ كَانَ أَكَلَ فَلْيَصُمْ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ أَكَلَ فَلْيَصُمْ فَإِنَّ الْيَوْمَ يَوْمٌ عَاشُورَاءُ (۱)!

یعنی، از سلمه بن اکوع روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) مردی از اسرائیلیان را امر نمود که در میان مردم اعلان کند که هرکس خورده، پس بقیه روز را روزه گیرد و هرکس نخورده باید روزه گیرد زیرا امروز روز عاشوراء است.

۳- ج عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مَعُوذٍ قَالَتْ: أَرْسَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عِدَاةَ عَاشُورَاءَ إِلَى قُرَى الْأَنْصَارِ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ مِنْ كِنَانِ أَصْبَحَ صَائِمًا فَلَبِيتُمْ صَوْمَهُ وَمَنْ كَانَ أَصْبَحَ مُفْطِرًا فَلَبِيتُمْ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ فَكُنَّا بَعْدَ ذَلِكَ نَصُومُهُ وَنَصُومُ صِبْيَانِنَا (۲) وَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَتَحَرَّى صِيَامَ يَوْمٍ فَضَلَّهُ عَلَى غَيْرِهِ إِلَّا هَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، وَهَذَا الشَّهْرُ شَهْرُ رَمَضَانَ (۳)!

یعنی، روایت شده از ربیع بن معوذ که گفت: رسول خدا (ص) صبح عاشورا پیغام فرستاد به قریه‌های انصار که اطراف مدینه بود که هرکه در حال روزه وارد صبح شده، روزه خود را تمام کند و هرکس افطار نموده، بقیه این روز را افطار نماید. پس ما، بعد از آن روزه می‌گرفتیم و بچه‌ها را به روزه وامیداشتیم. و ابن عباس گفته ندیدم روزه روزی را رسول خدا (ص) تصد کند و برتری بر غیر آن بدهد مگر همین روز روز عاشورا را، و همین ماه، ماه رمضان را.

۴- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: صِيَامُ يَوْمِ عَاشُورَاءَ إِنِّي أُحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْفِرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ (۴)!

یعنی، روایت شده از ابی قتاده که رسول خدا (ص) فرمود: روزه روز عاشورا را من به حساب خدا می‌گذارم و امیدوارم که کفاره سال قبل آن باشد.

۵- ج عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۰ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۸۶  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۰  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۰ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۸۷  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۰ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۸۶

فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَسَعَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي سَنَتِهِ كُلِّهَا<sup>(۱)</sup>؛  
یعنی، از آبی سعید روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس در  
روز عاشورا به عیال و خانواده خود وسعت دهد، خدا در تمام آنسال او  
بر او وسعت دهد.

### ۳۸-باب صیام رجب

۱- ج عَنْ مُجِيبَةَ الْبَاهِلِيَّةِ عَنْ أَبِيهَا أَوْ عَمِّهَا أَنَّهُ أَتَى  
رَسُولَ اللَّهِ (ص) ثُمَّ أَتَاهُ بَعْدَ سَنَةٍ وَ قَد تَغَيَّرَتْ حَالُهُ وَ هَيْئَتُهُ  
فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا تَعْرِفُنِي؟ قَالَ: وَمَنْ أَنْتِ؟ قَالَ: أَنَا  
الْبَاهِلِيُّ الَّذِي جِئْتُكَ غَاِمَ الْأَوَّلِ قَالَ: فَمَا غَيَّرَكَ وَ قَدْ كُنْتَ حَسَنَ  
الْهَيْئَةِ، قَالَ: مَا أَكَلْتُ طَعَامًا مِّنْذُ فَارَقْتُكَ إِلَّا يَلِيلٌ فَقَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ (ص): لِمَ عَذَّبْتَ نَفْسَكَ؟ ثُمَّ قَالَ: صُمُّ شَهْرِ الصَّبْرِ، وَ يَوْمًا مِّنْ  
كُلِّ شَهْرٍ قَالَ: زِدْنِي فَإِنِّي بِي قُوَّةٍ، قَالَ: صُمْ يَوْمَيْنِ، قَالَ: زِدْنِي،  
قَالَ: صُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، قَالَ: زِدْنِي، قَالَ: صُمْ مِنَ الْحَرَمِ وَ اتْرُكْ، صُمْ  
مِنَ الْحَرَمِ وَ اتْرُكْ، صُمْ مِنَ الْحَرَمِ وَ اتْرُكْ، وَ قَالَ بِأَطَابِعِهِ الثَّلَاثَةَ  
فَضَمَّهَا ثُمَّ أَرْسَلَهَا<sup>(۲)</sup>؛

یعنی، روایت شده از مجیبه باهلیه از پدر و یا از عم خود که او  
خدمت رسول خدا (ص) آمد، سپس بعد از گذشت یکسال دو مرتبه آمد  
در حالیکه حال او تغییر کرده و هیئت او عوض شده بود، و عرض کرد  
یا رسول الله آیا مرا نمی شناسی؟ فرمود: تو کیستی؟ گفت: من  
همان باهلی هستم که یکسال قبل خدمت رسیدم، فرمود: چه تو را  
تغییر داده تو که خوش هیئت بودی؟ عرض کرد: از وقتیکه از شما  
مفارقتم طعامی نخوردم مگر شبها، یعنی دائم الصیام بودم،  
رسول خدا (ص) فرمود: چرا خود را عذاب دادی؟ سپس فرمود: ماه  
رمضان را روزه بگیر و روزی از هر ماه، عرض کرد زیاد نما، زیرا  
من دارای نیرو میباشم، فرمود: هر ماهی دوروز، عرض کرد: زیاد

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۹۱



نما، فرمود: سه روز، عرض کرد: زیادنما، فرمود: از ماه‌های حرام روزه بگیر و ترک نما، از ماه‌های حرام روزه بگیر و ترک نما، از ماه‌های حرام روزه بگیر و ترک نما، و با انگشتان مبارکش بیان کرد که سه انگشت بهم چسبانید و رها کرد. (یعنی در هر کدام از ماه‌های حرام سه روز روزه بگیر، و ماه‌های حرام عبارتند از محرم و رجب و ذوالقعدة و ذوالحجه).

۲- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ (۱) وَ قَالَ (ص): مَنْ صَامَ رَجَبًا كُلَّهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ رِضَاهُ، وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ رِضَاهُ لَمْ يَعْذِبْهُ (۲). وَقَالَ: مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ قَامَ لَيْلِهَا فِي أَوْسَطِهِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعَ عَشْرَةَ وَ خَمْسَ عَشْرَةَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا عَلَى التَّوْبَةِ النَّصُوحِ (۳).  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه روزی از رجب را با اعتقاد و حساب الهی روزه گیرد آمرزیده شود. و فرمود: هرکس تمام ماه رجب را روزه گیرد خدایتعالی خوشنودیش را برای او بنویسد. و فرمود: هرکس سه روز از ماه رجب را روزه گیرد و شبهایش به عبادت برخیزد در وسط آن ماه که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم باشد، از دنیا خارج نشود مگر با توبه نصوح.

۳- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ قَالَ فِي رَجَبٍ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لِشَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، مِائَةً مَرَّةً وَ خَتَمَهَا بِالصَّدَقَةِ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ (۴).  
یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در ماه رجب صد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ... تا آخر»، و پس از آن صدقه دهد، خدای برای او آمرزش و رحمت مقرر نماید.

۴- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ قَالَ فِي الرَّجَبِ لِإِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ بَنَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ مَدِينَةٍ فِي الْجَنَّةِ (۵). وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۵۴.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۵۶.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۵۷.

(۴) و (۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۵۹.

أَحَدَ مِائَةَ مَرَّةً بُورِكَ لَهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ وَلِدِهِ وَأَهْلِهِ وَجِرَائِنِهِ، وَمَنْ قَرَأَهَا فِي رَجَبٍ بَنَىٰ اللَّهُ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ قَصْرًا فِي الْجَنَّةِ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس در ماه رجب هزار مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، خدا برای او صد هزار حسنه بنویسد و برای او صد شهر در بهشت بنا کند. و در روایت دیگر فرمود: هرکس صد مرتبه سوره توحید را قرائت کند برای او و برای فرزندانش و خانواده و همسایگانش برکتی گردد، و هرکس آنرا در ماه رجب قرائت کند خدای برای او دوازده کاخ در بهشت بنا کند. (آنچه از جعل و غلو و گزاف و لاف، در این دو حدیث آمده برخواننده آگاه پوشیده نیست).

### ۳۹- باب صیام شعبان

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) اسْتَكْمَلَ صِيَامَ شَهْرِ إِلَّا رَمْضَانَ وَمَا رَأَيْتُهُ أَكْثَرَ صِيَامًا مِنْهُ فِي شَعْبَانَ كَانَ يَصُومُهُ إِلَّا قَلِيلًا بَلْ كَانَ يَصُومُهُ كُلَّهُ (۲)

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: ندیدم رسول خدا (ص) روزه ماهی را کامل گرداند جز ماه رمضان، و ندیدم ماهی را بیشتر روزه باشد از ماه شعبان که آنرا روزه می گرفت جز کمی از آن بلکه تمام آنرا روزه می گرفت.

۲- ش ضَامُّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) شَعْبَانَ وَوَصَلَهُ بِشَهْرِ رَمْضَانَ، وَصَامَهُ وَفَصَلَ بَيْنَهُمَا، وَلَمْ يَصُمَّ كُلَّهُ فِي جَمِيعِ سَنَتِهِ إِلَّا أَنْ أَكْثَرَ صِيَامِهِ كَانَ فِيهِ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) شعبان را روزه گرفت و آنرا به ماه رمضان وصل نمود و نیز آنرا روزه گرفت و بین آن و رمضان جدا نشدند و در همه سال خود تمام آنرا روزه نگرفت، جز اینکه اکثر

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۶۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۲ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۳

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۷۰

روزه آنحضرت در آن ماه بود.

۳- جوش قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ (رض): مَا رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ إِلَّا شَعْبَانَ وَرَمَضَانَ (۱) وَفِي رِوَايَةٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمْ يَكُنْ يَصُومُ مِنْ السَّنَةِ شَهْرًا تَامًا إِلَّا شَعْبَانَ يَصِلُ بِهِ رَمَضَانَ (۲) یعنی، ام سلمه گفته: ندیدم رسول خدا (ص) را که دو ماه پی در پی روزه گیرد جز شعبان و رمضان. و در روایتی: رسول خدا (ص) در سال ماهی را بطور تمام روزه نمی گرفت مگر ماه شعبان که آنرا به رمضان وصل مینمود.

۴- ش سَأَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَيَّ الصِّيَامِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: شَعْبَانَ (۳) یعنی، از رسول خدا (ص) سؤال شد کدام روزه افضل است؟ فرمود: شعبان. (روشن است که روزه رمضان افضل است مگر آنکه مستحبی مقصود باشد).

۵- ش و ج قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَجَبُ شَهْرُ اللَّهِ الْأَصْبَحِ، وَ شَهْرُ شَعْبَانَ تَتَشَعَّبُ فِيهِ الْخَيْرَاتُ وَ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَغْلُ الْمُرْدَةُ مِنَ الشَّيَاطِينِ (۴) وَ قَالَ: رَجَبُ شَهْرِ اللَّهِ وَ شَعْبَانُ شَهْرِي (۵) یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: رجب ماه إلهی است که رحمت ریزان است، و ماه شعبان منشعب میشود در آن خیرات، و در اول روز ماه رمضان متمرّدین از شیاطین در بند شوند. (این حدیث نیز دارای اشکالات است).

۶- ش عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: إِذَا رَأَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَانَتْ إِذَا رَأَى هَلَالَ شَعْبَانَ أَمَرَ مَنَادٍ بِنَادِي فِي الْمَدِينَةِ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ إِنَّ نَبِيَّ رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكُمْ، أَلَا وَ إِنَّ شَعْبَانَ شَهْرِي فَرحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي (۶) وَقَالَ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ (۷) یعنی، روایت از حضرت صادق است که: رسول خدا (ص) چون ماه شعبان را می دید امر میکرد جارچی در مدینه ندا کند ای اهل مدینه رسول خدا

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۲  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۷۴ و ۳۷۷  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۷۳  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۲۸  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۲  
 (۶) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۷۸ (۷) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۵۵

(ص) میفرماید: آگاه باشید که شعبان ماه من است، خدا رحمت کند هرکس مرا براین ماه یاری کند.

۷- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَجَبٌ شَهْرُ الْإِسْتِغْفَارِ لِأُمَّتِي، أَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّهُ عَفْوٌ رَحِيمٌ، وَشَعْبَانُ شَهْرِي أَسْتَغْفِرُوا فِي رَجَبٍ مِنْ قَوْلٍ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، وَسَلُوا اللَّهَ الْإِقَالََةَ وَالتَّوْبَةَ فِيمَا مَضَى، وَالْعِصْمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ آجَالِكُمْ وَ أَكْثَرُوا فِي شَعْبَانَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكُمْ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ماه رجب، ماه استغفار و طلب آمرزش است برای امت، در آن بسیار طلب آمرزش کنید زیرا که خدا آمرزنده و رحیم است، و شعبان ماه من است، در رجب زیاد بگوشید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، و از خدا توبه و گذشت را بخواهید در آنچه گذشته، و حفظ از عصیان در آنچه از عمرتان مانده، و در ماه شعبان بر پیغمبرتان بسیار طلب رحمت کنید.

۸- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) شَعْبَانُ شَهْرِي وَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ. وَ كَانَ (ص) يُكْثِرُ الصِّيَامَ فِي شَعْبَانَ وَ قَالَ: رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَنِي عَلَى شَهْرِي (۲) وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) أَنْ تَقُولَ فِي شَعْبَانَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ وَ لَنْعَبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: شعبان ماه من، و رمضان ماه خداست، و آنحضرت در ماه شعبان بسیار روزه میگرفت. و فرمود: خدا رحمت کند کسیکه مرا بر ماه خودم یاری کند. و روایت شده از رسول خدا (ص) که در ماه شعبان هزار مرتبه بگوئی: «إِلَّا إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ تَأْخِرَان».

۹- ج عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حِصَيْنٍ (رض) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ لِرَجُلٍ: هَلْ صُمْتَ مِنْ سَرْرِ هَذَا الشَّهْرِ شَيْئًا؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَإِذَا أَفْطَرْتَ مِنْ رَمَضَانَ فَصُمْ يَوْمَيْنِ مَكَانَهُ (۴)

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸۱  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۶۳ و ۳۶۶ و ۳۶۰  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۸۰  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۲

یعنی، از عُمَرَان بِنِ حُصَیْن روایت شده که رسول خدا (ص) به مردی گفت: آیا از وسط این ماه چیزی روزه گرفته‌ای؟ گفت: نه، فرمود: پس چون ماه رمضان را تمام کردی و عید فطر افطاری کردی، عوض آن دو روز روزه بگیر. (کلمه این ماه، در حدیث فوق، اشاره به شعبان است).

#### ۴- باب یوم النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ

۱- ج عَنْ عَلِيٍّ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَصُومُوا لَيْلَهَا وَصُومُوا نَهَارَهَا فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: أَلَا مَنْ مُسْتَغْفِرُ فَأَغْفِرَ لَهُ، أَلَا مَنْ تَرَزَّقَ فَأَرْزُقَهُ، أَلَا مَنْ مَبْتَلَى فَأَعَا فِيهِ، أَلَا كَذَا أَلَا كَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ (۱).

یعنی، حضرت علی ع روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: چون شب نیمه شعبان گردید شب آنرا به عبادت قیام کنید و روز آنرا روزه بگیرید، زیرا خدایتعالی از اول شب آن تا صبح میفرماید: آیا طلب آمرزش کننده‌ای هست که او را بیا مرزم آیا روزی خواه هست که روزیش دهم آیا مبتلائی هست که عافیتش دهم آیا چنان، آیا چنان، تا اینکه فجر طلوع کند و شب تمام شود. و بهمین مضمون از عایشه از رسول خدا (ص) نقل شده است (۲).

۲- ج عَنْ أَبِي مُوسَى عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَيَطَّلِعُ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِجَمِيعِ خَلْقِهِ إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ (۲).

یعنی، ابی موسی روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: خدا در شب نیمه شعبان نظر لطف میکند و تمام خلق خود را می‌آمرزد مگر مشرک و مُبَغِض را.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۳

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۳

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۳

## ٤١-باب صيام ستة أيام من شوال

ج - عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ فَكَانَتْهَا صَامَ الدَّهْرَ<sup>(١)</sup>،  
يعنى، از ابى ايوب انصارى روايت شده از رسول خدا (ص) كه فرمود: كسيكه ماه رمضان را روزه گيرد، سپس شش روز از شوال را در پى آن آورد گويآ روزگارى را روزه گرفته است.

## ٤٢-باب صوم يوم الخامس و العشرين من ذى القعدة

ش - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): فِي خَمْسٍ وَعِشْرِينَ لَيْلَةً مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ أَنْزَلَتِ الرَّحْمَةُ مِنَ السَّمَاءِ، وَأُنزِلَ تَعْظِيمُ الْكَعْبَةِ عَلَى آدَمَ ٤ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ اسْتُغْفِرَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ<sup>(٢)</sup>،  
يعنى، رسول خدا (ص) فرمود: در شب بيست و پنج ذى القعدة رحمت خدا از آسمان نازل شد، ولزوم تعظيم كعبه بر آدم لازم آمد، پس هر كس آن روز را روزه بگيرد هر چيزى كه بين آسمان و زمين است، براى او طلب آمرزش كند.

## ٤٣-باب العبادة و الصيام فى عشر ذى الحجة

١- عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ أَيَّامٍ الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهِنَّ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَيَّامِ الْعَشْرِ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: وَلَا الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا رَجُلٌ خَرَجَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فَلَمْ يَرْجِعْ مِنْ ذَلِكَ بِشَيْءٍ<sup>(٣)</sup>،  
يعنى، روايت شده از ابن عباس از رسول خدا (ص) كه فرمود:

(١) التاج الجامع للاصول / ج ٢ / ص ٩٤ والمصنف / ج ٤ / ص ٣١٦  
(٢) وسائل الشيعه / ج ٧ / ص ٣٣٣  
(٣) التاج الجامع للاصول / ج ٢ / ص ٩٤ ووسائل الشيعه / ج ١٥ / ص ٢٢١ و  
المصنف / ج ٤ / ص ٣٧٥ و ٣٧٦.

روزهایی برای عمل صالح نیست که بهتر باشد از این روزهای ده گانه (دهه ذیحجه) عرض کردند: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَجَاهِدْهُمْ بِتِرِّهِمْ، نیست؟ فرمود: وَجَاهِدْهُمْ بِتِرِّهِمْ، وجاهد در راه خدا بهتر از عمل صالح در این ایام نیست مگر اینکه مردی با جان و مالش در راه خدا بیرون برود و برنگردد. (یعنی شهید شود).

۲- ج قَالَتِ أُمُّ سَلَمَةَ أَوْ حَفْصَةُ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَصُومُ تِسْعَ ذِي الْحِجَّةِ وَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ (۱)

یعنی، ام سلمه یا حفصه گوید: رسول خدا (ص) نه روز ذیحجه و روز عاشوراء را روزه میگرفت.

۳- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ أَيَّامٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ أَنْ يُتَعَبَّدَ لَهُ فِيهَا مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ يَعْدِلُ صِيَامُ كُلِّ يَوْمٍ مِنْهَا بِصِيَامِ سَنَةٍ وَ قِيَامُ كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهَا بِقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۲).  
یعنی، از ابی هریره روایت شده از رسول خدا (ص) که فرمود: هیچ ایامی محبوبتر نیست نزد خدا که برای او در آن عبادت شود از دهه ذیحجه، که روزه هر روزی از آن معادل است با روزه یکسال و قیام هر شبی از آن معادل است با قیام شب قدر. (این حدیث نیز خالی از اشکال نیست).

#### ۴۴- باب صوم يوم عرفة لغير الحجاج

۱- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صِيَامُ يَوْمِ عَرَفَةَ إِتِيَّ أَحْسَبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفَّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ وَالسَّنَةَ الَّتِي بَعْدَهُ (۳)

یعنی، روایت شده از ابی قتاده از رسول خدا (ص) که فرمود: روز عرفة من گمان میبرم بر خدا که کفاره سال قبل از آن و سال بعد از آن باشد.

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) أَفْطَرَ بِعَرَفَةَ وَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۴

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۴ و ۹۵

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۵ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۸۴

أَرْسَلَتْ إِلَيْهِ أُمُّ الْفَضْلِ بَلْبِنٍ فَشَرِبَ (۱). وَ فِي رِوَايَةٍ: نَهَى النَّبِيُّ  
(ص) عَنْ صَوْمِ عَرَفَةَ يَعْرِفَةَ (۲).

یعنی، از ابن عباس روایت شده که: رسول خدا (ص) در عرفه بود که افطار نمود، و ام فضل برای آنحضرت شیری فرستاد که آنحضرت نوشید. و در روایتی: رسول خدا (ص) از روزه روز عرفه در عرفه نهی فرمود (بنابراین برای کسی که در حج می باشد، روزه روز عرفه مستحب نیست، ولی برای غیر حاجی مستحب است).

۳- ج سِئَلُ ابْنِ عُمَرَ (رض) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ، فَقَالَ: حَجَّجْتُ مَعَ النَّبِيِّ (ص) وَمَعَ أَبِي بَكْرٍ وَمَعَ عُمَرَ وَمَعَ عِثْمَانَ فَلَمْ يَصُومُوا يَوْمَ عَرَفَةَ وَأَنَا لِأَصُومُهُ وَلَا أَمُرُّ بِهِ وَلَا أَنْهِي عَنْهُ (۳).

یعنی، از ابن عمر درباره روزه روز عرفه سؤال شد، در جواب گفت: من با پیغمبر (ص) و با ابوبکر و با عمر و با عثمان حج نمودم، پس ایشان روز عرفه روزه نگرفتند و من نیز روزه نمی گیرم، و کسی را امر به روزه و یا نهی از آن نمی کنم.

۴- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمْ يَصُمْ يَوْمَ عَرَفَةَ مِنْذُ نَزَلِ صِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ (۴).

یعنی، از حضرت باقر روایت شده که: رسول خدا (ص) از وقتی که حکم روزه ماه رمضان نازل شد در روز عرفه روزه نگرفت.

## ۴۵- باب أَنْ صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرِ كَصِيَامِ الدَّهْرِ

۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): صُمْ مِنْ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَإِنَّ الْحَسَنَةَ بَعَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ ذَلِكَ مِثْلُ صِيَامِ الدَّهْرِ (۵).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: از ماه سه روز روزه بگیر زیرا حسنه و کار نیک به ده مقابل ثواب داده میشود، و این مانند روزه گرفتن تمام روزگار است.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۵ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۸۳ و ۲۸۲.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۵.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۵ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۸۵.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۴۳ و ۳۴۴.

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۶.



۲- ج قالَتْ مُعَاذَةُ الْعَدَوِيَّةُ لِعَائِشَةَ: أَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ؟ قَالَتْ: نَعَمْ، فَقُلْتُ لَهَا: مِنْ أَيِّ أَيَّامِ الشَّهْرِ كَانَ يَصُومُ؟ قَالَتْ: لَمْ يَكُنْ يُبَالِي مِنْ أَيِّ أَيَّامِ الشَّهْرِ يَصُومُ<sup>(۱)</sup>. وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَصُومُ مِنْ عُرَّةٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، معاذة عدویه به عایشه گفت: آیا رسول خدا (ص) از هر ماهی سه روز روزه می‌گرفت؟ عایشه گفت: بلی، به او و گفتم: از کدامین روزهای ماه روزه می‌گرفت؟ گفت: باکی نداشت که کدامیک از روزهای ماه را روزه بگیرد. و در روایتی آمده که: رسول خدا (ص) از ابتدای هر ماه سه روز روزه می‌گرفت.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَصْحَابِهِ يَوْمًا أَيُّكُمْ يَصُومُ الدَّهْرَ؟ فَقَالَ سَلْمَانٌ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ رَجُلٌ لِسَلْمَانَ: رَأَيْتَكَ فِي أَكْثَرِ نَهَارِكَ تَأْكُلُ، فَقَالَ: لَسْتُ حَيْثُ تَذْهَبُ، إِنِّي أَصُومُ الثَّلَاثَةَ فِي الشَّهْرِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا»، وَ أَصَلَّ شَعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ فَذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلرَّجُلِ أَتَى لَكَ بِمِثْلِ لَقْمَانَ الْحَكِيمِ، سَلَّهُ فَإِنَّهُ يَنْبِئُكَ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) روزی به اصحاب خود فرمود: کدامیک از شما تمام عمر را روزه می‌گیرید؟ سلمان گفت: من یا رسول الله، مردی به سلمان گفت من دیده‌ام که در اکثر روز تو غذا می‌خوری، سلمان گفت آنچه تو خیال کردی مقصودم نیست، من در ماه سه روز روزه می‌گیرم، و خدا (در سوره انعام آیه ۱۶۰) فرموده: «هر کس کار نیکی کند مزد او ده مقابل است». و من وصل می‌کنم شعبان را به ماه رمضان پس مقصودم از روزه دهر این است. رسول خدا (ص) به آن مرد فرمود: مانند لقمان حکیم کجا پیدا می‌کنی از او (یعنی از سلمان) سؤال کن تا تو را خبر دهد.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) دَخَلَتِ الْجَنَّةُ فَوَجَدَتْ أَكْثَرَ أَهْلِهَا

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۶  
(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۷ و ۳۰۸

الْبُلْهَ (قِيلَ مَا الْبُلْهَ قَالَ: الْعَاقِلُ فِي الْخَيْرِ وَ الْغَافِلُ عَنِ الشَّرِّ) وَ الَّذِينَ يَصُومُونَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ (۱)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود که: من داخل بهشت شدم، دیدم بیشتر اهل آن ابلهانند و آنانکه از هر ماه سه روز روزه می‌گیرند.

۵- ج و ش عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ (رض) يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَصُومُ حَتَّى نَقُولَ لَا يَفْطِرُ وَ يُفْطِرُ حَتَّى نَقُولَ لَا يَصُومُ (۲) وَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَا قَالَ: مَا مَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) حَتَّى قِيلَ: مَا يَفْطِرُ، ثُمَّ أَفْطَرَ حَتَّى قِيلَ: مَا يَصُومُ، ثُمَّ صَامَ صَوْمَ دَاوُدَ (ع) يَوْمًا وَ يَوْمًا لًا، ثُمَّ قَبِضَ (ص) عَلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ وَ قَالَ: يَعْدِلُنْ صَوْمَ الدَّهْرِ وَ يَذْهَبُنْ يَوْسُفَ الصَّدْرِ (۳).

یعنی، از سعید بن جبیر روایت شده که گفت: از ابن عباس شنیدم که میگفت: رسول خدا (ص) روزه می‌گرفت تا اینکه میگفتیم افطار نمی‌کند و افطار میکرد تا آنکه میگفتیم روزه نمی‌گیرد. و از حضرت صادق روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) روزه گرفت تا آنکه گفته شد افطار نمی‌کند، سپس افطار کرد تا آنکه گفته شد روزه نمی‌گیرد، سپس مانند روزه حضرت داود (ع) روزه گرفت یکروز در میان سپس وفات نمود در حالیکه ماهی سه روز روزه می‌گرفت، و فرمود: معادل روزه روزگار است و وسوسه سینه را میبرد.

## ۴۶ باب صیام ایام البیض

۱- ج عَنْ مُلْحَانَ الْقَيْسِيِّ (رض) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَأْمُرُنَا أَنْ نَصُومَ الْبَيْضَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعَ عَشْرَةَ وَ خَمْسَ عَشْرَةَ، وَ قَالَ: هُنَّ كَهَيْئَةِ الدَّهْرِ (۴) وَ عَنْ أَبِي دَرٍّ (رض) قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

- (۱) وسائل الشيعه / ج ۷ / ص ۳۱۱ .  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۱ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۳ .  
 (۳) وسائل الشيعه / ج ۷ / ص ۳۰۳ .  
 (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۶ .

إِذَا صُمْتَ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَأَرْبَعَةَ عَشْرَةَ وَخَمْسَ عَشْرَةَ (۱) وَ قَالَ النَّبِيُّ (ص) لِعَلِيِّ ع: صُمْ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ أَيَّامَ الْبَيْضِ (۲).  
یعنی، از مِلْحَانَ قَبِیسی روایت شده که: رسول خدا (ص) ما را امر می نمود که ایّام بیض یعنی روزهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه را روزه بگیریم و فرمود: این سه روز مانند روزگار است. و از ابی ذرّ روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: هرگاه خواستی از ماه سه روز را روزه بگیر، پس روز سیزده و چهارده و پانزده را روزه بگیر. و روایت شده که رسول خدا (ص) به علی فرمود: از هر ماه ایّام بیض را روزه بگیر.

۲- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ النَّبِيُّ (ص) عَنِ الصَّوْمِ؟ فَقَالَ: أَيْنَ أَنْتَ مِنْ صِيَامِ الْبَيْضِ ثَلَاثَةَ عَشْرَ وَأَرْبَعَةَ عَشْرَ وَخَمْسَةَ عَشْرَ، فَقَالَ: إِنَّ بِي قُوَّةً، فَقَالَ: أَيْنَ أَنْتَ عَنْ صِيَامِ يَوْمَيْنِ فِي الْجُمُعَةِ فَقَالَ: إِنَّ بِي قُوَّةً، فَقَالَ: أَيْنَ أَنْتَ عَنْ صَوْمِ دَاوُدَ (ع) كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا (۳) وَقَالَ (ص): إِنَّ أَفْضَلَ الصِّيَامِ صِيَامَ أَخِي دَاوُدَ (ع) وَ كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا، وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صِيَامَ سُلَيْمَانَ (ع) فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ مِنْ أَوَّلِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ وَمِنْ وَسْطِ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ وَمِنْ آخِرِهِ ثَلَاثَةَ، وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ عِيسَى (ع) فَإِنَّهُ كَانَ يَصُومُ الدَّهْرَ كُلَّهُ لَا يُفْطِرُ مِنْهُ شَيْئًا، وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ مَرْيَمَ (ع) فَإِنَّهَا كَانَتْ تَصُومُ يَوْمَيْنِ وَتُفْطِرُ يَوْمًا، وَإِنْ كُنْتَ تُرِيدُ صَوْمَ نَبِيِّكَ فَإِنَّهُ يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ، وَيَقُولُ هِيَ صِيَامُ الدَّهْرِ (۴) وَ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ صَوْمِ أَيَّامِ الْبَيْضِ فَقَالَ: صِيَامٌ مَقْبُولٌ غَيْرُ مُرْدُوٍّ (۵).  
یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: مردی از رسول خدا (ص) از روزه سؤال کرد، رسول خدا (ص) فرمود: تو کجایی و چه خبرداری از روزه ایّام بیض که شب و روز آن سفید است ۱۳ و ۱۴ و ۱۵، عرض کرد: من

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۶ والمصنف / ج ۴ / ص ۲۹۹.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۲۱.

(۳) و (۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۲۲.

(۵) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۲۱.

قوه دارم برای روزه گرفتن، فرمود: تو کجایی از روزه دو روز در جمعه، عرض کرد: من قوه دارم، فرمود: تو کجایی از روزه حضرت داود که عادت داشت یکروز روزه می‌گرفت و یکروز افطار مینمود، و فرمود: بهترین روزه، روزه برادرم داود است، و اگر میخواهی مانند سلیمان روزه بگیر که او از اول ماه سه روز و از وسط ماه سه روز و از آخر ماه سه روز روزه می‌گرفت، و اگر روزه عیسی را میخواهی، او تمام روزگار را روزه می‌گرفت، و هیچ روزی را افطار نمی‌کرد، و اگر روزه حضرت مریم را میخواهی، او دوازده روز روزه می‌گرفت و یکروز افطار میکرد، و اگر روزه پیغمبر خود را میخواهی پس او سه روز در هر ماه را روزه می‌گیرد و میگوید: آن، روزه روزگار است. و رسول خدا (ص) از روزه ایام بیض سؤال شد؟ فرمود: روزه‌ای است که قبول شود و ردّ نگردد.

## ۴۷- باب صوم الإثنين والخمیس

۱- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ (رض) قَالَ: سَأَلَ النَّبِيَّ (ص) عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ قَالَ: فِيهِ وُلِدْتُ وَفِيهِ أُنزِلَ عَلَيَّ الْقُرْآنُ (۱).

یعنی، از ابی قتاده روایت شده که گفت: از رسول خدا (ص) سؤال شد از روزه گرفتن روز دوشنبه و پنجشنبه؟ فرمود: در آن متولد شدم و در آن بر من قرآن نازل گردید.

۲- ج عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ (رض) قَالَ: إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ (ص) كَانَ يَصُومُ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ (۲).

یعنی، از أسامه بن زید روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه می‌گرفت.

۳- ج قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ (رض): كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَأْمُرُنِي أَنْ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۷ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۱۵.

أَصُومَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ أُولَئِكَ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ<sup>(۱)</sup>.

یعنی، اُمّ سلمه گفته است: رسول خدا (ص) مرا امر میکرد که سه روز روزه بگیرم از هر ماه که اول آن دوشنبه و یا پنجشنبه باشد.

۴- ج قَالَتْ عَائِشَةُ (رَضِيَ) كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَصُومُ مِنَ الشَّهْرِ السَّبْتِ وَالْأَحَدِ وَالْإِثْنَيْنِ وَمِنَ الشَّهْرِ الْآخِرِ الثَّلَاثَاءُ وَالْأَرْبَعَاءُ وَالْخَمِيسَ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، عایشه گوید که: رسول خدا (ص) ماهی را به روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه روزه میگرفت، و از ماهی روزهای سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه را روزه میگرفت. (مقصود آنکه چون آنحضرت روزه گرفتن در روزهای دوشنبه و پنجشنبه را دوست می داشت، ماهی روزه خود را به دوشنبه و ماهی به پنجشنبه ختم مینمود).

۵- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ صَامَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ مِنْ شَعْبَانَ جَعَلَ اللَّهُ نَصِيبًا<sup>(۳)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس روز دوشنبه و پنجشنبه از ماه شعبان را روزه بگیرد خدا برای او بهره ای عظیم قرار دهد.

۶- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عُرِضَتْ عَلَيَّ أَعْمَالُ أُمَّتِي فَوَجَدْتُ فِي أَكْثَرِهَا خِلَالَ وَنَقْصَانًا، فَجَعَلْتُ مَعَ كُلِّ فَرِيضَةٍ مِثْلِيهَا نَافِلَةً لِيَكُونَ مِنْ أُمَّتِي بِذَلِكَ قَدْ حَمَلْتُ لَهُ الْفَرِيضَةَ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْتَحِبُّ أَنْ يَعْمَلَ لَهُ الْعَبْدُ عَمَلًا فَلَا يَقْبَلُ مِنْهُ الثَّلَاثُ، فَفَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ سَبْعَ عَشْرَ رَكْعَةً وَ سَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً، وَ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ سَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) صِيَامَ سِتِّينَ يَوْمًا فِي السَّنَةِ، لِيَكْمَلَ قَرَضَ الصَّوْمِ، فَجَعَلَ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ خَمِيسًا فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ وَ هُوَ أَوَّلُ خَمِيسٍ فِي الْعَشْرِ وَ أَرْبَعَاءَ فِي الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ مِنْهُ، وَ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ النِّصْفِ مِنَ الشَّهْرِ، وَ رَبَّمَا كَانَ النِّصْفَ بَعَيْنِهِ، وَ آخِرُ خَمِيسٍ فِي الشَّهْرِ<sup>(۴)</sup>.

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۷.

(۳) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۶۶.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۷ / ص ۳۱۱ و ۳۱۲.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: اعمال اُمَّتَم بر من عرضه شد، دیدم در بیشتر آنها خلل و نقصان است، پس با هر واجبی دو مقابل آن واجب نافله قرار دادم تا چنین شود که هر کس آنرا بیاورد واجب برای او بدست آید زیرا خدا شرم دارد که بنده برای او عملی کند و ثلث آنرا از او نپذیرد، پس خدا هفده رکعت واجب کرد و رسول خدا (ص) سی و چهار رکعت، و خدا ماه رمضان را واجب کرد و رسول خدا (ص) در سال شصت روز را، و در هر ماهی سه روز قرار داد، پنجشنبه را در دهه اول و آن اولین پنجشنبه است و چهارشنبه را در ده روز وسط و آن نزدیکتر به نیمه ماه است و بسا که نیمه ماه شود و آخری — پنجشنبه ماه .

#### ۴۸- باب صوم یوم و فطر یوم

ج- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو (رض) قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَحَبُّ الصَّيَامِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صِيَامُ دَاوُدَ (ع)، كَانَ يَصُومُ يَوْمًا وَيُفْطِرُ يَوْمًا، وَأَحَبُّ الصَّلَاةِ إِلَيَّ اللَّهُ صَلَاةُ دَاوُدَ، كَانَ يَنَامُ نِصْفَ اللَّيْلِ وَيَقُومُ ثُلُثَهُ وَيَنَامُ سُدُسَهُ (۱).

یعنی، عبد الله بن عمرو روایت کرده که پیغمبر (ص) به من فرمود: محبوبترین روزه پیش خدای عزوجل روزه داود (ع) است، که روزه میگرفت روزی را و افطار مینمود روزی را، و محبوبترین نماز پیش خدا، نماز داود است، نیمی از شب را میخوابید و قیام مینمود یکسوم آنرا و سپس یکششم آنرا میخوابید.

#### ۴۹- باب صوم الدهر

۱- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو (رض) قَالَ: أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنِّي أَقُولُ: لَأَقُومَنَّ اللَّيْلَ وَ لَأَصُومَنَّ النَّهَارَ مَا عَشْتُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص):

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۵

أَنْتَ الَّذِي تَقُولُ ذَلِكَ؟ فَقُلْتُ: قَدْ قُلْتَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: إِنَّكَ لَأَتَسْتَطِيعُ ذَلِكَ فَمُمْ وَأَفْطُرُ وَتَمْ وَقُمْ، وَصُمْ مِنَ الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، فَإِنَّ الْحَسَنَةَ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا وَذَلِكَ مِثْلُ صِيَامِ الدَّهْرِ، قَالَ قُلْتُ: فَإِنِّي أُطِيقُ مِنْ ذَلِكَ قَالَ: صُمْ يَوْمًا وَأَفْطُرْ يَوْمَيْنِ، قَالَ قُلْتُ: فَإِنِّي أُطِيقُ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: صُمْ يَوْمًا وَأَفْطُرْ يَوْمًا، وَذَلِكَ صِيَامُ دَاوُدَ (ع) وَهُوَ أَعْدَلُ الصِّيَامِ، قُلْتُ: فَإِنِّي أُطِيقُ أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: لِأَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: لِأَنَّ أَكُونَ قَبِلْتُ الثَّلَاثَةَ الْيَوْمِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَحْسَبُ إِلَى مَنْ أَهْلِي وَمَالِي (۱) وَفِي رِوَايَةٍ: قَالَ لَهُ: لِاتَّفَعَلْ، صُمْ وَأَفْطُرْ وَتَمْ وَنَمْ فَإِنَّ لِحَسْبِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِعَيْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِرِزْوَجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِحَسْبِكَ أَنْ تَصُومَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ (۲)....

یعنی، از عبدالله بن عمرو (رض) روایت شده که گفت: رسول خدا ص خبر شد که من می‌گویم تا مادامی که زندگی نمایم شب را قیام خواهم نمود و روز را روزه می‌گیرم، پس رسول خدا (ص) فرمود: آیا تو چنین گفتی؟ گفتم: آری ای رسول خدا چنین گفته‌ام، فرمود: تو استطاعت چنین کاری نداری، پس روزه بگیر و افطار رکن و بخواب و قیام نما، و از هر ماهی سه روز را روزه بگیر، زیرا نیکی بوده مقابل است، و این مانند روزه روزگار است. عبدالله گفت: من گفتم: به برتر از این طاقت دارم، فرمود: بیکروز روزه بگیر و دو روز افطار نما، گفت گفتم: من به برتر و بیشتر از این طاقت دارم ای رسول خدا، فرمود: روزی را روزه بگیر و روزی را افطار کن، و این، روزه داود (ع) است که شایسته ترین روزه باشد، گفتم: به برتر از این طاقت دارم، فرمود: بهتر و برتر از این نیست. عبدالله گوید: هر آینه قبول می‌کردم آنچه رسول خدا (ص) راجع به روزه سه روز فرمود، برایم بهتر و محبوبتر از اهل و مالم بود (این سخن را در حال پیری وضع میگفت که قبول نصیحت پیغمبر و

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۸ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۴  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۴

روزه سه روز در ماه برایم نافع تراست) . و در روایتی ( چون او گفت میخواهم همیشه روزه بگیرم) رسول خدا (ص) به او فرمود: چنین مکن، روزه بگیر و افطار نما و قیام کن و بخواب، پس همانا برای جدتو برعهده توحقی باشد و برای دوچشم برتو حقی است، و برای همسرت برتو حقی باشد و برای میهمانت برتو حقی است، و کافی است که تو از هر ماه سه روز را روزه بگیری....

۲- ج عَنْ أَبِي قَتَادَةَ أَنَّ عُمَرَ (رض) سَأَلَ النَّبِيَّ (ص): يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَمَنُّ بِصَوْمِ الدَّهْرِ كُلِّهِ؟ قَالَ: لِأَصَامٍ وَلَا أَفْطَرَ، قَالَ: كَيْفَ مَنْ يَصُومُ يَوْمَيْنِ وَ يُفْطِرُ يَوْمًا؟ قَالَ: وَيُطِيقُ ذَلِكَ أَحَدًا؟ قَالَ: كَيْفَ مَنْ يَصُومُ يَوْمًا وَ يُفْطِرُ يَوْمًا؟ قَالَ: ذَلِكَ صَوْمٌ دَائِدٌ (ع)!!

یعنی، از ابی قتاده روایت شده که عمر از رسول خدا (ص) سؤال نمود که ای رسول خدا چگونه باشد حال کسی همه عمر و روزگار را او روزه بگیرد؟ رسول خدا (ص) فرمود: نه روزه ای (در کمال فضیلت) بجا آورده و نه افطاری (تمام و کمال) نموده است، گفت: چگونه باشد وضع کسی که دو روز را روزه بگیرد و یکروز افطار کند؟ فرمود: آیا کسی چنین طاقتی دارد؟! گفت: چگونه باشد کسی که روزی را روزه بگیرد و روزی را افطار کند؟ فرمود: این روزه داود است.

۳- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيٍّ: وَ صَوْمٌ نَذْرٌ الْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ، وَ صَوْمٌ الدَّهْرِ حَرَامٌ (۲)!

یعنی، در وصیت رسول خدا (ص) به علیّ فرمود: و روزه نذر معصیت حرام و روزه تمام عمر حرام است.

۴- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ إِلَى عُمَانَ بْنِ مَطْعُونٍ فَبَاءَهُ فَقَالَ: يَا عُمَانُ أَرَأَيْتَ عَنْ سُنَّتِي؟ قَالَ: لِأَوَّلِ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَكِنْ سُنَّتَكَ أَطْلُبُ قَالَ: فَإِنِّي أَنَا مٌ وَأَمَلِي وَ أَصَوْمٌ وَ أَفْطَرٌ وَ أَنْكِحُ النِّسَاءَ فَاتَّقِ اللَّهَ يَا عُمَانُ فَإِنَّ لِأَهْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، وَإِنَّ لِصَيْفِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَإِنَّ لِنَفْسِكَ عَلَيْكَ حَقًّا، فَصُمْ وَ أَفْطِرْ وَ صَلِّ وَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۹۹ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۹۵

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۱ و ۳۹۲



سَمَّ (۱)

یعنی، روایت شده از عایشه که رسول خدا (ص) فرستاد به سوی عثمان بن مظعون، و آمد، حضرت فرمود: ای عثمان آیا از سنت من اعراض کرده‌ای، عرض کرد: نه والله یا رسول الله، ولیکن من طالب سنت تو می‌باشم، فرمود که: من می‌خوابم و نماز می‌خوانم و افطار می‌کنم و روزه می‌گیرم و زنان را نکاح می‌کنم، پس ای عثمان از خدا بترس، زیرا که برای خانواده‌ات بر تو حقی است و برای میهمانانت بر تو حقی است و برای خودت بر تو حقی است، پس روزه بگیر و افطار کن و نماز بخوان و خواب کن. (مؤلف گوید: تمام روزهای سال را روزه گرفتن در صورتی حرام است که ضرر داشته باشد و إلا خیر، و اکثر فقهاء هرگاه بی‌ضرر باشد آن را، خالی از ثواب و بدون فضیلت نمی‌دانند. و از بعضی احادیث ممکن است کراهت آن استنباط شده باشد.)

### ۵۰- باب النهی عن صیام ایام العید و التشریق

- ۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ صِيَامِ يَوْمَيْنِ: يَوْمِ الْأَضْحَى وَ يَوْمِ الْفِطْرِ (۲).
- یعنی، از ابوهریره روایت شده که رسول خدا (ص) نهی نمود از روزه دو روز: روز عید قربان و روز فطر.
- ۲- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ: يَا عَلِيُّ، صَوْمُ الْفِطْرِ حَرَامٌ، وَ صَوْمُ يَوْمِ الْأَضْحَى حَرَامٌ (۳).
- یعنی، رسول خدا (ص) در وصیّت به علی فرمود: یا علی روزه گرفتن در عید فطر حرام و روزه گرفتن روز قربانی حرام است.
- ۳- ش عَنِ الْمَظَالِقِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَهَى عَنْ صِيَامِ سِتَّةِ أَيَّامٍ: يَوْمِ الْفِطْرِ، وَيَوْمِ الشَّكِّ، وَ يَوْمِ النَّحْرِ، وَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ،

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۰

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۵ والمصنف / ج ۴ / ص ۳۰۲

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۲

لِأَنَّ الْقَوْمَ زَوَّارَ اللَّهِ فَهُمْ فِي ضِيَافَتِهِ وَ لَا يَنْبَغِي لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ  
عِنْدَ مَنْ زَارَهُ وَ أَضَافَهُ (۱)

یعنی، حضرت صادق روایت کرده که رسول خدا (ص) از روزه گرفتن شش روز نهی نمود: روز عید فطر و روز شکر و روز قربانی و روزهای تشریق، زیرا که مردم زیارت کنندگان خدایند و در میهمانی او می‌باشند و سزاوار نیست که میهمان نزد میزبان روزه گیرد.

۴- ج عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: أَيَّامُ التَّشْرِيقِ أَيَّامٌ أَكَلٌ وَ شُرْبٌ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى (۲)

یعنی، از پیغمبر (ص) روایت شده که فرمود: روزهای تشریق روزهای اکل و شرب و ذکر خدایتعالی است (ایام تشریق روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذیحجه می‌باشد).

۵- ش بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَدِيلَ بْنِ وَرْقَاءَ الْخَزَاعِيَّ عَلَيَّ  
جَمَلٌ أَوْ رِقَ أَيَّامٍ مِنِّي، فَقَالَ: تَنَادَى فِي النَّاسِ أَلَّا لِاتَّصُومُوا، فَإِنَّهَا  
أَيَّامٌ أَكَلٌ وَ شُرْبٌ (۳)

یعنی، رسول خدا (ص) بدیل بن ورقاء خزاعی را در ایام منی سواره بر شتر فرستاد و فرمود: در میان مردم ندا می‌کنی که آگاه باشید روزه نگیرید زیرا این روزها ایام خوردن و آشامیدن است.

۶- ج عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ (رَضِيَ) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَوْمٌ عُرِفَتْ  
وَ يَوْمُ النَّحْرِ وَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ عِيدُنَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ وَ هِيَ أَيَّامٌ أَكَلٍ  
وَ شُرْبٍ (۴) وَ فِي رِوَايَةٍ: نَهَى النَّبِيُّ (ص) عَنِ صَوْمِ خَمْسَةِ أَيَّامٍ فِي السَّنَةِ  
يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ النَّحْرِ وَ ثَلَاثَةَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ (۵)

یعنی، از عُقْبَةُ بْنُ عَامِرٍ رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: روز عرفه و روز قربان و ایام تشریق عید ما اهل اسلام است، و آن ایام خوردن و آشامیدن است. و در روایتی آمده که: رسول خدا (ص) از روزه پنج روز در سال نهی نمود: روز فطر و روز قربانی و سه روز ایام التشریق.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۳ و ۲۸۶ / والمصنف / ج ۴ / ص ۳۰۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۵

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۲۸۶ / ج ۱۰ / ص ۱۶۵ و ۱۶۶

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۵

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۵

## ۵۱-باب افراد يوم الجمعة أو السبت بالصوم

۱- جوش عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: لَا يُمْمُ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَّا أَنْ يَصُومَ قَبْلَهُ أَوْ يَصُومَ بَعْدَهُ (۱).

یعنی، از ابی‌هریره از رسول‌خدا (ص) روایت شده که فرمود: کسی از شما روز جمعه روزه بگیرد مگر آنکه روز قبل و یا روز بعد از آنرا نیز روزه بگیرد.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَفْرَدُوا الْجُمُعَةَ بِالصَّوْمِ (۲).

یعنی، رسول‌خدا (ص) فرمود: روز جمعه را بتنهائی روزه نگیرید.

۳- ج عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُسْرِ عَنْ أُخْتِهِ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ لَا تَصُومُوا يَوْمَ السَّبْتِ إِلَّا فِيمَا افْتُرِضَ عَلَيْكُمْ، وَإِنْ لَمْ يَجِدْ أَحَدُكُمْ إِلَّا لِحَاءَ عَنَبَةٍ أَوْ عَوْدَ شَجَرَةٍ فَلْيَمْضُغْهُ (۳).

یعنی، از عبدالله بن بسر از خواهر او از رسول‌خدا (ص) روایت شده که فرمود: روز شنبه را روزه نگیرید مگر اینکه بر شما واجب شده باشد (مانند روزه نذرو یا قضاء). و اگر چیزی نیافتید جز پوست انگوری و یا چوب درختی آنرا بمکید (و این تأکید در ترک روزه

روز شنبه است که بعضی مکروه دانسته‌اند. و گفته‌اند نهی از روزه شنبه یا جمعه بتنهائی بخاطر شبیه نبودن به یهود است که شنبه را بتنهائی روزه می‌گیرند و یا بخاطر آنستکه جمعه، عید ایام هفته می‌باشد).

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ طَامَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ صَبْرًا وَاجْتِسَابًا أُعْطِيَ ثَوَابَ صِيَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ غُرْزُهُرٍ لِاتِّشَاكِيلِ أَيَّامِ الدُّنْيَا (۴).

یعنی، رسول‌خدا (ص) فرمود: کسیکه روز جمعه برای صبر و به حساب خدا گذاشتن روزه گیرد ثواب روزه ده روز سفید درخشانی که مانند ایام دنیا نباشد به او داده شود (این حدیث دارای اشکالاتی است).

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۷ و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۲ و

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۱ المصنف / ج ۴ / ص ۲۸۰

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۸۷

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۰۱

## ۵۲- باب صوم المرأة و الضیف و العبد و الولد

### تَطَوُّعًا

۱- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا<sup>(۱)</sup> وَ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تَعْصِيَهُ، وَ لَا تَصَدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَ إِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ<sup>(۲)</sup>

یعنی، از حضرت باقر ع روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) فرموده: برای زن روزه مستحبی نیست مگر با اجازه شوهرش. و گفت: زنی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد حق شوهر بر زن چیست؟ فرمود: این است که او را اطاعت کند و نافرمانی نکند و از خانه او صدقه ندهد مگر به اذن او، و روزه مستحبی نگیرد مگر به اجازه او (یعنی مکروه است) و او را از خود منع نکند و اگر چه بالای پشت شتر باشد.

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بِلَدَةٍ فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ فِيهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ، وَ لَا يَنْبَغِي لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ لِئَلَّا يَعْمَلُوا لَهُ الشَّيْءَ فَيَفْسُدَ عَلَيْهِمْ، وَ لَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَصُومُوا إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ لِئَلَّا يَحْشَمَهُمْ فَيَشْتَهِيَ الطَّعَامَ فَيَتْرَكَهُ لَهُمْ<sup>(۳)</sup> وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: وَ مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومَنَّ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِمْ<sup>(۴)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون مردی وارد شهری شد او بر کسانیکه آنجا هستند از اهل دین خود میهمان است تا کوچ کند و برای میهمان سزاوار نیست که روزه گیرد جز به اذن ایشان تا مبادا برای او چیزی و طعامی مهیا کنند و بماند فاسد گردد. و سزاوار نیست که میزبانان روزه گیرند مگر با اجازه میهمان تا مبادا از ایشان

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۳۰۵

(۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۳ و ۳۹۴

(۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۴

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۵

ملاحظه کند و طعامی را که میل دارد برای خاطر ایشان ترک کند. و در روایت دیگر فرمود: و کسیکه به قومی نازل شد البتّه روزه نگیرد مگر با اجازه ایشان.

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مِنْ فِقْهِ الضَّيْفِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ، وَ مِنْ صَلَاحِ الْعَبْدِ وَ طَاعَتِهِ وَ نَصِيحَتِهِ لِمَوْلَاهُ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ وَ أَمْرِهِ، وَ مِنْ بَرِّ الْوَلَدِ بِأَبِيهِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا، وَ لَا يَحْجَّ تَطَوُّعًا، وَ لَا يَمْلِكُ تَطَوُّعًا، إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهِ وَ أَمْرِهِمَا، وَ إِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا، وَ كَانَتِ الْمَرْأَةُ غَاصِيَةً، وَ كَانَ الْعَبْدُ فَاسِقًا غَاصِيًا، وَ كَانَ الْوَلَدُ عَاقًا<sup>(۱)</sup>.

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: از فهم میهمان است که روزه نگیرد بعنوان استحبابی جز با اجازه صاحب منزل، و از طاعت زن نسبت به شوهرش این است که روزه مستحبی نگیرد جز باذن شوهر و امر او، و از شایستگی بنده و اطاعت او و خیرخواهی نسبت به مولایش این است که روزه مستحبی نگیرد جز با اجازه و امر مولایش و از نیکی فرزند به پدر و مادرش این است که روزه مستحبی نگیرد و حج مستحبی نرود و نماز مستحبی نخواند جز با اجازه و امر پدر و مادرش، و گرنه میهمان جاهل بوده و زن نافرمانی کرده، و بنده فاسق و نافرمان شده و فرزند عاق گردیده است.

## ۵۳- باب من مات و علیه صيام رمضان

### او صيام من نذر

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ صِيَامٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيُّهُ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از عایشه روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه وفات کرده و برای او روزه بوده، ولی او از طرف او روزه بگیرد.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۶.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۸.

۲- ج . جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،  
 إِنَّ أُمَّي مَاتَتْ وَعَلَيْهَا صَوْمٌ نَذَرْتُ، أَفَأَصُومُ عَنْهَا؟ قَالَ: أَرَأَيْتِ  
 لَوْ كَانَ عَلَى أُمِّكَ دَيْنٌ فَقَضَيْتِيهِ أَكَانَ يُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْهَا؟ قَالَتْ: نَعَمْ،  
 قَالَ: فَصُومِي عَنْ أُمِّكَ! (۱)

یعنی، زنی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله، مادرم فوت شده و برگردن او روزه نذری بوده آیا از او روزه بگیرم؟ فرمود: آیا اگر برگردن مادرت دینی بود تو از او قضا میکردی، و ادا مینمودی؟ گفت: بلی، فرمود: پس از طرف مادرت روزه بگیر.

۳- ج . عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ أُمَّي مَاتَتْ وَعَلَيْهَا صَوْمٌ شَهْرٍ أَفَأَقْضِيهِ عَنْهَا؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَ عَلَى أُمِّكَ دَيْنٌ أَكُنْتَ قَاضِيَهُ عَنْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَدَيْنُ اللَّهِ أَحَقُّ أَنْ يُقْضَى (۲)

یعنی، روایت شده از ابن عباس که گفت: مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: یا رسول الله مادرم فوت شده و برگردن او یک ماه روزه بوده آیا من آنرا قضا کنم؟ فرمود: اگر برگردن مادرت دینی بود آیا تو آنرا انجام میدادی؟ گفت: بلی، فرمود: دین الهی سزاوار است که قضا شود.

(مؤلف گوید: احادیث فوق مورد تأمل است، زیرا دین، حق الناس است و پرداخت آن از طرف میت موجب میشود که طلبکار نسبت به او و حقی نداشته باشد. ولی نماز و روزه و مانند آن این چنین نیست. هرکس آنها را انجام دهد، فقط خود او به تقوی و ثواب و تزکیه و صفای باطن و رفع آلودگی میرسد و به دیگری سرایت نمی کند. و خدا در قرآن فرموده: هرکس نتیجه سعی و کوشش خودش به او میرسد نه سعی دیگری و فرموده: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳) و می فرماید: كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ (۴).

۴- ج . عَنِ ابْنِ عُمَرَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ مَاتَ وَعَلَيْهِ صِيَامٌ شَهْرٍ فَلْيُطْعَمْ عَنْهُ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مِسْكِينًا (۱)

- (۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۸  
 (۳) قرآن / سوره نجم / آیه ۳۹ .  
 (۴) قرآن / سوره مدثر / آیه ۳۸ .  
 (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۸

یعنی، ابنِ عمر روایت کرده از رسول خدا (ص) که فرمود: کسیکه بمیرد و برگردن او روزه یکماه باشد، باید از طرف او در عوض هر روزی مسکینی را اطعام کنند.

۵-ج قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ (رض): إِذَا مَرَضَ الرَّجُلُ فِي رَمَضَانَ ثُمَّ مَاتَ وَ لَمْ يَصُمْ، أُطْعِمَ عَنْهُ وَ لَأَقْضَاءَ، وَ إِنْ نَذَرَ قَضَى عَنْهُ وَ لِيَهُ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ: لَأَيُّمِلَّ أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ وَ لَأَيُّمِلَّ أَحَدٌ عَنْ أَحَدٍ (۲).

یعنی، از ابنِ عباس روایت شده که گفت: هرگاه مرد در ماه رمضان مریض شود سپس فوت کند و روزه نگیرد، از طرف او اطعام شود، و قضائی نیست، و اگر نذر کرده باشد ولی او از طرف او قضا می‌کند. و در روایتی: کسی از طرف کسی دیگر نماز نخواند و کسی از طرف شخص دیگر روزه نگیرد.

(بدانکه اگرچه از بعضی نصوص مذکور استحباب قضاء روزه از طرف میت استفاده می‌شود، ولی بسیاری از فقهاء نیز با استفاده از آثار دیگر روزه گرفتن از طرف میت را همچون نماز خواندن از طرف او جایز نمی‌دانند، زیرا روزه از عبادات بدنیه مانند نماز است که قابل نیابت نیست چه در حیات و چه ممات. و گفته اند آنچه می‌توان در این مورد انجام داد فقط همان اطعام مسکین از طرف میت می‌باشد. و از عایشه روایت شده که گفت: «لَا تَصُومُوا عَنْ مَوْتَاكُمْ وَ اطْعَمُوا عَنْهُمْ» (۳).

## ۵۴-باب أَنَّ الصَّائِمَ الْمَتَّوِّعَ أَمِيرَ نَفْسِهِ

۱-ج عَنْ أُمِّ هَانِيَةَ (رض) قَالَتْ: لَمَّا كَانَ يَوْمُ فَتْحِ مَكَّةَ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَجَلَسَتْ عَنْ يَسَارِ النَّبِيِّ (ص) وَ أُمُّ هَانِيَةَ عَنْ يَمِينِهِ، فَجَاءَتِ الْوَلِيدَةُ بِإِنَاءٍ فِيهِ شَرَابٌ فَنَأَوَلَتْهُ فَشَرِبَ مِنْهُ، ثُمَّ نَأَوَلَهُ أُمُّ هَانِيَةَ، فَشَرِبَتْ مِنْهُ وَ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَفْطَرْتُ وَ كُنْتُ صَائِمَةً فَقَالَ لَهَا: أَكُنْتِ تَقْضِينَ شَيْئًا؟ قَالَتْ: لَا، قَالَ: فَلَا يَضُرُّكَ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۸.

(۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۷۹.

إِنْ كَانَ تَطَوُّعًا<sup>(۱)</sup> وَ فِي رَوَايَةٍ: الصَّائِمُ الْمُتَطَوِّعُ أَمِيرُ نَفْسِهِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ<sup>(۲)</sup>.

یعنی، روایت شده از ام‌هانی که گفت: چون روز فتح مکه شد، فاطمه آمد از طرف چپ رسول خدا (ص) نشست و ام‌هانی طرف راست او بود، پس کنیز آمد و ظرف شیری آورد و بدست رسول خدا (ص) داد، حضرت از آن تناول کرد و به ام‌هانی داد، پس از آن آشامید و گفت: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِتَحْقِيقِ مَنْ أَفْطَرَكَ دَرَحَالِيكَه صَائِمٌ بُوَدِمَ، فرمود: آیا قضاء چیزی را انجام میدادی؟ گفت: نه، فرمود: پس ضرری ندارد اگر مستحبی بوده است، و در روایتی، فرمود: روزه دار مستحبی اختیار خود دارد اگر خواست روزه گیرد، و اگر خواست افطار کند.

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ: أُهْدِيَ لِي وَ لِحَفْصَةَ طَعَامٌ وَ كُنَّا صَائِمَتَيْنِ فَأَفْطَرْنَا ثُمَّ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقُلْنَا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَهْدَيْتَ لَنَا هَدِيَّةً فَاشْتَهَيْنَاهَا فَأَفْطَرْنَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَأَعْلَيْكُمْ، صُومًا مَكَانَهُ يَوْمًا آخَرَ<sup>(۳)</sup>.

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: برای من و حفصه طعامی بهدیه آورده شد و هر دو روزه بودیم و افطار کردیم، سپس رسول خدا (ص) وارد شد، به او گفتیم: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَدِيَّةٌ لَنَا فَأَفْطَرْنَا وَ مَا مِيلَ دَاشْتِمِمْ وَ افْطَارَكَرْدِمِمْ، رسول خدا (ص) فرمود: بر شما باکی نیست، عوض آن روز دیگری را روزه بگیرید (البته از باب استحباب، بنا بر این، روزه دار مستحبی هرگاه روزه خود را خورد و شکست، مستحب است بجای آن روز دیگری را روزه بگیرد).

## ۵۵- باب من دعى الى طعام وهو صائم

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۰  
(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۰ و ۱۰۱ و المصنف / ج ۴ / ص ۲۷۶



إِلَى طَعَامٍ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ (۱)

یعنی، روایت شده از ابی هریره از رسول خدا (ص) که فرمود: هرگاه یکی از شما به طعامی خوانده شد در حالیکه صائم است، باید بگوید من صائم. (یعنی، همینقدر که بگوید: من روزه ام اجابت کرده است).

۲- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجِبْ، فَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيَطْعَمْهُ وَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَمْلَسْ (۲).

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: چون یکی از شما دعوت گردید، پس باید اجابت کند، پس اگر افطار رکننده است طعام تناول کند و اگر روزه گیر است نماز (ویا دعا) کند. (باید دانست آن شخصی که روزه مستحبی گرفته هرگاه دعوت به طعامی شد اگر خوردن طعام موجب خوشحالی دعوت کننده باشد، مستحب است روزه خود را افطار کند. ولی اگر روزه واجبی گرفته، مستحب است در خانه ای که دعوت شده، نماز و یا دعا کند).

## ابواب الاعتكاف

### ۵۶- باب استحباب الاعتكاف

#### وتأكده في العشر الأواخر من رمضان

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ... طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۳)  
وَقَالَ تَعَالَى: وَاتَّبِشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ (۴)

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَعْتَكِفُ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ مِنْ رَمَضَانَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللَّهُ، ثُمَّ اعْتَكَفَ أَزْوَاجُهُ مِنْ بَعْدِهِ (۵).

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) اعتکاف میکرد

- (۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۱  
(۳) قرآن / سورة بقره / آیه: ۱۲۵  
(۴) قرآن / سورة بقره / آیه: ۱۸۷  
(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۲

در دهه او اخر ماه رمضان تا خدا او را وفات داد، سپس زنان او پس از او اعتکاف می داشتند.

۲- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رض) قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) يَعْتَكِفُ فِي كُلِّ رَمَضَانَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَلَمَّا كَانَ الْعَامُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ اعْتَكَفَ عَشْرِينَ يَوْمًا<sup>(۱)</sup>

یعنی، از ابوهریره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در هر ماه رمضان اعتکاف مینمود ده روز، پس چون سال آخر عمرش بود، بیست روز اعتکاف کرد.

۳- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَتْ بَدْرٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَلَمْ يَعْتَكِفْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلِ اعْتَكَفَ عَشْرِينَ عَشْرًا لِغَايِهِ، وَعَشْرًا قِضَاءً لِمَا فَاتَهُ<sup>(۲)</sup>

یعنی، از حضرت صادق ع روایت شده که گفت: بدر در ماه رمضان بود، و رسول خدا (ص) اعتکاف نکرد، پس چون آینده آمد بیست روز اعتکاف نمود، ده روز برای آنسال، و ده روز برای قضاء آنچه از او فوت شده بود.

۴- ش عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ الْأَوَّلَ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضَرَبَتْ لَهُ قَبَّةٌ مِنْ شَعْرِ، وَشَمَّرَ الْمِئْزَرَ وَطَوَى فِرَاشَهُ<sup>(۳)</sup>

یعنی، روایت شده از حضرت صادق که گفت: رسول خدا (ص) چون دهه او را وارد می نمود در مسجد اعتکاف مینمود و برای او خیمه ای زده میشد از مو، و دامن به کمر میزد و بستر را بهم می پیچید.

۵- ش عَنْ عَلِيٍّ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) كَانَ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ شَمَّرَ وَشَدَّ الْمِئْزَرَ وَبَرَزَ مِنْ بَيْتِهِ وَاعْتَكَفَ وَأُحْبِيَ اللَّيْلَ كُلَّهُ وَكَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلٍ مِنْهُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ<sup>(۴)</sup>

یعنی، علی ع روایت کرده که: رسول خدا (ص) چون دهه ماه رمضان داخل

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۲.  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۷.  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۷.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۲ / ص ۹۵۳.

میشد (یعنی دهه آخر) دامن به کمر میزد و خود را محکم و مهیّا مینمود و از خانه خود بیرون میرفت و معتکف میشد و شب را احیاء میداشت و در هر شب از آن بین نماز مغرب و عشاء غسل مینمود .

۶- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ : كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعْتَكِفَ صَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ دَخَلَ مَعْتَكِفَهُ وَ أَنَّهُ أُمِرَ بِخِبَائِثِهِ فَضُرِبَ أَرَادَ الْإِعْتِكَافَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ رَمَضَانَ فَأَمَرَتْ زَيْنَبُ بِخِبَائِثِهَا فَضُرِبَ وَ أُمِرَ غَيْرُهَا مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ (ص) بِخِبَائِثِهِ فَضُرِبَ ، فَلَمَّا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْفَجْرَ نَظَرَ فَإِذَا الْأَخْبِيَةَ ، فَقَالَ : أَلَيْسَ تُرَدُّنَ؟ فَأَمَرَ بِخِبَائِثِهِ فَقَوَّضَ وَ تَرَكَ الْإِعْتِكَافَ فِي رَمَضَانَ حَتَّى اعْتَكَفَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ مِنْ شَوَّالٍ (۱)

یعنی، روایت شده از عایشه که گفت: رسول خدا (ص) چنین بود که هرگاه میخواست اعتکاف کند نماز فجر را میخواند و داخل درجای اعتکاف خود میشد. و آن جناب امر کرد سراپرده ای زده شود و اراده اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان نمود، پس زینب (نیز) امر کرد سراپرده خود را زده شد و هر یک از زنان رسول خدا (ص) امر کرد که سراپرده او زده شود، پس چون رسول خدا (ص) نماز فجر را خواند و نظر کرد دید سراپرده هارا، پس فرمود: آیا اراده کار (نیک) کرده اید و امر کرد سراپرده او را جمع کردند و اعتکاف را در ماه رمضان ترک کرد تا اینکه در دهه اول شوال اعتکاف نمود. (یعنی، پیغمبر ص چون دید زنان او بها و اقتداء کرده و اعتکاف نمودند، برای حذر از تنگی مسجد اعتکاف را ترک فرمود).

۷- ج عَنْ ابْنِ عُمَرَ (رض) قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ (ص) إِذَا اعْتَكَفَ طُرِحَ لَهُ فِرَاشٌ أَوْ يُوَضَّعُ لَهُ سَرِيرٌ وَرَاءَ أُسْطُوَانَةِ التَّوْبَةِ (۲)

یعنی، روایت شده از ابن عمر که گفت: رسول خدا (ص) چون اعتکاف میکرد برای او فرش انداخته میشد و یا سریری گذاشته میشد پشت ستون توبه .

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۲ والمصنف / ج ۴ / ص ۳۵۲ و ۳۵۳ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۲ .

## ۵۷- باب خروج المعتكف من المسجد للحاجة

۱- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا اعْتَكَفَ يُدْنِي إِلَيَّ رَأْسَهُ فَأَرْجِلُهُ وَكَانَ لَا يَدْخُلُ الْبَيْتَ إِلَّا لِحَاجَةِ الْإِنْسَانِ (۱) .  
یعنی، از عایشه روایت شده که گفت : رسول خدا (ص) هرگاه اعتکاف میکرد سر خود را به سوی من نزدیک می کرد که آنرا شانه زخم و معطر نمایم، و وارد خانه نمی شد مگر برای حاجت انسانی (برای تطهیر و غسل و تخلیه و امثال اینها) .

۲- ج قَالَتْ صَفِيَّةُ (رض) : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مُعْتَكِفًا فَأَتَيْتُهُ أَرْوَرَهُ لَيْلًا فَحَدَّثْتُهُ ثُمَّ قُمْتُ إِلَى بَيْتِي فَقَامَ مَعِيَ النَّبِيُّ (ص) لِيَقْلِبَنِي وَكَانَ مُسْكِنُهَا فِي دَارِ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ فَمَرَّ رَجُلَانِ مِنَ الْأَنْصَارِ، فَلَمَّا رَأَى النَّبِيُّ (ص) أَسْرَعَا فَقَالَ (ص) : عَلَيَّ رِسْلِكُمَا إِنَّهَا صَفِيَّةُ بِنْتُ حَبِيبٍ، قَالَا: سُبْحَانَ اللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنَ الْإِنْسَانِ مَجْرَى الدَّمِ فَخَشِيتُ أَنْ يَقْدِفَ فِي قُلُوبِكُمَا شَيْئًا أَوْ قَالَ شَرًّا (۲) .

یعنی، صفیة زوجه رسول خدا (ص) گفته که : رسول خدا (ص) معتکف بود، من شبانه آمدم تا او را زیارت کنم، پس با او سخن گفتم، و برخاستم تا به طرف خانه برگردم، حضرت با من برخاست تا مرا برساند، (و مسکن او خانه اسامه بن زید بود) در بین راه دو مرد از انصار به ما گذشتند و چون رسول خدا (ص) را دیدند سرعت کردند، حضرت فرمود : سرعت مکنید این زن صفیة بنت حبیب می باشد، عرض کردند : یا رسول الله، سبحان الله ما گمان بد به شما نمی بریم، فرمود : شیطان مانند خون در رگ و پوست انسان جریان دارد، و من ترسیدم در دل شما چیزی بیندازد و وسوسه کند .

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۳ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۳ و المصنف / ج ۴ / ص ۳۶۰ .

## ۵۸- باب هل يشترط الصوم للإعتكاف

۱- ج عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ (رض) قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي نَذَرْتُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَيْلَةً فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ (ص): أَوْفِ بِنَذْرِكَ، فَأَعْتَكَفَ لَيْلَةً<sup>(۱)</sup>

یعنی، روایت شده از عمر بن خطاب که گفت: یا رسول الله، من در جاهلیت نذر کردم شبی را در مسجد الحرام اعتکاف کنم، حضرت فرمود: به نذر خود وفا کن، پس او شبی را اعتکاف نمود.

باستناد این روایت و پاره‌ای آثار دیگر و نیز اعتکاف رسول خدا (ص) در دهه اول شوال که در آن عید فطراست، بسیاری از علماء، روزه را برای اعتکاف شرط نمی‌دانند، اگرچه آنرا افضل می‌دانند، ولی، عدّه‌ای از فقهاء و علمای دیگر روزه را شرط می‌دانند. و دلیل عمده ایشان حدیث زیر است:

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ: السُّنَّةُ عَلَى الْمُعْتَكِفِ أَنْ لَا يَخْرُجَ لِحَاجَةٍ إِلَّا لِمَا لَبَدَّ مِنْهُ، وَلَا أَعْتَكَفَ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ جَامِعٍ<sup>(۲)</sup>

یعنی، از عایشه روایت شده که گفت: سنت بر معتکف آنستکه عبادت مریض نکند و به جنازه حاضر نشود، و زنی را مس نکند و با او مباشرت نکند، و برای حاجتی از مسجد خارج نشود مگر آنکه ناچار شود، و اعتکافی بدون صوم نیست، و اعتکافی نیست مگر در مسجد جامع. (البته اعتکاف در هر مسجدی جایز است، و در مسجد جامع و مسجدی که در آن اقامه جماعت و نماز خوانده میشود، افضل است، و برای زن جایز است که در مسجد خانهاش، یعنی مکانی که در منزل خود برای نماز اختصاص داده است، اعتکاف کند.)

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۰۴

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۰۴

## ۵۹-باب فضل الاعتکاف و ثوابه

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ فِي الْمُعْتَكِفِ :  
هُوَ يَعْكَفُ الذُّنُوبَ وَ يُجْرِي لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ كَغَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا<sup>(۱)</sup>

یعنی، از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) در حق کسی که اعتکاف می‌کند، فرمود که: باعتکاف مانع گناهان است، و برای معتکف از حسنات نوشته شود مانند آنکه آن حسنات را بعمل آورده است.

۲- جوش عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ مَنِ اعْتَكَفَ عَشْرًا فِي رَمَضَانَ كَانَ كَحَجَّتَيْنِ وَ عُمَرَتَيْنِ<sup>(۲)</sup>

یعنی، از حسین بن علی روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هر کس در ماه رمضان ده شبانه روز اعتکاف کند معادل با دو حج و دو عمره است.

۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: سَمِعْتُ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ يَقُولُ: مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ وَ بَلَغَ فِيهَا وَ بَلَغَ فِيهَا كَانَ خَيْرًا لَهُ مِنْ اعْتِكَافِ عَشْرِ سِنِينَ، وَ مَنْ اعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءً وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خُنَادِقَ أَبَعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ<sup>(۳)</sup>

یعنی، روایت شده از ابن عباس که گفت: شنیدم از صاحب این قبر رسول خدا (ص) که می‌فرمود: کسی که در انجام حاجت برادرش حرکت کند و در آن برسد، برای او از اعتکاف بیست سال بهتر است، و کسی که یکروز برای رضای خدا اعتکاف کند خدا بین او و بین آتش سه خندق قرار می‌دهد که او را از آتش دورتر کند از دوری بین مشرق و مغرب.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةَ آلْفِ سَنَةٍ صَاحِبًا نَهَا رَهَ، فَأَعْمَا لَيْلَهُ<sup>(۴)</sup>

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که در انجام حاجت برادر دینی خود کوشش سعی کند، گویا نه هزار سال خدای عزوجل را عبادت کرده است در حالی که روزش را روزه گرفته و شبش را برای عبادت قیام کرده باشد.

(۱) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۱۰۴

(۲) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۱۰۵. و وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۳۹۷

(۳) التاج مع الاصول / ج ۲ / ص ۱۰۵

(۴) وسائل الشیعه / ج ۷ / ص ۴۰۹



# (۶) کتاب الحج و العمرة

## ۱- باب فضائل الحج

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ  
طَامِرٍ يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فِجٍّ عَمِيقٍ (۱)

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرَفُثْ  
وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (۲)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هر که برای  
خدا حج کند و جماع نکند و گناهی مرتکب نشود، برگردد مانند  
روزی که از مادرش متولد شده.

۲- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَقَاهُ  
أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي خَرَجْتُ أُرِيدُ الحَجَّ فَفَاتَنِي وَ  
أَنَا رَجُلٌ مُمِيلٌ، فَمَرَّنِي أَنْ أَصْنَعَ فِي مَالِي مَا أُبْلِغُ بِهِ مِثْلَ أَجْرِ  
الحَاجِّ، فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: انْظُرْ إِلَيَّ يَا قُبَيْسِ  
فَلَوْ أَنَّ أَبَا قُبَيْسٍ لَكَ ذَهَبٌ حَمْرَاءَ أَنْفَقْتَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا بَلَغَتْ  
بِهِ مَا يَبْلُغُ الحَاجُّ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الحَاجَّ إِذَا أَخَذَ فِي جِهَارِهِ لَمْ يَرْفَعْ  
شَيْئًا وَ لَمْ يَضَعْهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرَ  
سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، فَإِذَا رَكِبَ بَعِيرَهُ لَمْ يَرْفَعْ خُفًّا وَ  
لَمْ يَضَعْهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ، فَإِذَا طَافَ بِالبَيْتِ خَرَجَ مِنْ  
دُنُوبِهِ، فَإِذَا سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ المَرُوزَةِ خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ، فَإِذَا وَقَفَ

(۱) قرآن/سوره حج/آیه: ۲۷.

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ص ۱۰۶ والمصنف / ج ۵/ص ۰۴

بِعَرَفَاتٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ، فَإِذَا وَقَفَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ  
فَإِذَا رَمَى الْجِمَارَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ، قَالَ: فَعَدَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَذَا وَ  
كَذَا مَوْفِعًا إِذَا وَقَفَهَا الْحَاجُّ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ ثُمَّ قَالَ: أُنْتَى لَكَ  
أَنْ تَبْلُغَ مَا يَبْلُغُ الْحَاجُّ (۱)

یعنی، حضرت صادق از پدران‌ش روایت کرده که رسول‌خدا (ص) مرد  
اعرابی را ملاقات کرد و او عرض کرد یا رسول الله من از خانه  
بیرون آمدم بقصد حج و حج از من فوت شد (یعنی نرسیدم) و من مرد  
صاحب مال هستم مرا آمرکن کاری کنم در مالم تا برسم بسه آن  
ثوابی که حج کننده میرسد رسول‌خدا (ص) بها و توجه کرد و فرمود:  
نگاه کن به کوه ابوقبیس که اگر کوه ابوقبیس برایت طلای یکپارچه  
شود و در راه خدا انفاق کنی به ثواب حج کننده نرسی، سپس فرمود:  
حاجی چون وسائل حج را فراهم کند چیزی را بر ندارد و زمی—  
نگذارد مگر اینکه برای او ده حسنه نوشته شود و ده گناه از او  
محو گردد و ده درجه او بالا رود و چون سوارشتر شود هر قدمی که  
برمیدارد و می‌گذارد برای او مانند همان نوشته شود، پس چون  
بدورخانه کعبه طواف کند از گناهانش خارج شود، و چون بین صفا  
و مروه سعی کند از گناهان خود خارج شود، و چون سنگریزه افکند  
از گناهانش بیرون رود. و رسول‌خدا (ص) شمرد موافقی را که حاجی  
در آنها توقف میکند که در هر موقفی از گناهان خارج شود، سپس  
فرمود: کجا برای تو امکان دارد که بررسی به آن ثوابی که حاجی  
میرسد. (مؤلف گوید این حدیث خالی از غلو نیست).

۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْحَاجُّ ثَلَاثَةٌ: فَأَفْضَلُهُمْ نَصِيبًا  
رَجُلٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ وَقَاهُ اللَّهُ عَذَابَ الْقَبْرِ  
وَ أُمًّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهُ، وَ يَسْتَأْنِفُ  
الْعَمَلَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عَمْرِهِ، وَ أُمًّا الَّذِي يَلِيهِ فَرَجُلٌ حَفِظَ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ (۲)

یعنی، رسول‌خدا (ص) فرمود: حج کنندگان سه عده می‌باشند: آنکه

(۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۷۹ و ۸۱

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۷۰ و ۷۴



بهره‌ا و بهتراست مردی است که گناه گذشته قدیمی و گذشته وجدیدیا آینده‌ا و آمرزیده شود و خدا او را از عذاب قبر حفظ کند و أمّا آنکه پس از اوست مردی است که گناه گذشته‌ا و آمرزیده شود و در باقی عمر عمل را از سرگیرد و أمّا آنکه پس از اوست مردی است که در میان اهل و مالش محفوظ بماند. ( این حدیث نیز دارای غلو بوده و موافق کتاب خدا نیست و می‌توان گفت جعلی است ).

۴- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْجَنَّةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ (۱)

یعنی، از ابی‌هریره روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود: عمره تا عمره دیگر کفاره آن چیزی است که بین آن دو وقوع یافته، و حج نیکو برایش مُزدی نیست جز بهشت. (وبهمین مضمون در کتاب وسائل نیز روایت شده است (۲)).

۵- ج وَش قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ عَلَى النِّسَاءِ مِنْ جِهَادٍ؟ قَالَ: نَعَمْ جِهَادٌ لِقِتَالِ فِيهِ: الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ (۳) وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: الْحَجُّ جِهَادٌ الضَّعِيفِ (۴) وَفِي رِوَايَةٍ: هُوَ أَحَدُ الْجِهَادَيْنِ وَهُوَ جِهَادُ الضُّعَفَاءِ (۵)

یعنی، به رسول‌خدا (ص) عرض شد آیا بر زنان جهادی هست؟ فرمود: آری بر ایشان جهادی است که در آن قتال و کشتاری نیست و آن رفتن به حج و عمره است. و در روایتی آنحضرت فرمود: حج جهاد ناتوان است. و در روایت دیگر: حج یکی از دو جهاد است و آن جهاد ضعیفاء می‌باشد.

۶- ج عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ يُعْتِقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ (۶)

یعنی، از عایشه روایت شده که رسول‌خدا (ص) فرمود: هیچ روزی بیشتر از روز عرفه خدایتعالی بنده را از آتش دوزخ آزاد نمی‌گرداند.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۶ والمصنف / ج ۵ / ص ۰۴

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۰۶۶

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۷ والمصنف / ج ۵ / ص ۰۸

(۴) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۰۶۹ (۵) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۰۷۴

(۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۷

۷- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَا مِنْ أَيَّامٍ أَزْكَىٰ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَلَا أَعْظَمَ أَجْرًا مِنْ خَيْرٍ فِي عَشْرِ الْأَضْحَىٰ (۱)...

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: ایامی بهتر و اعظم اجرا نیست نزد خدا از جهات کار خیری که در دهه قربان است. (مؤلف گوید: حدیثی مانند این در باب چهل وسوم از ابواب صیام گذشت).

۸- جوش قَالَ النَّبِيُّ (ص) تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: حج و عمره را در پی یکدیگر بیاورید زیرا این دو فقر و گناهان را می‌برند چنانکه دمیدن کوره آهنگر زنگ آهن و طلا و نقره را می‌برد و برای حج نیکو ثوابی نیست جز بهشت. (وبهمین مضمون در کتاب وسائل نیز آمده است (۳)).

۹- ش قَالَ النَّبِيُّ (ص): حُجُّوا تَسْتَنْفِئُوا (۴) وَقَالَ: مَنْ أَرَادَ دُنْيَا وَآخِرَةً فَلْيُؤَمِّ هَذَا الْبَيْتَ (۵) وَقَالَ: لَا يَخَالِفُ الْفَقْرُ وَالْحُمَىٰ مَدِينَةَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ (۶)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: حج کنید تا غنی گردید. و فرمود: هر کس دنیا و آخرت بخواهد این خانه را حج کند. و فرمود: کسیکه همواره به حج و عمره میرود دست به گریبان فقر و تب نمی‌شود.

۱۰- ج عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ أَهْلًا يَحْجُّهُ أَوْ عُمْرَةً مِنَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَىٰ إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ أَوْ وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ (۷) وَقَالَ: وَفَدُّ اللّٰهُ ثَلَاثَةً: الْغَازِيَّ وَالْحَاجَّ وَالْمُعْتَمِرَ (۸)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه برای حج و یا عمره از مسجد اقصیٰ لیبیک گوید به طرف مسجد الحرام برای او آمرزش و یا واجب است بهشت. و فرمود: واردین به خدا جنگجوی مجاهد است و حج

(۱) وسائل الشیعه / ج ۱۰ / ص ۲۲۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۷ و مسندا لامام زید / ص ۲۲۱ و المصنّف / ج ۵ / ص ۳.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۷۴ و ۸۷.

(۴) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۷.

(۵) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۴۰ و ۱۰۷ و مسندا لامام زید / ص ۲۲۰.

(۶) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۹۵.

(۷) و (۸) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۷.

کننده و عمره بجا آورنده .  
 ۱۱- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): لِيَحْجَنَّ الْبَيْتُ وَ لِيُعْتَمِرَنَّ بَعْدَ خُرُوجِ  
 يَا جُوجَ وَ مَا جُوجَ (۱)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: همواره خانه خدا حج و زیارت شود حتی  
 بعد از خروج یا جوج و ما جوج .

۱۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): كُلُّ نَعِيمٍ مَسْئُولٌ عَنْهُ صَاحِبُهُ  
 إِلَّا مَا كَانَ فِي غَزْوٍ أَوْ حَجٍّ (۲) وَ قَالَ: مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ  
 وَجَلَّ مِنْ نَفَقَةٍ قَصِدٍ وَ يُبْغِضُ الْأَسْرَافَ إِلَّا فِي الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، رَحِمَ  
 اللَّهُ مُؤْمِنًا اِكْتَسَبَ طَيْبًا، وَ انْفَقَ مِنْ قَصِدٍ أَوْ قَدَمَ فَضْلًا (۳)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر نعمتی صاحب آن مورد سؤال و مواخذه  
 است مگر مالیکه در جنگ و یا حج مصرف شده باشد. و فرمود: هیچ  
 نفقه و خرجی نزد خدا بهتر نیست از خرج میانه روی و خدا دشمن  
 می دارد اسراف را مگر در حج و عمره، پس خدا مؤمنی را رحم کند که  
 پاکیزه کسب کند و معتدل انفاق کند و یا زیادیش را برای  
 آخرت بفرستد .

۱۳- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَ هُوَ بَيْنَوِي  
 الْحَجِّ مِنْ قَابِلٍ زِيدَ فِي عُمْرِهِ، وَ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ وَ لَيْسَ بَيْنَوِي الْعَوْدِ  
 إِلَيْهَا فَقَدْ اقْتَرَبَ أَجَلَهُ، وَ دَنَا عَذَابَهُ (۴)!

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هر کس از مکه مراجعت کند در حالیکه  
 قصد حج سال بعد را داشته باشد در عمر او زیاد گردد و هر کس  
 از مکه بیرون رود و نیت برگشت به آن را نداشته باشد بتحقیق  
 اجل او نزدیک و عذاب او نزدیک شده است .

۱۴- ج عَنْ جَابِرٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) حَجَّ ثَلَاثَ حَجَجٍ حَجَّتَيْنِ قَبْلَ  
 أَنْ يَهَاجِرَ وَ حَجَّةَ بَعْدَ مَا هَاجَرَ وَ مَعَهَا عُمْرَةٌ فَسَاقَ ثَلَاثًا وَسِتِّينَ  
 بَدَنَةً وَ جَاءَ عَلِيُّ مِنَ الْيَمَنِ بِبَقِيَّتِهَا فِيهَا جَمَلٌ لِأَبِي جَهْلٍ فِي أَنْفِهِ

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۷ .  
 (۲) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۷۰ .  
 (۳) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۱۰۶ .  
 (۴) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۱۰۷ .

بِرَّةٍ مِّنْ فَضَّةٍ فَنَحَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ أَمَرَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ بِبِضْعَةٍ  
فَطَبِخَتْ وَ شَرِبَ مِنْ مَرَقِهَا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، جابر گفته که رسول خدا (ص) سه مرتبه حج نمود دو حج قبل از آنکه هجرت کند و یک حج پس از آنکه هجرت نمود که با آن عمره بود، پس شصت و سه شتر سوق داد و علی (ع) از زمین آمد و بقیه شتران را آورد که در میان آنها شتر ابی جهل بود و در دماغ آن حلقه‌ای از نقره بود، پس رسول خدا (ص) آنرا نحر نمود و امر نمود از هر شتری که نحر شده پاره گوشتی طبخ شد و از آب گوشت آن آشامید.

۱۵- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: لَمْ يَحِجَّ النَّبِيُّ (ص) بَعْدَ قُدُومِ  
الْمَدِينَةِ إِلَّا وَاحِدَةً وَ قَدْ حَجَّ بِمَكَّةَ مَعَ قَوْمِهِ حِجَاتٍ<sup>(۲)</sup> وَ فِي رِوَايَةٍ  
أُخْرَى: حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ عَشْرَ حِجَاتٍ مُّسْتَرَاتٍ<sup>(۳)</sup> وَ فِي رِوَايَةٍ: عَشْرِينَ  
حِجَّةً مُّسْتَرَةً<sup>(۴)</sup>!

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) پس از ورود به مدینه حج نکرد مگر یک مرتبه. و بتحقیق قبلاً با قوم خود در مکه چندین حج کرده بود. و در روایتی: رسول خدا (ص) ده حج پنهانی (قبل از هجرت) بجا آورده بود و در روایتی بیست حج پنهانی.

## ۲- باب فرضیة الحج

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ  
سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ<sup>(۵)</sup>.

۱- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: أَيُّهَا  
النَّاسُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا فَقَالَ رَجُلٌ: أَكُلَّ غَامٍ يَا

(۱) التاج مع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۸.

(۲) و (۳) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۸۸.

(۴) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۸۸ و ۸۹ و ۹۳ و ۹۴ و ج ۹ / ص ۳۸۰.

(۵) قرآن / سورة آل عمران / قسمتی از آیه: ۹۷.

رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَوْ قُلْتُ نَعَمْ لَوَجِبَتْ وَلِمَا اسْتَطَعْتُمْ، ثُمَّ قَالَ: ذَرُونِي مَا تَرَكْتُكُمْ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ قَبْلَكُمْ بِكَثْرَةِ سُؤَالِهِمْ وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَيَّ أَنْبِيَائِهِمْ. فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ! (۱)

یعنی، از ابی هریره روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) خطبه ای خواند و فرمود: ای مردم، بتحقیق خدا بر شما حج را واجب نموده، پس حج کنید، مردی عرض کرد یا رسول الله آیا هر سال باید حج کرد؟ رسول خدا (ص) ساکت شد تا او سه مرتبه سؤالش را گفت، پس رسول خدا (ص) فرمود: اگر بگویم بلی، البته واجب میشد و توانائی نداشتید، سپس فرمود: مادامیکه شما را واگذاشته ام مرا رها کنید همانا مردم پیش از شما هلاک شدند بواسطه زیادی سؤالاتشان و اختلافشان بر پیغمبران شان، پس هرگاه شما را به چیزی امر کردم آنچه را از آن میتوانید بیاورید و هرگاه از چیزی شما را نهی کردم آنرا واگذارید.

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ الْأَقْرَعَ بْنَ حَابِسٍ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَجُّ فِي كُلِّ سَنَةٍ أَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً؟ قَالَ: بَلْ مَرَّةً وَاحِدَةً فَمَنْ زَادَ فَهُوَ تَطَوُّعٌ (۲)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که اقرع بن حابس عرض کرد یا رسول الله حج در هر سال است و یا یکمرتبه است؟ فرمود: بلکه یکمرتبه است، پس هرکس زیاده تر از یکمرتبه آورد آن تبرع و کار خیری است.

۳- ش عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِنَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَاجِبَةٌ عَلَيَّ مِنْ أَطَاقِ الْمَشْيِ وَ لَقَدْ مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِكَرَاعِ الْغَمِيمِ فَشَكَوَا إِلَيْهِ الْجَهْدَ وَالْعِنَاءَ فَقَالَ: شُدُّوا أَرْكَكُمْ وَاسْتَبْطِنُوا، فَفَعَلُوا ذَلِكَ فَذَهَبَ عَنْهُمْ (۳)

یعنی، حضرت صادق گفت که حجة الاسلام بر آنکه طاقت رفتن دارد

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۸ و ۱۰۹ و مسند الامام زید / وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۲۹ (۳) ص ۲۲۳

واجب است و بتحقیق رسول خدا (ص) برکراع الغیم (کراع الغیم دشتی است که فاصله آن تا مدینه صد هفتاد میل است و بین آن و مکه تقریباً سی میل است) گذر کرد و مردم از سختی و خستگی راه به او شکایت کردند، فرمود: کمرها را محکم ببندید و شکمها را فروبرید، پس این کار را کردند و خستگی از ایشان رخت بربست .

### ۳- باب ما یوجب الحجّ والتّغلیظ فی ترکہ

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُوجِبُ الْحَجَّ؟ قَالَ: الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ<sup>(۱)</sup>  
یعنی، از ابن عمر روایت شده که گفت: مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد ای رسول خدا چه چیز حج را واجب می گرداند؟ فرمود: توشه و مرکب .

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ أَهْلُ الْيَمَنِ يَحْجُّونَ وَ لَا يَتَزَوَّدُونَ وَ يَقُولُونَ: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ فَإِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ سَأَلُوا النَّاسَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: - وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى-<sup>(۲)</sup>  
یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: اهل یمن حج می کردند و توشه بر نمی داشتند و می گفتند ما توکل کنندگانیم و چون به مکه وارد می شدند از مردم سؤال می کردند، پس خدا آیه ۱۹۷ سوره بقره را نازل نمود که می فرماید: توشه بردارید که بهترین توشه تقوی است . (نویسنده گوید: این مطلب با ظاهر آیه موافق نیست . بنا بر این باید گفت منظور از «تَزَوَّدُوا» توشه بردارید، همان عقاید و اعمال صالحه و بخصوص در هنگام حج مناسب است . صحیح و خالص بجا آوردن و اجتناب از محرمات است ) .

۳- ج قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنْ أَرَادَ الْحَجَّ فَلْيَتَعَجَّلْ فَإِنَّهُ قَدْ يَمْرُضُ الْمَرِيضُ وَ تَضِلُّ الرَّاحِلَةُ وَ تَعْرِضُ الْحَاجَةُ<sup>(۳)</sup>

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۹ .

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۹ و ۱۱۰ .

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۹ .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: هرکس اراده حج دارد شتاب کند زیرا ممکن است مریض شود و یا مرکب از بین رود، و یا محتاج گردد.

۴- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا اخْتَصَمَ هُوَ وَوَالِدَهُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَضَى أَنْ الْمَالَ وَالْوَلَدَ لِلْوَالِدِ<sup>(۱)</sup>.

یعنی، حضرت صادق فرمود که: مردی با پدرش نزد رسول خدا (ص) به نزاع پرداخت، رسول خدا (ص) قضاوت کرد که مال و فرزند برای پدر است. (نویسنده گوید: بنا بر این پدر می تواند از مال فرزندش حج برود)

۵- ج عَنْ عَلِيٍّ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً تَبْلُغُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ وَ لَمْ يَحِجَّ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا وَ ذَلِكَ لِقَوْلِ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ - وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا<sup>(۲)</sup>.

یعنی، از علی (رض) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هرکس مالکی زاد و توشه و مرکبی است که او را به خانه خدا می رساند و حج نکند پس بر او باکی نیست که یهودی و یا نصرانی بمیرد و این برای آن است که خدا در کتاب خود (در سوره آل عمران آیه ۹۷) فرموده: برای خدا بر عهده مردم است که بشرط توانایی این خانه را حج کنند. (و بهمین مضمون در کتاب وسائل نیز ذکر شده است<sup>(۳)</sup>)

۶- ش فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ ٤، قَالَ: يَا عَلِيُّ كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَشْرَةٌ: الْقَتَاتُ، وَالشَّاحِرُ، وَالذَّيُّوثُ، وَنَاكِحُ الْمَرْأَةِ حَرَامًا فِي دُبْرِهَا، وَنَاكِحُ الْبَيْهِيْمَةِ، وَمَنْ نَكَحَ ذَاتَ مَحْرَمٍ وَ السَّاعِي فِي الْفِتْنَةِ، وَبَائِعُ السَّلَاحِ مِنْ أَهْلِ الْحَرْبِ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ، وَمَنْ وَجَدَ سَعَةً فَمَاتَ وَلَمْ يَحِجَّ يَا عَلِيُّ تَارَكَ الْحَجَّ وَ هُوَ مُسْتَطِيعٌ كَأَنَّ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: - وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ - يَا عَلِيُّ مَنْ سَوَّفَ الْحَجَّ حَتَّى يَمُوتَ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا<sup>(۴)</sup>.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۶۳.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۰۹.  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۲۱.  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۲۵ و ۲۱.

یعنی، رسول خدا (ص) در سفارش خود به علی فرمود: ای علی، از این امت ده طائفه به خدای بزرگ کافر است: نمام و جاد و گرویدیوت (آنکه همسر خود را بزنا می بیند و غیرت نمی ورزد)، و آنکه در دُبُر زنی بحرام نکاح میکند، و آنکه حیوانی را که زبان بسته است نکاح می کند، و آنکه با زن محرم نکاح نماید و آنکه فتنه انگیز باشد و آنکه اسلحه به کافر حربی بفروشد، و آنکه زکات نپردازد، و آنکه در وسعت باشد و حج نکرده بمیرد. **يَا عَلِيُّ تَارِكِ حَجِّ** در حالیکه توانایی به رفتن دارد، کافر است چنانکه خدا یتعالی در سوره آل عمران آیه ۹۷ فرموده است. **يَا عَلِيُّ** آنکه حج را امروز و فردا کند تا بمیرد خدا او را در قیامت در زمره یهود یا نصاری محشور نماید.

۷- ش **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا أَيُّهَا النَّاسُ زَمَانٌ يَكُونُ فِيهِ حَجُّ الْمُلُوكِ تُزَهِّهُ، وَ حَجُّ الْأَغْنِيَاءِ تَجَارَةٌ، وَ حَجُّ الْمَسَاكِينِ مَسْأَلَةٌ (۱)**

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: بر مردم زمانی برسد که سلاطین برای تفریح و گردش حج کنند، و حج اغنیاء تجارت باشد، و حج فقراء گدائی باشد.

#### ۴- باب وجوب کون نفقة الحج حلالاً

۱- ش **قَالَ النَّبِيُّ (ص): مَنِ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَامًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَةً وَ لَاعْتِقًا وَ لَأَحْجًا وَ لَا اِعْتِمَارًا، وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَعْدَ اِجْزَاءِ ذَلِكَ أُوزَارًا، وَمَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ (۲)**

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسی که مال حرامی را بدست آورد، خداوند از او قبول نکند صدقه ای را و نه عتقی و نه حج و نه عمره ای را، و بعد از اجزاء آن مال برای او و زُر بنویسد، و آنچه پس از مرگ از او باقی ماند، توشه ای است برای او و به طرف آتش.

(۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۴۱.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۰۳.



۲- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ (ص) حَمَلَ جِهَازَهُ عَلَيَّ رَاجِلِيهِ وَ قَالَ: هَذِهِ حَجَّةٌ لِرِيَاءٍ فِيهَا وَ لَأَسْمَعَةَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ تَجَهَّزَ وَ فِي جِهَازِهِ عَلِمَ حَرَامٍ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ الْحَجَّ (۱).

یعنی، حضرت صادق از پدرش روایت کرده از پدرش (ع) که: رسول خدا (ص) اسباب حج خود را بر مرکب خود بار کرد و فرمود: این حجی است که ریا و سمعای در آن نیست، سپس فرمود: کسیکه وسائل حج خود را فراهم کند و در میان آن چیزی از حرام باشد حج او قبول نگردد.

## ۵- باب الحج عن الحي إذا لم يستطع .

### وصلة الرحم بالحج

۱- ج و ش عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: جَاءَتِ امْرَأَةٌ مِنْ خَثْعَمَ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ فَرِيضَةَ اللَّهِ عَلَيَّ عِبَادِهِ فِي الْحَجِّ أَذْرَكْتُ أَبِي شَيْخًا كَبِيرًا لَا يَثْبُتُ عَلَيَّ الرَّاحِلَةَ أَفَأُحُجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَذَلِكَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ (۲).

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: زنی از طائفه خثعم آمد خدمت رسول خدا (ص) و گفت یا رسول الله فریضه الهی بر بندگان من در باره حج وقتی آمد که پدرم پیره مرد شده بود و بر مرکب استوار نمی ماند آیا من از او حج کنم؟ فرمود: بلی، و این سؤال در حج الوداع بود. (نویسنده گوید: خداوند در قرآن برای وجوب حج استطاعت را در نظر گرفته چنانکه در این باره در سوره آل عمران آیه ۹۷ فرموده: «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا»، و استطاعت شامل میشود هم استطاعت مالی و هم استطاعت بدنی را. بنا بر این کسی که استطاعت ندارد تکلیف حج از او برداشته شده است.)

۲- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وَصَلَ قَرِيبًا بِحَجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ. وَكَذَلِكَ مَنْ حَمَلَ عَنْ حَمِيمٍ يَضَاعِفُ اللَّهُ لَهُ الْأَجْرَ ضِعْفَيْنِ (۳).

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۰۳ و ۱۰۴ .  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۰ و وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۴۴ .  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۳۹ .

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه صلۀ رحم کند به حج و یا عمره‌ای خدا برای او دوحج و دو عمره بنویسد. و هم‌چنین کسیکه از خویش خود چیزی حمل کند خدا اجر او را دو مقابل کند.

## ع-باب الحج عن المیت

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ امْرَأَةً مِنْ جُهَيْنَةَ جَاءَتْ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أُمَّي نَذَرْتُ أَنْ تَحُجَّ فَلَمْ تَحُجَّ حَتَّى مَاتَتْ أَفَأَحِجُّ عَنْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ حِجِّي عَنْهَا أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ عَلَيْهَا دَيْنٌ أَكُنْتَ قَاضِيَةً أَقْضُوا لِلَّهِ فَإِنَّهُ أَحَقُّ بِالْوَفَاءِ! (۱)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که: زنی از طائفۀ جهینه خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله مادرم نذر کرد که حج کند و حج نکرد و وفات کرد آیا از طرف او حج کنم؟ فرمود: بلی از او حج کن، آیا دانسته‌ای که اگر برگردن او دینی بود آنرا قضا میکردی پس دین الهی سزاوارتر به قضا است.

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ: إِنَّ أَبِي مَاتَ وَعَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ أَفَأَحِجُّ عَنْهُ؟ قَالَ: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ أَبَاكَ تَرَكَ دَيْنًا عَلَيْهِ أَتَقْضِيهِ عَنْهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَحِجُّ عَنْ أَبِيكَ! (۲)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که مردی آمد خدمت رسول خدا (ص) و گفت: پدرم فوت کرده و برگردن او حجۀ اسلام بود، آیا از طرف او حج کنم؟ فرمود: دانسته‌ای که اگر پدرت دینی برگردنش بود تو از او قضا میکردی؟ گفت: بلی، فرمود: پس از طرف پدرت حج کن.

۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبِي مَاتَ وَلَمْ يَحُجَّ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): حُجَّ عَنْهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِي عَنْهُ! (۳)

یعنی، حضرت صادق گفت پدرم حدیث کرد که مردی نزد رسول خدا (ص)

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۱.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۵۴.

آمد و عرض کرد پدرم مُرد و حج نکرد، رسول خدا (ص) فرمود: از طرف او حج کن که این حج تو کفایت از او می‌کند.

## ۷- باب أنه يشترط في النائب أن لا يكون عليه حج واجب

ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعَ النَّبِيَّ (ص) رَجُلًا يَقُولُ: لَبَّيْكَ عَنْ شُبْرَمَةَ قَالَ: مَنْ شُبْرَمَةُ؟ قَالَ: أَخٌ لِي أَوْ قَرِيبٌ لِي، قَالَ: حَجَّجْتَ عَنْ نَفْسِكَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: حُجَّ عَنْ نَفْسِكَ ثُمَّ حُجَّ عَنْ شُبْرَمَةَ (۱)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) شنید که مردی می‌گوید: لَبَّيْكَ از شُبْرَمَةَ (یعنی از نیابت شُبْرَمَةَ احرام بسته بود و به نیابت او لَبَّيْكَ می‌گفت) رسول خدا (ص) فرمود: شُبْرَمَةَ کی است؟ عرض کرد: برادرم و یا خویش من است. فرمود: از خود حج کرده‌ای؟ عرض کرد: نه. رسول خدا (ص) فرمود: از خودت حج کن سپس از طرف شبرمه.

## ۸- باب حج الصبي

۱- شَوْحٌ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِرُؤَيْثَةَ وَ هُوَ حَاجٌّ فَقَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ وَ مَعَهَا صَبِيٌّ لَهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيَحُجُّ عَنْ مِثْلِ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ وَ لَكَ أَجْرُهُ (۲) وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: رَفَعَتْ امْرَأَةٌ صَبِيًّا لَهَا فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلِيْهَذَا حُجٌّ؟ قَالَ: نَعَمْ وَ لَكَ أَجْرُهُ (۳)

یعنی، حضرت صادق ع فرمود: رسول خدا (ص) در حج بمکانی بنام رُویثه گذشت در حالیکه عازم حج بود، زنی به حضور رسول خدا (ص) آمد که با او طفل کوچکی بود و عرض کرد یا رسول الله از مانند این

(۱) التاج الجا مع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۱۰ و مسندا لاما م زید / ص ۲۴۰.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸/ ص ۳۷.

(۳) التاج الجا مع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۱۱.

طفل حجّ میشود؟ فرمود: بلی و اجر آن برای تو است. و از ابن عباس نقل شده که گفت: زنی طفل خود را بلند کرد و گفت یا رسول الله آیا برای این حجّ است؟ رسول خدا (ص) فرمود: آری و برای تو نیز اجری است.

ج ۲- قَالَ السَّائِبُ بْنُ يَزِيدَ: حَجَّ بِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَأَنَا ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ (۱)!

یعنی، سائب بن یزید گفته مرا با رسول خدا (ص) حجّ دادند در سال حجّة الوداع در حالیکه من هفت ساله بودم.

## ۹- باب المرأة تحجّ بغير محرّم

ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) يَخْطُبُ يَقُولُ: لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ إِلَّا وَمَعَهَا ذُو مَحْرَمٍ وَ لِاتِّسَافِرِ الْمَرْأَةِ إِلَّا مَعَ ذِي مَحْرَمٍ، فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ امْرَأَتِي خَرَجَتْ حَاجَةً وَإِنِّي اكْتَتَبْتُ فِي عَزْوَةِ كَذَا وَ كَذَا قَالَ: انْطَلِقْ فَحُجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ (۲)!

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: شنیدم رسول خدا (ص) خطبه میخواند، میفرمود مردی با زنی خلوت نکند مگر با آنزن محرمی همراه باشد و زن مسافرت نکند مگر با محرمی، مردی عرض کرد یا رسول الله زنم برای حجّ بیرون رفته و من نام نویسی کرده‌ام در جنگ چنین و چنان. رسول خدا (ص) فرمود: برو با زنت در حجّ شرکت کن.

## ۱۰- باب الحجّ راكباً أفضل او ماشياً

۱- ش قَالَ الْبَاقِرُ (ع): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَرَجَ حَاجًّا فَانْظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ تَمْشِي بَيْنَ الْأَيْلِ، فَقَالَ: مَنْ هَذِهِ؟ فَقَالُوا: أُخْتُ عَقْبَةَ بْنِ

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۱

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۰

کتاب الحج والعمرة (باب الحج راکباً أفضل أو ماشياً) ۱۱۱۱

عَامِرٌ نَذَرْتُ أَنْ تَمْشِيَ إِلَيَّ مَكَّةَ حَافِيَةً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا عَقْبَةُ أَنْتَ تَطْلُقُ إِلَيَّ أُخْتِكَ فَمَرُّهَا فَلْتَرْكَبْ، فَإِنَّ اللَّهَ غَنَى عَنْ مَشِيهَا وَحَفَاهَا تَالَهُ فَرَكِبْتُ (۱)

یعنی، حضرت باقر عا فرمود: رسول خدا (ص) برای حج بیرون رفت و دید زنی پای برهنه بین شتران روان است، فرمود: این کیست؟ گفتند: خواهر عقیبة بن عا مر است که نذر نموده پای برهنه به مکه رود، فرمود: ای عقیبه برو نزد خواهرت و او را امر کن که سوار شود زیرا خدا از پیاده رفتن و یا پا برهنه بودن بی نیاز است پس آن زن سوار شد.

۲- ش إِنْ النَّبِيِّ (ص) رَأَى رَجُلًا يَهْأُوِي بَيْنَ ابْنَيْهِ وَبَيْنَ رَجُلَيْنِ، قَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: نَذَرْنَا أَنْ يَحُجَّ مَاشِيًا، قَالَ: إِنْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ غَنَى عَنْ تَعْذِيبِ نَفْسِهِ فَلْيَرْكَبْ وَلْيَهْدِ (۲)

یعنی، رسول خدا (ص) مردی را دید که میان دو پسر خود و میان دو مرد افتان و خیزان است، فرمود: این چیست، عرض کردند: نذر کرده پیاده حج کند، فرمود: خدا احتیاج به عذاب و شکنجه دادن او خودش را ندارد باید سوار شود و هدیه دهد.

۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَحْمِلُ الْمَشَاةَ عَلَى بَدَنِهِ (۳)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) پیادگان را بر شتر سوار مینمود.

۴- ش قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ حَجَّ بَيْتَ اللَّهِ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَةَ آلَافِ حَسَنَةٍ مِنْ حَسَنَاتِ الْحَرَمِ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا الْحَسَنَاتُ الْحَرَمِ؟ قَالَ: حَسَنَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ (۴)

یعنی، رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه خانه خدا پیاده حج کند، برای او هفت هزار حسنه از حسنات حرم خدا بنویسد، عرض شد: یا رسول الله حسنات حرم چه باشد؟ فرمود: حسنه ای به هزار هزار حسنه. (نویسنده

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۶۰  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۶۱  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۶۲  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۵۶

گوید: اگر منظور از این حدیث آنستکه مردم برای سفر حج از شهر خود پیاده حرکت کنند و خود را تعذیب و عمر خود را تلف و کار روزندگی خود را رها کنند، پس این نه با شرع موافق است و نه با عقل.

۵- ش سئِلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع) عَنِ الْحَجِّ مَا شِئًا أَفْضَلَ أَوْ رَاكِبًا؟ فَقَالَ: بَلْ رَاكِبًا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حَجَّ رَاكِبًا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، از حضرت صادق<sup>(ع)</sup> سؤال شد از حج که آیا پیاده افضل است یا سواره؟ فرمود: بلکه سواره، زیرا رسول خدا (ص) در حال سواره حج نمود. و از حضرت علی بن الحسین (ع) نیز روایت شده که فرمود: الْحَجُّ رَاكِبًا أَفْضَلُ مِنْهُ مَا شِئًا لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حَجَّ رَاكِبًا<sup>(۲)</sup> یعنی حج کردن سواره بهتر است از پیاده زیرا رسول خدا (ص) سواره حج نمود.

## ۱۱- باب التَّكْسِبِ فِي الْحَجِّ مَعَ النَّسْكِ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ<sup>(۳)</sup>.

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ النَّاسَ فِي أَوَّلِ الْحَجِّ كَانُوا يَتَبَايَعُونَ بِيَمِينِي وَعَرَفَةَ وَسُوقِ ذِي الْمَجَازِ وَمَوَاسِمِ الْحَجِّ فَخَافُوا الْبَيْعَ وَهُمْ حُرْمٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ- فِي مَوَاسِمِ الْحَجِّ<sup>(۴)</sup>!

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: مردم داو ستد می کردند در منی و عرفه و بازار ذی المجاز و ایام حج پس در حالیکه محرم بودند از دادوستد ترس داشتند که خدایتعالی نازل نمود آیة ۱۹۸ سوره بقره را که می فرماید: بر شما باکی نیست که (در ایام حج) فضل پروردگار خود را بجویید. (در قرآن مکرر از نعمت های مادی به فضل پروردگار یاد شده تا مردم بدانند هر چه دارند از فضل خداست،

(۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۵۷

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۵۹

(۳) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۹۸

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۱ و ۱۱۲

ومغرور و متکبر و غافل از خدا نباشند).

۲- ج عن أبي أمامة التيمي (رض) قال: كنت رجلاً أكرى في هذا الوجه و كان ناس يقولون إنه ليس لك حج، فلقيت ابن عمر فسألته فقال: أليس تحرم و تلي و تطوف بالبيت و تفيض من عرفات و ترمي الجمار؟ قلت بلى، قال: فإن لك حجاً، و سأل رجل رسول الله (ص) عن ذلك فسكت عنه حتى نزلت هذه الآية - ليس عليكم جناح أن تبتغوا فضلاً من ربكم - فأرسل إليه و قرأها عليه و قال: لك حج. رواه أبو داود بسند صالح (۱)

یعنی، از ابی امامه تیمی روایت شده که گفت: من مردی بودم در این راه مرکب اجاره می‌دادم و مردمی می‌گفتند برای تو حجی نیست پس عبدالله بن عمر را ملاقات کردم و از او سؤال کردم؟ او گفت: آیا احرام نمی‌بندی و لبیک نمی‌گوئی و طواف نمی‌کنی و بسه عرفات نمی‌روی و رمی جمار نمی‌کنی؟ گفتم: آری، گفت: برای تو حج است. و مردی از رسول خدا (ص) در این مسئله سؤال کرد، رسول خدا (ص) سکوت کرد تا این آیه ( آیه ۱۹۸ سوره بقره) نازل شد که می‌فرماید: «بر شما باکی نیست که از فضل پروردگار خود بجوئید» پس رسول خدا (ص) به دنبال او فرستاد و آیه را براو قرائت کرد و فرمود: برای تو حج است. ابو داود بسند صالح این را روایت کرده است.

## ۱۲-باب مواقیت الحج والعمرة

قال الله تعالى: الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ (۱) وَقَالَ: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ (۲)

۱- ج قال ابن عمر: أشهر الحج شوال و ذوالقعدة و عشر

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۲.

(۲) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۹۷.

(۳) قرآن / سوره بقره / آیه ۱۸۹.

مِنْ ذِي الْحِجَّةِ (۱) وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ هُوَ سُؤَالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ (۲) وَفِي رِوَايَةٍ قَالَ: أَشْهُرُ الْحَجِّ سُؤَالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ عَشْرٌ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ (۳)»

یعنی، از این عُمَر نقل شده که گفت: ماههای حج عبارتند از سُؤَال و ذوالقعدة و ده روز (اول) از ذی الحجه. و حضرت صادق (ع) در ذیل آیه ۱۹۷ سوره بقره فرمود: ماههای حج عبارتند از سُؤَال و ذُو الْقَعْدَةِ و ذُو الْحِجَّةِ. و در روایتی فرمود: آن، سُؤَال و ذُو الْقَعْدَةِ و ده روز (اول) از ذی الحجه است. بنا بر این چنانکه از آیه ۱۹۷ سوره بقره استفاده می‌شود، در غیر ماههای مذکور نمی‌توان برای حج احرام بست. و اما عمره مفرده را پس در تمام سال می‌توان بجا آورد چنانکه شرح آن خواهد آمد.

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ لِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ وَ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَمَ وَ قَالَ: هُنَّ لَهُمْ وَ لِكُلِّ آتٍ أَتَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ مَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلَ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ (۴)

یعنی، از ابن عباس روایت است که رسول خدا (ص) برای اهل مدینه ذَا الْحُلَيْفَةَ یعنی مسجد شجره را میقات قرار داد و برای اهل شام جُحْفَةَ را و برای اهل نَجْدٍ قَرْنَ الْمَنَازِلِ را و برای اهل الْيَمَنِ يَلْمَمَ را و فرمود این مواقیت برای ایشان و برای هر کس از غیر ایشان است که بر این مواقیت بگذرد و اراده حج و عمره داشته باشد، (مثلاً اگر یکنفر شامی به مدینه رفت و اراده حج داشت پس میقات او میقات اهل مدینه یعنی ذَا الْحُلَيْفَةَ است که باید از آنجا احرام ببندد). و هر کس کمتر از این شد (یعنی مسکن او بین این میقات‌ها و مکه باشد و منزلش به مکه نزدیکتر از این مواقیت باشد) از جایی که خارج شود باید احرام ببندد، حتی اهل مکه از مکه.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۲.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۹۶.

(۳) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۹۷.

(۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۲ و ۱۱۳.



۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: وَقَّتَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَهْلِ الْمَشْرِقِ الْعَقِيقَ (۱) وَ فِي رِوَايَةٍ: وَقَّتَ النَّبِيُّ (ص) لِأَهْلِ الْعِرَاقِ ذَاتَ عَرُوقٍ (۲) یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) برای اهل مشرق عقیق را قرار داد. و در روایتی آمده که رسول خدا (ص) برای اهل عراق ذات عرق را میقات قرار داد. (و میقات آنجا را گویند که انسان محرم می‌شود و لباس احرام می‌پوشد و لبیک را شروع می‌کند.

۴- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ: لَمَّا فَتَحَ الْمَصْرَانِ أَتَوْا عُمَرَ فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) حَدَّ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنًا وَ هُوَ جَوْزٌ عَنْ طَرِيقِنَا وَ إِنَّا أَرَدْنَا مَا شَقَّ عَلَيْنَا، قَالَ: أَنْظَرُوا حَدَّوَهَا مِنْ طَرِيقِكُمْ فَحَدَّ لَهُمْ ذَاتَ عَرُوقٍ (۳)

یعنی، از عبداللہ بن عمر روایت شده که گفت: چون کوفه و بصره فتح شد نزد عمر آمدند و گفتند یا امیر المؤمنین، رسول خدا (ص) برای اهل نجد قرن المنازل را حد میقات قرار داد و آن از راه ما دور است و اگر بخواهیم از آنجا عبور کنیم بر ما سخت است، عمر گفت نظر کنید مقابل آن را از راه خودتان، پس ذات عرق را برای ایشان حد میقات قرار داد.

۵- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَاتَ الْحَلِيفَةِ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجَحْفَةَ وَ هِيَ عِنْدَنَا مَكْتُوبَةٌ مَهِيعةٌ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلَمَمَ، وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ نَجْدِ الْعَقِيقِ وَ مَا أَنْجَدْتُ (۴) وَ فِي رِوَايَةٍ: وَقَّتَ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ عِرَاقٌ بَطْنُ الْعَقِيقِ مِنْ قِبَلِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ مَنْ كَانَ مِنْزَلُهُ خَلْفَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مِمَّا بَلَى مَكَّةَ فَوَقَّتَهُ مِنْزَلَهُ (۵) وَ عَنْهُ قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِمَنْ كَانَ مَرِيضًا وَ ضَعِيفًا أَنْ يُحْرَمَ مِنَ الْجَحْفَةِ (۶)

(۱) و (۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۳  
 (۴) و (۵) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴  
 (۶) وسائل الشيعة / ج ۸ / ص ۲۲۹

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) میقات قرار داد برای اهل مدینه ذالْحَلِیْفَه را و برای اهل مغرب جُحْفَه را و جُحْفَه نزد ما بنام مَهَبَعَه نوشته شده، و میقات قرارداد برای اهل یمن یَلَمْلَم را، و برای اهل طائف قَرْنُ الْمَنَازِل را و برای اهل نَجْد و آنچه به راه نجد برسد عَقِیق را. و در روایتی فرمود: رسول خدا (ص) برای اهل عراق وادی عَقِیق را قرارداد در حالیکه آنروز عراقیان مسلمان نبودند و عراق در تحت سیطره اسلام نبود، و هرکس منزلش پشت این مواقیت باشد از مکه (یعنی به مکه نزدیکتر از این مواقیت باشد) میقات او منزل او است. (و نیز) از حضرت صادق نقل شده که فرمود: رسول خدا (ص) اجازه داد برای آنکه مریض و یا ضعیف است از جُحْفَه محرم شود. (طبق این حدیث اخیر که از حضرت صادق نقل شده هرکس از راه مدینه به نیت حج حرکت کند و بعلت ضعف و بیماری نتواند در ذالْحَلِیْفَه احرام ببندد، می توان بدون احرام از آنجا ردّ شود و در جُحْفَه که به مکه نزدیکتر است احرام ببندد چنانکه حضرت صادق چون بعلت بیماری چنین نمود، بعنوان دلیل سخن فوق را بیان داشت).

### ۱۳- باب ما یحرم علی المحرم من الثیاب والطیب

۱- ج عن ابن عمر (رض) أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَلْبَسُ الْمُحْرِمُ مِنَ الثِّيَابِ؟ قَالَ: لَا يَلْبَسُ الْقُمُصَ وَلَا الْعَمَائِمَ وَلَا السَّرَاوِيْلَاتَ وَلَا الْبُرَانِسَ وَلَا الْخِفَافَ إِلَّا أَحَدًا لَا يَجِدُ نَعْلَيْهِ نَعْلَيْنِ خَفَيْنِ وَلَيَقْطَعُهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ وَلَا تَلْبَسُوا مِنَ الثِّيَابِ شَيْئًا مَسَّهُ زَعْفَرَانٌ أَوْ وَرْسٌ<sup>(۱)</sup> وَ فِي رِوَايَةٍ: مَنْ لَمْ يَجِدْ نَعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسْ خَفَيْنِ، وَ مَنْ لَمْ يَجِدْ إِزَارًا فَلْيَلْبَسْ سَرَاوِيلَ<sup>(۲)</sup> وَ رَوَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَحْرَمَ فِي ثَوْبِي كَرَسْفٍ .

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۴ .

(۳) وسائل الشيعة / ج ۹ / ص ۳۷ .

یعنی، از ابن عمر روایت شده که: مردی عرض کرد ای رسول خدا، چه نحو جامه‌هایی مُحَرَّم می‌پوشد؟ فرمود: پیراهن‌ها و عمامه‌ها و زیرجامه‌ها و کلاه و موزه‌ها (یعنی اُرسیها و گالشها) را نمی‌پوشد مگر آنکه کسی نعلین یا دمپایی نیا بدکه باید موزه به پا کند و باید موزه را بَبُرَد تا پائین تر از کعبین، و نپوشد از جامه‌ها چیزی را که به آن زعفران و یا ورس که گیاه معطری است، رسیده . و در روایتی فرمود: کسیکه نعلین نیابد باید موزه بپوشد و کسیکه لنگ ندارد زیرجامه بپوشد. و روایت شده که رسول خدا (ص) در دو جامه پنبه‌ای احرام بست .

۲- ج عَنِ یَعْلَى بْنِ أُمیَّةَ (رض) أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) وَهُوَ بِالْحِجْرَانَةِ قَدْ أَهَلَ بِالْعُمْرَةِ وَهُوَ مُصَفَّرٌ لِحَيْتِهِ وَرَأْسُهُ وَعَلَيْهِ جُبَّةٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَحْرَمْتُ بِعُمْرَةٍ وَأَنَا كَمَا تَرَى؟ فَقَالَ: انزِعْ عَنْكَ الْجُبَّةَ وَاغْسِلْ عَنكَ الصُّفْرَةَ، وَمَا كُنْتَ صَانِعًا فِي حِجِّكَ فَأَصْنَعُهُ فِي عُمْرَتِكَ (۱)

یعنی، مردی خدمت رسول خدا (ص) آمد در حالیکه آنجناب در حجرا نه بود (که شش فرسخی مکه می‌باشد در راه طائف) و آنمرد احرام بسته بود برای عمره در حالیکه سر و ریش خود را به زردی رنگ کرده بود و جبهه‌ای دربر او بود، گفت: ای رسول خدا من احرام بسته‌ام برای عمره و چنانم که می‌بینی؟ رسول خدا (ص) فرمود: جُبَّه را از خود بردار و زردی را بشوی و آنچه در حجت انجام می‌دادی در عمره نیز انجام ده .

۳- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض): أَنَّ رَجُلًا كَانَ مَعَ النَّبِيِّ (ص) فَوَقَصَتْهُ نَاقَتُهُ وَهُوَ مُحْرَمٌ فَمَاتَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ وَكَفِّنُوهُ فِي ثَوْبَيْهِ وَلا تَمْسُوهُ بِطِيبٍ وَلا تَخِمُّرُوا رَأْسَهُ فَإِنَّهُ يَبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّبًا (۲)

یعنی، مردی با رسول خدا (ص) در راه حج بود و در حالیکه احرام

(۱) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۱۴ .

(۲) التاج الجامع للاصول/ ج ۲/ ص ۱۱۴ و ۱۱۵ .

دربرداشت شتر او را به زمین انداخت و او وفات کرد، رسول خدا (ص) فرمود: او را با آب و سدر بشوئید و غسل دهید و او را در همان دو جامه احرامش کفن کنید و بوی خوش به او نرسانید و سر او را نپوشانید، زیرا که او روز قیامت بحالت لَبَّيْكَ گویان برانگیخته میشود.

### ۱۴- باب النهی عن أن تلبس المحرمة القفازین

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ (ص) نَهَى النَّسَاءَ فِي إِحْرَامِهِنَّ عَنِ الْقَفَازِيْنَ وَالنَّقَابِ وَمَا مَسَّ الْوَرْسَ وَالزَّعْفَرَانَ مِنَ الشِّيَابِ، وَلَتَلْبَسَ بَعْدَ ذَلِكَ مَا أَحَبَّتْ مِنَ أَلْوَانِ الشِّيَابِ مَعْصَرًا أَوْ خَزًّا أَوْ حَلِيًّا أَوْ سَرَاوِيلَ أَوْ قَمِيصًا أَوْ خَفًّا (۱)

یعنی، ابن عمر گفت: شنیدم رسول خدا (ص) زنان را نهی کرد در احرام آنان از دستکش و نقاب و از جامه‌هایی که ورش و زعفران به آن رسیده باشد، و پس از اینها هر چه دوست دارد بپوشد از لباسهای رنگین و یا خَزَّ و یازینت و یازیرجامه و یاپیراهن و یا کفش.

۲- ج عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ الرَّكْبَانُ يَمْرُونَ بِنَا وَنَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مُحْرَمَاتٌ فَإِذَا حَادُوا بِنَا سَدَلَتْ إِحْدَانَا جِلْبَابَهَا مِنْ رَأْسِهَا عَلَى وَجْهِهَا فَإِذَا جَاوَزْنَا كَشَفْنَاهُ (۲).

یعنی، از عایشه روایت شده که سواره‌ها به ما می‌گذشتند در حالیکه ما با رسول خدا (ص) در حال احرام بودیم و چون محاذی و مقابل ما می‌رسیدند ما روپوشها را بر صورتها می‌انداختیم و چون می‌گذشتند و رد می‌شدند، از صورتها برمی‌داشتیم.

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۵

## ۱۵-باب تظلل المحرم من الحر أو غيره و النهی عن تغطية رأسه

۱- ش عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَرَكِبُ عَلَى رَاحِلَتِهِ فَلَا يَسْتِظِلُّ عَلَيْهَا وَ تُؤَدِّيهِ الشَّمْسُ فَيَسْتُرُ بَعْضَ جَسَدِهِ بِبَعْضٍ، وَ رَبَّمَا يَسْتُرُ وَجْهَهُ بِيَدِهِ وَإِذَا نَزَلَ اسْتِظَلَّ بِالْخِبَاءِ وَ فِي النَّبَيْتِ وَ بِالْجِدَارِ (۱)

یعنی، روایت شده از موسی بن جعفر که گفت: رسول خدا (ص) در سفر حج و احرام سوار مرکب خود می‌شد و سایه نمی‌گرفت و خورشید او را اذیت می‌کرد پس بعضی از جسد خود را به بعضی دیگر مستور می‌کرد و بسا بود که صورتش را بدست خودش ستر می‌کرد و چون فرود می‌آمد به سایه خیمه و درخانه و به دیوار سایه می‌گرفت.

۲- ش وَعَنْهُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَشَفَ ظِلَالَهُ فِي حُرَامِهِ وَ مَشَى تَحْتَ الظَّلَالِ وَ هُوَ مُحْرَمٌ (۲) وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلَبِّيًا حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ دُنُوبُهُ مَعَهَا (۳)

یعنی، و از موسی بن جعفر روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) در حال احرام سایه بان را از خود بر میداشت ولی در زیر سایه راه می‌رفت در حالیکه مُحْرَم بود. و در روایت دیگر نقل کرده که رسول خدا (ص) فرمود: هیچ حج کننده ای در آفتاب تا غروب خورشید نکشاید گویان نباشد مگر آنکه گناها ن او با خورشید ناپدید شود.

۳- عَنْ أُمِّ الْحَمَّيْنِ قَالَتْ: حَجَّجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَجَّةَ الْوُدَاعِ، فَرَأَيْتُهُ جِئِنَ رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ وَ انْصَرَفَ وَ هُوَ عَلَى رَاحِلَتِهِ، وَ مَعَهُ بِلَالٌ وَ أُسَامَةُ. أَحَدُهُمَا يَقُودُ بِهِ رَاحِلَتَهُ، وَ الْآخَرُ رَافِعٌ كُؤْبَهُ عَلَى رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مِنَ الشَّمْسِ (۴). وَ فِي رِوَايَةٍ قَالَتْ: حَجَّجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) حَجَّةَ الْوُدَاعِ، فَرَأَيْتُ أُسَامَةَ وَ بِلَالَ وَ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۱۴۹ (۲) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۱۵۱

(۳) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۱۴۶ (۴) صحیح مسلم / ج ۲ / ص ۹۴۴

أَحَدُهُمَا آخِذٌ بِخِطَامِ نَاقِظِ النَّبِيِّ (ص) وَ الْآخَرَ رَافِعٌ شُوبَهُ يَسْتُرُهُ  
مِنَ الْحَرِّ حَتَّى رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ (۱)!

یعنی، از امّ الحُصَین روایت شده که گفت: در سال حجّه الوداع با رسول خدا (ص) حج کردم پس دیدم آنحضرت را بهنگامیکه جَمْرَةَ عَقَبَةَ را رَمَى نموده بود بر مرکب خود سوار و عزیمت میکرد و با او بلال و اُسامه بودند که یکی از آنها مرکب او را راهنمائی و دیگری جامه خود را از جهت خورشید بالای سرا و گرفته بود. و در روایت دیگر گفت: با رسول خدا (ص) در حجّه الوداع حج نمودم، پس اُسامه و بلال را دیدم که یکی از ایشان افسار شتر آنحضرت را گرفته و دیگری جامه اش را بالا برده بود که آنحضرت را از حرارت ستر مینمود تا اینکه آنحضرت جَمْرَةَ عَقَبَةَ را رَمَى نمود.

## ۱۶- باب ما یحرم علی المحرم من الصید

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَجَلٌ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَ طَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِلسَّيَّارَةِ وَ حَرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دَمْتُمْ حُرْمًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۲) وَ قَالَ: أَجَلْتُ لَكُمْ بِهَيْمَةِ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتَلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ (۳) وَ قَالَ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاكُمُ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ (۴)

۱- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: أَهْدَى الصَّعْبُ بْنُ جَثَامَةَ إِلَى النَّبِيِّ (ص) جِمَارَ رَوْحٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَرَدَّهُ عَلَيْهِ وَقَالَ: لَوْلَا أَنَا مُحْرِمُونَ لَقَبَلْنَاكَ مِنْكَ (۵) وَ فِي رِوَايَةٍ: أَهْدَى لَهُ عَضْوًا مِنْ لَحْمِ صَيْدٍ فَرَدَّهُ وَقَالَ: إِنَّا لَأَنَأْكُلُهُ إِنَّا حُرْمٌ (۶)

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: صَعْبُ بْنُ جَثَامَةَ یک خر

(۱) صحیح مسلم / ج ۲ / ص ۹۹۴.

(۲) قرآن / سوره ما ئده / آیه ۹۶.

(۳) قرآن / سوره ما ئده / آیه ۱.

(۴) قرآن / سوره ما ئده / آیه ۹۴.

(۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۵ و المصنف / ج ۴ / ص ۴۲۶.

(۶) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۵ و ۱۱۶ و المصنف / ج ۴ / ص ۴۲۷.

وحشی بعنوان هدیه به رسول خدا (ص) داد در حالیکه رسول خدا (ص) مُحْرِم بود، پس آنرا به او برگردانید و فرمود: اگر مُحْرِم نبودیم از تو قبول مینمودیم. و در روایتی: پاره‌ای از گوشت صید برای رسول خدا (ص) هدیه آورده شد، حضرت فرمود: ما آنرا نمی‌خوریم زیرا ما مُحْرِمیم.

۲- ج عَنْ جَابِرِ (رَضِيَ) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: صَيْدُ الْبَرِّ لَكُمْ حَلَالٌ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ مَا لَمْ تَصِيدُوهُ أَوْ يُصَدَّ لَكُمْ (۱)

یعنی، از جابر از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: صید بیابان برای شما حلال است در حالیکه شما مُحْرِم هستید مادامیکه شما صید نکرده باشید و برای شما نیز صید نشده باشد.

۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «لَيْبَلُونَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرَمَا حَكْمٌ...» قَالَ: حُشِرَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) عُمَرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ الْوَحُوشُ حَتَّى نَالَهَا أَيْدِيهِمْ وَرَمَاهُمْ (۲)

یعنی، حضرت صادق (ع) در ذیل آیه ۹۴ سوره ماعده که خدایتعالی می‌فرماید: «ای مؤمنین خدا البته شما را آزمایش می‌کند به چیزی از صید که دستهای شما و نیزه‌های شما به آن میرسد تا کسانی را که به نادیده از خدا می‌ترسند معلوم کند» فرمود: برای رسول خدا (ص) در عمره سال حدیبیه حیوانات وحشی ظاهر شد تا آنکه به دستها و نیزه‌های ایشان دسترس شد.

۴- ج عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رَضِيَ) قَالَ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ فَاسْتَقْبَلَنَا رَجُلٌ مِنْ جَرَادٍ فَجَعَلْنَا نَضْرِبُهُ بِسَيَاطِنَا وَعَصِينَا فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): كُلُّوهُ فَإِنَّهُ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ (۳)

یعنی، از ابوهریره روایت شده که با رسول خدا (ص) در حج و یا عمره‌ای بیرون رفتیم، پس مقداری از ملخ به استقبال ما آمد، ما با تازیانه‌ها و عصاهای خود شروع کردیم به آنها زدن، رسول خدا

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۶ والمصنف / ج ۴ / ص ۴۳۵.

(۲) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۷۵.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۶.

(ص) فرمود: بخورید زیرا که این از صید دریا است. (سند این روایت ضعیف است و لذا مسلمین به آن عمل ننموده و نمی نمایند).  
 ۵-ش عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: سَأَلْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (ع) عَمَّا يُؤْكَلُ مِنَ اللَّحْمِ فِي الْحَرَمِ، فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَيِّحَرِّمُ الْأَيْلَ وَالْبَقَرَ وَالنَّمَّ وَالِدَّجَاجَ (۱)  
 یعنی، از علی بن جعفر روایت شده که گفت: از موسی بن جعفر (ع) سؤال کردم از گوشتی که در حرم خورده می شود؟ فرمود: رسول خدا (ص) شتر و گاو و گوسفند و مرغ خانگی را حرام نمی دانست.

## ۱۷-باب ما یقتل المحرم

۱-ج عَنْ حَفْصَةَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: خَمْسٌ مِنَ الدَّوَابِّ لِأَحْرَجَ عَلِيٌّ مَنْ قَتَلَهُنَّ: الْغُرَابُ وَالْحِدَاةُ وَالْفَأْرَةُ وَالْعَقْرَبُ وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ (۲) وَ فِي رِوَايَةٍ خَمْسٌ فَوَاسِقٌ يُقْتَلْنَ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ: الْحَيَّةُ وَالْغُرَابُ الْأَيْفَعُ وَالْفَأْرَةُ وَالْكَلْبُ الْعَقُورُ وَالْحَدِيَّةُ (۳)  
 یعنی، از حفصه از رسول خدا (ص) روایت آمده که فرمود: پنج شماره از جنبندها باکی برقتلشان نیست: کلاغ و زغن و موش و عقرب و سگ درنده. و در روایتی فرمود: پنج شماره از جنبندها فاسقند یعنی برانسان خروج می کنند که در حرم و غیر حرم کشته می شوند: مار و کلاغ سفید و سیاه و موش و سگ درنده و زغن (که پرنده ای است شبیه کلاغ که دارای منقار و چنگ است و متهور و چابک و خونخوار می باشد و دموی دوشاخه است).

۲-ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِقَتْلِ الْفَأْرَةِ فِي الْحَرَمِ وَالْأَفْعَى وَالْعَقْرَبِ وَالْغُرَابِ الْأَيْفَعِ تَرْمِيهِ، فَإِنْ أَصَبَتْهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَكَانَ يُسَمَّى الْفَأْرَةَ الْفَوَيْسِقَةَ، وَقَالَ: إِنَّهَا تُوهِى السَّقَا وَتُحْرِقُ الْبَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ (۴) وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

(۱) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۱۷۰

(۲) و (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۶ و المصنف / ج ۴ / ص ۴۴۲

(۴) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۱۶۸



(ع) قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) مَدَّ يَدَهُ إِلَى الْجَحْرِ فَلَسَعَتْهُ (عقرب)، فَقَالَ: لَعْنَتُكَ اللَّهُ لَأَبْرًا تَدْعِيَنَّهُ، وَ لَا فَاجِرًا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، حضرت باقر (ع) فرمود: رسول خدا (ص) امر فرمود: به کشتن موش و افعی و کلاغ سیاه و سفید، تیرمیزنی به آن، اگر به آن رسید که خدا او را دور گردانیده، و حضرت موش را فاسقک میخواند و فرمود که او خیک آبرا خراب می کند و خانه را براهلش آتش میزند. و حضرت صادق فرمود: رسول خدا (ص) دستش را به سوراخی دراز کرد، پس عقرب او را گزید، فرمود: خدا لعنت کند تو را نه نیکوکاری را رها کردی و نه نابکاری را.

### ۱۸- باب المحرم لا یتزوج ولا یزوج

۱- ج عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ (رض) قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا يَنْكِحُ الْمُحْرِمُ وَلَا يَنْكَحُ وَلَا يَخْطُبُ<sup>(۲)</sup>!

یعنی، از ابان بن عثمان روایت شده که گفت از پدرم شنیدم که میگفت، رسول خدا (ص) فرمود: انسان محرم نکاح نمی کند برای خود و نه برای غیر خود، و خطبه عقد نیز نمی خواند (و لا یخطب) اگر اصل آن خطبه به کسر خاء باشد بمعنی نامزدی است، یعنی محرم نامزدی برای ازدواج نیز نکند.

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: تَزَوَّجَ النَّبِيُّ (ص) مَيْمُونَةَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ<sup>(۳)</sup>! وَقَالَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيْبِ (رض): وَ هُمُ ابْنُ عَبَّاسٍ فِي ذَلِكَ لِانْفِرَادِهِ بِهِ عَنْ رِوَاةِ الْحَدِيثِ الَّذِينَ مِنْهُمْ أَبُو رَافِعٍ وَ مَيْمُونَةُ نَفْسُهَا فَقَدْ قَالَتْ (رض): تَزَوَّجَنِي النَّبِيُّ (ص) وَ نَحْنُ حَلَالَانِ بِسِرْفٍ<sup>(۴)</sup> وَ لَفْظُ بَعْضِ النَّاقِلِينَ: تَزَوَّجَهَا النَّبِيُّ (ص) وَ هُوَ حَلَالٌ وَ بَنِي بِهَا حَلَالًا وَ مَاتَتْ بِسِرْفٍ وَ دُفِنَتْ بِالْمَكَانِ الَّذِي دَخَلَ بِهَا فِيهِ<sup>(۵)</sup>!

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) ميمونه را

(۱) وسائل الشيعه / ج ۹ / ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۷.

(۳)، (۴) و (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۷.

تزویح کرد در حالیکه مُحْرِم بود. و سعید بن مسیب (رض) گوید: ابْنِ عَبَّاسٍ در نقل این روایت خطا نموده و جدا و منفرد شده از راویان این حدیث که از جمله آنان ابورافع (خادم پیغمبر و میانجی در امر این ازدواج) و خود میمونه می باشد چنانکه میمونه گفت: رسول خدا (ص) مرا تزویج کرد در حالیکه هر دو محلّ شده بودیم در سرف (که درش میلی مکه است). و لفظ بعضی از ناقلین در نقل این روایت از میمونه چنین است: رسول خدا (ص) او را تزویج کرد در حالیکه محلّ بود و دخول کرد در حالیکه محلّ بود، و میمونه در سرف وفات کرد و دفن شد در همان مکانی که رسول خدا (ص) در آن مکان بها و دخول کرده بود.

۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ تَزَوَّجَ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَأَبْطَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) نِكَاحَهُ<sup>(۱)</sup>

یعنی، از حضرت صادق روایت شده که گفت: مردی از انصار در حال احرام تزویج کرد پس رسول خدا (ص) تزویج او را باطل دانست.

## ۱۹- باب جواز الإغتسال والإحتجام و الإکتحال للمحرم

۱- ج عَنْ أَبِي أَيُّوبٍ (رض) قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) يَغْتَسِلُ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَ حَرَّكَ رَأْسَهُ بِيَدَيْهِ فَأَقْبَلَ بِهِمَا وَ أَدْبَرَ وَ قَالَ: هَكَذَا رَأَيْتُهُ يَفْعَلُ<sup>(۲)</sup>

یعنی، روایت شده از ابویوب که گفت: رسول خدا (ص) را دیدم غسل میکرد در حالیکه مُحْرِم بود، و سرش را با دودست خود حرکت داد و با دودست به جلو سر و عقب آورد و مالید و گفت: او را دیدم اینچنین بجای آورد و عمل میکرد.

۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: أَحْتَجِمُ النَّبِيَّ (ص) وَ هُوَ مُحْرِمٌ يَلْحَى جَمَلٍ فِي وَسْطِ رَأْسِهِ<sup>(۳)</sup> وَ زَادَ أَبُو دَاوُدَ: مِنْ ذَاكَ كَانَ بِهِ<sup>(۴)</sup>

(۱) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۸۹.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۸.

(۳) و (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۸.

یعنی، از ابن عباس روایت شده که گفت: رسول خدا (ص) حجامت کرد در حالیکه مُحْرِم بود در راه مکه در «لَحْي جَمَل» (نام محلی است بین راه)، و حجامت حضرت در میان سر او بود. و در روایت دیگر در ذیل خبر مذکور آورده است که حجامت حضرت بعلت دردی بود که داشت. (و در پاره‌ای از آثار از حجامت کردن نهی شده است).

۳- ش عَنِ الرَّضَاءِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) اَحْتَجَمَ وَ هُوَ طَائِمٌ مُحْرِمٌ (۱)!

یعنی، حضرت رضا از پدرانش از علی ع روایت کرده که: رسول خدا (ص) حجامت کرد در حالیکه روزه و مُحْرِم بود.

۴- ج عَنْ عُمَانَ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) فِي الرَّجُلِ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ ضَمَدَهُمَا بِالصَّيْرِ (۲)!

یعنی، از عثمان روایت شده از رسول خدا (ص) درباره مردی که دو چشمش درد گرفته در حالیکه مُحْرِم است که آنهارا با صیر (که دواي تلخی است) ضماد کند.

## ۲۰- باب الإهلال من الميقات

۱- ج عَنْ زَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ (رض) قَالَ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) تَجَرَّدَ لِإِهْلَالِهِ وَ اغْتَسَلَ (۳) وَ عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ: كُنْتُ أُطِيبُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لِأَجْرَائِهِ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ وَ لِحَلِّهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ (۴). وَ فِي رَوَايَةٍ: كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى وَبَيْسِ الْمَسْكِ فِي مَفْرِقِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ هُوَ مُحْرِمٌ (۵)!

یعنی، از زید بن ثابت روایت شده که گفت: دیدم رسول خدا (ص) برهنه شده و برای احرام مهیا گردیده غسل نمود. و از عائشه روایت شده که گفت: من پاکیزه و معطر میکردم رسول خدا (ص) را برای

(۱) وسافل الشيعة / ج ۹ / ص ۱۴۵

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۸

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۸

(۴) و (۵) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۹

احرام پیش از آنکه احرام ببندد و برای مُجَلِّ شدنش (پس از رمی  
 جمره عقبه در روز دهم) پیش از آنکه طواف کند. و در روایتی گفت:  
 گویا من می‌دیدم اثر مُشک را در میان سر رسول خدا (ص) در حالیکه  
 مُحَرَّم بود (یعنی، باندازه‌ای رسول خدا قبل از احرام خود را معطر  
 و پاکیزه مینمود که تا مدتی پس از احرام اثر آن نمایان بود).  
 ۲- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) نَهَارًا  
 صَلَاةَ الظُّهْرِ! (۱)

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمود: رسول خدا (ص) در روز  
 وقت نماز ظهر احرام بست.

۳- ج قَالَ أَنَسُ (رض): صَلَّى النَّبِيُّ (ص) الظُّهْرَ بِالْمَدِينَةِ  
 أَرْبَعًا وَ الْعَصْرَ بِذِي الْحُلَيْفَةِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ بَاتَ بِهَا حَتَّى أَصْبَحَ  
 فَلَمَّا رَكِبَ رَاجِلَتَهُ وَ اسْتَوَتْ بِهِ أَهْلًا (۲)

یعنی، انس گفت: رسول خدا (ص) نماز ظهر را در مدینه چهار رکعت  
 خواند و عصر را در ذی الحلیفه دو رکعت خواند، سپس در ذی الحلیفه  
 ماند تا صبح، پس چون سوار مرکب خود شد و درست نشست صدای خود  
 را به لَبَّيْکَ بلند کرد.

۴- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) قَالَ: انْطَلَقَ النَّبِيُّ (ص) مِنْ  
 الْمَدِينَةِ بَعْدَ مَا تَرَجَّلَ وَ ادَّهَنَ وَ لَيْسَ إِزَارُهُ وَ رِدَاءُهُ هُوَ أَصْحَابُهُ  
 فَلَمْ يَنْهَ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَرْدِيَةِ وَ الْأَزْرِ تَلْبَسُ إِلَّا الْمَرْعَفَةَ الَّتِي  
 تَرْدَعُ عَلَى الْجِلْدِ فَأَصْبَحَ بِذِي الْحُلَيْفَةِ رَكِبَ رَاجِلَتَهُ حَتَّى اسْتَوَى  
 عَلَى الْبِدَاءِ أَهْلًا هُوَ وَ أَصْحَابُهُ وَ قَلَدَ بُدْنَهُ وَ ذَلِكَ لِخَمْسِ بَقِيْنَ  
 مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ فَقَدِمَ مَكَّةَ لِارْبَعِ لَيَالٍ خَلَوْنَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ فَطَافَ  
 بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ لَمْ يَحِلَّ لِأَنَّهُ سَاقِ الْهَدْيِ ثُمَّ  
 نَزَلَ بِأَعْلَى مَكَّةَ عِنْدَ الْحَجُّونِ وَ هُوَ مُهَلٌّ بِالْحَجِّ وَ لَمْ يَقْرَبِ الْكَعْبَةَ  
 بَعْدَ طَوَافِهِ بِهَا حَتَّى رَجَعَ مِنْ عَرَفَةَ وَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَطُوفُوا

(۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۵۸ و ج ۹ / ص ۲۱.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۹.

بِالْبَيْتِ وَبَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ثُمَّ يَقْصِرُوا ثُمَّ يَحْلُوا، وَذَلِكَ لِمَنْ  
لَمْ يَكُنْ مَعَهُ بَدَنَةٌ قَلْدَهَا، وَ مَنْ كَانَتْ مَعَهُ امْرَأَتُهُ فَهِيَ لَهُ حَلَالٌ وَ  
الطَّيْبُ وَ الشَّيْبَابُ (۱)

یعنی، از ابن عباس روایت است که گفت: رسول خدا (ص) از مدینه روان شد پس از آنکه موی خود را شانه کرد و روغن مالی نمود و جامه و رداء خود را پوشید، خود و اصحاب او، و از چیزی از لباسها و جامه‌ها نهی نکرد مگر از جامه‌ای که باز عفران رنگ شده باشد و بر پوست بدن اثر بگذارد، پس چون در ذی الحلیفه وارد صبح شد سوار مرکب خود شد تا اینکه در بیداء قرار گرفت (بیداء بمعنای بیابان بی آب و علف است ولی در اینجا منظور زمین بدون گیاهی است که نزدیک مسجد ذی الحلیفه واقع شده و بنام بیداء معروف است) خود و اصحابش صدا به لَبَّيْکَ بلند کردند، و رسول خدا (ص) قلاده به گردن شتر انداخت و این در زمانی بود که پنج روز به پایان ذی القعدة مانده بود، و وارد مکه شد برای روز چهارم ذیحجه، پس طواف خانه کرد و بین صفا و مروه سعی نمود و مُجَلَّس نشد زیرا شتر قربانی رانده بود سپس وارد شد به بالای مکه جائیکه نامش حَجُّون است در حالیکه او لَبَّيْکَ میگفت به قصد حج، و پس از طوافی که کرده بود نزدیک کعبه رفت تا آنکه از عرفه برگشت. و اصحاب خود را امر کرد که به خانه طواف کنند و بین صفا و مروه سعی نمایند، سپس تقصیر نمایند و مُجَلَّس شوند، و این حکم برای کسی بود که شتر قلاده دار با او نبود و کسیکه با او زنش بود، پس آن زن برای او حلال بود و همچنین بوی خوش و جامه. (یعنی رسول خدا (ص) به کسانی که شتر قربانی همراه نداشتند امر نمود که حج خود را عُمَرَه قرار دهند و پس از طواف و سعی مُجَلَّس گردند).

## ۲۱- باب الشرط فی الحج

ج عَنْ عَائِشَةَ (رض) قَالَتْ: دَخَلَ النَّبِيُّ (ص) عَلَيَّ ضَبَاعَةً

بِئْتِ الزُّبَيْرُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَالَتْ : يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَأَنَا شَاكِيَةٌ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص) حُجِّي وَاشْتَرِطِي وَ قَوْلِي اللَّهُمَّ مَحَلِّي حَيْثُ حَبَسْتَنِي (۱)!

یعنی، روایت است از عایشه که گفت: رسول خدا (ص) وارد شد بسمیرا دختر زبیر بن عبدالمطلب، پس ضاعه گفت ای رسول خدا من می‌خواهم حج روم در حالیکه از بیماری شکایت دارم، رسول خدا (ص) فرمود: حج کن و شرط کن و بگو: خدایا محل شدن من جایی است که مرا بواسطه بیماری بازدارد.

## ۲۲- باب التلبیة

۱- ج عَنِ ابْنِ عُمَرَ (رض) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ إِذَا اسْتَوَتْ بِهِ رَأْسُهُ فَأَثَمَةً عِنْدَ مَسْجِدِ ذِي الْحَلِيفَةِ أَهْلًا فَقَالَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ (۲)!

یعنی، از ابن عمر روایت است که رسول خدا چون مرکبش اورا ایستاده نزد مسجد ذی الحلیفه مهیا نمود، صدای خود را به لببیک بلند مینمود و میگفت: اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ... تا آخر.

۲- ش عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا كَانَ يَلْبَسِي حَتَّى يَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ (۳)! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا انْتَهَى إِلَى الْبَيْدَاءِ حَيْثُ الْمَيْلُ قَرَّبَتْ لَهُ نَاقَهُ فَرَكَبَهَا، فَلَمَّا انْبَعَثَ بِهِ لَبَّى بِالْأَرْبَعِ، فَقَالَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ (۴)» وَ عَنْهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُكْرِئُ مِنَ ذِي الْمَعَارِجِ (۵).

یعنی، حضرت صادق میفرمود: پیامبر (ص) لببیک نگفت تا اینکه به بیداء رسید. همانا وقتی رسول خدا (ص) به بیداء رسیدهما نجا که میل نزدیک

(۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۱۹ و ۱۲۰.  
 (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۰ و مسندا لاما مزید / ص ۲۲۵.  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۴۴.  
 (۴) و (۵) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۴۹.

شد، حضرت ناقه خود را سوار شد، چون او را به حرکت آورد چهار عدد  
لَبَّيْكَ گفت وگفت: خدایا بلی بلی اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ تا آخر. و حضرت  
صادق گفت: رسول خدا (ص) کلمه ذی الْمَعَارِج را تکرار می‌کرد.  
یعنی میگفت: لَبَّيْكَ يَا ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ .

۳- ج عَنْ السَّائِبِ الْأَنْصَارِيِّ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: أَتَانِي  
جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَمَرَنِي أَنْ أَمُرَ أَصْحَابِي وَمَنْ مَعِيَ أَنْ يَرْفَعُوا  
أَصْوَاتَهُمْ يَا لِأَهْلَالٍ أَوْ بِالتَّلْبِيَةِ: (۱)

یعنی، از سائِب انصاری روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل  
آمد و امر کرد مرا که اصحابم و کسانی که با منند امرکنم به اینکه  
صداها را به لَبَّيْكَ بلند کنند.

۴- ش عَنْ عَلِيٍّ (ع) قَالَ: جَاءَ جَبْرِئِيلُ (ع) إِلَى النَّبِيِّ (ص) وَ  
قَالَ لَهُ: إِنَّ التَّلْبِيَةَ شِعَارُ الْمُحْرِمِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ: (۲)

یعنی از حضرت علی (ع) نقل شده که: جبرئیل خدمت رسول خدا (ص) آمد و  
فرمود: لَبَّيْكَ گفتن شعار کسی است که احرام بسته، پس صدای خود را  
بلند نما به لَبَّيْكَ گفتن.

۵- ج وش عَنْ أَبِي بَكْرٍ الصِّدِّيقِ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) سُئِلَ: أَيُّ  
الْحَجِّ أَفْضَلُ؟ قَالَ: الْعَجُّ وَ الشَّجُّ: (۳) وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: إِنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَمَّا أَحْرَمَ أَتَاهُ جَبْرِئِيلُ (ع) فَقَالَ لَهُ: مَرُّ أَصْحَابِكَ  
بِالْعَجِّ وَ الشَّجِّ: (۴)

یعنی، از ابی بکر صدیق (رض) روایت شده است که: از رسول خدا (ص)  
سؤال شد چه حج افضل است؟ فرمود: عَجّه زدن یعنی فریاد زدن  
به لَبَّيْكَ و قربانی کردن. و از حضرت صادق (ع) روایت شده که گفت:  
همانا رسول خدا (ص) چون احرام بست جبرئیل آمد و گفت اصحابت

را امرکن به صدا بلند کردن برای لَبَّيْكَ، و شتر نحر نمودن.  
۶- ج عَنْ سَهْلِ بْنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَلْبِسِي إِلَّا  
لَبَّيْ مَنْ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ مِنْ حَجَرٍ أَوْ شَجَرٍ أَوْ مَدْرٍ حَتَّى

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۱ .

(۳) و (۴) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۰ .

تَنْقَطِعُ الْأَرْضُ مِنْ هَهُنَا وَ هَهُنَا<sup>(۱)</sup>!

یعنی، روایت است از سهل از رسول خدا (ص) که فرمود: هیچ مسلمانی لَبَّيْکَ نمی‌گوید مگر اینکه هرچه از راست و چپ او هستند از سنگ و درخت و کلوخ تا آخر زمین همه لَبَّيْکَ گویند از اینجا و اینجا.

۷- ش عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ لَبَّيْ فِي إِحْرَامِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِيْمَانًا وَ احْتِسَابًا أَشْهَدَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفٍ بِرَأْتَفٍ مِنَ النَّارِ وَ بِرَأْتَفٍ مِنَ النَّفَاقِ<sup>(۲)</sup> وَ قَالَ (ص): مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلَبِّيًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا<sup>(۳)</sup>!

یعنی، از حضرت باقر ع روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: کسیکه در احرام خود هفتاد مرتبه لَبَّيْکَ گوید از روی ایمان و از جنبه الهی، خدا برای او هزار هزار گواه گیرد که او از آتش و از نفاق دور است. و رسول خدا (ص) فرمود: هر حج‌کننده‌ای که قبل از ظهر تا ظهر لَبَّيْکَ بگوید وقت غروب خورشید گناهان او باغروب خورشید زائل گردد.

۸- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: لَمَّا لَبَّيْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَالَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ» وَ كَانَ (ص) يُكْثِرُ مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ وَ كَانَ يُلَيِّسِي كَلِمًا لَقِيَ رَأِيْبًا أَوْ عَلَى أَكْمَفٍ، أَوْ هَبَطَ وَادِيًا، وَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، وَ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ<sup>(۴)</sup>!

یعنی، از حضرت صادق (ع) روایت شده که: چون رسول خدا (ص) تلبیه گفت، گفت: لَبَّيْكَ... تا آخر. و ذَا الْمَعَارِجِ را تکرار میکرد. و چنین بود که هر زمان سواره‌ای را ملاقات میکرد لَبَّيْکَ میگفت و نیز لَبَّيْکَ میگفت بر سر هر تپه‌ای و یا هرگاه سرازیر میشد و آخر شب و در عقب نمازها.

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۱  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۶  
 (۳) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۶  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۴



۹- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْحَجَّ فَكَتَبَ إِلَيَّ مِنْ بَلَدِهِ كِتَابَهُ مِمَّنْ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُرِيدُ الْحَجَّ يُؤَدِّنُهُمْ بِذَلِكَ لِيُحَجَّ مِنْ أَطَاقِ الْحَجِّ، فَأَقْبَلَ النَّاسُ، فَلَمَّا نَزَلَ الشَّجْرَةَ أَمَرَ النَّاسَ بِتَنْفِ الْإِبْطِ، وَحَلْقِ الْعَانِفِ، وَالغُسْلِ وَالتَّجَرُّدِ فِي إِزَارٍ وَرِدَاءٍ، أَوْ إِزَارٍ وَعِمَامَةٍ يَضَعُهَا عَلَى عَاتِقِهِ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ رِدَاءٌ، وَذَكَرَ أَنَّهُ حَيْثُ لَبَّيْتُ قَالَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ»، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُكْثِرُ مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ، وَكَانَ يَلْبَسِي كُلَّمَا يَلْقَى رَاكِبًا، أَوْ عَلَا أَكْمَةً أَوْ هَبَطَ وادِيًا، وَمِنْ آخِرِ اللَّيْلِ، وَفِي آدْبَارِ الصَّلَاةِ (۱)!

یعنی، حضرت صادق (ع) فرمود: رسول خدا (ص) به یاد حج کرد و نوشت به هر کس که کتابش رسید از کسانیکه وارد اسلام شده بودند که رسول خدا (ص) اراده حج دارد و ایشان را اعلام کرد تا اینکه هر کس میتواند حج کند حج نماید، پس مردم رو آوردند و چون به مسجد شجره نزول نمود امر کرد مردم را به برطرف کردن موی زیر بغل و موی عانه و غسل و مجرد شدن در یک لنگ و رداء و یالنگ و عمامه ای که برگردن بیندازد هر کس رداء ندارد (و مقصود از ردا حوله ای بوده که بر شانه می انداختند) و چون لببیک گفت چنین گفت: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ». و رسول خدا (ص) در تلبیه کلمه ذی المعارج را زیاد میگفت مثلاً میگفت: «لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ» و هر زمان سواره ای را ملاقات میکرد تلبیه میگفت و یا به هر پشته بالا میرفت و یا سرازیردستی میشد و آخر شب و در عقب نمازها تلبیه میگفت.

۱۰- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) أَنَّ النَّبِيَّ (ص) أُرْدِفَ الْفُضْلَ مِنْ جَمْعِ إِلَيَّ مِنْنِي، وَ أَخْبَرَنِي الْفُضْلُ أَنَّ النَّبِيَّ (ص) لَمْ يَزَلْ يَلْبَسِي حَتَّى رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ (۲)

(۱) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۵۸  
(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۲۲۱

یعنی، ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا (ص) فضل را ردیسیف خود قرار داد از جمع تا منی. و (ابن عباس گوید) فضل مرا خبر داد که رسول خدا (ص) همواره لبیک گفت تا جمره عقبه را رمی نمود.

۱۱- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: قَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) التَّلْبِيَةَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ (۱) وَفِي رِوَايَةٍ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ (۲)

یعنی، حضرت صادق<sup>ع</sup> فرمود: رسول خدا (ص) لبیک گفتن را وقت مایل شدن خورشید در روز عرفه قطع کرد. و در روایتی: وقت زوال خورشید.

۱۲- ج عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: يَلْبِي الْمَعْتَمِرُ حَتَّى يَسْتَلِمَ الْحَجَرَ (۳)

یعنی، از ابن عباس (رض) از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: آنکه عمل عمره بجا می‌آورد لبیک می‌گوید تا اینکه حجر الاسود را دست بمالد.

۱۳- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع): يَا عَلِيُّ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جُمُعَةٌ "إِلَى أَنْ قَال: " وَ لِاتِّجَاهِ رُ بِي التَّلْبِيَةَ (۴)

یعنی، از حضرت صادق<sup>ع</sup> روایت شده که در وصیت رسول خدا (ص) به علی فرمود: ای علی بر زنان نماز جمعه نیست تا آنکه فرمود: بلند گفتن لبیک نیز برزن نیست.

- (۱) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۹  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۶۰  
 (۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۱  
 (۴) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۵۱

## أبواب أنواع النسك وأعماله

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ (۱)

بدانکه حج سه نوع می باشد: اِفراد، تَمَتُّع و قِران. در حج اِفراد، حج کننده نیت احرام برای حج مفرد می کند یعنی نیت فقط برای حج تنها می نماید و پس از تَلْبِیَّه به اعمال و مناسک حج می پردازد. در این نوع حج ذبح قربانی واجب نیست. ضمناً هرگاه کسی دیر به مکه برسد مثلاً روز نهم ذیحجه برسد به طوری که وقت برای او و تنگ است و نمی تواند اعمال عمره را انجام دهد، چنین شخصی با ید نیت حج اِفراد کند و مستقیماً برای مناسک حج به عرفات برود و پس از انجام مناسک به مکه برگردد و عمره مفرد به جا آورد. اما حج قِران آن است که حج گزار احرام را به نیت حج و عمره با هم ببندد و به نیت هردو تلبیه کند و به انجام مناسک بپردازد. در این نوع حج، حاجی تا پایان مناسک حج و عمره بر احرام خود باقی خواهد بود یعنی مانند حج تَمَتُّع نیست که بین عمره و حج از احرام خارج و از اموری متمتع شود بلکه باید با همان احرامی که ابتدا بسته اعمال حج و عمره را به پایان برساند. در این نوع حج، حج کننده از ابتدای مناسک یعنی زهران موقع احرام بستن باید قربانی خود را به همراه داشته باشد. و اما حج تَمَتُّع آن است که حج کننده در مناسک حج به نیت عمره احرام ببندد و تلبیه کند و چون به مکه رسید طواف وسعی و نماز طواف را انجام دهد و سپس با تحلیق یا تقصیر از احرام خارج شود و مجدداً در روز هشتم ذیحجه لباس احرام به تن کرده، مُحْرَم شود و اعمال حج را به پایان برساند. در این نوع حج اعمال عمره قبل از حج انجام می شود و آن را حج تَمَتُّع از این جهت گویند که شخصی مکلف پس از پایان حج اصغر یعنی عمره، از احرام خارج و تا قبل از احرام مجدد برای حج اکبر از چیزهایی که در حال احرام بر او حرام بوده، متمتع و بهره مند می شود. به نظر ما با توجه به آثار رسیده، حج تَمَتُّع افضل از افراد و قِران است.

### ۲۳- باب الافراد بالحج

۱- ج و ش عَن عَائِشَةَ (رَضِيَ) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَفْرَدَ الْحَجَّ، وَفِي

(۱) قرآن / سوره بقره / آیه: ۱۹۶.

(۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۲.

رَوَايَةُ: أَهْلَ بِالْحَجِّ مُفْرَدًا! (۱) وَ عَنِ الْبَاقِرِ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَبَّى بِالْحَجِّ (۲)

یعنی، از عایشه روایت کرده اند که رسول خدا (ص) حج مفرد آورد. و در روایتی احرام بست و لبیک گفت به حج مفرد. و از حضرت باقر (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) لبیک گفت به حج. (البته رسول خدا (ص) بعداً عمره را نیز داخل حج خود نموده و به آن اضافه نمود، و حج خود را بطور قرآن بجا آورد.)

۲- ج وَ عَنِ عَائِشَةَ قَالَتْ: خَرَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ (ص) غَامَ حَجَّةِ الْوُدَاعِ فَمِنَّا مَنْ أَهَلَ بِعُمْرَةٍ وَمِنَّا مَنْ أَهَلَ بِحَجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَمِنَّا مَنْ أَهَلَ بِالْحَجِّ وَ أَهَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِالْحَجِّ فَأَمَّا مَنْ أَهَلَ بِالْحَجِّ أَوْ جَمَعَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فَلَمْ يَحِلَّ حَتَّى كَانَ يَوْمَ النَّحْرِ! (۳) وَ فِي رَوَايَةٍ لِبَازِيرٍ: أَهَلَ النَّبِيُّ (ص) وَ أَصْحَابُهُ بِالْحَجِّ مُفْرَدًا! (۴)

یعنی، از عایشه روایت کرده اند که گفت: با رسول خدا (ص) در سال حجة الوداع بیرون آمدم، بعضی از ما مُحْرِم شد به عمره، و بعضی از ما مُحْرِم شد به حج و عمره و بعضی از ما مُحْرِم شد به حج. و اما آنکه محرم شد به حج و یا جمع کرد حج و عمره را پس او از احرام خارج نشد تا روز مینی که یوم النحر است. و در روایت جابری آمده که رسول خدا (ص) و اصحابش محرم شدند به حج افرادی.

## ۲۴- باب التمتع بالعمرة إلى الحج

۱- ش عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ: الْحَجُّ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ: حَجٌّ مُفْرَدٌ، وَ قِرَانٌ، وَ تَمَتُّعٌ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، وَ بِهَا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ الْفَضْلُ فِيهَا، وَ لِأَنَّ مَرَّ النَّاسِ إِلَّا بِهَا! (۵)

یعنی، از جعفر بن محمد (ع) روایت شده که گفت: حج سه نوع است: حج مفرد، و حج قرآن، و حجیکه تمتع کند به عمره به سوی حج، و به حج تمتع

- (۱) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۲.  
 (۲) وسائل الشیعه / ج ۹ / ص ۲۹.  
 (۳) و (۴) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۲.  
 (۵) وسائل الشیعه / ج ۸ / ص ۱۴۸.

رسول خدا (ص) امر نمود و فضیلت در آن است (یعنی افضل است) و ما مردم را امر نمی‌کنیم جز به آن .

۲- ج عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ (رض) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ مَتَعَةِ الْحَجِّ فَقَالَ :  
 أَهْلَ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارَ وَ أَزْوَاجَ النَّبِيِّ (ص) فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَ  
 أَهْلَانَا فَلَمَّا قَدِمْنَا مَكَّةَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) اجْعَلُوا إِهْلَاكَكُمْ  
 بِالْحَجِّ عُمْرَةً إِلَّا مَنْ قَلَدَ الْهَدْيِ . فَطَفْنَا بِالْبَيْتِ وَ بِالْمُفْصَا وَ  
 الْمَرْوَةَ وَ أَتَيْنَا النَّسَاءَ وَ لَبِسْنَا الثِّيَابَ وَ قَالَ : مَنْ قَلَدَ الْهَدْيِ  
 فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَهُ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيَ مَحَلَّهُ . ثُمَّ أَمَرْنَا عَشِيَّةَ التَّرْوِيَةِ  
 أَنْ نَهَلَ بِالْحَجِّ ، فَإِذَا فَرَعْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ جِئْنَا فَطَفْنَا بِالْبَيْتِ وَ  
 بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ فَقَدْ تَمَّ حَجُّنَا وَ عَلَيْنَا الْهَدْيُ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى  
 - فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ  
 لَمْ يَجِدْ فِصْيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ - إِلَى  
 أَمْطَارِكُمْ ، الشَّاهُ تَجْرَى فَجَمَعُوا نُسُكَيْنِ فِي غَامِ بَيْنِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ  
 فَإِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ سَنَّهُ نَبِيِّهِ وَ أَبَاحَهُ لِغَيْرِ أَهْلِ مَكَّةَ  
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ - . (۱)

یعنی، از ابن عباس وارد شده که سؤال شد از حج تمتع؟ پس گفت:  
 مهاجرین و انصار و زنان رسول خدا (ص) مُحْرِم شدند در سال حَجَّةُ الْوُدَاعِ، و ما مُحْرِم شدیم. پس چون وارد مکه شدیم رسول خدا (ص) فرمود: احرام خود را به حج عمره قرار دهید مگر کسیکه شتر یا هدیه کرده باشد، پس طواف کردیم به خانه کعبه و به صفا و مروه و آمدیم زنان را و پوشیدیم لباسها را. و فرمود: کسیکه شتر هدیه قلاده کرده از احرام خارج نشود تا شتر هدیه را به محلش منسی برساند. سپس رسول خدا (ص) ما را عصر روز ترویبه امر کرد که احرام ببندیم به نیت حج، پس چون از مناسک فارغ شدیم آمدیم و به کعبه طواف کردیم و به صفا و مروه سعی کردیم و بتحقیق حج ما تمام شد و بر ما هدی بود خدایتعالی فرموده: کسیکه بهره مند شد بعمره به سوی حج، پس آنچه ممکن و میسر است از هدی انجام دهد، پس هر کس

نیافت (ونتوانست) سه روز در ایام حج روزه گیرد و هفت روز چون برگشتید - به شهرهای خودتان و گوسفند مجزی است، پس دو نُسک را جمع کردند در یکسال بین حج و عمره، زیرا خدا آنرا در کتابش نازل کرده و رسول او آنرا انجام داده و برای غیر اهل مکه روا داشته است. خدایتعالی فرموده: اینها برای کسی است که خانواده اش مقیم مسجد الحرام نباشد (یعنی اهل مکه نباشد).

۳- ج عَنْ أَبِي جَمْرَةَ الصُّبَعِيِّ (رض) قَالَ: تَمَتَّعْتُ فَنَهَانِي نَاسٌ عَنْ ذَلِكَ فَسَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ فَأَمَرَنِي بِهَا ثُمَّ انْطَلَقْتُ إِلَى الْبَيْتِ فَنِمْتُ فَأَتَانِي آتٌ فِي مَنَامِي فَقَالَ: عُمْرَةٌ مَتَقَبَّلْهُ وَحَجٌّ مَبْرُورٌ، قَالَ: فَأَتَيْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ فَأَخْبَرْتَهُ بِمَا رَأَيْتُ فَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ سَنَةِ أَبِي الْقَاسِمِ (ص) <sup>(۱)</sup> وَفِي رِوَايَةٍ: فَقَالَ لِي ابْنُ عَبَّاسٍ: أَقِمْ عِنْدِي فَأَجْعَلَ لَكَ سَهْمًا مِنْ مَالِي فَقُلْتُ: لِمَ؟ قَالَ: لِلرُّؤْيَا الَّتِي رَأَيْتَ <sup>(۲)</sup>!

یعنی، از ابی جمره صبعی روایت شده که گفت: به حج تمتع رفتم، پس مردمی مرا از این کار نهی کردند، از ابن عباس سؤال کردم، مرا بدان امر نمود، سپس به طرف خانه رفتم و خوابیدم پس در خواب کسی بخوابم آمد و گفت: عمره قبول شده و حج نیکو و پذیرفته شده. گوید: پس نزد ابن عباس رفتم و او را از آنچه در خواب دیده بودم خبر دادم، ابن عباس گفت: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ سَنَةِ ابْنِ عَبَّاسٍ (ص). و در روایتی زیاد کرده که: ابن عباس به من گفت: نزد من اقامت کن تا برایت سهمی از مالم قرار دهم، گفتم برای چه؟ گفت: برای خوابی که دیده‌ای.

۴- ج عَنْ عُمَرَ بْنِ حُصَيْنٍ (رض) قَالَ: أَنْزَلَتْ آيَةُ الْمُتَعَةِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَفَعَلْنَا هَامَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَلَمْ يَحْرِمْهَا قُرْآنٌ وَلَمْ يَنْهَ عَنْهَا حَتَّى مَاتَ <sup>(۳)</sup>!

یعنی، از عمران بن حصین روایت کرده اند که آیه حج تمتع در

(۱) و (۲) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۳ و ۱۲۴.

(۳) التاج الجامع للاصول / ج ۲ / ص ۱۲۴.

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**